



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دوا

شیخ محمد مهدی معنی فرید

و اکسیر حل مشکلات در روایات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوای دردها واکسیر حل مشکلات

نویسنده:

محمد مهدی محقق فرید محقق

ناشر چاپی:

خاطره

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دوای دردها واکسیر حل مشکلات
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	مقدمه
۱۴	«دوای دردها»
۴۱۴	درباره مرکز

دوای دردها و اکسیر حل مشکلات

مشخصات کتاب

سرشناسه: محقق فرید، محمد مهدی، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: دوای دردها و اکسیر مشکلات در کلام اهل بیت علیه السلام [کتاب] / نویسنده محمد مهدی محقق فرید.

مشخصات نشر: مشهد: خاطره، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۶-۰۲۱-۶

موضوع: ائمه اثنا عشر -- احادیث

موضوع: احادیث -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP۱۳۶/۹م/۹۵۲۷ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۹۶۹۹۵

مرکز پخش: مشهد - امام رضای ۵ - کوچه شهید عسکری - پلاک ۵۹

تلفن: ۸۵۱۱۷۱۵ - ۰۹۳۵۳۴۳۵۴۷۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۳

دوای دردها

و

اکسیر حلّ مشکلات

در کلام اهل بیت علیهم السلام

نویسنده: شیخ محمد مهدی محقق فرید

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حمد و سپاس خدائی را که ذوات مقدّسه‌ی چهارده معصوم (علیهم السلام) را خلق نمود و محبّت و ولایت ایشان را در دل های ما قرار داد و ما را به سوی ایشان رهنمون ساخت. امید است که بعد از این نیز ما را یاری نموده و بر معرفت و شناخت هر چه بیشتر نسبت به ایشان ما را مدد نماید و توفیق بهره مندی از کلام شفا بخش ایشان را به همه‌ی ما عنایت فرماید.

به یاری خداوند متعال و مدد و استعانت از ولّیش امام عصر (روحی له الفداء) (۱) روایات ناب این کتاب را پس از سه سال مطالعه و جستجوی مستمر از میان روایات با ارزش شیعه از کتب دست اوّل انتخاب نموده و اکنون در اختیار دوست داران اهل بیت (علیهم السلام) بلکه دوست داران خوبی ها قرار می دهیم.

و چون دواى دردها در میان این روایات است

نام آن را دواى دردها گذاشتم.

۱- امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «ب-رای خدا اسم های نیک-وئی است، پس او را به آن اسم ها بخوانید». (اختصاص: ص: ۲۵۲)

امیدوارم که شفا بخش دردها حضرت بقیّه الله الأعظم حضرت مهدی (عج) هرچه زودتر ظهور نموده و همگی توفیق خدمت گذاری و یاری ایشان را داشته باشیم.

شیخ محمّد مهدی محقق فرید

۱۱ ذو القعدة ۱۴۳۲ ه ق

الهی مُنتَظِرِ مانیم تا چند؟ *** ز هجرِ مُنتَظِرِ نالیم تا چند؟

ظهورش ده که دین را زنده سازد *** دل دشمن ز برق خود گدازد

الهی دولتش نزدیک گردان *** دل غمدیدگان را شاد گردان

صبا، با شه بگو عَشاق مُردند *** به درد انتظارت جان سپردند

صبا، با شه بگو حال خُماران *** ز داغ هجرِ سوزِ بی قراران

صبا، با شه بگو درد جدایی *** که شاید بخشد از و صلش دوایی
صبا، آور نسیمی ز آن نگارم *** که از بوی خوشش بخشی قرارم
صبا، آور نسیم از خاک کویش *** معطر کن مشام جان به بویش
صبا، یکدم به زلف دلبر آویز *** سپس آور به ما بوی دل انگیز
صبا، با شه بگو عشاق چونند *** ز هجر روی تو دل پر ز خونند
بیا ای مظهر عدل الهی *** جهان پر کن ز عدل و دادخواهی
بیا کن باغ دین را آبیاری *** از آن دیو و ددان را ده فراری
بیا ای فخر فرزندان آدم *** به نورت صبح گردان شام عالم
منال ای ناصح از هجران رویش *** صبوری پیشه کن در آرزویش
شود روزی که آید سرور ما *** به دلداری بر آید دلبر ما
شود روزی که با اذن خدایی *** شود ظاهر، سرآید این جدایی
شود روزی که خورشید جمالش *** شود طالع به امر ذو الجلالش
سرآید این شب یلدا ز نورش *** جهان گردد گلستان از ظهورش
شود روزی که قرآن الهی *** کند بر مُلک عالم پادشاهی

بسم الله الرحمن الرحيم

«دوای دردها»

۱- صحیفه الرضا (علیه السلام) ۲۷۵ ح ۱۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): النظر في ثلاثة أشياء عبادة: النظر في وجه الوالدين، وفي المصحف، وفي البحر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: نگاه کردن به سه چیز عبادت است؛ نگاه کردن به چهره‌ی پدر و مادر، نگاه کردن به قرآن و نگاه کردن به دریا.

۲- تحف العقول ۴۴۲: قال الرضا (عليه السلام): من أخلاق الأنبياء التنظف.

امام رضا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: پاکیزگی از اخلاق پیامبران است.

۳- مشارق أنوار اليقين ۲۷۱: رواه صاحب عيون الأخبار، قال: إن أمير المؤمنين (عليه السلام) مرّ في طريق فسايه خيبري فمرّ بواد قد سال، فركب الخيبري مرطه وعبر على الماء، ثم نادى أمير المؤمنين (عليه السلام): يا هذا! لو عرفت كما عرفت لجريت كما جريت، فقال له أمير المؤمنين: مكانك، ثم أوماً إلى الماء فجمد ومرّ عليه. فلما رأى الخيبري ذاك أكب على قدميه وقال: يا فتى! ما قلت حتّى حوّلت الماء حجراً؟ فقال له أمير المؤمنين (عليه السلام): فما قلت أنت حتّى عبّرت على الماء؟ فقال الخيبري: أنا دعوت الله باسمه الأعظم، فقال أمير المؤمنين (عليه السلام): وما هو؟ قال: سألته باسم وصي محمّد، فقال أمير المؤمنين: أنا وصي محمّد، فقال الخيبري: إنه الحقّ. ثمّ أسلم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در مسیری با شخص یهودی همراه شدند پس از مدّتی به رودخانه‌ی پُر آبی رسیدند و شخص یهودی کفش هایش را پوشید و از آب گذشت سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را - در حالی که ایشان را نمی شناخت - صدا زده و گفت: ای فلانی! اگر تو آن چه را که من می دانستم، می دانستی از این آب می گذشتی، پس حضرت به او فرمودند: همان جا بایست تا من به تو

ملحق شوم، سپس به آب اشاره ای کرده و آب منجمد شد و از آن گذشتند. شخص یهودی وقتی این صحنه را مشاهده نمود خود را بر قدم های آن حضرت انداخت و گفت: ای جوان! چه گفتی که آب این چنین منجمد شد؟

حضرت فرمودند: ابتدا تو بگو که چه گفتی و از آب گذشتی؟ گفت: من خدا را به اسم اعظمش خواندم، حضرت فرمودند: چیست آن اسم اعظم؟ گفت: من خدا را به اسم وصی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) خواندم. پس حضرت به او فرمودند: من همان وصی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که خدا را به او خواندی هستم، پس شخص یهودی حضرت را تأیید نموده و مسلمان شد.

۴- تحف العقول ۴۴۲: قال الرضا (عليه السلام): ثلاث من سنن المرسلين: العطر وإحفاء الشعر وكثرة الطروقه.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سه چیز رسم پیغمبران است: عطر زدن، کوتاه کردن موهای زائد بدن و آمیزش بسیار.

۵- تحف العقول ۴۵۰: قال الرضا (عليه السلام): لا يقبل الرجل يد الرجل، فإن قبله يده كالصلاه له.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: مرد نباید دست مرد را ببوسد، که این عمل چون نماز گذاشتن برای اوست.

۶- تحف العقول ۴۵۰: قال الرضا (عليه السلام): قبله الأُمّ على الفم، وقبله الأخت على الخد، وقبله الإمام بين عينيه.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: بوسه‌ی مادر بر دهان است، بوسه‌ی خواهر بر گونه، و بوسه‌ی امام میان دیدگان او.

۷- بحار الأنوار ۲/۲۶۵ ح ۲۰: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): في القلب نور لا يضيء إلا من اتبع الحق وقصد السبيل وهو نور من المرسلين الأنبياء، مودع في قلوب المؤمنين.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در قلب نوری است که نمی تابد مگر به تبعیت از حق و راه درست و آن نور مرسلین و انبیاء است که در قلب های مؤمنین به امانت گذارده شده است.

۸- شهاب الأخبار ۳۳ ح ۷۱: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): البطالة تقسی القلب.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بیکاری، دل را سخت و نامهربان می کند.

۹- شهاب الأخبار ۳۴ ح ۷۳: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): التحدّث بالنعيم شكر.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بازگوئی نعمت ها، بجا آوردن شکر آن ها است.

۱۰- الكافي ۴/۲۸ ح ۱: عبد الله بن ميمون القدّاح، عن أبي عبد الله، عن آبائه (عليهم السلام) قال: صنائع المعروف تقي مصارع السوء.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان روایت کردند که فرمودند: انجام دادن کار نیک، آدمی را از مرگ بد، نگاه می دارد.

۱۱- معانی الأخبار ۱۵۸ ح ۱: قال أبي عبد الله (عليه السلام): كفى بالمرء كذباً أن يحدث بكل ما سمع.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دلیل بر دروغگو بودن مرد همین است که هرچه را بشنود باز گو کند.

۱۲- الأمالی للصدوق ۲۹۹ ح ۱۳: محمّد بن حرب الهلالي أمير المدينة يقول: سمعت الصادق جعفر بن محمّد (عليهما السلام) يقول: العافية نعمه خفيّة، إذا وجدت نسيت، وإذا فقدت ذكرت.

محمّد بن حرب هلالی گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: عافیت نعمتی است پنهان که چون یافت شود فراموش باشد و چون نایاب شود به یاد آید.

۱۳- الكافي ۲/۵۲۳ ح ۸: عن ابن القدّاح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما من يوم يأتي على ابن آدم إلا قال له ذلك اليوم: يا بن آدم! أنا يوم جديد وأنا عليك شهيد، فقل خيراً واعمل فيّ خيراً، أشهد لك به يوم القيامة فإنك لن تراني بعدها أبداً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ روزی نباشد که بر فرزند آدم درآید جز این که

آن روز به او گوید: ای پسر آدم! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواهم، پس در من حرف خوب بزن، و کار خیر بکن تا در روز قیامت برایت گواهی دهم؛ زیرا پس از این هرگز مرا نخواهی دید.

۱۴- الأُمّالی للصدوق ۲۴۷ ح ۳: عن إسماعيل بن مسلم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): عجب لمن يحتمى من الطعام مخافه الداء، كيف لا يحتمى من الذنوب مخافه النار!

امام صادق (علیه السلام) از پدران‌شان روایت کردند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در شکفتن از کسی که به خاطر ترس از درد و مرض از خوراک پرهیز می کند؛ چرا به خاطر ترس از دوزخ از گناهان نمی پرهیزد.

۱۵- الکافی ۲/۲۳۷ ح ۲۵: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من عرف الله وعظمه منع فاه من الكلام وبطنه من الطعام وعفى نفسه بالصيام والقيام، قالوا: بأبائنا وأمهاتنا يا رسول الله! هؤلاء أولياء الله؟ قال: إن أولياء الله سكتوا فكان سكوتهم ذكراً، ونظروا فكان نظرهم عبرة، ونطقوا فكان نطقهم حكمة، ومشوا فكان مشيهم بين الناس بركة، لولا الآجال التي قد كتبت عليهم لم تقر أرواحهم في أجسادهم خوفاً من العذاب وشوقاً إلى الثواب.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل فرمودند که ایشان فرمودند: هر کس خدا را شناخته و بزرگ شمارد، زبانش را از سخن بیهوده نگه می دارد و شکمش را از خوراک زائد بر احتیاج باز می دارد، و نفس خود را با روزه و قیام ریاضت می دهد، اصحاب گفتند: یا رسول الله! پدران و مادران ما به فدایت، این ها اولیاء خدایند؟

حضرت فرمودند: اولیاء خدا خاموشی گزیدند و خاموشی آن ها ذکر بود، و نگریستند و نگاهشان عبرت بود، و سخن گفتند و سخنشان حکمت بود، در میان مردم راه رفتند و راه رفتنشان برکت بود، اگر نبود که اجل و مرگشان (در روز معینی) نوشته شده بود، از ترس عذاب و شوق ثواب، روح آن ها در پیکرشان قرار نمی گرفت.

۱۶- الأمالی للطوسی ۱۳۳ ح ۲۱۴: عن منصور بزرج، قال: قلت لأبی عبد الله الصادق (علیه السلام): ما أكثر ما أسمع منك يا سيدي ذكر سلمان الفارسي؟ فقال: لا تغفل الفارسي، ولكن قل سلمان المحمدي، أتدري ما كثره ذكرى له؟ قلت: لا. قال: لثلاث خصال: أحدها: إثاره هوى أمير المؤمنين (علیه السلام) على هوى نفسه، والثانيه: حبه للفقراء واختياره إياهم على أهل الثروه والعدد، والثالثه: حبه للعلم والعلماء. إنَّ سلمان كان عبداً صالحاً حنيفاً مسلماً وما كان من المشركين.

از منصور بن بزرج روایت شده که گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: ای سید و آقای من! چه بسیار از شما ذکر سلمان فارسی را می شنوم؛ پس حضرت فرمودند: سلمان فارسی مگو! بلکه سلمان محمّدی، بگو، آیا می دانی جهت این که من او را بسیار یاد می کنم چیست؟

راوی گوید عرض کردم: نه، فرمودند: برای سه خصلت است (که در او بوده) یکی از آن ها مقدم می نمود خواست امیر المؤمنین (علیه السلام) را بر میل و خواست خودش، دوّم محبّت و دوستی او نسبت به فقرا و نیازمندان و برگزیدن ایشان بر ثروتمندان و صاحبان فرزند و ذریّه، سوّم دوست داشتن علم و دانش و دانشمندان را، همانا سلمان بنده‌ی شایسته گرونده به حق و مسلمان کامل بوده و از مشرکین نبوده است.

۱۷- الخصال ۴۴۷ ح ۴۸: عن عبد العزيز القراطيسي قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): يا عبد العزيز! إنَّ الإيمان عشر درجات به منزله السلم يصعد منه مرقاه بعد المرقاه، فلا تقولنَّ صاحب الواحد لصاحب الاثنين: لست على شيء حتى ينتهي إلى العاشره، ولا تسقط من هو دونك فيسقطك الذي هو فوقك، فإذا رأيت من هو أسفل منك فارفعه إليك برفق، ولا تحملنَّ عليه ما لا يطيق فتكسره فإنه من كسر مؤمناً فعليه جبره وكان المقداد في الثامنه، وأبو ذرّ في التاسعه، وسلمان في العاشره.

عبد العزيز قراطيسي گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای عبد العزيز! برآستی که ایمان ده درجه است به مانند نردبان که می بایست پله پله از آن بالا رفت، پس کسی که دارای یک درجه از ایمان است به آن که دارای دو درجه است نباید بگوید تو را ایمانی نیست و همین طور (دوّمی به سوّمی)

تا به دهمی برسد، و آن را که در درجه‌ی پائین از تو است نباید ساقط از ایمانش پنداری (که اگر چنین باشد) آن که در درجه بالاتر از تو است می بایست تو را ساقط پندارد.

بلکه پائین تر از خود را که دیدی با مهربانی به درجه‌ی خودت برسان و آن چه را که توانائیش را ندارد بر او بار مکن که کمرش خواهد شکست و حقاً کسی که دل مؤمنی را بشکند بر او لازم است که جبرانش کند و بهبودش سازد، و مقدار در درجه‌ی هشتم بود و ابو ذر در درجه‌ی نهم و سلمان در درجه‌ی دهم.

۱۸- الاختصاص ۲۵۱: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّ الرئاسه لا تصلح إلا لأهلها، فمن دعا الناس إلى نفسه وفيهم من هو أعلم منه لم ينظر الله إليه يوم القيامة.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا ریاست جز برای اهلش صلاحیت ندارد، پس هر کس مردم را به سوی خود بخواند در حالی که در میان مردم از او عالم تر و با صلاحیت تر باشد خداوند در روز قیامت نظر رحمت به او نمی کند.

۱۹- بحار الأنوار ۲۲/۳۴۱ ح ۵۲: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، إِنَّ الْجَنَّةَ لِأَشْوَقَ إِلَى سَلْمَانَ مِنْ سَلْمَانَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْجَنَّةَ لِأَعَشَقَ لِسَلْمَانَ مِنْ سَلْمَانَ لِلْجَنَّةِ، الْخَبِير.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا بهشت به سلمان از سلمان به بهشت مشتاق تر و عاشق تر است.

۲۰- الکافی ۱/۴۰۱ ح ۲: عن مسعده بن صدقه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ذكرت التقية يوماً عند علي بن الحسين (عليهما السلام) فقال: والله لو علم أبو ذر ما في قلب سلمان لقتله ولقد آخا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) بينهما، فما ظنكم بسائر الخلق! إن علم العلماء صعب مستصعب، لا يحتمله إلا نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان، فقال: وإنما صار سلمان من العلماء لأنه امرء من أهل البيت، فلذلك نسبتة إلى العلماء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روزی نزد علی بن الحسین (علیهما السلام) سخن از تقیه پیش آمد آن حضرت فرمودند: به خدا اگر ابوذر می دانست آن چه در دل سلمان

است این علم او را می کشت، در صورتی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میان آن دو برادری برقرار کرده بود، پس درباره‌ی مردم دیگر چه گمان دارید؟

همانا علم علماء سخت و دشوار است، و جز پیغمبر مرسل یا فرشته‌ی مقرب یا بنده‌ی مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده کسی طاقت تحمّل آن را ندارد، سپس فرمودند: و سلمان از این رو از جمله‌ی علما شد که او مردی است از ما خانواده و از این جهت او را در ردیف علماء آوردم.

۲۱- الکافی ۸/۱۶۲ ح ۱۶۸: عن صالح الأحول قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: آخا رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بين سلمان وأبي ذرّ واشترط على أبي ذرّ أن لا يعصى سلمان.

صالح احوال می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میان سلمان و ابوذر برادری برقرار کرد و بر ابوذر شرط کرد که از سلمان نافرمانی نکند.

۲۲- بصائر الدرجات ۵۱ ح ۱: عن بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول الله تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ} (۱)؟ قال: إيانا عنى.

بُرَيْدِ عَجَلِيِّ می گوید: از امام باقر (علیه السلام) سؤال نمودم در مورد گفتار خدای تعالی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و ملازم و همراه صادقین باشید»؟ ایشان در جواب فرمودند: مراد از «صادقین» در این آیه، ما اهل بیت هستیم (دقت کنید! فقط به همراهی و ملازمت با ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) امر شده است نه غیر ایشان).

۲۳- الاختصاص ۱۱: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال سمعته يقول: إنَّ سلمان علم الاسم الأعظم.

ابو بصیر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: همانا سلمان اسم اعظم می دانست.

۲۴- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۵۷ ح ۲۰۳: علی بن الحسین (علیهما السلام) قال: دعا سلمان أبا ذرّ رحمه الله عليهما إلى منزله فقدم إليه رغيفين فأخذ أبو ذرّ الرغيفين فقلبهما فقال سلمان: يا أبا ذرّ! لأى شىء تقلّب هذين الرغيفين قال: خفت أن لا يكونا نضيجين، فغضب سلمان من ذلك غضباً شديداً ثم قال: ما أجرأك حيث تقلّب هذين الرغيفين، فوالله لقد عمل فى هذا الخبز الماء الذى تحت العرش وعملت الملائكة حتى القوه إلى الريح وعملت فيه الريح حتى ألقته إلى السحاب وعمل فيه السحاب حتى أمطره إلى الأرض وعمل فيه الرعد والبرق والملائكة حتى وضعوه مواضعه وعملت فيه الأرض والخشب والحديد والبهايم والنار والحطب والملح وما لا أحصيه أكثر، فكيف لك أن تقوم بهذا الشكر، فقال أبو ذرّ إلى الله أتوب وأستغفر إليه ممّا أحدثت وإليك أعتذر ممّا كرهت.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: روزی سلمان فارسی ابوذر غفاری رحمه الله علیهما را به مهمانی دعوت نمود، پس از ورود ابوذر به منزل، سلمان دو قرص نان بر سر سفره نهاد. ابوذر آن دو قرص نان را به دست گرفت و به این طرف و آن طرف نان نگاهی کرد. سلمان گفت: ای ابوذر! برای چه این نان ها را مورد دقّت قرار می دهی؟ ابوذر گفت: چون احتمال دادم خوب پخته نشده باشد.

ناگهان سلمان خشمگین شد و خیلی ناراحت گردید و گفت: ای ابوذر! خیلی جرأت داری که این نان ها را به این طرف و آن طرف می گردانی و دقّت میکنی؛ به خدا سوگند در راه تهیهی این نان آب زیر عرش فعالیت کرده و ملائکه مأموریت یافته که آب را در اختیار باد قرار دهد و باد هم به نوبهی خود او را به ابر تحویل دهد و ابر هم او را به صورت باران به زمین برساند و رعد و برق و ملائکه در این راه انجام وظیفه نموده تا مراحل طی شود.

و در راه تهیهی این نان نیز زمین و چوب و آهن و حیوان و آتش و هیزم و نمک و چیزهای دیگری که نمی شود شمارش کرد به کار گمارده شده است؛ ای ابوذر! چگونه می توانی شکر و سپاس این همه را به جای آوری؟ ابوذر مُتَبَّه شده و گفت: توبه می نمایم و به سوی خدا بازگشت می کنم و از این غفلتی که از من واقع شده استغفار می نمایم و از تو هم معذرت می خواهم چون عملی که تو را ناراحت کرده انجام دادم.

۲۵- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۵۷ ح ۲۰۳: علی بن الحسین (علیهما السلام) قال: دعا سلمان أبا ذرّ ذات يوم إلى ضیافه فقدم إليه من جرابه كسره یابسہ وبلها ركوته فقال أبو ذرّ: ما أطيب هذا الخبز لو كان معه ملح فقام سلمان وخرج ورهن ركوته بملح وحمله إليه فجعل أبو ذرّ يأكل ذلك الخبز ويدرّ عليه ذلك الملح ويقول: الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعه، فقال سلمان: لو كانت قناعه لم تكن ركوتي مرهونه.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: سلمان روزی ابو ذر را دعوت کرده و از کیسه‌ی نان خود پاره نان خشکی بیرون آورد و با ظرف آبی که داشت آن قطعه نان را مرطوب نمود و پیش ابو ذر نهاد.

ابو ذر گفت: این نان چقدر خوب و پاکیزه است اگر نمکی هم بود که با او می خوردیم بد نبود، سلمان نمک نداشت بیرون رفت ظرف آب را گرو گذاشته مقداری نمک تهیه کرد و آورد و ابو ذر مشغول خوردن نان شد و از آن نمک روی نان می پاشید و می گفت: حمد و سپاس خدا را که به ما صفت قناعت را عنایت فرموده.

سلمان گفت: اگر قناعت در میان بود ظرف آب من به گرو نمی رفت.

۲۶- من لا یحضره الفقیه ۲/۶۱۲: فی الزیاره الجامعه: اللّٰزم لکم لاحق...، وضلّ من فارقکم، وفاز من تمسّک بکم.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: کسی که با شما اهل بیت همراه باشد به شما پیوسته است، و هر کس از شما جدا شود گمراه می گردد و نیز هر کس به شما متمسک شود به رستگاری می رسد.

۲۷- معانی الأخبار ۲۳۴ ح ۱: عن أبي بصير، قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام)، يحدث، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يوماً لأصحابه: أيكم يصوم الدهر؟ فقال سلمان (رحمه الله): أنا يا رسول الله. فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): فأأيكم يحيى الليل؟ قال سلمان: أنا يا رسول الله. قال: فأأيكم يختم القرآن في كلّ يوم؟ فقال سلمان: أنا يا رسول الله، فغضب بعض أصحابه فقال: يا رسول الله! إنّ سلمان رجل من الفرس يريد أن يفتخر علينا! قلت: أيكم يصوم الدهر؟ قال: أنا، وهو أكثر أيامه يأكل، وقلت أيكم يحيى الليل؟ فقال: أنا، وهو أكثر ليله نائم، وقلت:

أَيُّكُمْ يَخْتُمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ فَقَالَ: أَنَا، وَهُوَ أَكْثَرُ أَيَّامِهِ صَامِتًا! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَهْ يَا فُلَانُ! أَنَّى لَكَ بِمِثْلِ لَقْمَانَ الْحَكِيمِ! سَلِّهِ فَإِنَّهُ يَنْبُتُكَ. فَقَالَ الرَّجُلُ لِسُلْمَانَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَصُومُ الدَّهْرَ؟ فَقَالَ، نَعَمْ. فَقَالَ: رَأَيْتَكَ فِي أَكْثَرِ نَهَارِكَ تَأْكُلُ؟ فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنِّي أَصُومُ الثَّلَاثَةَ فِي الشَّهْرِ وَقَالَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ): {مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا} (۱) وَأَصْلُ شَعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ فَذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ، فَقَالَ: أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَحْيِي اللَّيْلَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ: إِنَّكَ أَكْثَرَ لَيْلِكَ نَائِمٌ. فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ: مَنْ بَاتَ عَلَى طَهْرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ، فَأَنَا أَبِيتُ عَلَى طَهْرٍ، فَقَالَ: أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَخْتُمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَنْتَ أَكْثَرُ أَيَّامِكَ صَامِتًا، فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا أَبَا الْحَسَنِ! مِثْلَكَ فِي أُمَّتِي مِثْلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَقَدْ قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَقَدْ قَرَأَ ثَلَاثِي الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثًا فَقَدْ خَتَمَ الْقُرْآنَ، فَمَنْ أَحْبَبَكَ بِلِسَانِهِ فَقَدْ كَمَلَ لَهُ ثَلَاثُ الْإِيمَانِ، وَمَنْ أَحْبَبَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ فَقَدْ كَمَلَ لَهُ ثَلَاثُ الْإِيمَانِ، وَمَنْ أَحْبَبَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ بِيَدِهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ. وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ يَا عَلِيُّ! لَوْ أَحْبَبَكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَحَبَّةِ أَهْلِ السَّمَاءِ لَكَ لَمَّا عَذَّبَ أَحَدٌ بِالنَّارِ، وَأَنَا أَقْرَأُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَامَ فَكَأَنَّهُ قَدْ أَلْقَمَ حَجْرًا.

ابو بصیر گوید: شنیدم حضرت صادق (علیه السلام) از پدرش از اجدادش (علیهم السلام) روایت کرد که فرمودند: روزی پیامبر به یاران خود چنین فرمودند: کدام یک از شما همه‌ی عمر روزه دار هستید؟ سلمان (رحمه الله) گفت: یا رسول الله! من.

سپس پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: چه شخصی از شما تمامی شب‌ها شب زنده دار است؟ سلمان جواب داد: ای پیغمبر خدا! من.

فرمودند: کدام یک از شما هر روز همه‌ی قرآن را از آغاز تا پایان می‌خواند؟ سلمان گفت: یا رسول الله! من.

یکی از اصحاب آن حضرت (عمر بن خطاب) با لحنی خشن گفت: ای رسول خدا! سلمان مردی فارسی زبان است و قصد دارد بر ما عرب‌ها بیابد، در جواب سؤالتان که کدام یک از شما تمامی عمرش روزه دار است؟ گفت: من، با این که بیشتر روزها غذا می‌خورد، و فرمودید کدام یک از شما همه‌ی

شب برای عبادت بیدار می ماند، گفت: من، در صورتی که بیشتر شب ها خواب است، و فرمودید: چه کسی از شما هر روز یک قرآن می خواند، گفت: من، با این که بیشتر روزش خاموش است.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خاموش باش ای مرد! تو را چه با همانند لقمان حکیم؟ از خودش بی پرس تا آگاهی سازد، آن مرد به سلمان گفت: ای بنده ی خدا، تو نگفتی همه ی روز روزه داری؟ جواب داد: آری. گفت: ولی من تو را دیده ام که بیشتر روزها غذا می خوری! پاسخ داد: چنان نیست که تو گمان بردی من در هر ماه سه روز روزه می گیرم و خدای (عزوجل) فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (شخصی که عمل نیکی انجام دهد ده برابر آن ثواب خواهد داشت) و روزه ی ماه شعبان را به ماه رمضان پیوند می کنم و این روزه همه ی عمر می شود.

گفت: تو خیال نکردی که همه ی شب بیداری؟ گفت: بلی، افزود: (ولی) بیشتر شب ها در خوابی! سلمان در جوابش گفت: چنان نیست که تو پنداشته ای، من از دوستم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمودند: هر کس با وضو بخوابد چنان است که همه ی شب را شب زنده دار بوده و من همواره با وضو می خوابم.

گفت: آیا گمان نبردی هر روز همه ی قرآن را می خوانی؟ گفت: آری. گفت: اما بیشتر روز را خاموشی! سلمان گفت: چنان نیست که تو فهمیده ای، من از دوستم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که به علی (علیه السلام) فرمودند: «ای أبا الحسن مَثَلُ تُو در اُمَّتَمِ هَمَانِدُ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» است که هر کس آن را یک بار بخواند یک سوّم قرآن را خوانده، و هر کس دو بار بخواند، دو سوّم قرآن را تلاوت کرده، و هر کس سه مرتبه بخواند همه ی قرآن را خوانده است.

ای علی! آن کس که تو را به زبانش دوست بدارد یک سوّم ایمان، و آن که با زبان و دلش به تو مهر ورزد دو سوّم ایمان را دارد، و کسی که نه تنها به

زبان و دل علاقمند باشد بلکه با دست خویش یاریت دهد ایمانش کامل است.

ای علی! قسم به آن که مرا به حق فرستاده اگر تمامی اهل زمین تو را دوست داشته باشند، چنان که اهل آسمان تو را دوست می دارند، خدا هیچ فردی را در جهنم عذاب نمی کند» و من هر روز سه بار «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را می خوانم. آن مرد معتزض همچون کسی که سنگ در دهانش نهاده باشند (و نتواند حرف بزند) از جا برخاست.

۲۸- مشارق أنوار الیقین ۵۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): فينا طريق النجاه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: راه نجات، فقط در همراهی و ملازمت با ما است.

۲۹- الاختصاص ۱۲: عن عباس بن حمزه الشهرزوری رفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان سلمان يطبخ قدرًا فدخل عليه أبو ذرّ فانكبّت القدر فسقطت على وجهها ولم يذهب منها شيء فردّها على الأثافي ثم انكبّت الثانية فلم يذهب منها شيء فردّها على الأثافي، فمرّ أبو ذرّ إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) مسرعاً قد ضاق صدره ممّا رأى وسلمان يقفوا أثره حتى انتهى إلى أمير المؤمنين (عليه السلام)، فنظر أمير المؤمنين إلى سلمان فقال له: يا أبا عبد الله! ارفق بأخيک.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: روزی سلمان در دیگی غذا می پخت که ابوذر بر او وارد شد پس دیگ در آن هنگام واژگون شد ولی چیزی از داخل آن به بیرون نریخت، سلمان دیگ را از روی زمین برداشته و آن را دو مرتبه روی اجاق گذاشت، پس از لحظاتی دوباره دیگ واژگون شد و چیزی از داخل آن بیرون نریخت و سلمان نیز دوباره آن را روی اجاق گذاشت.

پس ابوذر از نزد سلمان بیرون رفت در حالی که سینه اش تنگ شده بود و به نزد امیر المؤمنین (عليه السلام) آمد، و سلمان نیز پشت سر او خود را به امیر المؤمنین (عليه السلام) رسانید؛ پس حضرت به سلمان نگریسته و فرمودند: با برادرت مدارا کن.

۳۰- معانی الأخبار ۴۰۱ ح ۶۳: عن عمر الكرابیسی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: خير شُبانكم من تشبه بکھولکم، وشر کھولکم من تشبه بشُبانکم.

عمر کرابیسی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بهترین جوانان شما آنانند که خود را همانند پیرانان سازند، و بدترین پیران شما آن هانند که خویشان را همانند جوانانان سازند.

۳۱- المزار للمشهدی ۵۷۹: فی دعاء الندبه: أين السَّبب المتَّصل بين الأرض والسماء.

در دعای ندبه آمده است: کجاست! آن سبب و وسیله‌ی متّصل کننده‌ی بین آسمان و زمین.

۳۲- الأمالی للصدوق ۵۳۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):...، التدبير قبل العمل يؤمنك من الندم، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: تدبیر و چاره اندیشی قبل از عمل، تو را از پشیمانی ایمن می سازد.

۳۳- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۷۵ ح ۳۲۳: عن علي بن أبي طالب (عليه السلام) أنّ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، قال: من حقّ الضيف أن تمشي معه فتخرجه من حریمك إلى الباب.

علی بن ابی طالب (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نمودند: از حقوق میهمان بر صاحب خانه آن است که هنگام برگشت تا درب منزل او را مشایعت نماید.

۳۴- مشارق أنوار الیقین ۵۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): نحن ينابيع النعمه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما چشمه های نعمت پروردگار هستیم.

۳۵- التوحید ۳۷۱ ح ۱۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): الدنيا كلها جهل إلا- مواضع العلم، والعلم كله حجّه إلا ما عمل به، والعمل كله رياء إلا ما كان مخلصاً، والإخلاص على خطر حتى ينظر العبد بما يختم له.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همه‌ی دنیا جهل و نادانی است مگر مواضع علم، و همه‌ی علم حجّت است مرگ آن چه به آن عمل شود، و همه‌ی علم ریا

است مگر آن چه با اخلاص باشد، و اخلاص بر خطر است تا آن که بنده نظر کند به آن چه از برایش ختم می شود.

۳۶- مکیال المکارم ۱/۱۶۴: عن الصادق (علیه السلام) قال: يأتي إلى القائم (عليه السلام) حين يظهر رجل من إصفهان ويطلب منه معجزه إبراهيم خليل الرحمن، فيأمر (عليه السلام) أن توقد نار عظيمة ويقرأ قوله تعالى: ﴿فَسَبِّحْ بِحَانَ الذِّي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (۱) ثم يدخل في النار ثم يخرج منها سالمًا، فينكر الرجل لعنه الله تعالى عليه ويقول: هذا سحر، فيأمر القائم (عليه السلام) النار فتأخذه وتحرقه فيحترق، ويقول: هذا جزاء من أنكر صاحب الزمان وحجّه الرحمن.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) شخصی از اصفهان پیش آن حضرت آمده و از او می خواهد که معجزه‌ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) را برای او بیاورد، پس آن حضرت دستور می دهند که آتش بزرگی برافروخته شود و این آیه را تلاوت می کنند: «پس پاک و منزّه است آن خدائی که در دست او ملکوت هر چیزی است و به سوی او بر می گردید»، سپس آن حضرت داخل آتش شده و در صحت و سلامت کامل از آن بیرون می آیند اما آن شخص - که لعنت خدا بر او باد - این معجزه را انکار کرده و آن را سحر و جادو می شمارد.

پس آن حضرت به آتش امر کرده که او را در خود فرو برده و بسوزاند، آتش نیز چنین کرده و آن شخص را می سوزاند آن گاه حضرت می فرمایند: این جزای کسی است که صاحب زمان و حجّت خدا را انکار نماید.

۳۷- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۴۹ ح ۱۶۲: عن علي بن الحسين (عليهما السلام) أنه قال في قول الله: ﴿لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾ (۲): قامت امرأه العزيز إلى الصنم فألقت عليه ثوباً فقال لها يوسف: ما هذا؟ قالت: أستحي من الصنم أن يرانا، فقال لها يوسف: أتستحيين ممن لا يسمع ولا يبصر ولا يفقه ولا يأكل ولا يشرب ولا أستحيي أنا ممن خلق الإنسان وعلمه فذلك قوله: ﴿لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾.

۱- یس، الآیه ۸۳.

۲- یوسف، الآیه ۲۴.

از حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) مروی است که در آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾ فرمودند: زلیخا زن عزیز مصر در هنگامی که به حضرت یوسف (علیه السلام) آویخته بود برخاست و جامه بر روی بت افکند یوسف (علیه السلام) به او گفت: این عمل از چه جهت بود؟

عرض کرد: حیا می‌کنم از این بت که ما را ببیند؛ یوسف (علیه السلام) گفت: آیا حیا می‌کنی از چیزی که نمی‌بیند و نمی‌شنود و نمی‌داند و نمی‌خورد و نمی‌آشامد؟ یعنی از جمادی حیا می‌کنی و من حیا نکنم از کسی که انسان را آفریده و او را دانا کرده؛ پس این است معنی آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾.

۳۸- مشارق أنوار الیقین ۶۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كلما خرج إلى أهل السماوات والأرض فمنا وعنا.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر آن چه که به سوی اهل آسمان‌ها و زمین خارج می‌شود از دریای رحمت ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان عطا می‌گردد.

۳۹- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۲۳۹ ح ۳۹: عن محمد بن الفضیل قال: نزلت بطن مرّ، فأصابني العرق المديني في جنبی وفي رجلی فدخلت علی الرضا (علیه السلام) بالمدينة فقال: ما لي أراك متوجعاً فقلت: إنني لما أتيت بطن مرّ أصابني العرق المديني في جنبی وفي رجلی، فأشار (علیه السلام) إلى الذی فی جنبی تحت الإبط وتكلم بكلام وتفل عليه ثم قال (علیه السلام): ليس بأس من هذا ونظر إلى الذی فی رجلی فقال: قال أبو جعفر (علیه السلام): من بلی من شيعتنا بلاء فصبر كتب الله (عزوجل) له مثل أجر ألف شهيد فقلت في نفسي: لا أبرأ واللّه من رجلی أبداً قال الهيثم فما زال يعرج منها حتى مات.

از محمد بن فضیل مروی است که گفت: در وادی مرّ که یک منزلی مکه است وارد شدم و مرا ناخوشی در پهلو و پا حادث شد که آن را عرق المدنی می‌گفتند؛ پس در مدینه بر حضرت رضا (علیه السلام) داخل شدم، فرمودند: از چیست که تو را دردناک می‌بینم؟ عرض کردم: چون به وادی مرّ رسیدم مرا ناخوشی عرق المدنی در پهلو و پا پیدا شده است.

پس آن بزرگوار به آن مرضی که در پهلوی من و زیر بغل من حادث شده

بود اشاره کرد و سخنی فرمود و آب دهان مبارک بر آن انداخت و فرمودند: تو را از این ناخوشی که در پهلو ظاهر شده باکی نخواهد بود و نظر کرد به بیماری که در پایم بود و فرمودند: حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده است که هر کس از شیعیان ما که به بلائی مبتلا شود و صبر کند خداوند پاداش هزار شهید به او عطا کند.

من به خود گفتم: به خدا قسم که هرگز نمی خواهم از این مرضی که در پا دارم خلاصی یافته و خوب شوم، هشتم گوید: که محمد بن فضیل پیوسته از جهت این مرض لنگ بود تا مُرد.

۴۰- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۲۸۵ ح ۲: عن حمدان الديوانی قال: قال الرضا (علیه السلام): من زارنی علی بعد داری آتیه یوم القیامه فی ثلاث مواطن حتی أخلصه من أهوالها؛ إذا تطایرت الکتب یمیناً و شمالاً و عند الصراط و عند المیزان.

از حمدان دیوانی مروی است که گفت: حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس من را با وجود دوری خانه ام و مزارم زیارت نماید در روز قیامت در سه جا به سراغ او آمده و او را از دهشت های آن رهایی می بخشم اول: زمانی که نامه ی اعمال را به دست راست یا چپ می دهند، دوم: هنگام گذشتن از پل صراط، و سوم: زمانی که اعمال را در میزان اعمال نهاده و آن را وزن می کنند.

۴۱- المزار للمشهدی ۵۸۷: زیارتة فی السرداب: إنک خازن کلّ علم.

در زیارت امام زمان در سرداب مقدسه می خوانیم: بدرستی که تو گنجینه ی هر علم و دانشی می باشی.

۴۲- من لا یحضره الفقیه ۲/۶۱۰: فی الزیارة الجامعه: السلام علی ورثه الأنبیاء...، و میراث النبوه عندکم، و عندکم ما نزلت به رسله.

در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم: سلام بر وارثان پیامبران، میراث نبوت در نزد شما است، و آن چه بر پیامبران الهی نازل شده نیز پیش شما است.

۴۳- الکافی ۱/۳۷۶ ح ۴: عن حبيب السجستاني، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال الله (تبارك و تعالی): لأعذبن كل رعيه في الإسلام دانت بولايه كل إمام جائر ليس من الله، وإن كانت الرعيه في أعمالها برّه تقية، ولأعفون عن كل رعيه في الإسلام دانت بولايه كل إمام عادل من الله وإن كانت الرعيه في أنفسها ظالمه مسيئه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: خدا فرموده است: هر آینه عذاب می کنم هر رعیتی را که در اسلام با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دین داری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به اعمال خود نیکوکار و پرهیزگار باشد و هر آینه در می گذرم از هر رعیتی که در اسلام با پیروی از امام عادل از جانب خدا دین داری کند، اگر چه آن رعیت نسبت به خود ستمگر و بد کردار باشد.

۴۴- الکافی ۱/۴۷۲ ح ۱: عن إسحاق بن جرير قال: أبو عبد الله (عليه السلام)... وقالت أمي: قال أبي: يا أم فروه! إنني لأدعو الله لمذنبى شيعتنا فى اليوم والليله ألف مره، لأننا نحن فيما ينوبنا من الرزايا نصبر على ما نعلم من الثواب وهم يصبرون على ما لا يعلمون.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مادرم گفت: که پدرم فرموده: ای ام فروه، به راستی من هر آینه نزد خدا دعا می کنم برای گناهکاران از شیعیان ما در هر روز و شب هزار بار؛ زیرا ما بر مصیبت ها صبر می کنیم و می دانیم چه ثوابی دارد و آن ها نمی دانند و صبر می کنند.

۴۵- بحار الأنوار ۲۶/۲۵۹ ح ۳۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: نحن عله الوجود.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ما اهل بيت، علّت به وجود آمدن همهى مخلوقات هستیم.

۴۶- الاختصاص ۱۸۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من شرب من سور أخيه تبرّكاً به خلق الله بينهما ملكاً يستغفر لهما حتى تقوم الساعة.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: هر کس از سور (دهان زده) برادر خویش تبرّکاً بنوشد خداوند ملکی بین آن دو خلق می کند که برای آنان تا روز قیامت استغفار کند.

۴۷- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۸۴ ح ۸: داود سلیمان الغازی قال: سمعت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) يقول: عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد (علیه السلام) فی قوله (عزوجل): {فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا} (۱) وقال: لما قالت النملة: يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانٌ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ} (۲) حملت الريح صوت النملة إلى سليمان (علیه السلام) وهو ما زال في الهواء والريح قد حملته فوقه وقال: علي بالنملة فلما أتى بها قال سليمان: يا أيها النملة! أما علمت إني نبي الله وإني لا أظلم أحداً، قالت النملة بلى قال سليمان (علیه السلام): فلم حذرتهم ظلمي فقلت: يا أيها النمل! ادخلوا مساكنكم؟ قالت النملة: خشيت أن ينظر إلى زينتك فيفتنوا بها فيبعدون عن ذكر الله تعالى، ثم قالت النملة: أنت أكبر أم أبوك داود؟ قال سليمان: بل أبي داود قالت النملة: فلم زيد في حروف اسمك حرف على حروف اسم أبيك داود؟ قال سليمان: ما لي بهذا علم قالت النملة: لأن أباك داود (علیه السلام) داوى جرحه بوذ فسمى داود وأنت يا سليمان! أرجو أن تلحق بأبيك، قالت النملة: هل تدري لم سخرت لك الريح من بين سائر المملكه؟ قال سليمان: ما لي بهذا علم قالت النملة: يعنى (عزوجل) بذلك لو سخرت لك جميع المملكه كما سخرت هذه الريح لكان زوالها من يدك كزوال الريح، فحينئذ {تَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا}!

داود بن سليمان غازي روايت کرده که از علي بن موسی (عليهما السلام) شنيدم از پدرش موسی از جدش جعفر بن محمد (عليهم السلام) که در آیهی {فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا} می فرمودند:

هنگامی که آن مورچه گفت: يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانٌ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (ای گروه نمل به خانه هاتان بروید تا سليمان و لشکرش پایمالتان نکنند آنان توجه به زیر پا ندارند) امواج هوا این صدا را به گوش سليمان رسانید؛ در حالی که در هوا در حرکت بود و باد آن را می برد؛ ایستاد و مورچه را خواست، چون او را آوردند، سليمان به او گفت: آیا نمی دانی که من پیامبر خدایم و ظلم و ستم به احدی روا نمی دارم؟

مورچه گفت: آری سليمان گفت: پس از چه رو آن ها را از ظلم من ترسانیدی و گفתי به لانه هایشان روند؟ مورچه گفت: ترسيدم به جاه و جلال يا زرو

۱- النمل، الآیه ۱۹.

۲- النمل، الآیه ۱۸.

زیور تو بنگرند و شیفته‌ی تو گردند و از ذکر خدای تعالی غافل مانند.

سپس از سلیمان پرسید: آیا تو مقامت بالاتر است یا پدرت؟ سلیمان گفت: پدرم داود، مورچه گفت: چرا حروف اسم تو یک حرف از حروف اسم پدرت افزون است؟ سلیمان گفت: من بدان آگاهی ندارم، مورچه گفت: زیرا پدرت داود «داوی جرحه بود» یعنی (داود دوا می کرد زخمش را به دوستی، پس حروف اسم تو از حروف اسم او افزونی ندارد و وجه نامگذاری داود این بوده) و تو ای سلیمان امیدوارم به پدرت برسی.

سپس مورچه‌ی مزبور پرسید: آیا می دانی چرا باد از میان همه‌ی اشیای این مُلک، مسخر تو شد؟ سلیمان اظهار بی اطلاعی کرد، مورچه گفت: خداوند می خواست تا به تو بیاموزد که اگر جمیع مملکت را برای تو مسخر می کردیم زوال همه مانند زوال باد می بود، و چون باد، از دست تو می رفت. از گفتار این مورچه سلیمان را خنده گرفت.

۴۸- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۷۷ ح ۳۳۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنَّ لله (عز وجل) ديكاً عرفه تحت العرش ورجلاه في تخوم الأرض السابعة السفلى، إذا كان في الثلث الأخير من الليل سبَّح الله تعالى ذكره بصوت يسمعه كلُّ شيء ما خلا الثقلين الجنَّ والإنس، فتصيح عند ذلك ديكه الدنيا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: که خدا را خروسی است که تاج او زیر عرش است و دو پای او در انتهای زمین هفتم است که پست ترین زمین ها است چون ثلث آخر شب شود صدا کند به تسبیح خدا که هر چیزی سواى جنّ و انس آن صدا را بشنوند؛ پس چون این صدا را خروس های دنیا بشنوند صیحه کشند.

۴۹- بحار الأنوار ۲۵/۱۹ ح ۳۱: قال الباقر (عليه السلام): قال الله تعالى: من أجلكم ابتدأت خلق ما خلقت.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: به خاطر شما اهل بیت آغاز نمودم خلقت آن چه را که خلق نمودم.

۵۰- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۷۹ ح ۳۴۲: نعیم بن صالح الطبری قال: حدّثنی علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آبائه، عن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): نعم الشيء الهدیه وهی مفتاح الحوائج.

امام رضا (علیه السلام) از پدرانشان از علی (علیه السلام) نقل فرمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بهترین چیز هدیه است، و آن کلید برآورده شدن حاجت ها است.

۵۱- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۸۱ ح ۲: عن عبد السلام بن صالح الهروی، عن الرضا (علیه السلام)، قال: قلت له: یا بن رسول الله! لأیّ علّه أغرق الله (عزوجل) الدنيا کلّها فی زمن نوح (علیه السلام) وفيهم الأطفال وفيهم من لا ذنب له؟ فقال: ما كان فيهم الأطفال لأیّ الله (عزوجل) أعقم أصلاب قوم نوح وأرحام نسائهم أربعین عاماً فانقطع نسلهم فغرقوا ولا طفل فيهم، ومكان الله (عزوجل) لیهلك بعذابه لا ذنب له، وأما الباقون من قوم نوح فأغرقوا؛ لتکذیبهم لنبي الله نوح (علیه السلام) وسائرهم أغرقوا برضاهم بتکذیب المکذبین ومن غاب عن أمر فرضی به كان کمن شهده وأتاه.

عبد السلام بن صالح هروی روایت کرده که گفت: به حضرت رضا (علیه السلام) عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا خدا همهی دنیا را در زمان نوح (علیه السلام) غرق کرد و حال آن که در میان آن ها کودکان و افرادی که گناهی نداشتند بودند؟

آن حضرت فرمودند: کودکی میان آن ها نبود؛ زیرا خداوند صلب مردان قوم نوح و رحم زنانشان را از چهل سال پیش عقیم کرده بود، و نسلشان منقطع شده بود، و غرق گشتند در حالی که کودکی در میانشان نبود و این طور نیست که خداوند بی گناه را به عذاب گنهکار معذب دارد، و اما جماعتی از بازماندگان قوم نوح که غرق شدند برای تکذیبی بود که از پیغمبر خدا نمودند، و جماعت دیگر برای رضایتشان بود به تکذیب کنندگان، و هر کس از امری دور باشد ولی بدان رضایت دهد، مانند کسی است که آن را انجام داده است.

۵۲- الأملی للمفید ۵: عن أمير المؤمنين (علیه السلام)...، إنّ دين الله لا يعرف بالرجال بل بآیه الحقّ، فاعرف الحقّ تعرف أهله، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به درستی که دین خدا به مردان شناخته نمی شود، بلکه به نشانه‌ی حق؛ پس حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی.

۵۳- الأُمالی للمفید ۸ ح ۴: عن عبد الله بن إبراهيم، عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام)، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أربعه من كنوز البرّ، كتمان الحاجه، وكتمان الصدقه، وكتمان المرض، وكتمان المصيبه.

عبد الله بن ابراهيم گوید: امام صادق (عليه السلام) از طريق پدران بزرگوارشان روايت کردند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: چهار چیز از ذخائر نيکی هاست؛ پنهان داشتن حاجت و نیاز، و پنهان داشتن صدقه، و پنهان داشتن بیماری، و پنهان داشتن مصیبت و گرفتاری.

۵۴- مشارق أنوار اليقين ۲۳۶: قال الصادق (عليه السلام): قال الله تعالى: خلقت الدنيا والآخرة لأجلهم.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم.

۵۵- الأُمالی للمفید ۲۳ ح ۷: عن الحكم بن عتيبه، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إنَّ العبد إذا كثرت ذنوبه ولم يكن عنده ما يكفرها ابتلاه الله تعالى بالحزن فيكفر عنه ذنوبه.

حکم بن عتیبه گوید: امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چون گناه بنده (مؤمنی) فراوان شود و عمل صالحی نداشته باشد که جبران آن گناهان کند، خداوند او را به غم و اندوه گرفتار نماید تا گناهانش را پاک سازد.

۵۶- الأُمالی للمفید ۲۸ ح ۱۰: عن محمد بن عمران البجلي قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: من لم يجعل لله له من نفسه واعظاً، فإنَّ مواعظ الناس لن تغني عنه شيئاً.

محمد بن عمران بجلي گوید: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: آن کس که در راه خدا برای خویشتن پند دهنده ای نگمارد، پندهای دیگران نه برای وی سودی دارد و نه نیازی از او برطرف سازد.

۵۷- الأُمالی للمفید ۲۹ ح ۲: عن أحمد بن عبد العزيز، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لا يقل مع التقوى عمل، وكيف يقل ما يتقبل.

احمد بن عبد العزيز از امام صادق (عليه السلام) روايت کرد که علی (عليه السلام) فرمودند: هر

عملی که با تقوا آمیخته باشد اندک نیست، و چگونه اندک باشد چیزی که مورد قبول خداوند قرار می گیرد! (زیرا در قرآن آمده: خداوند عمل پرهیز کاران را قبول می فرماید).

۵۸- الأمالی للمفید ۴۲ ح ۹: عن آدم بن عیینة بن أبي عمران الهلالي الكوفي قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: كم من صبر ساعه قد أورثت فرحاً طويلاً وكم من لذه ساعه قد أورثت حزناً طويلاً.

آدم بن عیینة گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: بسا اندک صبوری که شادی درازی به یادگار گذارد، و بسا اندک لذتی که اندوه طولانی به بار آورد.

۵۹- الأمالی للمفید ۶۰ ح ۵: عن أنس بن مالك قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يا أنس! أكثر من الطهور يزد الله في عمرك، وإن استطعت أن تكون بالليل والنهار على طهاره فافعل، فإنك تكون إذا مت على الطهاره شهيداً. وصلّ صلاه الزوال فإنها صلاه الأوابين. وأكثر من التطوع تحببك الحفظه. وسلّم على من لقيت يزد الله في حسناتك، وسلّم في بيتك يزد الله في بركتك، ووقّر كبير المسلمين، وارحم صغيرهم أجيء أنا وأنت يوم القيامة كهاتين، وجمع بين الوسطى والمسبحه.

انس بن مالك گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای انس! همیشه با وضو باش که خدا عمرت را دراز کند، و اگر توانستی در طول شبانه روز با وضو باشی این کار را بکن؛ زیرا اگر با وضو بمیری شهید محسوب شوی.

و نماز ظهر را (که بیشتر در اوقات گرم روز است سر وقت) بجا آور که آن نماز اوابین (توبه کنندگان) و کسانی است که پیوسته به پیشگاه پروردگار رو آورده و توبه می کنند، و نماز مستحبی فراوان به جا آور که در این صورت فرشتگان حافظ اعمال، تو را دوست می دارند.

و با هر کس بر خوردی سلام کن تا خدا بر حسنات و افعال پسندیده ات بیفزاید، و چون داخل خانه ات شدی سلام کن تا خدا برکت را افزون کند، و سالخوردگان مسلمین را احترام کن و بر کودکانشان رحم آور تا من و تو

این طور با هم در روز قیامت وارد شویم - و حضرت دو انگشت سبّابه و انگشت بزرگ دست خود را جفت کردند - .

۶۰- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۱۶: فی الزیارة الجامعه: إن ذکر الخیر کنتم أوّله وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما اهل بیت، اوّل آن، و ریشه‌ی آن، و شاخه‌ی آن، و معدن آن، و جایگاه آن، و آخر آن می باشید.

۶۱- الأمالی للمفید ۱۱۰ ح ۱۰: عن أبي حمزة الثمالي قال: كان عليّ بن الحسين زين العابدين (عليهما السلام) يقول: ابن آدم إنك لا تزال بخير ما كان لك واعظ من نفسك، وما كانت المحاسبه لها من همّك، وما كان الخوف لك شعراً، والحزن لك دثاراً. إنك ميت ومبعوث موقوف بين يدي الله (عزوجل) فأعد جواباً.

ابو حمزه ثمالی گوید: امام زین العابدین (علیه السلام) می فرمودند: ای پسر آدم! تو پیوسته در خوبی به سر بری تا آن گاه که اندرز دهنده‌ی خویشتن بوده، و در فکر حسابرسی اعمال خودت باشی، و تا آن گاه که ترس از خدا به منزله‌ی لباس زیر و اندوه در امور اخروی به منزله‌ی لباس روی تو باشد (یعنی پیوسته در باطن خود از خدا در هراس و در ظاهر خود اندوهگین باشی). همانا تو خواهی مرد و سپس برانگیخته خواهی شد، و در حضور پروردگار با عزّت و جلال بازداشت می شوی پس پاسخی آماده کن.

۶۲- الأمالی للمفید ۱۱۸ ح ۲: عن جابر قال: سمع أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب (عليه السلام) رجلاً يشتم قبراً وقد رام قبر أن يرّد عليه، فناده أمير المؤمنين عليّ (عليه السلام): مهلاً يا قبر! دع شاتمك مهاناً ترض الرحمن، وتسخط الشيطان، وتعاقب عدوك. فوالذي فلق الحبه وبرأ النسمة ما أرضى المؤمن ربّه بمثل الحلم، ولا أسخط الشيطان بمثل الصمت، ولا عوقب الأحمق بمثل السكوت عنه.

جابر گوید: امیر المؤمنین (علیه السلام) شنیدند که مردی به قبر دشنام می داد و قبر نیز می خواست به او جواب گوید، حضرت او را صدا زدند: آی قبر! آهسته،

ناسزا گوی خود را در زبونی رها کن تا خدای رحمان را خشنود سازی، و شیطان را به خشم آوری، و دشمنت را کیفر و شکنجه دهی.

سوگند به آن کس که دانه را شکافت و جانداران را بیافرید شخص با ایمان خدای خویش را به چیزی مانند حلم و بردباری خرسند نساخته، و شیطان را به چیزی مثل سکوت و خموشی به خشم نیاورد، و هیچ احمق و نادانی به عکس العمل مانند سکوت در مقابل او کیفر و شکنجه نگردهد.

۶۳- الاحتجاج ۱/۴۱۶: قال الحسن بن علی (علیه السلام): نحن أهل بیت الرحمة ومعدن الكرامه وموضع الخیره.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیرات و خوبی ها هستیم.

۶۴- الأمالی للمفید ۱۳۶ ح ۴: عن عمر بن یزید، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: مرّ سلمان بن علی الحدّادین بالكوفه، فرأی شاباً صعق والناس قد اجتمعوا حوله، فقالوا له: یا أبا عبد الله! هذا الشاب قد صرع، فلو قرأت فی أذنه. قال: فدنا منه سلمان، فلما رآه الشاب أفاق، وقال: یا أبا عبد الله! لیس بی ما یقول هؤلاء القوم، ولكنی مررت بهؤلاء الحدّادین وهم یضربون بالمیزبات، فذکرت قوله تعالی: {وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ} (۱) فذهب عقلی خوفاً من عقاب الله تعالی، فاتّخذہ سلمان أخاً، ودخل قلبه حلاوه محبته فی الله تعالی، فلم یزل معه حتی مرض الشاب، فجاءه سلمان فجلس عند رأسه وهو یجود بنفسه، فقال: یا ملک الموت! ارفق بأخی، فقال: یا أبا عبد الله! إننی بکل مؤمن رفیق.

عمر بن یزید گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سلمان بن علی در کوفه از بازار آهنگران گذر نمود، چشمش به جوانی افتاد که به حال غش افتاده و مردم دور او را گرفته اند، به سلمان گفتند: ای ابا عبد الله این جوان غش کرده، چه خوب است دعائی در گوش او بخوانی. سلمان به وی نزدیک شد، تا چشم جوان به او افتاد به هوش آمد و گفت: ابا عبد الله! آن چه این مردم

می گویند در من نیست اما چون گذارم بر این آهنگران افتاد و دیدم که پُتک بر آهن می کوبند، یاد سخن خدای متعال افتادم که فرموده: «برای آنان پتکهائی از آهن است» پس از ترس عقاب خدای متعال هوش از سرم پرید.

پس سلمان او را به برادری پذیرفت و شیرینی محبت وی در راه خدای متعال در دلش افتاد، و همیشه با او بود تا این که آن جوان بیمار گشت، سلمان به بالین او آمد و کنار سرش نشست و او در حال جان دادن بود، سلمان گفت: ای فرشته مرگ! با برادرم به نرمی و مدارا رفتار کن.

ملك الموت گفت: ای ابا عبد الله من با هر مؤمنی به ملایمت و نرمی رفتار می کنم.

۶۵- الأمالی للمفید ۱۴۱ ح ۷: عن عبد الله بن أبي يعفور، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ فقراء المؤمنين ينقلبون في رياض الجنة قبل أغنيائهم بأربعين خريفاً، ثم قال: سأضرب لك مثال ذلك، إنَّما مثل ذلك مثل سفيتين مرَّ بهما على عاشر فنظر في إحدیهما فلم يجد فيها شيئاً، فقال: أسرُّبُوها، ونظر في الأخرى فإذا هي موقرة، فقال: احبسوها.

عبد الله بن ابی یعفور گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا فقراء مؤمنین چهل سال پیش از ثروتمندانشان به باغ های بهشت وارد شوند. سپس فرمودند: در این زمینه مثالی برای تو می زنم، مثل آنان دو کشتی را ماند که راهشان بر مأمور مالیات بیفتد، و او در یکی از آن ها بنگرد و چیزی نیابد و گوید: اجازه دهید برود، و در دیگری بنگرد ببیند پُر است و گوید: آن را نگه دارید.

۶۶- الأمالی للمفید ۱۸۳ ح ۶: عن علي بن النعمان رفعه قال: كان علي بن الحسين (عليهما السلام) يقول: ويح من غلبت واحدته عشرته، وكان أبو عبد الله (صلوات الله عليهما) يقول: المغبون من غبن عمره ساعة بعد ساعة، وكان علي بن الحسين (صلوات الله عليهما) يقول: أظهر اليأس من الناس فإنَّ ذلك هو الغنى، وأقلَّ طلب الحوائج إليهم، فإنَّ ذلك فقر حاضر، وإياك وما يعتذر منه، وصلَّ صلاة مودِّع، وإن استطعت أن تكون اليوم خيراً منك أمس، وغداً خيراً منك اليوم فافعل.

علی بن نعمان با واسطه از امام سجّاد (علیه السلام) نقل کند که فرمودند: بیچاره آن کس

که یکانش بر دهگانش غلبه کند.

و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مغبون و فریب خورده کسی است که در مورد عمرش لحظه به لحظه فریب خورد و زیان بیند.

و علی بن الحسین (علیه السلام) فرمودند: از مردم اظهار نومیدی و بی نیازی کن که این دارائی واقعی است، و درخواست خود را از آنان کم کن که آن نیاز حاضر است، و از کاری که انجام آن باعث عذر خواهی می شود بپرهیز، و مانند کسی که آخرین نماز اوست نماز بخوان، و اگر توانستی که امروزت بهتر از دیروز، و فردایت بهتر از امروزت باشد این کار را بکن.

۶۷- المحاسن ۱/۲۶۸ ح ۳۵۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: وإنما القرآن أمثال لقوم يعلمون دون غيرهم ولقوم يتلونه حقّ تلاوته وهم الذين يؤمنون به ويعرفونه وأما غيرهم فما أشدّ إشكاله عليهم وأبعده من مذهب قلوبهم ولذلك قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) إنه ليس شيء أبعد من قلوب الرجال من تفسير القرآن وفي ذلك تحيّر الخلائق أجمعون إلا من شاء الله وإنما أراد الله بتعميته في ذلك أن ينتهوا إلى بابه وصراطه وأن يعبه اوه وينتهوا في قوله إلى طاعه القوام بكتابه والناطقين عن أمره وأن يستنبطوا ما احتاجوا إليه من ذلك عنهم لا عن أنفسهم. ثم قال: ولو ردّوه إلى الرسول وإلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم فأمّا عن غيرهم فليس يعلم ذلك أبداً ولا يوجد وقد علمت أنه لا يستقيم أن يكون الخلق كلّهم ولاه الأمر؛ لأنهم لا يجدون من يأتمرون عليه ومن يبلغونه أمر الله ونهيه فجعل الله الولاة خواصّ ليقصدى بهم فافهم ذلك إن شاء الله، وإياك وإياك وتلاوه القرآن برأيك فإنّ الناس غير مشتركين في علمه كاشتراكهم فيما سواه من الأمور ولا قادرين على تأويله إلا من حدّه وبابه الذي جعله الله له فافهم إن شاء الله واطلب الأمر من مكانه تجده إن شاء الله.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که قرآن حاوی مثال هائی است برای کسانی که می دانند و آن را آن طور که شایسته است تلاوت می کنند، ایشان کسانی هستند که به قرآن ایمان آورده و آن را می شناسند و اما دیگران چنین نبوده و فهم قرآن از افکار و قلب های ایشان دور است و به همین جهت است که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) می فرمودند: هیچ چیز به اندازه ی تفسیر قرآن دورتر از قلب ها نیست، و مردم در تفسیر آن متحیر و سرگرداندند مگر آن کسانی که

خدا بخواهد. و این همه به خاطر آن است که خداوند چنین اراده نموده است که مردم به سوی باب و صراط او روی آورند و خدا را عبادت نموده و از قیام کنندگان به کتابش و سخن گویان امرش اطاعت کنند، و این که برای برآورده شدن نیازمندی ها و حوائج خود از قرآن به ایشان مراجعه کنند نه این که از پیش خود آن را تفسیر و تأویل نمایند، سپس فرمودند: و بدان که همه‌ی مردم نمی توانند والیان امر و مفسرین قرآن باشند چرا که در این صورت دیگر کسی برای امارت نمودن و تفسیر نمودن بر او باقی نمی ماند، در نتیجه خداوند عده ای خاص را برای این امر برگزیده است که باید به ایشان اقتدا شود.

و پرهیز از این که قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر نمائی؛ چرا که هیچ کس جز آن کسانی که خداوند آن ها را برای این امر برگزیده و آن ها را باب خویش قرار داده است قادر به تفسیر و تأویل آن نیست.

پس تفسیر قرآن را از جایگاه اصلی آن طلب نما و بدان که اگر خدا بخواهد آن را خواهی یافت.

۶۸- الأمالی للمفید ۳۱۷ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إن أعجز الناس من عجز عن الدعاء، وإن أبخل الناس من بخل بالسلام.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بدرستی که عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد، و بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخیل باشد.

۶۹- الأمالی للمفید ۳۲۹ ح ۱: عن حفص بن غياث القاضي قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: إذا أراد أحدكم أن لا يسأل الله تعالى شيئاً إلا أعطاه، فليأس من الناس كلهم، ولا يكون له رجاء إلا من عند الله (عز وجل)، فإنه إذا علم الله تعالى ذلك من قلبه لم يسأله شيئاً إلا أعطاه. قال: ألا فحاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا، فإن أمكنه القيامه خمسون موقفاً كل موقف

مقام ألف سنه، ثم تلا هذه الآية: {فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ} (۱).

حفص بن غياث قاضی گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هرگاه یکی از شما خواست که از خداوند چیزی درخواست نکند مگر این که به او ببخشاید، باید از تمام مردم نومید گشته، و جز به درگاه خدای (عزوجل) امید نداشته باشد، پس هرگاه که خداوند چنین حالتی را در بنده مشاهده کرد، آن بنده چیزی درخواست نمی کند مگر این که به او عطا می فرماید.

آگاه باشید پس خود به حساب خویشتن برسید پیش از آن که مورد حسابرسی قرار گیرید، که بازداشتگاه ها و مواقف قیامت (جهت حسابرسی اعمال) پنجاه جا است که هر موقفی و بازداشتگاهی هزار سال است.

سپس حضرت این آیه را خواندند: «در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است».

۷۰- الهدایه الکبری ۳۶۰: عن أبي حمزه الثمالي، قال: قلت لأبي جعفر الباقر (عليه السلام) المهدى، بكم يبلغ، قال: إنَّ الله بعث عيسى بن مريم بنوّه ورساله وكتاب وشريعته وله سنتان، وما يضرّ الإمام صغر سنّه، وقد قام عيسى بن مريم (عليه السلام) بالرساله وله ثلاث سنين وتكلم بالمهد وأوتى الكتاب والنبوه بثلاثه أيام.

ابو حمزه ی شمالی می گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: حضرت مهدی در چه سنّی بالغ شده و به امامت می رسند، حضرت فرمودند: همانا خدای متعال عیسی بن مریم را در حالی که دو سال بیشتر نداشت به نبوت و رسالت مبعوث کرده و کتاب و شریعت به وی عطا نمود، پس کم بودن سنّ امام ضرری برای او نداشته و نقص و ایرادی محسوب نمی شود.

۷۱- الأمالی للمفید ۳۳۶ ح ۷: الشيخ الصالح عبد الله بن محمد بن عبید الله بن یاسین قال: سمعت العبد الصالح علی بن محمّد بن علی الرضا (علیهم السلام) بسرّ من رأى یدکر عن آبائه (علیهم السلام) قال: قال

أمیر المؤمنین (صلوات الله علیه): العلم وراثه کریمه، والآداب حلل حسان، والفکره مرآه صافیه، والاعتبار منذر ناصح، وکفی بک أدباً لنفسک ترکک ما کرهته من غیرک.

عبد الله بن محمد بن عیید الله بن یاسین گوید: در سامرا از امام دهم (علیه السلام) شنیدم که از پدران بزرگوارشانان (علیهم السلام) روایت می فرمودند که: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دانش میراثی است گران مایه، و آداب جامه هائی است زیبا، و اندیشه آئینه ای صاف، و عبرت گیری بیم دهنده ای خیر خواه است، و همین مطلب از لحاظ رعایت ادب برای تو بس که آن چه را که از دیگران نمی پسندی رها سازی.

۷۲- الأملی للمفید ۳۳۸ ح ۳: عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: نفس المهموم لظلمنا تسييح، وهمه لنا عباده، وكتمان سرنا جهاد في سبيل الله. ثم قال أبو عبد الله (عليه السلام): يجب أن يكتب هذا الحديث بالذهب.

ابان بن تغلب گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: نفس شخص اندوهگین به خاطر ستمی که بر ما رفته به منزله ی تسیح (سبحان الله گفتن) است، و اندوه او به خاطر ما عبادت است، و پرده پوشی اسرار ما جهاد در راه خداست؛ سپس فرمودند: زبینه است که این حدیث با طلا نوشته شود.

۷۳- الأملی للمفید ۳۴۵ ح ۱: عن أبي الطفيل عامر بن واثله الكناني (رحمه الله) قال: سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: إن أخوف ما أخاف عليكم؛ طول الأمل، واتباع الهوى، فأما طول الأمل فينسى الآخرة، وأما اتباع الهوى فيصد عن الحق. ألا وإن الدنيا قد تولت مدبره، والآخرة قد أقبلت مقبله، ولكل واحد منهما بنون، فكونوا من أبناء الآخرة، ولا تكونوا من أبناء الدنيا، فإن اليوم عمل ولا حساب، والآخرة حساب ولا عمل.

ابو طفیل عامر بن واثله کنانی (رحمه الله) گوید: از امیر المؤمنین (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: بیمناک ترین چیزی که از آن بر شما می ترسم آرزوی دراز و پیروی از خواسته ی دل است، اما آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می سپارد، و پیروی از خواسته دل آدمی را از راه حق باز می دارد.

آگاه باشید که دنیا پشت کرده و می رود، و آخرت رو کرده و می آید. و هر

یک را فرزندانى خواهد بود، پس از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، که امروز روز عمل است و حساب نیست، و فردا روز حساب است و عمل نیست.

۷۴- صفات الشیعه ۲۷: عن علی بن عبد العزیز قال: قال أبا عبد الله (عليه السلام): يا علي بن عبد العزیز! لا یغزّک بکاؤهم فإنّ التقوی فی القلب.

علی پسر عبد العزیز گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: یا علی! گریه اینان (مخالفین ما) تو را گول نزنند، پارسائی و پرهیزگاری در دل است.

۷۵- فضائل لابن شاذان ۱۵۴: یرفعه إلی ابن مسعود أنّه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لَمَّا أُسْرِى بى إلی السماء... ثم رأیت أبواب جَنّهم فیأذا... وعلی الباب الخامس مکتوب ثلاث کلمات: لا تتبع الهوى فإنّ الهوى بجانب الإیمان، ولا تكثر منطقک فیما لا یعینک فتقنظ من رحمه الله، ولا تکن عوناً للظالمین، الخبر.

ابن مسعود می گوید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: شبی که من را به آسمان بالا بردند، درب های جهنم را دیدم، پس بر درب پنجم آن سه کلمه نوشته شده بود: از هوای نفس تبعیت مکن؛ چرا که تو را از ایمان دور می کند، و در امور بی فایده زیاده سخن مگو که از رحمت الهی مأیوس می گردی، و برای ظالمین یار و مددکار مباش.

۷۶- قرب الإسناد ۱۴ ح ۴۵: إبراهیم بن عبد الحمید، عن أبی عبد الله أو عن أبی جعفر قال: أثقل ما یوضع فی المیزان یوم القیامه الصلاه علی محمّد وعلی أهل بیته.

ابراهیم بن عبد الحمید از امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) نقل می کند که فرمودند: سنگین ترین چیزی که روز قیامت در میزان گذاشته می شود صلوات بر محمّد (صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بیت ایشان می باشد.

۷۷- کمال الدین ۴۱۶ ح ۹: هشام بن سالم، قال: قلت للصادق (صلوات الله علیه): هل یكون إمامان فی وقت؟ قال: لا إلا أن یكون أحدهما صامتاً مأموماً لصاحبه والآخر ناطقاً إماماً لصاحبه.

هشام بن سالم می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آن که یکی از آن دو خاموش بوده و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود.

۷۸- کمال الدین ۳۲۳ ح ۸: عن علی بن الحسین (علیهما السلام) قال: إنَّ للقائم منّا غیبتین: إحداهما أطول من الأخری.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که برای قیام کننده‌ی از ما دو غیبت است که یکی از آن دو، طولانی تر از دیگری است.

۷۹- الخرائج والجرائح ۲/۹۴۳: إنَّ أصحاب الكهف لمّا فرّوا إلى الله تعالى، وخرجوا من عند دقيانوس وآووا إلى الغار، ركب الملك مع جماعه خلفهم، فلّمّا وصلوا إلى باب الغار، ورآهم نياماً فيه، تحيّر ولم يتعرّض لهم بسوء، وانصرفوا مدهوشين، فكذلك كان صاحب الأمر (عليه السلام) بعد وفاه أبيه (عليه السلام) ودفنه خرج جعفر الكذاب إلى بني العباس وأنهى خبره إليهم، فبعثوا عسكرياً إلى سرّ من رأى ليجمعوا داره ويقتلوا من يجدونه فيها، ويأتونه برأسه، فلّمّا دخلوها وجدوه (عليه السلام) في آخر السرداب قائماً يصلّي على حصير على الماء، وقدّمهم أيضاً كأنه بحر لكثرة الماء في السرداب، فلّمّا رأوا ذلك يشعرون بالوصول إليه، وانصرفوا مدهوشين إلى الخليفة فأمرهم بكتمان ذلك، ثم بعث بعد ذلك عسكرياً أكثر من الأوّل، فلّمّا دخلوا الدار سمعوا من السرداب قراءة القرآن، فاجتمعوا على بابه حتّى لا يصعد، فخرج من حيث الآن عليه شبكّه وخرج وأميرهم قائم، فلّمّا غاب قال: أتزلوا وخذوه، فقالوا: إنّه مرّ عليك وما أمرت بأخذه، فقال: ما رأيته، فانصرفوا خائبين. وخرج إليه العسكر مرّه أخرى، فوجدوه في آخر السرداب، فوضع يده (عليه السلام) على الجدار وشقّه، وخرج منه، وأثر الشقّ بعد ظاهر فيه.

هنگامی که اصحاب كهف به سوی خداوند گریخته و از نزد «دقیانوس» خارج و به غاری پناهنده شدند، پادشاه همراه با عده ای سوار بر اسب شده و به دنبال آنان به راه افتادند. هنگامی که به در غار رسیدند و آنان را در خواب دیدند، حیران مانده و نتوانستند متعرّض آنان شوند و وحشت زده برگشتند. همین طور صاحب امر (علیه السلام) بعد از این که بر پدر بزرگوارشان نماز

خوانده و ایشان را دفن نمودند، جعفر کذاب نزد بنی عباس رفت و خبر او را به آنان داد و آنان سپاهی را به سامرا فرستادند تا بر خانه‌ی آن حضرت هجوم برند و هر کس را در آن یافتند بکشند و سرِ امام (علیه السلام) را بیاورند! هنگامی که آنان وارد خانه‌ی آن حضرت شدند، ایشان را در آخر سرداب بر حصیری که روی آب قرار داشت، در حال نماز دیدند و آب سرداب مانند دریایی می ماند، وقتی که این گونه دیدند از دستیابی به آن حضرت مأیوس شدند و وحشت زده نزد خلیفه برگشتند و او به آنان دستور داد که این قضیه را مخفی نمایند.

دوباره سپاهی بیشتر از بار اول فرستاد، آنان هم وقتی که وارد خانه شدند، از سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند، پس در سرداب را گرفتند تا وقتی که آن حضرت خارج می شود او را بگیرند! ولی آن حضرت از جایی که اکنون شبکه است خارج شده و فرماندهی آنان ایستاده بود، وقتی که آن حضرت رفت و ناپدید شد، فرمانده گفت: پائین بروید و او را بگیرید. گفتند: او از جلوی تو گذشت و تو به ما نگفتی تا او را بگیریم!

فرمانده گفت: من او را ندیدم، پس هراسان مراجعت کردند.

بار سوم سپاهی به سوی آن حضرت رفته و ایشان را در آخر سرداب یافتند و امام دستشان را بر دیوار گذاشته و دیوار شکافته شد و حضرت بیرون رفتند و هنوز هم اثر آن شکافتگی در آن دیوار پیداست.

۸۰- الهدایه الکبری ۳۶۴: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: إذا رفع عالمكم وغاب من بين أظهركم، فتوقعوا الفرج الأعظم من تحت أقدامكم.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: زمانی که عالم شما بالا رفته و از میان شما غایب شد پس منتظر فرج بزرگ از زیر پاهایتان باشید (کنایه از این که مسأله‌ی فرج را همیشه نزدیک بشمارید).

۸۱- علل الشرائع ۱/۲۴۵ ح ۸: عن عبد الله بن الفضل الهاشمي، قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام) يقول: وجه الحكمة في غيبته، وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره، إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لا- ينكشف وجه الحكمة لما أتاه الخضر (عليه السلام) من خرق السيفينه وقتل الغلام وإقامه الجدار لموسى (عليه السلام) إلا وقت افتراقهما، يا بن الفضل! إن هذا الأمر أمر من أمر الله وسر من الله وغيب من غيب الله ومتى علمنا أنه (عز وجل) حكيم صدقنا بأن أفعاله كلها حكمه وإن كان وجهها غير منكشف لنا.

عبد الله بن فضل هاشمی می گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: صاحب این امر غیبتی دارد که چاره ای از آن نیست، عرض کردم: حکمت در غیبت آن حضرت چیست؟ فرمودند: حکمت در غیبت آن جناب، همان حکمت در غیبت حجّت های گذشته‌ی حقّ تعالی می باشد که بعد از ظهور آشکار خواهد شد، چنان چه حکمت افعالی را که حضرت خضر (علیه السلام) مرتکب شد که عبارت بودند از شکستن و شکافتن کشتی و کشتن جوان و پیا داشتن دیوار، بعد از جدا شدن موسی (علیه السلام) از خضر ظاهر گشت.

ای پسر فضل! این امر، امری است از امور خدا و سری است از اسرار الهی و غیبی است از غیب های ربوبی و وقتی خدای (عز وجل) را حکیم دانستیم باید تمام افعالش را تصدیق نموده و معتقد باشیم که از روی حکمت صورت می گیرند، اگرچه ما دلیل و وجه آن ها را ندانیم.

۸۲- قرب الإسناد ۲۰ ح ۶۷: عن عبد الله بن ميمون القدّاح، عن جعفر، عن أبيه قال: جاء رجل إلى أبي فقال له: هل لك زوجة؟ قال: لا. قال: لا أحب أن لي الدنيا وما فيها وأنى أبيت ليله ليس لي زوجة. قال: ثم قال: إن ركعتين يصلّيهما رجل متزوج أفضل من رجل يقوم ليله ويصوم نهاره أعزب. ثم أعطاه أبي سبعة دنائير قال: تزوج بهذه. وحدثني بذلك سنة ثمان وتسعين ومائة.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مردی پیش پدرم آمد، پدرم به او گفت: آیا زن داری؟ جواب داد: نه، فرمودند: دوست ندارم که دنیا و هرچه در آن است مال من باشد و من شبی بدون همسر بخوابم؛ سپس فرمودند: دو رکعتی که

مرد متأهل برگزار می کند افضل است از مرد مُجَرَّدی که شب و روزش را در نماز خواندن و روزه دار بودن باشد.

سپس هفت دینار را به او عطا کرده و فرمودند: با این پول ازدواج کن، - و در سال یک صد و نود و هشت آن را به من حدیث کرد - ، سپس پدرم فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: زن بگیری که برایتان برای جلب روزی بهتر است.

۸۳- قرب الإسناد ۶۹ ح ۲۲۱: عن مسعده بن صدقه قال: حدّثنی جعفر بن محمّد، عن أبيه: أنّ داود قال لسليمان (عليه السلام): يا بنيّ! إيّاك وكثرة الضحك، فإنّ كثره الضحك تترك العبد حقيراً يوم القيامة. يا بنيّ! عليك بطول الصمت إلاّ من خير، فإنّ الندامة على طول الصمت مرّه واحده خير من الندامة على كثره الكلام مرّات. يا بنيّ! لو أنّ الكلام كان من فضّه كان ينبغى للصمت أن يكون من ذهب.

ابن صدقه از امام باقر (علیه السلام) و ایشان از پدرشان روایت می کنند که فرمودند: داود به سلیمان (علیهما السلام) گفت: ای فرزند! از خنده‌ی زیاد دوری کن؛ زیرا خنده‌ی زیاد روز قیامت آدمیان را کوچک می کند.

ای فرزند! همواره ساکت باش مگر در آن جایی که خیری باشد، پشیمانی به خاطر سکوت یک بار بیشتر نیست؛ ولی پشیمانی به خاطر سخن زیاد بیشتر می باشد، ای فرزند! اگر سخن از نقره باشد سکوت از طلا خواهد بود.

۸۴- قرب الإسناد ۷۶ ح ۲۴۸: مسعده بن صدقه قال: حدّثنی جعفر بن محمّد، عن أبيه: أنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: إنّ من سعادة المرء المسلم: أن يشبهه ولده، والمرأه الجملاء ذات دين، والمركب الهنيء، والمسكن الواسع.

امام صادق (علیه السلام) از پدرشان نقل نمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از سعادت مسلمان است که فرزندش شبیه وی باشد، و همسری زیبا و دیندار، و مرکبی رهوار، و مسکنی وسیع داشته باشد.

۸۵- قرب الإسناد ۷۸ ح ۲۵۳: قال أبو عبد الله: امتحنوا شيعتنا عند مواقيت الصلاة كيف محافظتهم عليها، وإلى أسرارنا كيف حفظهم لها عن عدونا، وإلى أموالهم كيف مواساتهم لإخوانهم فيها.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: شیعیان ما را در این موارد آزمایش کنید؛ در اوقات نماز که چگونه آن را حفظ می کنند، در نگهداری اسرار و رازهای ما برابر دشمنانمان، و در اموال و دارائیشان که چگونه با برادران خود در راه ما همراهی می کنند.

۸۶- قرب الإسناد ۸۶ ح ۲۸۱: عن مسعدة بن زياد، عن جعفر، عن أبيه: إن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: إذا أتى الشيطان أحدكم وهو في صلاته فقال: إنك مراء، فليطل صلاته ما بدا له، ما لم يفته وقت فريضه. وإذا كان على شيء من أمر الآخرة فليتمكث ما بدا له، وإذا كان على شيء من أمر الدنيا فليبرح. وإذا دعيتم إلى العرسات فابطئوا فإنها تذكر الدنيا. وإذا دعيتم إلى الجنائز فاسرعوا، فإنها تذكر الآخرة.

ابن زیاد از امام صادق و ایشان از پدرشان (علیهما السلام) روایت می کنند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هنگامی که در وقت نماز گزاردن شیطان نزد شما آمد و گفت: شما ریاکاری می کنید، باید نماز خود را طولانی کنید تا هنگامی که وقت واجب فوت نگردد.

اما اگر در کار دیگری از امور آخرت مشغول می باشید هرچه می خواهید آن را ادامه دهید، اما اگر به یکی از کارهای دنیائی مشغول هستید باید به سرعت از آن خارج گردید، هرگاه شما را به عروسی ها دعوت کردند شتاب نداشته باشید؛ زیرا آن مجالس شما را بیاد دنیا می اندازند و هرگاه به تشییع جنازه دعوت شدید شتاب کنید که آن آخرت را به یاد شما می آورد.

۸۷- قرب الإسناد ۹۲ ح ۳۰۶: جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): اتقوا الله، اتقوا الله في الضعيفين: اليتيم، والمرأه، فإن خياركم خياركم لأهله.

از جعفر بن محمد، از پدرشان نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از خدا پروا کنید، از خدا پروا کنید در مورد دو ناتوان: زن و یتیم؛ زیرا بهترین شما

کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد.

۸۸- قرب الإسناد ۱۰۷ ح ۳۶۸: جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): سيد طعام الدنيا والآخرة: اللحم، وسيد شراب الدنيا والآخرة: الماء.

امام صادق از پدرشان (علیهم السلام) و ایشان از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) که آن حضرت فرمودند: بهترین غذای دنیا و آخرت گوشت، و بهترین نوشیدنی دنیا و آخرت آب است.

۸۹- المزار للمشهدى ۵۸۱: فى دعاء الندبه: بنفسى أنت من مغيب لم يخل منّا.

در دعای ندبه می خوانیم: جانم به فدایت که با وجود این که غایب هستی، همراه ما و در میان مائی.

۹۰- مشارق أنوار اليقين ۲۵۵: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: غائبنا إذا غاب لم يغيب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: زمانی که یکی از ما از دیده ها پنهان شده و غایب شود در واقع، فقط از دیده ها پنهان است؛ زیرا غایب و حاضر ما یکی است.

۹۱- کمال الدین ۱۴۴ ح ۱۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما تنكر هذه الأمة أن يكون الله يفعل بحجته ما فعل بيوسف أن يكون يسير فيما بينهم ويمشي في أسواقهم ويطأ بسطهم وهم لا يعرفونه حتى يأذن الله (عزوجل) له أن يعرفهم نفسه كما أذن ليوسف.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چرا این امت منکر هستند که خدای (عزوجل) با حجّت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب، میان مردم گردش می کند و در بازارهای آن ها راه می رود و پا روی فرش آن ها می نهد و آن ها او را نمی شناسند! تا آن که خدای (عزوجل) به او اجازه دهد که خود را به آن ها معرفی نماید همچنان که به یوسف اجازه داد.

۹۲- قرب الإسناد ۱۱۹ ح ۴۱۸: عن الحسين بن علوان، عن جعفر، عن أبيه، عن آبائه، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) من قضى لمؤمن حاجه قضى الله له حوائج كثيره، أذناهن الجنة.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان نقل نمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس حاجت مؤمنی را برآورد، خدا حوائج بسیاری از او برآورد که کمترین آن ها بهشت است.

۹۳- قرب الإسناد ۱۵۹ ح ۵۸۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام)، عن آبائه (عليهم السلام): قال: قال: أمير المؤمنين (عليه السلام): لا بأس أن ينظر الرجل إلى محاسن المرأة قبل أن يتزوجها، إنما هو مستام، فإن يقض أمر يکن.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل نمودند: که فرمودند: اشکالی نیست که مرد به زیبایی های زن قبل از ازدواج با او بنگرد؛ چرا که او همچون خریداری است و اگر مقدر باشد محقق می شود.

۹۴- قرب الإسناد ۳۵۵ ح ۱۲۷۲: قال أبو عبد الله (عليه السلام): صل رحمك ولو بشربه من ماء، وأفضل ما يوصل به الرحم كف الأذى عنها. وقال: صله الرحم منسأه في الأجل، مثراه في المال، ومحبه في الأهل.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: صله‌ی رحم کن گرچه با شربتی از آب، و بهترین صله‌ی رحم باز داشتن آزار است از او؛ و فرمودند: صله‌ی رحم مرگ را به تأخیر اندازد، و مال را فزون سازد، و دوستی در خاندان ایجاد نماید.

۹۵- قرب الإسناد ۳۸۵ ح ۱۳۵۸: قال أحمد بن محمد بن أبي نصر قال الرضا (عليه السلام):...، فقلت له: جعلت فداك، إني قد سألت الله (تبارك و تعالی) حاجه منذ كذا وكذا سنه، وقد دخل قلبي من إبطائها شيء. فقال: يا أحمد! إياك والشيطان أن يكون له عليك سبيل حتى يقنطك، إن أبا جعفر (صلوات الله عليه) كان يقول: إن المؤمن يسأل الله الحاجه فيؤخر عنه تعجيل حاجته حباً لصوته واستماع نحييه. ثم قال: والله لَمَا أَّخَّرَ اللَّهُ عن المؤمنين مَّما يطلبون من هذه الدنيا خير لهم مَّما عَجَّلَ لهم منها، وأى شيء الدنيا؟! إن أبا جعفر (عليه السلام) كان يقول: ينبغي للمؤمن أن يكون دعاؤه في الرخاء نحواً من دعائه في الشده، الخبر.

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: جانم فدایتان، همانا من حاجتی را از خدای متعال به مدت چندین سال درخواست می کنم، و از تأخیر استجاب آن در قلبم یاسی پدید آمده است، پس آن حضرت

فرمودند: ای احمد! پرهیز از شیطان که مبادا بر تو راهی یابد و تو را نا امید کند؛ چرا که ابو جعفر (امام باقر (علیه السلام)) که صلوات خدا بر او باد می گفت: به خدا قسم تأخیر اجابت دعای مؤمنین از خواسته های دنیائیشان بهتر است از ادای آن ها و رسیدن به خواسته هایشان، دنیا چیست! سزاوار است بر مؤمن که دعایش هنگام راحتی و آسایش مانند دعایش در سختی باشد.

۹۶- قرب الإسناد ۳۹۲ ح ۱۳۷۱: ذکر الحسن بن الجهم أنه سمعه يقول: إن رجلاً كان في بني إسرائيل عبد الله (تبارك و تعالی) أربعين سنة فلم يقبل منه، فقال لنفسه: ما أوتيت إلا منك، ولا الذنب إلا لك، فأوحى الله (تبارك و تعالی) إليه: ذمك نفسك أفضل من عباده أربعين سنة.

حسن بن جهم گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: مردی در بنی اسرائیل چهل سال خداوند را عبادت کرد، ولی عبادت او مورد قبول قرار نگرفت، او متوجه نفس امّیّاره‌ی خود شد و خطاب به او گفت: من از ناحیه‌ی تو این موضوع را می‌نگرم و من برای تو این همه رنج کشیدم و نتیجه نگرفتم، در این هنگام خداوند به او وحی فرستاد و گفت: این عمل تو بهتر از عبادت چهل سال بود.

۹۷- الأمالی للصدوق ۶۲ ح ۹: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إنكم لن تسعوا الناس بأموالكم، فسعوهم بأخلاقكم.

امام صادق (علیه السلام) از پدران‌شان نقل نمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شما نمی‌توانید فرا بگیرید مردم را به بخشش مال خود؛ پس فراگیرید آن‌ها را به خوش اخلاقی خود.

۹۸- الأمالی للصدوق ۶۴ ح ۳: عن عيسى بن عبد الله، عن أبيه، عن جدّه، عن آبائه، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): من قرأ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حين يأخذ مضجعه، غفر الله (عزوجل) له ذنوب خمسين سنة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس وقتی به بستر خواب رود؛ سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند خدا گناه پنجاه سالش را بیامرزد.

۹۹- الأمالی للصدوق ۶۵ ح ۵: عن أبي حمزه الثمالي، قال: قال الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): ارج الله رجاء لا يجرئك على معاصيه، وخف الله خوفاً لا يؤيسك من رحمته.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: تا آنجا امیدوار به خدا باش که تو را دلیر بر گناه نکند و تا آنجا از خدا بترس که نوید از رحمتش نگرداندت.

۱۰۰- الأمالی للصدوق ۸۵ ح ۴: عن سليمان بن جعفر الجعفری، قال: سمعت موسى بن جعفر (عليهما السلام) يقول: حدّثني أبي، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن الحسين بن علي بن أبي طالب (عليهم السلام)، قال: مرّ أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام) برجل يتكلّم بفضول الكلام، فوقف عليه، ثم قال: إنك تملی علی حافظیک کتاباً إلی ربك، فتكلّم بما يعينك ودع ما لا يعينك.

سليمان بن جعفر جعفری گوید: از موسی بن جعفر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: پدرم از پدرش از علی بن الحسین از حسین بن علی بن ابی طالب حدیث کرد که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) به مردی گذشت که سخن بیهوده می گفت؛ پس به او فرمودند: ای فلاّنی به راستی تو نامه ای به وسیلهی دو فرشتهی حافظ خود دیکته می کنی به سوی پروردگارت سخن کن بدان چه فائده ات دارد و دم فرو بند از سخن بی فائده.

۱۰۱- مشارق أنوار اليقين ۱۷۴: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: المطلع على الغيوب...، السموات والأرض عند الإمام منهم، كیده من راحتہ يعلم ظاهرها من باطنها ويعلم برّها من فاجرها وورطبها من يابسها.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام بر همهی غیب ها مطلع است، و آسمان ها و زمین نزد او همچون کف دستی می باشد که ظاهر آن را از باطن، و نیک آن را از بد، و تر آن را از خشک باز می شناسد.

۱۰۲- الهدایه الكبرى ۱۷۰: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: الإمام يرى الأرض ومن عليها، ولا يخفى عليه من أعمالهم شیء.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام، زمین و مخلوقاتی که بر روی آن هستند را می بیند، و چیزی از اعمال آن ها بر او مخفی نیست.

۱۰۳- بصائر الدرجات ۴۶۳ ح ۸: عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: إنّما منزله الإمام في الأرض به منزله القمر في السماء وفي موضعه هو مطلع على جميع الأشياء كلّها.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آن چه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است.

۱۰۴- الأمالی للصدوق ۹۰ ح ۱: قال أبو عبد الله جعفر بن محمّد (عليهما السلام): إنّ العبد لفي فسحة من أمره ما بينه وبين أربعين سنة، فإذا بلغ أربعين سنة أوحى الله (عزوجل) إلى ملكيه: إني قد عمّرت عبدی عمرًا، فغلظا وشدّدا وتحفظا، واکتبا علیه قلیل عمله وکثیره، وصغیره وکبیره.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس تا چهل سالگی فرصت دارد و چون به این سن رسید خدا به فرشتگانش وحی کند که بنده‌ی مرا عمری دادم بر او سخت گیرید و درشتی کنید و مراقبش باشید و کم و زیاد و خرد و درشت عملش را بنویسید.

۱۰۵- الأمالی للصدوق ۹۰ ح ۲: سئل الصادق (عليه السلام) عن قول الله (عزوجل): {أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ} (۱) فقال: توبيخ لابن ثمانی عشره سنه.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند از قول خدای (عزوجل): «آیا به شما عمری ندادیم که متذکر در آن تذکر یابد؟» فرمودند: سرزنش فردی هیجده ساله است. (یعنی اگر کسی در این سن هم از دنیا برود مورد مؤاخذه است چرا که وقت کافی برای عبادت و اطاعت خداوند داشته است چه برسد به سن های بالاتر)

۱۰۶- الأمالی للصدوق ۹۱ ح ۵: عن يونس بن ظبيان، قال: قال الصادق جعفر بن محمّد (عليهما السلام): إنّ الناس يعبدون الله (عزوجل) على ثلاثة أوجه: فطبقه يعبدونه رغبه في ثوابه، فتلك عباده الحرصاء وهو الطمع، وآخرون يعبدونه خوفاً من النار فتلك عباده العبيد، وهي رهبة، ولكنى أعبده حباً له (عزوجل) فتلك عباده الكرام، وهو الأمن، لقوله (عزوجل): {وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ} (۲)، ولقوله (عزوجل):

۱- فاطر، الآية ۳۷.

۲- النمل، الآية ۸۹.

{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ} (۱) فمن أحبَّ الله أحبَّه الله، ومن أحبَّه الله (عزوجل) كان من الآمنين.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مردم خدای (عزوجل) را به سه روش پرستیدند، یک طبقه برای رغبت در ثواب و این پرستش حریصانه است و بر اساس طمع است؛ و دیگری از ترس دوزخ و این عبادت بنده ها است و از روی ترس است، ولی من از روی دوستی او را می پرستم و این عبادت کریمانه است و مایه‌ی آسودگی است، به خاطر گفتار خداوند که می فرماید: و ایشان از بیم روز قیامت در آسودگی هستند و برای گفته خدای (عزوجل): بگو اگر شما دوست دارید خدا را پیرو من باشید تا خدا شما را دوست دارد و گناهانتان را ببامرزد و هر کس خدا را دوست دارد خدایش دوست دارد و هر کس را خدا دوست دارد از آسودگان است.

۱۰۷- کمال الدین ۳۲۴ ح ۹: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): من كان يعمل بالقياس والرأى هلك.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هر کس از روی قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود.

۱۰۸- الدرّ النظیم ۷۷۰: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): نحن أهل البيت، لا نقاس بأحد، ولا يقاس بنا أحد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که به هیچ کس قیاس نمی شویم، و کسی نیز با ما قابل قیاس نیست.

۱۰۹- الاحتجاج ۱/۲۹: عن أبي محمد الحسن العسكري (عليهما السلام): {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ} (۲) یعنی: قل لهم: أنا في البشريّه مثلکم ولكن ربّي خصّنی بالنبوّه دونکم.

امام حسن عسکری (علیه السلام) در مورد این آیه: «بگو همانا من انسانی همانند شما

۱- آل عمران، الآیه ۳۱.

۲- الکهف، الآیه ۱۱۰.

هستم» فرمودند: یعنی برای آن ها بگو: من از لحاظ شکل و شمایل و هیكل بشری مانند شما می باشم ولی خداوند مرا به نبوت مخصوص نموده است.

۱۱۰- الأمالی للصدوق ۱۲۰ ح ۹: عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، قال: قرأت في كتاب أبي الحسن الرضا (عليه السلام): أبلغ شيعتي أن زيارتي تعدل عند الله (عزوجل) ألف حجّه. قال: قلت لأبي جعفر (عليه السلام): ألف حجّه؟ قال: إي والله، وألف ألف حجّه لمن زاره عارفاً بحقه.

ابی نصر بزنطی گوید: در کتاب ابی الحسن الرضا (علیه السلام) خواندم که فرمودند: به شیعیان من برسانید که زیارت من برابر است نزد خدای (عزوجل) با هزار حج، گوید به امام نهم (علیه السلام) گفتیم: هزار حج؟ فرمودند: آری، به خدا هزار هزار حج است برای کسی که او را با معرفت زیارت کند.

۱۱۱- الأمالی للصدوق ۱۶۹ ح ۱: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: لَمَّا أُشْرَفَ أمير المؤمنين (عليه السلام) على المقابر، قال: يا أهل التربة! ويا أهل القربة! أمّا الدور فقد سكنت، وأمّا الأزواج فقد نكحت، وأمّا الأموال فقد قسمت، فهذا خبر ما عندنا، فما خبر ما عندكم؟ ثمّ التفت إلى أصحابه فقال: لو أذن لهم في الكلام لأخبروكم أنّ خير الزاد التقوى.

امام صادق (علیه السلام) از جدّشان روایت کرده اند که چون امیر المؤمنین (علیه السلام) بر قبرستان مشرف می شدند می فرمودند: ای خاک نشینان! ای آوارگان! خانه هایتان را تصرف کردند و زن هایتان را گرفتند و دارائیتان را پخش کردند، این است خبر پیش ما، پیش شما چه خبر است؟ سپس رو به اصحابشان نمودند و فرمودند: اگر اجازه ی سخن داشتند به شما خبر می دادند که بهترین توشه، تقوی است.

۱۱۲- الأمالی للصدوق ۲۷۴ ح ۶: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: شكّا رجل من أصحاب أمير المؤمنين (عليه السلام) نساءه، فقام (عليه السلام) خطيباً، فقال: معاشر الناس! لا تطيعوا النساء على حال، ولا تأمنوهنّ على مال، ولا تذروهنّ يدبرنّ أمر العيال، فإنّهنّ إن تركن وما أردنّ أوردن الممالك، وعدون أمر المالك، فإنّا وجدناهنّ لا ورع لهنّ عند حاجتهنّ، ولا- صبر لهنّ عند شهوتهنّ، البذخ لهنّ لازم وإن كبرن، والعجب بهنّ لاحق وإن عجزن، لا يشكرنّ الكثير إذا منعن القليل، ينسين الخير ويحفظن الشرّ، يتهافتنّ بالبهتان، ويتمادين بالطغيان،

وَيَتَصَدِّينَ لِلشَّيْطَانِ، فَدَارُوهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ، لَعَلَّهِنَّ يَحْسِنُ الْفَعَالَ.

امام صادق (علیه السلام) از گفته پدرانشان فرمودند: که مردی از زنان خود شکایت کرد و امیر مؤمنان (علیه السلام) این سخن را ایراد نمودند: ای مردم به هیچ وجه مطیع زنان نباشید و آن‌ها را امین بر مال ندانید و نگذارید سرپرست عیال باشند؛ زیرا اگر آن‌ها به دلخواه خودشان واگذاری، به مهلکه گرایند و از دستور مالک تجاوز کنند؛ زیرا ما دریافتیم که هنگام نیاز پرهیز ندارند و هنگام شهوت شکبیا نیستند، بزک را تا گاه پیری ترک نکنند و عجزه هم که شوند از خود بینی دست باز نکشند؛ شکر نعمت فراوان را برای جلوگیری اندکی فراموش کنند، خوبی را از یاد برند و بدی را به خاطر سپارند، چون پروانه به بهتان شتابند و به طغیان گرایند و دنبال شیطان برآیند. به هر حال با آن‌ها مدارا کنید و به زبان خوش با آن‌ها گفتگو کنید شاید خوش کردار شوند.

۱۱۳- الأمالی للصدوق ۲۹۸ ح ۹: عن غياث بن إبراهيم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال علي بن أبي طالب (عليه السلام): «عقول النساء في جمالهنّ، وجمال الرجال في عقولهم».

امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان نقل نمودند که علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: خرد زنان در جمال آن‌ها است و جمال مردان در خرد آن‌ها.

۱۱۴- الأمالی للصدوق ۲۹۸ ح ۱۰: موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر، قال: حدّثني أبي، عن أبيه، عن جدّه جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه، عن عليّ (عليهم السلام)، في قول الله (عزوجل): {وَلَا تَنْسَ نَصِيحَكَ مِنَ الدُّنْيَا} (۱)، قال: لا تنس صحّتك وقوّتك وفراغك وشبابك ونشاطك أن تطلب بها الآخرة.

علی (علیه السلام) در تفسیر قول خدای (عزوجل): «فراموش مکن بهره‌ی خود را از دنیا»

فرمودند: فراموش مکن تندرستی خود و توانائی و فراغت و جوانی و نشاط خود را که طلب آخرت کنی.

۱۱۵- الأمالی للصدوق ۳۰۴ ح ۳: عن جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قالت أم سليمان بن داود لسليمان (عليه السلام): يا بني! إياك وكثرة النوم بالليل، فإن كثره النوم بالليل تدع الرجل فقيراً يوم القيامة.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مادر حضرت سليمان بن داود به او گفت: پسر جانم! مبادا در شب پُر بخوابی، که پُر خوابی شب مرد را روز قیامت فقیر می دارد.

۱۱۶- الأمالی للصدوق ۳۳۸ ح ۷: عن مالك الجهني، قال: ناولت أبا عبد الله الصادق (عليه السلام) شيئاً من الرياحين، فأخذه فشَمّه ووضعهُ على عينيه، ثم قال: من تناول ريحانه فشَمّها ووضعها على عينيه ثم قال: اللهم صلّ على محمد وآل محمد، لم تقع على الأرض حتى يغفر له.

مالك جهنی گوید: گلی به امام صادق (عليه السلام) تقدیم داشتم گرفتند و بوئیدند و بر دو دیده نهاده و فرمودند: هر کس گلی را بگیرد و ببوید بر دیده گان نهاده و بگوید: <اللهم صلّ على محمد وآل محمد>، هنوز آن گل به زمین نرسیده آن شخص مورد آمرزش واقع شود.

۱۱۷- الأمالی للصدوق ۳۳۹ ح ۱۲: عن العيص بن القاسم، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام)، قال: من نظر إلى ذی عاهه، أو من قد مثل به، أو صاحب بلاء، فليقل سرّاً في نفسه من غير أن يسمعه <الحمد لله الذي عافاني ممّا ابتلاك به، ولو شاء لفعل بي ذلك> ثلاث مرّات، فإنّه لا يصيبه ذلك البلاء أبداً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس به آفت زده یا عضو بریده یا گرفتاری نظر کند و در دل خود بدون آن که به او بشنوند سه بار گوید: <الحمد لله الذي عافاني ممّا ابتلاك به، ولو شاء لفعل بي ذلك> یعنی: حمد خدا را که مرا عافیت داده از آن چه تو را بدان گرفتار کرده و اگر می خواست با من هم چنین می کرد، هرگز آن بلا به او نرسد.

۱۱۸- الأمالی للصدوق ۳۴۳ ح ۱: عن عبد الرحمن بن الحجاج، قال: سمعت الصادق (عليه السلام) يقول: من رأى أخاه على أمر يكرهه، فلم يرده عنه، وهو يقدر عليه، فقد خانه، ومن لم يجتنب مصادقه الأحقق أو شك أن يتخلق بأخلاقه.

عبد الرحمن بن حجاج می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هر کس برادرش را به کاری ببیند که از آن بدش آید و او را با قدرت بر جلوگیری از آن، باز ندارد به او خیانت کرده و هر کس از رفاقت احقق دوری نکند بسا باشد هم خُلق او گردد.

۱۱۹- الأمالی للصدوق ۳۴۵ ح ۹: عن أبي عبيدة الحذاء، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: أتى النبي (صلى الله عليه وآله و سلم) بأسارى فأمر بقتلهم خلا- رجل من بينهم، فقال الرجل: بأبي أنت وأمي - يا محمّد - كيف أطلقت عني من بينهم؟ فقال: أخبرني جبرئيل عن الله (عزوجل) أن فيك خمس خصال يحبها الله (عزوجل) ورسوله: الغيرة الشديدة على حرمك، والسخاء، وحسن الخلق، وصدق اللسان، والشجاعة، فلما سمعها الرجل أسلم وحسن إسلامه، وقاتل مع رسول الله (صلى الله عليه وآله و سلم) قتالاً شديداً حتى استشهد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: جمعی اسیر را خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردند و دستور دادند همه را بکشند جز یک مرد از آن ها، آن مرد عرض کرد: ای محمّد! پدر و مادرم به قربانت، چطور مرا از میان آن همه آزاد کردی؟ حضرت فرمودند: جبرئیل به من خبر داد از طرف خدای (عزوجل) که در تو پنج خصلت خدا پسند و رسول پسند است؛ غیرت سخت بر حرمت و سخاوت و حسن خلق و راستگویی و شجاعت، چون آن مرد این سخن را شنید مسلمان شد از روی عقیده و به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سختی نبرد کرد تا شهید شد.

۱۲۰- الأمالی للصدوق ۳۵۵ ح ۱۱: عن أبان بن تغلب، عن الصادق جعفر بن محمّد (عليهما السلام): أنه قال: من مات ما بين زوال الشمس من يوم الخميس إلى زوال الشمس من يوم الجمعة من المؤمنين، أعاده الله من ضغطه القبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس از زوال پنجشنبه تا ظهر جمعه بمیرد و از مؤمنان باشد، خدا او را از فشار قبر پناه دهد.

۱۲۱- الأمالی للصدوق ۳۵۵ ح ۱۲: عن عنبسه بن بجاد العابد: إن رجلاً قال للصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): أوصني، قال: أعد جهازك، وقدم زادك لطول سفرك، وكن وصي نفسك، ولا تأمن غيرك أن يبعث إليك بما يصلحك.

مردی به امام صادق (علیه السلام) گفت: به من سفارش کن؛ حضرت فرمودند: زاد خود را آماده ساز و توشه‌ی سفر طولانی خود را پیش فرست و خود وصی خود باش و دیگری را امین بدان که آن چه تو را اصلاح کند برایت بفرستد.

۱۲۲- الأمالی للصدوق ۳۷۴ ح ۱۳: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن علي بن أبي طالب (عليهم السلام)، قال: من ذكر اسم الله على الطعام، لم يسأل عن نعيم ذلك الطعام أبداً.

امام صادق (علیه السلام) از پدران‌شان نقل نمودند که علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: هر کس نام خدا را بر غذا ببرد خداوند از حق آن نعمت از او هرگز پرسش نکند.

۱۲۳- الأمالی للصدوق ۳۷۵ ح ۱۵: عن طاووس اليماني، قال: كان علي بن الحسين سيد العابدين (عليه السلام) يدعو بهذا الدعاء: إلهي وعزتك وجلالك وعظمتك، لو أني منذ بدعت فطرتي من أول الدهر عبدتك دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة وكل طرفه عين سرمد الأبد بحمد الخلاق وشكرهم أجمعين، لكنت مقصراً في بلوغ أداء شكر أخفى نعمه من نعمك علي. ولو أني كريت معادن حديد الدنيا بأنياي، وحرثت أرضها بأشفار عيني، وبكيت من خشيتك مثل بحور السماوات والأرضين دماً وصديداً، لكان ذلك قليلاً في كثير ما يجب من حقك علي. ولو أنك إلهي عذبتني بعد ذلك بعذاب الخلاق أجمعين، وعظمت للنار خلقى وجسمي، وملأت جهنم وأطباقتها مني حتى لا يكون في النار معدب غيري، ولا يكون لجهنم حطب سوى، لكان ذلك بعدلك علي قليلاً في كثير ما استوجبته من عقوبتك.

طاووس یمانی گوید: علی بن الحسین (علیه السلام) سید عابدان بودند و این دعا را می خواندند: معبودا به عزت و جلال و بزرگیت قسم که اگر من از آغاز فطرتم که عیان کردی از اول روزگار تا دوام خلود پروردگاریت تو را عبادت کنم در هر مویی به هر چشم هم زدن تا سرمد ابد به حمد و شکر همه‌ی خلائق؛ هر آینه در رسیدن به حق ادای شکر نهان ترین نعمت تو مقصرم.

اگر من معادن آهن دنیا را با دندان خود برکنم و زمین های آن را با مژگان چشم شخم کنم و بکارم و از ترست مانند دریا های آسمان و زمین خون و چرک بگیریم؛ همانا که آن کم است نسبت به کثرت حق واجب تو بر من.

و اگر چنان چه معبودا تو پس از این ها مرا عذاب کنی به عذاب همه ی خلق، و بزرگ کنی تن مرا برای خلقت دوزخ و پر کنی همه ی دوزخ را و طبقه هایش را از من تا در آن معذبی جز من نباشد و دوزخ را هیزمی جز من نباشد این نظر به عدل تو، کمی است از بیش آن چه من مستوجب کیفر توام.

۱۲۴- الهدایه الکبری ۲۳۰: عن الباقر (علیه السلام) قال: نحن نفعل بإذنه ما نشاء، ونحن لا نشاء إلا ما شاء الله.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آن چه را که بخواهیم انجام می دهیم، و غیر از آن چه که خدا بخواهد نمی خواهیم.

۱۲۵- الغیبه للنعمانی ۳۲۶ ح ۳: قال: أبو عبد الله (علیه السلام): إذا أذن الإمام دعا الله باسمه العبرانی الأكبر، فأتیحت له أصحابه الثلاثمائة وثلاثة عشر قزع كقزع الخریف وهم أصحاب الألویه، ومنهم من یفقد عن فراشه لیلاً فیصبح بمكّه ومنهم من یری یسیر فی السحاب نهاراً.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که به امام اذن داده شد خدا را به نام عبرانی اش می خواند، پس سیصد و سیزده نفر از یاران او همچون تکه های ابر در ماه پائیز به دور او جمع شده و مهتای یاری او می شوند و آنان پرچم دارانی هستند که بعضی از آنان شبانگاه بستر خود را رها نموده و بامداد در مکه حاضر می شوند، و بعضی از آنان نیز در بین روز سوار بر ابر گشته و به ایشان ملحق می گردند.

۱۲۶- الأمالی للصدوق ۴۰۷ ح ۴: عن إسماعیل بن مسلم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبیه، عن آبائه (علیهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إذ أعد الرجل کفنه، کان مأجوراً ککما نظر إلیه.

امام صادق (علیه السلام) از پدران شان نقل نمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: چون کسی کفن خود را آماده سازد، هر گاه به او نگاه کند اجر برسد.

۱۲۷- الأمالی للصدوق ۴۴۰ ح ۸: عن مرزم بن حکیم، عن الصادق جعفر بن محمد (علیهما السلام)، أنه قال: علیکم بآتیان المساجد، فإنها بیوت الله فی الأرض، ومن أتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه، وکتب من زواره، فأکثروا فیها من الصلاه والدعاء، وصلوا من المساجد فی بقاع مختلفه، فإن کل بقعه تشهد للمصلی علیها یوم القیامه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بر شما باد به آمدن مساجد؛ زیرا آن ها خانه های خدایند در زمین، و هر کس با طهارت در آن ها آید خدا از گناهان پاکش کند و او را از زوار خود نویسد. در آن ها بسیار نماز بخوانید و دعا کنید، و در جاهای مختلف مساجد نماز کنید که هر جا برای نماز گزار خود روز قیامت گواهی دهد.

۱۲۸- الأمالی للصدوق ۴۴۱ ح ۱۱: عن إسحاق بن عمّار، عن الصادق جعفر بن محمد (علیهما السلام)، قال: إذا کان یوم القیامه وقف عبدان مؤمنان للحساب، کلاهما من أهل الجنّه، فقیر فی الدنیا، وغنی فی الدنیا، فبقول الفقیر: یا رب! علی ما أوقف؟ فوعزتک إنک لتعلم أنك لم تولنی ولایه فأعدل فیها أو أجور، ولم ترزقنی مالاً فأؤدی منه حقاً أو أمنع، ولا کان رزقی یأتینی منها إلا کفاف علی ما علمت وقدرت لی. فبقول الله جلّ جلاله: صدق عبدی، خلّوا عنه یدخل الجنّه. وبقی الآخر حتی یسئل منه العرق ما لو شربه أربعون بعیراً لکفاها. ثم یدخل الجنّه، فبقول له الفقیر: ما حبسک؟ فبقول: طول الحساب، ما زال الشیء یجیئنی بعد الشیء یغفر لی، ثم أسأل عن شیء آخر حتی تغمّی دنی الله (عزوجل) منه برحمته، وألحقنی بالتائبین، فمن أنت؟ فبقول: أنا الفقیر الذی كنت معک آنفاً، فبقول: لقد غیرک النعم بعبدی.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روز قیامت دو بنده به پای حساب ایستند که اهل بهشتند؛ یکی در دنیا فقیر بوده و دیگری توانگر.

آن فقیر گوید: خدایا برای چه من بایستم، به عزّتت سوگند تو می دانی نه متصدی مقامی بودم که مسئول عدل و ظلم آن باشم! نه مالی به من دادی که از ادای حقّ آن بپرسی و روزیم به اندازه‌ی کفایت بوده چنان چه خود دانی و مقدر کرده بودی، خدای جلّ جلاله فرماید: بنده ام راست می گوید او را رها کنید تا به بهشت رود، اما دیگری می ماند تا آن قدر عرق می ریزد که اگر چهل شتر بنوشند آن ها را بس است.

سپس به بهشت می رود، آن فقیر از او پرسد چه تو را بازداشت؟ گوید: طول حساب، هر چیزی که پیش می آوردند مرا نوید می کرد و مرا می آمرزیدند و از چیز دیگر پرسش می شدم تا خدا مرا به رحمت خود فرا گرفت و به پایان رسانید، تو کیستی؟ گوید: من همان فقیر بودم که تا پای حساب با تو بودم، گوید: نعمت در این مدّت مفارقت، تو را چنان تغییر داده است که نشناختم.

۱۲۹- الأمالی للصدوق ۴۵۳: عن سید العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام)، قال:....، وحقّ اللسان... و ترک الفضول التي لا- فایده لها... وحقّ البصر...، أن تعتبر بالنظر به... وحقّ سائسک بالعلم...، أن تستر عیوبه وتظهر مناقبه...، وأمّا حقّ الزوجه، فأن تعلم أنّ الله (عزوجل) جعلها لك سکوناً وأنساً، فتعلم أنّ ذلك نعمه من الله (عزوجل) عليك، فتکرمها وترفق بها، وإن كان حقّک علیها أوجب، فإنّ لها عليك أن ترحمها لأنها أسیرک، وتطعمها وتکسوها، وإذا جهلت عفوت عنها، الخیر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: از حقّ زبان ترک سخنان بیهوده است، و از حقّ چشم عبرت گرفتن از نگریستن است، و حقّ کسی که به تو علم و دانش آموخته این است که عیوبش را پنهان کنی و مناقبش را آشکار سازی.

و اما حقّ زن این است که بدانی که خداوند او را برای تو مایهی آرامش و انس قرار داده است و بدانی که آن نعمتی است از خدای (عزوجل) بر تو پس او را اکرام کن و با او مدارا نمای و اگرچه حقّ تو بر او واجب تر است؛ چرا که او اسیر توست پس باید بر او ترحم نموده و غذا و لباسش دهی و زمانی که جهالت کرد او را ببخشی.

۱۳۰- الأمالی للصدوق ۴۶۸ ح ۲: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام)، قال: أتى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقيل له: إنّ سعد بن معاذ قد مات. فقام رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وقام أصحابه معه فأمر بغسل سعد وهو قائم على عضاده الباب، فلما أن حنط وكفن وحمل على سريره، تبعه رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و آله و سلم) بلا حذاء ولا رداء، ثمّ كان يأخذ يمينه السرير مرّه ويسره السرير مرّه حتى انتهى به إلى القبر، فنزل رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) حتى لحدّه وسوى اللبن عليه وجعل يقول: ناولوني

حجرًا، ناولونی تراباً رطباً، یسدّ به ما بین اللبن، فلما أن فرغ وحثّ التراب علیه وسوی قبره، قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إننی لأعلم أنه سیبلی ویصل البلی إلیه، ولكنّ الله یحبّ عبداً إذا عمل عملاً أحکمه. فلما أن سوّی التربه علیه قالت أمّ سعد: یا سعد! هنیئاً لک الجنّه، فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): یا أمّ سعد! مه، لا تجزمی علی ربّک، فإنّ سعداً قد أصابته ضمّه. قال: فرجع رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، ورجع الناس، فقالوا له: یا رسول الله! لقد رأیناک صنعّت علی سعدا ما لم تصنعه علی أحد، إنک تبعّت جنازته بلا رداء ولا حذاء؟ فقال (صلی الله علیه و آله و سلم): إنّ الملائکه كانت بلا رداء ولا حذاء، فتأسیت بها، قالوا: وکنت تأخذ یمنه السریر مرّه ویسرّه السریر مرّه؟ قال: کانت یدی فی ید جبرئیل (علیه السلام) أخذ حیث یأخذ. قالوا: أمرت بغسله، وصلّیت علی جنازته ولحدته فی قبره، ثمّ قلت: إنّ سعداً قد أصابته ضمّه؟ قال: فقال (صلی الله علیه و آله و سلم): نعم، إنّه کان فی خلقه مع أهله سوء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر رسید که سعد بن معاذ مرده، آن حضرت با اصحاب خود آمدند و دستور دادند سعد را غسل دهند و خود بر در ایستادند و چون حنوط و کفنش کردند و تابوتش برداشتند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بی کفش و رداء او را تشییع کردند و گاهی سمت راست تابوتش را می گرفتند و گاهی سمت چپ آن را تا به گورش رسانیدند و خود میان گور او رفتند و لحدش را درست کردند و خشت بر او چیده می فرمودند: سنگ به من دهید و گل بدهید و میان خشت ها را گل می زدند و چون تمام شد و خاک بر او ریختند و قبرش را ساختند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: من می دانم کهنه می شود و کهنگی به او سرایت می کند، ولی خدا دوست دارد هر کس عمل نماید محکمش کند.

چون از قبرش پرداختند، مادر سعد برخاست و گفت: ای سعد! بر تو گوارا باد بهشت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای مادر سعد! آرام باش و با پروردگارت جزع مکن؛ زیرا سعد گرفتار فشار قبر شد.

گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برگشتند و مردم برگشتند، و به آن حضرت گفتند: یا رسول الله ما دیدیم با سعد آن کردی که با احدی نکردی، بی رداء و کفش دنباله جنازه اش راه رفتی؛ فرمودند: فرشته ها بی ردا و پای برهنه دنبال او بودند و من به آن ها تأسی کردم، گفتند: راست و چپ تابوتش را گرفتی؟

حضرت فرمودند: دستم به دست جبرئیل بود و هر جا را می گرفت می گرفتم، گفتند: شما دستور غسلش را دادی و بر او نماز خواندی و او را به دست خود در گور نهادی و باز هم فرمودی که سعد فشار قبر دارد؟ حضرت فرمودند: آری با خانواده‌ی خود بداخلاقی می کرد.

۱۳۱- الأمالی للصدوق ۴۸۰ ح ۶: عن داود بن سرحان قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): لا ينبغي للمرأة أن تعطل نفسها، ولو أن تعلق في عنقها قلادة، ولا ينبغي أن تدع يدها من الخضاب، ولو أن تمسها بالحناء مساً، وإن كانت مسنّه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روا نیست زن خود را بدون زیور گذارد گرچه گردن بند به گردن آویزد، و خوش نیست که دستش بی خضاب باشد گرچه مقدار کمی باشد و گرچه سالخورده هم باشد.

۱۳۲- الأمالی للصدوق ۴۹۶ ح ۷: أبو خالد الكعبي، عن أبي عبد الله (عليه السلام): أن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: أيما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً، نظر الله (عز وجل) إليها، ومن نظر الله إليه لم يعذبها، فقالت أم سلمة: ذهب الرجال بكل خير، فأى شيء للنساء المساكين؟ فقال (صلى الله عليه وآله وسلم): بلى، إذا حملت المرأة كانت به منزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه وماله في سبيل الله، فإذا وضعت كان لها من الأجر ما لا تدرى ما هو لعظمه، فإذا أرضعت كان لها بكل مصه كعدل عتق محرّر من ولد إسماعيل، فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملك على جنبها، وقال: استأنفى العمل، فقد غفر لك.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر زنی در خانه‌ی شوهر برای اصلاح و چیزی را جابجا کند خدای (عزوجل) به او نظر کند و هر کس خدا به او نظر کند عذابش نکند.

امّ سلمه عرض کرد مردها همه‌ی خوبی‌ها را بردند، زن‌های بیچاره چه خوبی دارند؟ حضرت فرمودند: آری، چون زنی آبستن شود مقام روزه دار و شب زنده دار و مجاهد با خود و مالش را در راه خدا دارد، و چون بزاید اجری دارد که هیچکس عظمت آن را نداند، و چون طفل را شیر دهد به هر مکی ثواب آزاد کردن یک بنده از اولاد اسماعیل را دارد، و چون از

شیر دادن فارغ شود فرشته ای پَر بر پهلویش زند و گوید: کار خود را از سر گیر که آمرزیده شدی.

۱۳۳- الأمالی للصدوق ۴۹۷ ح ۹: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنَّ العبد ليحبس على ذنب من ذنوبه مائه عام، وإنَّه لينظر إلى أزواجه وإخوانه في الجنَّة.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: همانا بنده ای صد سال به خاطر گناهی از گناهانش در زندان دوزخ است و زنان و برادران خود را در بهشت می بیند.

۱۳۴- بحار الأنوار ۵۲/۳۰۷ ح ۸۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: رجال كأنَّ قلوبهم زبر الحديد، هم أطوع له من الأمة لسيدها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: اصحاب امام زمان (عليه السلام) مردانی هستند که قلب هایشان همچون پاره های آهن محکم است و آنان از کنیز نسبت به مولای خویش مطیع ترند.

۱۳۵- کمال الدین ۲۶۴ ح ۱۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يجمع الله له من أقاصى البلاد على عدد أهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً...، كزارون، مجدون فى طاعته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: خدای متعال اصحاب امام زمان (عليه السلام) را که تعداد آن ها به عدد اصحاب بَدْر - یعنی سیصد و سیزده نفر - می باشد را از اطراف و اکناف شهرها برای او جمع آوری می کند، و از خصوصیات آنان این است که: بسیار حمله کننده و کوشا در طاعت امام خویش می باشند.

۱۳۶- مناقب آل أبي طالب ۳/۳۶۲: عن مأمون الرِّقِّي، قال: كنت عند سيدي الصادق (عليه السلام) إذ دخل سهل بن الحسن الخراسانيّ فسلم عليه ثمّ جلس فقال له: يا بن رسول الله! لكم الرأفة والرحمة وأنتم أهل بيت الإمامه، ما الذى يمنعك أن يكون لك حقّ تقعد عنه وأنت تجد من شيعتك مائه ألف يضربون بين يديك بالسيف؟ فقال (عليه السلام) له: اجلس يا خراسانيّ! رعى الله حقك، ثمّ قال: يا حنيفه! اسجری التّنور فسجرتّه حتّى صار كالجمره وبيضّ علوه، ثمّ قال: يا خراسانيّ! قم فاجلس فى التّنور، فقال الخراسانيّ: يا سيدي! يا بن رسول الله! لا تعدّبنى بالنار أقالك الله،

قال: قد أفلتتكم، فبينما نحن كذلك إذ أقبل هارون المكي ونعله في سبّابته، فقال: السلام عليك يا بن رسول الله! فقال له الصادق (عليه السلام): ألقى النعل من يدك واجلس في التنور، قال: فألقى النعل من سبّابته ثم جلس في التنور، وأقبل الإمام (عليه السلام) يحدث الخراساني حديث خراسان حتى كأنه شاهد لها. ثم قال: قم يا خراساني! وانظر ما في التنور؟ قال: فقامت إليه فرأته متربّعاً فخرج إلينا وسلّم علينا، فقال له الإمام (عليه السلام): كم تجد بخراسان مثل هذا؟ فقال: والله ولا واحداً، فقال (عليه السلام): لا والله ولا واحداً، فقال: أما إننا لا نخرج في زمان لا نجد فيه خمساً معاضدين لنا، نحن أعلم بالوقت.

مأمون رقی می گوید: خدمت حضرت صادق (عليه السلام) بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده سلام کرده و نشست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! چقدر شما رئوف و مهربان هستید، شما امام بر ما می باشید؛ چرا دفاع از حقّ خود نمی کنید با این که بیش از صد هزار شیعه‌ی شمشیر زن دارید؟

آن حضرت فرمودند: ای خراسانی! بنشین، خداوند به تو رحم نموده و مراعات حال تو را بنماید. سپس به کنیزی بنام حنیفه فرمودند: تنور را روشن کن، تنور پس از مدّتی افروخته شد به طوری که یک پارچه آتش گردید و قسمت بالای آن سفید شد. بعد رو به مرد خراسانی نموده و فرمودند: برو بنشین داخل تنور، مرد خراسانی شروع به التماس نموده و گفت: ای پسر رسول خدا! مرا به آتش مسوزان، از جرم من در گذر، خدا از تو بگذرد.

حضرت فرمودند: تو را بخشیدم. در همین موقع هارون مکی وارد شد و در حالی که یک کفش خود را به انگشت گرفته بود عرض کرد: سلام بر تو ای پسر رسول خدا! امام فرمودند: کفش هایت را از دست بیانداز و برو داخل تنور بنشین، پس او کفش ها را انداخته و داخل تنور نشست.

امام (عليه السلام) شروع کردند با مرد خراسانی صحبت کردن در مورد جریان های خراسان به طوری که گویا سابقاً در خراسان بوده اند، بعد فرمودند: ای خراسانی! برو بین در تنور چه خبر است! پس او به جانب تنور رفت و دید که او چهار زانو در تنور نشسته، پس از تنور خارج شده و به ما سلام کرد،

امام (علیه السلام) به خراسانی فرمودند: از این ها در خراسان چند نفر پیدا می شود؟!

عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم پیدا نمی شود، نه به خدا یک نفر پیدا نمی شود. حضرت فرمودند: ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می دانیم.

۱۳۷- بحار الأنوار ۵ ۲/۳۰۷ ح ۸۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: رجال يتمسحون بسرج الإمام (عليه السلام) يطلبون بذلك البركه ويحفون به يقونه، بأنفسهم في الحروب ويكفونه ما يريد فيهم، هم أطوع له من الأمة لسيدها.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از خصوصیات اصحاب او (امام زمان (علیه السلام)) آن است که آنان مردانی هستند که بدن خود را برای تبرک به زین اسب امام می ساینند، آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند، و ایشان از کنیز به مولای خویش مطیع ترند.

۱۳۸- الأمالی للصدوق ۴۹۷ ح ۱۱: عن أبي هاشم الجعفری، قال: أصابتنی ضيقه شدیدة، فصرت إلى أبي الحسن علی بن محمد (عليهما السلام)، فأذن لي، فلما جلست قال: يا أبا هاشم! أي نعم الله (عزوجل) عليك تريد أن تؤدى شكرها؟ قال أبو هاشم: فوجمت، فلم أدر ما أقول له، فابتدأ (عليه السلام) فقال: رزقك الإيمان، فحرم به بدنك على النار، ورزقك العافية فأعانتك على الطاعة، ورزقك القنوع فصانك عن التبذل. يا أبا هاشم! إنما ابتدأتك بهذا، لأني ظننت أنك تريد أن تشكو إلي من فعل بك هذا، وقد أمرت لك بمائة دينار، فخذها.

ابو هاشم جعفری گفت: به من فقر و تنگی سختی رسید و نزد امام هادی (علیه السلام) رفتم و به من اجازه ورود دادند و چون نشستم فرمودند: ای ابو هاشم! می خواهی شکر کدام نعمت خدا را بکنی؟

گوید: روی در هم کشیدم و ندانستم چه گویم؛ آن حضرت آغاز سخن کردند و فرمودند: ایمان به تو روزی کرد و به وسیله آن تنت بر آتش حرام شد و تندرستی به تو داد و بر طاعت به تو کمک کرد، قناعت به تو داد و از آبرو

فروشی حفظت کرد.

ای ابو هاشم! من تو را به این مطالب آغاز نمودم برای آن که می خواستی به من از کسی که به تو چنین کرده شکایت کنی و دستور دادم صد اشرفی به تو بدهند آن ها را دریافت کن.

۱۳۹- الأمالی للصدوق ۵۰۳ ح ۲: عن أبي عبيدة الحذاء، قال: قال أبو جعفر (عليه السلام): يا زياد! إياك والخصومات، فإنها تورث الشك، وتحبط العمل، وتردى صاحبها، وعسى أن يتكلم الرجل بالشيء لا يغفر له. يا زياد! إنّه كان فيما مضى قوم تركوا علم ما وکلوا به، وطلبوا علماً كفوه، حتى انتهى بهم الكلام إلى الله (عزوجل) فتحيروا، فإن كان الرجل ليدعى من بين يديه فيجيب من خلفه، أو يدعى من خلفه فيجيب من بين يديه.

ابی عبیده خِذاء می گوید که امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ای زیاد! مبادا وارد خصومت و مجادله شوی که شک آورد و عمل را بی اجر کند و صاحبش را هلاک سازد و بسا باشد مرد سخنی گوید که آمرزیده نشود.

ای زیاد! در دوران گذشته مردمی بودند که آموختن و وظائف خود را ترک کردند و دنبال دانستن چیزی رفتند که از آن معاف بودند، تا آنکه سخن را به بحث در ذات خدا کشاندند و سرگردان ماندند، تا به جایی که مردی را از برابرش می خواندند از پشت سر پاسخ می داد یا از پشت سرش می خواندند از برابرش پاسخ می داد.

۱۴۰- الأمالی للصدوق ۵۰۵ ح ۱۱: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الجلوس في المسجد لانتظار الصلاة عبادة ما لم يحدث. قيل: يا رسول الله! وما الحدث؟ قال: الاغتياب.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نشستن در مجلس به انتظار نماز عبادت است، تا حدّثی از تو سر نزنند، عرض شد یا رسول الله حدّث چیست؟ حضرت فرمودند: غیبت کردن.

۱۴۱- الأمالی للصدوق ۵۲۶ ح ۱: عن سعدان بن مسلم، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام)، قال: النوم راحة للجسد، والنطق راحة للروح، والسكوت راحة للعقل.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خواب آسایش تن است، و سخن کردن آسایش روح، و خاموشی آسایش خرد.

۱۴۲- الأمالی للصدوق ۵۲۶ ح ۳: عن مسعده بن صدقه، قال: قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام): إن عيال الرجل أسراؤه، فمن أنعم الله عليه نعمه فليوسع على أسرائه، فإن لم يفعل أوشك أن تزول عنه تلك النعمة.

مسعده بن صدقه می گوید: امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: عیال مرد اسیران اویند هر کس خدا به او نعمتی داد بر اسیران خود توسعه دهد و اگر نکند بسا باشد آن نعمت از دستش برود.

۱۴۳- الأمالی للصدوق ۵۳۱: عن الرضا قال: قال امير المؤمنين (عليه السلام):...، لو تكاشفتم ما تدافتم، الخبر.

حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: اگر باطن شما بر یکدیگر آشکار می گردید هیچ کدام یکدیگر را به خاک نمی سپردید.

۱۴۴- الأمالی للصدوق ۵۵۱ ح ۵: عن فطر بن خليفة، عن الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام)، قال: لما نزلت هذه الآية: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ (۱) سعد إبليس جبلاً بمكة يقال له: ثور، فصرخ بأعلى صوته بعفاريته فاجتمعوا إليه، فقالوا: يا سيدنا! لم دعوتنا؟ قال: نزلت هذه الآية، فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين، فقال: أنا لها بكذا وكذا. قال: لست لها، فقام آخر فقال مثل ذلك، فقال: لست لها، فقال الوسواس الخناس: أنا لها. قال: بماذا؟ قال: أعدهم وأمنيتهم حتى يواقعوا الخطيئة، فإذا واقعوا الخطيئة أنسيتهم الاستغفار، فقال: أنت لها، فوكله بها إلى يوم القيامة.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون این آیه نازل شد: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ یعنی: < و آن کسانی که چون هرزگی کردند

یاد خدا افتادند و آمرزش گناهان خود خواستند > ابلیس در مکه بالای کوهی به نام ثور رفت و به فریاد بلند عفاریت خود را خواست و آن ها گردش آمدند و گفتند: ای سید ما! برای چه ما را دعوت کردی؟

گفت: این آیه نازل شده، چه کسی در برابر آن قیام می کند؟ یکی گفت: من به چنین وسیله؛ گفت: تو اهلش نیستی، دیگری چنان و چنین گفت، گفت: تو هم اهلش نیستی، و سواس خناس گفت: من اهل آنم، گفت: به چه وسیله؟ گفت: به آن ها وعده دهم و آرزومندشان کنم تا گناه کنند و چون در گناه افتادند آمرزش را از یادشان ببرم، گفت تو اهل آنی و او را تا قیامت بر این وظیفه گمارد.

۱۴۵- الکافی ۵/۱۶۲ ح ۴: عن الصادقین (علیهما السلام) قال: وکّرر فی لیلہ ثلاث وعشرین من شهر رمضان هذا الدعاء ساجداً وقائماً وقاعداً وعلی کلّ حال وفی الشهر کلّه وکیف أمکنک ومتی حضرک من دهرک تقول بعد تمجید اللّٰه تعالیٰ والّٰصیّلاه علی النّبیّ علیہ وآله السلام: اللّٰهم کن لولیک الحجّه بن الحسن فی هذه الساعه وفی کلّ ساعه ولیاً وحافظاً وقائداً وناصرأً ودلیلاً وعیناً حتّٰی تسکنه أرضک طوعاً وتمکنه فیها طویلاً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: برای حضرت مهدی (علیه السلام) در همه‌ی اوقات و مکان ها چنین دعا کنید: خداوندا! برای حجّت بن الحسن «که صلوات تو بر او و پدرانش باد» در همین وقت و همه‌ی اوقات، سرپرست، نگهدار، پیشوا، یاور، راهنما و نگهبان باش تا این که سرانجام او را با میل و رغبت در زمین حاکم نموده و برای مدّت طولانی از آن چه که در زمین است بهره مند نمایی.

۱۴۶- الأمالی للصدوق ۵۸۹ ح ۱۲: عن أبان بن تغلب، قال: قال أبو عبد الله الصادق جعفر بن محمد بن محمد (علیه السلام): إنّ المؤمن لیهول علیہ فی منامه فتغفر له ذنوبه، وإنّہ لیمتھنّ فی بدنہ فتغفر له ذنوبه.

ابان بن تغلب گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمن خواب هولناک ببیند و گنااهش بریزد و تنش خواری کشد و گناهانش آمرزیده شود.

۱۴۷- الأمالی للصدوق ۵۹۸ ح ۵: عن زید بن علی، عن آبائه (علیهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إن أقربکم منی غداً، وأوجبکم علی شفاعه، أصدقکم لساناً، وأداکم للأمانه، وأحسنکم خلقاً، وأقربکم من الناس.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نزدیک ترین شما به من فردای قیامت و مستحق ترین شما به شفاعت من و راستگوترین و ادا کننده ترین امانت و خوش خلق ترین و نزدیک ترین شما است به مردم.

۱۴۸- الأمالی للصدوق ۵۹۹ ح ۸: عن إسماعیل بن بشر بن عمّار، قال: کتب هارون الرشید إلى موسى بن جعفر (علیه السلام): عظمی وأوجز. قال: فکتب إليه: ما من شیء تراه عینک إلا وفيه موعظه.

اسماعیل بن بشر بن عمّار گوید: هارون الرشید به امام موسی کاظم (علیه السلام) نوشت مرا پندی ده و مختصر کن، آن حضرت در جوابش نوشتند: چیزی نیست که چشمت ببیند جز این که در آن پندی است.

۱۴۹- الأمالی للصدوق ۶۳۲ ح ۲: عن علی (علیه السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ضغطة القبر للمؤمن کفّاره لما کان منه من تضييع النعم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: فشار قبر مؤمن کفّاره‌ی گناه تضييع نعمت های او است.

۱۵۰- الأمالی للصدوق ۶۳۷ ح ۵: عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله الصادق (علیه السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إن آدم شکا إلى الله (عزوجل) ما یلقى من حدیث النفس والحزن، فنزل علیه جبرئیل (علیه السلام) فقال له: یا آدم! قل: لا حول ولا قوه إلا بالله، فقالها فذهب عنه الوسوسة والحزن.

هشام بن سالم گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آدم از حدیث نفس و اندوه به خدا شکایت کرد، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای آدم! بگو: <لا حول ولا قوه إلا بالله> آن را گفت و وسوسه و اندوه او رفت.

۱۵۱- الأمالی للصدوق ۶۵۱ ح ۱۳: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من تظاهرت علیه النعم فلیقل: «الحمد لله رب العالمین»، ومن ألحّ علیه الفقر فلیکثر من قول: «لا حول ولا قوه إلا بالله العلی العظیم»، فإنه کنز من کنوز الجنّه، وفيه شفاء من اثین وسبعین داء أدناها الهمّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس نعمت پیاپی دارد بسیار بگوید: <الحمد لله رب العالمین> و هر کس فقر بر او فشار آورد، باید بسیار بگوید: <لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم>؛ که آن یکی از گنج های بهشت است و درمان هفتاد و دو نوع بلا است که کمترین آن اندوه است.

۱۵۲- الأمالی للصدوق ۶۷۱ ح ۲: عن أبي حمزه الثمالي، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: ما من عبد من شيعتنا يقوم إلى الصلاة إلا اكتفتته بعدد من خالفه ملائكة يصلون خلفه يدعون الله له حتى يفرغ من صلاته.

ابو حمزه ی ثمالی می گوید که امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای از شیعیان ما به نماز نمی ایستد جز آن که به شماره ی مخالفانش فرشته دورش آیند و پشت سرش نماز خوانند و برای او دعا کنند تا از نمازش فارغ شود.

۱۵۳- الأمالی للصدوق ۶۷۲ ح ۶: عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): من دخل السوق فاشترى تحفه فحملها إلى عياله كان كحامل صدقه إلى قوم محايج، وليبدأ بالإناث قبل الذكور، فإن من فرح ابنه فكأنما أعتق رقبة من ولد إسماعيل، ومن أقر بعين ابنه فكأنما بكى من خشية الله (عزوجل)، ومن بكى من خشية الله (عزوجل) أدخله الله جنات النعيم.

ابن عباس می گوید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس بازار رود و تحفه ای برای عیال خود آورد، هم چون حامل صدقه است برای مردم محتاج و به دخترها پیش از مردها بدهد؛ زیرا هر کس دخترش را شاد کند گویا بنده ی مؤمنی از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده در راه خدا و هر کس پسری را چشم روشن کند، گویا از خوف خدا گریسته، و هر کس از خوف خدای (عزوجل) بگرید در بهشت پر نعمت در آید.

۱۵۴- کمال الدین ۲۸۶ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو يأتهم به في غيبته قبل قيامه ويتولى أوليائه ويعادى أعداءه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و

تا قبل از قیام وی به امامتش معتقد باشد و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باشد.

۱۵۵- مصباح المتهجد ۸۰۳: فی دعاء فی الأيام الرّجیّیه: اللّهم لا فرق بینک و بینها إلاّ أنّهم عبادک و خلقک فتقها ورتقها بیدک بدوھا منك وعودھا إلیک.

در یکی از دعاهاى روزهاى ماه رجب مى خوانیم: خداوندا! فرقى (در برخورداری از صفات عالیّه) میان تو و حجّت هاى تو نیست جز این که آن ها بندگان و مخلوق تو هستند که امورشان به دست توست، و از جانب تو آمده اند و به سوى تو بر مى گردند.

۱۵۶- المزار للمشهدى ۵۷۴: فی دعاء الندبه: الذین استخلصتهم لنفسک و دینک.

در دعای ندبه آمده است: خدايا! اهل بیت (علیهم السلام) آن کسانی هستند که آن ها را برای خود و دینت خالص نموده و برگزیده ای.

۱۵۷- من لا یحضره الفقیه ۲/۶۱۵: فی الزیاره الجامعه: آتاکم اللّهُ ما لم یؤت أحدًا من العالمین.

در زیارت جامعہی کبیره آمده است: خداوند متعال آن چه به ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) از حقائق، علوم، معارف و فضائل عطا نموده، به هیچ کس دیگری نداده است.

۱۵۸- الأمالی للصدوق ۶۸۴ ح ۱۲: عن الصقر بن دُلف، قال: سمعت سیّدی علیّ بن محمّد بن علیّ الرضا (علیه السلام) یقول: من کانت له إلی اللّهُ (تبارک و تعالی) حاجه، فلیزر قبر جدّی الرضا (علیه السلام) بطوس وهو علی غسل، ولیصلّ عند رأسه رکعتین، ولیسأل اللّهُ حاجته فی قنوته، فإنّه یستجیب له، ما لم یسأل فی مأثم، أو قطیعه رحم، وإنّ موضع قبره لبقعه من بقاع الجنّه، لا یزورها مؤمن إلاّ أعتقه اللّهُ من النار، وأحلّه دار القرار.

صقر بن دُلف گوید: شنیدم از آقاى امام هادى (علیه السلام) که فرمودند: هر کس نزد خدا حاجتى دارد، قبر جدّم رضا (علیه السلام) در طوس را با غسل زیارت کند و دو رکعت نماز بالای سرش بخواند و حاجتش را از خدا بخواهد در قنوت نماز، به اجابت رسد در صورتی که برای گناه یا قطع رحم نباشد، و به راستی

جایگاه قبرش یکی از بقعه های بهشت است و مؤمنی آن را زیارت نکند جز این که خداوند از دوزخ آزادش کند و به بهشت برَد.

۱۵۹- الأمالی للصدوق ۷۶۷ ح ۱۰: قال الصادق (علیه السلام) لبعض أصحابه: لا تطلع صدیقک من سرک إلا علی ما لو اطلع علیه عدوک لم یضرک، فإنّ الصدیق قد یكون عدوّاً یوماً ما.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحابشان فرمودند: آن رازی را با دوستت در میان بگذار که اگر دشمنت از آن آگاه شد زیانت نرساند، بسا که دوستت روزی دشمن شود.

۱۶۰- الإرشاد ۱/۲۳۵: عن أمير المؤمنين (علیه السلام):...، واعلم أنّک لن تکتسب شیئاً فوق قوتک إلا کنت فیه خازناً لغيرک، یكثر فی الدنیا به نصبک، ویحظى به وارثک، ویطول معه یوم القیامه حسابک، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بدان که تو بیشتر از قوت خود کسب نمی کنی مگر این که در این جمع کردن خزانه دار دیگران هستی، در دنیا زحمت و رنج خود را زیاد می کنی و وارث تو بهره مند می گردد، و به سبب آن حسابرسی تو در روز قیامت زیاد می شود.

۱۶۱- الأمالی للمفید ۵۹ ح ۴: عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: واللّه ما نقول بأهوائنا ولا نعمل بأرائنا، ولا نقول إلا ما قال ربنا (عزوجل).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از روی هوای نفس خود چیزی نمی گوئیم و به رأی و نظر خود عمل نمی کنیم، و نمی گوئیم مگر آن چه را که پروردگار به ما گفته است.

۱۶۲- الإرشاد ۱/۲۹۹:...، قوله (أمیر المؤمنین (علیه السلام)): جهل المرء بعیوبه من أكبر ذنوبه، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: جهل انسان به عیب های خود از بزرگ ترین گناهان است.

۱۶۳- الإرشاد ۲/۱۴۷: روی: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) دعا مملوكه مرّتين فلم يجبه، ثمّ أجابه في الثالثة، فقال له: يا بُنَيَّ! أما سمعت صوتي؟ قال: بلى، قال: فما بالك لم تجبني؟ قال: أمنتك، قال: الحمد لله الذي جعل مملوكي يأمني.

روایت شده که حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) یکی از غلامان خود را دو بار صدا زد و او پاسخ نداد تا بار سوم پاسخ داد، حضرت به او فرمودند: ای پسر! مگر صدای مرا نشنیدی؟ گفت: بله شنیدم، حضرت فرمودند: پس چرا پاسخم را ندادی؟ عرض کرد: از شما ایمن بودم (و می دانستم که اگر پاسخ نگویم بر من خشم نخواهی کرد) حضرت فرمودند: سپاس خداوندی را که بنده‌ی زر خرید مرا از من ایمن ساخته.

۱۶۴- المحاسن ۱/۶ ح ۱۶: عن المحاربي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ثلاثة إن لم تظلمهم ظلموك، السفله وزوجتك وخادمك. وقال: ثلاثة لا ينتصفون من ثلاثة، شريف من وضع، وحليم من سفیه، وبرّ من فاجر.

محاربی گوید: از امام صادق (علیه السلام) روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: سه گروه را اگر ستم نکنی بر تو ستم کنند: مردم پست و همسر و خدمتکار. و فرمودند: سه گروه از سه گروه انتقام نمی گیرند: شخص شریف و بزرگوار از شخص پست، شخص بردبار از نادان و احمق، شخص نیکوکار از فاجر و نابکار.

۱۶۵- علل الشرائع ۱/۱۴۱ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من أصبح يجد برد حَبْنَا على قلبه فليحمد الله على بادئ النعم، قيل: وما بادئ النعم؟ قال: طيب المولد.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شخصی که شب را به بامداد رساند و نسیم محبت ما را بر قلب خود احساس نماید پس باید خدا را بر سر آغاز نعمت ها سپاسگزاری نماید. عرض شد: سر آغاز نعمت ها چیست؟ فرمودند: حلال زادگی.

۱۶۶- بحار الأنوار ۲۶/۷: قال أمير المؤمنين (صلوات الله عليه): الويل كل الويل! لمن أنكر فضلنا وخصوصيتنا وما أعطانا الله ربنا؛ لأن من أنكر شيئاً ممّا أعطانا الله فقد أنكر قدره الله (عزوجل) ومشيئته فينا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: وِئَل و تمام وِئَل (وِئَل کلمه‌ی انذار و تحذیر می باشد و به چاهی در جهنم که آکنده از آتش است نیز اطلاق می گردد) بر کسی که فضائل و خصوصیات ما اهل بیت و آن چه را که خداوند به ما عطا نموده است را انکار نماید؛ چرا که هر کس چیزی از آن چه را که خداوند به ما عطا کرده است انکار نماید بدرستی که قدرت خدا و اراده‌ی او در حق ما را انکار نموده است.

۱۶۷- المحاسن ۱/۱۱۸ ص ۱۲۶: عن معمر بن خلّاد، عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام)، قال: سئل رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) يكون المؤمن جبّاناً؟ - قال: نعم، قيل: ويكون بخيلاً؟ - قال: نعم، قيل: ويكون كذاباً؟ - قال: لا.

معمر بن خلّاد گوید: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد: آیا مؤمن ترسو هست؟ حضرت فرمودند: آری، گفته شد: بخیل هم می باشد؟ حضرت فرمودند: آری، سؤال شد: آیا دروغ هم می گوید؟ حضرت فرمودند: خیر.

۱۶۸- المحاسن ۱/۱۴۱ ح ۳۴: عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: إذا كان يوم القيامة يدعى الناس جميعاً بأسمائهم وأسماء أمهاتهم سترًا من الله عليهم إلا شيعه عليّ (عليه السلام) فإنهم يدعون بأسمائهم وأسماء آبائهم وذلك أن ليس فيهم عهار.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که روز قیامت فرا رسد همه‌ی مردم به اسم خودشان و اسم مادرانشان صدا زده می شوند تا پرده‌ی شرم آنان دریده نشود به جز شیعه‌ی علی (علیه السلام) که به اسم خودشان و پدرانشان خوانده می شوند؛ چرا که در ایشان زنایی نیست.

۱۶۹- المحاسن ۱/۱۵۸ ح ۹۳: عن زيد الشحام، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إن وليّ عليّ إن نزل به قدم ثبتت أخرى.

زيد شحام می گوید شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: به درستی که دوست دار علی (علیه السلام) اگر قدمی از او بلغزد قدم دیگر او پابرجاست. (یعنی):

اگر مرتکب گناهی شود خداوند او را توفیق داده و موفق به توبه و برگشت به مسیر حق می نماید)

۱۷۰- المحاسن ۱/۱۶۱ ح ۱۰۵: عن موسى بن بكر، قال: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ رَجُلٌ فِي الْمَجْلِسِ: أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنْتُمْ فِي الْجَنَّةِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَخْرُجَكُمْ مِنْهَا، فَقُلْنَا: جَعَلْنَا فِدَاكَ نَحْنُ فِي الدُّنْيَا، فَقَالَ: أَلَسْتُمْ تَقْرَوْنَ بِهٖ إِمَامَتِنَا؟ قَالُوا: نَعَمْ، فَقَالَ: هَذَا مَعْنَى الْجَنَّةِ، الَّذِي مَنْ أَقْرَبَ بِهِ كَانَ فِي الْجَنَّةِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَسْلِبَكُمْ.

موسی بن بکر گوید: با جمعی محضر حضرت صادق (علیه السلام) بودیم، یکی از مردان مجلس عرض کرد: از خداوند بهشت می خواهم؛ حضرت فرمودند: شما در بهشت هستید از خدا بخواهید شما را از آن بیرون نبرد گفتند: قربانتان شویم ما در دنیائیم! حضرت فرمودند: مگر شما به امامت ما اعتراف ندارید؟ گفتند: بلی؛ پس حضرت فرمودند: این معنی بهشت است که هر کس به آن اعتراف کند در بهشت باشد؛ پس از خدا بخواهید که آن را از شما نگیرد.

۱۷۱- المحاسن ۱/۱۹۵ ح ۱۶: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إِنَّمَا يَدَاقُ اللَّهَ الْعِبَادُ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند روز قیامت درباره‌ی حساب بندگان به اندازه‌ی عقل هایی که در دنیا به آن ها داده باریک بینی می نماید (با دقت و باریک بینی به حسابشان میرسد).

۱۷۲- المحاسن ۱/۲۰۲ ح ۴۴: عن فضيل بن يسار قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) ندعوا الناس إلى هذا الأمر؟ فقال: لا، يا فضيل! إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ أَمْرًا مَلَكًا فَأَخَذَ بَعْتَهُ فَأَدْخَلَهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ طَائِعًا أَوْ كَارِهًا.

فضیل روایت کرد که به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: ما مردم را به این مرام (ولایت و امامت) دعوت کنیم؟ فرمودند: نه، ای فضیل! البته خداوند اگر خیر بنده ای را بخواهد، فرشته ای را فرمان دهد تا گردن او را بگیرد و به این مرام داخل سازد چه او بخواهد و چه نخواهد.

۱۷۳- المحاسن ۱/۲۰۴ ح ۵۲: قال أبو عبد الله (عليه السلام): من أراد أن يعلم ماله عند الله فلينظر ما لله عنده.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس می خواهد بداند پیش خدا چه مقامی دارد بنگرد که خدا نزد وی چه جایگاهی دارد.

۱۷۴- الكافي ۱/۱۹۸ ح ۱: عن الإمام الرضا (عليه السلام) قال: الإمام كالشمس الطالعه المجلّه بنورها للعالم، وهي في الأفق بحيث لا تنالها الأيدي والأبصار... فمن ذا الذي يبلغ معرفه الإمام؟! أو يمكنه اختياره؟! هيهات! هيهات! ضلّت العقول وتاهت الحلوم وحاتر الألباب وخسأت العيون وتصاغرت العظماء وتحيرت الحكماء وتفاصرت الحلماء وحصرت الخطباء وجهلت الألباء وكلت الشعراء وعجزت الأدباء وعبيت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضيله من فضائله وأقرت بالعجز والتقصير، وكيف يوصف بكله أو ينعت بكنهه أو يفهم شيء من أمره أو يوجد من يقوم مقامه ويغني غناه! لا، كيف؟! وأنتي؟! وهو بحيث النجم من يد المتناولين ووصف الواصفين، فأين الاختيار من هذا؟! وأين العقول عن هذا؟! وأين يوجد مثل هذا؟! أتظنون أن ذلك يوجد في غير آل الرسول محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)؟!!

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: امام همچون خورشید فروزانی است که نورش عالم را فرا گرفته و کسی را توان دسترسی و دیدن حقایق آن نیست، کیست که امام را بحق بشناسد؟! یا توان انتخاب او را داشته باشد؟ هیهات! هیهات! خَردها در باره اش گمراهند و خاطرها در تحیر، عقل ها سرگردان و چشم ها بی بصیرت، بزرگان در اینجا کوچکنند، و حکیمان در حیرت، و بردباران کوته نظر، و هوش مندان گیج و نادان، و شعراء لال و گنگ، و اُدباء درمانده، و سخن دانان بی زبان، شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند.

چگونه می توان کنهش را وصف کرد و اسرارش را فهمید؟! چطور کسی به جای او ایستاده و حاجت مربوط به او را برآورد؟ نه، چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود اختری است بر افروخته و از دسترس دست یازان و وصف واصفان فراتر است، کجا انتخاب بشر به این پایه رسد! عقل کجا و مقام امام

کجا! کجا چنین شخصیتی یافت شود! آیان گمان می برند که در غیر خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امامی یافت شود؟!

۱۷۵- المحاسن ۱/۲۰۹ ح ۷۵: عن يعقوب بن زراره، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من اجترى على الله في المعصية وارتكاب الكبائر فهو كافر، ومن نصب ديناً غير دين الله فهو مشرك.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس در معصیت خدا جری و بی باک شود و مرتکب کبائر گردد کافر می باشد و هر کس دینی غیر از دین خدا را ترویج نماید مشرک است.

۱۷۶- الکافی ۸/۲۶۸ ح ۳۹۴: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما كلم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) العباد بكنه عقله.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز با همه‌ی ظرفیت عقل خود با مردم سخن نگفتند.

۱۷۷- المحاسن ۱/۲۲۰ ح ۱۲۵: عن أبي بصير، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنَّ القليل من المؤمنين كثير.

ابو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا عدّه‌ی کمی از مؤمنین زیاد هستند. (یعنی: می توانند کارهای بزرگی انجام داده و به ثمر برسانند)

۱۷۸- المحاسن ۱/۲۲۱ ح ۱۳۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قراءة القرآن في الصلاة أفضل من قراءة القرآن في غير الصلاة، وذكر الله أكبر من الصدقة، والصدقة أفضل من الصوم، والصوم جنة من النار.

رسول خدا (علیه السلام) فرمودند: قرائت قرآن در نماز بهتر است از قرائت آن در غیر نماز، و یاد خدا از صدقه بهتر است، و صدقه از روزه بهتر است، و روزه سپری است از آتش.

۱۷۹- تأویل الآيات ۱/۳۹۷ ح ۲۷: عن الكاظم (عليه السلام) قال: أقامهم مقام نفسه؛ لأنه لا يرى ولا يدرك ولا تعرف كفيته ولا إيته فهؤلاء الناطقون المبلّغون عنه المتصرّفون في أمره ونهيه فبهم تظهر قدرته.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم السلام) را جانشین خویش قرار داده

است؛ چرا که او از چشم‌ها پنهان بوده و درک نمی‌شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست، امّا اهل بیت (علیهم السلام) چنین نبوده و سخن‌گویان پروردگار می‌باشند و ایشان تصرّف کنندگان در امر و نهی الهی هستند، پس خداوند به وسیله‌ی ایشان قدرت خویش را بر مردم ظاهر می‌سازد.

۱۸۰- المزار للمشهدی ۳۰۴: زیاره آخری له (علیه السلام): السلام علیک یا حافظ سرّ الله، وممضی حکم الله، ومجلی إرادة الله، وموضع مشیّه الله.

در زیارتی می‌خوانیم: سلام بر تو ای حافظ سرّ پروردگار، و اجرا کننده‌ی حکم او، و آشکار کننده‌ی اراده اش، و جایگاه مشیت و خواست او.

۱۸۱- تحف العقول ۴۰۹: قال الكاظم (علیه السلام): ليس القبله على الفم إلا للزوجه والولد الصغير.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بوسیدن دهان جز در مورد همسر و کودک روا نیست.

۱۸۲- تحف العقول ۴۱۰: قال الكاظم (علیه السلام): لا تحدّثوا أنفسکم بفقر ولا بطول عمر، فإنّه من حدّث نفسه بالفقر بخل. ومن حدّث بطول العمر يحرص، الخبر.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: با خویش از فقر و طول عمر گفتگو نکنید؛ چرا کسی که پیش خود به فقر اندیشیده و از آن یاد کند بخیل می‌گردد و کسی که پیش خود به طول عمر اندیشیده و از آن یاد کند حریص به دنیا می‌شود.

۱۸۳- المحاسن ۱/۲۴۸ ح ۲۵۴: قال أمير المؤمنين (علیه السلام) فی خطبه له: یا أيّها الناس! سلوا الله اليقين، وارغبوا إليه فی العافیه، فإنّ أجلّ النعمه العافیه، وخیر ما دام فی القلب اليقين، والمغبون من غبن دینه، والمغبوط من غبط يقینه، قال: وكان علی بن الحسین (علیهما السلام) يطیل القعود بعد المغرب یسأل الله اليقين.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای مردم! از خداوند بخواهید به شما یقین عطا کند، و شما را عافیت دهد، بزرگترین نعمت‌ها عافیت می‌باشد، و خیری که همواره در قلب جای دارد یقین است، مغبون کسی است که در دین خود

زیان کند، و مغبوط (کسی که مورد غبطه است) شخصی است که در یقین مورد غبطه‌ی دیگران باشد. راوی گوید: امام سجاد (علیه السلام) بعد از اداء نماز مغرب زیاد نشسته و از خداوند طلب یقین می کردند.

۱۸۴- المحاسن ۱/۲۲۱ ح ۱۳۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا قول إلا بعمل ولا قول ولا عمل إلا بتية، ولا قول ولا عمل ولا تية إلا بإصابه السنه.

رسول خدا (علیه السلام) فرمودند: هیچ گفتاری نیست مگر به عمل، و هیچ گفتار و عملی نیست مگر به تیت، و هیچ گفتار و عمل و تیتی نیست مگر به مطابقت آن با سنت (فرمایشات رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بیتش).

۱۸۵- المحاسن ۱/۲۶۰ ح ۳۱۶: عن جابر قال: قال لي أبو جعفر (عليه السلام): يا جابر! يكتب للمؤمن في سقمه من العمل الصالح ما كان يكتب في صحته، ويكتب للكافر في سقمه من العمل السيء ما كان يكتب في صحته. قال: ثم قال: يا جابر! ما أشد هذا من حديث؟!

جابر می گوید که امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای جابر! اعمال صالحی که مؤمن در هنگام سلامتی انجام می داده در هنگام مریضی نیز برای وی نوشته می شود، و اعمال بدی که کافر در هنگام سلامتی انجام می داده در هنگام مریضی نیز برای وی نوشته می شود؛ سپس فرمودند: ای جابر! چه حدیث مشکلی است این حدیث!

۱۸۶- المحاسن ۱/۲۹۳ ح ۴۵۳: عن يحيى بن المساور، عن أبيه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال موسى بن عمران (عليه السلام): يا رب! أي الأعمال أفضل عندك؟ فقال: حب الأطفال؛ فإني فطرتهم على توحيدى، فإن أمّتهم أدخلتهم برحمتي جنتي.

از یحیی بن مساور از پدرش از ابو عبد الله (علیه السلام) نقل کرده اند که حضرت فرمودند: موسی به خداوند متعال عرض کرد: خداوند! کدام اعمال در نزد تو افضل است؟ خداوند فرمودند: دوست داشتن اطفال. چون من آن ها را فطرتاً موحد آفریدم. پس اگر آن ها را در کودکی بمیرانم، با رحمت خودم آن ها را داخل بهشت می کنم.

۱۸۷- المحاسن ۲/۳۲۴ ح ۶۵: عن الحلبي وأبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: تخفيف الفريضة وتطويل النافله من العباده.

حلبی و ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کردند که فرمودند: کوتاه کردن نمازهای واجب و طولانی نمودن نمازهای مستحبی از عبادت است.

۱۸۸- الكافي ۱/۲۰۳ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا ينال ما عند الله إلا بجهه أسبابه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آن چه نزد خداست جز از طریق اسباب و وسائل آن قابل دسترسی نیست.

۱۸۹- بصائر الدرجات ۲۶ ح ۲: قال أبو عبد الله (عليه السلام): أباي الله أن يجرى الأشياء إلا بالأسباب، ذلك رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ونحن.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند ابا نموده است از این که امور عالم را بدون اسباب و وسائل جاری نماید، و آن اسباب، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما اهل بیت می باشیم.

۱۹۰- المحاسن ۲/۳۵۶ ح ۶۰: عن السندي بن خالد، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ألا أتبيئكم بشرّ الناس؟ قالوا: بلى يا رسول الله! فقال: من سافر وحده، ومنع رفته، وضرب عبده.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شما را آگاه نکنم به بدترین مردم؟ گفتند: چرا یا رسول الله، فرمودند: هر کس تنها سفر کند، و از وارد بر خود که کاری با او دارد دریغ کند و او را بر خود نپذیرد، و بنده اش را بزند.

۱۹۱- المحاسن ۲/۳۷۰ ح ۱۲۲: عن الجعفری، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: من خرج وحده في سفر فليقل: □ ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله، اللهم أنس وحشتي وأعني على وحدتي، وأدّ غيبتى □، قال: ومن بات في بيت وحده، أو في دار أو في قرية وحده، فليقل: □ اللهم أنس وحشتي وأعني على وحدتي، وأدّ غيبتى □، الخبر.

امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: هر کس تنهایی به سفر رفت بگوید: <ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله، اللهم أنس وحشتي وأعني على وحدتي، وأدّ غيبتى >.

۱۹۲- المحاسن ۲/۳۸۹ ح ۱۷: عن ابن القدّاح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أطمع مسلماً حتى يشبعه لم يدر أحد من خلق الله ماله من الأجر في الآخرة، لا ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا الله رب العالمين، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس مسلمانی را خوراک دهد تا سیرش کند کسی از خلق خدا ثواب اخروی او را نداند، نه فرشته مقرب و نه پیغمبر مرسل جز خدای پروردگار جهانیان.

۱۹۳- المحاسن ۲/۳۹۴ ح ۴۹: عن سدیر الصیرفی، قال: قال لی أبو عبد الله (عليه السلام): ما يمنعک أن تعتق کلّ یوم نسمة؟ فقلت: لا یحتمل ذلک مالی، فقال: لا تقدر أن تشیع کلّ یوم رجلاً مسلماً؟ فقلت: موسراً أو معسراً؟ فقال: إنّ الموسر قد یشتهی الطعام.

سدیر صیرفی می گوید که امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چه چیز منع می کند تو را از این که در هر روز یک بنده در راه خدا آزاد کنی؟ گفتم: مالم کفاف آن را نمی دهد، پس حضرت فرمودند: قادر نیستی در هر روز یک مرد مسلمان را غذا دهی؟ گفتم: فقیر یا غنی؟ فرمودند: غنی نیز دوست می دارد که به او غذا داده شود.

۱۹۴- المحاسن ۲/۳۹۹ ح ۸۰: عن الحلبي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ثلاثه أشياء لا یحاسب العبد المؤمن علیهنّ، طعام يأكله، وثوب یلبسه، وزوجه صالحه تعاونه ویحصن بها فرجه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: در سه چیز مؤمن محاسبه نمی شود: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، و زن صالحه ای که او را یاری می کند و به وسیلهی او خود را از حرام باز می دارد.

۱۹۵- المحاسن ۲/۴۱۸ ح ۱۸۶: عن جعفر القلانسی، عن أبيه، قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): إنّا نتخذ الطعام ونجّیده ونتنوّق فیهِ ولا یكون له رائحة طعام العرس؟! قال: ذاك لأنّ طعام العرس تهب فیهِ رائحة من الجنّه، لأنّه طعام اتّخذ لحلال.

جعفر قلانسی از پدرش نقل می کند که از امام صادق (عليه السلام) سؤال نمود: که چگونه است که در غذای ما که آن را خوب می پزیم بوی غذای عروسی

نمی آید؟ حضرت فرمودند: به خاطر این که در غذای عروسی بوئی از بهشت بر آن می وزد؛ چرا که آن غذایی است که برای حلال آماده شده است.

۱۹۶- بحار الأنوار ۹۷/۲۰۷ ح ۸: زیاره لهم (عليهم السلام): أشهد أنكم الأعلام التي فطرها لإرشاد خليقته.

در زیارت اهل بیت (علیهم السلام) می خوانیم: شهادت می دهم که شما پرچم هائی هستید که خداوند برای هدایت مخلوقات خلق نموده است.

۱۹۷- الکافی ۱/۱۹۷ ح ۳: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: لا يهتدى هاد إلا بهداهم ولا يضلّ خارج من الهدى إلا بتقصير عن حقهم.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ هدایت شونده ای بدون هدایت ما هدایت نمی شود، و هیچ گمراهی بدون کوتاهی در شناخت و معرفت به حق ما گمراه نمی گردد.

۱۹۸- المحاسن ۲/۴۳۰ ح ۲۵۲: عن العلاء بن الفضيل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا توضّأ أحدكم ولم يسمّ كان للشيطان في وضوءه شرك وإن أكل أو شرب أو لبس وكلّ شيء صنعته ينبغى له أن يسمّى عليه، فإن لم يفعل كان للشيطان فيه شرك.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس بی بسم الله وضو سازد شیطان شریک او باشد و اگر بخورد و بنوشد و بپوشد و هر کار کند سزااست که نام خدا را بر آن بَرَد و اگر نبرد شیطان در آن شریک باشد.

۱۹۹- المحاسن ۲/۴۳۱ ح ۲۵۵: عن أبي خديجه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنَّ أبي أتابه أخوه عبد الله بن عليّ يستأذن لعمر وبن عبید وواصل ویشیر الرحال فأذن لهم، فلما جلسوا قال: ما من شيء إلا وله حدّ ينتهي إليه، فجىء بالخوان فوضع، فقالوا فيما بينهم: قد والله استمكننا منه، فقالوا له: يا أبا جعفر! هذا الخوان من الشيء هو؟ قال: نعم، قالوا: فما حدّه؟ قال: حدّه إذا وضع قيل: «بسم الله» وإذا رفع قيل: «الحمد لله» ويأكل كلّ إنسان ممّا بين يديه ولا يتناول من قدام الآخر شيئاً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: عمویم عبد الله بن علی نزد پدرم آمد و اجازه خواست برای عمرو بن عبید و واصل بن بشر، و به آن ها اجازه ی ورود داده و فرمودند: هیچ چیز نیست جز این که حدّ و مرزی دارد، و سفره آوردند و

پهن کردند، و آن‌ها (مخالفین) به هم گفتند به خدا بر او تسلط یافتیم، گفتند: ای ابو جعفر! این خوان هم یک چیز است بگو حدّ و مرز آن کدام است؟ آن حضرت فرمودند: حدّش این است که چون پیش نهاده شود گویند: <بسم الله> و چون بردارند گویند: <الحمد لله>، و هر کسی موظف است از مقابل خود غذا بردارد و از مقابل دیگری چیزی بر ندارد.

۲۰۰- المحاسن ۲/۴۴۰ ح ۲۹۸: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ليس لابن آدم بدّ من أكله يقيم بها صلبه، فإذا أكل أحدكم طعاماً، فليجعل ثلث بطنه للطعام، وثلث بطنه للشراب، وثلث بطنه للنفس، ولا تسمنوا كما تسمن الخنازير للذبح.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: برای آدمی زاده از خوردن چاره ای نیست برای این که زنده ماند، چون یکی از شما خوراک بخورد یک سوّم شکمش را برای خوراک نهد و یک سوّم برای نوشیدنی و یک سوّم درون برای نفس کشیدن. خود را فربه و چاق نکنید چنان چه خوک خود را برای ذبح فربه کند.

۲۰۱- المحاسن ۲/۴۴۶ ح ۳۳۴: عن يونس بن عمّار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كثرة الأكل مكروه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: زیاد نوشیدن مکروه است.

۲۰۲- المحاسن ۲/۴۴۶ ح ۳۳۵: عن الحسين بن المختار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنّ البطن إذا شبع طغى.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا شکم زمانی که سیر شود طغیان کند.

۲۰۳- المحاسن ۲/۴۶۳ ح ۴۲۶: عنه، عن بعض أصحابنا، رفعه قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ثلاث لا يؤكلن ويسمن، وثلاث يؤكلن ويهزلن، واثان ينفعان من كلّ شيء ولا يضّران من كلّ شيء، ولا ينفعان من شيء، فاللواتي يؤكلن ويسمن، استشعار الكتان، والطيب والنوره، واللواتي يؤكلن ويهزلن، اللحم اليابس، والجبن والطلع (۱). وفي حديث آخر: الجوز وفي

۱- الطلع من النخل شيء يخرج كأنه نعلان مطبقان والحمل بينهما منضود والطرف محدّد.

حدیث آخر: الکسب قال: قلت: فاللذان ینفعان من کلّ شیء ولا یضرّان من شیء؟ - قال: السكر والرمان، واللذان یضرّان من کلّ شیء ولا ینفعان من شیء فاللحم الیابس والجبن قلت: جعلت فداک، قلت ثم: یهزلن وقلت ههنا یضرّان؟ - فقال: أما علمت أنّ الهزال من المضّرّه!

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: سه چیز ناخورده چاق سازند و سه چیز خورده شوند و لاغر کنند، دو چیز همگی سودند و زیانی ندارند و دو چیز همگی زیانند و هیچ سودی ندارند.

آن ها که ناخورده چاق کنند؛ پوشیدن جامه‌ی کتان است و بوی خوش و نوره کشیدن، و آن ها که خورده شوند و لاغر کنند؛ گوشت خشکیده و پنیر و طلّع (چیزی است شبیه دو نعل روی هم که از درخت خرما خارج می شود) هستند، و در حدیث دیگر گردو آمده و در حدیث دیگر ته مانده‌ی روغن آب شده آمده.

گوید: گفتم: آن دو که همه سود دارند و زیانی ندارند چه باشند؟ فرمودند: شکر و انار، و آن دو که همه زیان دارند و سودی ندارند گوشت خشکیده و پنیر، گفتم: قربانت فرمودی لاغر کنند و اینجا فرمائی زیان آرند؟ فرمودند: ندانی که لاغری خود زیان است.

۲۰۴- المحاسن ۲/۵۰۷ ح ۶۵۱: عن موفق المدینی، عن أبیه، قال بعث إلی الماضي (علیه السلام) یوماً، وحبسني للغداء، فلما جاؤوا بالمائدة لم یکن علیها بقل، فأمسک یده ثم قال للغلام: أما علمت أنّی لا آکل علی مائدة لیس فیها خضر، فأنتی بالخضر، قال: فذهب الغلام وجاء بالبقل فألقاه علی المائدة، فمدّ یده ثم أکل.

از پدر موفق مدنی نقل شده که گفت: یک روزی امام هفتم (علیه السلام) مرا خواست و من را برای چاشت نگه داشت و چون سفره آوردند سبزی نداشت پس آن حضرت دست کشیدند و به غلام فرمودند: نمی دانی من نمی خورم تا سبزی بر سفره نباشد، سبزی بیاور و آن غلام رفت و سبزی آورد و بر سفره نهاد و آن حضرت دست دراز کرده و خوردند.

۲۰۵- المحاسن ۲/۵۹۱ ح ۱۰۱: عن الجعفری، عن أبي الحسن الأول (عليه السلام) قال: لم يخضب خوان لا ملح عليه، وأصح للبدن أن يبدأ به في الطعام.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: فراوانی و برکت ندارد سفره ای که نمک ندارد و بهتر برای بدن آغاز کردن طعام است با نمک.

۲۰۶- بحار الأنوار ۲۶/۲۵۹ ح ۳۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: نحن عله الوجود.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، علّت به وجود آمدن همه‌ی موجودات هستیم.

۲۰۷- المحتضر ۱۳۶: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: لأجلنا خلق الله (عز وجل) السماء والأرض والعرش والكرسي والجنّة والنار.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر ما آسمان و زمین و عرش و کرسی و بهشت و جهنّم را خلق نموده است.

۲۰۸- الصحیفه السجّادیّه ۲۶: الحمد لله الذي جعل لنا الفضيله بالملكه على جميع الخلق، فكلّ خلیقته منقادہ لنا بقدرته، وصائره إلى طاعتنا بعزّته.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: سپاس خدائی را که ما را بر سائر خلق به سلطنت و ولایت بر آنان برتری داد، پس همه‌ی مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما هستند و به عزّت او به سوی طاعت ما روی می نهند.

۲۰۹- المحاسن ۲/۵۹۲ ح ۱۰۴: عن السكونی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من افتتح طعاماً بالملح وختمه بالملح دفع عنه سبعون داء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس طعامش را با نمک آغاز کرده و با آن به پایان برساند هفتاد درد از او دفع شود.

۲۱۰- المحاسن ۲/۵۹۲ ح ۱۰۵: عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من ابتداء طعامه بالملح ذهب عنه سبعون داء لا يعلمه إلا الله.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند هفتاد بلا

که جز خدا از آن ها با خبر نیست از او دور می شوند.

۲۱۱- کمال الدین ۳۵۷ ح ۵۴: قال الصادق (عليه السلام): طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته والمطيعين له في ظهوره، أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خوشا به حال شیعیان قائم ما، آن کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمان بردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آن هاست و نه اندوهگین می شوند.

۲۱۲- المحاسن ۲/۶۱۱ ح ۲۷: عن معمر بن خلاد، قال: إنَّ أبا الحسن (عليه السلام) اشترى داراً وأمر مولى له يتحوَّل إليها، وقال: إنَّ منزلك ضيق، فقال: قد أجزأت هذه الدار لأبي، فقال أبو الحسن (عليه السلام): إن كان أبوك أحمق فتبغى أن تكون مثله؟!

معمر بن خلاد گوید: امام کاظم (عليه السلام) خانه ای خرید و فرمان داد فامیلی که داشت بدان جابجا شود، و فرمودند: خانه ات تنگ است آن فامیل گفت: این خانه ی پدرم بوده، آن حضرت فرمودند: اگر پدرت احمق بوده تو هم باید مانند او باشی!

۲۱۳- ثواب الأعمال ۹۶: عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه) قال: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خداوند هیچ خلقی را بیشتر از ملائکه نیافریده است.

۲۱۴- بصائر الدرجات ۸۷ ح ۴: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: واللَّهِ إنَّ في السماء لسبعين صنفاً من الملائكة لو اجتمع عليهم أهل الأرض كلهم يحصون عدد صنف منهم ما أحصوهم وإنهم ليدينون بولايتنا.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: به خدا قسم در آسمان، هفتاد صنف از ملائکه هستند که اگر تمام اهل زمین جمع شده و بخواهند یک صنف از آن ها را شمارش نمایند نمی توانند، و همه ی این ملائکه به وسیله ی ولایت ما اهل بیت به خدای متعال تقرّب می جویند.

۲۱۵- المحاسن ۲/۶۱۴ ح ۳۸: عن أبان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنّ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: إنّ جبرئيل قال: إنّنا لا ندخل بيتاً فيه كلب ولا صورة إنسان، ولا بيتاً فيه تمثال.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: جبرئیل آمد و گفت: ما فرشته ها وارد نشویم در خانه ای که در آن سگ باشد و یا مجسمه‌ی انسان، و یا خانه ای که در آن عکس باشد.

۲۱۶- المحاسن ۲/۶۲۳ ح ۷۳: عن عمران بن البختری، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنّه قال: من قرأ «قل هو الله أحد» نفت عنه الفقر، واشتدّت أساس دوره، ونفعت جيرانه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس که سوره‌ی قل هو الله أحد را بخواند فقر از او دور شده، پایه های خانه اش محکم گردیده، و همسایگانش از عمل او بهره مند می گردند.

۲۱۷- إثبات الوصیّه ۲۴۹ ح آخر: سمعته (عليه السلام) (أى الإمام الحسن العسکرى (عليه السلام)) يقول: من الذنوب التى لا تغفر قول الإنسان: <ليتنى لا أوأخذ إلا بهذا>.

شخصی می گوید از امام حسن عسکری (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: از گناهانی که بخشیده نمی شود گفتار شخص است که بگوید: ای کاش فقط خدا مرا به فلان عمل مؤاخذه کند. (یعنی: فقط گناه خاصی را می بیند و خود را از سایر گناهان مبرا می داند)

۲۱۸- دلائل الإمامه ۴۰۲: ...، وكان ممّن خرج مع الجماعة على بن حسان الواسطى، المعروف بالعمش، قال: حملت معى إليه (عليه السلام) من الآله التى للصبيان، بعضها من فضّه. وقلت: أتتحف مولاى أبا جعفر بها، فلمّا تفرّق الناس عنه عن جواب لجميعهم، قام فمضى إلى صرّيا واتّبعته، فلقيت موقفاً، فقلت: استأذن لى على أبى جعفر، فدخلت فسلمت، فردّ على السلام، وفى وجهه الكراهه، ولم يأمرنى بالجلوس، فدنوت منه وفرغت ما كان فى كمى بين يديه، فنظر إلى نظر مغضب، ثم رمى يميناً وشمالاً، ثم قال: ما لهذا خلقنى الله، ما أنا واللعب؟! فاستعفيتّه فعفا عنى، فأخذتها فخرجت.

از جمله کسانی که با این گروه خدمت امام جواد (عليه السلام) رفته بودند یکی علی بن حسان واسطی معروف به عمش بود، گفت من مقداری اسباب بازی

بچه گانه که از نقره بود به همراه داشتم با خود تصمیم گرفته بودم آن ها را به مولایم حضرت جواد (که خردسال بودند) هدیه کنم وقتی مردم جوابهای خود را گرفته و رفتند امام (علیه السلام) از جای حرکت کرده و عازم صبریا شدند، من از پی آن جناب رفتم در بین راه موفق غلامش را دیدم گفتم: برای من از امام (علیه السلام) اجازه بگیر. اجازه گرفت، وارد شده سلام کردم ولی در چهره‌ی آقا آثار ناراحتی مشاهده می شد.

نگاهی از روی خشم به من نموده بعد صورت به طرف راست و چپ گردانیده و آن گاه فرمودند: خداوند مرا برای بازی نیافریده! مرا چه به بازی! پس من از آن جناب پوزش خواستم و آن حضرت عذر مرا پذیرفت.

۲۱۹- بصائر الدرجات ۸۸ ح ۹: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: والذی نفسی بیده لملائکه الله فی السماوات أكثر من عدد التراب فی الأرض، وما فی السماء موضع قدم إلا وفيها ملک یقدس له ویسبح، ولا فی الأرض شجرة ولا مثل غرزه إلا وفيها ملک موکل بها یأتی کل یوم بعلمها والله أعلم بها، وما منهم أحد إلا ویتقرب إلی الله فی کل یوم بولایتنا أهل البیت ویستغفر لمحبتنا ویلعن أعداءنا ویسأل الله أن یرسل علیهم من العذاب إرسالاً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدائی که جانم در دست اوست، ملائکه‌ی خدا در آسمان ها بیشتر از تعداد خاک زمین ها هستند، و در آسمان محلّ قدمی نیست مگر این که ملکى تسبیح و تقدیس پروردگار را می کند، و در زمین درخت و گل و لایی نیست مگر این که در آنجا فرشته‌ای مأموریت دارد که هر روز گزارش خود را به خدا برساند با این که خداوند از او داناتر است، و تمام آن ها هر روز تقرب می جویند به سوی خدا به ولایت ما اهل بیت، و استغفار برای محبت ما می کنند و دشمنان ما را لعن می نمایند و از خدا درخواست می کنند که بر آن ها عذابی دردناک نازل کند.

۲۲۰- المواعظ ۱۲: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): يا عليّ! لا وليمة إلا في خمسة: في عرس وخرس وعداد ووكار وركاز فالعرس التزويج، والخرس النفاس بالولد والعداد الختان والوكار في شراء الدار،

والركاز الرجل يقدم من مكه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! ولیمه ای نیست مگر در پنج چیز: در عروسی، در وقتی که خدا فرزند می دهد، ختنه کردن فرزند، خریدن منزل، برگشتن از سفر حج.

۲۲۱- الموعظ ۲۴: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): يا علي! تسعه أشياء تورث النسيان: أكل التفاح الحامض، وأكل الكزبره والجبن، وسؤر الفاره وقراه كتابه القبور، والمشى بين إمرأتين وطرح القمّله والحجامه في النقره (۱) والبول في الماء الراكد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! نه چیز فراموشی آرند: خوردن سیب ترش، گشنیز، پنیر، دم خوردهی موش، خواندن نوشتهی گورها، راه رفتن میان دو زن، دور انداختن شپش، حجامت در قسمت پایین سر نزدیک به گردن، بول کردن در آب ایستاده.

۲۲۲- الموعظ ۲۵: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): يا علي! من أطاع إمرأته أكبه الله (عزوجل) علي وجهه في النار. فقال علي (عليه السلام): وما تلك الطاعه؟ قال: يأذن لها في الذهاب إلى الجماعات [خ: الحمامات] (۲) والعرسات والنائحات ولبس الثياب الزقاق.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! هر کس از زن خویش اطاعت کند خداوند او را با صورت به جهنم می اندازد؛ پس حضرت فرمودند: آن طاعت چیست؟ رسول خدا فرمودند: آن است که به زن خویش اجازه دهد که به مجمع های عمومی، حمام ها، عروسی ها و تعزیه ها برود در حالی که لباس نازک به تن دارد.

۲۲۳- الموعظ ۲۹: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): يا علي! سوء الخلق شؤم، وطاعه المرءه ندامه، يا علي! إن كان الشؤم في شئ ففى لسان المرأه.

۱- النقره أى موضع من الرأس يقرب من أصل الرقبه.

۲- من لا يحضره الفقيه: ۴/۳۶۲ .

رسول خدا O به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! بد اخلاقی شوم است، و اطاعت زن مایه‌ی پشیمانی است.

ای علی! اگر شومی در چیزی باشد، پس آن در زبان زن است.

۲۲۴- الموعظ ۴۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يا عليّ! لا خير في القول إلا مع الفعل، ولا من المنظر إلا مع المخبر ولا- في المال إلا- مع الجود، ولا في الصدق إلا مع الوفاء ولا في الفقه إلا مع الورع، ولا في الصدقة إلا مع التّيه، ولا في الحياه إلا مع الصحه ولا في الوطن إلا مع الأمن والسرور.

رسول خدا O به علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی! گفتار را جز با کردار، و ظاهر را جز با باطن، و مال را جز با سخاوت، و صدق را جز با وفا، و فقه را جز با پارسائی، و صدقه را جز با تیت، و زندگی را جز با تندرستی، و وطن را جز با امتیت و مسرت خیری نیست.

۲۲۵- مشارق أنوار اليقين ۳۴۳: قال عليّ (عليه السلام): أنا حجّه الله على خلقه من أهل سماواته وأرضه، وما في السماء من ملك يخطو قدماً عن قدمي إلا ياذني.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد.

۲۲۶- الموعظ ۴۳: يا عليّ! من استصعب عليه دابّه فليقرأ في أذنها الأيمن: {وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ} (۱).

رسول خدا O به علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی! هر کس مرکب او از وی نافرمانی می کند، در گوش راستش این آیه را بخواند: {وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ}.

۲۲۷- الموعظ ۵۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ليس الخبر كالمعاينه.

رسول خدا O: شنیدن کی بُود مانند دیدن!

۲۲۸- المواعظ ۵۷: قال علی (علیه السلام):...، ومن کانت الدنیا همّه، اشتدّت حسرته علی فراقها.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: هر کس همّت وی دنیا باشد، حسرت او از فراقش زیاد خواهد بود.

۲۲۹- المواعظ ۱۰۴: قال علی (علیه السلام):...، کلّ بلاء دون النار عافیه.

علی (علیه السلام) فرمودند: هر بلا و مصیبتی در مقابل آتش جهنّم عافیت است.

۲۳۰- بحار الأنوار ۲۷/۳۶: قال امیر المؤمنین (علیه السلام): والذی رفع السماء بغير عمد لو أنّ أحدهم رام أنّ یزول من مکانه بقدر نفس واحد لما زال حتّی آذن له، وكذلك یصیر حال ولدی الحسن وبعده الحسین وتسعه من ولد الحسین تاسعهم قائمهم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازه‌ی نفسی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد؛ هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند، و این امر برای فرزندان حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آن ها است نیز می باشد.

۲۳۱- من لا یحضره الفقیه ۴/۳۸۶: قال علی (علیه السلام) فی وصیّته لمحّمّد بن حنفیّه: یا بنی! الرزق رزقان رزق تطلبه و رزق یطلبک، فإن لم تأتّه أتاک ولا تحمل همّ سنّتک علی همّ یومک و کفاک کلّ یوم ما هو فیهِ فإن تکن السنه من عمرک فإنّ اللّٰه (عزوجل) سیأتیک فی کلّ غد بجدیده قسم لک فإن لم تکن السنه من عمرک فما تصنع بغمّ وهمّ ما لیس لک.

علی (علیه السلام) در وصیّتی به محّمّد بن حنفیّه فرمودند: ای فرزند من! روزی بر دو قسم است، یک روزی تو را طلب می کند و یک روزی تو در دنبال آن هستی و آن روزی که تو را دنبال می کند به تو خواهد رسید اگر چه در طلب آن نباشی، و غصّه نداشته باش که روزی یک سال را در یک روز فراهم آوری، و خداوند روزی هر روز از ایام زندگانیت را به تو خواهد رسانید، و اگر چنان چه مقدر باشد که تو یک سال عمر کنی خداوند روزی هر روز را بتو می رساند، اگر عمرت یک سال مقدر نباشد پس کوشش زیاد فایده ندارد.

۲۳۲- نهج البلاغه ۴/۹۱: قال أمير المؤمنين الكلام في وثاقك ما لم تتكلم به، فإذا تكلمت به صرت في وثاقه، فاخزن لسانك كما تخزن ذهبك وورقك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: سخن در بند توست تا زمانی که بدان مشغول نشده ای و زمانی که سخن گفتی تو در بند آنی؛ پس زبانت را مخفی کن همچنان که طلا و نقره ات را در خزینه مخفی می نمایی.

۲۳۳- من لا يحضره الفقيه ۴/ ۳۸۸: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): يا بُنَيَّ! والتدبير قبل العوامل، يؤمنك من الندم، والعاقل من وعظه التجارب وفي التجارب علم مستأنف وفي تقلب الأحوال عرف جواهر الرجال.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: ای فرزندم! تدبیر و چاره اندیشی قبل از کارها تو را از پشیمانی ایمن می سازد، و عاقل کسی است که تجربه ها او را پند دهند؛ چرا که در تجربه ها علم جدید است، و در دگرگونی های روزگار باطن های همچون جواهر مردان بزرگ شناخته می شود.

۲۳۴- الكافي ۵/۸۳ ح ۳: عن عليّ (عليه السلام): كن لما لا- ترجو أرجى منك لما ترجو، فإنّ موسى بن عمران خرج يقتبس لأهله ناراً فكلّمه الله (عزوجل) فرجع نبياً، وخرجت ملكه سبا فأسلمت مع سليمان (عليه السلام)، وخرج سحره فرعون يطلبون العزّه لفرعون فرجعوا مؤمنين.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: به آن چه که امید نداری، از آن چه که امید داری امیدوارتر باش؛ چرا که موسی برای آوردن آتش نزد اهلش بیرون رفت ولی در حالی برگشت که پیامبر گردیده بود و ملکه ی صبا برای تفریح بیرون رفته بود ولی به دست سلیمان مسلمان گردید و ساحران زمان فرعون برای به عزت رساندن فرعون با موسی در افتادند ولی مؤمن به خدای موسی بازگشتند.

۲۳۵- علل الشرائع ۵/ ۱ ح ۱: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إنّ الملائكة لخدّامنا وخدّام محبّينا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بدرستی که ملائکه ی الهی خادمان ما و خادمان دوستان ما هستند.

۲۳۶- معانی الأخبار ۱۹۶ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من أحب أن يكون أغنى الناس فليكن بما عند الله (عزوجل) أوثق منه بما في يده.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس دوست می دارد که غنی ترین مردم باشد، پس باید به آن چه که نزد خداوند است مطمئن تر باشد از آن چه که در دست مردم است.

۲۳۷- من لا يحضره الفقيه ۴/۴۰۴ ح ۵۸۷۴: قال الصادق (عليه السلام): وقع بين سلمان الفارسي (رحمه الله) وبين رجل خصومه فقال الرجل لسلمان: من أنت وما أنت؟ فقال سلمان: أما أولى وأولئك فنطفه قدره، وأما أخرى وأخرى فجيئه منتنه فإذا كان يوم القيامة ونصبت الموازين فمن ثقلت موازينه فهو الكريم، ومن خفت موازينه فهو اللئيم.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: میان سلمان و مردی خصومتی پیش آمد و آن مرد به سلمان گفت: تو که هستی و چه هستی؟! سلمان گفت: امرا اول من و اول تو پس نطفه‌ی گندیده‌ای بوده است و اما آخر من و آخر تو پس مردار گندیده‌ای است؛ پس زمانی که روز قیامت گردیده و میزان اعمال نصب شود هر کس میزانش سنگین تر باشد او کریم و برتر است و هر کس میزانش سبک تر باشد او پست و خوارتر است.

۲۳۸- الكافي ۸/۱۴۹ ح ۱۳۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إذا هممت بأمر فتدبر عاقبته، فإن يك خيراً أو رشداً أتبعته وإن يك شراً أو غيياً تركته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: زمانی که قصد انجام کاری را داشتی به عاقبت آن بیاندیش پس اگر خیر و هدایت در او بود آن را انجام بده و اگر شرّ و بدی در آن بود آن را ترک کن.

۲۳۹- من لا يحضره الفقيه ۴/۳۷۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من أحزن والديه فقد عقهما.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس پدر و مادر خویش را اندوهگین کند خود را در معرض عاق قرار داده است.

۲۴۰- الکافی ۲/۹۰ ح ۱۱: قال أمير المؤمنين (صلوات الله عليه): الصبر صبران: صبر عند المصيبة، حسن جميل وأحسن من ذلك الصبر عند ما حرّم الله (عزوجل) عليك، والذكر ذكران: ذكر الله (عزوجل) عند المصيبة وأفضل من ذلك ذكر الله عند ما حرّم عليك، فيكون حاجزاً.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: صبر دو صبر است: صبر در مصيبت که خوب و خوشايند است و بهتر از آن، صبري است که در برابر آن چه خدا بر تو حرام کرده داشته باشی؛ و ذکر دو ذکر است: ذکر خدای (عزوجل) در وقت مصيبت و برتر از آن، ذکر خدا است در برابر آن چه خدا بر تو حرام کرده است تا اين که مانع تو باشد (از کار حرام).

۲۴۱- الکافی ۲/۹۹ ح ۳۰: عن عمّار الدّهني قال: سمعت عليّ بن الحسين (عليهما السلام) يقول: إنّ الله يحبّ كلّ قلب حزين ويحبّ كلّ عبد شكور، يقول الله (تبارك و تعالی) لعبد من عبیده يوم القيامة: أشكرت فلاناً؟ فيقول: بل شكرتك يا رب! فيقول: لم تشكرني إذ لم تشكره، ثم قال: أشكركم لله أشكركم للناس.

عمّار دهنی گوید: شنیدم علی بن الحسين (عليهما السلام) می فرمودند: خدا هر دل غمگینی را دوست دارد، و هر بندهی سپاسگزاری را دوست دارد، روز قیامت خدای (تبارك و تعالی) به یکی از بندگانش می فرماید: از فلانی سپاسگزاری کردی؟ عرض می کند: پروردگارا! من تو را سپاس گفتم، خدای تعالی فرماید، چون از او سپاسگزاری نمودی، مرا هم سپاس نگفته ای، سپس امام فرمودند: شکر گزارترین شما خدا را، کسی است که از مردم بیشتر شکرگزاری کند.

۲۴۲- الکافی ۲/۱۱۳ ح ۱: عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر قال: قال أبو الحسن الرضا (عليه السلام): من علامات الفقه الحلم والعلم والصمت، إنّ الصمت باب من أبواب الحكمة، إنّ الصمت يكسب المحبّة إنّّه دليل على كلّ خير.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: از علامات فقه: علم و بردباری و خاموشی است و خاموشی دری از درهای حکمت است. به درستی که خاموشی محبت می آورد و راهنما به سوی هر نیکی است.

۲۴۳- الخرائج والجرائح ۱/۲۹۵ ح ۲: قال الصادق (عليه السلام): يا ملك الموت! قال: لبيك أيها الإمام! قال: أأنت أمرت بالسمع والطاعة لنا؟ قال: بلى.

امام صادق (عليه السلام) عزرائيل را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت: آماده ام ای امام! سپس ایشان فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده ای؟ گفت: بله امر شده ام.

۲۴۴- الکافی ۲/۱۲۰ ح ۱۱: عن موسى بن بكر، عن أبي الحسن موسى (عليه السلام) قال: الرفق نصف العيش.

امام موسی کاظم (عليه السلام) فرمودند: نرمی و مدارا نمودن با مردم نیمی از زندگانی است.

۲۴۵- الکافی ۲/۱۴۸ ح ۳: عن الزهري، عن علي بن الحسين (صلوات الله عليهما) قال: رأيت الخير كله قد اجتمع في قطع الطمع عما في أيدي الناس ومن لم يرج الناس في شيء ورد أمره إلى الله (عزوجل) في جميع أموره استجاب الله (عزوجل) له في كل شيء.

علی بن الحسین (علیهما السلام) فرمودند: تمام خیر و نیکی را دیدم که در بریدن طمع از دست مردم است، و هر کس هیچ امیدی به مردم نداشته باشد و امرش را در هر کاری به خدای (عزوجل) واگذارد، خدای (عزوجل) در هر چیزی او را اجابت کند.

۲۴۶- الکافی ۲/۱۶۳ ح ۲۰: عن جابر قال: أتى رجل رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: إنني رجل شاب نشيط وأحبّ الجهاد ولي والده تكره ذلك؟ فقال له النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): ارجع فكن مع والدتك فوالذي بعثني بالحق نبياً لأنسها بك ليلة خير من جهادك في سبيل الله سنة.

جابر گوید: مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: من جوانی با نشاطم و جهاد را دوست دارم ولی مادری دارم که نمی خواهد به جهاد بروم. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: بازگرد و همراه مادرت باش، سوگند به آن که مرا بحق به نبوت مبعوث فرموده انس گرفتن یک شب او با تو از جهاد یک ساعت در راه خدا بهتر است.

۲۴۷- الکافی ۲/۱۸۳ ح ۱: عن عبد الله بن محمد الجعفی، عن أبي جعفر وأبي عبد الله (عليهما السلام) قالوا: أيما مؤمن خرج إلى أخيه يزوره عارفاً بحقه كتب الله له بكل خطوه حسنه ومحيت عنه سيئه ورفعت له درجه واذ طرق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا التقيا وتصافحا وتعانقا أقبل الله عليهما بوجهه، ثم باهى بهما الملائكة، فيقول: انظروا إلى عبدی تراورا وتحاببا فی، حقّ علیّ ألا أعدّ بهما بالنار بعد هذا الموقف، فإذا انصرف شیعه الملائكة عدد نفسه وخطاه وکلامه، یحفظونه من بلاء الدنيا وبوائق الآخرة إلى مثل تلك الليلة من قابل فإن مات فيما بينهما أعفی من الحساب وإن كان یعرف من حقّ الزائر ما عرفه الزائر من حقّ المزور كان له مثل أجره.

امام باقر و امام صادق (عليهما السلام) فرمودند: هر مؤمنی بیرون رود به سوی برادرش و او را دیدن کند و عارف به حقّ ایمانی او نسبت به خود باشد، خدا به هر گامی برایش حسنه ای نویسد و گناهی از او بردارد و درجه ای از او بالا برد و چون در خانه را بکوبد، درهای آسمان به رویش باز شوند و چون به هم رسند و به هم دست دهند و هم را در آغوش کشند، خدا رو به آن ها کند و نزد فرشته ها به آن ها ببالد و می فرماید:

نگاه کنید به این دو بنده‌ی من که در راه من همدیگر را دیدن کردند و به هم دوستی نمودند، بر من سزا است که بعد از این آن ها را به آتش شکنجه نکنم، و چون برگردد به شماره‌ی دم زدن و گامی که برداشته و سخنی که گفته، فرشته دنبالش آیند و او را از گرفتاری های دنیا و آسیب های دیگر سرای نگهدارند تا مانند همان شب از سال آینده، و اگر در این میان از جهان برود، از حساب معاف شود، و اگر دیدار شده هم از حق دیدار کننده بشناسد آن چه را دیدار کننده از حق او شناخته او هم مانند وی مزد دریافت نماید.

۲۴۸- مشارق أنوار الیقین ۲۳۶: قال الصادق (علیه السلام): قال الله تعالی: خلقت الدنيا والآخرة لأجلهم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم.

۲۴۹- الکافی ۲/۱۸۵ ح ۵: عن علی بن جعفر، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: من قبل للرحم ذا قرابه فليس عليه شيء، وقبله الأخ على الخدّ وقبله الإمام بين عينيه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس بخاطر خویشاوندی فامیلش را ببوسد باکی بر او نیست (زیرا نظر شهوت و غرض باطلی در میان نیست) و بوسیدن برادر (نسبی یا ایمانی) بر گونه‌ی او و بوسیدن امام بر میان دو چشم او است (یعنی شایسته است که گونه‌ی برادر و میان دو چشم امام را بوسید).

۲۵۰- الکافی ۲/۱۹۴ ح ۹: عن إبراهيم الخارقي قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: من مشى في حجة أخيه المؤمن يطلب بذلك ما عند الله حتى تقضى له كتب الله (عزوجل) له بذلك مثل أجر حجه وعمره مبرورتين وصوم شهرين من أشهر الحرم واعتكافهما في المسجد الحرام، ومن مشى فيها بتيه ولم تقض كتب الله له بذلك مثل حجه مبروره، فارغبوا في الخير.

ابراهیم خارق می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هر کس برای قضای حاجت برادر مؤمن خود راه برود و مزد خود را از خدا خواهد تا حاجتش بر آید، خدای (عزوجل) برای او در برابر آن، چون مزد یک حج و یک عمره پذیرفته شده را بنویسد و روزه‌ی دو ماه از ماههای حرام و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام، و هر کس با اخلاص در قضای آن حاجت بکوشد و برآورده نشود، خدا در برابرش برای او یک حج پذیرفته بنویسد، پس در کار خیر رغبت کنید.

۲۵۱- الکافی ۲/۲۴۰ ح ۳۳: عن يحيى بن عمران الحلبي قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أي الخصال بالمرء أجمل؟ فقال: وقار بلا مهابه، وسماح بلا طلب مكافاه، وتشاغل بغير متاع الدنيا.

یحیی بن عمران حلبی گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چه صفاتی برای مرد پسندیده تر است؟ فرمودند: وقار بدون هیبت (سنگین باشد و مردم از او ترسند) و بخشش بدون عوض خواستن، و اشتغال بغير مال دنیا.

۲۵۲- الکافی ۲/۲۶۱ ح ۵: بإسناده قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): لولا إلحاح المؤمنين على الله في طلب الرزق لنقلهم من الحال التي هم فيها إلى حال أضييق منها.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر اصرار مؤمنین برای طلب روزی نزد خدا نمی بود، خدا آن ها را از آن حال به تنگدستی بیشتری منتقل می نمود (چون دنیا برای آسایش و راحتی خلق نشده است).

۲۵۳- الکافی ۲/۳۹۶ ح ۶: عن مسمع بن عبد الملك، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما زاد خشوع الجسد على ما فى القلب فهو عندنا نفاق.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر آن اندازه که خشوع تن و اندام بدن از آن چه در دل است بیشتر باشد نزد ما نفاق محسوب گردد.

۲۵۴- بحار الأنوار ۲۶/۳۴۹ ح ۲۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لولانا لم يخلق الله الجنة ولا النار ولا الأنبياء ولا الملائكة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیا و ملائکه را خلق نمی نمود.

۲۵۵- الکافی ۲/۴۲۳ ح ۱: عن سلام بن المستنير قال: كنت عند أبي جعفر (عليه السلام) فدخل عليه حمران بن أعين وسأله عن أشياء فلياً هم حمران بالقيام قال لأبي جعفر (عليه السلام): أخبرك - أطل الله بقاءك لنا وأمتعنا بك - أنا نأتيك فما نخرج من عندك حتى ترق قلوبنا وتسألوا أنفسنا عن الدنيا ويهون علينا ما فى أيدي الناس من هذه الأموال، ثم نخرج من عندك فإذا صرنا مع الناس والتجار أحببنا الدنيا؟ قال: فقال أبو جعفر (عليه السلام): إنما هي القلوب مرّه تصعب ومرّه تسهل. ثم قال أبو جعفر (عليه السلام): أما إن أصحاب محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قالوا: يا رسول الله! نخاف علينا النفاق قال: فقال: ولم تخافون ذلك؟ قالوا: إذا كنا عندك فذكرتنا ورغبنا وجلنا ونسينا الدنيا وزهدنا حتى كأننا نعاين الآخرة والجنة والنار ونحن عندك فإذا خرجنا من عندك ودخلنا هذه البيوت وشممنا الأولاد ورأينا العيال والأهل يكاد أن نحول عن الحال التي كنا عليها عندك وحتى كأننا لم نكن على شيء؟ أفتخاف علينا أن يكون ذلك نفاقاً؟ فقال لهم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): كلا- إن هذه خطوات الشيطان فيرغبكم فى الدنيا والله لو تدومون على حاله التي وصفتكم أنفسكم بها لصافحتكم الملائكة ومشيتم على الماء ولولا أنكم تذبون فتستغفرون الله لخلق الله خلقاً حتى يذبوا، ثم يستغفروا الله فيغفر

اللَّهُ لِهِمْ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَفْتَنُ تَوَابٍ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ (عزوجل): {إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ} (۱) وقال: {اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ} (۲).

سلام بن مُسْتَنِير گوید: من در خدمت حضرت باقر (علیه السلام) بودم که حمران بن اعین (یکی از اصحاب آن حضرت) وارد شد، و از چیزهایی از آن حضرت پرسید، پس همین که خواست برخیزد به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: من شما را آگاه کنم - خداوند عمر شما را دراز کند و ما را به وجود شما بهره مند سازد - که ما خدمت شما می رسیم و از نزد شما بیرون نمی رویم تا این که (بی نهایت) دل های ما نرم می شود، و جان های ما از (نداشتن) این دنیا تسلی می یابد، و آن چه از این اموال و دارائی که در دست مردم است بر ما خوار و پست می شود، سپس از نزد شما بیرون می رویم و همین که (دوباره) پیش مردم و تجار می رویم دنیا را دوست می داریم؟ (این چگونه است؟) گوید: آن حضرت فرمودند: همانا این ها از ناحیهی دل هاست که گاهی سخت شود، و گاهی هموار و آسان.

سپس فرمودند: هر آینه یاران محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا! ما بر نفاق از خودمان ترسانیم؟

رسول خدا فرمودند: چرا از آن می ترسید؟ عرض کردند: هنگامی که نزد شما هستیم و شما ما را متذکر می شوید و به آخرت تشویق می کنید، از خدا می ترسیم و دنیا را (یک سره) فراموش می کنیم و در آن بی رغبت می شویم تا آنجا که گویا آخرت را به چشم خود می بینیم و بهشت و دوزخ را (می نگریم) و چون از خدمت شما مرخص می شویم و داخل این خانه ها می گردیم، و بوی فرزندان را می شنویم و زنان و خاندان را می نگریم از آن

۱- البقره، الآیه ۲۲۲.

۲- هود، الآیه ۳.

حالی که نزد شما داشتیم برمی گردیم به حدی که گویا ما هیچ نداشته ایم (و شما را ندیده و خدمت شما نبوده ایم و آن حال قبلی را نداشته ایم) آیا شما از این که این تغییر حالت نفاق باشد بر ما نمی ترسید؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن ها فرمودند: هرگز (این نفاق نیست)، این ها وسوسه های شیطانی است که شما را به دنیا تشویق می کند، به خدا سوگند اگر شما به همان حالی که به آن خودتان را توصیف کردید می مانند هر آنچه فرشتگان دست در دست شما می گذاردند (و بدون وسیله) روی آب راه می رفتید، و اگر نبود که شما گناه می کنید سپس از خدا آمرزش (آن گناه را) می خواهید هر آنچه خداوند خلقی می آفرید تا گناه کنند و سپس از خدا آمرزش خواهند و خداوند آن ها را بیامرزد، و به راستی مؤمن در گناه افتد (یا به امتحان در گناه گرفتار شود) و بسیار توبه کند، آیا نشنیده ای گفتار خدای (عزوجل) را که فرماید: «همانا خداوند دوست دارد توبه کنندگان را و دوست دارد پاکیزه جویان را» و نیز فرماید: «و آمرزش خواهید از پروردگار خویش سپس بازگشت کنید به سوی او».

۲۵۶- عیون المعجزات ۶۹: قال الباقر (علیه السلام): لولا نحن لم یخلق الله تعالی سماءً ولا أرضاً ولا جنّاً ولا ناراً ولا شمساً ولا قمراً ولا جنّاً ولا إنساً.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جن و انس را خلق نمی کرد.

۲۵۷- الکافی ۲/۴۵۴ ح ۴: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال: اصبروا على الدنيا فإنما هي ساعة فما مضى منه فلا تجد له المأ ولا سروراً، وما لم يجئ فلا تدرى ما هو؟ وإنما هي ساعتك التي أنت فيها فاصبر فيها على طاعة الله واصبر فيها عن معصية الله.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: بر دنیا شکبیا باشید که آن ساعتی است؛ زیرا آن چه که از دنیا گذشته (اکنون) نه دردی از آن احساس کنی و نه شادی، و

آن چه نیامده که ندانی چیست؟ همانا دنیای تو آن ساعتی است که در آنی پس در آن یک ساعت بر طاعت خدا صبر کن و از نافرمانی خداوند شکینا باش (و خود را نگاهدار).

۲۵۸- الکافی ۲/۴۵۵ ح ۹: قال أبو عبد الله (عليه السلام): كم من طالب للدنيا لم يدركها ومدرك لها قد فارقتها، فلا يشغلنك طلبها عن عملك والتمسها من معطيها ومالكها فكم من حريص على الدنيا قد صرعه واشتغل بما أدرك منها عن طلب آخرته حتى فنى عمره وأدركه أجله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چه بسا جویندهی دنیا که بدان نرسیده، و (چه بسا کسانی که) رسیده اند بدان و از آن مفارقت کرده اند، پس مبادا طلب دنیا تو را از کردارت باز دارد، و دنیا را از بخشنده و مالکش (که خدا است) بخواه، چه بسا حریص بر دنیا که دنیا او را به خاک افکنده، و به آن چه از آن به دست آورده از آخرتش باز مانده تا این که عمرش سپری شده و مرگش فرا رسیده.

۲۵۹- الکافی ۲/۴۵۸ ح ۲۰: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كتب رجل إلى أبي ذر: يا أبا ذر! أطرفني بشيء من العلم فكتب إليه العلم كثير ولكن إن قدرت أن لا تسيء إلى من تحبه فافعل، قال: فقال له الرجل: وهل رأيت أحداً يسيء إلى من يحبه؟ فقال له: نعم نفسك أحبّ الأنفس إليك فإذا أنت عصيت الله فقد أسأت إليها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مردی به ابی ذر نوشت: ای ابا ذر! چیزی از دانش به من شیرینی بده، در پاسخ او نوشت: راستی دانش بسیار است ولی اگر بتوانی به آن که دوستش داری بدی نکنی، آن را بکن، آن مرد به او گفت: آیا کسی را دیدی که به دوست خود بدی کند؟! گفت آری تو خود را از همه بیشتر دوست تر داری و چون نافرمانی خدا کنی هر آینه به خودت بد کرده ای.

۲۶۰- الکافی ۲/۵۰۸ ح ۶: عليّ، عن أبيه قال: رأيت عبد الله بن جندب في الموقف فلم أر موقفاً كان أحسن من موقفه ما زال ماداً يديه إلى السماء ودموعه تسيل على خديه حتى تبلغ الأرض فلما صدر الناس قلت له: يا أبا محمد! ما رأيت موقفاً قط أحسن من موقفك. قال: والله ما دعوت

إلا- لاخوان وذلك أنّ أبا الحسن موسى (عليه السلام) أخبرني أنّ من دعا لأخيه بظهر الغيب نودي من العرض ولك مائه ألف ضعف، فكرهت أن أدع مائه ألف مضمونه لواحد لا أدري تستجاب أم لا.

علی بن ابراهیم از پدرش حدیث کند که: عبد الله بن جنذب را در موقف (عرفات) دیدم و وقوفی بهتر از وقوف او ندیدم پیوسته دست هایش بسوی آسمان بلند بود، و اشکهایش بر گونه اش روان بود به طوری که به زمین می ریخت، پس همین که مردم (از عرفات) برگشتند من به وی گفتم: ای ابا محمد! من وقوفی بهتر از وقوف تو ندیدم؟

گفت: به خدا سوگند من جز برای برادران خود دعائی نکردم، و این برای این بود که حضرت ابا الحسن کاظم (علیه السلام) به من خبر دادند که هر کس برای برادر دینی خود پشت سرش دعا کند از عرش به او ندا شود: برای تو باد صد هزار برابر (آن چه برای برادران دینیت درخواست کردی) پس من خوش نداشتم که صد هزار دعای تعهد شده را به خاطر یک دعا از دست بدهم که نمی دانم آن یک دعا هم به اجابت برسد یا نه.

۲۶۱- الأصول الستة عشر ۱۲۲ ح ۴: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): علامه رضا الله عن خلقه عدل سلطانهم و رخص أسعارهم، و علامه سخط الله على خلقه جور سلطانهم و غلاء أسعارهم.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: علامت رضای خداوند در مخلوقاتش (یعنی انسان ها) عدالت نمودن دولت و حاکم، و ارزانی اجناس آن ها است، و علامت غضب و خشم خداوند بر مردم جور و زورگویی دولت و گرانی اجناس آن ها است.

۲۶۲- معانی الأخبار ۱ ح ۲: عن يزيد الرزّاز، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال أبو جعفر (عليه السلام): يا بني! أعرّف منازل الشيعة على قدر روايتهم و معرفتهم، فإنّ المعرفة هي الدراية للرواية و بالدرايات للروايات يعلو المؤمن إلى أقصى درجات الإيمان، إنّي نظرت في كتاب لعليّ (عليه السلام) فوجدت في الكتاب أنّ قيمة كلّ امرء و قدره معرفته، إنّ الله (تبارك و تعالی) يحاسب الناس على قدر ما آتاهم من العقول في دار الدنيا.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پدرم امام باقر (عليه السلام) به من چنین فرمودند: فرزندانم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی (عليه السلام) را از این که آنان چه مقدار سخنان

معصومین را آموخته و درک نموده اند و به دیگران می آموزند بدست بیاور؛ زیرا شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان به وسیله‌ی درک فرمایشات معصومین باعث می شود که مؤمن، خود را به بلندترین قله‌های ایمان برساند، من کتابی از حضرت علی (علیه السلام) مطالعه می کردم که این عبارت را در آن مشاهده نمودم: «معیار ارزش و مقام هر کس، اندازه‌ی آگاهی و شناخت وی می باشد؛ زیرا خداوند (تبارک و تعالی) هنگام سنجش اعمال انسان، به اندازه خردی که در دنیا به او داده است از کردارش حساب می کشد».

۲۶۳- الکافی ۱/۴۰۸ ح ۲: قال الصادق (علیه السلام): الدنيا وما فيها لله (تبارک و تعالی) ولرسوله ولنا.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دنیا و آن چه در آن است از آن خدای تعالی و رسول او و ما اهل بیت می باشد.

۲۶۴- الأصول الستة عشر ۱۳۰ ح ۲۵: زید قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: أكتب على المتاع: الحافظ الله؛ فإنه لا يزال محفوظاً.

زید می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: بر روی کالا بنویس: «الحافظ الله»؛ که اگر چنین کنی پیوسته آن کالا محفوظ است.

۲۶۵- الأصول الستة عشر ۱۶۱ ح ۳۵: عن أبي بصير، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: ثلاثة أنفاس في الشراب أفضل من نفس واحد.

ابا بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: در خوردن نوشیدنی ها سه نفس بهتر از یک نفس است.

۲۶۶- الأصول الستة عشر ۲۲۶ ح ۴۲: عن جابر الجعفی، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: اتقوا هذه المحقرات من الذنوب؛ فإن لها طالباً، ولا يقول أحدكم: أذنب وأستغفر الله، والله يقول:

{وَنُكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ} (۱) وقال: {إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَيْحُرِهِ أُفُ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ} (۲) الآية.

جابر جعفی می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: از گناهان کوچک پرهیزید که برای آن ها طلب کننده ایست (یعنی خدای متعال) و یکی از شما نگوید: گناه می کنم و بعد توبه می نمایم؛ چرا که خداوند می فرماید: [او می نویسیم آن چه را که پیش فرستاده اید و آثار اعمال شما را نیز، و علم هر چیزی را در امام مبین (یعنی امیر المؤمنین (علیه السلام)) قرار دادیم.

۲۶۷- الأصول الستة عشر ۲۶۱ ح ۲۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ لَهُ أَجْرُ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: همانا اخلاق نیکو برابر است با اجر و پاداش روزه داری که شب ها را تا صبح به عبادت مشغول است.

۲۶۸- الأصول الستة عشر ۲۹۶ ح ۵۸: عن إسحاق بن عمار، قال: قلت لأبي الحسن (عليه السلام): الدعاء ينفع الميت؟ قال: نعم، حتى أنه ليكون في ضيق فيوشع عليه، ويكون مسخوطاً عليه فيرضى عنه. قال: قلت: فيعلم من دعا له؟ قال: نعم، قال: قلت: فإن كانا ناصبيين؟ قال: فقال: ينفعهما والله ذاك يخفف عنهما.

اسحاق بن عمار می گوید: به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) گفتم: آیا دعا برای مرده نفع دارد؟ حضرت فرمودند: بله، تا جایی که اگر در ضیق و تنگی باشد در وسعت و نعمت قرار می گیرد و اگر مورد خشم باشد رضایت شامل حالش می گردد؛ گفتم: آیا مرده می فهمد که چه کسی برایش دعا می کند؟ حضرت فرمودند: آری، گفتم: اگر چه برای پدر و مادر ناصبی دعا شود؟ فرمودند: بله به خدا قسم برای آن دو نیز نفع دارد و از عذابشان کاسته می شود.

۱- یس، الآية ۱۲.

۲- لقمان، الآية ۱۶.

۲۶۹- تأویل الآيات ۲/۸۵۲ ح: ۸: قال أبو عبد الله (عليه السلام): نحن الذين أنقذ الله الناس بنا من الضلالة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ما اهل بيت آن كسانی هستیم كه خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می دهد.

۲۷۰- بحار الأنوار ۹۹/۱۸۷: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: السلام عليكم أيها الدالون على الهدى.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: سلام بر شما (اهل بيت (عليهم السلام)) ای راهنمایان هدایت.

۲۷۱- بصائر الدرجات ۲۲۰ ح: ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا يهتدى هاد من ضلاله إلا بهم.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هیچ هدایت شونده ای از ضلالت و گمراهی نجات نیافته است مگر به سبب ایشان (اهل بيت (عليهم السلام)).

۲۷۲- تفسیر الإمام العسکری (عليه السلام) ۲۲: قال الصادق (عليه السلام): ولربما ترك في افتتاح أمر بعض شيعتنا «بسم الله الرحمن الرحيم» فيمتحنه الله بمكروه، ليتبته على شكر الله تعالى والثناء عليه، ويمحو عنه وضمه تقصيره عند تركه قول: «بسم الله الرحمن الرحيم».

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: و چه بسا! برخی از شیعیان ما، در آغاز کار، «بسم الله الرحمن الرحيم» را (فراموش کند و) واگذارد! در نتیجه خدا به گرفتاری و بلا، دچارش کند برای این که؛ آگاه و بیدارش سازد! تا شکر و ثنای او بجای آورد. و در آن گرفتاری و بلا، لگه‌ی ننگ و تقصیر و کوتاهی او را - به هنگام ترک «بسم الله الرحمن الرحيم» - از او، بزُدايد.

۲۷۳- تفسیر الإمام العسکری (عليه السلام) ۳۲۷: قال الحسن بن علي (عليه السلام) في تفسير {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ} (۱): أقيموا أيضاً الصلاة على محمد وآل محمد الطيبين عند أحوال غضبكم ورضاكم، وشدتكم ورخاكم، وهمومكم المعلقة لقلوبكم.

امام عسکری (عليه السلام) در تفسیر آیه‌ی: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» فرمودند: اقامه کنید صلوات بر محمد و آل محمد را هنگام خشم و خشنودی، سختی و آسایش،

و غم و غصه هایی که بر قلب هایتان قرار گرفته است.

۲۷۴- کمال الدین و تمام النعمه ۲۶۰ ح ۵: عن الباقر (عليهما السلام): بهم يرزق الله عباده، وبهم يعمر بلاده، وبهم ينزل القطر من السماء، وبهم تخرج بركات الأرض.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) به بندگانش روزی می دهد، و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد می کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می شود.

۲۷۵- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۲۷: قال الحسن بن علی (عليهما السلام): من عبد الله، عبد الله له كل شيء.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: هر کس بندهی خدا شود خداوند همه چیز را بنده و مطیع وی می گرداند.

۲۷۶- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۳۱: قال جعفر بن محمد (عليهما السلام): من رعى حقَّ أبويه الأفضلين: محمد وعلی (عليهما السلام): لم يضره ما أضر من حقَّ أبوي نفسه وسائر عباد الله، فإنها صلوات الله عليهما يرضيانهم بسعيهما.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس مراعات حق دو پدر گرامی تر خود محمّد و علی را بنماید در صورتی که حقی از پدر و مادر خود و سایر بندگان خدا ضایع کرده باشد زیانی او را نخواهد بخشید؛ زیرا محمّد و علی (علیهم السلام) آن ها را با کوشش خود راضی می کنند.

۲۷۷- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۳۴: قالت فاطمه (عليها السلام) لبعض النساء: أرضى أبوي دينك محمّداً وعلياً بسخط أبوي نسبك ولا ترضى أبوي نسبك بسخط أبوي دينك. فإن أبوي نسبك إن سخطا أرضاهما محمّداً وعلياً (عليهما السلام) بثواب جزء من ألف جزء من ساعه من طاعاتهما. وإن أبوي دينك [محمّداً وعلياً] إن سخطا لم يقدر أبوا نسبك أن يرضيها لآن ثواب طاعات أهل الدنيا كلهم لا يفى بسخطهما.

حضرت فاطمه (علیها السلام) به برخی از زنان فرمودند: پدر و مادر دینی خود محمّد و علی را خشنود کن گرچه با خشم پدر و مادر نژادیت همراه باشد، مبادا

پدر و مادر نژادی را خشنود کنی با خشم پدر و مادر دینی؛ زیرا اگر پدر و مادر نژادیت خشمگین شوند محمّد و علی (علیهما السلام) آن ها را راضی می کنند به ثواب یک میلیونیم از یک ساعت اطاعت کردن تو محمّد و علی (علیهما السلام) را، و اما اگر پدر و مادر دینیت خشمگین شوند پدر و مادر نژادیت نمی توانند آن ها را خشنود کنند؛ زیرا تمام ثواب اطاعت کردن اهل دنیا برابر با خشم محمّد و علی (علیهما السلام) نمی شود.

۲۷۸- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۴۸۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من رأى منكماً منكراً فلينكره بيده إن استطاع، فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلمه، فحسبه أن يعلم الله من قلبه أنه لذلك كاره.

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: «اگر کسی از شما مُنکری دید، باید آن را با دست خویش دگرگون سازد، اگر نتوانست پس به زبان خویش، پس اگر باز هم نتوانست با دل خویش، پس کافی است او را که خداوند بداند در دل از آن منکر بیزار و روی گردان است».

۲۷۹- مدینه المعاجز ۶/۴۷ ح ۲۶۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لولانا ما أطردت الأنهار ولا أينعت الثمار ولا اخضرت الأشجار.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر ما نبودیم رودخانه ها جاری نمی گشتند و درختان میوه نداده و سبز نمی گشتند.

۲۸۰- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۵۷۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ألا فأعظم فرائض الله تعالى عليكم بعد فرض موالاتنا ومعاداة أعدائنا استعمال التقية على أنفسكم وأخوانكم [ومعارفكم، وقضاء حقوق أخوانكم] في الله.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: آگاه باش که بزرگترین فریضه‌ی خدا بر شما پس از فریضه‌ی دوستی و پیروی ما و دشمنی با دشمنان ما، بکار بستن تقیه است درباره‌ی خودتان و برادران و آشنایان خودتان، و پرداخت حقوق برادران هم کیش برای رضای خدا.

۲۸۱- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۵۷۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): فلو أنّ أحسن الناس نعيماً في الدنيا، وأطولهم فيها عمراً من مخالفينا، غمس يوم القيامة في النار غمسه، ثم سئل هل لقيت نعيماً قط؟ لقال: لا. ولو أنّ أشدّ الناس عيشاً في الدنيا، وأعظمهم بلاء من موافقينا وشيعتنا، غمس يوم القيامة في الجنّة غمسه، ثم سئل هل لقيت بؤساً قط؟ لقال: لا. فما ظنكم بنعيم وبؤس هذه صفتها، فذلك النعيم فاطلبوه، وذلك العذاب فاتّقوه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اگر مخالفان ما در دنیا در بهترین وضع زندگی کنند و از انواع لذائذ مادی بهره مند شوند و عمرهایی طولانی داشته باشند، ولی روز قیامت هنگامی که در آتش فرو می روند از آن ها سؤال می شود: آیا شما در گذشته، زندگی مرفّه و خوشی داشته اید، آن ها پاسخ می دهند: خیر ما خوشی و لذتی ندیده ایم.

و اگر یکی از طرفداران و شیعیان ما که در دنیا سختی و رنج مشاهده کرده اند و زندگی دردناکی بر آن ها گذشته است روز قیامت هنگامی که در نعمت های بهشتی غوطه می خورند از آن ها سؤال شود: آیا شما در دنیا ناراحتی پیدا کردید می گویند: ما هیچ رنجی در دنیا مشاهده نکردیم، پس با این گونه نعمت ها و سختی ها شما چه گمانی دارید! اینک نعمت های خدا را طلب کنید و از عذاب او بترسید.

۲۸۲- الأمالی للسیّد المرتضی ۱/۱۹۸: قال له (صلى الله عليه وآله وسلم) رجل إنني أكره الموت فقال ألك مال؟ قال: نعم، قال: قدّم مالك فإنّ قلب كل امرء عند ماله.

شخصی به پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) عرض کرد: من از مرگ خوشم نمی آید و از آن هراسانم حضرت فرمودند: آیا ثروت و مالی داری؟ گفت: بله؛ پس حضرت فرمودند: مالت را جلوتر از خودت بفرست؛ چرا که قلب هر شخصی نزد مال اوست.

۲۸۳- معدن الجواهر ۵۰: جاء عن أبي جعفر (عليه السلام) خمس خصال قال: من كذب ذهب جماله ومن ساء خلقه عذب نفسه وكثرت همومه، ومن تظاهرت عليه النعمه فليكثر من الشكر ومن كثرت همومه فليكثر الاستغفار ومن ألح عليه الفقر فليقل: □□□□ حول ولا قوه إلا بالله العليّ العظيم □□.

روایت شده از حضرت باقر (علیه السلام) در باب پنج خصلت که فرمودند: کسی که دروغ

گوید جمال او می رود، و کسی که بد خلقی کند خود را به عذاب در می آورد، و کسی که غلبه کند بر او نعمت ها پس بسیار شکر کند خدا را، و کسی که اندوهش زیاد شد استغفار بسیار نماید، و کسی که فقر و درویشی او را رها نمی کند بسیار بگوید لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

۲۸۴- نزهه الناظر و تنبيه الخاطر ۲۰ ح ۴۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الصمت حكم و قليل فاعله، و من كان كلامه فيما لا يعينه كثرت خطايا.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: در سکوت حکمت ها نهفته است، و کم هستند سکوت کنندگان؛ و کسی که حرف های بی فائده بزند خطاهای وی زیاد می گردد.

۲۸۵- نزهه الناظر و تنبيه الخاطر ۱۶ ح ۳۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم، فإنه من أقبل على الله (عزوجل) بقلبه جعل الله قلوب العباد منقاداً إليه بالودّ والرحمة، و كان إليه بكلّ خير أسرع.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: تا می توانید خود را از غم های دنیا آسوده دارید؛ زیرا که هر کس با دلش به خدا رو آورد خداوند دل های بندگانش را به سوی او به دوستی و مهربانی رام گرداند، و خدا می باشد که در هر خیر به سویش شتاب کند.

۲۸۶- نزهه الناظر و تنبيه الخاطر ۲۲ ح ۵۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من فتح له باب من الخير فلينتهزه فإنه لا يدري متى يغلق عليه.

رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: آن کس که به رویش در خیری گشوده شد غنیمت بشمارد، و از فرصت استفاده کند؛ زیرا نمی داند چه وقت آن در به رویش بسته می شود.

۲۸۷- الاختصاص ۲۲۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): بهم يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: خداوند به سبب اهل بیت (علیهم السلام) آسمان را بر زمین برافراشته و نگاه داشته است.

۲۸۸- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۲۶ ح ۶۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أنظر إلى من تحتك، ولا تنظر إلى من فوقك، يطيب عيشك.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: به پایین دست خویش بنگر و به بالا- دست خود نگاه مکن تا زندگی به کامت باشد.

۲۸۹- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۳۲ ح ۹۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الاقتصاد فى النفقه نصف العيش، والتودد إلى الناس نصف العقل، وحسن السؤال نصف العلم.

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: میانه روی در خرج یک نیمه‌ی معیشت است، و دوستی با مردم یک نیمه‌ی عقل است، و خوب پرسیدن یک نیمه‌ی دانش است.

۲۹۰- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۴۴ ح ۷: قال (صلى الله عليه وآله وسلم): الكلمه أسيره فى وثاق صاحبها، فإذا تكلم بها صار أسيراً فى وثاقها... أفضل المال ما قضى به الحق، وأفضل العقل معرفه الإنسان بنفسه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سخن در بند صاحبش است پس زمانی که سخن گفتی تو در بند آنی؛ بهترین مال آن مالی است که حقی بدان ادا شود و بهترین عقل آگاهی انسان از نفس خویش است.

۲۹۱- علل الشرائع ۱/۹ ح ۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: خرج الحسين بن علي (عليهما السلام) على أصحابه فقال: أيها الناس! إن الله جلّ ذكره ما خلق العباد إلا ليعرفوه، فإذا عرفوه عبدوه، فإذا عبدوه استغنوا بعبادته عن عباده ما سواه، فقال له رجل: يا بن رسول الله! بأبي أنت وأُمى فما معرفه الله؟ قال: معرفه أهل كلّ زمان إمامهم الذى يجب عليهم طاعته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: حضرت حسین بن علی (عليهما السلام) از جمع یارانشان بیرون آمده و خطاب به آن‌ها فرمودند: ای مردم! بدرستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند، و آن گاه که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز گردند.

مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آن‌ها واجب است بشناسند.

۲۹۲- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۴۷ ح ۱۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ للقلوب شهوه وإقبالاً- وإدباراً، فأتوها من قبل شهوتها وإقبالها، فَإِنَّ القلب إذا أكره عمى.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا برای قلب ها شهوت و اقبال (روی آوردن به امور از روی میل و رغبت) و ادباری (پشت کردن به امور و عدم میل به آن ها) است؛ پس شهوت و اقبال آن را ادا کنید؛ چرا که قلب زمانی که ادبار نماید کور می شود.

۲۹۳- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۵۲ ح ۲۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): يا بن آدم! لا تحمل همّ يومك الذي لم يأتك على يومك الذي أنت فيه، فإن يكن بقي من أجلك فإنَّ الله فيه يرزقك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای پسر آدم! غم و غصه‌ی فردا را بر امروزی که در آن قرار داری بار مکن؛ چرا که اگر فردا زنده باشی خداوند روزی تو را می دهد.

۲۹۴- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۵۳ ح ۳۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أفضل رداء يرتدى به الحلم، فإن لم تكن حليماً فتحلّم، فإنه قلّ من تشبهه بقوم إلا أوشك أن يكون منهم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بهترین ردایی که بر تن زیباست ردای حلم و بردباری است، و اگر حلیم و بردبار نیستی خود را به حلم و بردباری بزنی؛ چرا که کسی خود را به قومی تشبیه کند نزدیک است که از ایشان باشد.

۲۹۵- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۶۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): في جملة من وصيته للحسين (عليه السلام): يا بنى العافيه عشرة أجزاء: تسعه [منها] في الصمت إلا بذكر الله تعالى، وواحد في ترك مجالسه السفهاء.

امیر المؤمنین در وصیتی به امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ای فرزندم! عافیت ده جزء است؛ نه جزء از آن در خاموشی است مگر به ذکر خدا و یکی هم در ترک همنشینی سفیهان است.

۲۹۶- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۷۲ ح ۱۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): الفرصه سريعه الفوت، بطيئه العود.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: فرصت، زود گذر و دیر قابل برگشت است.

۲۹۷- بحار الأنوار ۹۹/۲۰۳: (الزيارة الثانية عشره): السلام على غايه الموجودات.

در یکی از زیارات ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) می‌خوانیم: سلام بر عتّ غائی خلق موجودات.

۲۹۸- نزهه الناظر وتنبیه خاطر ۷۶ ح ۲۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): تجهل النعم ما أقامت، فإذا ولّت عرفت.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نعمت‌ها تا زمانی که پابرجایند مجهول و مغفول هستند و زمانی که از دست بروند قدرشان شناخته می‌شود.

۲۹۹- نزهه الناظر وتنبیه خاطر ۸۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): اعملوا أنّ حوائج الناس إليكم من نعم الله عليكم، فلا تملّوا النعم فتحوزوا نقماً.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بدانید که حوائج مردم به سوی شما از نعمت‌های خدا بر شماست، پس در برآوردن آن‌ها کوتاهی و دلتنگی نکنید که نعمت‌ها تبدیل به نعمت می‌گردند.

۳۰۰- نزهه الناظر وتنبیه خاطر ۸۳ ح ۱۲: قيل: وتذاكروا العقل عند معاوية فقال الإمام الشهيد الحسين بن عليّ (عليهما السلام): لا يكمل العقل إلاّ باتباع الحقّ. فتبسّم معاوية له. وقال: ما في صدوركم إلاّ شيء واحد.

از عقل نزد معاویه سخن به میان آمد؛ پس امام شهیدان حسین بن علی (علیهما السلام) فرمودند: عقل بدون تبعیت از حق کامل نمی‌شود؛ پس معاویه تبسّم می‌کرد و گفت: در قلب‌های شما اهل بیت مطلب واحدی است. (یعنی همگی به پیروی از حق که خودتان باشید دعوت می‌کنید)

۳۰۱- مشارق أنوار اليقين ۱۷۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الإمام ملكيّ الذات، إلهيّ الصفات، وأنهم صفات الله وصفوته.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه (علیهم السلام) مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می‌باشند.

۳۰۲- النوادر ۸۶: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): انظروا إلى السائل، فإن رقت له قلوبكم فأعطوه، فإنه صادق.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: در وضع و حال گدا درست دقت کنید، اگر دل شما نسبت به او تمایل و رقت پیدا کرد، به او کمک کنید؛ زیرا این حالت نشانه‌ی صداقت اوست.

۳۰۳- النوادر ۱۲۹: قال (عليه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إن إبليس رضى منكم بالمحقرات، والذنب الذى لا يغفر قول الرجل: لا أؤاخذ بهذا الذنب، استصغاراً له.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: ابلیس به گناهان کوچک شما نیز راضی می شود، و گناهی که قابل بخشش نیست، آن است که کسی بگوید: این که گناه کوچکی است و به خاطر آن من مؤاخذه نمی شوم!

۳۰۴- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) ۲/۹ ح ۱۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلّى (صلوات الله عليه): أنت المثل الأعلى.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (عليه السلام) فرمودند: تو نمونه‌ی کامل صفات و کمالات پروردگار هستی.

۳۰۵- النوادر ۱۳۶: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إذا قبل أحدكم ذات محرم قد حاضت، أخته أو عمته أو خالته، فليقبل بين عينيها ورأسها وليكف عن خدّها وعن فيها.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اگر کسی خواست محرم خود را که بالغ شده ببوسد، خواهر باشد یا عمه یا خاله، میان دو چشم (پیشانی) و سر او را ببوسد، و از بوسیدن گونه و دهان او خودداری نماید.

۳۰۶- النوادر ۱۴۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ثلاث، لو تعلم أمتى ما لهم فيها، لضربوا عليها بالسهام: الأذان والعدو إلى يوم الجمعة والصفّ الأوّل.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سه چیز است که اگر امت من منافع آن را می دانستند برای دست یافتن به آن به سوی هم تیر اندازی می کردند: اذان گفتن، زود رفتن به نماز جمعه، و قرار گرفتن در صف اوّل نماز جماعت.

۳۰۷- النوادر ۱۵۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من يمن المرأة أن يكون بكرها جارياً، يعنى: أول ولدها ابنه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: شگون و خوش قدمی زن آن است که، اولین فرزندى را که مى زاید، دختر باشد.

۳۰۸- روضه الواعظین ۳۱۹: قال الصادق (عليه السلام): فى رجل يؤخر الصلاة متعمداً قال: يأتى هذا يوم القيامة موتوراً أهله وما له - الموتور هو من لا أهل له ولا مال له - فى الجنة.

امام صادق (عليه السلام) درباره‌ی مردى که عمداً نماز خود را به تأخیر مى انداخت فرمودند: این شخص روز قیامت در حالى وارد بهشت مى شود که هیچ فامیل و همراهى ندارد.

۳۰۹- الاحتجاج ۲/۳۱۷: فى زیاره آل یاسین (عليهم السلام): یا مولای! شقى من خالفکم وسعد من أطاعکم.

در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان \square مى گوئیم: ای مولای من! هر کس با شما مخالفت کند شقى و بدبخت، و هر کس از شما اطاعت کند سعيد و خوشبخت مى باشد.

۳۱۰- روضه الواعظین ۳۳۴: قال الباقر (عليه السلام): ثلاث كفارات: إسباغ الوضوء فى السبرات، والمشى باللیل والنهار إلى الصلاة، والمحافظة على الجماعات.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: سه چیز موجب کفاره‌ی گناهان است: وضو گرفتن در هوای سرد، رفتن شب و روز به نماز جماعت و مواظبت بر نماز جماعت.

۳۱۱- کمال الدین ۵۱۲ ح ۴۳: الدعاء فى غیبه القائم (عليه السلام): اللهم ولا تسلبنا یقین لطول الأمد فى غیبهه وانقطاع خبره عنا ولا- تنسنا ذکره وانتظاره والإیمان به وقوه یقین فى ظهوره والدعاء له والصلاه علیه حتى لا تقنطنا غیبهه من قیامه ویكون یقیننا فى ذلك کیقیننا فى قیام رسولک صلواتک علیه وآله.

در دعای زمان غیبت امام زمان (عليه السلام) مى خوانیم: بارالها! به واسطه‌ی غیبت طولانی‌ش و بی خبری ما از او، یقین ما را سلب مکن و یاد، انتظار، ایمان، و قوت یقین ما را در ظهورش، و دعا و درود ما را بر او از خاطرمان مبر، تا آن که

طول غیبت، ما را نا امید نسازد، و یقین ما در این باب مانند یقین ما در مورد قیام رسالت - که درود و رحمت بر او باد - قرار بده.

۳۱۲- روضه الواعظین ۴۲۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يهرم ابن آدم ويبقى منه اثنان: الحرص والأمل.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: آدمی پیر و فرتوت می شود و دو چیز از او باقی می ماند، حرص و آرزو.

۳۱۳- روضه الواعظین ۴۱۲: قال أبو الحسن موسى (عليه السلام): لا تستغنى شيعتنا عن أربع: خمره يصلى عليها وخاتم يتختم به وسواك يستاك به وسبحه من طين قبر أبي عبد الله الحسين (عليه السلام) فيها ثلاث وثلاثون حبه متى قلبها ذاكراً لله كتب الله له بكل حبه أربعون حسنه، وإذا قلبها ساهياً يعبث بها كتب الله له عشرين حسنه.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند؛ حصیری که بر آن نماز بگذارند و انگشتری که در دست کنند و مسواکی که با آن مسواک کنند و تسیح از تربت سید الشهداء (علیه السلام) که دارای سی و سه دانه باشد، هرگاه با آن ذکر بگویند خداوند برایشان در قبال هر دانه‌ی آن چهار حسنه می نویسد و هرگاه بدون این که ذکر بگویند، با آن تسیح بازی کنند، خداوند برای آنان بیست حسنه مرقوم می دارد.

۳۱۴- روضه الواعظین ۴۲۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قلب الشيخ شاب على حبّ اثنين على جمع المال وطول الحياه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: دل شخص پیر، در محبت به دو چیز جوان است؛ جمع کردن مال و دوست داشتن عمر طولانی.

۳۱۵- روضه الواعظین ۴۷۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إذا وصلت إليكم أطراف النعم فلا تنفروا أقصاها بقله الشكر يا بن آدم! إذا رأيت ربك سبحانه يتابع عليك نعمه فاحذره ومن أعطى الشكر لم يحرم الزيادة قال الله تعالى: لئن شكرتم لأزيدنكم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: چون گوشه های نعمت به دست شما رسید، بازمانده‌ی آن را با کمی سپاس گزاری، از دست مدهید.

ای آدمی زاده! چون دیدی که پروردگارت سبحانه و تعالی نعمت های خود را بر تو پیاپی می رساند، مواظب باش که هر کس سپاس گزاری کند، از افزونی محروم نمی شود. خدای متعال می فرماید: <اگر سپاس گزاری کنی، همانا نعمت را بر شما می افزایم.>

۳۱۶- روضه الواعظین ۴۷۳: قال الصادق (علیه السلام): النعمه وحشیه فاشکلوها بالشکر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: نعمت وحشی است، پس آن را با شکر رام کنید تا از دست شما نگریزد.

۳۱۷- روضه الواعظین ۴۵۷: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): نور الحکمه والمعرفه الجوع، والتباعد من الله الشبع والقربه إلى الله حب المساکین، والدنو منهم، لا تشبعوا فیطفئ نور المعرفه من قلوبکم ومن بات یصلی فی خفه من الطعام بات حور العين حوله وقال (صلی الله علیه و آله و سلم): لا تمیتوا القلوب بکثره الطعام والشراب، وإن القلوب تموت کالزرع إذا کثر علیه الماء.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: گرسنگی، پرتو حکمت و معرفت است و سیری، موجب دوری از خداوند است. دوستی مساکین موجب تقرّب به خداوند است. خود را سیر مکنید که نور معرفت در دل های شما خاموش می شود و هر کس با خوراکی اندک بخوابد، حور العين سیه چشم بر گرد او شب زنده داری می کنند.

دل های خود را با بسیار خوردن و آشامیدن نمیرانید؛ زیرا دل ها همچون گیاهان اگر بیش از اندازه آب بخورند، می میرند.

۳۱۸- علل الشرائع ۱/۸۱ ح ۱: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): لا تضربوا أطفالکم علی بکائهم، فإنّ بکائهم أربعه أشهر شهاده: أن لا إله إلاّ الله وأربعه أشهر الصلاه علی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) وأربعه أشهر الدعاء لوالديه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کودکانتان را به خاطر گریه کردن نزنید؛ زیرا گریه ی آن ها در چهار ماه اول شهادت به توحید و این که معبودی نیست مگر خداوند

یگانه، بوده و چهار ماه دوّم صلوات بر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و چهار ماه بعد دعا برای پدر و مادرش می باشد.

۳۱۹- بحار الأنوار ۲۵/۱۷ ح ۳۱: عن الباقر (عليه السلام) قال: أوّل ما ابتداءً من خلق خلقه أن خلق محمّداً وخلقنا أهل البيت...، نسبح الله تعالى ونقدّسه ونحمده ونعبده حقّ عبادته.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اوّلین مخلوقی که خداوند متعال آن را خلق نمود وجود مقدّس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما اهل بیت بود، و ما خدای متعال را تسبیح و تقدیس و تحمید، و عبادتی در خور شأن و منزلت او می نمودیم.

۳۲۰- الکافی ۴/۵۷۸ ح ۲: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: من عرفهم فقد عرف الله، ومن جهلهم فقد جهل الله.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هر کس جاهل به ایشان باشد خدا را شناخته است.

۳۲۱- روضه الواعظین ۴۲۸: قال الصادق (عليه السلام): إنّ عیسی بن مریم توجّه فی بعض حوائجه ومعه ثلاثه نفر من أصحابه، فمرّ بلبنات من ذهب علی ظهر الطریق، فقال (عليه السلام) لأصحابه: إنّ هذا یقتل الناس ثمّ مضى فقال أحدهم: إنّ لی حاجه قال: فانصرف، ثمّ قال الآخر: إنّ لی حاجه قال: فانصرف، ثمّ قال الآخر: إنّ لی حاجه قال: فانصرف فوافوا عند الذهب ثلاثتهم، فقال اثنان لواحد: اشتر لنا طعاماً فذهب یشتري لهما طعاماً فجعل فیهِ سماً لیقتلها کی لا یشارکاه فی الذهب، وقال الاثنان: إذا جاءنا قتلناه کی لا یشارکنا، فلمّا جاء قاما إلیه فقتلاه ثمّ تغدّیا فماتا فرجع إلیهم عیسی (عليه السلام) وهم موتی حوله فأحیاهم عیسی بإذن الله تعالى ثمّ قال: ألم أقل لكم إنّ هذا یقتل الناس.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: عیسی بن مریم (علیه السلام) همراه سه تن از یاران خود پی کاری می رفتند، در راه از کنار چند خشت طلا گذشتند. عیسی (علیه السلام) به یاران خود گفت: این طلا مردم را می کشد و به راه خود ادامه داد. یکی از آن سه تن گفت: مرا کاری است و برگشت و پس از او، آن دو تن دیگر هم برگشتند و هر سه تن خود را کنار آن خشت های زرین رسانیدند!

دو تن از ایشان به سوّمی گفتند برو خوراکی برای ما بخر. او رفت، خوراکی

خرید و آن را زهر آلوده کرد تا آن دو را بکشد تا با او در برداشتن طلاها شریک نباشند! آن دو هم گفتند، چون او باز آید بکشیمش تا شریک ما نباشد! و چون باز آمد، برخاستند و او را کشتند و سپس خوراک را خوردند و آن دو هم کشته شدند.

عیسی (علیه السلام) پیش آنان برگشت و هر سه را کنار آن خشت های زرین مرده یافت. عیسی (علیه السلام) به فرمان خداوند ایشان را زنده کرد و به آنان گفت، مگر نگفتم که این طلا مردم را می کشد.

۳۲۲- علل الشرائع ۱/۹۲ ح ۱: عن عبد الله بن سليمان قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إنَّ الله (عز وجل) أوسع في أرزاق الحمقى لتعتبر العقلاء ويعلمون أنَّ الدنيا لا تنال بالعقل ولا بالحيلة.

از عبد الله بن سليمان نقل کرده که وی گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: خدای (عز وجل) روزی احمقان و ابلهان را فراخ نموده تا عقلاً عبرت گرفته و بدانند که دنیا با عقل و حيله و چاره اندیشی به دست نمی آید.

۳۲۳- روضه الواعظین ۴۵۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ترك نسج العنكبوت في البيت يورث الفقر، والبول في الحمام يورث الفقر، والأكل على الجنابه يورث الفقر، والتخلل بالطرفاء يورث الفقر، والتمشط من قيام يورث الفقر، وترك القمامه في البيت يورث الفقر، واليمين الفاجره يورث الفقر، والزنا يورث الفقر، وإظهار الحرص يورث الفقر، والنوم بين العشائين يورث الفقر، والنوم قبل طلوع الشمس يورث الفقر، واعتياد الكذب يورث الفقر، وكثره الاستماع إلى الغناء يورث الفقر، ورد السائل بالليل يورث الفقر، وترك التقدير في المعيشه يورث الفقر، وقطيعه الرحم يورث الفقر. ثم قال (عليه السلام): ألا- أنبئكم بعد ذلك بما يزيد في الرزق؟ قالوا: بلى يا أمير المؤمنين! قال: الجمع بين الصلاتين يزيد في الرزق، والتعقيب بعد الغداه وبعد العصر يزيد في الرزق، وصله الرحم يزيد في الرزق، والاستغفار يزيد في الرزق، وكسح القاذورات يزيد في الرزق، ومواساه الأخ في الله يزيد في الرزق، والبكور في طلب الرزق يزيد في الرزق، واستعمال الأمانه يزيد في الرزق، وقول الحق يزيد في الرزق، وإجابه المؤذن يزيد في الرزق، وترك الكلام في الخلاء يزيد في الرزق، وترك الحرص يزيد في الرزق، وشكر المنعم يزيد في الرزق، واجتناب يمين الكاذبه يزيد في الرزق، والوضوء قبل الطعام يزيد في الرزق، وأكل ما يسقط عن الخوان يزيد في الرزق.

امير المؤمنين على (عليه السلام) فرمودند: پاک نکردن تارهای عنكبوت از خانه، و ادرار

کردن در حَمَام، و چیز خوردن در حال جنابت، و خلال کردن به چوب شوره گرز، و شانه زدن ایستاده، و باقی گذاردن خاک روبه در خانه، و سوگند دروغ، و زنا کردن، و حرص زدن، و خوابیدن میان نماز مغرب و عشاء، و خوابیدن پیش از طلوع خورشید، و عادت به دروغ، و بسیار گوش دادن به آواز خوش، و چیزی عطا نکردن به فقیر مرد در شب، و بی حساب و کتاب خرج کردن، و گسستن پیوند خویشاوندی موجب فقر و تنگدستی است.

سپس فرمودند: آیا حالا به شما از چیزهایی که بر روزی می افزاید خبر بدهم؟ گفتند: آری، فرمودند:

جمع میان دو نماز، و خواندن تعقیب پس از نماز صبح و عصر، و رعایت پیوند خویشاوندی، و طلب آمرزش، و جارو کردن کثافات از خانه، و مواسات با برادر دینی، و صبح زود در طلب روزی رفتن، و امانت داری، و سخن حق گفتن، و پاسخ مؤذن را دادن (همخوانی با مؤذن)، و سخن نگفتن در مستراح، و ترک حرص زدن، و سپاس گزاری از مُعَمِّم، و پرهیز از سوگند دروغ، و وضو گرفتن پیش از طعام خوردن، و خوردن ریزه های نان و خوراک که در سفره ریخته است روزی را می افزاید.

۳۲۴- روضه الواعظین ۴۹۴: قال أبو بصیر: قال لی الصادق (علیه السلام): أما تحزن؟ أما هم؟ أما تألم؟ قلت: بلی واللّه قال فإذا کان ذلک منك فاذا ذکر الموت و وحدتک فی قبرک و سیلان عینیک علی خدیک و تقطع أوصالک و أکل الدود من لحمک و بلاک و انقطاعک عن الدنیا فإنّ ذلک یحثک علی العمل و یرعک عن کثیر من الحرص علی الدنیا.

ابو بصیر گفته است: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: آیا هیچ گاه دردمند و غم ناک و اندوهگین نمی شوی؟ گفتیم: چرا به خدا سوگند. فرمودند: هرگاه چنین می شوی، مرگ و تنهایی خودت را در گور به یاد آور که تخم چشم هایت بر گونه هایت فرو ریخته و مفاصل تو از یکدیگر گسسته و کرم ها

از گوشت تو می خورند و پوسیدگی خود را به خاطر آور و این که از دنیا بریده و کوتاه دستی، که این کار، تو را به عمل و می دارد و از طمع نسبت به دنیا باز می دارد.

۳۲۵- تأویل الآيات ۱/۳۹۷ ح ۲۷: عن الكاظم (عليه السلام) قال: لولا هم ما عرف الله ولا يدرى كيف يعبد الرحمن.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر اهل بیت نمی بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی دانست که چگونه او را عبادت کند.

۳۲۶- بصائر الدرجات ۵۱۶ ح ۶: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: نحن الأعراف الذين لا يعرف الله إلا بسبيل معرفتنا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ما آن وسیله های شناخت پروردگار هستیم که بدون آن، شناخت و معرفت او امکان پذیر نیست.

۳۲۷- علل الشرائع ۱/۴۴ ح ۱: عن سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن في كتاب علي (عليه السلام) إن أشد الناس بلاء النبيون ثم الوصيون ثم الأمثل فالأمثل، وإنما يتلى المؤمن على قدر أعماله الحسنه فمن صح دينه و صح عمله اشتد بلاءه وذلك أن الله (عزوجل) لم يجعل الدنيا ثواباً لمؤمن ولا عقوبه لكافر، ومن سخط دينه وضعف عمله قل بلاءه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در کتاب امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است: سخت ترین مردم از نظر بلا و گرفتاری انبیا و سپس اوصیا و بعد اشخاص شریف و بعد از آن افراد شریف تر از دیگران می باشند. و اساساً مؤمن به مقدار اعمال نیکی که انجام داده مبتلا می شود بنابراین کسی که دین و کردارش صحیح است ابتلاش شدید و سخت است؛ زیرا حق (عزوجل) دنیا را اجر و پاداش برای مؤمن و عقوبت برای کافر قرار نداده است و کسی که دینش سخیف و عملش ضعیف باشد ابتلاش کمتر است.

۳۲۸- علل الشرائع ۱/۹۳ ح ۱: عن أبي عبد الرحمان قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): إني ربما حزنت فلا أعرف في أهل ولا مال ولا ولد وربما فرحت فلا أعرف في أهل ولا مال ولا ولد، فقال: إنه ليس من أحد إلا ومعه ملك وشيطان، فإذا كان فرحه كان من دنو الملك منه، فإذا كان حزنه كان من دنو الشيطان منه وذلك قول الله (تبارك و تعالی): {الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} (۱).

از ابی عبد الرحمن نقل شده که وی گفت: محضر امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: بسا من محزون یا مسرور می گردم و منشأ آن نه اهل و نه مال و نه فرزند می باشد و هیچ سببی برایش نمی بینم، جهت آن چیست؟

حضرت فرمودند: سبب آن هیچ کس نبوده و جهتش صرفاً همین است که با انسان فرشته و شیطانی می باشند پس هرگاه سرور و نشاط بر انسان عارض شود از ناحیه‌ی نزدیک شدن فرشته به او است و هر زمان که حزن و غم او را فرا گیرد به خاطر نزدیک شدن شیطان به وی می باشد و دلیل بر آن فرموده‌ی حق (تبارک و تعالی) است: «شیطان به شما وعده‌ی فقر و بی چیزی داده و وادارتان می کند به اعمال زشت، ولی حق (تبارک و تعالی) به شما وعده‌ی آمرزش و احسان می دهد و او رحمت بی منتها بوده و به همه‌ی امور دانا است».

۳۲۹- علل الشرائع ۱/۱۰۳ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: دعامة الإنسان العقل، ومن العقل الفطنة والفهم والحفظ والعلم، فإذا كان تأييد عقله من النور كان عالماً حافظاً ذكياً فطناً فهماً، وبالعقل يكمل، وهو دليله ومبصره ومفتاح أمره.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ستون انسان عقل او است و زیرکی و فهم و حفظ و دانش از عقل ناشی می شوند، و هرگاه عقل انسان با نور تأیید گردد البته وی حافظ، زیرک و تیز و با ادراک می شود و با عقل تمام نقائصش تکمیل شده و همین عقل راهنما و روشن کننده‌ی چشم و کلید همه‌ی امور می باشد.

۳۳۰- قرب الإسناد ۳۳۶ ح ۱۲۳۸: عن أبي الحسن (عليه السلام): إنَّ الإمامَ به منزله البحر، لا ينفد ما عنده، وعجائبه أكثر من ذلك.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که امام همانند دریا است و آن چه نزد اوست تمام نمی شود، و عجائب و غرائب او از دریا بیشتر است.

۳۳۱- علل الشرائع ۱/۱۱۵ ح ۱۱: عن عليّ الأشعري رفعه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): ما عبد الله بمثل العقل، وما تمّ عقل امرء حتى يكون فيه عشر خصال: الخير منه مأمول، والشر منه مأمون، يستقلّ كثير الخير من عنده، ويستكثر قليل الخير من غيره، ولا يتبرّم بطلاب الحوايج إليه، ولا يسأم من طلب العلم طول عمره، الفقر أحبّ إليه من الغنى، والذلّ أحبّ إليه من العزّ، نصيبه من الدنيا القوت والمعاشرة، وأمّا المعاشرة لا يرى أحداً إلّا قال: هو خير منّي وأتقى.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: هیچ مخلوقی خدای تعالی را مانند عقل عبادت نکرده، و عقل هیچ شخصی کامل نمی گردد مگر آن که در آن ده خصلت باشد: به خیر او امید باشد و دیگران از شَرش در امان باشند، خیر زیاد خود را کم شمرد و خیر اندک دیگران را زیاد بدانند، از رجوع حاجت مندان به او دلتنگ و ملول نشود، در طول عمرش از تحصیل دانش کسل و بدحال نشود، نزد او احتیاج و نداشتن بهتر باشد از ثروت و دارایی، فروتنی پیش او از غرور محبوب تر باشد، بهره‌ی او از دنیا همان خوراک او باشد.

دهمین خصلت و آن چه خصلتی باشد؟ آن است که: کسی را نبیند مگر آن که پیش خود بگوید: او از من بهتر و پارساتر می باشد.

۳۳۲- علل الشرائع ۲/۳۶۲ ح ۲: عن حسين بن الحسن الكندي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنَّ الرجل ليكذب الكذبه فيحرم بها صلاه الليل فإذا حرم صلاه الليل حرم بها الرزق.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: شخص یک دروغ می گوید و به واسطه‌ی آن از خواندن نماز شب محروم می گردد و وقتی از نماز شب محروم شد، از رزق و روزی نیز محروم می گردد.

۳۳۳- علل الشرائع ۱/۱۸۱ ح ۱: عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن فاطمه الصغرى، عن الحسين بن علي، عن أخيه الحسن بن علي بن أبي طالب (عليهم السلام) قال: رأيت أمي فاطمه (عليها السلام) قامت في محرابها ليله جمعتها فلم تزل راکعه ساجده حتى اتضح عمود الصبح وسمعتها تدعو للمؤمنين والمؤمنات وتسميهم وتكثر الدعاء لهم ولا تدعو لنفسها بشيء، فقلت لها: يا أمّاه! لم لا تدعون لنفسك كما تدعون لغيرك؟ فقالت: يا بنی! الجار ثمّ الدار.

از جعفر بن محمد، از پدر بزرگوارشان، از علی بن الحسین، از فاطمه صغری، از حسین بن علی از برادرش حسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) نقل شده که آن حضرت فرمودند: شب جمعه ای بود که دیدم مادرم فاطمه (علیها السلام) در محراب عبادت ایستاده و پیوسته در حال رکوع و سجود است تا سفیدی صبح طالع شد و در طول این مدت شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات دعاء می فرمود و ابداً برای خودش دعایی نکرد، پرسیدم: مادر، چرا همان طوری که برای دیگران دعا نمودی برای خود دعا نفرمودی؟

فرمودند: فرزندم، اول همسایه را دریاب سپس اهل خانه را.

۳۳۴- علل الشرائع ۱/۲۵۰ ح ۸: عن الحسن بن عبد الله، عن آبائه، عن جدّه الحسن بن علی بن ابی طالب (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: جاء من اليهود إلى رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فسأله أعلمهم فقال له: أخبرني عن تفسير <سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر>، فقال النبي (صلی الله علیه و آله و سلم): علم الله (عز وجل) إنّ بني آدم يكذبون على الله (عز وجل) فقال سبحان الله براهه ممّا يقولون، وأمّا قوله: <الحمد لله> فإنّه علم أنّ العباد لا يؤدّون شكر نعمته فحمد نفسه قبل أن يحمده العباد وهو أول كلام لولا ذلك لما أنعم الله تعالى على أحد بنعمته، وقوله: <لا إله إلا الله>، يعنى وحدانيته، لا يقبل الله الأعمال إلاّ بها، وهى كلمه التقوى، ويثقل الله بها الموازين يوم القيامة، وأمّا قوله: <والله أكبر>، فهى كلمه أعلى الكلمات وأحبّها إلى الله تعالى، يعنى أنه ليس شيء أكبر منى، لا تفتح الصلوات إلاّ بها لكرامتها على الله وهو الاسم الأكرم، الخبر.

از حسن بن عبد الله از پدرانیش از جدّش حضرت حسن بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) که حضرت فرمودند: چند نفر یهودی محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند دانشمندترین آن ها به حضرت عرض کرد: بفرمائید تفسیر: <سبحان الله والحمد لله ولا إله إلاّ الله والله أكبر> چیست؟

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند (عزوجل) می داند که بنی آدم بر خدا دروغ می بندند لذا فرموده: <سبحان الله> یعنی خدا منزّه و مبّرّا است از آن چه انسان ها می گویند.

و اما <الحمد لله>: خداوند (عزوجل) می داند که بندگان شکر نعمتش را ادا نمی کنند لذا پیش از آن که بندگان او را حمد کنند او خودش را ستوده و این حمد الهی و ستودنش اولین کلامی است که اگر نمی بود هرگز خدا به احدی نعمتی نمی داد.

و اما <لا إله إلا الله>، یعنی: یگانگی و یکتایی خداوند و این که اعمال بدون آن پذیرفته نمی شود و آن کلمه‌ی جامع تقوا است، و خداوند در روز قیامت میزان اعمال را بدان سنگین می نماید.

و اما <الله أكبر>: پس آن کلمه ای است فوق همه‌ی کلمات، و محبوب ترین آن ها نزد خداوند یعنی: هیچ چیز بزرگ تر از من نیست، و دعاها بدون آن آغاز نمی شوند، به خاطر عظمت آن نزد خداوند و آن اسم اکرم الهی است.

۳۳۵- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۰۸ ح ۱۵۲: قال رجل لامرأته: اذهبي إلى فاطمه بنت رسول الله فاسألها عني أتي من شيعتكم أم ليس من شيعتكم فسألتهما، فقالت: قولي له: إن كنت تعمل بما أمرناك وتنتهي عما زجرناك عنه فأنت من شيعتنا وإلا فلا، فرجعت فأخبرته فقال: يا وليي ومن ينفك من الذنوب والخطايا، فأنا إذا خالد في النار، فإن من ليس من شيعتهم فهو خالد في النار، فرجعت المرأة فقالت لفاطمه: ما قال زوجها، فقالت فاطمه: قولي له: ليس هكذا، شيعتنا من خيار أهل الجنة وكلّ محبينا وموالي أوليائنا ومعادي أعدائنا والمسلم بقلبه ولسانه لنا ليسوا من شيعتنا إذا خالفوا أوامرنا ونواهينا في سائر المواقف وهم مع ذلك في الجنة ولكن بعد ما يطهرون من ذنوبهم بالبلايا والرزايا أو في عرصات القيامة بأنواع شدائدها أو في الطباق الأعلى من جهنم بعدابها إلى أن نستقدمهم بحبنا منها ونقلهم إلى حضرتنا.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: مردی به زنش گفت: نزد فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برو و از او بپرس آیا من از شیعیان شما هستم یا نیستم، آن زن رفت و این سؤال را از ایشان پرسید، فاطمه (علیها السلام) فرمودند: به او بگو: اگر به

گفته های ما عمل کرده و از آن چه نهی کرده ایم دوری می کنی پس از شیعیان ما هستی و اگر به گفته های ما توجهی نداری و از آن چه نهی کرده ایم دست برنمی داری از شیعیان ما به حساب نمی آئی.

آن زن برگشت و جریان را به شوهرش اطلاع داد پس آن مرد گفت: وای بر من! پس چه کسی ما را از این گناهان خلاص می کند؟ و من در جهنم مخلد خواهم شد؛ زیرا هر کس شیعه نباشد در جهنم است.

آن زن برگشت و جریان را به حضرت فاطمه (علیها السلام) گفت، آن حضرت فرمودند: به شوهرت بگو: این طور نیست که خیال کرده ای، شیعیان ما از نیکان اهل بهشت هستند؛ همه ی دوستان ما، و دوستان دوستان ما، و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب و زبان، سخنان ما را قبول دارند، همه ی این ها از شیعیان ما نیستند مگر آن هنگامی که اوامر ما را انجام دهند و از آن چه نهی کرده ایم دست بردارند و مرتکب گناهان نشوند.

البته دوستان ما هم که آلوده به گناهانند بالاخره به بهشت می روند، اما بعد از این که از گناهان پاک شوند و (در قبر و برزخ) گرفتار انواع مصیبت ها و مشکلات گردند و یا در قیامت به انواع بلاها و سختیها گرفتار شوند.

۳۳۶- علل الشرائع ۱/۲۹۷ ح ۱: عن المفضل بن عمر قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) يا مفضل! إياك والذنوب وحذرهما شيعتنا فوالله ما هي إلى أحد أسرع منها إليكم، إن أحدكم لتصيبه المعرة من السلطان وما ذاك إلا بذنوبه، وإنه ليصيبه السقم وما ذاك إلا بذنوبه، وإنه ليحبس عنه الرزق وما هو إلا بذنوبه، وإنه ليشدد عليه عند الموت وما هو إلا بذنوبه حتى يقول من حضره لقد غمّ بالموت، فلما رأى ما قد دخلني قال: أتدري لم ذاك يا مفضل؟ قال: قلت: لا أدري جعلت فداك قال: ذاك والله إنكم لا تؤاخذون بها في الآخرة وعجلت لكم في الدنيا.

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ای مفضل از گناهان پرهیز و شیعیان ما را نیز از آن بر حذر بدار، به خدا سوگند گناه به احدی نزدیک تر از شما نمی باشد. اگر ایداء و آزاری از سلطان به یکی از شما رسید محققاً

به خاطر گناه و معصیتی است که مرتکب شده، و اگر بیماری به یکی از شما عارض گردد حتماً به جهت گناهی است که انجام داده، چنان چه اگر رزق و روزی از او حبس شد صرفاً به خاطر گناهی است که از او صادر گردیده، و همچنین اگر هنگام مرگ امر جان دادن بر او سخت و مشکل گردد فقط به خاطر صدور گناه از او است ولی حاضرین می گویند: به واسطه‌ی فرا رسیدن مرگ متألم و بد حال گردیده.

از فرمایشات امام (علیه السلام) حزن و اندوه مرا فرا گرفت و وقتی امام (علیه السلام) حال مرا دیدند فرمودند: ای مفصل! می دانی برای چه این چنین است؟

عرضه داشتم: فدایت شوم نمی دانم.

حضرت فرمودند: به خدا سوگند شما به خاطر گناهان در آخرت عقوبت نخواهید شد بلکه ابتلائات و شدائد در دنیا که به آن ها گرفتار می شوید کفاره‌ی گناهانتان می باشد.

۳۳۷- عِلَلُ الشَّرَائِعِ ۲/۴۶۴ ح ۱۲: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أَحْسِنُوا صُحْبَةَ النِّعَمِ قَبْلَ فِرَاقِهَا، فَإِنَّهَا تَزُولُ وَتَشْهَدُ عَلَيَّ صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا.

ابو بصیر، از حضرت صادق (علیه السلام)، نقل کرده که آن جناب فرمودند: پدرم از جدّم، از پدران گرامیشان (علیهم السلام) نقل کردند که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نعمت هایی را که دارید پیش از آن که از دست بدهید نیکو از آن ها استفاده کنید؛ زیرا آن ها از دست خواهند رفت و در قیامت بر صاحبانشان شهادت داده و از بهره برداری بد و نادرست آن ها شکایت خواهند نمود.

۳۳۸- عِلَلُ الشَّرَائِعِ ۲/۵۲۲ ح ۷: عَنْ عَبْدِ عَسَى بْنِ عَلِيٍّ مَوْلَى لَأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: كَلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذَّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْلَمُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ.

از عباس بن علی غلام حضرت ابی الحسن موسی (علیه السلام) نقل کرده اند که وی گفت:

از حضرت رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: هرگاه بندگان مرتکب گناهان شناخته نشده ای شوند حق تعالی آن ها را به بلاهای غیر شناخته شده ای مبتلا می کند.

۳۳۹- عِلَلُ الشَّرَائِعِ ۲/۵۲۹ ح ۹: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: مَا الْوَجَعُ إِلَّا وَجَعُ الْعَيْنِ وَمَا الْجَهْدُ إِلَّا جَهْدُ الدِّينِ.

امام صادق (علیه السلام) از پدران گرامیشان (علیهم السلام) نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هیچ دردی نیست مانند درد چشم و هیچ رنج و تعبی ماند تعب و رنج قرض نیست.

۳۴۰- عِلَلُ الشَّرَائِعِ ۲/۵۶۲ ح ۱: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَا يَأْكُلُ الْكَلْبَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَحْرِمَهُمَا لِقُرْبَهُمَا مِنَ الْبَوْلِ.

از حضرت باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون این که حکم به تحریم خوردن قلوه ها در گوسفند کنند آن را نمی خوردند؛ زیرا این دو عضو نزدیک به ادرار می باشند.

۳۴۱- بَصَائِرُ الدَّرَجَاتِ ۳۴ ح ۲: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينِهِ فَوْقَ ذَلِكَ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ مِنْ طِينِهِ دُونَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَكُلُّ شَيْعَتِنَا مِنْ أَجْلِ آلِ مُحَمَّدٍ.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که خداوند محمد و آل محمد (علیهم السلام) را از طینت علی بن ابی طالب و قلب های ایشان را از اعلی علی بن ابی طالب خلق نموده است، و طینت قلب های شیعیان ایشان را از علی بن ابی طالب و طینت جسم ایشان را از ماده ای پائین تر از علی بن ابی طالب خلق نموده است، پس قلب های شیعیان از جنس بدن های محمد و آل محمد (علیهم السلام) می باشد.

۳۴۲- عِلَلُ الشَّرَائِعِ ۲/۵۵۹ ح ۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): يَا عَلِيُّ! لَا تَشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يَضِيقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ، وَلَا تَشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ، وَلَا تَشَاوِرْ حَرِيصًا فَإِنَّ يَزِينَ لَكَ شَرَّهَا، وَاعْلَمْ يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْجَبْنَ وَالْبَخْلَ وَالْحَرَصَ غَرِيزَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای علی! با ترسو مشورت مکن؛ زیرا جایگاه در آمد

و روزی را بر تو تنگ می کند و با بخیل و آزمند به شور منشین به خاطر آن که تو را از مقصد و هدفت باز می دارد و حریص را مشاور خود قرار مده زیرا سوء و زشتی عاقبت کار را از نظرت محو کرده و آن را مزین می نماید.

ای علی! بدان که ترس و بخل و حرص یک گزینه و طبیعت بوده که جامع آن ها سوء ظن می باشد.

۳۴۳- علل الشرائع ۱/۱۰۹ ح ۷: عن محمد بن سنان بإسناده يرفعه إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) أنه قال: أعجب ما في الإنسان قلبه وله موارد من الحكمة وأضداد من خلافها فإن سرح له الرجاء أذله الطمع وآنهاج به الطمع أهلكه الحرص وإن ملكه اليأس قتله الأسف وإن عرض له الغضب اشتد به الغيظ وإن سعد بالرضا نسي التحفظ وإن ناله الخوف شغله الحذر وإن اتسع له الأمن استلبته الغفلة وإن حدثت له النعمة أخذته العزّه وإن أصابته مصيبه فضحه الجزع وإن استفاد مالا أطغاه الغنى وإن عضته فاقه شغله البلاء وإن جهده الجوع قعد به الضعف وإن أفرط في الشبع كظته البطنه, فكلّ تقصير به مضرّ وكلّ إفراط به مفسد.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: عجیب ترین عضوی که در انسان هست قلب او می باشد قلب صفاتی پسندیده و اوصافی ناپسند داشته که شرح آن ها چنین است:

اگر امید و آرزو به آن رو کند طمع و آز خوار و ذلیلش می کند؛ و اگر طمع در آن به جوش آید حرص و ولع تباهش می سازد؛ و اگر ناامیدی به آن دست یابد حسرت و اندوه او را می کشد؛ و اگر غضب و تندخویی بر آن عارض گردد خشم به آن سخت گیرد؛ و اگر رضا و خشنودی در او پیدا شود خودداری از قبائح را فراموش می کند؛ و اگر ترس و هراس به او برسد دوری جستن از کار مشغولش می سازد؛ و اگر ایمنی او زیاد گردد غفلت می ربایدش؛ و اگر نعمت برایش حاضر شود عزت و بزرگی او را می گیرد؛ و اگر مصیبت و اندوه به آن برسد بی تابی رسوایش می کند؛ و اگر مالی بیابد توانگری طاغیش می نماید؛ و اگر بی چیزی او را بیازارد بلا و سختی گرفتارش کند؛ و اگر گرسنگی او را به صدمه و مشقت بیازارد ناتوانی وی

را از پا در آورد؛ و اگر سیری او به حدّ افراط برسد شکم پری وی به رنج و زحمتش بیاندازد، پس هر کوتاهی از نسبت به حالت متعادل به آن ضرر رسانده و هر افراطی آن را فساد و تباه کند.

۳۴۴- إثبات الوصیّه ۱۸۳: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: جعلهم الله حياةً للأنام.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت را سبب حیات و زندگانی خلایق قرار داده است.

۳۴۵- الدعوات ۲۱ ح ۲۳: قال أمير المؤمنين عليه الصلاة والسلام: ادفعوا أمواج البلاء بالدعاء ما المبتلى الذي قد اشتدّ به البلاء بأحوج إلى الدعاء من المعافى الذي لا يأمن البلاء.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امواج بلا- را با دعا از خود دفع کنید؛ و این طور نیست که فقط مبتلا به گرفتاری نیاز به دعا داشته باشد، بلکه کسی که در عافیت از بلاهاست نیز همچون شخص مبتلا نیاز به دعا دارد.

۳۴۶- الدعوات ۲۹: قال الصادق (عليه السلام): كان أبي (عليه السلام) إذا أجزنه أمر جمع النساء والصبيان ثمّ دعا، وأُمنوا.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم زمانی که چیزی او را محزون می نمود زن ها و بچه ها را جمع کرده و دعا می کرد و آنان آمین می گفتند.

۳۴۷- الدعوات ۳۳ ح ۷۳: روی أنّه لا تردّ يد عبد عليها عقيق.

از امام معصوم (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: دستی که در آن انگشتر عقیق است و به دعا بلند شده رد نمی شود.

۳۴۸- الدعوات ۳۳ ح ۷۴: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): تختموا بالعقيق يبارك عليكم وتكونوا في أمن من البلاء.

علی (علیه السلام) فرمودند: انگشتر عقیق به دست کنید که بر شما مبارک خواهد بود، و از هر بلا در امان خواهید ماند.

۳۴۹- الدعوات ۸۰ ح ۱۹۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ما أتخمت قط. قيل له: ولم يا ولي الله؟ قال: ما رفعت لقمه إلى فمى إلا ذكرت اسم الله سبحانه عليها.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هرگز از خوراک ناگواری ندیدم! به او گفتند: چرا؟ فرمودند: چون هر لقمه که بردارم بسم الله بر آن بگویم.

۳۵۰- الدعوات ۳۷ ح ۹۰: قال الصادق (عليه السلام): إن للجمعه حقاً واجباً، فإياك أن تضيع أو تقصر في شيء من عبادة الله تعالى والتقرب إليه بالعمل الصالح، وترك المحارم كلها، فإن الله يضاعف فيه الحسنات، ويمحو فيه السيئات، ويرفع فيه الدرجات، وليلته مثل يومه، فإن استطعت أن تحيها بالدعاء والصلاة فافعل، فإن الله تعالى يضاعف فيها الحسنات، ويمحو السيئات، وإن الله واسع كريم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا برای روز جمعه حقی است واجب؛ پس پرهیز که آن را ضایع کنی و یا در چیزی از عبادات و تقرب به خدای متعال به عمل صالح و ترک همه‌ی محرمات کوتاهی نمایی چرا که خداوند حسنات را در این روز دوچندان نموده و گناهان را محو می کند و درجات را بالا می برد؛ و شب جمعه نیز مانند روز آن است پس اگر می توانی این شب را تا صبح به دعا و نماز احیاء کن؛ چرا که خداوند حسنات در آن دو برابر و بدی ها را محو می نماید به درستی که خداوند وسعت دهنده و کریم است.

۳۵۱- الدعوات ۶۱ ح ۱۵۲: روى أنه لما حمل علي بن الحسين (عليهما السلام) إلى يزيد عليه اللعنه هم بضرب عنقه، فوقفه بين يديه وهو يكلمه ليستنطقه بكلمه يوجب بها قتله، وعلي (عليه السلام) يجيبه حسب ما يكلمه وفي يده شئحة صغيرة يديرها بأصابعه، وهو يتكلم، فقال له يزيد: عليه ما يستحقه أنا أكلمك وأنت تجيبني وتدير أصابعك بشئحة في يدك فكيف يجوز ذلك؟ فقال (عليه السلام): حدثني أبي، عن جدّي (صلى الله عليه وآله وسلم) أنه كان إذا صلى الغداه وانفتل لا يتكلم حتى يأخذ سبحة بين يديه فيقول: اللهم إني أصبحت أسبحك وأحمدك وأهل لك وأكبرك وأمجدك بعدد ما أدير به سبحتي، وأخذ الشئحة في يده وبيديها وهو يتكلم بما يريد من غير أن يتكلم بالتسبيح، وذكر أن ذلك محتسب له وهو حرز إلى أن يأوى إلى فراشه، فإذا آوى إلى فراشه قال مثل ذلك القول ووضع شئحته تحت رأسه فهي محسوبه له من الوقت إلى الوقت، ففعلت هذا اقتداء بجدّي (صلى الله عليه وآله وسلم). فقال له يزيد عليه اللعنه: مره بعد أخرى: لست أكلم أحداً منكم إلا ويجيبني بما يفوز به، وعفا عنه ووصله وأمر بإطلاقه.

هنگامی که حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) را نزد یزید ملعون بردند یزید تصمیم

گرفت کردن حضرت سجاد را بزند لذا آن امام مظلوم را در مقابل خود نگاه داشت و شروع به سخن کرد.

منظور یزید این بود که با آن حضرت مکالمه نماید و آن بزرگوار سخنی بگوید که یزید آن را بهانه کند و او را شهید نماید. ولی حضرت سجاد جواب او را مطابق با سؤالش می فرمود.

حضرت سجاد یک تسیح کوچکی در دست داشت که آن را با انگشت های خود می گردانید و تکلم می کرد. یزید گفت: من با تو سخن می گویم و تو جواب مرا در حالی می دهی که تسیح را بدست خود می گردانی! چگونه این موضوع جائز است؟ امام سجاد فرمودند: پدرم از جدم برایم نقل کرد که هرگاه نماز صبح را می خواند با کسی سخن نمی گفت تا این که تسیح را بر می داشت و می فرمودند: <اللهم انی أصبحت أسبحک وأمجدک وأحمدک وأهللک بعدد ما أدير به سُبْحتی >.

یعنی: خدایا! من در حالی صبح نمودم که تو را به اندازه گرداندن این تسیح، تنزیه تمجید و تحمید می کنم.

سپس آن حضرت آن تسیح را بر می داشت و بدون این که تسیح بگوید هر چه می خواست سخن می گفت و تسیح را می گردانید و می فرمود: همین گردانیدن تسیح برایش ثواب داشت و یک حرزی بود تا آن موقعی که در رختخواب خود وارد می شد. هنگامی که وارد رختخواب خود می شد نیز همین عمل را انجام می داد و تسیح خود را زیر سر خویش می نهاد و ثواب آن تسیح از این وقت تا وقت بعدی برایش حساب می شد. من به جدم اقتدا کردم و من این عمل را انجام دادم.

یزید گفت: من با هیچ کدام از شما آل محمد تکلم نکردم مگر این که جوابی به من داد که به آن پناهنده شد! سپس حضرت سجاد را عفو کرد، جایزه ای به آن بزرگوار داد و آزادش نمود.

۳۵۲- الأمالی للمفید ۱۱۳ ح ۶: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّ اللَّهَ (عزوجل) خلق الأرواح قبل الأجسام بألفى عام وعلّقها بالعرش وأمرها بالتسليم على والطاعة لى، وكان أول من سلم على وأطاعنى من الرجال روح على بن أبى طالب (عليه السلام).

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: خدای (عزوجل) ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید، و آن ها را به عرش آویخت، و به آنان فرمان داد تا بر من سلام و درود فرستاده و از من فرمان برند، پس نخستین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت نمود روح على بن ابى طالب بود.

۳۵۳- بصائر الدرجات ۱۰۸ ح ۷: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: إِنَّ اللَّهَ خلق الأرواح قبل الأجساد بألفى عام فأسكنها الهواء، فما تعارف منها هنالك ائتلف فى الدنيا وما تناكر منها هناك اختلف فى الدنيا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفریده و آن ها را در هوا جا داده است، پس هر کدام در آنجا با هم آشنا شدند در دنیا نیز به هم اُلفت گیرند، و هر کدام آنجا ناشناس شدند در دنیا نیز از یکدیگر جدا شوند.

۳۵۴- معانى الأخبار ۱۰۸ ح ۱: قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ (تبارك و تعالی) خلق الأرواح قبل الأجساد بألفى عام، فجعل أعلاها وأشرفها أرواح محمّد وعلی و فاطمه والحسن والحسين والأئمة بعدهم، فعرضها على السماوات والأرض والجبال، فغشيها نورهم...، فأیکم يحملها بأثقالها ويدّعيها لنفسه دون خیراتی، فأبت السماوات والأرض والجبال أن يحملنها.

مُفضّل بن عُمر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پروردگار هستی آفرین، ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد خلق کرد، و عالی ترین و شریف ترین آن ها را، روح محمّد، و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان - که درود خدا بر ایشان باد - قرار داد، آن گاه ارواح آنان را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه نمود، و نور آنان همه چیز را فرا گرفت، پس خداوند به آسمان ها و زمین و کوه ها فرمودند: اینان دوستان و اولیا، و حجّتهای من بر آفریدگانم می باشند و پیشوایان مخلوقات من هستند، پس کدام یک از

شما می تواند بار این امانت را با سنگینی های آن به دوش کشیده و ادعا کند که چنین مرتبه و مقامی از آن اوست نه از آن برگزیدگان من؟! پس همه ی آسمان ها و زمین ها و کوه ها از حمل آن سر باز زدند.

۳۵۵- بصائر الدرجات ۹۱ ح ۸: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أخرج الله من ظهر آدم ذرّيته إلى يوم القيامة، فخرجوا كالذّرّ فعرفهم نفسه ولو لا- ذلك لم يعرف أحد ربّه، ثم قال (عزوجل): {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ} (۱) وإنّ هذا محمّد رسولی وعلیّ امیر المؤمنین خلیفتی وأمینی.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند ذریه ی آدم را تا روز قیامت از صلب او خارج نمود، پس به صورت ذرات ریزی خارج شدند و خداوند خود را به آن ها معرّفی نمود، و اگر این معرّفی نمی بود هیچ کس خدایش را نمی شناخت! سپس فرمودند: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: چرا، گفت: پس این محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بنده و رسول من، و علی - که امیر بر مؤمنین است - خلیفه و امین من می باشد.

۳۵۶- مشارق أنوار الیقین ۲۶۰: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: أنا آخذ العهد على الأرواح في الأزل، أنا المنادي لهم ألسْتُ بِرَبِّكُمْ بأمر قیوم لم یزل، أنا کلمه الله الناطقه فی خلقه، أنا آخذ العهد علی جمیع الخلائق فی الصلوات.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من عهد گیرنده از ارواح در گذشته ی دور می باشم، من فریاد: «آیا من پروردگار شما نیستم» را از جانب خدای پایدار ازلی سر دادم، من کلمه ی سخنگوی خدا در میان خلقش می باشم، من عهد گیرنده از همه ی مخلوقات می باشم.

۳۵۷- الکافی ۱/۴۳۶ ح ۱: کان أبو جعفر (عليه السلام) يقول: إنَّ الله أخذ ميثاق شيعتنا بالولاية وهم ذرّ يوم أخذ الميثاق على الذّرّ والإقرار له بالربوبية ولمحمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) بالنبوه.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال در حالی از شیعیان ما پیمان بر ولایت

را گرفت، که مانند ذرات بسیار ریزی بودند، همان روزی که از ذره‌ها پیمان گرفت، و نیز به ربوبیت خود و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار گرفت.

۳۵۸- الدعوات ۸۴ ح ۲۱۱: قال داود بن رزین: سمعت أبا الحسن الأول (عليه السلام) يقول: إني أسألك العافيه، وأسألك جميل العافيه، وأسألك شكر العافيه، وأسألك شكر شكر العافيه.

داود بن رزین می گوید: از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: به درستی که من از خدا طلب عافیت می کنم، و از او طلب عافیت نیکو و زیبا می کنم و شکر عافیت را مسألت می نمایم و نیز شکر بر شکر عافیت را طلب می نمایم.

۳۵۹- الدعوات ۸۹ ح ۲۲۵: روی عن الصادق (عليه السلام): من صَلَّى على النبي وآل النبي (عليهم السلام) مرّه واحده بنيه وإخلاص من قلبه، قضى الله سبحانه له مائه حاجه، منها ثلاثون للدنيا وسبعون للآخرة.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: هر کس یک مرتبه بر پیامبر و آلش به نیت صاف و اخلاص صلوات بفرستد خداوند صد حاجت از او برآورده می کند که سی حاجت آن دنیوی و هفتاد حاجت دیگر اخروی است.

۳۶۰- الدعوات ۱۷۹ ح ۴۹۴: روی أنّ عليّ بن سالم الجعفی قال لأبي جعفر (عليه السلام): ادعوا لي. فقال: اللهم أحيه محيانا، وأمته مماتنا، وأسلك به سبيلنا. قال: فاستشهد.

علی بن سالم جعفی به امام باقر (علیه السلام) گفت: برای من دعا کنید؛ پس حضرت چنین دعا فرمودند: *«خدایا او را به حیات ما زنده بدار و به مرگ ما بمیران و در راه ما قرارش بده»*؛ و او در نهایت به شهادت رسید.

۳۶۱- الدعوات ۱۶۳ ح ۴۵۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنَّ المسلم إذا ضعف من الكبر يأمر الله الملك أن يكتب له في حاله تلك ما كان يعمل وهو شاب نشيط مجتمع، ومثل ذلك إذا مرض وكلَّ الله ملكاً يكتب له في سقمه ما كان يعمل من الخير في صحته.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به درستی که مسلمان زمانی که به خاطر پیری ضعیف شود خداوند ملکی را مأمور می کند که ثواب اعمالی را که اگر جوان بود انجام می داد برای وی بنویسند و شخص مریض نیز چنین است که خداوند

ملکی را مأمور می کند که ثواب اعمالی را که اگر سالم بود انجام می داد برای وی بنویسد.

۳۶۲- الدعوات ۱۷۹ ح ۴۹۴: کان موسی بن جعفر (علیه السلام) يدعو كثيراً فی سجوده ویکزره: \square اللّٰه اِنّی أسألک الراحة عند الموت، والعفو عند الحساب \square .

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بسیار زیاد این دعا را در سجده می خواندند و آن را زیاد تکرار می نمودند: <خدایا از تو درخواست راحتی هنگام مرگ و بخشش هنگام حساب روز قیامت را دارم >.

۳۶۳- الدعوات ۲۰۶ ح ۵۵۹: کان رسول اللّٰه (صلی الله علیه و آله و سلم) إذا أصابه صداع أو غیر ذلك بسط یدیه وقرأ فاتحه الكتاب والمعوذتین، ویمسح بهما وجهه، فیذهب عنه ما کان یجد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی که سردرد و یا چیز دیگری به سراغ ایشان می آمد دست خود را باز کرده و سوره‌ی حمد و ناس و فلق را قرائت می نمودند و سپس دستان خویش را به صورت می کشیدند، پس آن چه که سراغشان آمده بود از ایشان دفع می گردید.

۳۶۴- الدعوات ۲۲۳ ح ۶۱۳: قال: قال النّبیّ (صلی الله علیه و آله و سلم): من دخل علی مریض فقال: \square أسأل الله العظیم ربّ العرش العظیم أن یشفیک \square سبع مرّات، شفی ما لم یحضر أجله.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس پیش مریضی برود و هفت مرتبه بگوید: <أسأل الله العظیم ربّ العرش العظیم أن یشفیک > در صورتی که اجل مریض نرسیده باشد شفا می یابد.

۳۶۵- الدعوات ۲۲۵ ح ۶۲۱: قال: (صلی الله علیه و آله و سلم) إنّ أحدکم لیدع تسمیه أخیه إذا عطس فیطالبه به یوم القیامه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به درستی که یکی از شما از گفتن ذکر عطسه هنگام عطسه‌ی برادرش خودداری می کند و خداوند روز قیامت از او بازخواست می نماید. (هنگام شنیدن عطسه باید به عطسه کننده گفته شود: <یرحمک الله > و او نیز در جواب بگوید: <یغفر الله لک >)

۳۶۶- الدعوات ۲۲۷ ح ۶۲۸: قال الصادق (عليه السلام): إذا كان مخلصاً أخاف الله منه كل شيء حتى هوام الأرض والسباع وطير الهواء.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: زمانی که مؤمنی مخلص باشد خداوند هر چیزی را از او می ترساند حتی خزندگان و درندگان روی زمین و پرندگان در آسمان.

۳۶۷- الدعوات ۲۷۰ ح ۷۷۰: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): ما من أحد يقول عند قبر ميت إذا دفن، ثلاث مرات: **اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن لا تعذب هذا الميت إلا دفع الله عنه العذاب إلى يوم ينفخ في الصور.**

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هیچ کس نیست که نزد قبر میت زمانی که دفن می شود سه مرتبه بگوید: **اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن لا تعذب هذا الميت > مگر این که خداوند تا روز قیامت عذاب را از میت دفع می نماید.**

۳۶۸- الدعوات ۲۳۰ ح ۶۳۸: دخل أمير المؤمنين علي (عليه السلام) على العلاء وهو من أصحابه يعود فلما رأى سعه داره قال (عليه السلام): ما كنت تصنع بسعه هذه الدار في الدنيا وأنت إليها في الآخرة أحوج، وبلى، إن شئت بلغت بها الآخرة تقرى فيها الضيف وتصل فيها الرحم، وتطلع منها الحقوق مطالعها فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بر علاء که از اصحاب آن حضرت بود وارد شده و او را عیادت نمودند و چون بزرگی خانه اش را دیدند فرمودند: تو را چه به این خانه‌ی بزرگ در این دنیا و حال این که تو به آن در آخرت محتاج تری، آری اگر به وسیله‌ی این خانه به اموری از آخرت دست یابی مانند این که مهمانی را در آن جای بدهی و صله‌ی رحمی نمایی و حقوق افراد را ادا کنی آن گاه به وسیله‌ی آن به آخرت دست یافته‌ای.

۳۶۹- علل الشرائع ۱/۱۴۱ ح ۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يا علي! من أحبني وأحبك وأحب الأئمة من ولدك فليحمد الله على طيب مولده، فإنه لا يحبنا إلا من طابت ولادته ولا يبغضنا إلا مؤمن خبث ولادته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: ای علی! هر که من و تو را و امامان از اولاد تو را دوست دارد خدا را بر حلال زادگی خویش حمد کند؛ زیرا دوست ندارد ما را

مگر حلال زاده و دشمن ندارد ما را مگر حرام زاده.

۳۷۰- الدعوات ۲۹۲ ح ۴۰: قال الصادق (عليه السلام): لا تتكلم بما لا يعينك، ودع كثيراً من الكلام فيما يعينك.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: سخن بیهوده و بی معنی نگو و بسیاری از سخن های معنا دار را نیز رها کن.

۳۷۱- الدعوات ۲۹۳ ح ۴۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أشرف خصال الكرم غفلتك عما تعلم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شریف ترین خصلت انسان کریم و بزرگ و ار غفلت و توجه نمودن اوست از آن چه که می داند.

۳۷۲- الدعوات ۲۹۵ ح ۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): عليكم بالبكر وإن بارت، والجاهه وإن دارت، والمدینه وإن جارت.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بر شما باد به دختر باکره گرچه نابارور باشد، و به جاده و اگر چه دور بزند و به شهر و اگر چه بر شما ظلم شود (چون ساکن شدن در بیابان پر مخاطره است).

۳۷۳- الکافی ۵/۷۱ ح ۱: عن السكوني، عن أبي عبد الله، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): نعم العون على تقوى الله الغنى.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بی نیازی، بهترین یاور برای تقوا است.

۳۷۴- الکافی ۵/۸۰ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: ليس من نفس إلا وقد فرض الله (عز وجل) لها رزقها حلالاً يأتيها في عافيه وعرض لها بالحرام من وجه آخر فإن هي تناولت شيئاً من الحرام قاصها به من الحلال الذي فرض لها وعند الله سواهما فضل كثير وهو قوله (عز وجل): {وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ} (۱).

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ کسی نیست مگر این که خداوند رزق او را با عافیت و حلال از یک طریق و در غیر عافیت و حرام از طریق دیگر برای او قرار

داده است؛ پس اگر از راه حرام بدان دست یابد به همان اندازه از حلالی که برای او مقدر و واجب گردیده است کم می شود و فضل الهی از غیر طریق حلال و حرام نیز به اهلش می رسد و این گفتار پروردگار است که می فرماید: و خداوند را از فضلش درخواست کنید.

۳۷۵- الکافی ۶/۵۳۱ ح ۸: عن بعض أصحابه رفعه إلى أبي جعفر (عليه السلام) قال: كنس البيت ينفي الفقر.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: جارو کردن خانه فقر را می برد.

۳۷۶- الکافی ۶/۵۲۹ ح ۷: عن محمد بن إسماعيل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا كان البيت فوق ثمانية أذرع فاكتب في أعلاه آية الكرسي.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که بلندی خانه بیشتر از هشت ذراع (چهار متر) باشد؛ بر بالای آن آیت الکرسی را بنویسید.

۳۷۷- الکافی ۶/۵۳۲ ح ۱۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): بيت الشياطين من بيوتكم بيت العنكبوت.

امیر المؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نمودند که ایشان فرمودند: خانه‌ی عنکبوت در خانه‌ی شما از خانه‌ی های شیطان است.

۳۷۸- الکافی ۶/۵۳۳ ح ۴: عن سماعة بن مهران قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يبني بيت وحده فقال: إني لأكره ذلك وإن اضطرّ إلى ذلك فلا بأس ولكن يكثر ذكر الله في منامه ما استطاع.

سماعه بن مهران می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد خوابیدن مردی که تنها است در خانه سؤال نمودم؛ پس حضرت فرمودند: من از این کار اکراه دارم و مرا خوش نمی آید و اگر چاره ای نبود اشکالی ندارد ولی قبل از خواب ذکر خدا زیاد بگویند.

۳۷۹- عدّه الداعی ۱۸: قد ورد عن أبي جعفر الجواد (عليه السلام) أنه قال: ما استوى رجلا في حسب ودين قطّ إلا كان أفضلهما عند الله (عزوجل) أدبهما.

امام جواد (علیه السلام) فرمودند: اگر دو نفر در دیانت و مفاخر آباء و اجدادی برابر باشند

آن که ادبش بیشتر است، نزد خداوند متعال برتر و با فضیلت تر است.

۳۸۰- عدّه الداعی ۳۱: عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): یا عباد الله! أنتم كالمرضى ورب العالمین كالطیب، فصلاح المرضی بما یعلمه الطیب ویدبره لا فیما یشتهیه المرضی ویقتره ألا فسلّموا لله أمره تكونوا من الفائزین.

از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که فرمودند: ای بندگان خدا! شما همانند بیمارانیید و خدای عالمیان بسان طیب است و صلاح بیماران را طیب می داند و آن را تدبیر می کند نه آن که صلاح بیمار تابع اشتیهای بیمار و خواست او باشد پس امر خدا را به او واگذارید در این صورت رستگار می شوید.

۳۸۱- عدّه الداعی ۷۵: عن أبی الحسن موسی (علیه السلام): إذا وعدتم الصغار فأوفوا لهم فإنهم یرون أنکم أنتم الذین ترزقونهم، وإنّ الله (عزوجل) لیس یغضب لشیء کغضبه للنساء والصبیان، ویادخال الفاکهه علیهم خصوصاً فی الجمع.

از امام کاظم (علیه السلام) آمده است که فرمودند: وقتی به کودکان وعده دادید وفای به آن نمایید؛ زیرا ایشان خیال می کنند که شما به ایشان روزی می دهید. خدای تعالی به خاطر چیزی همانند خشم برای زنان و فرزندان خشمگین نمی شود و مخصوصاً در روزهای جمعه میوه برای ایشان ببرید.

۳۸۲- عدّه الداعی ۷۵: قال أمیر المؤمنین (علیه السلام): أظرقوا أهالیکم فی کلّ لیله جمعه بشیء من الفاکهه کی یفرحوا بالجمعه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر شب جمعه برای فرزندانان میوه ببرید تا آن که ایشان از جمعه خوشحال باشند.

۳۸۳- علل الشرائع ۱/۱۴۲ ح ۶: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): لا ییغضکم إلاّ ثلاثه؛ ولد زنا و منافق و من حملت به أمّه و هی حائض.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) می فرمودند: دشمن نمی دارد تو و اولاد تو (ائمه علیهم السلام)) را مگر سه طائفه: زنا زادگان، منافق، و کسی که مادرش در حال

حیض به او حامله شده.

۳۸۴- عدّه الداعی ۷۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من سره أن يمّد له في عمره، ويبسط له في رزقه فليصل أبويه فإنّ صلتهما من طاعة الله.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس دوست دارد که عمرش دراز شود و روزی او گشاده شود پس با پدر و مادرش صله رحم کند؛ زیرا ارتباط با آن دو اطاعت خداست.

۳۸۵- عدّه الداعی ۱۶۳: قال سيّد العابدین علی بن الحسین (عليه السلام): وليس الخوف من بکی وجرت دموعه ما لم یکن له ورع یحجزه عن معاصی الله وإنّما ذلك خوف کاذب.

سیّد العابدین علی بن الحسین (علیه السلام) فرمودند: گریه ای که در آن اشک باشد ولی همراه ورع و پرهیزکاری نباشد که جلوی معاصی را بگیرد، گریه‌ی ترس از خدا نیست، و این ترس کاذبی است.

۳۸۶- عدّه الداعی ۲۴۰: عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): إنّ فی الجنّه منازل لا ینالها العباد بأعمالهم لیس لها علاقه من فوقها ولا عماد من تحتها قیل: یا رسول الله! من أهلها؟ فقال (صلی الله علیه و آله و سلم): هم أهل البلاء والهموم.

از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده که فرمودند: در بهشت منازلی است که بندگان با انجام اعمال به آن منازل نمی‌رسند و این منازل از بالا- به جایی وصل نبوده و ستونی از پایین ندارند. پرسیدند: ای رسول خدا! اهل این منازل کیانند؟ حضرت پاسخ دادند: اهل بلا و رنج‌ها و غم و غصّه‌ها.

۳۸۷- إرشاد القلوب ۱/۴۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إنّ امرأ ضیع من عمره ساعه فی غیر ما خلق له الجدید أن یطول علیها حسرته یوم القیامه.

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا مردی که یک ساعت از عمرش را در غیر آن چه که خدا آفریده ضایع کند سزاوار است روز قیامت اندوهش بر آن ساعت طولانی باشد.

۳۸۸- إرشاد القلوب ۱/۵۳: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا يَنْدُمُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَى سَاعَةِ مَرَّتْ بِهِمْ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ تَعَالَى فِيهَا.

پیغمبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: به تحقیق اهل بهشت ندامت و پشیمانی بر چیزی از دنیا ندارند مگر بر ساعتی که بر آن ها گذشته در دنیا و ذکر خدای متعال نکرده اند.

۳۸۹- إرشاد القلوب ۱/۷۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لأبي ذرٍّ:....، من صبر على من يكره أدرك ما يحب، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به ابوذر فرمودند: هر کس بر آن چه که ناخوشایند است صبر نماید به آن چه که دوست دارد می رسد.

۳۹۰- إرشاد القلوب ۱/۷۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):....، اتركوا من الدنيا ما يشغلکم عن الآخرة، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: آن اموری از دنیا که شما را از آخرت باز می دارد را ترک کنید.

۳۹۱- إرشاد القلوب ۱/۱۹۰: فى الخبر من أحرقت سبعين مصحفاً وقتل سبعين ملكاً مقرباً وزنى سبعين بكراً كان أقرب إلى النجاة ممن ترك الصلاة متعمداً.

در روایت است: هر کس که بسوزاند هفتاد قرآن را و هفتاد فرشته را بکشد و با هفتاد دختر باکره زنا کند به نجات نزدیک تر است از کسی که نماز را عمدتاً ترک نماید.

۳۹۲- إرشاد القلوب ۱/۲۰۳:....، يا أحمد! عليك بالصمت فإن أعمر مجلس قلوب الصالحين والصامتين وإن أخرج مجلس قلوب المتكلمين بما لا يعنيه، الخبر.

خدای متعال خطاب به رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: ای احمد! بر تو باد به سکوت، چرا که آبادترین مجلس قلب صالحین و سکوت کنندگان است و خراب ترین مجلس قلب گویندگان سخنان بیهوده است.

۳۹۳- الدرّه الباهره ۲۵ ح ۵۲: من كلام زين العابدين (عليه السلام): من رمى الناس بما فيهم رموه بما ليس فيه.

امام زين العابدين (عليه السلام) فرمودند: کسی که مردم را به آن چه در آنان هست متهم می کند، به چیزهایی متهمش می کنند که در او نیست.

۳۹۴- الدرّه الباهره ۲۵ ح ۵۳: من كلام زين العابدين (عليه السلام): من عتب على الزمان طالت معتبه.

امام زين العابدين (عليه السلام) فرمودند: کسی که روزگار را سرزنش کند، سرزنشش به درازا کشد.

۳۹۵- الدرّه الباهره ۲۶ ح ۵۴: من كلام زين العابدين (عليه السلام): كثره النصح تدعو إلى التهمه.

امام زين العابدين (عليه السلام) فرمودند: نصیحت زیاد، شك برانگیز است و به تهمت منتهی می شود.

۳۹۶- الدرّه الباهره ۲۶ ح ۵۵: من كلام زين العابدين (عليه السلام): ما استغنى أحد بالله إلا افتقر الناس إليه.

امام زين العابدين (عليه السلام) فرمودند: کسی که با خدا مستغنی شود، مردم به او نیازمند می شوند.

۳۹۷- الدرّه الباهره ۲۶ ح ۵۶: من كلام زين العابدين (عليه السلام): من اتكل على حسن اختيار الله (عزوجل) له لم يتمن أنه في غير الحال التي اختارها الله تعالى له.

امام زين العابدين (عليه السلام) فرمودند: کسی که به حسن انتخاب خدای متعال اعتماد کند، حالتی جز آن چه را خدای متعال برایش خواسته، آرزو نمی کند.

۳۹۸- الدرّه الباهره ۲۶ ح ۶۰: من كلام الإمام محمّد الباقر (عليه السلام): صلاح شأن التعايش والتعاشر مثل مكيال ثلثاه فطن وثلثه تغافل.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: سامان یافتن همزیستی و معاشرت به پیمانۀ ای ماند که دو سؤمش هوشمندی و یک سؤمش نادیده گرفتن (خطای دیگران) است.

۳۹۹- بصائر الدرجات ۱۱۵ ح ۲۲: عن موسى بن جعفر (عليهما السلام): ما من ملك يهبه الله في أمر إلا بدأ بالإمام فعرض ذلك عليه.

امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: هیچ مَلکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر این که ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می دارد.

۴۰۰- الدرّ الباهره ۳۶ ح ۱۰۱: من کلام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) الأنس یذهب المهابه.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: انس (بیش از حدّ) هیبت را می برد.

۴۰۱- الدرّ الباهره ۴۵ ح ۱۴۹: من کلام الإمام العسکری (علیه السلام): کفّاك أدباً تجنّبك ما تکره من غیرك.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: در ادبت همین بس که از آن چه از غیر خودت نمی پسندی، پرهیزی.

۴۰۲- الدرّ الباهره ۴۵ ح ۱۵۱: من کلام الإمام الحسن العسکری (علیه السلام): لو عقل أهل الدنيا خربت.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: اگر اهل دنیا تعقل می کردند، دنیا خراب می شد.

۴۰۳- علل الشرائع ۲/۵۸۴ ح ۲۸: عن المفضّل بن عمر، قال: سألت جعفر بن محمّد (علیه السلام) عن الطّفل یضحک من غیر عجب و بیکی من غیر ألم؟ فقال: یا مفضّل! ما من طفل إلاّ وهو یری الإمام ویناجیه فبکاءه لغیبه المام عنه وضحکه إذا أقبل علیه حتّی إذا أطلق لسانه أغلق ذلك الباب عنه و ضرب علی قلبه بالنسیان.

مُفضّل بن عُمَر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی طفلی که بدون تعجب از چیزی (و یا دیدن امر خنده داری) می خندد و یا بدون داشتن درد (و یا امر گریه آوری) می گرید سؤال نمودم.

پس حضرت فرمودند: ای مفضّل! هیچ طفلی نیست مگر این که امام زمان خویش را می بیند و با او مناجات می کند، پس زمانی که امام از او غایب می شود گریه، و زمانی که با اوست می خندد، و این حالت تا زمانی است که آن طفل زبان گشوده و به سخن آید، پس در این هنگام است که دیگر امام

را ندیده و آن چه را هم که دیده است فراموش می کند.

۴۰۴- الدرّه الباهره ۴۶ ح ۱۵۸: من كلام الإمام الحسن العسكري (عليه السلام): إذا نشطت القلوب فدعوها وإذا نفرت فودّعوها.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: هرگاه دل ها با نشاط هستند، (علم و معرفت) را به آن ها واسپارید و هرگاه گریزانند، آن ها را واگذارید.

۴۰۵- قصص الأنبياء للراوندي ۱۵۶ ح ۱۶۳: عن درست، عمّين ذكره، عنهم (عليهم السلام) قال: قال إبليس لموسى (عليه السلام):... لا تخل بامرأه لا تحلّ لك فإنّه لا يخل رجل بامرأه لا تحلّ له إلا كنت صاحبه دون أصحابي وإياك أن تعاهد الله عهداً، فإنّه ما عاهد الله أحد إلا كنت صاحبه دون أصحابي حتى أحول بينه وبين الوفاء به وإذا هممت بصدقه فامضها وإذا هم العبد بصدقه كنت صاحبه دون أصحابي حتى أحول بينه وبينها.

از امام معصوم (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: ابلیس به جناب موسی گفت: ای موسی! با زن بیگانه خلوت مکن؛ زیرا هر کس چنین کند من خود یار او شوم نه یاران من، مبادا با خدا عهدی ببندی که هر کس با خدا عهدی بندد من خود یار اغواگرش باشم نه یاران من تا او را از وفای بدان باز دارم، چون قصد صدقه کردی زود پرداز که چون بنده قصد صدقه دادن کند من خود در کنار او باشم نه یارانم تا او را از آن باز دارم.

۴۰۶- قصص الأنبياء للراوندي ۱۶۵ ح ۱۸۴: عن أبي يعقوب، عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه)، قال: كان فيما ناجى الله تعالى به موسى:....، واعلم أنّ كلّ فتنه بذرها حبّ الدنيا، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در مناجات میان خدای تعالی و موسی؛ خدای متعال خطاب به موسی فرمودند: بدان که بذر هر فتنه ای حبّ دنیا است.

۴۰۷- المزار للمفيد ۷: عن صاحب الزمان (عليه السلام) قال: إنا يحيط علمنا بأنبائكم ولا يعزب عنّا شيء من أخباركم.

امام زمان (علیه السلام) در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آن ها مطلع هستیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

۴۰۸- قصص الأنبياء للراوندى ۱۹۱ ح ۲۳۶: عن الفضل بن أبي قرّة السمندى، عن الصادق، عن آبائه □ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إن أفضل الصدقة صدقة اللسان، تحقن به الدماء وتدفع به الكريهه وتجز المنفعه إلى أخيك المسلم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بهترین صدقه، صدقه از زبان است که جان ها را محفوظ سازد، و بدی ها را دفع کند، و سود به برادر مؤمن برساند.

۴۰۹- تحفه الأبرار ۳۰۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من ترك ذرّه من المناهى كان أحبّ إلى الله من عباده الثقلين، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: ترك ذرّه ای از گناهان نزد خدا محبوب تر است از عبادت جنّ و انس.

۴۱۰- قصص الأنبياء للراوندى ۱۹۲ ح ۲۳۹: عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: كان لقمان (عليه السلام) يقول لابنه: يا بني! إن الدنيا بحر وقد غرق فيها جيل كثير، فلتكن سفيتك فيها تقوى الله تعالى، وليكن جسرك إيماناً بالله، وليكن شراعها التوكل، الخبر.

امام حسن مجتبی (عليه السلام) فرمودند: جناب لقمان به فرزندش می گفت: ای فرزندم به درستی که دنیا دریایی است که گروه های زیادی در آن غرق گردیده اند؛ پس باید که کشتی تو در این دریا، تقوای الهی؛ و پل تو به کشتی، ایمان به خدا؛ و طناب تو، توکل به او باشد.

۴۱۱- المزار للمفيد ۲۰۷ ح ۲: عن بعض العلماء من أهل البيت (عليهم السلام) أنه سئل عن الرجل يصلّي ركعتين، أو يصوم يوماً، أو يحجّ، أو يعتمر، أو يزور رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، أو أحد الأئمّه (عليهم السلام)، ويجعل ثواب ذلك لوالديه، أو لأخ له في الدين، أفیکون له على ذلك ثواب؟ فقال: إن ثواب ذلك يصل إلى من يجعله من غير أن ينقص عليه من أجره شيء.

از یکی از اهل بیت (عليهم السلام) سؤال شد که شخصی دو رکعت نماز، یک روز روزه، یک حجّ، یک عمره و زیارت رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) یا یکی از اهل بیت (عليهم السلام) را انجام می دهد و ثواب آن را به پدر یا مادر یا برادر دینی خود هدیه می کند آیا برای خود او نیز ثوابی هست؟ حضرت فرمودند: آن ثواب ها به آن ها می رسد

بدون این که چیزی از ثواب خود شخص کم شود.

۴۱۲- الاحتجاج ۲/۳۲۲: تویعه: إنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم.

در تویعی دیگر امام عصر^ع فرمودند: ما در مراعات و خبر گیری از حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی نمائیم.

۴۱۳- ثواب الأعمال ۴: حدّثنی أبو عمران العجلی رفعه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) ما من مؤمن يقول: لا إله إلا الله إلا محت ما في صحيفته من سيئات حتى تنتهي إلى مثلها من حسنات.

رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: هیچ مؤمنی ذکر <لا- إله إلا الله > را بر زبان نمی راند مگر آن که تمام گناهانش از نامه‌ی اعمال او پاک می شود، تا این که در کنار سایر اعمال نیک او قرار می گیرد.

۴۱۴- تفسیر العیاشی ۲/۲۰۵ ح ۱۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما من عبد إلا ومعه ملكان يحفظانه، فإذا جاء الأمر من عند الله خليا بينه وبين أمر الله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای نیست مگر این که دو ملک او را محافظت می کنند، پس زمانی که قرار باشد مؤاخذه شده و به بلا و گرفتاری دچار شود او را ترک می کنند.

۴۱۵- ثواب الأعمال ۵: محمّد بن حرمان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من قال: لا إله إلا الله مخلصاً دخل الجنة وإخلاصه بها أن يحجزه لا إله إلا الله عمّا حرّم الله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس که ذکر <لا إله إلا الله > را با اخلاص بگوید، وارد بهشت می گردد؛ و اخلاص در این مقام آن است که گفتن این ذکر شریف او را از معاصی و محرّمات الهی باز دارد.

۴۱۶- کمال الدین ۴۴۱ ح ۱۲: عن صاحب الزمان (عليه السلام) قال: بي يدفع الله (عزوجل) البلاء عن أهلي وشيعتي.

امام زمان (عليه السلام) فرمودند: به خاطر من خداوند بلاها را از اهل من و شیعیانم دفع می کند.

۴۱۷- ثواب الأعمال ۹: عمران الزعفرانی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما من رجل دعا فختم بقول ﴿ما شاء الله لا حول ولا قوه إلا بالله﴾ إلا أجيب حاجته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هیچ کس دعای خود را به ذکر <ما شاء الله لا حول ولا قوه إلا بالله> ختم نمی کند مگر آن که حاجت او برآورده گردد.

۴۱۸- الإمامه والتبصره ۱۰۳ ح ۹۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال الله تعالى: أولئك أوليائي حقاً بهم أدفع كل فتنة عمياء حنّس وبهم أكشف الزلازل وأدفع الآصار والأغلال.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: خداوند می فرماید: آن ها (ائمه عليهم السلام) حقیقتاً اولیای من هستند، به خاطر ایشان هر فتنه‌ی کور ظلمانی را دفع می کنم و به خاطر ایشان زلزله ها را برطرف می سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غلّ و غشّ ها را می زدایم.

۴۱۹- ثواب الأعمال ۱۳: زيد الشحام، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من قال «الحمد لله كما هو أهله» شغل الله كتاب السماء، قيل وكيف يشغل كتاب السماء؟ قال يقولون: اللهم إنا لا نعلم الغيب، فقال فيقول: اكتبوها كما قالها عبدی وعلیّ ثوابها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کسی که ذکر «الحمد لله كما هو أهله» را بگوید، فرشتگانی را که مأمور ثبت اعمال بندگان خدایند، به عجز و امی دارد! (زیرا از نوشتن این همه حسنه عاجزند). زید می گوید: از آن حضرت پرسیدم: چگونه فرشتگان را به عجز و امی دارد؟ فرمودند: فرشتگان گویند: خدایا! ما را از علم غیب نصیبی نیست! به آنان خطاب می شود: شما این ذکر را به همان عبارت بنده‌ی من ثبت کنید، ثواب آن با من است.

۴۲۰- ثواب الأعمال ۱۵: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من توضأ فذكر اسم الله طهر جميع جسده وكان الوضوء إلى الوضوء كفّاره لما بينهما من الذنوب ومن لم يسمّ لم يطهر من جسده إلا ما أصابه الماء.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: اگر کسی در حال وضو نام خدا را بر زبان آورد، تمام بدن او پاک و مطهر می شود، و وضوی او تا وضوی بعدی، کفّاره‌ی

گناهانی است که او (در این فاصله زمانی) انجام داده است؛ و کسی که به هنگام وضو، نام خدا را بر زبان جاری نسازد، تنها قسمتی از بدن او که آب وضو به آن می رسد پاک می شود.

۴۲۱- ثواب الأعمال ۱۶: حمران، عن أبيه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من توضأ وتمنل كتبت له حسنه ومن توضأ ولم يتمنل حتى تجف وضوئه كتب له ثلاثون حسنه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس وضو گیرد و آب وضو را با دستمال خشک کند، یک حسنه برای او نوشته شود و هر کس وضو گیرد و آب وضو را با دستمال خشک نکند، تا هنگامی که آب وضویش خشک گردد سی حسنه برای او نوشته شود.

۴۲۲- ثواب الأعمال ۱۸: محمّد بن كردوس، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من تطهر ثم آوى إلى فراشه بات وفراشه كمسجده.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر کسی با طهارت در بسترش بخوابد، بستر او به منزله‌ی مسجد او خواهد بود.

۴۲۳- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۰۹: فی الزیارة الجامعه: بكم أخرجنا الله من الدّلّ، وفرّج عنا غمرات الكروب، وأنقذنا من شفا جرف الهلكات ومن النار.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به خاطر شما (اهل بیت (علیهم السلام)) خداوند ذلت و خواری را از ما دور نمود، و چرکهای غم و اندوه را از صورت هایمان پاک کرد، و ما را از قرار گرفتن در پرتگاه های هلاکت و آتش عذاب نجات داد.

۴۲۴- ثواب الأعمال ۲۵: مسعده بن صدقه، عن جعفر بن محمد، عن آبائه (عليهم السلام) إنّ النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: إنّ الله (عزوجل) أوجب الجنة لشابّ كان يكثر النظر في المرآه فيكثر حمد الله على ذلك.

مسعده بن صدقه از امام صادق (علیه السلام)، و آن حضرت از پدران بزرگوارشان نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند بر جوانی که زیاد در آئینه نگاه

کند و با هر نگاهی سپاس خداوندی را به جای آورد، بهشت را واجب کرده است.

۴۲۵- ثواب الأعمال ۲۷: محمّد بن هارون، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من مشى إلى المساجد لم يضع رجله على رطب ولا يابس إلا سبّحت له الأرض إلى الأرضين السابعة.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس با پای پیاده به طرف مسجد روانه گردد، پای خود را بر روی هیچ تر و خشکی نمی گذارد مگر آن که آن زمین تا زمین هفتم بجای او خدا را تسبیح می کند.

۴۲۶- ثواب الأعمال ۳۳: المفصل بن عمر قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) من صَلَّى بأذان وإقامه صلاه خلفه صفان من الملائكة، ومن صَلَّى بإقامه بغير أذان صَلَّى خلفه صف واحد. قلت له: وكم مقدار كل صف؟ فقال: أقله ما بين المشرق والمغرب وأكثره ما بين السماء والأرض.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس با اذان و اقامه نماز بخواند، دو صف از فرشتگان خدا در پشت سر او به نماز می ایستند، و هر کس تنها با اقامه به نماز بایستد یک صف از فرشتگان در نماز به او اقتدا کنند.

راوی پرسید: طول هر صف چقدر است؟ در پاسخ فرمودند: کوتاه ترین آن از مشرق تا مغرب، و بلندترین آن از زمین تا آسمان است.

۴۲۷- بصائر الدرجات ۸۲ ح ۱۰: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: بنا نزل الرحمه.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خاطر ما اهل بیت رحمت نازل می شود.

۴۲۸- ثواب الأعمال ۳۵: عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما من صلاه يحضر وقتها إلا نادى ملك بين يدي الناس، أيها الناس! قوموا إلى نيرانكم التي أوقدتتموها على ظهوركم فأطفئوها بصلاتكم.

امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در وقت هر نماز، فرشته ای این ندا دهد که: ای مردم! بپا خیزید و با نماز خود آن آتش هایی را که با دستهای خود در پشت خویش بر افروخته اید خاموش کنید.

۴۲۹- ثواب الأعمال ۳۵: جمیل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: للمصلّي ثلاث خصال إذا قام في صلاته: يتناثر عليه البرّ من أعنان السماء إلى مفرق رأسه، وتحفّ به الملائكة من قدميه إلى أعنان السماء، وملك ينادي أيها المصلّي! لو تعلم من تناجى ما انفتلت.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: برای نماز گزار سه خصلت است: اول آن که: چون به قصد نماز برخیزد، برکات و خیرات از آسمان تا فرق سر او باریدن گیرد. دوّم آن که: از زیر پای تا اوج آسمان در احاطه فرشتگان خداست. سوّم آن که: فرشته ای ندا سر می دهد که: ای نماز گزار! اگر بدانی که با چه کسی مناجات می کنی، هرگز نماز خود را تمام نمی کردی.

۴۳۰- ثواب الأعمال ۳۶: قال الصادق (عليه السلام): فضل الوقت الأوّل على الأخير كفضل الآخرة على الدنيا.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: فضیلت اوّل وقت بر آخر آن همانند فضیلتی است که آخرت بر دنیا دارد.

۴۳۱- الثاقب فی المناقب ۴۱۷ ح ۲: قال الصادق (عليه السلام): إنّ الأرض ومن عليها لله تعالى ولرسوله وللإمام من بعد رسوله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا زمین و هر آن چه بر روی آن است از آن خدا و رسول گرامیش و ما اهل بیت می باشد.

۴۳۲- ثواب الأعمال ۴۰: المفضّل بن عمر، عن الصادق (عليه السلام) قال: ركعتان يصلّيهما متعطّر أفضل من سبعين ركعه يصلّيهما غير متعطّر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: دو رکعت نماز کسی که (به هنگام نماز) خود را معطر می کند از هفتاد رکعت نماز کسی که عطر نمی زند، برتر است.

۴۳۳- ثواب الأعمال ۴۰: الوليد بن صبيح عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ركعتين يصلّيهما متزوّج أفضل من سبعين ركعه يصلّيهما غير متزوّج.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: دو رکعت نماز مردی که همسر دارد، از هفتاد رکعت نماز مرد مجرد (بی همسر) برتر است.

۴۳۴- ثواب الأعمال ۴۴: يوسف بن عمير النخعي قال: حدثني من سمع أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: من صَلَّى ركعتين يعلم ما يقول فيهما انصرف وليس بينه وبين الله ذنب إلا غفر له.

سيف بن عميره نخعی از قول کسی که خود از امام صادق (علیه السلام) شنیده، نقل کرده است: هر کس دو رکعت نماز بجای آورد و بداند که چه می گوید، نمازش را در حالی به پایان می برد که در میان او و خداوند بزرگ هیچ گناهی نماند که آمرزیده نشده باشد.

۴۳۵- ثواب الأعمال ۴۴: زید بن علی عن أبيه عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ركعتان خفيفتان في التفكر خير من قيام ليلة.

زید بن علی بن الحسین، از پدر بزرگوارشان، و آن حضرت از پدران بزرگوار خود روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دو رکعت نماز بدون تکلف و مختصر ولی همراه با تفکر، از یک شب عبادت بهتر است.

۴۳۶- ثواب الأعمال ۵۰: محمد بن حمزه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من لقي حاجباً فصافحه كان كمن استلم الحجر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس با شخص حج گزار (که از سفر حج بازگشته است) ملاقات کرده و با او مصافحه کند مانند کسی است که با دست خود حجر الأسود را لمس کرده باشد.

۴۳۷- ثواب الأعمال ۱۰۲: يعقوب بن يزيد، عن رجل من العوام رفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من قرأ في المصحف نظراً متع ببصره وخفف عن والديه وان كانا كافرين.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس قرآن را از رو بخواند، از چشم خویش بهره مند خواهد شد و عذاب پدر و مادر او را اگر چه کافر باشند تخفیف می دهند.

۴۳۸- بحار الأنوار ۲۷/۳۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): والذی رفع السماء بغير عمد لو أنّ أحدهم رام أن يزول من مكانه بقدر نفس واحد لما زال حتى آذن له، وكذلك يصير حال ولدي الحسن وبعده الحسين وتسعه من ولد الحسين تاسعهم قائمهم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازهی نفسی - از مکانی دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند، و این امر برای فرزندم حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آن ها است نیز می باشد.

۴۳۹- ثواب الأعمال ۱۳۲: هاشم بن صفوان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من بلغه شيء من الثواب على شيء من خير فعمله كان له أجر ذلك وإن كان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لم يقله.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر کسی به روایتی که در آن برای عملی ثوابی معین شده است عمل نماید ثواب آن عمل را به وی می دهند هر چند که آن گفته از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (و یا امام معصوم) نباشد.

۴۴۰- ثواب الأعمال ۱۴۲: جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الخیر والشّرّ یضاعف یوم الجمعة.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: جزای نیکی و بدی در روز جمعه دو چندان گردد.

۴۴۱- ثواب الأعمال ۱۵۲: السکونی، عن جعفر الصادق، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): ما من عبد سلك وادياً فيبسط كفيه فيذكر الله ويدعو إلا ملأ الله ذلك الوادي حسنات فليعظم ذلك الوادي أو ليصغر.

سکونی از امام صادق (علیه السلام)، و آن حضرت از پدران بزرگوارشان از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) روایت کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هیچ بنده ای نیست که از درّه ای بگذرد و دستهایش را بگشاید و دعا کند، مگر آن که خداوند آن درّه را به هر اندازه ای که باشد برای او پر از حسنات می کند.

۴۴۲- ثواب الأعمال ۱۵۳: معاویه بن عمّار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: دعاء المسلم لأخيه بظهر الغيب يسوق إلى الداعي الرزق ويصرف عنه البلاء وتقول له الملائكة لك مثلاه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دعای مسلمان در غیاب برادر مسلمانش، گشایش روزی را برای دعا کننده به همراه دارد، و بلا را از او دور می گرداند، و

فرشتگان به او می گویند: دو برابر آن چه برای برادرت خواستی برای تو است.

۴۴۳- ثواب الأعمال ۱۵۵: الحارث الأعور قال: قال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليه السلام): كلَّ دعاء محبوب عن السماء حتى تصلّي علي محمّد وآله.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: هیچ دعائی به آسمان راه پیدا نمی کند مگر آن که بر محمّد و آل او (علیهم السلام) صلوات فرستاده شود.

۴۴۴- ثواب الأعمال ۱۵۹: عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ارفعوا أصواتكم بالصلاة عليّ فإنّها تذهب بالنفاق.

امام صادق (علیه السلام) نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: با صدای بلند بر من صلوات بفرستید؛ زیرا که دورویی و نفاق را از بین می برد.

۴۴۵- ثواب الأعمال ۱۶۱: صفوان بن يحيى، عن أبي الحسن (عليه السلام) أنّه كان يقول: من دعا لإخوانه من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات وكلّ الله به عن كلّ مؤمن ملكاً يدعو له.

امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمودند: کسی که در حق برادران مؤمن خود دعا کند، خداوند در ازای هر مؤمنی فرشته ای می گمارد که در حق او دعا نمایند.

۴۴۶- معانی الأخبار ۵۲۳ ح ۱۳: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما السماوات السبع في الكرسيّ إلا كحلقة ملقاه في أرض فلاة وفضل العرش على الكرسيّ كفضل الفلاة على تلك الحلقة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آسمان های هفت گانه نسبت به کرسی همانند حلقه ای کوچک در بیابانی وسیع می باشند، و اما عظمت و بزرگی عرش نسبت به کرسی همانند عظمت و بزرگی آن بیابان نسبت به حلقه است.

۴۴۷- ثواب الأعمال ۱۳۱: جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: معلّم الخير يستغفر له دواب الأرض وحياتان البحور وكلّ صغيره وكبيره في أرض الله وسماؤه.

امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: تمام جنبندگان روی زمین و ماهی های دریاها و هر ریز و درشتی که در زمین و آسمان است برای کسی که معلّم خوبی هاست درخواست آمرزش می کنند.

۴۴۸- ثواب الأعمال ۱۴۷: قال أبو عبد الله (عليه السلام):...، يا إسحاق! فحُفَّ اللهُ كَأَنَّكَ تراه فإن كنت لا تراه فإنه يراك فإن كنت ترى أنه لا يراك فقد كفرت وإن كنت تعلم أنه يراك ثم استترت عن المخلوقين بالمعاصي وبرزت له بها فقد جعلته في حدّ أهون الناظرين إليك.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ای اسحاق! از خدا چنان بترس که گویا او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. پس اگر چنین پنداری که او تو را نمی بیند قطعاً کافر شده ای، و اگر می دانی که او تو را می بیند و سپس گناهان خود را از دیده ی مردم پنهان می داری ولی برای خدا آشکار می سازی، در این صورت او را در حدّ پست ترین نظرکنندگان به خود قرار داده ای.

۴۴۹- علل الشرائع ۱/۲۷۶ ح ۱: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ لله تعالى ملائكةً وكلهم نبات الأرض من الشجر والنخل فليس من شجره ولا نخله إلا ومعها ملك من الله يحفظها وما كان فيها ولولا أن معها من يمنعها لأكلها السباع وهوام الأرض إذا كان فيها ثمرها قال وإنما نهى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أن يضرب أحد من المسلمين خلاه تحت شجره أو نخله قد أثمرت لمكان الملائكة الموكلين بها قال ولذلك يكون الشجر والنخل أنساً إذا كان فيه حمله؛ لأن الملائكة تحضره.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: بدرستی که برای خداوند ملائکه ای است که مأمورند بر درختان و نخل ها، پس هیچ درخت و نخلی نیست مگر این که با او ملکی است از جانب خدای متعال که آن درخت و نخل و آن چه از برگ ها و میوه ها در آن است را حفظ می کنند، و اگر این ملائکه نبودند حیوانات و حشرات میوه ای را باقی نمی گذاشتند، و به همین جهت است که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نهی فرمودند از این که مسلمانی زیر درخت یا نخل میوه داری ادرار و مدفوع کند؛ چرا که ملائکه ی موکل بر آن درخت در آنجا حاضر هستند، و این که درخت و نخل میوه دار به عنوان انیس انسان ها شمرده شده اند نیز بدین خاطر است که ملائکه ی موکل بر آن ها در آنجا حضور دارند.

۴۵۰- علل الشرائع ۲/۴۶۳ ح ۸: عن علي (عليه السلام) قال: ليس من قطره تقطر إلا ومعها ملك يضعها موضعها.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: هیچ قطره بارانی نمی بارد مگر این که ملکی همراه آن است و آن قطره را در جای تعیین شده فرود می آورد.

۴۵۱- ثواب الأعمال ۱۶۵: إسماعیل بن سهل قال: کتبت إلی أبی جعفر (علیه السلام) شیئاً إذا أنا قلته کنت معکم فی الدنیا والآخرة، قال: فکتب بخطّ أعرفه أكثر من تلاوه إنا أنزلناه ورطب شفیتک بالاستغفار.

اسماعیل بن سهل می گوید: به حضرت جواد الائمه (علیه السلام) نامه ای نوشتم که چیزی به من بیاموزید که اگر آن را بخوانم، در دنیا و آخرت با شما باشم، راوی می گوید: حضرت با دست خط مبارک خود - که با آن آشنا بودم - مرقوم فرموده بودند: سوره‌ی إنا أنزلناه را بسیار تلاوت کن، و لب های خود را به ذکر استغفار طراوت بخش.

۴۵۲- ثواب الأعمال ۱۸۰: محمّد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعری یرفعه إلی أبی عبد الله (علیه السلام) أنه قال لبعض أصحابه: أما تدخل السوق أما ترى الفاکهه تباع والشیء ممّا تشتهیه؟ فقلت: بلی فقال: أما إن لک بكلّ ما تراه ولا تقدر علی شرائه وتصبر علیه حسنه.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود فرمودند: آیا وارد بازار شده ای، و میوه یا چیزهای دیگری را که میل به آن داری، دیده ای که در آنجا به فروش می رسانند؟ عرض کردم: به خدا سوگند که چنین است، فرمودند: آگاه باش که به ازای هر چیزی که می بینی و قدرت خرید آن را نداری - به شرط این که تهی دستی خود را تحویل کنی - ثواب یکک حسنه از برای تو خواهد بود.

۴۵۳- ثواب الأعمال ۱۸۳: عبد الله البصری یرفعه إلی أبی عبد الله (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یا علی! إن الله جعل الفقر أمانه عند خلقه فمن ستره کان كالصائم ومن أفشاه إلی من یقدر علی قضاء حاجته فلم یفعل قتله، أما أنه ما قتله بسیفه ولا رمحه ولكن بما أنکر من قلبه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: یا علی! خداوند، فقر و تنگ دستی را در نزد مردم به امانت نهاد، و اجر کسی که آن را (از دیگران) پنهان کند، برابر با پاداش انسان روزه دار شب زنده دار است، و اگر کسی فقر و تنگدستی خود را با کسی در میان بگذارد که توانایی برآوردن نیاز او را دارد ولی کاری برای او انجام ندهد، محققاً او را کشته است، البته نه کشتن با شمشیر و یا نیزه، بلکه

با زخمی که بر قلب او وارد کرده است.

۴۵۴- ثواب الأعمال ۲۰۱: أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: البنات حسنات والبنون نعمه والحسنات يثاب عليها والنعمه يسأل عنها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: دختران حسنااتند، و پسران نعمت؛ و حسنات موجب ثواب و اجر و پاداشند ولی نعمت موجب بازخواست می شود.

۴۵۵- مستطرفات السرائر ۵۷۵: علي بن يقطين، عن أبي الحسن الأول (عليه السلام)، قال سمعته يقول: إنَّ الشعر على الرأس إذا طال ضعف البصر، وذهب بضوء نوره، وطمَّ الشعر يجلى البصر، ويزيد في نوره.

علی بن یقطین می گوید: از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: چون موی سر دراز شود چشم ضعیف گردد و دیدش برود، و نابود کردن مو چشم را روشن کند و دیدش را بیفزاید.

۴۵۶- الکافی ۱/۴۰۷ ح ۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الإمام كالوالد الرحيم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: امام همچون پدری مهربان می باشد.

۴۵۷- بصائر الدرجات ۲۸۵ ح ۱۵: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: واللَّهِ لَإِنَّا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان تر هستیم.

۴۵۸- الکافی ۱/۲۰۰ ح ۱: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: الإمام الأنيس الرفيق والوالد الشفيق والأخ الشقيق والأمّ البرّه بالولد الصغير.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام مونسى رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می باشد.

۴۵۹- الخصال ۵۲۷ ح ۱: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: الإمام، أشفق عليهم (شيعتنا) من آبائهم وأمهاتهم.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: همانا امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران دلسوزتر است.

۴۶۰- قصص الأنبياء للراوندى ۱۶۶ ح ۱۸۵: قال أبو جعفر (صلوات الله عليه): قال موسى (عليه السلام): أيّ عبادك أبغض إليك؟ قال: جيفه بالليل، بطل بالنها.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: که موسى (عليه السلام) گفت: پروردگارا! کدام یک از بنده هایت را بیشتر دشمن داری؟ خداوند تعالی فرمود: آن که در شب مرداری است و در روز بیکاری.

۴۶۱- کتاب التمهيد ۳۱ ح ۷: عن يونس بن يعقوب قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول:....، إنَّ المؤمنَ أكرمَ على الله من أن يمرَّ عليه أربعون يوماً لا- يمحصه فيها من ذنوبه، ولو بغم يصيبه لا يدري ما وجهه. والله إنَّ أحدكم ليضع الدراهم بين يديه فيزنها فيجدها ناقصه، فيغتم بذلك ثم يعيد وزنها، فيجدها سواء فيكون ذلك خطأ لبعض ذنوبه.

يونس می گوید که از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: همانا مؤمن بزرگوارتر است نزد خدا از این که که چهل روز بر او بگذرد و او را به خاطر گناهانش گرفتار نکند، اگرچه به اندوهی که علت آن را نمی داند باشد.

به خدا قسم یکی از شما پول های خود را می شمارد و می بیند کم است پس غمگین می گردد سپس آن را دوباره شمرده و می بیند کامل است و این نیست مگر به خاطر کفاره‌ی بعضی از گناهانش.

۴۶۲- الكافي ۲/۳۱۶ ح ۷: قال أبو عبد الله (عليه السلام): لا تشعروا قلوبكم الاشغال بما قد فات فتشغلوا أذهانكم عن الاستعداد لما لم يأت.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: دل های خود را به آن چه از دست رفته مشغول نسازید، که در این هنگام از فعالیت برای آینده باز خواهید ماند.

۴۶۳- ثواب الأعمال ۱۶۱: عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من قال كل يوم خمساً وعشرين مرة: «اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات» كتب الله له بعدد كل مؤمن مضى وكل مؤمن بقى إلى يوم القيامة حسنة ومحاه عنه سيئه ورفع له درجه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کسی که در هر روز بیست و پنج بار بگوید: «اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات»، خداوند در روز قیامت - به

تعداد مؤمنانی که آفریده و یا خواهد آفرید - در نامه‌ی اعمال او حسنه‌ی ای ثبت و گناهی را پاک می‌سازد، و مقام و منزلت او را یک درجه بالا می‌برد.

۴۶۴- ثواب الأعمال ۱۶۳: اَبی هارون المکفوف، عن اَبی عبد الله (عليه السلام) قال لأبي هارون المكفوف: يا أبا هارون! إننا نأمر صبياننا بتسييح الزهراء (عليها السلام) كما نأمرهم بالصلاه فألزمه فإنه لم يلزمه عبد فيشقى.

ابو هارون مکفوف نقل کرده است که امام صادق (علیه السلام) به من خطاب کرد و فرمودند: ای پدر هارون! ما کودکان خود را به تسییح حضرت زهرا (علیها السلام) فرمان می‌دهیم آن گونه که آنان را به نماز و می‌داریم، پس تو نیز بر این ذکر مداومت کن؛ زیرا هیچ بنده‌ی بر این ذکر مداومت نکرده است و عاقبت بدبخت شده باشد.

۴۶۵- الکافی ۱/۲۴۹ ح ۵: عن علی (صلوات الله عليه) قال: ما اجتمع التیمی والعدوی عند رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وهو يقرأ: {إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ} (۱) بتخشع وبكاء فيقولان: ما أشد رقتك لهذه السوره؟ فيقول رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لما رأت عيني ووعى قلبي ولما يرى قلب هذا من بعدى، فيقولان: وما الذى رأيت وما الذى يرى؟ قال: فيكتب لهما فى التراب: {تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ} (۲). قال: ثم يقول: هل بقى شىء بعد قوله (عزوجل): {كُلُّ أَمْرٍ} فيقولان: لا، فيقول: هل تعلمان من المنزل إليه بذلك؟ فيقولان: أنت يا رسول الله! فيقول: نعم، فيقول: هل تكون ليله القدر من بعدى؟ فيقولان: نعم، قال: فيقول: فهل ينزل ذلك الأمر فيها؟ فيقولان: نعم، قال: فيقول: إلى من؟ فيقولان: لا ندرى، فيأخذ برأسى ويقول: إن لم تدري فادريا هو هذا من بعدى، قال: فإن كانا ليعرفان تلك الليله بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) من شدّه ما يداخلهما من الرعب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچگاه تیمی و عدوی (ابو بکر و عمر) خدمت رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نبودند و آن حضرت سوره‌ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را با خشوع و گریه تلاوت نمی‌کردند جز این که آن دو ملعون می‌گفتند: برای این سوره چه سخت

۱- یوسف، الآیه ۲.

۲- القدر، الآیه ۴.

دَلَّت نازک است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده ام، و برای آن است که دل این مرد (یعنی علی (علیه السلام)) بعد از من خواهد دریافت، آن دو می گفتند: شما چه دیده اید و او چه خواهد دید؟

حضرت در ازای جواب، روی خاک برای آن ها این آیه: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» را نقش کرده و فرمودند: پس از فرموده‌ی خداوند که می گوید: «هر امری» آیا چیز دیگری باقی می ماند؟ آن دو می گفتند: نه، پس فرمودند: می دانید به چه کسی هر امری را نازل می کنند؟

می گفتند: ای رسول خدا! به شما، فرمودند: آری! درست است. ولی آیا شب قدر بعد از من هست یا نه؟ آن دو می گفتند: آری!

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آیا این امر در آن شب نیز نازل می شود؟ می گفتند: آری! فرمودند: بر چه کسی؟ آن دو می گفتند: ما نمی دانیم، پس سِرِّ مرا در آغوش گرفته و فرمودند: اگر نمی دانید، بدانید: آن کس بعد از من این مرد است.

و به راستی مطلب این است که آن دو نفر این شب را بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شدت هراسی که به دل آن ها می افتاد می شناختند.

۴۶۶- الکافی ۱/۲۴۷ ح ۲: عن علی بن ابی طالب (علیه السلام) قال: إنَّ ليله القدر فی کلِّ سنه وإنه ینزل فی تلک اللیله أمر السنه وإنَّ لذلک الأمر ولاءً بعد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فقلت: من هم؟ فقال: أنا وأحد عشر من صلبی أئمه محدثون.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا در شب قدر امور یک سال، معین می شود و برای اجرای این مسأله مجربانی بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشند، پس شخصی سؤال نمود: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: من و یازده نفر از فرزندانم که از صُلب من می باشند و آنان امامانی هستند که ملائکه با ایشان سخن می گویند.

۴۶۷- تفسیر القمّی ۲/۲۹۰: عن أبي جعفر (صلوات الله عليه) قال: لا تخفى علينا ليله القدر إنّ الملائكة يطيفون بنا فيها.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شب قدر بر ما اهل بیت مخفی نیست؛ چرا که در آن شب، ملائکه به دور ما طواف می کنند.

۴۶۸- الکافی ۱/۲۵۲ ح ۸: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنّما تنزل الملائكة والروح في ليله القدر بالحكم الذي يحكم به بين العباد، قال السائل: وما كانوا علموا ذلك الحكم؟! قال: بلى قد علموه ولكنهم لا يستطيعون إمضاء شيء منه حتى يؤمروا في ليالي القدر كيف يصنعون إلى السنة المقبلة.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ملائکه الهی و روح القدس در شب قدر احکام و اموری را که قرار است در طول سال رخ دهد برای امام بازگو می کنند، پس شخصی سؤال کرد: مگر امام از آن احکام و امور بی خبر است؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه از آن ها مطلع است، ولی در شبهای قدر از طرف خدا به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اوصیای او نسبت به آن چه می دانند دستور می آید که آن چه را می دانند اجرا و عمل نمایند.

۴۶۹- ثواب الأعمال ۱۶۳: محمد بن مسلم قال: قال أبو جعفر (عليه السلام) من سبح تسبيح الزهراء (عليها السلام) ثم استغفر غفر له وهي مائة باللسان وألف في الميزان وتطرد الشيطان وترضى الرحمن.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: کسی که تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بجای آورد سپس از خدا طلب آمرزش کند، آمرزیده می شود، و این تسبیح به زبان (و از نظر تعداد) یک صد است ولی در میزان الهی یک هزار (به حساب می آید)، و شیطان را می راند، و خداوند بخشنده را خشنود می سازد.

۴۷۰- ثواب الأعمال ۱۶۳: أبي خلف القمّاط قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: تسبيح فاطمه الزهراء (عليها السلام) في كلّ يوم في دبر كلّ صلاة أحبّ إليّ من صلاة ألف ركعة في كلّ يوم.

ابو خالد قمّاط می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پس از هر نماز در نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز محبوب تر است.

۴۷۱- ثواب الأعمال ۱۶۴: سنان قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) من سبح تسبيح فاطمه (عليها السلام) قبل أن يثنى رجله من صلاته الفريضة غفر الله له ويبدأ بالتكبير.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کسی که بعد از نماز واجب پیش از آن که از جای برخیزد، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بگوید، خداوند او را خواهد آمرزید، و اول با «الله أكبر» شروع کند.

۴۷۲- ثواب الأعمال ۲۲۳: علی بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يؤمر برجال إلى النار فيقول الله (عز وجل) لملك قل للنار لا تحرقى لهم أقداماً فقد كانوا يمشون بها إلى المساجد ولا تحرقى لهم وجوهاً فقد كانوا يسبغون الوضوء ولا تحرقى لهم أيدياً فقد كانوا يرفعونها بالدعاء ولا تحرقى لهم ألسنة فقد كانوا يكثرن تلاوة القرآن، قال فيقول لهم خازن النار يا أشقياء ما كان حالكم، قالوا كنا نعمل لغير الله (عز وجل) فقل لنا خذوا ثوابكم ممن عملتم لهم.

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدرش از پدران نقل کرده است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: [روز قیامت] فرمان می رسد که گروهی را به سوی آتش برند، و خداوند به مالک دوزخ فرمان می دهد که به آتش بگوید قدم های آنان را چون به مسجد می رفتند نسوزاند، و چهره هایشان را نیز چون برای دعا به طرف آسمان بلند می کردند نسوزاند، و زبان هایشان را هم به سبب این که بسیار تلاوت قرآن می کردند نسوزاند. پس خازن دوزخ به آنان می گوید: ای تیره بختان! شما در دنیا چه می کردید؟ می گویند: عبادات خود را برای غیر خدا انجام می دادیم. به آنان می گویند: پاداش خود را از کسی که عبادت خود را برای او انجام داده اید بگیرید!

۴۷۳- ثواب الأعمال ۲۸۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)....، من عمل في تزويج بين مؤمنين حتى يجمع بينهما زوجة الله ألف ألف امرأة من الحور العين كل امرأة في قصر من درّ وياقوت وكان له بكل خطوه خطاها في ذلك أو كلمة تكلم بها في ذلك عمل سنة قيام ليلها وصيام نهارها.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که بکوشد تا دو مسلمان را به همسری یکدیگر درآورد، خداوند (در آخرت) هزار حوریهی بهشتی را که هر یک در قصری

از درّ و یاقوت آرمیده اند، به ازدواج او در می آورد، و در برابر هر قدمی که در این رابطه بر می دارد یا هر کلمه ای که بر زبان جاری می سازد پاداش عمل یک سال تمام را که شب ها سرگرم نماز و عبادت و روزها را به روزه داری سپری سازد، به او خواهند داد.

۴۷۴- بصائر الدرجات ۳۹۵ ح ۵: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنّ الله أقدرنا على ما نريد.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که خداوند ما اهل بیت را بر آن چه بخواهیم توانا نموده است.

۴۷۵- مشارق أنوار اليقين ۱۷۹: عن الصادق (عليه السلام) قال: هم قدره الرّبّ ومشيتته.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه قدرت و مشیت خدای می باشند.

۴۷۶- ثواب الأعمال ۲۹۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، من قرأ (خ ل: تعلم) القرآن ابتغاء وجه الله وتفقهاً في الدين كان له من الثواب مثل جميع ما يعطى الملائكة والأنبياء والمرسلون.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس قرآن را به خاطر رضای خدا و فهم در دین بخواند (نسخه دیگر: یاد بگیرد) خداوند به اندازه‌ی ثواب همه‌ی ملائکه و انبیا به او عطا می فرماید.

۴۷۷- إقبال الأعمال ۱/۱۲۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: يقول عند حضور شهر رمضان:...، وداو دائي، فإنّ دائي الذنوب القبيحة، ودواءك وعد عفوك وحلاوه رحمتك.

امام صادق (علیه السلام) در دعای حلول ماه رمضان فرمودند: خدایا! درد مرا دوا کن؛ و درد من گناهان زشت من است و دواي تو وعده‌ی عفو و بخشش تو و شیرینی رحمت تو است.

۴۷۸- ثواب الأعمال ۱۶۹: عليّ بن يقطين قال: قال أبو الحسن موسى بن جعفر (عليه السلام) أنّه كان في بني إسرائيل رجل مؤمن وكان له جار كافر وكان يرفق بالمؤمن ويؤيّه المعروف في الدنيا فلَمَّا أن مات الكافر بنى الله له بيتاً في النار من طين فكان يقيه حرّها ويأتيه الرزق من غيرها وقيل له هذا

بما كنت تدخل على جارك المؤمن فلان بن فلان من الرفق وتوليّه من المعروف في الدنيا.

علی بن یقظین گوید: امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به من فرمودند: در بنی اسرائیل مرد مؤمنی زندگی می کرد که در همسایگی او مرد کافری بود، و با او به مهربانی و نیکی رفتار می کرد؛ هنگامی که آن مرد کافر درگذشت خداوند خانه ای از گل برای او در جهنّم بنا کرد تا او را از گرمای آتش نگاه دارد، و روزی وی از جای دیگری غیر از جهنّم به او می رسید و به او گفته می شد: این به خاطر رفتار مهربانانه و ملاحظت آمیزی است که در دنیا نسبت به همسایه ی مؤمن خود - فلانی - روا می داشتی.

۴۷۹- ثواب الأعمال ۱۸۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): العباد سبعة جزءاً أفضلها جزءاً طلب الحلال.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: عبادت دارای هفتاد جزء است، و کسب حلال، برترین جزء آن بشمار می رود.

۴۸۰- الکافی ۱/۲۸۸ ح ۳: عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قول الله (عز وجل): {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا} (۱) قال: إِنَّمَا يَعْنِي: أُولَىٰ بَكُم أَىٰ أَحَقَّ بَكُم وَبِأَمُورِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي: عَلِيًّا وَأَوْلَادَهُ الْأَتْمَةَ (عليهم السلام) إلى يوم القيامة.

امام صادق (علیه السلام) در مورد گفتار خدای (عزوجل): «فقط ولی و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند می باشند» فرمودند: مراد از «ولایت» در این آیه آن است که امیر المؤمنین (علیه السلام) و امامان از اولاد او تا روز قیامت بر مردم و جان هایشان و مال هایشان و تمامی امورشان صاحب اختیار و اولی به تصرف می باشند.

۴۸۱- ثواب الأعمال ۱۸۲: ابن أبي عمير، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الطاعم الشاكر له أجر الصائم المحتسب، والمعافى الشاكر له مثل أجر المبتلى الصابر.

ابن ابی عمیر، از قول یکی از اصحابش، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: خورنده‌ی شکر گزار، ثواب روزه دار برای خدا را دارد، و پاداش تندرست سپاس گزار، برابر پاداش انسان مبتلایی که بردبار باشد.

۴۸۲- ثواب الأعمال ۱۸۲: سلیمان بن داود رفعه قال: قال رجل للنبي (صلى الله عليه وآله وسلم): علمني شيئاً إذا أنا فعلته أحبني الله من السماء وأحبني الناس من الأرض قال: فقال له: أرغب فيما عندك سيحبك الله وأزهد فيما عند الناس يحبك الناس.

ابراهیم بن داود یعقوبی، از قول برادرش روایت کرده است که: مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست کرد که چیزی به من بیاموز تا با انجام دادن آن، خدا در آسمان و مردم در زمین مرا دوست داشته باشند، حضرت به او فرمودند: فقط به آن چه در نزد خداست، چشم امید داشته باش تا خداوند تو را دوست بدارد، و به آن چه که در نزد مردم است بی میل و بی رغبت باش، تا مردم نیز تو را دوست داشته باشند.

۴۸۳- ثواب الأعمال ۱۸۴: ابن فضال يرفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من تلذذ بالماء في الدنيا لذذه الله من أشربه الجنة.

ابن فضال - بدون آن که از راویان پیش از خود نام ببرد - از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: کسی که در این دنیا از آب لذت ببرد، خداوند او را از لذت آشامیدنی های بهشت بهره مند می سازد.

۴۸۴- ثواب الأعمال ۱۸۶: السكوني، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من بنى مسكناً فذبح كبشاً سميناً وأطعم لحمه المساكين ثم قال: اللهم ادحر عني مرده الجن والإنس والشياطين وبارك لي في بنائي □ أعطى ما سألت.

سکونی از امام صادق (علیه السلام)، و آن حضرت از پدران بزرگوارشان نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که خانه ای بسازد و گوسفند چاق و فربه‌ی را قربانی کند و از گوشت آن بینوایان را اطعام نماید، و سپس بگوید:

«پروردگارا! شرّ اجتهی نافرمان و آدمیان نافرمان و شیاطین را از من دور ساز، و این خانه را برای من با برکت گردان» آن چه را که آرزو می کند به او داده خواهد شد.

۴۸۵- ثواب الأعمال ۱۹۳: عبد الحمید، عن أبی ابراهیم موسی بن جعفر (علیهما السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): للمریض أربع خصال: یرفع عنه القلم، ویأمر الله الملك ینکتب له فضلاً کان یعمله فی صحته ویتبع مرضه کل عضو فی جسده فیستخرج ذنوبه منه فإن مات مات مغفوراً له، وإن عاش عاش مغفوراً له.

ابراهیم بن عبد الحمید از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: برای بیمار چهار خصوصیت و ویژگی وجود دارد:

۱- قلم از او برداشته می شود (گناهی بر او نوشته نمی شود).

۲- خداوند به فرشتگان مراقب او فرمان می دهد تا ثواب تمام کارهای خوبی را که در زمان سلامتی، توفیق انجام آن را داشته است، در نامه‌ی اعمال او ثبت کنند.

۳- اثر آن بیماری به هر عضوی از اعضای بدن او رسیده، گناهایی را که توسط آن عضو انجام گرفته است از بین می برد.

۴- اگر در این حالت بمیرد، آمرزیده از دنیا رفته است و اگر زنده بماند و از این بیماری جان سالم بدر برد باز هم مورد آمرزش قرار خواهد گرفت.

۴۸۶- الخصال ۵۲۷ ح ۱: عن أبی الحسن الرضا (علیه السلام) قال: الإمام أشفق علیهم (شیعتنا) من آبائهم وأمهاتهم.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران مهربان تر و دلسوز تر است.

۴۸۷- بحار الأنوار ۶۴/۱۲۶ ح ۲۷: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: قلوبنا تعطف علیهم (شیعتنا) کعطف الوالد علی الولد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قلب های ما اهل بیت نیز نسبت به شیعیانمان همانند قلب های پدران و مادران نسبت به فرزندان خویش طالب و مایل است.

۴۸۸- ثواب الأعمال ۱۹۴: عن أبي عبيده الحذاء، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من عاد مريضاً في الله لم يسأل المريض للعائد شيئاً إلا استجاب الله له.

ابو عبيده حذاء از امام صادق (عليه السلام) روایت کرده است که فرمودند: کسی که برای خدا به عیادت بیماری برود، آن چه را که بیمار در حق او دعا کند خداوند آن دعا را مستجاب می فرماید.

۴۸۹- ثواب الأعمال ۱۹۴: الحسين بن محمد النوفلي من ولد نوفل بن عبد المطلب قال: أخبرني جعفر بن محمد، عن محمد بن علي، عن عيسى بن عبد الله القصري، عن أبيه، عن جده، عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في المرض يصيب للصبي؟ قال: كفاره لوالديه.

عیسی بن عبد الله عمری، از پدرش، از جدش، از امیر مؤمنان (عليه السلام) نقل کرده است که آن حضرت در مورد بیماری کودک فرمودند: بیماری او کفاره‌ی گناهان پدر و مادرش می باشد.

۴۹۰- ثواب الأعمال ۲۰۷: عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ليس الناصب من نصب لنا أهل البيت لأنك لم تجد رجلاً يقول أنا الناصب [أبغض] محمداً وآل محمد ولكن الناصب من نصب لكم وهو يعلم أنكم تتوالون وأنكم من شيعتنا.

عبد الله بن سنان روایت کرده است که امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ناصبی آن نیست که دشمن ما اهل بیت باشد؛ زیرا کسی را پیدا نمی کنی که بگوید: من به محمد و آل محمد (علیهم السلام) دشمنی می ورزم، بلکه ناصبی کسی است که با شما (شیعیان و دوستان ما) دشمنی می ورزد، و به خاطر آن که می داند که شما پیروان و دوست داران ما هستید، با شما دشمنی می کند.

۴۹۱- ثواب الأعمال ۲۱۰: حنّان بن سدير قال: سمعنا أبا جعفر (عليه السلام) يقول: إنَّ عدوّ عليّ (عليه السلام) لا يخرج من الدنيا حتى يجرع جرعه من الجحيم وقال سواء علي من خالف هذا الأمر صلّي أم صام.

حنّان بن سدير نقل کرده است که از امام محمد باقر (عليه السلام) شنیدم که فرمودند:

همانا که دشمن علی (علیه السلام) از دنیا نمی رود مگر آن که جرعه ای از (گدازه سیال) حمیم (دوزخ) را به او بیاشاماند، و در ادامه ی سخنان خود فرمودند: حال کسی که با این امر (ولایت علی (علیه السلام)) مخالف باشد یکسان است، خواه نماز بگذارد خواه زنا کند.

۴۹۲- الیقین ۳۱۸: عن أبي جعفر (صلوات الله عليه) وهو يقول: أمن لمن التجأ إليهم، وأمان لمن تمسك بهم.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) محلّی آمن برای پناهنده شدن و تکیه کردن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در آمان خواهد بود.

۴۹۳- ثواب الأعمال ۲۱۵: أبي الجارود قال: قلت لأبي جعفر (عليه السلام): أخبرني بأول من يدخل النار؟ قال: إبليس ورجل عن يمينه ورجل عن يساره.

ابو الجارود روایت کرده است که از امام محمد باقر (علیه السلام) پرسیدم: نخستین کسی که وارد آتش دوزخ می شود کیست؟ فرمودند: ابلیس به همراه دو مرد (ابوبکر و عمر) در حالی که یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ او قرار دارند.

۴۹۴- ثواب الأعمال ۲۲۰: حفص بن غياث، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنَّ الله (عز وجل) قال في مناجاته لموسى (عليه السلام): إنَّ الدنيا دار عقوبه عاقبت فيها آدم عند خطيئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فيها إلا ما كان فيها لي، يا موسى! إنَّ عبادي الصالحين زهدوا فيها بقدر علمهم بي وسائرهم من خلقي رغبوا فيها بقدر جهلهم بي وما من خلقي أحد عظمها فقرت عينه وما يحقرها أحد إلا انتفع بها.

حفص بن غياث از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: خداوند در ضمن مناجات به موسی (علیه السلام) فرمودند: ای موسی! دنیا، دار مکافات (و سرای عقوبت) است، که من در آن آدم را به خاطر ترک اولی (خوردن گندم) به کیفر رساندم، و دنیا و آن چه را که در آن است مورد لعنت (و نفرت) خود قرار دادم، مگر چیزی که از برای من باشد.

ای موسی! براستی که بندگان نیکوکار و شایسته ی من به همان اندازه ای که

مرا شناختند، از دنیا (و دل بستگی های آن) کناره گرفتند و دیگران در آن به همان اندازه ای که نسبت به من بیگانه بودند، به دنیا روی آوردند؛ و هیچ یک از مخلوقات من نیست که دنیا را در نظر خود بزرگ شمرده باشد و از آن روی خوش دیده باشد، و اما کسی که آن را ناچیز پنداشته از نعمت های آن بهره مند شده است.

۴۹۵- علل الشرائع ۱/۱۴۱ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من أصبح يجد برد حَبْنَا على قلبه فليحمد الله على بادئ النعم، قيل: وما بادئ النعم؟ قال: طيب المولد.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شخصی که شب را به بامداد رساند و نسیم محبت ما را بر قلب خود احساس نماید پس باید خدا را بر سر آغازِ نعمت ها سپاسگزاری نماید. عرض شد: سرآغازِ نعمت ها چیست؟ فرمودند: حلال زادگی.

۴۹۶- ثواب الأعمال ۲۲۱: عبد الله بن طلحه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا يدخل الجنة عبد في قلبه مثقال ذره من خردل من كبر ولا يدخل النار عبد في قلبه مثقال حبه من خردل من إيمان، قلت: جعلت فداك إن الرجل ليلبس الثوب ويركب الدابة فيكاد يعرف من نفسه الكبر؟ قال: ليس ذلك بكبر إنما الكبر إنكار الحق والإيمان إقرار بالحق.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که به اندازه‌ی خردلی از کبر در دل او باشد، وارد بهشت نخواهد شد، و آن که به قدر خردلی از ایمان در دل خود داشته باشد، به دوزخ نخواهد رفت.

راوی می گوید عرض کردم: فدایت کردم! گاهی اتفاق می افتد که چون انسان لباس نو می پوشد و بر مرکب سوار می شود، نوعی احساس خود بزرگ بینی و بزرگی به او دست می دهد، آیا به نظر شما منشأ این حالت از کبر است؟ فرمودند: نه! این گونه حالت، کبر نیست، بلکه مراد از کبر، انکار کردن حق است، همان گونه که ایمان، اقرار کردن به حق می باشد.

۴۹۷- تفسیر القمى ۱/۳۶۵: قوله: { الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ } (۱) قال (عليه السلام): الذين آمنوا: الشيعة، وذكر الله: أمير المؤمنين والأئمة (عليهم السلام).

امام جعفر صادق (عليه السلام) در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده اند و قلب هایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه (عليهم السلام) می باشند.

۴۹۸- ثواب الأعمال ۲۲۲: داود بن فرقد، عن أخيه قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إنَّ المتكبرين يجعلون في صورة الذرّ يتوطأ بهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب.

داود بن فرقد از قول برادرش روایت کرده است که امام صادق (عليه السلام) فرمودند: در روز قیامت افراد متکبر، به هیئت مور (مورچه) در آیند و (آن قدر) در زیر پای آفریده های خداوند لگد کوب و پایمال می گردند تا خداوند از حساب (سایر بندگان خود) فراغت یابد.

۴۹۹- ثواب الأعمال ۲۲۳: الحسين بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أيما ناش نشأ في قومه ثم لم يؤدب على معصيته فإنَّ الله (عزوجل) أول ما يعاقبهم بأن ينقص من أرزاقهم.

حسین بن سالم، از امام صادق (عليه السلام) روایت کرده است که فرمودند: هر جوانی و نوجوانی که در میان افراد خانواده و آشنایان خود بزرگ شود، و به خاطر گناهی که از او سر می زند توسط آنان، سرزنش و نکوهش و مجازات نگردد، خداوند متعال نخستین مجازاتی که برایشان در نظر می گیرد، کاستن روزی آن ها است.

۵۰۰- ثواب الأعمال ۲۲۴: صفوان بن مهران الجمال، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أقعد رجل من الأخيار في قبره قيل له: يا أبا خالد! إننا جالدوك مئة جلده من عذاب الله فقال لا أطيعها فلم يزالوا به حتى انتهوا إلى جلده واحده فقالوا ليس منها بدّ فقال فيما تجلدوني فيها؟ قالوا: أنك صليت يوماً بغير وضوء ومررت على ضعيف فلم تنصره، قال فجلده من عذاب الله (عزوجل) فامتلاً قبره ناراً.

صفوان مهران جمّال، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: (فرشتگان مأمور سؤال) مرد نیکوکار و صالحی را در قبر نشانند، و به او گفتند: ای ابا خالد! (نام آن مرد نیکوکار است) ما (مأموریم) که صد تازیانه (بر بدن) تو بزیم! آن مرد گفت: من تحمّل آن را ندارم.

فرشتگان به تدریج، تعداد تازیانه ها را کاهش می دادند و او (باز) می گفت: نمی توانم! تا فرشتگان (تعداد تازیانه ها را) به یک تازیانه رسانند و به او خاطر نشان کردند که دیگر (از آن) گریزی نیست. گفتند: آن مرد پرسید: این تازیانه را به مکافات کدام گناه بر من خواهید زد؟! گفتند: به خاطر آن که روزی بدون وضو نماز خواندی، و بعد بر ناتوانی گذشتی و او را یاری نکردی (در حالی که می توانستی به او کمک کنی). چون تازیانه عذاب خداوندی را بر او نواختند، آتش تمام قبرش را فرا گرفت.

۵۰۱- ثواب الأعمال ۲۲۹: حُصَیْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهَ (عزوجل) عَلَيْهِ بَوَّجَهُ فَلَا يَزَالُ مَقْبَلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَفِتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا التَفَتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْرَضَ عَنْهُ.

حُصَیْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ نقل کرده است که از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: چون بنده ای به نماز ایستد، خداوند بزرگ به او روی می آورد (و توجه می کند) و هیچ گاه روی خود را از او بر نمی گرداند، مگر آن که سه بار از خدا غافل شود و چون چنین کند خداوند نیز از او روی گردان شود (و او را به خود واگذارد).

۵۰۲- بحار الأنوار ۹۱/۳۶ ح ۲۳: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ.

در زیارت آل یاسین می خوانیم: سلام بر تو ای امامی که در همه ی امور مقدمی و آرزوی تو برده می شود.

۵۰۳- ثواب الأعمال ۲۳۰: إسماعیل بن أبی زیاد، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، عن أبیه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين (علیهم السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): لا یزال الشیطان هائباً لابن آدم ذاعراً منه ما صلّى الصلوات الخمس لوقتھنّ فإذا ضیعھنّ اجتری علیہ فادخله فی العظام.

اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت از پدر بزرگوارشان (علیه السلام) نقل کرده است که امیر مؤمنان (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شیطان همواره از فرزند آدم می ترسد، البتّه تا زمانی که نماز پنج گانه خود را در اوّل وقت بخواند؛ و چون این توفیق را از دست داد، شیطان با گستاخی در دل او راه پیدا می کند و او را به گناهان بزرگ آلوده می سازد.

۵۰۴- ثواب الأعمال ۲۴۱: أبی بهذا الإسناد، قال: قال أبی عبد الله (علیه السلام): من كان له دار واحتاج مؤمن إلى أن یسكنها فمنعه إياها قال الله (عزوجل) ملائکتی: عبدی بخل علی عبدی بسکنی الدنیا وعزّتی لا یسکن جنانی أبداً.

مفضّل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: هر کس دارای خانه ای باشد (که به آن نیاز ندارد) و مؤمنی برای سکونت در آن نیاز پیدا کند، ولی او دریغ کند، خداوند (عزوجل) به فرشتگان خود خطاب می فرماید که: ای فرشتگان من! بنده‌ی من نسبت به بنده‌ی دیگر من از خانه ای (که به آن نیازی نداشت) دریغ کرد و بخل ورزید، به عزّت و جلالم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد.

۵۰۵- ثواب الأعمال ۲۴۱: عبد الله بن بکیر بن محمّد الأزدی، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إنّ المؤمن لینوی الذنب فیحرم رزقه.

بکر بن محمّد ازدی، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: همین که مؤمن قصد گناه می کند، از روزی خود محروم می گردد.

۵۰۶- ثواب الأعمال ۲۴۲: عبد الله بن بکیر، عن بعض أصحابه، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: من همّ بالسیئه فلا یعملها فلا یؤاخذہ الربّ فإنّہ ربّما عمل السیئه فیراه الربّ (عزوجل) فیقول: وعزّتی وجلالی لا أغفر له أبداً.

عبد الله بن بكير از قول یکی از راویان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: هر کسی که در اندیشه‌ی معصیت است (بایستی) مراقب باشد تا آن را انجام ندهد؛ زیرا چه بسا از بنده ای گناهی سر می زند و خداوند او را در حالی که می بیند می فرماید: به عزت و جلالم قسم هرگز او را نمی آمرزم.

۵۰۷- تفسیر العیاشی ۱/۱۵۳ ح ۵۱۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنه ليس شيء إلا وقد وكل به ملك غير الصدقة.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هیچ چیزی نیست مگر این که ملکی بر او مأمور است.

۵۰۸- ثواب الأعمال ۲۴۳: الفضیل بن یسار قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: من شرب الخمر فسکر منها لم يقبل الله صلاته أربعين يوماً، فإن ترك الصلاة في هذه الأيام ضوعف عليه لترك الصلاة.

فضیل بن یسار نقل کرده است که از امام محمد باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: اگر کسی شراب بنوشد تا حدی که مست شود، خداوند تا چهل روز نمازش را نمی پذیرد، و اگر (در این چهل روز) نماز خود را (به عذر این که پذیرفته نمی شود) ترک نماید، عذابش به خاطر ترک نماز چند برابر خواهد شد.

۵۰۹- ثواب الأعمال ۲۴۴: عمار بن موسی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سئل عن الرجل إذا شرب المسكر ما حاله؟ قال: لا يقبل الله صلاته أربعين يوماً وليس له توبه في الأربعين فإن مات فيها دخل النار.

عمار بن موسی سبابی نقل کرده است که از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی وضع و حال مردی که شراب می نوشد، سؤال شد. آن حضرت فرمودند: خداوند تا چهل روز نماز او را نمی پذیرد، و در این چهل روز توبه اش (نیز) پذیرفته نیست و اگر در این فاصله زمانی از دنیا برود، به دوزخ خواهد رفت.

۵۱۰- بصائر الدرجات ۴۴۶ ح ۱۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: تعرض الأعمال يوم الخميس على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلى الأئمة (عليهم السلام).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اعمال در هر پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود.

۵۱۱- بصائر الدرجات ۴۶۴ ح ۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تَعْرُضُ عَلَيَّ كُلَّ إِثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمَدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: همانا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود، پس من بر اعمال خوب شما شکر الهی نموده و بر اعمال بدتان از خداوند طلب بخشش می نمایم.

۵۱۲- ثواب الأعمال ۲۵۶: الأصبغ بن نباته، عن عليّ (عليه السلام) قال: إذا غضب الله (عزوجل) على بلده ولم ينزل بها العذاب غلت أسعارها وقصرت أعمارها ولم ترحب تجارها ولم تنزل أثمارها ولم تجر أنهارها وحبس أمطارها وسلط عليها أشرارها.

اصبغ بن نباته از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل کرده است که فرمودند: زمانی که خداوند بر (ساکنان) شهری خشم می گیرد و لکن عذاب خود را بر آنان فرود نمی آورد، در ازای آن، نرخ ها (بهای کالاها و مواد اولیه) گران، عمرها کوتاه، و بازرگانان (با آن که اجناس را گران می فروشند) سودی نمی برند، و میوه ها شاداب و سالم نیستند و آب رودها و رودخانه افزونی نمی یابد، و (نعمت) باران (از ساکنان آن شهر) گرفته می شود، و زمام امور آنان در دست مردم شرور و پست قرار می گیرد.

۵۱۳- ثواب الأعمال ۲۵۸: محمّد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: أدنى الشرك أن يتدع الرجل رأياً فيحبّ عليه ويبغض.

محمّد بن مسلم از امام محمّد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: پائین ترین درجه ی شرک، این است که آدمی از خود رأی و نظری داشته باشد و بر اساس نظر و تشخیص خود دیگران را (که موافق اویند) دوست و (آنان که با نظر او مخالفند) دشمن بدارد.

۵۱۴- ثواب الأعمال ۲۶۰: عمرو بن مروان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من ولي شيئاً من أمور المسلمين فضيعهم ضيعه الله تعالى.

عمرو بن مروان از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: کسی که

مسئولیت اداره‌ی قسمتی از امور مربوط به مسلمانان را بر عهده بگیرد ولی (در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی نکند تا) آنان را ضایع سازد؛ خداوند او را (از فیض رحمت بی منتهای خود) بی نصیب گرداند.

۵۱۵- ثواب الأعمال ۲۹۱: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، من مشى إلى مسجد من مساجد الله فله بكل خطوه خطاها حتى يرجع إلى منزله عشر حسنات ويمحى عنه عشر سيئات ورفع له عشر درجات، ومن حافظ على الجماعه حيث ما كان مرّ على الصراط كالبرق اللامع فى أول زمره مع السابقين ووجهه أضوء من القمر ليله البدر و كان له بكل يوم و ليله يحافظ عليها ثواب شهيد، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: هر کس به سوی مسجدی از مسجدهای خدا گام بردارد، در برابر هر قدمی که برداشته، تا به خانه اش باز گردد ده حسنه برای او ثبت می گردد، و ده گناه از او محو می شود، و ده درجه بر مقام او افزوده می شود.

و هر کس مراقب باشد که هر کجا هست نماز خود را به جماعت بخواند، روز قیامت در میان اولین گروه از سبقت گیرندگان، با چهره ای تابناک تر از ماه شب چهاردهم، از صراط همچون برق جهنده می گذرد، و برای او به هر شبانه روزی که بر خواندن نماز جماعت مواظبت داشته، پاداش یک شهید خواهد بود.

۵۱۶- ثواب الأعمال ۲۹۴: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، ألا- وإنّ الله (عزوجل) سائلکم عن أعمالکم حتى مسّ أحدکم ثوب أخيه یا صبعه، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: آگاه باشید که خدا تعالی از اعمال شما پرسش می کند حتی از لمس کردن لباس برادر مؤمن با انگشت.

۵۱۷- نهج الفصاحه ۱۶۴ ح ۵۰: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): اتقوا الدنيا واتقوا النساء، فإنّ إبليس طلاع رصاد وما هو بشيء من فخوخه بأوثق لصيده فى الأتقياء من النساء.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید؛ زیرا شیطان نگران و در کمین است و هیچ یک از دام های وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان، مورد اطمینان نیست.

۵۱۸- المزار للمشهدی ۵۸۶: زیارتہ □: أشهد أنّ بولایتک تقبل الأعمال وتزکى الأفعال وتضاعف الحسنات وتمحى السيئات، فمن جاء بولایتک واعترف به امامتک قبلت أعماله وصدقت أقواله وتضاعفت حسناته ومحيت سيئاته، ومن عدل عن ولایتک وجهل معرفتک واستبدل بک غیرک کبه الله على منخره فى النار ولم يقبل الله له عملاً ولم يقم له يوم القيامة وزناً.

در زیارت امام زمان □ می خوانیم: شهادت می دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته می شوند و افعال پاکیزه می گردند و حسنات دو چندان می شوند و سیئات محو می گردند، پس هر کس ولایت تو را بپذیرد و به امامت اعتراف نماید اعمالش پذیرفته، گفتارش تصدیق، حسناتش مضاعف و سیئاتش محو می شوند. و هر کس ولایت تو را نپذیرد و تو را نشناسد و دیگری را به جای تو برگزیند خداوند او را به صورت در آتش افکنده و هیچ عملی را از او نمی پذیرد و در روز قیامت بدون برقراری میزان اعمال و حساب رسی، او را به آتش می اندازد.

۵۱۹- المزار للمشهدی ۲۰۷: فی زیاره أمير المؤمنين (عليه السلام): السلام عليك يا بحر العلوم.

در زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: سلام بر تو ای دریای علوم و دانش ها.

۵۲۰- الأمالی للطوسی ۵۹۶ ح ۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): استتمام المعروف أفضل من ابتدائه.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به پایان رسانیدن کار نیک بهتر از شروع کردن آن است.

۵۲۱- عوالی اللثالی ۱/۶۹ ح ۱۲۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، وإنّ أفضل الأعمال أدامها وإن قلّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به درستی که بهترین اعمال، آن اعمالی است که مستمر و پیوسته انجام شود، گرچه کم باشد.

۵۲۲- المحاسن ۱/۱۷۴ ح ۱۵۲: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ما بين من وصف هذا الأمر وبين أن يعتبط ويرى ما تقرّ به عينه إلا أن تبلغ نفسه هذه، فيقال: أما ما كنت ترجو فقد قدمت عليه وأما ما كنت تتخوّف فقد أمنت منه، وإنّ أمانك لإمام صدق اقدم على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلىّ والحسن والحسين (عليهم السلام).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بین کسی که قائل به این امر (ولایت اهل بیت (علیهم السلام)) است و رؤیت آن چه که باعث چشم روشنی او می گردد فاصله ای جز مرگ نیست، و زمانی که از دنیا برود به او گفته می شود: اما آن چه را که امید دست یابی بدان را داشتی به تو عطا می شود و امّا آن چه را که از آن می ترسیدی از آن در امان خواهی بود، و همانا در مقابل تو امام صدق و راستی قرار دارد، پس بر رسول خدا و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) وارد شو.

۵۲۳- الکافی ۳/۲۶۲ ح ۴۵: عن ابن القدّاح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، إذا عمل أحدكم عملاً فليتقن، الخبر.

ابن قدّاح از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هنگامی که یکی از شما کاری را انجام داد، آن را کامل و محکم انجام دهد.

۵۲۴- جامع الأخبار ۴۵۴ ح ۷: ذكر الغضب عند الباقر (عليه السلام) فقال: إنّ الرجل ليغضب حتى ما يرضى أبداً، ويدخل بذلك النار، فأیما رجل غضب وهو قائم فليجلس، فإنه يذهب عنه رجز الشيطان، وإن كان جالساً فليقم، وأیما رجل غضب على ذی رحم فليقم إليه وليدن منه وليمسّه، فإن الرحم إذا مسّت سكنت.

روایت شده است که در حضور امام باقر (علیه السلام) سخن از خشم شد، فرمودند: ممکن است گاهی مرد چنان خشم بگیرد که هرگز خشنود نگردد و به همین سبب به دوزخ درافتد. هر مردی چون خشمگین شود بنشیند که این نشستن پلیدی شیطان را از او دور می کند و اگر نشسته است برخیزد.

و هر مردی که بر رحم و خویشاوند خود خشم گیرد، برخیزد و به او نزدیک شود و دست به بدن او بکشد که چون رحم دست بر رحم کشد، آرام گیرد.

۵۲۵- جامع الأخبار ۴۵۴ ح ۹: قال الباقر (عليه السلام): إذا غضبت فاسكت.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: زمانی که خشمگین شدی سکوت کن.

۵۲۶- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۱۶: في الزياره الجامعه: بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا... بموالاتكم تقبل الطاعه المفترضه.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند به واسطه‌ی موالات و دوستی شما، امور دین را به ما می آموزد، و اعمال واجب شده بر ما را می پذیرد.

۵۲۷- کمال الدین ۲۵۲ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): قال الله (عزوجل): أنَّ عبداً عبدني حتى ينقطع ويصير كالشَّنِّ البالي ثم أتاني جاحداً لولايتهم ما أسكنته جنتي ولا أظلمته تحت عرشي.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای متعال فرمودند: چه بسا بنده ای از بندگان من به قدری مرا عبادت کند که هیکل او از شدت عبادت همچون مَشکی خشکیده گردد، سپس در قیامت در حالی مرا ملاقات کند که ولایت اهل بیت را نپذیرفته است، پس من او را هرگز در بهشت خویش اسکان نداده و در زیر سایه‌ی عرشم قرار نمی دهم.

۵۲۸- بحار الأنوار ۲۵/۱۶ ح ۳۰: عن رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): خلقنا الله نحن حيث لا- سماء مبيته ولا- أرض مدحيه ولا عرش ولا جنه ولا نار، كنا نسبحه حين لا تسبيح ونقدسه حين لا تقديس، لما أراد الله بدء الصنعه فتق نوري فخلق منه العرش فنور العرش من نوري ونوري من نور الله وأنا أفضل من العرش. ثم فتق نور ابن أبي طالب فخلق منه الملائكة فنور الملائكة من نور ابن أبي طالب ونور ابن أبي طالب من نور الله ونور ابن أبي طالب أفضل من الملائكة. وفتق نور ابنتي فاطمه منه فخلق السماوات والأرض فنور السماوات والأرض من نور ابنتي فاطمه ونور فاطمه من نور الله وفاطمه أفضل من السماوات والأرض. ثم فتق نور الحسن فخلق منه الشمس والقمر فنور الشمس والقمر من نور الحسن ونور الحسن من نور الله والحسن أفضل من الشمس والقمر. ثم فتق نور الحسين فخلق منه الجنة والحدور العين فنور الجنة والحدور العين من نور الحسين ونور الحسين من نور الله والحسين أفضل من الجنة والحدور العين.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: زمانی که خداوند ما را آفرید نه آسمان افراشته و نه زمین گسترده و نه عرش و نه بهشت و نه جهنم بود، ما او را آن هنگامی که تسبیح و تقدیسی وجود نداشت تسبیح و تقدیس می کردیم، وقتی خداوند ابتدای آفرینش را اراده نمود نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، پس نور عرش از نور من است و نور من از نور خدا است.

سپس نور علی بن ابی طالب را شکافت و از آن ملائکه را آفرید، پس نور ملائکه از نور علی بن ابی طالب است و نور پسر ابی طالب از نور خدا است.

بعد از آن نور دخترم فاطمه را شکافت و آسمان ها و زمین را آفرید، پس نور آسمان ها و زمین از نور دخترم فاطمه است و نور فاطمه از نور خدا است و فاطمه بهتر از آسمان ها و زمین است.

سپس نور حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید پس نور خورشید و ماه از نور حسن است و نور حسن از نور خدا است و حسن از خورشید و ماه بهتر است.

آن گاه نور حسین را شکافت و از آن بهشت و حور العین را آفرید پس نور بهشت و حور العین از نور حسین است و نور حسین از نور خدا است و حسین از بهشت و حور العین بهتر است.

۵۲۹- عیون الحکم والمواعظ ۴۲۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من قصر في العمل ابتلاه الله بالهم ولا حاجة لله فيمن ليس له في نفسه وماله نصيب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس کوتاهی کند در عمل، گرفتار گرداند خدای سبحانه او را به اندوه، و نیست حاجتی خدا را به کسی که نبوده باشد برای او در جان و مال او بهره‌ای.

۵۳۰- عیون الحکم والمواعظ ۲۴۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): خذ من قليل الدنيا ما يكفيك، ودع من كثيرها ما يطغيك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: فراگیر از اندک دنیا آن چه را بس باشد تو را، و واگذار از بسیار آن آن چه را که به طغیان و سرکشی آورد تو را.

۵۳۱- روضه الواعظین ۴۴۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إنَّ العبد إذا مات قالت الملائكة: ما قدم؟ وقال الناس: ما أحر؟ الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: چون بنده ای می میرد، فرشتگان می گویند چه پیش فرستاده است! و آدمیان می گویند چه باقی نهاده است.

۵۳۲- عوالی اللثالی ۱/۱۵۹ ح ۱۴۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): اذكروا محاسن أمواتكم وكفوا عن مساوئهم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: نیکی های مردگان خود را یاد کنید و از بدی هایشان چشم پوشید.

۵۳۳- علل الشرائع ۱/۵ ح ۱: عن الرضا، عن آبائه، عن أمير المؤمنين (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إن أول ما خلق الله (عز وجل) خلق أرواحنا فأنطقنا بتوحيده وتحميده، ثم خلق الملائكة، فلما شاهدوا أرواحنا نوراً واحداً استعظموا أمرنا، فسبحنا؛ لتعلم الملائكة أننا خلق مخلوقون وأنه منزّه عن صفاتنا فسبّحت الملائكة بتسبيحنا ونزّهته عن صفاتنا، فلما شاهدوا عظم شأننا هلّلنا؛ لتعلم الملائكة أن لا إله إلا الله وأنا عبده ولسنا بآلهه يجب أن نعبد معه أو دونه، فقالوا: لا إله إلا الله، فلما شاهدوا كبر محلنا كبرنا؛ لتعلم الملائكة أن الله أكبر من أن ينال عظم المحلّ إلا به، فلما شاهدوا ما جعله لنا من العزّه والقوّه قلنا: لا حول ولا قوّه إلا بالله؛ لتعلم الملائكة أن لا حول لنا ولا قوّه إلا بالله فلما شاهدوا ما أنعم الله به علينا وأوجبه لنا من فرض الطّاعه قلنا الحمد لله لتعلم الملائكة ما يحقّ لله تعالى ذكره علينا من الحمد على نعمته فقالت الملائكة الحمد لله فبنا اهتدوا إلى معرفه توحيد الله وتسيّحه وتهليله وتحميده وتمجيده.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: اول چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود و پس از آن ما را به یگانگی و شکر خود گویا نمود، بعد از آن ملائکه را آفرید و وقتی آنان ارواح ما را یک نور واحد مشاهده کردند ما را بزرگ شمردند، پس ما شروع به تسبیح پروردگار نمودیم تا ملائکه بدانند ما مخلوق هستیم و خداوند منزّه است از این که دارای صفات ما باشد، و ملائکه نیز پس از تسبیح ما شروع به تسبیح نمودند و او را منزّه از صفات ما شمردند، و وقتی مشاهده‌ی عظمت مقام ما را نمودند ما خدا را تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که جز او پروردگاری نیست و ما بنده ایم نه خدا، تا این که هم ردیف با او و یا در مقامی پائین تر از او پرستیده شویم، آنان نیز گفتند: «لا إله إلا الله».

و بار دیگر چون بزرگی مقام ما را مشاهده کردند، «الله أكبر» گفتیم تا ملائکه بدانند خداوند بزرگ تر از آن است که مقامش درک شود مگر به وسیله‌ی خودش، و نیز وقتی مشاهده کردند خداوند چقدر عزّت و نیرو به ما داده

است گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تا ملائکه بدانند حرکت و نیروئی نیست مگر به یاری و مدد خداوند. و چون نعمت های خدا را بر ما مشاهده نمودند و طاعت ما را واجب دیدند گفتیم: «الحمد لله» پس ملائکه الهی به واسطه‌ی ما به شناخت توحید خدا و تهلیل و تحمید و تمجید او هدایت یافتند.

۵۳۴- محاسبه النفس ۱۳۹: فی الحدیث: إِنَّ أَزْهَدَ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَنْسِ الْقَبْرَ وَالْبَلَى، وَتَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا، وَآثَرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى، وَلَمْ يَعُدَّ مِنْ أَيَّامِهِ غَدًا.

در حدیثی آمده است: همانا زاهدترین مردم کسی است که از قبر و پوسیده شدن در آن فراموش نکند و زینت دنیا را رها کند، و آن چه را که باقی است بر آن چه که فانی است مقدّم بدارد و فردا را از عمر خود حساب ننماید.

۵۳۵- عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أعجبه شيء من أخيه المؤمن فليكبر عليه فإن العين حق.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس نسبت به چیزی از برادر مؤمن خود به تعجب در آمد پس <الله أكبر> بگوید؛ چرا که چشم زدن حق است.

۵۳۶- تحف العقول ۴۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): استعينوا على أموركم بالكتمان، فإن كل ذي نعمة محسود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در کارهایتان از مخفی کاری کمک بگیرید، که مردم به هر صاحب نعمتی حسد می برند.

۵۳۷- کمال الدین ۲۸۷ ح ۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ الشَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِه فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لِأَعَزَّ مِنَ الْكِبَرِيَةِ الْأَحْمَرِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسانی که در زمان غیبت او □ در اعتقاد به وجود او ثابت قدم بمانند، از طلای سرخ کمیاب تر هستند.

۵۳۸- عدّه الداعی ۱۱۳: عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) أطلعت في الجنّة فوجدت أكثر أهلها الفقراء والمساكين، وإذا ليس فيها أحد أقل من الأغنياء والنساء.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به بهشت سر کشیدم و بیش ترین ساکنین آن را فقرا و مساکین یافتم و کمترین آمار از آن ثروت مندان و زنان بود.

۵۳۹- مستطرفات السرائر ۶۵۱: قال أبو عبد الله (عليه السلام): قال رجل لأبي (عليه السلام): من أعظم الناس في الدنيا قدراً؟ فقال: من لم يجعل الدنيا لنفسه في نفسه خطراً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مردی به پدرم گفت: کیست بزرگ ترین مردمان در دنیا به حسب قدر و منزلت؟ پس پدرم (عليه السلام) فرمودند: آن که نگرداند دنیا را از برای خود در نفس خود و خاطر خود، منزلت و جاه.

۵۴۰- الغيبة للطوسي ۳۸۷ ح ۳۵۱: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إذا أراد الله أمراً عرضه على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثم أمير المؤمنين (عليه السلام) وسائر الأئمة واحداً بعد واحد إلى أن ينتهي إلى صاحب الزمان (عليه السلام) ثم يخرج إلى الدنيا، وإذا أراد الملائكة أن يرفعوا إلى الله (عز وجل) عملاً عرض على صاحب الزمان (عليه السلام)، ثم يخرج على واحد بعد واحد إلى أن يعرض على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثم يعرض على الله (عز وجل)، فما نزل من الله فعلى أيديهم، وما عرج إلى الله فعلى أيديهم.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند (عز وجل) اراده‌ی تحقق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه (عليهم السلام)، یکی پس از دیگری تا امام زمان (عليه السلام) عرضه می نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می شود، و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان (عليه السلام) عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همین طور تا رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) - عرضه می دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار است، پس آن چه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می آید و از سوی خلق به سمت او بالا می رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در آنند.

۵۴۱- مشارق أنوار اليقين ۲۵۵: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: أنا الخضر معلّم موسى، أنا معلّم داود وسليمان.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: من حقیقت آن خضری هستم که موسی را معلّم بود، و من معلّم داود و سلیمان بودم.

۵۴۲- بحار الأنوار ۲۴/۲۵ ح ۴۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كل علم خرج إلى أهل السماوات والأرض فمنا وعنا.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: هر علمی که به اهل آسمان ها و زمین می رسد از دریای علم ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان داده می شود.

۵۴۳- الکافی ۱/۳۹۹ ح ۳: عن أبي جعفر (عليه السلام) لسلمه بن كهيل والحكم بن عتيبه: شرقا وغربا فلا تجدان علماً صحيحاً إلا شيئاً خرج من عندنا أهل البيت.

امام باقر (عليه السلام) به سَلَمَه بن كَهَيْل و حَكَم بن عَتيبَه فرمودند: چه به شرق عالم بروید و چه به غرب آن، علم صحیح را جز آن چه از ناحیه‌ی ما اهل بیت خارج شده باشد نمی یابید.

۵۴۴- الدعوات ۱۱۳ ح ۲۵۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): اغتنم خمساً قبل خمس، شبابك قبل هرمك، وصحتك قبل سقمك، وغناك قبل فقرك، وفراغك قبل شغلك، وحياتك قبل موتك.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار؛ جوانی را پیش از پیری، صحت را پیش از بیماری، ثروت را پیش از نیازمندی، فراغت را پیش از اشتغال و زندگی را پیش از مرگ.

۵۴۵- جامع الأخبار ۲۳۰ ح ۱۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أفشوا السلام تسلموا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: با صدای بلند سلام کنید تا سلامت باشید.

۵۴۶- روضه الواعظین ۴۴۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أغفل الناس من لم يتعظ بتغير الدنيا من حال إلى حال وأغنى الناس من لم يكن للحرص أسيراً.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بی خبرترین مردم کسی است که از دگرگونی و حال به حال شدن دنیا پند نگیرد و بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد.

۵۴۷- الکافی ۱/۳۹۹ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّه ليس أحد عنده علم شيء إلاَّ خرج من عند أمير المؤمنين (عليه السلام) فليذهب الناس حيث شاءوا فوالله ليس الأمر إلاَّ من هاهنا وأشار بيده إلى بيته.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: هیچ کس علمی ندارد جز آن چه از امیر المؤمنین (عليه السلام) به او رسیده، مردم هر کجا می خواهند بروند، به خدا علم صحیح جز اینجا جای دیگری یافت نمی شود - و با دست اشاره‌ی به خانه‌ی خود نمودند -.

۵۴۸- روضه الواعظین ۴۶۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أكثر خطايا ابن آدم في لسانه، ومن كف لسانه ستر الله (عزوجل) عورته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بیشتر خطاهای آدمی زاده در زبان اوست، و هر کس زبان خویش را باز دارد خدای (عزوجل) گناهانش را پوشیده می دارد.

۵۴۹- تحف العقول ۱۷۱: وصيّه عليّ (عليه السلام) لكميل بن زياد: يا كميل! ما من علم إلاَّ وأنا أفتحه وما من سرٍّ إلاَّ والقائم (عليه السلام) يخرمه.

امیر المؤمنین (عليه السلام) در وصیت خود به کمیل فرمودند: ای کمیل! هیچ علمی نیست جز آن که من آن را می گشایم، و هیچ سری نیست مگر آن که قائم (عليه السلام) آن را خاتمه می دهد.

۵۵۰- مشارق أنوار اليقين ۲۵۹: في خطبه لأمير المؤمنين (عليه السلام): أنا البحر الذي لا ينزف.

در خطبه‌ی ای از امیر المؤمنین (عليه السلام) آمده است: من آن دریای تمام نشدنی علوم، معارف و حقایق هستم.

۵۵۱- نهج الفصاحه ۲۳۷ ح ۴۴۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أكثروا ذكر الموت، فإنه يمحص الذنوب ويزهد في الدنيا فإن ذكرتموه عند الغنى هدمه وإن ذكرتموه عند الفقر أرضاكم بعيشكم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مرگ را بسیار به یاد آرید؛ زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می کند و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرگ را به هنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم می کند و اگر به هنگام تنگ دستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خشنود می سازد.

۵۵۲- بصائر الدرجات ۳۲۸ ح ۴: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان في ذؤابه سيف رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) صحيفة صغيرة فقلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أي شيء كان في تلك الصحيفة؟ قال: هي الأحرف التي يفتح كل حرف منها ألف حرف، قال أبو بصير: قال أبو عبد الله (عليه السلام): فما خرج منها إلا حرفان حتى الساعة.

ابو بصیر گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: در گوشه‌ی دسته‌ی شمشیر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دفترچه‌ی کوچکی بود، به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: در آن دفترچه، چه نوشته شده بود؟ فرمودند: حروفی بود که هر حرف آن کلید هزار حرف بود، سپس ابو بصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: تا اکنون دو حرف از آن‌ها بیشتر خارج نشده و برای مردم ظاهر نگشته است.

۵۵۳- الکافی ۳/۳۶۳ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إننا أمرنا بالنافله لیتّم لهم بها ما نقصوا من الفريضة.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که ما اهل بیت بدین خاطر امر به نوافل شده ایم که نقصان و کمبودهای فرائض و واجبات شیعیانمان جبران شود.

۵۵۴- المحاسن ۲/۵۸۵ ح ۸۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أكرموا الخبز وعظموه، فإن الله (تبارك وتعالى) أنزل له بركات من السماء وأخرج بركات الأرض، من كرامته أن لا يقطع ولا يوطأ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نان را ارجمند و بزرگ دارید؛ زیرا خدای (تبارک و تعالی) آن را برکاتی از آسمان فرو فرستاده و به کرم خود برکاتی از زمین برآورده، و از گرمی داشتن نان این است که نه بریده شود و نه پامال گردد.

۵۵۵- الکافی ۲/۲۹۸ ح ۵: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إيتاك! أن تنصب رجلاً دون الحجة فتصدقه في كل ما قال.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بپرهیز از این که کسی را غیر از حجّت خدا نصب العین و بُت خویش قرار دهی و آن چه را می گوید پذیرفته و تصدیق نمائی.

۵۵۶- نهج الفصاحه ۲۶۰ ح ۵۳۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أما ترضى إحدانك أنّها إذا كانت حاملاً من زوجها وهو عنها راض أنّ لها مثل أجر الصائم القائم في سبيل الله فإذا وضعت لم يخرج من لبنها جرعه ولم يمض من ثديها مضمه إلا كان لها بكل جرعه وبكل مضمه حسنه، فإن أسهرها ليله كان

لها مثل أجر سبعين رقبه تعتقهم في سبيل الله.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبستن است و شوهرش از او خشنود است ثواب کسی دارد که روز را روزه گیرد و شب را برای عبادت خدای پیا خیزد، و هنگامی که بار گذارد هر جرعه ای که از شیر او درآید و هر دفعه که پستان او مکیده شود برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد، و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند پاداش او چنان است که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد.

۵۵۷- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ...ضَع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتیک منه ما يغلبک، ولا تظنن بكلمه خرجت من أخیک سوءاً وأنت تجد لها في الخير محملاً، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به برادر خود خوش بین باش تا بر تو روشن شود حال او، سخن برادر خود را تا حمل به خوبی ممکن است بد تفسیر مکن.

۵۵۸- بحار الأنوار ۹۹/۹۹: فی زیارتہ □: من جاء بولايتك واعترف به امامتك قبلت أعماله.

در زیارت امام زمان □ می خوانیم: هر کس ولایت تو را بپذیرد و معترف به امامت تو باشد اعمالش پذیرفته می گردد.

۵۵۹- نهج الفصاحه ۲۶۷ ح ۵۷۱: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إن ابن آدم لحريص على ما منع.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آدمی زاد بر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است.

۵۶۰- بصائر الدرجات ۲۱۸ ح ۴: عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: علينا نزل قبل الناس ولنا فسّر قبل أن يفسّر في الناس، فنحن نعرف حلاله وحرامه وناسخه ومنسوخه وسفريّه وحضريّه وفي أيّ ليلة نزلت كم من آيه وفيمن نزلت وفيما نزلت.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: قرآن قبل از مردم بر ما نازل شده و پیش از مردم برای

ما تفسیر شده است، ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حَضْر نازل شده، و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و درباره‌ی چه کس و چه چیز نازل گردیده آشنا هستیم.

۵۶۱- عوالی اللئالی ۱/۷۵ ح ۱۴۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ الحمره من زينه الشيطان، والشيطان يحب الحمره، ولهذا كره رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، المعصفر للرجال.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: همانا رنگ قرمز از زینت شیطان است و شیطان رنگ قرمز را دوست می دارد و به خاطر همین رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) رنگ قرمز را برای مردان مکروه می دانستند.

۵۶۲- بصائر الدرجات ۵۷ ح ۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قول الله (تبارك و تعالی): {وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ} (۱) قال (عليه السلام): الذکر: القرآن، ونحن قومه ونحن المسئولون.

امام صادق (عليه السلام) در تفسیر آیه‌ی: «بدرستی که آن ذکرى است برای تو و قومت، و به زودی مورد سؤال واقع می شوید» فرمودند: منظور از «ذکر» قرآن است و ما قوم آن هستیم و درباره‌ی ما سؤال می شود.

۵۶۳- الغیبه للنعمانی ۳۳۳ ح ۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كَأْتِي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ.

امیر المؤمنین علی (عليه السلام) فرمودند: گویا هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می نگرم که خیمه ها زده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می آموزند.

۵۶۴- روضه الواعظین ۲۶۵: قال الباقر (عليه السلام): إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأَصْعَبَ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يَخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: هنگامی که قائم آل محمد (عليهم السلام) قیام کند خیمه هائی بر پا

نماید تا قرآن در آن به همان صورتی که نازل شده (بدون تغییر و تحریف) بر مردم تعلیم داده شود، آن روز برای کسانی که قرآن را حفظ کرده اند بسیار دشوار است؛ زیرا بین قرآنی که او می آورد و قرآن موجود تفاوت بسیار است.

۵۶۵- الکافی ۲/۶۳۳ ح ۲۳: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا قام القائم (عليه السلام) قرأ كتاب الله (عز وجل) على حده وأخرج المصحف الذي كتبه عليّ (عليه السلام) وقال: أخرج عليّ (عليه السلام) إلى الناس حين فرغ منه وكتبه فقال لهم: هذا كتاب الله (عز وجل) كما أنزله الله على محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وقد جمعته من اللوحين فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فيه القرآن لا حاجة لنا فيه، فقال: أما والله ما ترونه بعد يومكم هذا أبداً إنَّما كان عليّ أن أخبركم حين جمعته لتقرءوه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: زمانی که قائم (عليه السلام) قیام کند قرآن را همان طور که نازل شده است می خواند، و آن قرآنی را که امیر المؤمنین (عليه السلام) به دست خویش نوشتند بیرون می آورد.

آری! همان قرآنی که علیّ (عليه السلام) آن را پس از نوشتن نزد مردم آورده و به ایشان خطاب فرمودند: این کتاب خداست همان طور که بر محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) نازل گردید و من آن را در بین این دو لوح جمع آوری نموده ام. پس مردم (ابوبکر و عمر و...) گفتند: ما احتیاجی به قرآن تو نداریم و خودمان قرآن را جمع آوری نموده ایم، پس آن حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم بعد از این روز هرگز آن را نمی بینید و فقط بر من واجب بود که شما را از وجود آن آگاه نمایم.

۵۶۶- رسائل الشهيد الثاني ۳۲۶: حدّثني أبي محمّد، عن أبيه عليّ، عن أبيه الحسين، عن أبيه عليّ (عليهم السلام) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ليسرّ الرجل من أصحابه إذا رآه مغموماً بالمداعبه وكان يقول: إنَّ الله يبغض المعبس في وجه إخوانه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پدر بزرگوارم از آباء گرامیش از علی (عليه السلام) روایت کرده که فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) هنگامی که یکی از اصحاب را غصّه دار و مغموم می دیدند با مزاح کردن او را مسرور می ساختند و فرمودند: خداوند

کسی را که به ترش روئی با برادرانش روبرو شود دشمن دارد.

۵۶۷- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن یونس بن عبد الرحمن یرفعه إلی أبی عبد الله (علیه السلام) قال: کان فیما أوصی به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) علیاً (علیه السلام):... یا علی! ثلاث فرحات للمؤمن فی الدنیا: لقاء الأخوان والافطار فی الصیام والتهجد من آخر اللیل، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله وصیت هایی که پیامبر خدا به علی (علیه السلام) نمودند این بود: یا علی! مؤمن در دنیا سه شادی دارد: دیدار برادران و افطار روزه و شب زنده داری در پایان شب.

۵۶۸- المحاسن ۱/۱۱۸ ص ۱۲۶: فی روایه الأصبغ بن نباته قال: قال علی (علیه السلام): لا یجد عبد حقیقه الإیمان حتی یدع الکذب جدّه وهزله.

در روایت اصبع بن نباته از علی (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: مردی به حقیقت ایمان نمی رسد مگر این که دروغ را رها کند چه جدی باشد و یا شوخی.

۵۶۹- کتاب الزهد ۲۹ ح ۷۳: عن علی الأحمشی، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إنّ حسن الخلق یدیب الخطیئه کما تذیب الشمس الجلید، وإنّ سوء الخلق لیفسد العمل کما یفسد الخلق العسل.

علی احمصی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند: حُسن خلق گناه را از بین می برد همان طور که آفتاب یخ را آب می کند. و بد خلقی عمل را فاسد می نماید همان طور که سرکه عسل را فاسد می کند.

۵۷۰- المحاسن ۱/۲۲۰ ح ۱۲۴: عن یحیی بن عبد الله رفعه قال: قیل لرسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ما جماعه أمتک قال: من کان علی الحقّ وإن کانوا عشره.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیده شد که جماعت امت وی چه کسانی هستند؟ فرمودند: حق جوینان، جماعت امت من هستند، اگر چه اندک باشند.

۵۷۱- الکافی ۲/۹۹ ح ۱: عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: همانا با کمال ترین مؤمنان خوش خوی ترین آنان است.

۵۷۲- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... عليك ياخوان الصدق فأكثر من اكتسابهم، فإنهم عده عند الرخاء وجنّه عند البلاء، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بر تو باد به برادران اهل صدق و درستی، از آن ها بسیار بدست آور که آن ها در زمان آسایش پشت و پناه تو هستند و در هنگام گرفتاری سپر تو می باشند.

۵۷۳- الاختصاص ۲۵۲: قال الرضا (صلوات الله عليه): إذا نزلت بكم شديدة، فاستعينوا بنا على الله (عزوجل)، وهو قوله تعالى: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا} (۱).

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما

پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمودند: «برای خدا اسم های نیکویی است، پس او را به آن اسم ها بخوانید».

۵۷۴- علل الشرائع ۱/۱۱۵ ح ۱۱: عن عليّ الأشعري رفعه قال: قال رسول الله: (صلى الله عليه و آله و سلم) إنّما الناس رجلان: فرجل هو خير منه وأتقى، وآخر هو شرّ منه وأدنى، فإذا التقى الذی هو خير منه وأتقى تواضع له ليحلق به، وإذا التقى الذی هو شرّ منه وأدنى قال: عسى أن يكون خير هذا باطناً وشرّه ظاهراً وعسى أن يختم له بخير، فإذا فعل ذلك فقد علا مجده وساد أهل زمانه.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: مردم دو قسم اند: قسمی واقعاً از او بهتر و پرهیزگارتر هستند، قسم دیگر از او بدتر و پست تر می باشند، چون به قسمی برخورد که از او بهتر و پارساتر هستند در مقابل آن ها تواضع و فروتنی کند تا خود

را به آن‌ها برساند و هرگاه با کسی مواجه شد که از او بدتر و پست تر است به خود بگوید: شاید خوبی او پنهان و بدیش ظاهر باشد و شاید عاقبتش به خیر انجامد، چون چنین کند بزرگ شده و آقا و سرور اهل زمانش گردد.

۵۷۵- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):... من كتم سرّه كانت الخيره بيده، وكل حديث جاوز اثنين فشاء الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس راز خود را بپوشد اختیار آن را دارد و هر حدیثی از دو تجاوز کرد شیوع یابد.

۵۷۶- کمال الدین ۳۳۴ ح ۵: عن الصادق (عليهما السلام): المنتظر للثاني عشر منهم كالشاهر سيفه بين يديه بل كالشاهر بين يدي رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يذبّ عنه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر آن که انتظار دوازدهمین آنان (اهل بیت (علیهم السلام)) را بکشد همچون کسی باشد که پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شمشیر کشیده و از آن حضرت دفاع کرده است.

۵۷۷- کمال الدین ۳۲۰ ح ۲: قال عليّ بن الحسين (عليهما السلام): إنّ أهل زمان غيبته والقائلين به امامته والمنتظرين لظهوره (عليه السلام) أفضل من أهل كلّ زمان؛ لأنّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفه ما صارت به الغيبه عنهم به منزله المشاهده وجعلهم في ذلك الزمان به منزله المجاهدين بين يدي رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بالسيف، أولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاه إلى دين الله سرّاً وجهراً.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: همانا مردمان زمان غیبت او □ که به امامتش معتقد بوده و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان خواهند بود؛ زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و عقل عطا فرموده که غیبت در نظر آنان به منزله‌ی مشاهده است، و مردم آن زمان مانند کسانی که در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آن‌ها حقیقتاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند و مردم را در نمان و آشکار به دین خداوند دعوت می‌کنند.

۵۷۸- مشارق أنوار اليقين ۱۷۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الإمام ملكي الذات، إلهي الصفات، وأنهم صفات الله وصفوته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند.

۵۷۹- نهج الفصاحه ۳۵۶ ح ۱۰۰۵: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إياكم ومحقرات الذنوب، فإنما مثل محقرات الذنوب كمثل قوم نزلوا بطن واد فجاء ذا بعود وجاء ذا بعود حتى حملوا ما أنصجوا به خبزهم وإن محقرات الذنوب متى يؤخذ بها صاحبها تهلكه.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: از گناهان کوچک بپرهیزید، مثال گناهان کوچک مانند گروهی است که در درّه ای فرود آیند یکی چوبی آرد و دیگری چوبی آرد و آن قدر هیزم بیاورند که با مجموع آن نان خود را بپزند، گناهان کوچک نیز وقتی از مرتکب آن باز خواست کنند مایه‌ی هلاک او می شود.

۵۸۰- نهج الفصاحه ۳۵۷ ح ۱۰۱۲: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إياك وقرين السوء به تعرف.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: از همنشین بد بپرهیز که تو را به او شناسند.

۵۸۱- تحف العقول ۴۴۲: قال الرضا (عليه السلام): الأخ الأكبر به منزله الأب.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: برادر بزرگتر به منزله‌ی پدر است.

۵۸۲- الدعوات ۹۸ ح ۲۳۰: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إن على كل مسلم في كل يوم صدقه، قال رجل: من يطيق ذلك؟ قال (صلى الله عليه و آله و سلم): إماتتك الأذى عن الطريق صدقه، وإرشادك الرجل إلى الطريق صدقه، وعيادتك المريض صدقه، وأمرك بالمعروف صدقه، ونهيك عن المنكر صدقه، وردك السلام صدقه.

از پیامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: بر هر مسلمان در هر روز صدقه لازم است.

گفته شد: چه کسی چنین طاقتی دارد؟ فرمودند: بر طرف نمودن خاشاک از راه صدقه است، راهنمایی کردن شخص به راه صدقه است، و عیادت نمودن

تو از مریض صدقه است، و امر به معروف و نهی از منکر تو صدقه است، و جواب سلام دادن تو صدقه است.

۵۸۳- الدعوات ۱۸۰ ح ۴۹۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): تداووا، فإنّ الذى أنزل الداء أنزل الدواء.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مداوا کنید؛ زیرا آن که درد را فرستاد دوا را نیز فرستاد.

۵۸۴- الخصال ۹۲ ح ۳۵: عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن أبي الحسن الأول (عليه السلام) قال: ثلاثة يجلين البصر: النظر إلى الخضرة، والنظر إلى الماء الجارى، والنظر إلى الوجه الحسن.

امام موسى بن جعفر (عليه السلام) فرمودند: سه چیز چشم را روشن می گرداند: به سبزه نگریستن و به آب روان نگاه کردن و روی زیبا دیدن.

۵۸۵- نهج الفصاحه ۴۲۶ ح ۱۲۹۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ثلاث يصفين لك وّد أخيك، تسلّم عليه إذا لقيته وتوسّع له فى المجلس وتدعوه بأحبّ أسمائه إليه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سه چیز محبت دوست را خالص می کند: وقتی او را دیدی سلامش کنی، در مجلس برای او جا باز کنی، و او را به بهترین نامهایش بخوانی.

۵۸۶- عوالى اللئالى ۱/۵۸ ح ۸۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): جار الدار أحقّ بدار الجار والأرض.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: همسایه‌ی خانه در خرید خانه‌ی همسایه مقدم است.

۵۸۷- مستدرک الوسائل ۱۵/۱۸۰ ح ۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الجنّه تحت أقدام الأمّهات.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بهشت زیر قدم مادران است.

۵۸۸- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن يونس بن عبد الرحمن يرفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان فيما أوصى به رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عليّاً (عليه السلام):... يا علىّ! ثلاث خصال من مكارم الأخلاق: تعطى من حرمك، وتصل من قطعك وتعفو عمن ظلمك.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از جمله وصیّت‌هایی که پیامبر خدا به علی (عليه السلام) نمودند این بود: یا علی! سه خصلت از اخلاق نیکوست: به کسی که تو را

محروم کرده عطا کنی، و با کسی که تو را قطع کرده پیوند برقرار کنی، و کسی را که به تو ستم کرده ببخشی.

۵۸۹- المزار للمشهدی ۶۶۳: عن الصادق (عليه السلام) قال: من دعا إلى الله أربعين صباحاً بهذا العهد كان من أنصار قائمنا، وإن مات أخرجه الله إليه من قبره وأعطاه الله بكل كلمة ألف حسنه ومحا عنه ألف سيئه وهو هذا العهد اللهم رب النور العظيم، الخبير.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس چهل روز صبح این دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم (عليه السلام) خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور، او را از قبر بیرون می آورد؛ و با هر کلمه‌ی این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه‌ی عمل او محو گرداند.

۵۹۰- بحار الأنوار ۹۲/۳۳۶ ح ۶: بإسنادنا إلى محمد بن أحمد بن إبراهيم الجعفي المعروف بالصابوني في جملة حديث بإسناده وذكر فيه غيبه المهدى (صلوات الله عليه) قلت: كيف تصنع شيعتك؟ قال: عليكم بالدعاء وانتظار الفرج.

در حدیثی آمده است: شخصی پس از رؤیت امام زمان (عليه السلام) در زمان غیبت صغری از آن حضرت پرسید: شیعیان شما در زمان غیبت چه کنند؟ حضرت فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج.

۵۹۱- الکافی ۲/۶۶۹ ح ۲: عن جميل بن دراج، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: حدّ الجوار أربعون داراً من كلّ جانب من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: مرز همسایگی تا چهل خانه امتداد دارد: از پیش رو، از پشت سر، سمت راست و سمت چپ.

۵۹۲- الکافی ۴/۴۱۴ ح ۷: قال أبو عبد الله (عليه السلام): من مشى مع أخيه المسلم في حاجته كتب الله له ألف ألف حسنه، ومحى عنه ألف ألف سيئه، ورفع له ألف ألف درجه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس برادر مسلمانش را برای رفع حاجتش همراهی کند خداوند یک میلیون حسنه در نامه‌ی عمل وی نوشته و یک

میلیون سیئه از نامه‌ی عمل وی محو می کند و یک میلیون درجه بر مقام او در بهشت می افزاید.

۵۹۳- تهذیب الأحکام ۵/۱۴۷ ح ۸: حماد المنقری قال: قال لی أبو عبد الله (علیه السلام): إن أردت أن یكثر مالک، فأكثر الوقوف علی الصفا.

حماد منقری می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: اگر می خواهی مالت زیاد شود؛ بر کوه صفا زیاد بایست.

۵۹۴- الکافی ۵/۹ ح ۱: قال أمير المؤمنين (علیه السلام): كتب الله الجهاد علی الرجال والنساء، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتی یقتل فی سبیل الله، وجهاد المرأه أن تصبر علی ما ترى من أذى زوجها وغیرته.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند جهاد را بر زنان و مردان واجب نموده است، پس جهاد مرد بخشش جان و مالش است تا این که در راه خدا کشته شود، و جهاد زن این است که بر اذیت و غیرت همسرش صبر نماید.

۵۹۵- تهذیب الأحکام ۶/۳۷۷ ح ۲۲۲: عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: إنَّ الله أنعم علی قوم بالمواهب فلم یشکروا فصارت علیهم وبالاً، وابتلی قوماً بالمصائب فصبروا فصارت علیهم نعمه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدای (عزوجل) بر قومی نعمت بخشید و موهبت کرد و شکر نکردند و بر آن ها وبال شد و بر قوم دیگر بلا داد و صبر کردند و بر آن ها نعمت شد.

۵۹۶- خصائص الأئمه ۹۵: قال أمير المؤمنين (علیه السلام): - وقد سمع رجلاً من الحروریه یتهجّد بصوت حزین - : نوم علی یقین خیر من صلاه فی شک.

امیر المؤمنین (علیه السلام) بعد از این که صدای یکی از خوارج را که با صوتی حزین مشغول شب زنده داری بود، شنیدند؛ فرمودند: خواب همراه یقین (یعنی اعتقاد به امام هر زمانی) بهتر از نماز همراه با شک و تردید است.

۵۹۷- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۰۹: في الزياره الجامعه: يا وليّ الله! إنّ بيني وبين الله (عزوجل) ذنوباً لا يأتي عليها إلا رضاكم، فبحقّ من ائتمنكم على سرّه واسترعاكم أمر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لمّا استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعاي.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: ای اولیای خدا! همانا بین من و خداوند گناهانی است که بدون رضایت شما بخشیده نمی شود، پس به حقّ آن خدائی که شما را بر اسرار خویش امین دانست، و امور خلق را به شما سپرد، و اطاعت شما را مقرون به اطاعت خود گردانید، از گناهان و لغزش هایم درگذرید و شفیعان من نزد خدای متعال باشید.

۵۹۸- المزار للمشهدی ۵۸۶: زیاره آخری له: مولاى وقف فى زیارتك موقف الخاطئين النادمين الخائفين من عقاب ربّ العالمين، وقد اتّكلت على شفاعتك ورجوت بموالاتك وشفاعتك محو ذنوبي وستر عيوبي ومغفره زللي، فكن لوليّك يا مولاى عند تحقيق أمله واسأل الله غفران زلله، فقد تعلق بحبلك وتمسّك بولایتك وتبرّأ من أعدائك.

در زیارت امام زمان می خوانیم: مولاى من! من در این مکان جهت زیارت تو به عنوان فردی خطا کار، پشیمان و بیم ناک از عقاب خداوند عالمیان ایستاده ام و تکیه بر شفاعت تو دارم و امیدم دارم که به سبب دوستی و شفاعت تو گناهانم بخشیده شده، عیب هایم پوشیده گردیده و لغزش هایم مورد عفو واقع شود، پس ای مولاى من! امید دوست دار خویش را نا امید مفرما و از خداوند طلب بخشش لغزش هایم را بنما؛ چرا که او به ریسمان تو چنگ زده و متمسّک به ولایت تو است و از دشمنانت بیزاری می جوید.

۵۹۹- الکافی ۲/۲۷۹ ح ۹: قال الصادق (عليه السلام): قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ما من عبد إلا وعليه أربعون جنّه حتّى يعمل أربعين كبيره، فإذا عمل أربعين كبيره انكشفت عنه الجنن، فيوحى الله إليهم أن استروا عبدى بأجنتكم، فتستره الملائكه بأجنتها. قال: فما يدع شيئاً من القبيح إلا قارفه حتّى يمتدح إلى الناس بفعله القبيح، فيقول الملائكه: يا رب! هذا عبدك ما يدع شيئاً إلا ركبته وإنا لنستحيى ممّا يصنع، فيوحى الله (عزوجل) إليهم أن ارفعوا أجنتكم عنه، فإذا فعل ذلك أخذ في بغضنا أهل البيت، فعند ذلك ينهتك ستره فى السماء وستره فى الأرض، فيقول الملائكه: يا رب!

هذا عبدك قد بقى مهتوك الستر فيوحى الله (عزوجل) إليهم لو كانت لله فيه حاجه ما أمركم أن ترفعوا أجنحتكم عنه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای نیست جز آن که چهل پرده بر او کشیده شده است تا آن که چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه‌ی پرده‌ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته‌ها) وحی کند که با بال‌های خود بنده‌ی مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته‌ها با بال‌های خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آن که آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدان آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید.

پس فرشته‌ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه‌ی بدی‌ها شد و ما از آن چه او می‌کند خجالت می‌کشیم و حیا می‌کنیم، پس خدای (عزوجل) به آن‌ها وحی کند که شما هم بال‌های خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده‌ی او در آسمان دریده شود و پرده‌ی او در زمین پاره گردد.

پس فرشته‌ها می‌گویند: پروردگارا! این بنده ات پرده دریده و بی آبرو مانده است؟ خدای (عزوجل) به آن‌ها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی‌دادم که بال‌های خود را از او برگیرید.

۶۰۰- تفسیر فرات الکوفی ۳۴۸ ح ۴۷۴: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: بنا يقيل الله عشرتكم وبنا يغفر الله ذنوبكم.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خاطر ما خداوند لغزش‌های شما را نادیده می‌گیرد و گناهانتان را می‌آمرزد.

۶۰۱- الأمالی للصدوق ۷۰۹ ح ۹: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: من كُنّا شفعاؤه نجا ولو كان عليه مثل وزر الثقلين الجنّ والإنس.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: هر کس ما اهل بیت شفیع او باشیم نجات می یابد گرچه گناهان او به اندازه‌ی گناهان جنّ و انس باشد.

۶۰۲- الغیبه للطوسی ۳۸۷ ح ۳۵۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا أراد الملائكة أن يرفعوا إلى الله (عز وجل) عملاً عرض على صاحب الزمان.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عمل کسی را به سوی خدای متعال داشته باشند ابتدا آن را بر امام زمان (عليه السلام) عرضه می دارند.

۶۰۳- مناقب آل أبي طالب ۳/۴۵۲: قال الرضا (عليه السلام): إنّنا معاشر الأئمة تعرض علينا أعمال شيعتنا صباحاً ومساءً، فما كان من التقصير في أعمالهم سألنا الله تعالى الصفح لصاحبه وما كان من العلوّ سألنا الله الشكر لصاحبه.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: بدرستی که ما گروه امامان در هر صبح و شام بر اعمال شیعیان مان که بر ما عرضه می شود می نگریم پس بر کوتاهی های ایشان، طلب عفو و بخشش از خداوند نموده و بر اعمال نیک ایشان شکر خداوند را به جای می آوریم.

۶۰۴- الکافی ۲/۴۶۸ ح ۳: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) لأصحابه: ألا أدلكم على سلاح ينجيكم من أعدائكم ويدرّ أرواقكم؟ قالوا: بلى، قال: تدعون ربكم بالليل والنهار، فإنّ سلاح المؤمن الدعاء.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به اصحاب خویش فرمودند: آیا مایلید به شما سلاحی را نشان دهم که شما را از دست دشمنان نجات داده و روزیتان را زیاد کند؟ اصحاب در جواب گفتند: بله مایل هستیم، پس حضرت فرمودند: پروردگار خویش را در روز و شب بخوانید؛ چرا که دعا اسلحه‌ی مؤمن است.

۶۰۵- الکافی ۲/۴۶۸ ح ۵: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: عليكم بسلاح الأنبياء، فقل: وما سلاح الأنبياء؟ قال: الدعاء.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: بر شما باد به اسلحه‌ی پیامبران، گفته شد: اسلحه‌ی

پیامبران چیست؟ حضرت فرمودند: دعا.

۶۰۶- تحف العقول ۲۸۰: قال الباقر (عليه السلام): المؤمن من دعائه على ثلاث: إمّا أن يدّخر له، وإمّا أن يعجّل له، وإمّا أن يدفع عنه بلاء يريده أن يصيبه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: مؤمن در ازای دعائی که می کند یکی از این سه چیز نصیبش می گردد اول: یا این که آن چه خواسته در آخرت به وی عطا می گردد، دوم: یا این که دعایش مستجاب شده و سریعاً در دنیا به وی عطا می شود، و سوم: یا این که در ازای استجاب دعا، بلا و گرفتاری از وی دفع می گردد.

۶۰۷- عدّه الداعی ۳۴ ح ۸: عن النبی (صلى الله عليه و آله و سلم): إنّ الدعاء مخّ العباده، وما من مؤمن يدعو الله إلاّ استجاب له؛ إمّا أن يعجّل له في الدنيا، أو يؤجّل له في الآخرة، وإمّا أن يكفّر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا ما لم يدع بمأثم.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: بدرستی که دعا مغز و چکیده‌ی عبادت‌ها است و هیچ مؤمنی نیست که دعا کند مگر این که یا آن چه خواسته در دنیا به وی عطا می گردد و یا برای آخرتش ذخیره می شود و یا این که در ازای استجاب دعا، گناهان وی نادیده گرفته می شود، البته این در صورتی است که خواسته‌ی او غیر شرعی و حرام نباشد.

۶۰۸- مکارم الأخلاق ۲۷۰: عن أبي الحسن موسى (عليه السلام) قال: عليكم بالدعاء، فإنّ الدعاء والطلب إلى الله يردّ البلاء وقد قدر وقضى فلم يبق إلاّ إمضاءه، فإنّه إذا دعى الله وسئل صرف البلاء صرفه.

امام کاظم (عليه السلام) فرمودند: بر شما باد به دعا کردن؛ چرا که دعا و درخواست از خدای متعال بلائی را که قضا و قدر الهی بر آن تعلق گرفته و فقط مرحله‌ی امضای آن باقی مانده است دفع می کند.

۶۰۹- مکارم الأخلاق ۲۷۱: قال الصادق (عليه السلام): عليك بالدعاء فإنّ فيه شفاءً من كلّ داء.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: بر تو باد به دعا کردن؛ چرا که در آن شفا از هر دردی است.

۶۱۰- تحف العقول ۲۸۲: قال الصادق (عليه السلام): ما من شيء أحب إلى الله من أن يسأل.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از گدائی و درخواست کردن از او نیست.

۶۱۱- مكارم الأخلاق ۲۷۰: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنَّ الله تعالى يعلم ما يريد العبد إذا دعا ولكنَّ يحبُّ أن يبثَّ إليه الحوائج.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا خداوند متعال می داند که بنده‌ی او در زمان دعا و ابراز حاجت از او چه می خواهد ولی در عین حال بسیار دوست دارد که بندگانش در خانه‌ی او ابراز نیاز نموده و حاجت های خویش را درخواست نمایند.

۶۱۲- عدّه الداعی ۳۵: عن النبيّ (صلى الله عليه و آله و سلم): وأما أعجز الناس فمن عجز عن الدعاء.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: عاجزترین انسان ها کسی است که از دعا کردن عاجز باشد.

۶۱۳- بصائر الدرجات ۲۷۹ ح ۱: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: ليس من مؤمن يدعو إلا أمنا لدعائه، ولا يسكت إلا دعونا له.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ مؤمنی دعا نمی کند مگر این که ما برای او آمین می گوئیم، و ساکت نمی شود مگر این که برای او دعا می کنیم.

۶۱۴- بصائر الدرجات ۲۸۰ ح ۲: عن عمر بن إسحاق، قال: قال عليّ (عليه السلام): إننا ندعو لكم فتدعون فتؤمن قال عمر: قد عرفت ما قلت ولكن كيف ندعو فتؤمن؟ فقال: إننا سواء علينا البادى والحاضر.

عمر بن اسحاق می گوید: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که ما برای شما دعا می کنیم و زمانی که شما دعا می کنید ما آمین می گوئیم، پس عمر بن اسحاق گفت: این که شما برای ما دعا می کنید را فهمیدم اما چگونه زمانی که ما دعا می کنیم شما آمین می گوئید (با این که بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت در جواب فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است.

۶۱۵- الکافی ۱/۴۷۲ ح ۱: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إني لأدعو الله لمذنبى شيعتنا فى اليوم والليلة ألف مره.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناه کاران از شیعیانم دعا می کنم.

۶۱۶- خصائص الأئمه ۱۰۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): الفرص تمرّ مرّ السحاب، والإعجاب يمنع من الإزدياد.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: فرصت ها همچون ابر می گذرند، و عجب (به اعمال خود تکیه کردن) و تکبر مانع از رشد کردن و طی نمودن راه کمال می شود.

۶۱۷- خصائص الأئمه ۱۱۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ترك الذنب أهون من طلب التوبه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دست از گناه برداشتن آسان تر است تا روی به توبه داشتن.

۶۱۸- خصائص الأئمه ۱۱۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لم يذهب من مالک ما وعظک.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر مالی که به تو پند عطا کند و تو را موعظه نماید، به هدر نمی رود.

۶۱۹- تفسیر القمی ۱/۶۷: حماد قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أشغل نفسى بالدعاء لآخوانى ولأهل الولايه فما ترى فى ذلك؟ فقال: إن الله (تبارك و تعالى) يستجيب دعاء غائب لغائب، ومن دعا للمؤمنين والمؤمنات ولأهل مودتنا ردّ الله عليه من آدم إلى أن تقوم الساعه لكل مؤمن حسنه. ثم قال: إن الله فرض الصلوات فى أفضل الساعات، عليكم بالدعاء فى إدبار الصلاه ثم دعا لى ولمن حضره.

از حماد روایت شده که گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: خود را به دعا در حق برادران (مؤمن) خود و اهل ولایت مشغول ساخته ام چگونه می دانید این را؟ حضرت فرمودند: همانا خدای (تبارک و تعالى) دعای غائب را برای غائب مستجاب می فرماید، و هر کس جهت مؤمنین و مؤمنات و آنان که اهل مودت و دوستی ما هستند دعا کند خداوند عطا فرماید بر او از زمان

حضرت آدم (علیه السلام) تا روز قیامت به ازای هر مؤمن حسنه ای، سپس فرمودند: همانا خدای تعالی واجب فرموده نماز را در بهترین ساعات، پس بر شما باد به دعا نمودن در عقب نمازها، سپس حضرت دعا فرمودند برای من و آن کسانی که حاضر در مجلس بودند.

۶۲۰- تفسیر القمی ۲/۲۸۲: قال الرضا (علیه السلام):...، فإذا عزمت علی شیء و رکت البحر أو إذا استویت علی راحلتک فقل: {سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ} (۱)، فإنه ما ركب أحد ظهراً فقال: هذا وسقط إلا لم يصبه كسر ولا وثى (۲) ولا وهن، الخبر.

حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: زمانی که تصمیم بر کاری کردی و سوار کشتی شدی یا زمانی که بر مرکب سوار گردیدی بگو: {سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ}؛ چرا که هیچ کس نیست که سوار بر مرکبی شود و این آیه را بخواند، و به زمین افتد مگر این که جائی از او نشکند.

۶۲۱- نهج البلاغه ۴/۵ ح ۱۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إذا وصلت إليكم أطراف النعم، فلا تنفروا أفضاها بقله الشكر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: چون طلیعه و سرآغاز نعمت ها به شما رسید، با ناسپاسی دنباله‌ی آن را مبرید.

۶۲۲- مشارق أنوار اليقين ۱۳۸: قال أبو بصير لأبي جعفر (عليه السلام):...، وشيعتكم معكم؟ قال: نعم، إذا خافوا الله واتقوه وأطاعوه.

ابو بصیر به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: آیا شیعیان شما (در بهشت) همراه شمایند؟ حضرت فرمودند: آری، زمانی که از خدا بترسند و تقوا پیشه کنند و از او اطاعت نمایند.

۱- الزخرف، الآیه ۱۳ و ۱۴.

۲- آی الأوجاع.

۶۲۳- تفسیر العیاشی ۲/۱۳۷ ح ۴۸: علی بن عقبه، عن أبیه قال: سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) يقول:.... ذروا الناس فإنّ الناس أخذوا من الناس، وإنکم أخذتم من رسول الله وعلی ولا سواء، إني سمعت أبا عبد الله يقول: إنّ الله إذا كتب إلى عبد أن يدخل فی هذا الأمر كان أسرع إليه من الطیر إلى وكره.

علی بن عقبه می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: مردم را رها کنید؛ چرا که مردم از دهان مردم می گیرند، و به درستی که شما از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) گرفته اید و آن ها با مردم یکسان نیستند، به درستی که من از پدرم شنیدم که فرمودند: زمانی که خداوند بر عبدی بنویسد که در امر ولایت ما داخل شود از رفتن پرنده به لانه اش سریع تر به ولایت ما می گروَد.

۶۲۴- تفسیر العیاشی ۲/۱۶۳ ح ۸۰: إبراهيم الكرخي قال: إني كنت عند أبي عبد الله (علیه السلام) إذ دخل عليه رجل من أهل المدينة فقال له أبو عبد الله (علیه السلام): يا فلان! من أين جئت؟ ثم قال له: جئت من ههنا وههنا لغير معاش تطلبه ولا لعمل آخره، انظر بماذا تقطع يومك وليلتك، واعلم أنّ معك ملكاً كريماً موثقاً بك يحفظ عليك ما تفعل، الخبر.

از ابراهیم کرخی که گفت: من خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودم که مردی از اهل مدینه وارد شد حضرت از او پرسید: از کجا می آیی؟ سپس خود حضرت فرمودند: از این جا و آنجا، نه برای تأمین معاش دنیوی و نه برای انجام عمل اخروی (بی هدف و بیهوده). فکر کن شب و روزت را چگونه می گذرانی و بدان که همیشه با تو و همراه تو فرشته‌ی بزرگواری است که مأموریت دارد؛ به حفظ و ضبط آن چه انجام می دهی.

۶۲۵- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۰۹: في الزياره الجامعه: ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وإرادتي في كل أحوالي وأموري.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من شما اهل بیت را در همه‌ی حالات و امور، بر خواسته‌ها و حاجت‌ها و تصمیم‌های خویش مقدم می دارم.

۶۲۶- کتاب الزهد ۸۱ ح ۲۱۷: عن أبي عبد الله (علیه السلام)، عن أبیه (علیه السلام) قال: قال علی (علیه السلام): ما أنزل الموت حقّ منزله من عدّ غداً من أجله. وقال علی (علیه السلام): ما أطل عبد الأمل إلاّ أساء العمل وكان يقول:

لو رأى العبد أجله وسرعته إليه لأبغض الأمل وطلب الدنيا.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: جدّم امیر المؤمنین (علیه السلام) گفته است: کسی که فردا را در شمار عمر خود می شناسد، پدیده‌ی مرگ را به گونه‌ی واقعی نمی شناسد کسی که آرزوهای طلائی در دل می پرورد، برای رسیدن به آرزوها دست به هر جنایتی که پیش آید، می زند. اگر کسی ببیند که مرگ با چه شتابی به سوی او می تازد، دنیا طلبی در نظر او زشت و منفور می گردد.

۶۲۷- دعائم الإسلام ۱/۱۱۹: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أنه قال: استاكوا عرضاً ولا تستاكوا طولاً.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مسواک را به صورت عرضی (از بالا به پایین و پائین به بالا) بزیند نه طولی.

۶۲۸- دعائم الإسلام ۱/۲۱۳: عن عليّ (عليه السلام) أنّ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: من أراد شيئاً من قيام الليل فأخذ مضجعه فليقل: **اللّهم لا تؤمّنّى مكرّك ولا تؤسّىبى ذكرك ولا تجعلنى من الغافلین**، أقوم إن شاء الله تعالى ساعه كذا وكذا، فإنّ الله (عزوجل) يوكل به ملكاً يتبّه تلك الساعه، ومن أراد شيئاً من قيام الليل فغلبته عيناه حتى يصبح كان نومه صدقه من الله (عزوجل) ويتمم الله له قيام ليلته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس می خواهد که برای نماز شب بیدار شود پس قبل از خواب بگوید: **اللّهم لا تؤمّنّى مكرّك ولا تؤسّىبى ذكرك ولا تجعلنى من الغافلین** بیدار شوم انشاء الله ساعت فلان؛ پس خداوند ملکی را مأمور می کند که او را در آن ساعت بیدار نماید، و هر کس اراده کند که نماز شب بخواند ولی خواب بر او غلبه کند این خواب صدقه ای است از جانب خدا بر او و خداوند ثواب نماز شب را برای وی می نویسد.

۶۲۹- دعائم الإسلام ۱/۳۴۶: عن عليّ (عليه السلام) أنه قال: من سنه السفر إذا خرج القوم وکانوا رفقاء أن يخرجوا نفقاتهم جميعاً، فيجمعوها وينفقوا منها معاً، فإن ذلك أطيب لأنفسهم وأحسن لذات بينهم.

علی (علیه السلام) فرمودند: از سنت سفر آن است که زمانی که عدّه ای از رُفقا با هم سفر رفتند، پول ها و آن چه را که همراه آورده اند یکی کنند و همگی با هم

از آن مصرف نمایند که این کار هم برایشان نیکوتر و هم باعث الفت و انس بیشتر بین آن‌ها می‌شود.

۶۳۰- دعائم الإسلام ۱/۳۵۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)... فاعرف قدرك وما أنت إليه صائر واذكر ذلك حقّ ذكره، وأشعر قلبك الاهتمام به، فإنه من اهتم بشيء أكثر ذكره، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: قدر خویش، و خدایی را که به سویش می‌روی بشناس و آن را پیوسته یاد کن و قلب خود را به آن ملزم نما و به آن اهتمام بورز؛ چون کسی که به چیزی اهتمام ورزید و برایش مهمّ شد زیاد از آن یاد می‌کند.

۶۳۱- دعائم الإسلام ۲/۱۴ ح ۲: عن عليّ (عليه السلام) أنّه كان يقول: إنّي لأبغض الرجل يكون كسلان من أمر دنياه لأنّه إذا كان كسلان من أمر دنياه فهو عن أمر آخرته أكسل.

علی (علیه السلام) پیوسته می‌فرمودند: همانا من دشمن می‌دارم کسی را که در امور دنیا کسل و تنبل است زیرا کسی که در امور دنیا کسل باشد در امور آخرتش کسل تر خواهد بود.

۶۳۲- دعائم الإسلام ۲/۱۴ ح ۳: عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) أنّ رجلاً سأله أن يدعو الله له أن يرزقه في دعه، فقال: لا أدعو لك، اطلب كما أمرت وقال: ينبغي للمسلم أن يلمس الرزق حتى يصيبه حرّ الشمس.

شخصی نزد امام صادق (علیه السلام) آمده و از ایشان خواست که از خدای متعال بخواهد که روزی او را در آسایش و راحتی به او برساند؛ پس حضرت فرمودند: دعا نمی‌کنم، همان طور که امر شده ای رزق را طلب کن، و فرمودند: بر مرد مسلمان سزاوار است که روزی خود را در حالی به دست آورد که گرمای خورشید به وی اصابت کند.

۶۳۳- دعائم الإسلام ۲/۱۶ ح ۱۲: عن عليّ (عليه السلام) أنّ رجلاً قال له: يا أمير المؤمنين! إنّي أريد التجارة، قال: أفقهت في دين الله؟ قال: يكون بعض ذلك، قال: ويحك، الفقه ثم المتجر، فإنه من باع

واشتری ولم یسأل عن حرام ولا حلال ارتطم فی الربا ثم ارتطم.

شخصی نزد علی (علیه السلام) آمده و گفت: ای امیر المؤمنین من قصد تجارت دارم، حضرت فرمودند: آیا در دین فقیه شده ای؟ گفت: بعضی از مسائل را می دانم، حضرت فرمودند: وای بر تو! اول فقه بعد تجارت، به درستی کسی که خرید و فروش می کند و از حلال و حرام نمی پرسد در ربا غوطه ور می گردد چه غوطه ور شدنی.

۶۳۴- دعائم الإسلام ۲/۱۵۵ ح ۵۵۰: عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) أن سفیان الثوری دخل علیه فرأى علیه ثياباً رفيعة فقال: يا بن رسول الله! أنت تحدّثنا عن عليّ (عليه السلام) أنه كان يلبس الخشن من الثياب والكراميس وأنت تلبس القوهي والمروى، فقال: ويحك يا سفیان! إنّ عليّاً (عليه السلام) كان في زمن ضيق، وإنّ الله قد وسّع علينا، ويستحبّ لمن وسّع الله عليه أن يرى أثر ذلك عليه.

سفیان ثوری - که از کله گنده های صوفیه بود - بر امام صادق (علیه السلام) داخل شد، و دید که آن حضرت لباس فاخری به تن دارند؛ پس گفت: ای پسر رسول خدا! شما برای ما از علی (علیه السلام) نقل می کنی که لباس خشن و کرباس می پوشیدند ولی تو لباس های قوهی و مروی پوشیده ای! آن حضرت فرمودند: وای بر تو ای سفیان، به درستی که علی (علیه السلام) در زمان فقر و تنگ دستی اکثر مردم زندگی می کرد و خداوند در زمان ما به مردم وسعت داده است، و مستحب است بر کسانی که خداوند به ایشان وسعت می دهد که اثر آن وسعت را بر آنان ببینند.

۶۳۵- دعائم الإسلام ۲/۱۵۹ ح ۵۶۹: عن بعض أصحاب أبي جعفر محمد بن عليّ (عليهما السلام) أنه قال: دخلت يعني عليّ أبي جعفر (عليه السلام) في منزله، فوجدته في بيت منجد قد نضد بوسائد وأنماط ومرافق وأفرشه، ثم دخلت عليه بعد ذلك فوجدته في بيت مفروش بحصير فقلت: ما هذا البيت؟ جعلت فداك، قال: هذا بيتي، والذي رأيت قبله بيت المرأة، وسأحدّثك بحديث حدّثني أبي (عليه السلام)، قال: دخل قوم على الحسين بن عليّ (عليهما السلام) فرأوا في منزله بساطاً ونمارق وغير ذلك من الفروش، فقالوا: يا بن رسول الله! نرى في منزلك أشياء لم تكن في منزل رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، قال: إنا نتزوج النساء فنعطيهنّ مهورهنّ فيشترين بها ما شئن، ليس لنا فيه شيء!

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) می گوید: روزی به منزل آن حضرت وارد شدم و دیدم در اتاق آراسته ای که پشتی ها و فرش ها و زینت هایی در آن است نشسته اند و بعد از مدتی دو مرتبه سراغ آن حضرت آمده و دیدم که در اتاقی دیگر بر روی حصیری نشسته اند، گفتم: فدایت شوم این چه اتاقی است؟ فرمودند: این اتاق من است و اتاقی که قبل از آن مشاهده نمودی اتاق همسرم است و برای تو از پدرم نقل می کنم که روزی عده ای بر او وارد شدند و دیدند که در منزل او فرش ها، پشتی ها و اشیاء زینتی است پس گفتند: ای پسر رسول خدا در منزل تو چیزهایی را می بینیم که در منزل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود! پدرم فرمودند: ما اهل بیت با زن ها ازدواج می کنیم و به آن ها مهریه شان را می دهیم پس آن چه بخواهند با آن می خرنند و ما را در آن سهمی نیست.

۶۳۶- بصائر الدرجات ۱۰۴ح ۴: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ذات یوم وعنده جماعه من أصحابه: اللهم لئنی إخوانی مرتین فقال من حوله من أصحابه: أما نحن إخوانک یا رسول الله؟! فقال: لا، إنکم أصحابی وإخوانی قوم من آخر الزمان آمنوا بی ولم یرونی لقد عرفنیهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن یخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم لأحدهم أشدّ بقیة علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء أو كالقابض علی جمر الغضا أولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کلّ فتنه غبراء مظلمه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از روزها در جمع اصحاب خویش نشسته بودند پس دو مرتبه فرمودند: خدایا! برادران مرا به من نشان بده، پس بعضی از اصحاب (منظور: ابوبکر و عمر و...) گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند از مردم آخر الزمان که به من ایمان آورده و حال این که مرا ندیده اند، و خداوند ایشان را با نام و نشان خود و پدرانشان قبل از این که از صلب پدران و رحم مادرانشان خارج شوند به من شناسانیده است.

هر آینه یکی از ایشان در دینش استوارتر و پایدارتر است از کسی که دست خود را در شب تاریک بر روی خارهای تنیده روی شاخه ای بکشد و یا

پاره ای از آتش را در کف دست خویش نگاه دارد، آن ها چراغ های روشنائی دهنده در تاریکی هستند و خداوند آن ها را از هر فتنه‌ی تاریک غبار آلود رهایی می بخشد.

۶۳۷- الإمامه والتبصره ۱۲۶ح ۱۲۷: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إنَّ لصاحب هذا الأمر غيبه الممتسك فيها بدينه كالخارط للقتاد ثم قال: هكذا بيده ثم قال: إنَّ لصاحب هذا الأمر غيبه فليتنق الله عبد وليتمسك بدينه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بدرستی که برای صاحب این امر غیبتی است که پایداری و مقاومت در دین از کشیدن دست، در شب تاریک بر روی خارهای تنیده بر روی شاخه ای سخت تر است، سپس فرمودند: همانا برای صاحب این امر غیبتی است، پس عبد و بنده‌ی خدا کسی است که تقوای الهی پیشه کرده و بر دین خود استوار باشد.

۶۳۸- الخرائج والجرائح ۳/۱۱۴۹ ح ۵۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): سيأتي قوم من بعدكم الرجل منهم له أجر خمسين منكم، قالوا: يا رسول الله! نحن كنا معك ببدر وأحد وحنين ونزل فينا القرآن، فقال (صلى الله عليه وآله وسلم): إنكم لو تحمّلوا ما حمّلوا لم تصبروا صبرهم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: به زودی بعد از شما قومی خواهند آمد که اجر عمل آن ها برابر با اجر و پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما با تو در جنگ بدر، اُحد و حنین همراه بودیم و قرآن در میان ما نازل گردید پس چگونه چنین چیزی ممکن است؟! حضرت فرمودند: همانا اگر آن چه بر سر ایشان خواهد آمد، بر سر شما نیز می آمد آن گاه می دانستید که هرگز تحمل آن را نداشته و مانند آنان صبر نمی نمودید.

۶۳۹- بصائر الدرجات ۴۸۶ ح ۸: عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه) قال: نحن الذين قال الله (عز وجل): { ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ } (۱).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند در مورد ما فرموده است: «بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را».

۶۴۰- تفسیر العیاشی ۱/۱۸۴ ح ۸۵: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: لا یحجب دعاؤنا عن الله.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بین دعای ما و خداوند حجابی نیست.

۶۴۱- الکافی ۲/۴۶۷ ح ۸: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (علیه السلام) قال: أحب الأعمال إلى الله (عزوجل) فی الأرض الدعاء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد خداوند دعا کردن است.

۶۴۲- الکافی ۲/۴۶۸ ح ۱: قال أمير المؤمنين (علیه السلام): الدعاء ترس المؤمن ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دعا سپر مؤمن است، و زمانی که دری زیاد دقُّ الباب شود باز می گردد.

۶۴۳- عدّه الداعی ۲۴: عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) أنه قال: الدعاء مخّ العباده.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دعا مغز و چکیده‌ی عبادت ها است.

۶۴۴- الکافی ۱/۴۷۲ ح ۱: قال أبو عبد الله (علیه السلام): إنني لأدعو الله لمذنبی شیعتنا فی الیوم واللیلہ ألف مرّه.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناهکاران از شیعیانم دعا می کنم.

۶۴۵- کمال الدین ۵۱۲ ح ۴۳: الدعاء فی غیبه القائم (علیه السلام):... ویاذنک غاب عن بریتک وأمرک ینتظر، وأنت العالم غیر المعلم بالوقت الذی فیهِ صلاح أمر ولتیک فی الإیذن له بإظهار أمره وکشف سرّه، فصبرنی علی ذلك حتّی لا أحبّ تعجیل ما أخرت ولا تأخیر ما عجلت ولا کشف ما سترت ولا البحث عمّا کتمت، ولا أنازعک فی تدبیرک ولا أقول لم وکیف ولا ما بال ولیّ الأمر لا یظهر وقد امتلأت الأرض من الجور وأفوض أموری کلّها إلیک، الخبر.

در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می خوانیم: و مرا از آن چه که خلق را بدان امتحان

می کنی سلامت بدار، و مرا در اطاعت ولیّ امرت استوار گردان، همان ولیّ امری که او را از چشمان خلیق مستور ساختی و به اذن تو از مردمان غایب گردید، و تنها امر تو را انتظار می برد، و تو آن زمانی را که صلاح امر ولّیت در آن است بی تعلّم می دانی و به ظهور او فرمان می دهی و او را آشکار می سازی پس مرا بر آن شکّیا ساز که تعجیل آن چه را که به تأخیر انداخته ای نخواهم و تأخیر آن چه را که معجّل ساخته ای نطلبم؛ و از مستورت پرده برداری و از مکتومت تفحص و در تدبیرت منازعه ننمایم و چون و چرا نکنم، و نگویم چرا ولیّ امرت ظهور نمی کند در حالی که زمین از ظلم و جور آکنده است، و همه امورم را به تو واگذار می کنم.

۶۴۶- نهج البلاغه ۱/۱۹۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): انظروا إلى الدنيا نظر الزاهدين فيها، الصادفين عنها... سرورها مشوب بالحزن... فلا يغزّونكم كثرة ما يعجبكم فيها، لقلّة ما يصحبكم منها، الخبير.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بنگرید به دنیا مانند نگرستن زاهدین و روی گردانندگان از آن؛ شادی دنیا مخلوط به حزن و اندوه است، پس نداشته های دنیا به خاطر داشته های کم شما از آن، شما را شگفت زده و آرزومند نکند.

۶۴۷- نهج البلاغه ۱/۲۲۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كلّ شيء من الدنيا سماعه أعظم من عيانه. وكلّ شيء من الآخرة عيانه أعظم من سماعه. فليكنفكم من العيان السماع ومن الغيب، الخبير.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: در دنیا تصویری که از شنیدن هر چیزی در ذهن نقش می بندد بزرگ تر از دیدن آن است و در آخرت دیدن هر چیزی بزرگتر از شنیدن آن است، پس کافی است شما را از دیدن آخرت و امور غیبی شنیدن و وصف آن.

۶۴۸- نهج البلاغه ۲/۱۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لو أنّ السماوات والأرضين كانتا على عبد رتقا ثم اتقى الله لجعل الله له منهما مخرجاً.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: اگر آسمان ها و زمین راه را بر بنده ای ببندند، و

او تقوای الهی پیشه کند و از خدا بترسد، برای وی میان آن دو مخرجی قرار دهد (یعنی از میان همه‌ی گرفتاری‌ها او را نجات دهد).

۶۴۹- مقتضب الأثر ۴۱: فی حدیث: قال الله تعالى: إنهم معدن نوری.

در حدیثی آمده است: خدای تعالی فرمود: بدرستی که آن‌ها (اهل بیت (علیهم السلام)) معدن نور من هستند.

۶۵۰- بحار الأنوار ۷۴/۲۹۹: خطب أمير المؤمنين خطبهً بليغاً في مدح رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال: فيك (رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)) مستودع الأنوار.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی رسائی در مدح رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: در تو نورها به امانت سپرده شده است.

۶۵۱- نهج البلاغه ۲/۲۵ ح ۱۴۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إن الله يبتلي عباده عند الأعمال السيئه بنقص الثمرات وحبس البركات، وإغلاق خزائن الخيرات، ليتوب تائب...، وقد جعل الله سبحانه الاستغفار سبباً لدرور الرزق ورحمه الخلق.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خدا، بندگان خود را به کیفر کارهای زشت آنان، مبتلا می‌سازد؛ به کاهش میوه‌ی درختان، و به نباریدن باران، و به بستن گنجینه‌های خیر به روی ایشان، تا توبه‌کننده توبه کند، و خدا آمرزش خواستن را وسیله‌ی پیوسته داشتن روزی بر روزی خواران قرار داده است، و موجب رحمت بر آفریدگان.

۶۵۲- نهج البلاغه ۲/۲۲۳ ح ۲۳۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إن تقوى الله مفتاح سداد، وذخيره معاد، وعتق من كل ملكه، ونجاه من كل هلكه، بها ينجح الطالب، وينجو الهارب، وتنال الرغائب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا ترس از خدا کلید درستی کردار و اندوخته‌ی قیامت، و رهایی از هر بندگی، و نجات از هر تباهی است. به وسیله‌ی آن حاجت برآورده شده، و گریزنده در امان، و خواسته‌ها به ثمر می‌رسند.

۶۵۳- نهج البلاغه ۳/۲۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): صلّ الصلاه لوقتها الموقت لها، ولا تعجل وقتها لفراغ، ولا تؤخرها عن وقتها لاشتغال. واعلم أنّ كل شيء من عملك تبع لصلاتك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نماز را در وقت معین آن به جای آور، و به خاطر آسوده بودن از کار پیش از رسیدن وقت آن را بر پای مدار، و آن را به خاطر پرداختن به کار به تأخیر مینداز، و بدان که هر چیز از کار که به جای آری، پیرو نماز توست که بر پا می داری.

۶۵۴- المزار للمشهدی ۲۹۳: زیاره جامعه لسائر الأئمه (علیهم السلام): السلام علیکم أئمه المؤمنین ومعادن الحقائق.

در زیارت جامعه‌ی غیر معروفه می خوانیم: سلام بر شما ای امامان بر مؤمنین و معادن حقایق.

۶۵۵- بصائر الدرجات ۷۶ ح ۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إنّ أهل البيت معدن العلم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا ما اهل بیت، معدن علم و دانش هستیم

۶۵۶- نهج البلاغه ۳/۴۸: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): فمتى شئت استفتحت بالدعاء أبواب نعمته واستمطرت شآبيب رحمته، فلا يقطنك إبطاء إجابته فإنّ العطية على قدر التيه. وربّما أخرت عنك الإجابة؛ ليكون ذلك أعظم لأجر السائل وأجزل لعطاء الآمل. وربّما سألت الشيء فلا تؤتاه وأوتيت خيراً منه عاجلاً أو آجلاً، أو صرف عنك لما هو خير لك، فلربّ أمر قد طلبته فيه هلاك دينك لو أوتيته، فلتكن مسألتك فيما يبقى لك جماله وينفي عنك وباله، فالمال لا يبقى لك ولا تبقى له.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر گاه اراده کردی می توانی با دعا، درهای نعمت خدا را بگشایی، تا باران رحمت الهی بر تو بیارد. هرگز از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش؛ زیرا بخشش الهی به اندازه یت است، گاه، در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل تر شود، گاهی درخواست می کنی اما پاسخ داده نمی شود؛ زیرا بهتر از آن چه خواستی به زودی یا در وقت مشخص، به تو خواهد رسید، یا به جهت

اعطاء بهتر از آن چه خواستی، دعا به اجابت نمی رسد؛ زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شوند مایه‌ی هلاکت دین تو خواهد بود، پس خواسته های تو به گونه ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین، و رنج و سختی را از تو دور کند، پس نه مال دنیا برای تو پایدار، و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند.

۶۵۷- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۱۰۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): هذا (أمير المؤمنين (عليه السلام)) الجامع للمكارم الحاوی للفضائل.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در حالی که اشاره به امیر المؤمنین (علیه السلام) داشتند، فرمودند: همه‌ی مکارم و فضائل در این جمع شده است.

۶۵۸- نهج البلاغه ۳/۵۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): وتلافيك ما فَرَطَ من صمتك أيسر من إدراكك ما فات من منطقك، وحفظ ما فى الوعاء بشدّ الوكاء.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: جبران آن چه به نگفتن به دست نیاورده ای آسانتر بود تا تدارک آن چه به گفتن از دست داده ای، که نگاهداری آن چه در مکانی است به استوار بستن آن به بند است.

۶۵۹- نهج البلاغه ۳/۵۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): والعقل حفظ التجارب، وخير ما جريت ما وعظك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خرد، به خاطر سپردن تجربه هاست، و بهترین چیزی که آزموده ای آن بود که پند تو در آن است.

۶۶۰- نهج البلاغه ۳/۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من أمن الزمان خانه، ومن أعظمه أهانه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: آن که از زمانه ایمن نشیند، خیانت آن بیند و آن که آن را بزرگ داند، زمان وی را خوار گرداند.

۶۶۱- نهج البلاغه ۳/۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إِيَّاكَ أَنْ تَذَكَرَ فى الكلام ما يكون مضحكاً وإن حكيت ذلك عن غيرك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: پرهیز از آن که در سخت چیز خنده دار و مورد تمسخر دیگران بگویی، هر چند آن را از دیگری نقل کنی.

۶۶۲- نهج البلاغه ۳/۷۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ألا وإنّ إمامكم قد اکتفی من دنیاہ بطمریہ، ومن طعمہ بقرصیہ. ألا وإنکم لا تقدرون علی ذلك ولكن أعینونی بورع واجتهاد، وعفّہ وسداد.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بدانید که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه‌ی فرسوده، و دو قرصه‌ی نان را طعام خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید کرد، لیکن مرا یاری کنید به ورع و کوشش و پاک دامنی و درستکار بودن.

۶۶۳- نهج البلاغه ۳/۷۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أوصیکما وجميع ولدی وأهلی ومن بلغه کتابی بتقوی اللّٰه ونظم أمرکم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شما و همه‌ی فرزندانم و کسانم و آنان را که نامه‌ی من به ایشان می‌رسد را سفارش می‌کنم به ترس از خدا و نظم در کارها.

۶۶۴- نهج البلاغه ۳/۱۳۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): وخادع نفسک فی العبادہ، وارفق بہا ولا تقهرها. وخذ عفوها ونشاطها إلا ما کان مکتوباً علیک من الفریضہ فإنّہ لا بدّ من قضائها وتعاهدها عند محلّها.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نفس خود را در واداشتن به عبادت فریب ده، و با آن مدارا کن، و به زور و اکراه بر چیزی مجبورش نساز، و در وقت فراغت و نشاط به کارش گیر، مگر در آن چه که بر تو واجب است و باید آن را در وقت خاص خودش به جا آوری.

۶۶۵- تفسیر العیاشی ۲/۲۴۲ ح ۱۴: عن وهب بن جمیع، قال سألت أبا عبد اللّٰه (عليه السلام) عن قول إبلیس:

{رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَمَنْ نَعْنُكَ مِنَ الْمُتَنظِرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ} (۱) قال له وهب: جعلت فداك أي يوم هو؟ قال: يا وهب! أتحسب أنه يوم يبعث الله فيه الناس، إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا، فإذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة وجاء إبليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه، فيقول: يا ويله من هذا اليوم فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه فذلك يوم الوقت المعلوم.

وهيب بن جُمَيْع می گوید: پرسیدم از امام جعفر صادق (علیه السلام) از گفته‌ی ابلیس: «پروردگارا مهلتم ده تا روزی که مبعوث شوند، خداوند فرمودند: تو مهلت داری تا روز وقت معلوم» وهب گفت: قربانت شوم آن روز چه روزی است؟

حضرت فرمودند: ای وهب! فکر می کنی آن روز، روز رستاخیز مردم است؟! چنین نیست بلکه خداوند تا روزی که قائم ما ظهور کند به ابلیس مهلت داده، و چون قائم ما ظهور کند و در مسجد کوفه باشد ابلیس نزد وی آید و برابرش زانو زند و گوید: ای وای بر من از این روز، و قائم (علیه السلام) موهای جلوی سرش را بگیرد و گردنش را بزند، و این روز همان وقت معلوم است.

۶۶۶- نهج البلاغه ۴/۷ ح ۲۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): يا ابن آدم! إذا رأيت ربك سبحانه يتابع عليك نعمه وأنت تعصيه فاحذره.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای فرزند آدم! هرگاه مشاهده کردی که نعمت های خداوند به طرف تو می آیند و تو هم او را معصیت می کنی از او بترس.

۶۶۷- نهج البلاغه ۴/۷ ح ۲۸: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أفضل الزهد إخفاء الزهد.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بهترین نوع زهد و پارسائی پنهان داشتن آن است.

۶۶۸- نهج البلاغه ۴/۱۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): فإن المرض لا أجر فيه ولكنه يحط السيئات، ويحطها حث الأوراق.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا در بیماری مزدی نیست، لیکن گناهان را می کاهد و می پیراید چون پیراستن برگ درختان.

۶۶۹- نهج البلاغه ۴/۳۰ ح ۱۲۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من قصر في العمل ابتلى بالهم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: آن که در کار کوتاهی بورزد دچار اندوه می شود.

۶۷۰- نهج البلاغه ۴/۳۴ ح ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): قلّ العيال أحد اليسارين، والتودّد نصف العقل، الهمّ نصف الهرم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: کمی عیال یکی از دو راحتی است، و دوستی با مردم نصف عقل است؛ و غصّه خوردن نیمی از پیری است.

۶۷۱- نهج البلاغه ۴/۴۲ ح ۱۷۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): آله الرياسه سعه الصدر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: آلت و افزار ریاست گشادگی و فراخی سینه است.

۶۷۲- نهج البلاغه ۴/۴۵ ح ۱۹۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إنّ هذه القلوب تملّ كما تملّ الأبدان، فابتغوا لها طرائف الحكمة.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: این دل ها همچون بدن ها به ستوه می آیند پس برای راحتی آن ها سخنان تازه از حکمت بجوئید.

۶۷۳- تهذيب الأحكام ۲/۲۸ ح ۳۲: عن عبد الله بن سنان قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: أآخر رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ليلة من الليالي العشاء الآخرة ما شاء الله فجاء عمر فدق الباب فقال: يا رسول الله! نام النساء نام الصبيان فخرج رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: ليس لكم أن تؤذوني ولا تأمروني إنّما عليكم أن تسمعوا وتطيعوا.

عبد الله بن سنان می گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرمودند: شبی از شب ها، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز عشا را به خواست خداوند به تأخیر انداختند، پس عمر آمد و در زد و گفت: ای رسول خدا! زن ها خوابیدند، بچه ها خوابیدند! [پس کی نماز عشا را می خوانی؟] رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون آمد و فرمودند: برای شما روا نیست که مرا بیازارید، و جایز نیست که به من دستور دهید. جز این نیست که بر شما واجب است که بشنوید و اطاعت کنید.

۶۷۴- الأربعون للشهيد الأول ۵۶: عن أبي حمزه بن دينار الثمالي، عن الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام)، قال:....، أعظم الناس قدراً من ترك ما لا يعنيه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بزرگ ترین مردم از لحاظ قدر و منزلت آن کسی است که کارهای بیهوده را رها کند.

۶۷۵- الهدايه الكبرى ۲۲۶: عن الصادق (عليه السلام) قال: يفعل ما يشاء بأمر الله يسير بإذن الله من المشرق إلى المغرب في لحظه ويعرج إلى السماء وينزل إلى الأرض متى شاء وأراد.

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمودند: امام هر آن چه را که بخواهد به امر خداوند انجام می دهد، پس اگر بخواهد به اذن الهی از مشرق تا مغرب را در لحظه ای بپیماید می تواند، و هر زمان بخواهد و اراده کند به آسمان رفته و بر می گردد.

۶۷۶- الكافي ۳/۱۹۹ ح ۵: قال أبو عبد الله (عليه السلام):....، ومن قسا قلبه بُعد من ربّه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس قلبش قسی شود از پروردگارش دور شده است.

۶۷۷- الكافي ۳/۳۷۳ ح ۸: سهل بن زياد يأسناده قال: قال الصادق (عليه السلام): فضل ميامن الصفوف علي مياسرها كفضل الجماعة علي صلاه الفرد.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: برتری صف های سمت راست بر سمت چپ در نماز جماعت مانند برتری نماز جماعت بر فرادا است.

۶۷۸- الكافي ۳/۴۷۹ ح ۱۰: الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا أردت حاجة فصل ركعتين وصل علي محمد وآل محمد وسل تعطه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: برای این که حاجت خود را از خدا مسألت کنی، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و حاجت خود را مسألت کن که موفّق خواهی بود.

۶۷۹- مناقب آل أبي طالب ۳/۱۷۵: عن الصادق (صلوات الله عليه) قال: قال بعضهم للحسن بن عليّ (عليهما السلام) في احتماله الشّدائد عن معاويه، فقال (عليه السلام) كلاماً معناه: لو دعوت الله تعالى لجعل العراق شاماً

والشام عراقاً، وجعل المرأه رجلاً والرجل امرأه، فقال الشامی: ومن يقدر علی ذلك؟ فقال (علیه السلام): انهضی ألا تستحین أن تقعدی بین الرجال فوجد الرجل نفسه امرأه، ثم قال: وصارت عیالك رجلاً وتقاربك وتحمل عنها وتلد ولداً خشی، فکان كما قال (علیه السلام)، ثم إنَّها تابا وجاءا إلیه فدعا الله تعالی فعادا إلی الحاله الأولى.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بعضی ها به امام حسن (علیه السلام) و آن تحمّل هائی که آن حضرت در مقابل آزارهای معاویه می کرد اعتراض نمودند، امام مجتبی (علیه السلام) در پاسخ سخنی فرمودند که مضمون آن این بود: اگر من دعا کنم، خدای توانا عراق را به شام و شام را به عراق، زن را به مرد و مرد را به زن تبدیل می کند.

آن مرد شامی گفت: چه کسی است که این قدرت را داشته باشد؟! امام حسن مجتبی (علیه السلام) به وی فرمودند: برخیز! حیا نمی کنی که در میان مردان نشسته ای؟ ناگاه آن مرد به خود توجهی کرد و دید که زن شده است! آن گاه امام حسن (علیه السلام) به وی فرمودند: زن تو تبدیل به مردی شده است، او با تو نزدیکی می کند و تو از وی حامله می گردی و فرزند می آوری که خنثی خواهد بود (یعنی هم علامت مردی و هم علامت زن بودن را خواهد داشت) پس همان طور شد که آن بزرگوار فرموده بودند.

آن گاه پس از چندی آن دو توبه کردند و به حضور امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمدند. پس آن حضرت دعا کردند و خدای توانا ایشان را به حالت اول برگردانید.

۶۸۰- الکافی ۳/۴۱۴ ح ۵: ابن ابی نصر، عن ابی الحسن الرضا (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إنَّ یوم الجمعة سید الأيام یضاعف الله فیہ الحسنات ویمحو فیہ السيئات ویرفع فیہ الدرجات ویستجیب فیہ الدعوات ویکشف فیہ الكربات ویقضى فیہ الحوائج العظام وهو یوم المزید لله فیہ عتقاء وطلاق من النار ما دعا به أحد من الناس وقد عرف حقّه وحرمته إلا كان حقاً علی الله (عزوجل) أن يجعله من عتقائه وطلاقه من النار فإن مات فی یومه وليلته مات شهيداً وبعث آمناً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا روز جمعه سید ایام است، خداوند در این روز حسنات را دو برابر و سیئات را محو می کند و بر درجات می افزاید و دعا

در این روز مستجاب است؛ و حزن‌ها برداشته می‌شود، و حاجت‌های بزرگ برآورده می‌گردند، و روزی است که خداوند از نعمت‌ها و ثواب‌هایش بر مردم می‌افزاید؛ در آن آزاد شدگانی از آتش هستند؛ هیچ‌کس در این روز خدا را نمی‌خواند در حالی که حرمت و حق‌جمعه را بشناسد مگر این که حق است بر خداوند که او را از آزاد شدگان جهنم قرار دهد، پس اگر در روز یا شب جمعه بمیرد شهید است و روز قیامت در حالی که در امتیت کامل است مبعوث می‌شود.

۶۸۱- من لا يحضره الفقيه ۱/۱۷۶ ح ۵۱۹: قال (عليه السلام): من قدم ولداً كان خيراً له من سبعين يخلفهم بعده، كلهم قد ركب الخيل وقاتل في سبيل الله (عزوجل).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس فرزندی را پیش فرستد یا هر کس یک فرزندی را در زمان حیات خود از دست بدهد و داغ دار او شود آن فرزند از هفتاد فرزند که از او به جای مانند و همگی سوار بر اسب در راه خداوند جهاد کنند برای او بهتر و سودمندتر است.

۶۸۲- من لا يحضره الفقيه ۳/۱۶۰ ح ۳۵۸۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ويل لتجار أمتي من لا والله وبلى والله، وويل لصناع أمتي من اليوم وغد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: وای بر تاجران امت من، به خاطر قسم‌های ناروایی که می‌خورند، و وای بر صنعت‌کاران امت من، که امروز و فردا می‌کنند و مردم را سر می‌دوانند.

۶۸۳- من لا يحضره الفقيه ۳/۱۶۶ ح ۳۶۱۱: جميل بن دراج، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما سد الله (عزوجل) على مؤمن باب رزق إلا فتح الله له ما هو خير منه.

جميل بن دراج گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند دری را از روزی به روی مؤمن نمی‌بندد مگر این که دری بهتر از آن می‌گشاید.

۶۸۴- الخرائج والجرائح ۱/۲۹۶ ح ۳: قال علی بن ابي حمزه: حججت مع الصادق (عليه السلام) فجلسنا في بعض الطريق تحت نخله يابسه، فحرك شفتيه بدعاء لم أفهمه، ثم قال: يا نخله! أطعمينا ممّا جعل الله فيك من رزق عباده. قال: فنظرت إلى النخلة وقد تمايلت نحو الصادق (عليه السلام) وعليها أعذاقها وفيها الرطب، قال: ادن فسمّ وكل فأكلنا منها رطباً أعذب رطب وأطيبه، فإذا نحن بأعرابي يقول: ما رأيت كالיום سحراً أعظم من هذا! فقال الصادق (عليه السلام): نحن ورثة الأنبياء ليس فينا ساحر ولا كاهن بل ندعو الله فيجيب، فإن أحببت أن أدعو الله فيمسحك كلباً تهتدي إلى منزلك وتدخل عليهم وتبصص لأهلك فعلت، قال الأعرابي بجهله: بلى، فدعا الله فصار كلباً في وقته ومضى على وجهه. فقال لى الصادق (عليه السلام): أتبعه فاتبعته حتى صار إلى حيه، فدخل إلى منزله فجعل يبصص لأهله وولده، فأخذوا له العصا حتى أخرجوه، فانصرفت إلى الصادق (عليه السلام) فأخبرته بما كان منه، فبينما نحن في حديثه إذ أقبل حتى وقف بين يدي الصادق (عليه السلام) وجعلت دموعه تسيل على خديه وأقبل يتمرغ في التراب ويعوى، فرحمه فدعا الله له فعاد أعرابياً، فقال له الصادق (عليه السلام): هل آمنت يا أعرابي؟! قال: نعم ألفاً وألفاً.

علی بن ابی حمزه می گوید: با امام جعفر صادق (علیه السلام) به حج می رفتیم که زیر درخت خرماي خشکیده ای فرود آمدیم. حضرت زیر لب دعایی را زمزمه کردند که من نفهمیدم، سپس فرمودند: ای درخت! از طعامی که خداوند در تو قرار داده است به ما بخوران.

راوی می گوید: ناگهان متوجه شدم که شاخه های درخت، در حالی که خرماي تازه داشتند به سوی امام (علیه السلام) متمایل شدند، پس حضرت «بسم الله» گفته و شروع به خوردن نمودند، و ما هم به دستور ایشان خوردیم که بهترین خرما بود.

عربی بادیه نشین، چون این منظره را مشاهده کرد، تعجب نموده و گفت: تا به امروز، سحری به این بزرگی ندیده بودم! حضرت فرمودند: ما وارثان پیغمبرانیم و در بین ما ساحر و کاهنی پیدا نمی شود، و هر وقت از خدا هرچه را بخواهیم اجابت می کند.

مرد عرب نپذیرفت و باور نکرد، حضرت فرمودند: می خواهی از خدای متعال بخواهم تا تو را به صورت سگی در آورده و نزد خانواده ات برگردی و مقابل

آن‌ها دُم بجنابانی؟ مرد عرب که جاهل بود و نمی‌فهمید، گفت: آری، پس آن حضرت از خدا درخواست نمودند تا او را به صورت سگی مسخ کند پس چنین شد، و آن سگ به راه افتاد و رفت.

راوی می‌گوید: امام به من دستور دادند که دنبال او بروم، من نیز رفتم و دیدم وارد منزلش شد و در مقابل عیال و اولادش، دُم خود را جنابانید، آن‌ها هم عصا برداشته و او را از خانه بیرون کردند. آن‌گاه من به حضور حضرت رسیدم و جریان را گزارش کردم، ناگاه متوجه شدم که آن سگ برگشت و روبروی حضرت ایستاد، در حالی که دُمش را می‌جناباند و اشک می‌ریخت.

حضرت به او ترخّم فرموده و دعا کردند تا خداوند او را به حالت اوّل برگرداند، پس در همان هنگام خداوند متعال او را به حالت اوّل برگرداند. پس حضرت امام صادق (علیه السلام) از او پرسیدند: اکنون ایمان آوردی؟ گفت: بلی هزار هزار بار ایمان آوردم.

۶۸۵- من لا يحضره الفقيه ۳/۱۶۷ ح ۳۶۲۴: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) أنه قال: للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له، ويشترى ما ليس له، ويلبس ما ليس له.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شخص اسراف کار، سه نشانه دارد:

۱- آن چه در شأن او نیست، می‌خورد.

۲- آن چه در شأن او نیست و به کارش نمی‌آید، خریداری می‌کند.

۳- آن چه در شأن او نیست، می‌پوشد.

۶۸۶- من لا يحضره الفقيه ۳/۱۶۸ ح ۳۶۳۱: قال (عليه السلام): الكاذب على عياله من حلال كالمجاهد في سبيل الله.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که برای امور خانوادگی خویش کوشش می‌کند تا از راه حلال معیشت آنان را تهیه کند، پاداشی همچون مجاهد در راه خدا دارد.

۶۸۷- من لا يحضره الفقيه ۳/۱۶۸ ح ۳۶۳۳: قال الرضا (عليه السلام): لا تبذل لإخوانك من نفسك ما ضرره عليك أكثر من نفعه لهم.

حضرت رضا (عليه السلام) فرمودند: چیزی که برای زندگیت لازم است و ضرر نداشتنش برای تو بیش از نفع دیگران است و غیر آن را نداری، آن را به رفقاییت بذل مکن.

۶۸۸- من لا يحضره الفقيه ۳/۳۷۷ ح ۴۳۲۸: قال الصادق (عليه السلام): كفّاره الضحك أن يقول: اللهم لا تمقتني.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کفّاره‌ی خنده با صدای بلند آن است که بگوئی: «اللَّهُمَّ لَا تَمَقْتَنِي» (خداوندا بر من خشم مگیر).

۶۸۹- من لا يحضره الفقيه ۴/۴۱۰ ح ۵۸۹۲ و ۵۸۹۳: عبد الله بن أبي يعفور قال: قال الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام) لرجل: اجعل قلبك قريناً تزاوله، واجعل علمك والداً تتبعه، واجعل نفسك عدواً تجاهده، واجعل مالك كعاريه تردّها.

امام صادق (عليه السلام) به مردی فرمودند: دلت را مصاحب و همراهی ساز که با او مشورت می کنی، و علمت را پدری قرار ده که از او پیروی می نمائی، و نفس خود را دشمنی قرار ده که با او جهاد می کنی، و مالت را به مانند عاریه ای قرار ده که آن را باز پس می دهی.

۶۹۰- عوالی اللثالی ۱/۷۵ ح ۱۴۹: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): اعقل وتوكل.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: چاره اندیشی کن و بر خدا توکل نما.

۶۹۱- مکارم الأخلاق ۱۲۸: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): لا تتركوا النار في بيوتكم حين تنامون.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به هنگام خواب آتش را در خانه روشن نگذارید.

۶۹۲- عوالی اللثالی ۱/۱۴۷ ح ۸۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا تسافر المرأة ثلاثاً إلا ومعها ذو محرم. (۱)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: زن بیشتر از سه روز به مسافرت نرود مگر این که محرمی او را همراهی نماید.

۶۹۳- عوالی اللثالی ۱/۱۶۴ ح ۱۶۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من دعى فلم يجب فقد عصى الله ورسوله، ومن دخل على غير دعوته، دخل سارقاً وخرج معيراً.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس به جایی دعوت شود و اجابت نکند به درستی که خدا و رسولش را عصیان نموده است، و هر کس بدون دعوت به جایی برود همچون دزد داخل شده و خوار و ذلیل خارج می شود.

۶۹۴- الخرائج والجرائح ۲/۵۶۸ ح ۲۴: عن علي (عليه السلام) قال: أن خارجياً اختصم مع رجل إلى علي (عليه السلام)، فحكم بينهما بحكم الله ورسوله، فقال الخارجى: لا عدلت فى القضيّة. فقال علي (عليه السلام): إخصأ يا عدو الله! فاستحال كلباً وطارت ثيابه فى الهواء، فجعل يبصبص وقد دمعت عيناه فرق له علي ودعا له، فأعاده إلى حال الإنسانيّة وتراجعت من الهواء ثيابه إليه، فقال علي (عليه السلام): إن آصف وصي سليمان قد صنع نحوه فقصّ الله عنه بقوله: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾ [النمل، الآية ۴۰].

۱- النهى هنا للكراهيه، لأنه لا يجوز لها السفر بغير محرم، للحديث المذكور عن الصادق (عليه السلام): المؤمن محرم للمؤمنه.

می ریخت. حضرت به حال او دل سوزی نموده و دعا نمودند، پس مجدداً به صورت انسان درآمد و لباس هایش از هوا به تنش برگشت.

آن گاه حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان نیز مانند این کار را انجام داد چنان چه خداوند در کتابش از او نام برده و داستان او را به این صورت نقل کرده است که: «آن کسی که نزد او کمی از علم کتاب بود - در جواب سؤال سلیمان وقتی که گفت چه کسی تخت بلقیس را نزد من می آورد؟ - گفت: من آن را در کمتر از چشم به هم زدن می آورم» آیا پیامبر شما نزد خداوند گرامی تر است یا سلیمان؟ گفتند: پیامبر ما.

پس به حضرت گفته شد (تو با این همه معجزات و قدرتی که در اختیار داری) چه نیازی به جمع آوری سپاه برای جنگ با معاویه داری؟ حضرت در جواب فرمودند: این ها را برای جنگ دعوت می کنم تا حجت بر آنان تمام شده و امتحان الهی به پایان برسد، و اگر خداوند به من اجازه می داد که در مورد هلاکت معاویه نفرین کنم، هرگز آن را به تأخیر نمی انداختم.

۶۹۵- عوالی اللئالی ۱/۱۶۵: وفيه أنه (صلى الله عليه و آله و سلم)، نهى عن أن يمشى الرجل بين المرأتين.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) نهی فرمودند از این که مردی در حالی که میان دو زن است راه برود.

۶۹۶- عوالی اللئالی ۱/۲۸۵ ح ۱۳۱: قال النبى (صلى الله عليه و آله و سلم): الدنيا ساعة فاجعلها طاعة.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: دنیا ساعتی است پس در آن اطاعت از خداوند را به کار گیرید.

۶۹۷- عوالی اللئالی ۳/۲۹۶ ح ۷۰: عن عليّ (عليه السلام): رَوْحُوا قُلُوبَكُمْ، فَإِنَّهَا إِذَا أُكْرِهَتْ عَمِيَتْ.

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: قلب های خویش را سرزنده نگه دارید؛ چرا که اگر سرزنده نباشند کور می گردند (واز شما در اطاعت خدا پیروی نمی کنند).

۶۹۸- نهج البلاغه ۴/۷۸ ح ۳۳۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): المؤمن بشره في وجهه، وحزنه في قلبه، أوسع شيء صدرًا، وأذل شيء نفسًا، يكره الرفعه...، كثير صمته. مشغول وقته، شكور صبور، مغمور بفكرته.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: شادمانی مؤمن در صورتش است و حزن و اندوه او در سینه است؛ سینه‌ی مؤمن از هر چیزی وسیع تر و نفس او از هر چیزی خوارتر است؛ شهرت و بزرگی را دوست ندارد و سکوتش بسیار است؛ وقتش پُر است، بسیار شاکر و صبور است، و در فکر و اندیشه غوطه ور است.

۶۹۹- نهج البلاغه ۴/۸۱ ح ۳۴۸: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أشدّ الذنوب ما استهان به صاحبه.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: سخت ترین گناهان آن است که گنه کار آن را خوار بشمارد.

۷۰۰- نهج البلاغه ۴/۸۱ ح ۳۴۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من نظر في عيوب الناس فأنكرها ثمّ رضيها لنفسه فذاك الأحمق.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: هر کس عیوب مردم را ببیند و زشت شمارد ولی آن‌ها را برای خود بیسندد خود احمق می باشد.

۷۰۱- نهج البلاغه ۴/۹۶ ح ۴۰۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): القلب مصحف البصر.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: دل به مانند مصحف دیدگان است.

۷۰۲- نهج البلاغه ۴/۹۶ ح ۴۱۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): التقى رئيس الأخلاق.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: تقوی و پرهیزگاری سرآمد همه‌ی اخلاق می باشد.

۷۰۳- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) ۱/۹۰ ح ۱: عليّ بن يقطين قال: استدعى الرشيد رجلاً يبطل به أمر أبي الحسن موسى بن جعفر (عليه السلام) ويقطعه ويخجله في المجلس، فانتدب له رجل معزّم، فلما أحضرت المائدة عمل ناموساً على الخبز، فكان كلما رام خادم أبي الحسن (عليه السلام) تناول رغيف من الخبز طار من بين يديه واستفزّ هارون الفرح والضحك لذلك فلم يلبث أبو الحسن (عليه السلام) أن رفع

رأسه إلى أسد مصوّر على بعض الستور، فقال له: يا أسد الله خذ عدوّ الله، قال: فوثبت تلك الصورة كأعظم ما يكون من السباع فافتست ذلك المعزّم فخرّ هارون وندماؤه على وجوههم مغشياً عليهم وطارت عقولهم خوفاً من هول ما رأوه، فلما أفاقوا من ذلك بعد حين قال هارون لأبي الحسن (عليه السلام): أسألك بحقّي عليك لما سألت الصورة أن تردّ الرجل، فقال إن كانت عصا موسى ردّت ما ابتلعت من جبال القوم وعصيتهم، فإنّ هذه الصورة تردّ ما ابتلعت من هذا الرجل.

از علی بن یقظین مروی است که گفت: هارون الرشید (لعنه الله عليه) مردی را طلب کرد که باطل کند امر حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) را و قطع کند کلام او را و آن جناب را در مجلس خجالت دهد، پس مرد افسون گری را با ایشان روبرو کرد، چون طعام حاضر ساختند آن مرد افسون گر افسونی به نان خواند و در نان صنعتی کرد که حضرت ابو الحسن (علیه السلام) هر گردهی نانی را که قصد می فرمودند که تناول کنند نان از میان دست ایشان طیران می کرد و پرواز می نمود و هارون (لعنه الله عليه) شادی می کرد و خنده می نمود و خفیف می کرد آن جناب را به سبب خنده های خود، پس طولی نکشید که حضرت ابو الحسن (علیه السلام) سر مبارک خود را بلند نموده و رو کردند به صورت شیری که بر بعضی از پرده ها نقش بسته بود و فرمودند: ای شیر! بگیر دشمن خدا را.

راوی گفت: آن شیر برجست مثل بزرگ ترین درنده ها، یعنی این شکل شیر، عظیم و بزرگ شد و مرد افسون گر را شکار کرد.

هارون (لعنه الله عليه) و ندیمان او به صورت بر زمین افتاده و بیهوش شدند و عقل از سر آن ها پرید به جهت ترس و هول از آن چه مشاهده کردند. پس بعد از مدّتی که به حال خود آمدند هارون (لعنه الله عليه) به آن بزرگ وار عرض کرد: به حقّی که بر تو دارم از تو درخواست می کنم که از این صورت بخواهی که این مرد را برگرداند حضرت فرمودند: اگر عصای موسی برگردانید آن ریسمان ها و چوب دستی ها را که سحر کرده بودند! این صورت هم برمی گرداند این مرد را که بلعیده است!

۷۰۴- نهج البلاغه ۴/۹۶ ح ۴۱۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كفاك أدباً لنفسك اجتناب ما تكرهه من غيرك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ادب برایت همین بس که از کارهای ناپسند دیگران دست بازداری.

۷۰۵- اختیار معرفه الرجال ۲/۴۹۰ ح ۴۰۱: قال أبو الحسن الرضا (عليه السلام):...، إنَّ مع كلِّ قولٍ منَّا حقیقه وعلیه نوراً، فما لا حقیقه معه ولا نور علیه فذلک من قول الشیطان.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: با هر کلام ما حقیقت و نوری است؛ پس کلامی که حقیقت و نور ندارد کلام شیطان است.

۷۰۶- اختیار معرفه الرجال ۲/۷۸۸ ح ۹۵۴: علی بن جعفر، عن أبيه، عن جدّه، عن علی بن الحسین (عليه السلام) أنه كان يقول لبنیه: جالسوا أهل الدین والمعرفه، فإن لم تقدروا علیهم فالوحده آنس وأسلم، فإن أیتتم إلاّ مجالسه الناس: فجالسوا أهل المروّات فإنّهم لا یرفثون فی مجالسهم.

امام سجّاد (علیه السلام) به پسرانشان می فرمودند: با مردم دیندار و با معرفت همنشین باشید و اگر بر آن ها دست نیاید تنهائی آرام تر و سالم تر است، و اگر چاره ای جز همنشینی با مردم را ندارید با مردمان با مروّت و مردانگی همنشین شوید که آن ها در مجالس خود هرزه گوی و یاوه گوئی ندارند.

۷۰۷- شهاب الأخبار ۵۳ ح ۱۶۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا خير في صحبه من لا يرى لك من الحقّ مثل الذي ترى له.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در دوستی کسی که برای تو چنان حقی را نمی بیند که تو برای او می بینی، خیری نیست.

۷۰۸- روضه الواعظین ۳۸۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): مداراه الناس صدقه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: مدارا کردن با مردم، مانند صدقه دادن است.

۷۰۹- شهاب الأخبار ۶۴ ح ۲۲۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من خاف الله خوفاً لله منه كلُّ شيءٍ ومن لم يخف الله خوفاً لله من كلِّ شيءٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از وی

بیم ناک کند و هر که از خدا نترسد، خداوند او را از همه چیز بیمناک کند.

۷۱۰- الخصال ۷۳ ح ۱۱۲: أنس، عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: يهرم ابن آدم ويشب منه اثنان: الحرص على المال، والحرص على العمر.

آنس می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آدمی زاده پیر می شود، در حالی که دو خوی او جوان می شوند: حرص بر مال و حرص بر عمر.

۷۱۱- جامع الأخبار ۱۹۵ ح ۶: عن عبد الله بن مسعود: أنه فاتته تكبيره الافتتاح يوماً فأعتق رقبة وجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: يا رسول الله! فاتتني تكبيره الافتتاح يوماً فأعتقت رقبة، هل كنت مدركاً فضلها؟ فقال: لا، فقال ابن مسعود: ثم أعتق أخرى، هل كنت مدركاً فضلها؟ فقال: لا يا ابن مسعود! ولو أنفقت ما في الأرض جميعاً لم تكن مدركاً فضلها.

از عبدالله بن مسعود روایت است که روزی به یکی از تکبیرهای مستحبی (که شش تکبیر قبل از تکبیره الإحرام است) نماز جماعت همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نرسید پس نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و گفت: بنده ای را به جای آن تکبیر در راه خدا آزاد کردم آیا فضیلت آن تکبیر را دریافته ام؟

حضرت فرمودند: نه! سپس بنده‌ی دیگری آزاد کرده و نزد آن حضرت آمده و کلام خود را تکرار کرد، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای ابن مسعود! اگر تمام آن چه را که در زمین است در راه خدا انفاق نمایی فضیلت آن تکبیر را درک نخواهی کرد.

۷۱۲- الثاقب فی المناقب ۱۵۴ ح ۲: أبو الصامت، قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أعطني شيئاً أزداد به يقيناً، وأنفي الشك من قلبي، قال لي: هات ما معك وكان في كمي مفتاح، فناولته، فإذا المفتاح أسد ففرعت منه، ثم قال: أنح وجهك عنّي ففعلت، فعاد مفتاحاً.

ابو صامت می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چیزی به من عطا کنید که یقینم زیاد شده و شک از قلبم خارج شود، پس حضرت به من فرمودند: آن چه همراه توست به من بده، پس من کلیدی را که در آستین داشتم به آن حضرت دادم و آن کلید در دست حضرت تبدیل به شیری شد که من

از او بیمناک شدم، سپس حضرت فرمودند: رویت را از من برگردان پس چنین کردم، پس آن شیر تبدیل به کلید شد.

۷۱۳- جامع الأخبار ۲۴۷ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): راحة الإنسان في حبس اللسان.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: راحتی انسان در حبس کردن زبان است.

۷۱۴- روضه الواعظین ۴۲۱: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): من غلب علمه هواه فذاك علم نافع، ومن جعل شهوته تحت قدميه فرّ الشيطان من ظله.

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس دانشش بر خواسته‌ی نفسی او چیره شود، علمش علم نافع است؛ و هر کس شهوت خود را زیر گام هایش نهد، شیطان از سایه اش می‌گریزد.

۷۱۵- جامع الأخبار ۲۴۸ ح ۱۱: روى: أنّ نوحاً (عليه السلام) مرّ على كلب كرية المنظر فقال نوح: ما أقبح هذا الكلب! فجثا الكلب وقال بلسان طلق ذلق: إن كنت لا ترضى بخلق الله فحوّلنى يا نبى الله، فتخیر نوح (عليه السلام) وأقبل يلوم نفسه بذلك، وناح على نفسه أربعين سنة حتى ناداه الله تعالى: إلى متى تنوح يا نوح! فقد تبت عليك، فالنبي بكى على الزلّة المغفوره، على نفسه المعصومه، وأنت يا غافل لا تبكى على الكبيره وعلى نفسك العاصيه!

روایت شده: روزی حضرت نوح (عليه السلام) بر سگ زشتی مرور کرده و با خود گفت: چقدر این سگ زشت منظر است، پس آن سگ به اذن الهی به سخن آمده و گفت: اگر به آن چه خدا خلق کرده راضی نیستی پس مرا تغییر بده؛ در این هنگام حضرت نوح متحیر شده و خود را سرزنش کرد و چهل سال بر این عمل خود نوحه و ناله می‌کرد، تا این که از جانب خدای تعالی ندا آمد، تا کی نوحه می‌کنی ای نوح! تو را بخشیدم.

۷۱۶- جامع الأخبار ۲۶۴ ح ۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان في زمن موسى بن عمران رجلان في الحبس، فاخرجا، فأما أحدهما فسمن وغلظ، وأما الآخر فنحل فصار مثل الهدبه، فقال موسى بن عمران للسمين: ما الذى أرى بك من حسن الحال فى بدنك؟ قال: حسن ظنى بالله. وقال للآخر: ما الذى أرى منك من سوء الحال فى بدنك؟ قال: الخوف من الله. قال: فرفع

موسى يده

إلى الله فقال: يا رب! قد سمعت مقالتهما، فاعلمني أيهما أفضل؟ فأوحى الله إليه: صاحب حسن الظنّ بي.

نقل شده از حضرت صادق (علیه السلام) که در زمان موسی بن عمران (علیه السلام) دو نفر زندانی و محبوس شدند پس از مدّتی که بیرون آمدند یکی از آن ها چاق و فربه شده بود ولی دیگری لاغر و ضعیف. موسی بن عمران به آن فربه گفت در اثر چه عاملی چنین سمین و فربه و خندان و خوشحالی گفت در اثر حسن ظنّ به خدا. به دیگری گفت چه شده است که این چنین ناراحت و نحیف و لاغر گشته ای؟ گفت از جهت خوف و ترس از خدا.

موسی بن عمران (علیه السلام) دست به سوی آسمان دراز نموده و عرضه داشت: پروردگارا! تو گفتار هر دو را شنیدی می خواهم بدانم کدام یک از این دو نفر در نزد تو بهتر است. وحی شد به موسی آن کس که دارای حسن ظنّ به من است.

۷۱۷- جامع الأخبار ۳۳۷ ح ۱: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): العفاف زينه البلاء، والتواضع زينه الحسب، والفصاحة زينه الكلام، والعدل زينه الإيمان، والسكينة زينه العبادة، والحفظ زينه الرواية، وحفظ الحجاج زينه العلم، وحسن الأدب زينه العقل، وبسط الوجه زينه الحلم، والإيثار زينه الزهد، وبذل الموجود زينه اليقين، والتقلل زينه القناعة، وترك المن زينه المعروف، والخشوع زينه الصلاة، وترك ما لا يعنى زينه الورع.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: عفت آرایش بلاست، فروتنی آرایش حسب است، فصاحت آرایش سخن است، عدالت آرایش ایمان است، وقار آرایش بندگی است، حفظ کردن آرایش روایت است، نگهداری دلیل و برهان آرایش دانش است، ادب نیکو آرایش خرد است، گشاده روئی آرایش بردباری است، از خود گذشتن آرایش زهد است، انفاق کردن آن چه هست آرایش یقین است، اندک خرج کردن آرایش قناعت است، منت نکردن آرایش نیکی است، خاشع بودن آرایش پارسائی است.

۷۱۸- جامع الأخبار ۳۴۳ ح ۱: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): عشرون خصله تورث الفقر: أولها القيام من الفراش للبول عرياناً، والأكل جنباً، وترك غسل اليدين عند الأكل، وإهانة الكسره من الخبز، وإحراق الثوم والبصل، والقعود على أسكفه البيت، وكنس البيت بالليل وبالثوب، وغسل الأعضاء في موضع الاستنجاء، ومسح الأعضاء المغسوله بالمنديل والكُم، ووضع القِصاع والأواني غير مغسوله، ووضع أواني الماء غير مُغطاه الرؤوس، وترك بيوت العنكبوت في المنزل، والاستخفاف بالصلاه، وتعجيل الخروج من المسجد، والبكور إلى السوق، وتأخير الرجوع عنه إلى العشاء، وشراء الخبز من الفقراء، واللعن على الأولاد، والكذب، وخطاطه الثوب على البدن، وإطفاء السراج بالنفس.

پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بیست خصلت است که موجب فقر است:

اول برخاستن از خواب از برای بول برهنه، و خوردن در حال جنابت، و ترک شستن دست در وقت طعام خوردن، و خوار داشتن خورده‌ی ریزه نان، و سوزانیدن سیر و پیاز، و نشستن در آستانه‌ی خانه، و جاروب کردن خانه در شب، و با لباس جاروب نمودن، و شستن اعضا وضو در توالت، و خشک کردن اعضا وضو با دستمال همراه و آستین (چرا که معمولاً کثیف هستند)، و گذاشتن کاسه‌ها و ظرف‌های نشسته در شب، و گذاشتن ظرف آب سر ناپوشیده، و گذاشتن خانه‌ی عنكبوت در خانه، و سبک داشتن نماز از برای دنیا، و تعجیل در بیرون رفتن از مسجد، و صبح رفتن در بازار و دیر بازگشتن از آن تا شام، و خریدن نان از درویشان، و نفرین کردن بر فرزندان، و دروغ، و دوختن جامه در بدن، و خاموش کردن چراغ به نفس.

۷۱۹- جامع الأخبار ۳۴۳ ح ۲: وفي خبر آخر: والبول في الحمام، والأكل على الجشاء، والتخلل بالطرفاء، والنوم بين العشاءين، والنوم قبل طلوع الشمس، وردّ السائل الذكر بالليل، وكثرة الاستماع إلى الغناء، واعتياد الكذب، وترك التقدير في المعيشه، والتمسّط من قيام، واليمين الفاجره، وقطيعه الرحم.

و در خبر دیگر پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: (آن چه موجب فقر است عبارتند از:) بول کردن در حمام، و خوردن در حال سیری که باد از گلو بیرون آید، و

خلال کردن به چوب گرز، و خوابیدن میان مغرب و عشاء، و خوابیدن وقت صبح پیش از برآمدن آفتاب، و باز گردانیدن مرد سائل در شب، و بسیار گوش دادن به غنا و خوانندگی، و عادت کردن به دروغ، و ترک اندازه در معیشت، و ایستاده موی شانه کردن، و سوگند دروغ، و بریدن از خویشان.

۷۲۰- الدعوات ۲۰ ح ۱۵: قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْمَلْحِينَ فِي الدَّعَاءِ.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند کسانی را که در کارِ دعا اصرار می ورزند دوست دارد.

۷۲۱- جامع الأخبار ۳۶۰ ح ۳: عن علی بن الحسین (علیهما السلام): أَنَّهُ جَاءَهُ رَجُلٌ وَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا أَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ، فَعَظَنِي بِمَوْعِظَةٍ، فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ: فَأَوَّلُ ذَلِكَ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ، وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ. وَالثَّانِي: أَخْرِجْ مَنْ وَلايَهُ اللَّهُ، وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ. وَالثَّلَاثُ: أَطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ، وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ. وَالرَّابِعُ: إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنِ نَفْسِكَ، وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ. وَالخَامِسُ: إِذَا أَدْخَلَكَ مَلِكُ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ، وَأَذْنِبْ مَا شِئْتَ.

روایت شده که مردی خدمت حضرت حسین (علیه السلام) رسیده و گفت: من شخصی گناه کارم که نمی توانم خود را از معصیت نگهدارم مرا پند و اندرزی بده آن حضرت فرمودند: پنج کار را انجام مده، بعد هر گناهی مایلی بکن:

اول از رزق و روزی خدا نخور هر گناهی مایلی بکن. دوم از ولایت خدا خارج شو هر گناهی می خواهی بکن. سوم جایی را پیدا کن که خدا تو را نبیند هر چه می خواهی بکن. چهارم وقتی ملک الموت برای قبض روح تو آمد از او جلوگیری بکن هر گناهی می خواهی بکن. پنجم وقتی ملک دوزخ تو را داخل جهنم کرد داخل نشو هر گناهی مایلی انجام ده.

۷۲۲- مشکاه الأنوار ۱۱۹ ح ۳: عن موسى بن جعفر (عليهما السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ لَا يَسْتَتِمُ إِلَّا بِتَعْجِيلِهِ وَسْتِرِهِ وَتَصْغِيرِهِ، فَإِذَا أَنْتَ عَجَلْتَهُ فَقَدْ هَنَأْتَهُ، وَإِذَا أَنْتَ صَغَّرْتَهُ فَقَدْ عَظَّمْتَهُ، وَإِذَا أَنْتَ سَتَرْتَهُ فَقَدْ أَتَمَّمْتَهُ.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: کار نیک تمام نمی شود مگر به تعجیل، مخفی نمودن

و کوچک شمردن آن؛ پس زمانی که سریع آن را انجام دادی بر تو گوارا می شود و زمانی که آن را کوچک شمردی در واقع آن را بزرگ شمرده ای و زمانی که آن را مخفی نمودی آن را کامل کرده ای.

۷۲۳- روضه الواعظین ۴۲۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لا تجعلن أكثر شغلك بأهلك وولدك فإن يكن أهلك وولدك أولياء الله، فإن الله لا يضيع أوليائه، وإن يكونوا أعداء الله فما همك وشغلك بأعداء الله؟

علی (علیه السلام) فرمودند: اوقات خود را تمام صرف اهل بیت و بچه های نکن اگر خانواده ات اولیاء خدا هستند که خداوند دوستان خود را رها نمی کند و اگر دشمنان خدا می باشند پس در این صورت با دشمنان خدا چکار داری که همه ی اوقات خود را صرف بهبود زندگی آن ها می کنی.

۷۲۴- کتاب المؤمن ۳۹ ح ۹۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لكل شيء شيء يستريح إليه، وإن المؤمن يستريح إلى أخيه المؤمن كما يستريح الطير إلى شكله.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر چیزی به چیزی آسایش دارد و مؤمن به برادر مؤمنش آساید، چنان چه پرنده به هم شکلان خود.

۷۲۵- مشکاه الأنوار ۲۰۴ ح ۱۰: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أراد أن يعمل بشيء من الخير فليدم عليه سنة ثم إن شاء فليدم وإن شاء فليترك.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس بخواهد کار خیری را انجام دهد پس آن را تا یک سال ادامه دهد، سپس اگر خواست باز ادامه دهد و اگر خواست آن را ترک نماید.

۷۲۶- المحاسن ۱/۲۶۶ ح ۳۵۰: صالح بن الحكم قال: سمعت رجلاً يسأل أبا عبد الله (عليه السلام) عن الرجل يقول: إنني أودك فكيف أعلم أنه يودني؟ قال: امتحن قلبك فإن كنت تودّه فإنه يودك.

صالح بن حکم گفت: شنیدم مردی از امام صادق (علیه السلام) می پرسد کسی می گوید: من تو را دوست دارم من چگونه بدانم که او مرا دوست دارد؟ فرمودند: به

دلت رجوع کن اگر دوستش داری دوستت دارد.

۷۲۷- الکافی ۲/۶۷۲ ح ۲: عن سيف بن هارون مولى آل جعده قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): اكتب بسم الله الرحمن الرحيم من أجود كتابك ولا تمدّ الباء حتى ترفع السنين.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بسم الله را به خط خوبی بنویسید و بآ آن را نکشید تا این که سین آن کشیده شود.

۷۲۸- روضه الواعظین ۴۱۸: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): والذى نفسى بيده لا تدخلوا الجنة حتى تؤمنوا ولا تؤمنوا حتى تحابّوا أولا أدلّكم على شيء إذا فعلتموه تحاببتم؟ أفشوا السلام بينكم.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: «سوگند به ذاتی که جانم در دست [قدرت] اوست، به بهشت در نمی آید مگر آن که ایمان آورید و ایمان نیارید مگر آن که همدیگر را دوست بدارید.

آیا شما را بر چیزی رهنمون شوم که چون آن را انجام دهید، همدیگر را دوست بدارید؟ [آن این است که] سلام را در میان خویش آشکارا سازید».

۷۲۹- مشکاه الأنوار ۲۶۲ ح ۱۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الزهه في عشره: في المشى، والركوب، والارتماس في الماء، والنظر إلى الخضرة، والأكل والشرب، والنظر إلى المرأة الحسنة، والجماع، والسواك، وغسل اليدين بالخطمي في الحمام وغير الحمام، ومحادثه الرجال.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: در ده چیز خرمی و نشاط هست: در راه رفتن، سواری نمودن، فرو رفتن در آب، نگاه کردن بر سبزه، خوردن و آشامیدن، نگریستن به زن زیبا، زناشوئی، مسواک کردن، شستن دست با خطمی در حمام، و گفتگو نمودن مردان با یکدیگر.

۷۳۰- مشکاه الأنوار ۳۱۵ ح ۴: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إنّ الرفق لم يوضع على شيء إلا زانه، ولا نزع عن شيء إلا شانه.

پیامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: وفق و مدارا کردن بر چیزی واقع نمی شود؛ مگر آن که آن را زینت می دهد و از چیزی جدا نمی شود مگر این که آن را زشت می کند.

۷۳۱- مشکاه الأنوار ۳۳۷ ح ۲۹: عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: المؤمن الذي يخالط الناس ويصبر على أذاهم أعظم أجراً من الذي لا يخالطهم ولا يصبر على أذاهم.

رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) می فرمودند: مؤمنی که با مردم معاشرت می کند و آزار آنان را تحمل می کند در پیشگاه الهی اجرش بزرگ تر است از آن مؤمنی که با مردم معاشرت ندارد و بر اذیت آن ها صبر نمی کند.

۷۳۲- مشکاه الأنوار ۳۹۳ ح ۱۳: عن الباقر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): مروءه الرجل خلقه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مردانگیِ مرد اخلاق او است.

۷۳۳- مصباح المتهدد ۶۶۴: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):...، وتالله لو انماثت قلوبكم انميائاً وسالت من رهبه الله عيونكم دماً ثم عمرتم عمر الدنيا على أفضل اجتهاد وعمل، ما جزت أعمالكم حق نعمه الله عليكم ولا استحققتم الجنة بسوى رحمه الله ومنه عليكم، الخير.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: به خدا قسم اگر قلب ها آب شوند و از ترس خدا اشک ها جاری گردند سپس تمام عمر دنیا را با بهترین عمل و جهاد عمر کنید اعمال شما حق نعمت خدا بر شما را ادا نمی کند، و جز با رحمت و منت خدا بر شما مستحق بهشت نمی گردید.

۷۳۴- جامع الأخبار ۱۸۷ ح ۱۵: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): يقول الكلب: الحمد لله الذي خلقني كلباً ولم يخلقني خنزيراً، ويقول الخنزير: الحمد لله الذي خلقني خنزيراً ولم يخلقني كافرأً، ويقول الكافر: الحمد لله الذي خلقني كافرأً ولم يجعلني منافقأً، والمنافق يقول: الحمد لله الذي خلقني منافقأً ولم يخلقني تارك الصلاة.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سگ می گوید: خدا را شکر که مرا سگ خلق کرد نه خوک، و خوک می گوید که خدا را شکر که مرا خوک خلق کرد نه کافر، و کافر می گوید خدا را شکر که مرا کافر خلق کرد نه منافق، و منافق می گوید که خدا را شکر که من را منافق خلق کرد نه ترک کننده ی نماز.

۷۳۵- الکافی ۵/۳۱ ح ۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، وحرمة الجار على الجار كحرمة أمه وأبيه، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: حرمت همسایه بر همسایه به مانند حرمت مادر و پدر اوست.

۷۳۶- الکافی ۲/۲۷۱ ح ۱۴: عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ العبد يسأل الله الحاجة فيكون من شأنه قضاءها إلى أجل قريب أو إلى وقت بطيء، فيذنب العبد ذنباً فيقول الله تعالى: للملك لا تقض حاجته واحرمه إياها، فإنه تعرض لسخطي واستوجب الحرمان مني.

امام باقر (عليه السلام) می فرمودند: همانا بنده از خدا حاجتی می خواهد که اقتضا دارد، زود یا دیر برآورده شود (زیرا حاجت مشروع است و شرایط دعا موجود) سپس آن بنده گناهی مرتکب می شود، و خدای (تبارک و تعالی) به فرشته می فرماید: حاجتش را روا مکن و او را از آن محروم دار: زیرا در معرض خشم من در آمد و سزاوار محرومیت من گشت.

۷۳۷- عیون أخبار الرضا (عليه السلام) ۱/۷۰ ح ۲۸۴: بهذا الإسناد عن علي (عليه السلام)، قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): من قتل حيّه فقد قتل كافراً.

علی (عليه السلام) از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) روایت کرده نمودند که فرمودند: هر کس بکشد ماری را چنان است که کافری را کشته باشد.

۷۳۸- الخصال ۷۶ ح ۱۱۹: عن سالم، عن أبيه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا حسد إلا في اثنتين رجل آتاه الله مالاً فهو ينفق منه آثناء الليل وآثناء النهار، ورجل آتاه الله القرآن فهو يقوم به آثناء الليل وآثناء النهار.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: حسد جز به دو نفر روا نیست، یکی به شخصی که خداوند قرآن را نصیب او کرده و با آن در لحظات شب و روز به عبادت بر می خیزد و دیگر شخصی که خداوند مالی به او عطا نموده، و او آن را در همه لحظات شب و روز انفاق می کند (یعنی هر زمان که کسی بدان نیاز داشته باشد نیازش را برطرف می کند).

۷۳۹- الأمالی للصدوق ۶۱۳: فیما وعظ الله (تبارک و تعالی) به عیسی بن مریم:....، واعلم أنّ رأس کلّ خطیئه وذنّب حبّ الدنیا، فلا تحبّها فإتی لا أحبّها، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از مواعظ خداوند به عیسی بن مریم آن است که: بدان که ریشه‌ی هر خطا و گناهی حبّ به دنیاست، پس دنیا را دوست مدار چون من نیز آن را دوست نمی دارم.

۷۴۰- الکافی ۸/۲۳: قال الباقر (علیه السلام):....، فی خلاف النفس رشدک، الخبر.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: در مخالفت نفس رشد و شکوفایی تو است.

۷۴۱- الکافی ۸/۱۴۶ ح ۱۲۲: عن مالک الجهنی قال: قال لی أبو عبد الله (علیه السلام): یا مالک! أما ترضون أن تقیموا الصلاه وتؤتوا الزکاه وتکفّوا وتدخلوا الجنّه؟ یا مالک! إنّه لیس من قوم ائتموا به امام فی الدنیا إلاّ جاء یوم القیامه یلعنهم ویلعنونه إلاّ أنتم ومن کان علی مثل حالکم، یا مالک! إنّ المیت والله منکم علی هذا الأمر لشهید به منزله الضارب بسیفه فی سبیل الله.

مالک جهنی می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای مالک! آیا خشنود نیستید که نماز بپا می دارید و زکات می دهید و خویشان دار هستید و به بهشت می روید.

ای مالک! همانا این مردم کسانی نیستند که در دنیا از یک امام باطل پیروی کنند مگر آن که روز رستخیز بیاید و آنان را لعنت کند و ایشان هم او را لعنت کنند جز شما و کسانی که وضعی چونان شما دارند.

ای مالک! به خدا سوگند مُرده‌ی شما در این امر چونان شهیدی است که در راه خدا شمشیر زده است.

۷۴۲- الکافی ۲/۱۰۱ ح ۱۳: عن أبی عثمان القابوسی، عمّن ذکره، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إنّ الله تعالی أعار أعداءه أخلاقاً من أخلاق أولیائه لیعیش أولیاءه مع أعدائه فی دولاتهم. وفی روایه أخرى: ولولا ذلك لما ترکوا ولیاً لله إلاّ قتلوه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدای تعالی پاره‌ئی از اخلاق دوستانش را به دشمنانش عاریه می دهد تا دوستانش بتوانند در زمان دولت دشمنانش زندگی کنند. و

در روایت دیگر است که: اگر چنین نبود همه‌ی دوستان خدا را می‌کشتند.

۷۴۳- الکافی ۲/۲۳۸: خطب الناس الحسن بن علی (صلوات الله علیهما) فقال:....، فعليکم بمثل هذه الأخلاق الکریمه إن أطقتموها، فإن لم تطيقوها کلها فأخذ القليل خیر من ترک الكثير.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در خطبه‌ی ای فرمودند: بر شما باد به مثل این اخلاق کریمه (یعنی اخلاق پیامبر) اگر می‌توانید و اگر بر همه‌ی آن توانایی ندارید پس برخورداری از مقدار کمی از آن بهتر از ترک همه‌ی آن است.

۷۴۴- الکافی ۲/۴۹۶ ح ۴: عن أبي حمزه الثمالي، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: مكتوب في التوراه التي لم تغير أن موسى (عليه السلام) سأل ربه فقال: يا رب! أقریب أنت مني فأناجيك أم بعيد فأناديك، فأوحى الله (عزوجل) إليه: يا موسى! أنا جليس من ذكرني، فقال موسى: فمن في سترک يوم لا ستر إلا سترک؟ فقال: الذين يذكرونني فأذکرهم ويتحابون في فأحبهم فأولئك الذين إذا أردت أن أصيب أهل الأرض بسوء ذکرتهم فدفعت عنهم بهم.

از ابی حمزه ثمالی، از امام باقر (علیه السلام) که فرمودند:

در توراتی که تحریف نشده است نوشته است که: موسی (علیه السلام) از پروردگارش درخواستی کرد، عرض کرد: پروردگارا! تو نزدیکی به من، تا با تو راز گویم؟ یا دوری تا به تو فریاد کنم؟ خدا (عزوجل) به او وحی کرد: ای موسی! من همنشین آن کسی هستم که مرا یاد کند.

پس موسی عرض کرد: کیست در پناه تو روزی که جز پناهت پناهی نیست؟ فرمودند: آن کسانی که مرا یاد می‌کنند و من هم آن‌ها را یاد می‌کنم و در راه من با هم دوستی می‌کنند و من هم آن‌ها را دوست می‌دارم، آنانند که چون خواهم به مردم روی زمین بلا و بدی برسانم برای خاطر آنان از همه‌ی آنان دفاع می‌کنم.

۷۴۵- الکافی ۲/۱۳۵: ابن أبي يعفور قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول:....، واعلم أن كل فتنه بدؤها حب الدنيا ولا تغبط أحداً بكثره المال فإن مع كثره المال تكثر الذنوب لواجب الحقوق، ولا تغبطن أحداً برضى الناس عنه، حتى تعلم أن الله راض عنه ولا تغبطن مخلوقاً بطاعه الناس له،

فإن طاعة الناس له واتباعهم إياه على غير الحق هلاك له ولمن اتبعه.

ابن ابی یعفر می گوید: شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: بدان که آغاز هر فتنه ئی محبت دنیا است، و به مال زیاد هیچ کس غبطه مبر؛ زیرا مال بسیار مایه‌ی گناه بسیار است به خاطر حقوق واجبه. و به حال کسی که مردم از او خوشنودند غبطه مبر، تا بدانی خدا هم از او خوشنود است. و نیز به حال مخلوقی که مردم از او اطاعت کنند غبطه مبر؛ زیرا اطاعت و پیروی ناحق مردم از او باعث هلاکت او و پیروانش باشد.

۷۴۶- الأمالی للصدوق ۶۰۱ ح ۴: عن مقاتل بن سلیمان، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): لَمَّا صعد موسى (عليه السلام) إلى الطور فناجى ربه (عزوجل) قال: يا رب! أرني خزائنك. قال: يا موسى! إنما خزائني إذا أردت شيئاً أن أقول له كن فيكون.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون موسی به طور برای مناجات رفت عرض کرد: پروردگارا! خزائن خود را به من بنما، خداوند فرمود: ای موسی! خزائن من همین است که هر چه خواهم گویم: ایجاد شو پس می شود.

۷۴۷- الأمالی للصدوق ۶۰۱ ح ۵: عن جابر بن يزيد الجعفی، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام)، قال: قال موسى بن عمران:....، يا رب! أوصني، قال: أوصيك بي، ثلاثاً. قال: يا رب! أوصني. قال: أوصيك بأمك. قال: يا رب! أوصني. قال: أوصيك بأمك. قال: يا رب! أوصني. قال: أوصيك بأبيك. قال: فكان يقال لأجل ذلك، إنَّ للأُم ثلثي البرِّ، وللأب الثلث.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: موسی بن عمران گفت: خدایا مرا سفارشی کن، خداوند سه مرتبه فرمودند: تو را به خودم سفارش می کنم. موسی بن عمران گفت: خدایا مرا سفارشی دیگر کن، خداوند فرمودند: تو را به مادرت سفارش می کنم، موسی بن عمران گفت: خدایا مرا سفارشی دیگر کن، خداوند فرمودند: تو را به مادرت سفارش می کنم. موسی بن عمران گفت: مرا سفارشی دیگر کن؛ خداوند فرمودند: تو را به پدرت سفارش می کنم؛ چرا که برای مادر دو سوم نیکی است و برای پدر یک سوم.

۷۴۸- الجواهر السّیّیه ۷۰: عن ابن مسکّان، عن أبی عبد اللّٰه، عن أبیه، عن علیّ بن الحسین (علیهما السلام) قال: مرّ موسی (علیه السلام) برجل وهو رافع یدیه یدعو فغاب فی حاجته سبعة آیّام ثمّ رجع إلیه وهو رافع یدیه إلی السماء یدعو، فقال: یا ربّ! أهذا عبدک رافع یدیه إلیک یسألک حاجه ویسألک المغفره منذ سبعة آیّام لا تستجیب له، قال: فأوحی اللّٰه إلیه یا موسی! لو دعانی حتی تسقط یداه أو تنقطع یداه أو ینقطع لسانه لم أستجب له حتی یأتینی من الباب الذی أمرته.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: روزی موسی (علیه السلام) بر مردی گذشت و مشاهده کرد دست هایش را به سمت آسمان بلند کرده و مشغول دعاست، پس موسی از آن مرد گذشت و بعد از هفت روز دوباره بر وی گذشت و دید که مانند دفعه‌ی قبل مشغول دعاست.

پس گفت خدایا! هفت روز است که این بنده از تو حاجتی می‌خواهد و طلب مغفرت می‌نماید پس چرا اجابتش نمی‌نمایی؟ پس خداوند به موسی وحی کرد ای موسی! اگر مرا بخواند تا دست هایش قطع شود و یا زبانش لال گردد او را اجابت نمی‌کنم تا این که از همان دری مرا بخواند که به او امر کرده‌ام (یعنی باید حجّت مرا که تو باشی بپذیرد و طبق دستور من دعا نماید).

۷۴۹- عدّه الداعی ۱۰۷: فیما أوحی اللّٰه إلیه (علیه السلام): یا موسی! الفقیر من لیس له مثلی کفیل، والمریض من لیس له مثلی طیب، والغریب من لیس له مثلی مؤنس، ویروی حبیب، یا موسی! ارض بکسیره من شعیر تسدّ بها جوعتک وبخرقه تواری بها عورتک واصبر علی المصائب، وإذا رأیت الدنیا مقبله علیک فقل: {إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ} (۱)، عقبه قد عجلت فی الدنیا، وإذا رأیت الدنیا مدبره عنک فقل: [مرحباً بشعار الصالحین]، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله وحی خدای تعالی که به حضرت موسی فرمود این است که: ای موسی! فقیر کسی است که بسان من کفیل نداشته باشد، و مریض کسی است که مثل من طیب نداشته باشد، و غریب کسی است که به مثل من مؤنس و یاور نداشته باشد (در روایتی دوست هم آمده).

ای موسی! به پاره ای نانِ جو که گرسنگی را بنشانند قانع شو و به پاره لباسی برای پوشاندن عورتت بسنده کن و بر مصیبت‌ها صبر کن، وقتی دنیا را روی آور دیدی بگو: {إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ}: عقوبتی دنیوی است که خدای تعالی می‌خواهد در دنیا انجام دهد. وقتی دنیا را روی گردان دیدی بگو خوشا به لباس صالحان (که روی گردانی از دنیا است).

۷۵۰- المزار للمشهدی ۵۸۶: زیاره آخری له: لو تطاولت الدهور وتمادت الأعمار لم أزد فیک إلا یقیناً ولک إلا حباً وعلیک إلا متکلاً ومعتمداً ولظهورک إلا متوقّعا ومنتظراً ولجهدی بین یدیک مترقّباً.

در یکی از زیارات امام زمان خطاب به آن حضرت می‌گوئیم: اگر روزگار به درازا بکشد و عمرها طولانی شود، جز این نیست که یقین و محبت من به تو زیاد می‌گردد، و توکل و اعتماد من فقط به توست، و ظهورت را متوقع و منتظرم و برای جهاد در پیشاپیش تو لحظه شماری می‌کنم.

۷۵۱- الجواهر السّیة ۷۳: قال: روی أنّ موسی مرّ برجل وهو یبکی ثمّ رجع وهو یبکی فقال: إلهی عبدک یبکی من مخافتک، فقال: یا موسی! لو نزل دماغه من دموع عینیه لم أغفر له وهو یحبّ الدنیا.؟؟؟؟ جمله کعب الاحبار حذف شود

از کعب الاحبار نقل شده که گفته: در تورات نوشته شده: ای موسی! هر کس مرا دوست بدارد، مرا فراموش نمی‌کند و هر کس به احسان من امیدوار باشد، در سؤال از من سماجت و اصرار می‌کند.

ای موسی! من هرگز از بندگانم غافل نیستم. ولی دوست دارم که ملائکه‌های من صدای ناله‌ی دعای بندگانم را بشنوند.

روایت شده که موسی به مردی (علیه السلام) برخورد که گریه می‌کرد از او رد شد. دوباره موقع برگشتن هم دید گریه می‌کند. عرض کرد: خداوندا، بنده‌ای از خوف تو می‌گرید. خطاب آمد: ای موسی! اگر مغزش با اشک‌های چشمانش مخلوط بشود و بیرون بیاید من او را نمی‌بخشم زیرا او دنیا را دوست می‌دارد.

۷۵۲- الجواهر السّیّیه ۷۵: روی ابن فهد أيضاً فی کتاب التحصین وصفات العارفين:.... وأوحى الله إلى موسى (عليه السلام) لا تركنن إلى حبّ الدنيا، فلن تأتيني بكبيره هي أشدّ منها.

خداوند به موسی وحی فرمود: که حبّ دنیا را در قلبت جا مده، چون در نزد من گناهی بزرگ تر از حبّ دنیا نیست.

۷۵۳- الدعوات ۱۶۹ ح ۴۷۱: قال النبیّ (صلی الله علیه و آله و سلم): يقول الله (عزوجل): من لم یرض بقضائی، ولم یشکر لنعمائی، ولم یصبر علی بلائی، فلیتخذ ربّاً سوائی.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای تعالی می فرماید: هر کس به قضای من راضی نیست و نعمت های من را شکر نمی کند و بر بلای من صبر نمی نماید، پس خدایی غیر من برای خود انتخاب کند.

۷۵۴- الکافی ۲/۲۴۶ ح ۶: عن منصور الصیقل والمعلی بن خنیس قالان: سمعنا أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): قال الله (عزوجل):... ولو لم یکن فی الدنیا إلاّ واحد من عبیدی مؤمن لاستغنیت به عن جمیع خلقی ولجعلت له من إیمانه أنساً لا یستوحش إلى أحد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند که خدای تعالی فرمودند: اگر در دنیا نباشد مگر یک بنده مؤمن، او را از جمیع خلقم بی نیاز می سازم، و ایمان او را انس او قرار می دهم تا از احدی نهراسد.

۷۵۵- الأمالی للصدوق ۵۷۷ ح ۲: عن مروان بن مسلم، قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام): حدّثنی أبی، عن آبائه (عليهم السلام)، عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، قال: قال الله جلّ جلاله: أیما عبد أطاعنی لم أكله إلى غیری، وأیما عبد عصانی وکلته إلى نفسه، ثمّ لم أبال فی أئی واد هلك.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای جلّ جلاله فرماید هر بنده مرا فرمان برد به دیگری واگذارش نکنم و هر بنده مرا نافرمانی کند او را به خودش واگذارم و باک ندارم که در کدام سو نابود شود.

۷۵۶- الأمالی الطوسی ۳۳۶ ح ۲۲: حدّثنا داود، قال: حدّثنی علی بن موسی، عن أبیه، عن جعفر بن محمد، عن أبیه، عن علی بن الحسین، عن أبیه، عن علی (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إذا کان یوم القیامه یقول الله (تبارک و تعالی) لملك الموت: وعزّتی وجلالی وارتفاعی فی علوّ مکانی لأذیقنک

طعم الموت كما أذقت عبادي.

علی بن موسی از پدرش از پدرانیش از حضرت علی (علیهم السلام) از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کردند که فرمودند: وقتی که روز قیامت شروع می شود، خداوند به ملک الموت می فرماید: به عزت و جلالم سوگند، حتماً طعم مرگ را به تو هم خواهم چشاند همان طوری که تو طعم آن را به بندگانم چشاندی.

۷۵۷- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۲۳: قال أمير المؤمنين:....، ولقد سمعت محمداً (صلی الله علیه و آله و سلم) يقول: إنّه كان فيما مضى قبلکم رجلان أحدهما مطيع لله مؤمن والآخر كافر به مجاهر بعداوه أوليائه وموالاه أعدائه، ولكل واحد منهما ملك عظيم في قطر من الأرض، فمرض الكافر فاشتهى سمكه في غير أوانها؛ لأن ذلك الصنف من السمك كان في ذلك الوقت في اللجج حيث لا يقدر عليه، فأيسته الأطباء من نفسه وقالوا له: استخلف علي ملكك من يقوم به، فليست بأخلد من أصحاب القبور، فإن شفاءك في هذه السمكه التي اشتيتها، ولا سبيل إليها، فبعث الله ملكاً وأمره أن يزجج البحر بتلك السمكه إلى حيث يسهل أخذها فأخذت له تلك السمكه فأكلها، فبرء من مرضه، وبقي في ملكه سنين بعدها. ثم إن ذلك المؤمن مرض في وقت كان جنس ذلك السمك بعينه لا يفارق الشطوط التي يسهل أخذه منها، مثل عله الكافر، واشتهى تلك السمكه، ووصفها له الأطباء، فقالوا: طب نفساً، فهذا أوانها تؤخذ لك فتأكل منها، وتبرأ، فبعث الله ذلك الملك وأمره أن يزجج جنس تلك السمكه كله من الشطوط إلى اللجج لئلا يقدر عليه فيؤخذ حتى مات المؤمن من شهوته، لعدم دوائه، فعجب من ذلك ملائكة السماء وأهل ذلك البلد في الأرض حتى كادوا يفتنون لأن الله تعالى سهل على الكافر ما لا سبيل إليه، وعسر على المؤمن ما كان السبيل إليه سهلاً، فأوحى الله (عز وجل) إلى ملائكة السماء وإلى نبي ذلك الزمان في الأرض: إني أنا الله الكريم المتفضل القادر، لا يضرنني ما أعطى، ولا ينفعني ما أمنع، ولا أظلم أحداً مثقال ذره، فأما الكافر فإنما سهلت له أخذ السمكه في غير أوانها، ليكون جزاء على حسنه كان عملها، إذ كان حقاً عليّ أن لا أبطل لأحد حسنه حتى يرد القيامه ولا حسنه في صحيفته، ويدخل النار بكفره. ومنعت العابد تلك السمكه بعينها، لخطيئه كانت منه أردت تمحيصها عنه به منع تلك الشهوه، إعدام ذلك الدواء، ليأتين ولا ذنب عليه، فيدخل الجنة، الخير.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: شنيدم محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند:

پیش از شماها دو مرد بودند: یکی فرمانبر خدا، و دیگری کافر به او، و آشکارا با دوستان او دشمنی می کرد و با دشمنانش دوستی، و هر کدام در

پهنای زمین پادشاهی بزرگ بودند. آن کافر بیمار شد و دلش در بی وقت یک ماهی خواست؛ زیرا این بخش از ماهی در آن گاه در ژرف های دریا بود و بدان دسترسی نبود، و پزشک هایش از زندگی نومید کردند و گفتند برای خود جانشینی بگمار، تو ماندنی تر نیستی از آن ها که در گور شدند؛ زیرا درمان تو در این ماهی است که دلخواه تو است و راهی بدان نیست، و خدا یک فرشته فرستاد و فرمودش آن ماهی را براند تا آنجا که آسان باشد گرفتنش، پس گرفتند برایش (آن ماهی را) و خورد و بهتر شد و سال ها در شاهی زیست.

وانگه این شاه مؤمن بیمار شد در وقتی که این ماهی در کناره ها بود و آسان بود گرفتنش و بیماریش چون درد آن کافر بود و دلش همان ماهی را خواست و پزشکان آن را برایش نسخه دادند و گفتند: خوش باش که هنگام شکار آن ماهی است، بگیرند و از آن بخور و بهتر شو، و خدا آن فرشته را فرستاد فرمودش آن جنس ماهی را از کناره ها به ژرف ها راند تا بر آن دست نیابد، و یافت نشد تا آن مؤمن مُرد از خواست آن و نبودن درمان.

فرشته ها در آسمان از آن در شگفت شدند، و اهل آن شهر در زمین تا نزدیک شد از دین برگردند؛ زیرا خدا برای کافر فراهم کرد آن چه راهی بدان نبود، و بر مؤمن دشوار کرد آن چه آسان بود، و خدا به فرشته های آسمان و پیغمبر آن زمان در زمین وحی کرد، که به راستی منم خدای کریم، با فضل و توانا، هر چه دهم زیانم ندارد، و هر چه دریغ کنم مرا نکاهد، و به کسی به اندازهی ذره ستم نکنم.

برای کافر دست یافتن به آن ماهی را بی وقتش آسان کردم به پاداش کار نیکی او؛ زیرا مرا باید که کار نیک کسی را بی مزد نگذارم تا او در رستاخیز آید و حسنه در نامه‌ی عمل خود نیارد و به سزای کفرش به دوزخ رود، و عابد را از آن ماهی معین دریغ کردم برای گناهی که کرده بود، و خواستم

از آن گناه به جلوگیری از این خواهش پاک کنم و به نابود کردن این دارو، تا بی گناه نزد من آید و به بهشت رود.

۷۵۸- الجواهر السّیّیه ۱۹۶:....، یا أحمد! إنّ الورع زین المؤمنین وعماد النّبیّ، إنّ الورع مثله کمثل السفینه کما أن من فی البحر لا ینجو إلّا من کان فیها كذلك لا ینجو الزاهدون إلّا بالورع. یا أحمد! ما عرفنی عبد فخشع، وما خشع لی عبد إلّا خشع له کلّ شیء، الخبر.

خدای تعالی فرمود: یا احمد! همانا ورع زینت مؤمنین و تکیه گاه پیامبر است؛ مثل ورع، مثل کشتی است، همان طور که در دریا جز کسانی که در کشتی هستند نجات نمی یابند همچنین است زاهدان که جز با ورع نجات نمی یابند؛ ای احمد! هیچ بنده ای نیست که مرا بشناسد و خاشع شود مگر این که هر چیزی را مطیع او می گردانم.

۷۵۹- الجواهر السّیّیه ۲۰۱: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: قال الله تعالى: يا أحمد! لو صَلَّى العبد صلاه أهل السماء والأرض ویصوم صیام أهل السماء والأرض وطوی الطعام مثل الملائکه ولبس لباس العاری ثم أرى فی قلبه من حبّ الدنيا ذرّه أو سمعتها أو رئاستها أو حلیتها أو زینتها لا یجاورنی فی داری، ولأنزعنّ من قلبه محبّتی وعلیک سلامی ورحمتی.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خدای متعال خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای احمد! اگر بنده ای به اندازه‌ی نماز اهل آسمان ها و زمین نماز بگذارد و به اندازه‌ی روزه‌ی ایشان روزه بگیرد و از طعام همچون ملائکه دوری گزیند و به خود گرسنگی دهد و همچون مسکین لباس بپوشد سپس در قلبش ذره ای از حبّ دنیا بینم یا بشنوم که از آن بهره مند است و یا به ریاست آن مشغول است و از زیور و زینت آن استفاده می کند او را در خانه‌ی خویش (بهشت) جا نمی دهم و محبّتم را از قلبش خارج می سازم و بر تو باد سلام و رحمت من.

۷۶۰- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۱۳۹ ح ۱۵: حدّثنی أبو محمّد الحسین بن علیّ بن محمّد بن علیّ بن موسی، عن أبیه، عن آبائه (علیهم السلام) قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: لیله أسری بی ربّی (عزوجل)

رأيت في بطنان العرش ملكاً بیده سيف من نور يلعب به كما يلعب علي بن أبي طالب (عليه السلام) بذي الفقار وأن الملائكة إذا اشتاقوا إلى وجه علي بن أبي طالب (عليه السلام) نظروا إلى وجه ذلك الملك فقلت: يا رب! هذا أخي علي بن أبي طالب (عليه السلام) وابن عمي؟ فقال: يا محمّد! هذا ملك خلقتة على صورته على يعبدني في بطنان عرشى تكتب حسناته وتسيححه وتقديسه لعلي بن أبي طالب (عليه السلام) إلى يوم القيامة.

محمّد بن احمد از احمد بن فضل از بكر بن احمد از امام عسکری از پدرش از آباء گرامیش از حسین بن علی (علیهم السلام) روایت کرد که فرمودند: از جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمودند: در شب معراج؛ آن شبی که پروردگارم مرا سبّیر داد، فرشته ای را در میانهی عرش دیدم که شمشیری از نور در دست داشت و با آن بازی می کرد، چنان که علی بن ابی طالب با ذو الفقار بازی می کند، و دیدم فرشتگان هرگاه مشتاق روی علی می شدند، نظر بر رخ آن فرشته می کردند، عرضه داشتم پروردگارا! آیا این برادرم علی بن ابی طالب، پسر عموی من است!

خداوند فرمودند: ای محمّد! این فرشته ای است که او را به صورت علی خلق کرده ام، او در میانهی عرش به عبادت من مشغول است و ثواب حسنات او را از تسبیح و تقدیس همه در نامه ی عمل علی بن ابی طالب مکتوب می شود تا روز قیامت.

۷۶۱- الجواهر السّیّة ۳۱۹: الحسن بن ضوء، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال علي بن الحسين (عليه السلام): قال الله (عزوجل): ما ترددت في شيء أنا فاعله ترددي عن قبض روح المؤمن، يكره الموت وأكره مساءته، فإذا حضره أجله الذي لا تأخير فيه بعثت إليه بريحانيتين من الجنّة تسمي إحداهما المسخّية والأخرى المنسيّة، فأما المسخّية فتسخيه عن ماله، وأما المنسيّة فتنسيه أمر الدنيا.

از حسن بن ضوء از ابو عبد الله از علی بن حسین (عليه السلام) از خداوند متعال، نقل کرده که حضرت حق فرمودهاند: من هر کاری را که می خواهم بکنم در آن تردید نمی نمایم مگر این که در قبض روح بنده ی مؤمنم، تردید می کنم که او از مرگ نفرت داشته باشد و من هم نمی خواهم به او بدی برسد. پس

وقتی که اجل حتمی او می‌رسد، من دو گُل به سوی او می‌فرستم از بهشت که نام یکی از آن‌ها (مسخیه) است و دیگری (منسیه) است. آن مؤمن با بوئیدن گل (مسخیه) نسبت به مالش بی‌علاقه می‌شود و با بوئیدن گل (منسیه) دنیا را از یاد می‌برد بعد من روح او را قبض می‌کنم.

۷۶۲- الأمالی للصدوق ۲۹۹ ح ۱۲: عن زید بن علی، عن أبيه (عليه السلام)، قال: يقول الله (عزوجل): إذا عصاني من خلقي من يعرفني، سلطت عليه من لا يعرفني.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: خدای (عزوجل) می‌فرماید: هر کس از خلقم مرا بشناسد و نافرمانی من کند بر او مسلط کنم کسی را که مرا نشناسد.

۷۶۳- عدّه الداعی ۲۲۳: عن الباقر (عليه السلام) قال: قال الله سبحانه: إنّ من عبادي المؤمنين لمن يسألني الشيء من طاعتي فأصرفه عنه مخافه الإعجاب.

از امام باقر (علیه السلام) منقول است که خدای سبحان می‌فرماید: بعضی از بندگان مؤمن من از من طاعتی را می‌خواهد من او را به خاطر ترس از عجبش از آن طاعت باز می‌دارم.

۷۶۴- مشارق أنوار اليقين ۱۰۰: الربّ العلیّ أنّه يقول: عبدی أظنّی أجعلك مثلی أنا حیّ لا أموت، أجعلك حیاً لا تموت، أنا غنی لا أفتر أجعلك غنیاً لا تفتقر، أنا مهما أشأ یکن أجعلك مهما تشأ یکن.

از قول خداوند بلند مرتبه آمده که می‌فرماید: بنده ام، من را اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم. همان طوری که من زنده هستم و نمی‌میرم تو هم همیشه زنده باشی. همان طوری که من غنی هستم و فقیر نمی‌شوم تو هم همیشه غنی باشی. همان طوری که من هر چه را اراده کنم می‌شود تو را هم همین طور سازم.

۷۶۵- الکافی ۲/۷۳ ح ۳: عن الحسن بن الجهم قال: سمعت أبا الحسن (عليه السلام) يقول: إنّ رجلاً فی بنی اسرائیل عبد الله أربعين سنة ثمّ قرّب قربه آنأ فلم یقبل منه، فقال لنفسه: ما أتیت إلاّ منك وما الذنب إلاّ لك، قال: فأوحى الله (تبارك و تعالی) إليه ذمّك لنفسك أفضل من عبادتك أربعين سنة.

حضرت ابو الحسن (علیه السلام) فرمودند: مردی در بنی اسرائیل چهل سال عبادت خدا

کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد، با خود گفت: این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو گناه کار نیست.

امام فرمودند: خدای (تبارک و تعالی) به او وحی نمود که: نکوهشی که از خود کردی از عبادت چهل سالت بهتر بود.

۷۶۶- بصائر الدرجات ۴۲۷ ح ۱۰: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إن بيننا وبين كل أرض تو را مثل ترّ البناء، فإذا أمرنا في الأرض بأمر جذبنا ذلك التّر، فأقبلت الأرض بقلبيها وأسواقها ودورها حتى تنفذ فيها ما نؤمر به من أمر الله تعالى.

امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا بین ما و هر زمینی شاغولی است همچون شاغول بنا، پس زمانی که حاجتی به چیزی در زمین داشته باشیم آن شاغول را به سوی خود می کشیم و زمین با چاه ها، بازارها و خانه هایش به سمت ما می آید پس آن چه را که از امر الهی بخواهیم در آن جاری می سازیم.

۷۶۷- تحف العقول ۳۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): خصلتان ليس فوقهما من البرّ شيء: الإيمان بالله والنفع لعباد الله، وخصلتان ليس فوقهما من الشرّ شيء: الشرك بالله والضرّ لعباد الله.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دو خصلت نیک است که برتر از آن ها نیست: ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان خدا. دو خصلت ناپسند است که بدتر از آن ها نیست: شرک به خدا و آزار بندگان خدا.

۷۶۸- تحف العقول ۳۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لن يفلح قوم أسندوا أمرهم إلى امرأه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: قومی که اختیار خود را به دست زنان سپارند، روی رستگاری نبینند.

۷۶۹- تحف العقول ۴۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الأناه من الله والعجله من الشيطان.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آرامش و آهستگی از خداوند و عجله و شتاب از شیطان است.

۷۷۰- تحف العقول ۴۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):... لا قول إلا بعمل، ولا قولاً ولا عمل إلا بنية، ولا قول ولا عمل ولا نية إلا بإصابه السنه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: گفتاری بدون کردار مفید نیست، گفتار و کرداری بدون نیت سودمند نیست و گفتار و کردار و نیتی بدون پیروی سنت و رویه‌ی دین ثمربخش نیست.

۷۷۱- تحف العقول ۴۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الأكل في السوق دناءه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: در بازار چیز خوردن از پستی است.

۷۷۲- تحف العقول ۴۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): عجباً للمؤمن لا يقضى الله عليه قضاء إلا كان خيراً له، سرّه أو ساءه إن ابتلاه كان كفّاره لذنبه وإن أعطاه وأكرمه كان قد حباه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: کار مؤمن عجیب است، هیچ تقدیری خدا بر او نکند جز این که به نفعش باشد خوشش آید یا بدش آید، اگر گرفتارش کند کفّاره‌ی گناهش باشد، اگر عطایش بخشد و گرامیش دارد انعامی باشد که به وی داده.

۷۷۳- تحف العقول ۵۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ثلاثه مجالستهم تميت القلب: الجلوس مع الأندال والحديث مع النساء والجلوس مع الأغنياء.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سه چیز قلب را بمیراند: همنشینی با اوباش، گفتگوی با زنان و مجالست با توان‌گران.

۷۷۴- تحف العقول ۵۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أقل ما يكون في آخر الزمان أخ يوثق به، أو درهم من حلال.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: کمیاب‌ترین چیز در آخر الزمان برادر مطمئن و درهم حلال است.

۷۷۵- تحف العقول ۵۷: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): صلوا أرحامكم ولو بالسلام.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: صله‌ی رحم کنید اگر چه به سلام.

۷۷۶- تحف العقول ۵۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يأتي على الناس زمان يكون الناس فيه ذئاباً، فمن لم يكن ذئباً أكلته الذئاب.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: روزی بیاید که مردم گرگ درنده باشند و هر کس گرگ نباشد گرگان او را بدرند.

۷۷۷- تحف العقول ۵۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الزهد فى الدنيا؛ قصر الأمل، وشكر كل نعمه، والورع عن كل ما حرم الله.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: پارسائی و زهد در دنیا: کوتاه کردن آرزو و شکر هر نعمت و پرهیز از آن چه خدا حرام کرده است.

۷۷۸- تحف العقول ۶۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، واستنزلوا الرزق بالصدقه. أبى الله أن يجعل رزق عباده المؤمنين من حيث يحتسبون.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: روزی را با صدقه فرود آرید، خداوند نخواسته که روزی بندگان مؤمن را از راهی که گمان دارند برساند.

۷۷۹- علل الشرائع ۲/۵۵۵ ح ۵: قال تميم بن جذيم: كنا مع عليّ (عليه السلام) حيث توجهنا إلى البصره، قال فبينما نحن نزول إذا اضطربت الأرض فضربها عليّ (عليه السلام) بيده، ثم قال لها: ما لك؟ ثم أقبل علينا بوجهه، ثم قال لنا: أما إنّها لو كانت الزلزله التي ذكرها الله (عزوجل) فى كتابه لأجابتنى ولكنها ليست بتلك.

تمیم بن جذیم می گوید: در مسیر بصره با علی (علیه السلام) همراه بودیم که زمین لرزید و علی (علیه السلام) بر آن دست زد و به او گفت: تو را چه شود؟ آن گاه رو به ما کرده و فرمودند: اگر آن زلزله ای می بود که خدای (عزوجل) در کتابش گفته، به من پاسخ می داد ولی آن نبود.

۷۸۰- تحف العقول ۱۵۱: خطبه عليّ (عليه السلام) المعروفه بالديباج:....، ومحادثه النساء تدعو إلى البلاء وتزيغ القلوب...، وإذا أسىء إليكم فاعفوا واصفحوا كما تحبون أن يعفى عنكم، الخبر.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای معروف به خطبه‌ی دیباج فرمودند: گفتگوی با زنان منجر به نزول بلا و انحراف قلب‌ها می‌گردد، زمانی که به شما بدی

شد عفو کنید و ببخشید همان طور که دوست دارید که شما را عفو کنند و ببخشند.

۷۸۱- تحف العقول ۱۸۶: قال جابر بن عبد الله الأنصاري: كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْنَا: فِي ذَمِّ الدُّنْيَا. فَقَالَ: عَلِيٌّ مِ تَذَمُّ الدُّنْيَا - يَا جَابِرُ -! ثُمَّ حَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: أَمَا بَعْدَ فَمَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذَمُّونَ الدُّنْيَا؟ انْتَحَلُوا الزُّهْدَ فِيهَا. الدُّنْيَا مَنْزِلُ صَدَقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَدَارٌ غَنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَهْبَطٌ وَحْيِهِ وَمَصَلَى مَلَائِكَتِهِ وَمَسْكَنٌ أَحِبَّائِهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ، الْخَبْرُ.

جابر بن عبد الله انصاری گوید: ما همراه امیر مؤمنان (علیه السلام) در بصره بودیم، و پس از فراغت از نبرد با جنگ افروزان (سپاه جمل) در اواخر شب بود که آن حضرت نظری بر ما انداخته و فرمودند: مشغول چه صحبتی هستید؟ گفتیم: در نکوهش دنیا، فرمودند: ای جابر! بر چه چیزی دنیا را بد گوئی می کنید؟ پس حمد و ثنای الهی را به جای آورد آن گاه فرمودند:

اما بعد: پاره ای مردمان را از نکوهش دنیا چه منظوری است؟ و چرا در آن به زهد و بی رغبتی گرایند، در حالی که سرای دنیا جایگاه راستی و صدق است برای کسی که آن را باور کند، و خانه‌ی تندرستی است برای آن کس که درست درکش نماید، و سرای توانگری است برای آن کس که از آن توشه برگیرد، مسجد پیامبران الهی، و محلّ نزول وحی خداست، عبادت گاه فرشتگان و محلّ سکونت دوستان و بازار اولیای حضرت حقّ است.

۷۸۲- تحف العقول ۲۰۲: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنْتُمْ فِي مَهْلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ وَمَعَكُمْ أَمَلٌ يَعْتَرِضُ دُونَ الْعَمَلِ فَاعْتَنِمُوا الْمَهْلَ وَبَادِرُوا الْأَجَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ وَتَزَوَّدُوا مِنَ الْعَمَلِ، هَلْ مِنْ خِلَاصٍ أَوْ مَنَاصٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَجَازٍ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ لَا؟ فَأَنْتِي تَوْفِكُونَ.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شما در دوران مهلتی به سر می برید که به دنبالش مرگ است، همراهتان آرمان هائی است که سدّ راه اعمال است، این مهلت و فرصت را غنیمت شمیرید، بر مرگ سبقت گیرید (تا مرگ نیامده کاری

کنید)، آرزو را دروغ پندارید، از عمل توشه گیرید، آیا راه نجاتی، گریزگاهی راه فراری هست؟ گذرگاهی، سنگری، پناه گاهی می شناسید؟ به کجا می روید؟

۷۸۳- تحف العقول ۲۱۴: قال علی (علیه السلام):...، النظر إلى البخیل یقسی القلب. النظر إلى الأحمق یسخن العین.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نگاه به بخیل سنگ دلی می آورد، نگاه به احمق چشم را تیره می سازد.

۷۸۴- تحف العقول ۲۰۳: قال علی (علیه السلام): العقل خلیل المؤمن؛ والحلم وزیره؛ والرفق والده؛ واللين أخوه؛ ولا بد للعاقل من ثلاث: أن ینظر فی شأنه ویحفظ لسانه ویعرف زمانه. ألا وإنّ من البلاء الفاقه وأشدّ من الفاقه مرض البدن وأشدّ من مرض البدن مرض القلب، ألا وإنّ من النعم سعه المال وأفضل من سعه المال صحّه البدن وأفضل من صحّه البدن تقوی القلب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: رفیق مؤمن عقل است، یاورش: علم، پدرش: مدارا، و برادرش: نرمش. خردمند از سه خصلت ناگزیر است:

۱- باید در وضع خود بیندیشد (صلاح و فساد حال خود را دریابد).

۲- زبانش را نگه دارد.

۳- و زمانش را بشناسد، هان! تنگدستی بلاست، بدتر از تنگدستی بیماری، و بدتر از بیماری مریضی قلب است، هان! رفاه نعمت است، و بهتر از رفاه تندرستی و بهتر از تندرستی، تقوای قلب است.

۷۸۵- تحف العقول ۲۱۲: قال علی (علیه السلام): الدنيا والآخرة عدوان متعاديان وسبيلان مختلفان، من أحبّ الدنيا ووالاها أبغض الآخرة وعادها، مثلها مثل المشرق والمغرب والماشي بينهما لا یزداد من أحدهما قرباً إلاّ ازداد من الآخر بعداً.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دنیا و آخرت دو دشمن آشتی ناپذیر و دو راه مختلف اند، هر کس دنیا را دوست دارد، و به آن دل بندد آخرت را دشمن داشته و از آن دل بریده، دو جهان همانند مشرق و مغرب اند رهرو به هر یک

نزدیک شود از دیگری جز دوری نیفزاید.

۷۸۶- علل الشرائع ۲/۳۵۱ ح ۳: قالت أم جعفر: خرجت مع جدّتي أسماء بنت عميس وعمي عبد الله بن جعفر حتّى إذا كنّا بالضهياء حدّثتني أسماء بنت عميس قالت: يا بنيه! كنّا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) في هذا المكان فصلّى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) الظهر ثمّ دعا علينا فاستعان به في بعض حاجته، ثمّ جاءت العصر، فقام النبيّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فصلّى العصر، فجاء عليّ (عليه السلام) فقعد إلى جنب رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، فأوحى الله إلى نبيه فوضع رأسه في حجر عليّ (عليه السلام) حتّى غابت الشمس لا يرى منها شيء على أرض ولا جبل، ثمّ جلس رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، فقال لعليّ (عليه السلام): هل صليت العصر؟ فقال: لا يا رسول الله! أنبت أنك لم تصلّ فلما وضعت رأسك في حجرى لم أكن لأحرّكه، فقال: اللهمّ إنّ هذا عبدك عليّ احتبس نفسه على نبيّك، فردّ عليه شرقها فطلعت الشمس، فلم يبق جبل ولا أرض إلّا طلعت عليه الشمس، ثمّ قام عليّ (عليه السلام) فتوضّأ وصلّى ثمّ انكسفت.

أمّ جعفر می گوید: با جدّه‌ی خود - أسماء بنت عمیس - و عمویم - عبد الله بن جعفر - خارج شدیم تا به «صیهب» رسیدیم، پس أسماء گفت: دخترم ما با پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در این مکان بودیم که حضرت نماز ظهر را خواندند و سپس علی (عليه السلام) را خوانده و از آن جناب نسبت به برخی از نیازمندی هایش کمک خواستند، پس زمان عصر فرا رسید و آن سرور نماز عصر را خواندند، در این وقت علی (عليه السلام) آمدند و در پهلوى پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) نشستند، پس خدا به رسولش وحی فرستاد و نبی اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) سر به دامان علی (عليه السلام) نهادند تا خورشید غروب کرد و از آن چیزی نه بر زمین و نه بر کوه رؤیت نمی شد، سپس رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نشستند و به علی (عليه السلام) فرمودند: آیا نماز عصر را خوانده‌ای؟

حضرت علیّ (عليه السلام) عرض نمودند: خیر ای رسول خدا! به من خبر دادند که شما نماز نخوانده اید و وقتی سر در دامن من نهادید نخواستم آن را تکان دهم لذا همچنان نشستم تا خورشید غروب کرد، پس پیامبر در مقام دعا بر آمده و به درگاه الهی عرض کردند:

بار خدایا! این علی بنده‌ی تو است که خود را به خاطر پیغمبرت محبوس نمود، پس خورشید را برای او بازگردان، بلافاصله خورشید طلوع کرد و

هیچ کوه و زمینی نبود مگر آن که خورشید بر آن تایید سپس علی (علیه السلام) ایستاده و وضو گرفتند و نماز خواندند، آن گاه خورشید تار شده و غروب نمود.

۷۸۷- تحف العقول ۲۱۵: قال علی (علیه السلام): أيتها الناس! إياكم وحب الدنيا فإنها رأس كل خطيئة وباب كل بليه وقران كل فتنه وداعى كل رزيه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: مردم! از محبت دنیا حذر کنید که سر رشته‌ی هر گناه است، و درب هر گرفتاری، و افسار هر فتنه و باعث هر مصیبت است.

۷۸۸- تحف العقول ۲۱۶: سئل عن علی (علیه السلام): أی شیء ممّا خلق الله أحسن؟ فقال (علیه السلام): الکلام، فقيل: أی شیء ممّا خلق الله أقبح؟ قال: الکلام، ثم قال: بالکلام ابیضت الوجوه وبالکلام اسودت الوجوه.

از امیر المؤمنین (علیه السلام) پرسیدند: از چیزهائی که خدا آفریده کدام زیباتر است؟ فرمودند: گفتار، پرسیدند کدام زشت تر است؟ فرمودند: گفتار، سپس اضافه کردند: گفتار است که روسفیدی آرد و گفتار است که روسیاهی آرد.

۷۷۹- تحف العقول ۲۳۶: قال الحسن المجتبی (علیه السلام): إذا لقی أحدکم أخاه فلیقبل موضع النور من جبهته.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: چون برادری را ملاقات کنید جای نور پیشانیش (یعنی محل سجده) را بیوسید.

۷۹۰- تحف العقول ۲۷۶: قال السجّاد (علیه السلام):...، فانظر لنفسک فإنه لا ينظر لها غیرک وحاسبها حساب رجل مسؤول، الخیر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: به نفس خویش بنگر؛ چرا که غیر تو بدان نمی نگرد و از آن همچون مرد مسئولی حساب بکش.

۷۹۱- تحف العقول ۲۷۸: قال (علیه السلام): الرضى بمكروه القضاء أرفع درجات اليقين.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: خشود بودن به قضای الهی - که ناخوشایند است - بالاترین درجه‌ی یقین می باشد.

۷۹۲- تحف العقول ۲۷۸: قال السَّجَّاد إذا قيل له: من أعظم الناس خطراً؟ فقال (عليه السلام): من لم ير الدنيا خطراً لنفسه.

به امام زین العابدین (علیه السلام) عرض شد: ارزش چه کسی از همه‌ی مردم بیشتر است؟ فرمودند: کسی که دنیا را برای خود با ارزش نداند (یعنی دنیا در نظرش هیچ نیرزد).

۷۹۳- تحف العقول ۲۸۲: قال السَّجَّاد لابنه محمّد (عليهما السلام): افعّل الخیر إلى كلّ من طلبه منك، فإن كان أهله فقد أصبت موضعه وإن لم يكن بأهل كنت أنت أهله. وإن شتمك رجل عن يمينك ثمّ تحوّل إلى يسارك واعتذر إليك فأقبل عذره.

امام زین العابدین (علیه السلام) به فرزندشان امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس از تو چیزی خواست بده اگر اهلش باشد بجا افتاده و اگر او اهل (و مستحق) خیر نباشد تو اهلش باش، و اگر کسی سمت راستت ناسزائی گفت، سپس به سمت چپ آمده معذرت خواست، عذرش را بپذیر.

۷۹۴- تحف العقول ۲۸۳: قال السَّجَّاد (عليه السلام): سبحان من جعل الاعتراف بالنعمة له حمداً. سبحان من جعل الاعتراف بالعجز عن الشكر شكراً.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: منزه است آن خدائی که اعتراف به نعمت را، سپاس قرار داده، منزه است آن خدائی که اقرار به ناتوانی از شکر را به جای شکر پذیرفته.

۷۹۵- بصائر الدرجات ۲۷۴ ح ۳: عن الحارث، قال: خرجنا مع أمير المؤمنين (عليه السلام) حتّى انتهينا إلى العاقول، فإذا هو بأصل شجره قد وقع لحاؤها وبقی عمودها فضربها بیده، ثمّ قال: ارجعی یا ذن اللّٰه خضراء مثمرة، فإذا هی تهتّز بأغصانها الکتّری فقطعنا وأکلنا وحملنا معنا، فلمّا کان من الغد غدونا فإذا نحن بها خضراء فیها الکتّری.

حارث می گوید: با امیر مؤمنان (علیه السلام) به سفر رفتیم تا این که به وادی «عاقول» رسیدیم و در آنجا تنه‌ی درختی را دیدیم که پوستش کنده شده بود، آن حضرت با دست خویش به آن زده و فرمودند: به اذن خدا بر گرد و سبز و

میوه دار شو. درخت، شاخه هایش را به حرکت در آورد و میوه دار شد و ما از آن خوردیم و برای راهمان نیز برداشتیم.

۷۹۶- تحف العقول ۲۹۱: قال الباقر (عليه السلام): خذوا الكلمه الطيبه ممن قالها وإن لم يعمل بها، فإن الله يقول: {الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ} □ الزمر، الآية ۱۸.

۷۹۹- تحف العقول ۲۹۱: قال الباقر (عليه السلام):...، ويلك إنما أنت لصّ من لصوص الذنوب. كلما عرضت لك شهوة أو ارتكاب ذنب سارعت إليه وأقدمت بجهلك عليه، فارتكبه كأنك لست بعين الله أو كأن الله ليس لك بالمرصاد، الخبر.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: وای بر تو! به درستی که تو دزدی از دزدان گناهان هستی، هر زمان شهوتی و یا ارتکاب گناهی بر تو عرضه می شود بدان شتاب نموده و به خاطر جهلت آن را مرتکب شده ای! گویا اصلاً خدا تو را نمی بیند و در کمین تو ننشسته است!

۸۰۰- تحف العقول ۲۹۵: قال الباقر (عليه السلام): اعرف المودّه في قلب أخيك بما له في قلبك.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: محبت خود را در قلب برادرت، با محبت او در قلب خود بیازمای.

۸۰۱- تحف العقول ۲۹۶: قال الباقر (عليه السلام): التواضع الرضا بالمجلس دون شرفه، وأن تسلّم على من لقيت، وأن تترك المرء وإن كنت محقاً.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: تواضع این است که انسان در مجلس به جایی پائین تر از مقام خود رضا باشد، به هر کس رسد سلام کند، و مجادله نکند هر چند بر حق باشد.

۸۰۲- تحف العقول ۲۹۸: قال الباقر (عليه السلام): لا يسلم أحد من الذنوب حتى يخزن لسانه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: هیچ کس از گناه سالم نماند جز این که زبان را نگه دارد.

۸۰۳- تحف العقول ۳۱۸: قال الصادق (عليه السلام): الأُنس في ثلاث: في الزوجه المواقفه، والولد البارّ، والصدّيق المصافى.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: سه کس مایهی انس و آرام جانند: همسر موافق، فرزند نیک رفتار، و رفیق با صفا.

۸۰۴- تحف العقول ۳۲۳: قال الصادق (عليه السلام): لا يتم المعروف إلا بثلاث خلال: تعجيله، وتقليل كثيره، وترك الامتنان به.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: احسان جز با سه چیز کامل نشود: تعجیل، ناچیز شمردن آن هر چند زیاد باشد، و منت نگذاشتن.

۸۰۵- تحف العقول ۳۵۶: قال الصادق (عليه السلام): من خاف العاقبه ثبت فيما لا يعلم.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کسی که از سرانجام کاری می ترسد باید در آن چه از آن بی خبر است احتیاط کند.

۸۰۶- تحف العقول ۳۲۳: قال الصادق (عليه السلام): الأخوان ثلاثة: فواحد كالغذاء الذي يحتاج إليه كل وقت فهو العاقل. والثاني في معنى الداء وهو الأحمق. والثالث في معنى الدواء فهو اللبيب.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: برادران سه دسته اند: یکی چون غذاست که همیشه مورد نیاز است، او خردمند است. دیگری چون درد است (که گاه به ناچار گریبان گیر می شود) این آدم احمق است، و سوم چون دارو (علاج درد) است، و این مرد با مغز (و متفکر است).

۸۰۷- بصائر الدرجات ۳۹۵ ح ۳: عن علي بن الثمالي، عن بعض من حدّثه، عن أمير المؤمنين (عليه السلام) أنّه كان مع أصحابه في مسجد الكوفة فقال له رجل: بأبي أنت وأمي إنني لأتعبج من هذه الدنيا التي في أيدي هؤلاء القوم وليست عندكم، فقال يا فلان! أترى أنما نريد الدنيا فلا نعطاها! ثم قبض قبضه من الحصى فإذا هي جواهر، فقال: ما هذا؟ فقلت: هذا من أجود الجواهر، فقال: لو أردنا لكان ولكن لا نريده، ثم رمى بالحصى فعادت كما كانت.

ابو حمزه ثمالی می گوید: علی (عليه السلام) در مسجد کوفه نشسته و اصحاب ایشان در کنار آن حضرت بودند پس مردی عرض کرد: من تعجب می کنم که چرا دنیا در دست کسان دیگر است نه در دست شما؟ حضرت فرمودند: گمان می کنی ما دنیا را می خواهیم و به ما داده نمی شود؟ آن گاه یک قبضه از سنگ ریزه های مسجد را برداشته و در مشت خود فشردند، بعد دست خود را باز کردند، دیدیم جواهراتی هستند و می درخشند. حضرت پرسیدند: این

چیست؟ نگاه کردیم و گفتیم: از بهترین جواهرات است. پس فرمودند: اگر ما دنیا را می خواستیم از آن ما بود، ولی ما آن را نمی خواهیم سپس جواهرات را بر زمین انداختند و آن ها مانند اوّل سنگ ریزه شدند.

۸۰۸- تحف العقول ۳۲۴: قال الصادق (عليه السلام): ثلاثة أشياء لا ينبغي للعاقل أن ينسأهنّ على كلّ حال: فناء الدنيا، وتصرف الأحوال، والآفات التي لا أمان لها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: عاقل نباید سه چیز را هیچ گاه فراموش کند: ناپایداری دنیا، گردش حالات، و آفت هائی که هیچ کس از آن ها در امان نیست.

۸۰۹- تحف العقول ۳۵۷: قال الصادق (عليه السلام): صومعه المسلم بيته يحبس فيه نفسه وبصره ولسانه وفرجه. إنّ من عرف نعمه الله بقلبه استوجب المزيد من الله قبل أن يظهر شكرها على لسانه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: صومعه‌ی مسلمان همان خانه‌ی اوست که نفس و دیده و زبان و عورت خود را در آن بازداشت می کند.

۸۱۰- تحف العقول ۳۵۷: قال الصادق (عليه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من خاف كلّ لسانه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است: هر کس بترسد زبانش در بند است.

۸۱۱- تحف العقول ۳۶۰: قال الصادق (عليه السلام) لحرمان بن أعين:....، واعلم أنّ العمل الدائم القليل على اليقين أفضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين، الخبير.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بدان که عمل اندک پیوسته با یقین، از عمل بسیار بدون یقین، نزد خدا بهتر است.

۸۱۲- تحف العقول ۳۶۰: قال الصادق (عليه السلام): إنّ تمام التّحیة للمقيم المصافحه، وتمام التسليم على المسافر المعانقه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: کمال تحیت برای حاضر دست دادن، و کمال سلام نسبت به مسافر معانقه (دست در گردن افکندن) است.

۸۱۳- تحف العقول ۳۵۹: قال الصادق (عليه السلام): إذا صلح أمر دنياك فأتهم دينك.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: اگر کار دنیایت رو به راه (و بر وفق مراد) شد از دینت بدگمان باش (که تا دین تو خراب نشود دنیا آباد نگردد).

۸۱۴- تحف العقول ۳۶۲: قيل للصادق (عليه السلام): قوم يعملون بالمعاصي ويقولون: نرجو فلا يزالون كذلك حتى يأتيهم الموت، فقال (عليه السلام): هؤلاء قوم يترجحون في الأمانى كذبوا ليس يرجون، إن من رجا شيئاً طلبه، ومن خاف من شيء هرب منه.

به امام صادق (عليه السلام) گفتند: جمعی همی گناه کنند و گویند: ما به رحمت خدا امیدواریم، و تا دم مرگ کارشان این است. فرمودند: این ها مردمی هستند که در پهنه‌ی آرزو می چمند، دروغ می گویند، امیدی ندارند هر کس به چیزی امیدوار باشد دنبالش رود و هر کس از چیزی ترسد از آن بگریزد.

۸۱۵- تحف العقول ۳۶۳: قال الصادق (عليه السلام): ليس لأبليس جند أشد من النساء والغضب.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ابلیس سپاهی نیرومندتر از زن و خشم ندارد.

۸۱۶- تحف العقول ۳۹۴: قال الكاظم (عليه السلام) لهشام: ...، يا هشام! قلّه المنطق حكم عظيم، فعليكم بالصمت، فإنه دعه حسنه وقلّه وزر وخفّه من الذنوب، فحصّنوا باب الحلم، فإنّ باب الصبر، الخبير.

امام کاظم (عليه السلام) به هشام فرمودند: ای هشام! کم حرفی حکمتی بزرگ است، سکوت بگزینید که آرامشی نیکو، و باعث سبک باری و تخفیف گناه است. دَرِ (قلعه‌ی) حلم را محکم کنید که دَرش صبر است.

۸۱۷- تحف العقول ۳۷۷: قال الصادق (عليه السلام): المؤمن بين مخافتين: ذنب قد مضى لا يدرى ما يصنع الله فيه. وعمر قد بقى لا يدرى ما يكتسب فيه من المهالك، فهو لا يصبح إلا خائفاً ولا يمسي إلا خائفاً ولا يصلحه إلا الخوف.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مؤمن همیشه میان دو بیم است: یکی از گناهان گذشته که نمی داند خدا با او چه می کند، و دیگر از باقی مانده‌ی عمر که خبر

ندارد به چه مهلکه ها می افتد، پس مؤمن صبح نکند جز ترسان و شام نکند جز هراسان، و چیزی هم جز ترس او را اصلاح ننماید (که اگر ترس رفت بی پروا گناه می کند).

۸۱۸- تحف العقول ۳۷۰: قال الصادق (عليه السلام): المؤمن في الدنيا غريب، لا يجزع من ذلها ولا يتنافس أهلها في عزها.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مؤمن در دنیا غریب است، از ذلتش بی تابی نکند، و با اهل آن بر سر عزتش رقابت ننماید.

۸۱۹- بصائر الدرجات ۳۶۲ ح ۵: عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: كنت عنده يوماً إذ وقع زوج ورشان على الحائط وهدلا هديلها فرد أبو جعفر (عليه السلام) عليهما كلامهما ساعة، ثم نهضا فلما طارا على الحائط هدل الذكر على الأنثى ساعة، ثم نهضا فقلت: جعلت فداك ما هذا الطير؟ قال: يا بن مسلم! كل شيء خلقه الله من طير أو بهيمة أو شيء فيه روح فهو أسمع لنا وأطوع من ابن آدم إن هذا الورشان ظنّ بامرأته فحلفت له ما فعلت، فقالت ترضى بمحمد بن علي فرضيا بي فأخبرته أنه لها ظالم فصدّقها.

محمد بن مسلم گوید: روزی خدمت امام باقر (عليه السلام) بودم که یک جفت قمری آمدند و روی دیوار نشسته، طبق مرسوم خود بانگ می کردند و امام باقر (عليه السلام) ساعتی به آن ها پاسخ می گفتند، سپس آمادهی پریدن گشتند، و چون روی دیوار دیگری پریدند، قمری نر، یک ساعت بر قمری ماده بانگ می کرد، سپس آمادهی پریدن شدند، من عرض کردم: قربانت کردم، داستان این پرندگان چه بود؟ حضرت فرمودند: ای پسر مسلم! هر پرنده و چارپا و جاندارى را که خدا آفریده است نسبت به ما شنواتر و فرمان بردارتر از انسان است، این قمری به مادهی خود بدگمان شده و او سوگند یاد کرده بود که خیانت نکرده است و گفته بود به داوری محمد بن علی راضی هستی؟ پس هر دو به داوری من راضی گشته و من به قمری نر گفتم: که نسبت به مادهی خود ستم کرده ای و حق با اوست و او تصدیقش کرد.

۸۲۰- تحف العقول ۳۷۷: قال الصادق (عليه السلام): إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَحْفَ أَهْلَ الدُّنْيَا مَوْوَنَهُ وَأَكْثَرَهُمْ مَعُونَهُ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پرهیزگاران از همه‌ی جهانیان کم خرجتر و پرنفع ترند.

۸۲۱- تحف العقول ۳۷۷: قال الصادق (عليه السلام): لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَعْدُوا الْبَلَاءَ نِعْمَةً وَالرِّخَاءَ مَصِيبَةً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هرگز مؤمن نشوید تا زمانی که بلا را نعمت؛ و رفاه را مصیبت شمارید.

۸۲۲- تحف العقول ۳۷۹: قال الصادق (عليه السلام): إِيَّاكُمْ وَالْمِزَاحَ، فَإِنَّهُ يَجْزِي السَّخِيمَةَ وَيُورِثُ الضَّعِيفَةَ وَهُوَ السَّبُّ الْأَصْغَرُ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از مزاح پرهیزید که دشمنی آرد، و کینه زاید و در حکم دشنام کوچک است.

۸۲۳- تحف العقول ۴۰۹: قال الكاظم (عليه السلام) لبعض ولده: يَا بَنِيَّ! إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ فِي مَعْصِيَةِ نَهَاكَ عَنْهَا. وَإِيَّاكَ أَنْ يَفْقِدَكَ اللَّهُ عِنْدَ طَاعِهِ أَمْرَكَ بِهَا. وَعَلَيْكَ بِالْجِدِّ. وَلَا تَخْرُجَنَّ نَفْسُكَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْبُدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ. وَإِيَّاكَ وَالْمِزَاحَ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ وَيَسْتَخْفُّ مَرُوتَكَ. وَإِيَّاكَ وَالضُّجْرَ وَالْكَسَلَ، فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِ حَظَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

امام کاظم (عليه السلام) به یکی از فرزندان‌شان فرمودند: پسر جان! مبدا خدا تو را در معصیتی که از آن نهیت کرده ببیند، یا در طاعتی که بدان امرت کرده نیابد، کوشش را از دست مده، خود را در عبادت و طاعت خدا بی تقصیر مشمار، که خدا را نتوان چنان که باید عبادت کرد، از مزاح پرهیز که نور ایمانت را ببرد و مردانگی را سبک سازد، از ملالت و کسالت پرهیز که تو را از نصیب دنیا و آخرت باز دارد.

۸۲۴- المحتضر ۲۲۷ ح ۲۹۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِإِرَادَةِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ)، لَا يَشَاءُ إِلَّا مِنْ شَاءِ اللَّهِ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بدرستی که امام آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است و نمی خواهد مگر آن چه را که او بخوهد.

۸۲۵- الهدایه الکبری ۲۲۶: عن الباقر (علیه السلام) قال: نحن نفعل بإذنه ما نشاء، ونحن لا نشاء إلا ما شاء الله، وإذا أردنا أراد الله.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آن چه را که بخواهیم انجام می دهیم، و غیر از آن چه که خداوند بخواهد نمی خواهیم، و زمانی که ما اراده کنیم خدای متعال نیز اراده می کند.

۸۲۶- تحف العقول ۴۵۷: قال الرضا (علیه السلام): إظهار الشيء قبل أن يستحکم مفسده له.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: اظهار کار، پیش از استحکام، باعث خرابی است.

۸۲۷- تحف العقول ۴۸۶: قال الإمام الحسن العسكري (علیه السلام): من رضی بدون الشرف من المجلس لم یزل الله وملائکته یصلون علیه حتی یقوم.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: آن که در مجلس به پایین تر از مقام خود راضی شود، پیوسته خدا و ملائکه بر او درود فرستند، تا برخیزد.

۸۲۸- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (علیه السلام): قلب الأحمق فی فمه وفم الحکیم فی قلبه.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: قلب احمق در دهان است، و دهان حکیم در قلب.

۸۲۹- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (علیه السلام): لا یشغلك رزق مضمون عن عمل مفروض.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: مبادا روزی قسمت شده تو را از انجام وظائف و فرائض باز دارد.

۸۳۰- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (علیه السلام): لیس من الأدب إظهار الفرح عند المحزون.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: اظهار مسرت در حضور غمگین از ادب نیست.

۸۳۱- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (عليه السلام): رياضه الجاهل ورد المعتاد عن عادته كالمعجز.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: ریاضت کشیدن جاهل، و برگرداندن معتاد از عادت به معجزه شبیه است.

۸۳۲- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (عليه السلام): التواضع نعمه لا يحسد عليها.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: تواضع نعمتی است که کسی بر آن حسد نبرد.

۸۳۳- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (عليه السلام): ما من بئيه إلا ولله فيها نعمه تحيط بها.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: هیچ بلائی نیست جز این که در لفافه ای از نعمت پیچیده.

۸۳۴- تحف العقول ۴۸۹: قال الإمام الحسن العسكري (عليه السلام): ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: چه زشت است که مؤمن به چیزی دل بندد که مایه‌ی ذلت اوست.

۸۳۵- تحف العقول ۵۰۷: قال المسيح (عليه السلام): إنه كما ينظر المريض إلى طيب الطعام فلا يلتذ به مع ما يجده من شدة

الوجع، كذلك صاحب الدنيا لا يلتذ بالعبادة ولا يجد حلاوتها مع ما يجد من حب المال.

روایت شده است: حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند: همان طور که مریض به طعام نیکو می نگرد و از آن به خاطر شدت

درد لذتی نمی برد همچنین است صاحب دنیا که به خاطر شیرینی دنیا و لذت حب مال، لذت عبادت را نمی چشد.

۸۳۶- تحف العقول ۵۱۱: قال المسيح (عليه السلام): إنكم لا- تدرکون ما تأملون إلا بالصبر علی ما تکرهون، ولا تبتغون ما

تریدون إلا بترك ما تشتهون.

روایت شده است: حضرت عیسی (علیه السلام) فرمودند: تا بر ناملایمات صبر نکنید به آرزوها نرسید، و تا از لذت ها چشم

نپوشید به مراد خویش نائل نشوید.

۸۳۷- الخصال ۷ ح ۲۲: عن داود بن فرقد قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): الغضب مفتاح كل شر.

داود بن فرقد گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: غضب کلید هر شر است.

۸۳۸- الخصال ۱۴ ح ۵۱: عن الحارث قال: سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول: ما من شيء أحق بطول السجن من اللسان.

حارث گوید: شنیدم امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به حبس طولانی هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست.

۸۳۹- بصائر الدرجات ۳۶۹ ح ۸: عن سليمان بن خالد، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان معنا أبو عبد الله البلخيّ ومعه إذا هو بطبي يثغو ويحرّك ذنبه، فقال له أبو عبد الله (عليه السلام): أفعل إن شاء الله، قال: ثمّ أقبل علينا فقال: علمتم ما قال الطّبيّ؟ قلنا: الله ورسوله وابن رسوله أعلم، فقال: إنّه أتاني فأخبرني أنّ بعض أهل المدينة نصب شبكةً لأنثاه فأخذها ولها خشفان لم ينهضا ولم يقويا للرعى، قال فيسألني أن أسألهم أن يطلقوها وضمن لي أن إذا أرضعت خشفها حتى يقويا أن يردها عليهم، قال: فاستحلفته، قال: برئت من ولايتكم أهل البيت إن لم أف وأنا فاعل ذلك به إن شاء الله، فقال البلخيّ: سنّه فيكم كسنّه سليمان (عليه السلام).

سليمان بن خالد گفت: در خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودیم، ابو عبد الله بلخی نیز حضور داشت ناگاه یک آهو پیش آمده و با صدای مخصوص خود صدا می زد و دم می جنبانید. امام (علیه السلام) فرمودند: انجام می دهی ان شاء الله.

آن گاه روی به ما نموده و فرمودند: فهمیدید آهو چه گفت؟ عرض کردم: خدا و رسول و پسر رسول او دانا ترند. فرمودند: شکایت کرد که یکی از اهل مدینه دامی نهاده و ماده‌ی او را گرفته است که دو بزه دارد و هنوز قدرت چریدن ندارند، از من درخواست کرد که ماده اش را بگیرم و آزاد کنم و ضمانت کرد که وقتی بچه هایش را شیر داد و آماده‌ی چریدن شدند او را پیش صیاد برگرداند. من آهو را قسم دادم، گفت از ولایت شما اهل بیت پیامبر بیزار باشم اگر این کار را نکنم. من هم این کار را برای او خواهم کرد ان شاء الله، ابو عبد الله بلخی گفت: در شما سنتی همچون سنت

سلیمان (علیه السلام) است (یعنی همان طور که حضرت سلیمان با حیوانات سخن گفته و امور آنان را اداره می نمود شما نیز چنین هستید).

۸۴۰- الخصال ۳۹ ح ۲۳: عن إسماعيل بن أبي زياد، عن أبي عبد الله، عن أبيه (عليهما السلام) قال: أوحى الله (تبارك و تعالی) إلى موسى (عليه السلام): لا- تفرح بكثرة المال، ولا تدع ذكرى على كل حال، فإن كثرة المال تنسى الذنوب، وترك ذكرى يقسى القلوب.

امام صادق (علیه السلام) از قول پدرشان فرمودند: خدای (تبارک و تعالی) به موسی وحی فرستاد که به فراوانی مال خرسند مباش و یاد مرا در هیچ حال وامگذار؛ زیرا مال بسیار گناهان را به فراموشی سپارد و ترک ذکر من دل ها را سخت نماید.

۸۴۱- الخصال ۴۳ ح ۳۸: عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران يرفع الحديث قال: المذهب والفضه حجران ممسوخان فمن أحبهما كان معهما.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: طلا و نقره دو سنگ مسخ شده اند (یعنی دو حیوان بوده اند که به این صورت درآمده اند) هر کس آن ها را دوست دارد با آن ها است.

۸۴۲- الخصال ۶۲ ح ۹۰: عن أسباط بن محمد يأسناده يرفعه إلى النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) أنه قال: الغيبة أشد من الزنا، فقیل: يا رسول الله! ولم ذلك؟ قال: صاحب الزنا يتوب فيتوب الله عليه، وصاحب الغيبة يتوب فلا يتوب الله عليه حتى يكون صاحبه الذي يحلّه.

اسباط بن محمد با سند خود نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: غیبت شدیدتر از زنا است. گفته شد: یا رسول الله این برای چیست؟ فرمودند: زناکار توبه می کند و خدا توبه‌ی او را می پذیرد، ولی غیبت کننده توبه می کند و خدا توبه‌ی او را نمی پذیرد تا وقتی که غیبت شونده او را حلال کند.

۸۴۳- الخصال ۸۹ ح ۲۶: عن أحمد بن عبد الجبار، عن جدّه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الهدية على ثلاثة وجوه: هديّة مكافأه، وهدية مصانعه، وهدية لله (عزوجل).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هدیه بر سه قسم است: هدیه‌ی پاداش، و هدیه‌ی

رشوه، و هدیه برای خدای (عزوجل).

۸۴۴- الخصال ۱۱۲ ح ۸۸: عن السكوني، عن جعفر بن محمد، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا سهر إلا في ثلاث: متهجد بالقرآن، أو في طلب العلم، أو عروس تهدي إلى زوجها.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: به جز در سه مورد شب زنده داری روا نیست: به قرآن خواندن در دل شب، یا در طلب علم، یا عروسی که به حجله برند.

۸۴۵- الخصال ۱۱۳ ح ۸۹: عن مسعده بن زياد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لولا ثلاث في ابن آدم ما طأ رأسه شيء: المرض والفقير والموت، كلهم فيه وإنه معهن لو تاب.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اگر سه چیز در آدمی زاد نبود هیچ چیز او را سرافکنده نمی ساخت: بیماری و نیازمندی و مرگ، و او با داشتن این سه چیز باز این همه پر جست و خیز است.

۸۴۶- الخصال ۱۲۶ ح ۱۲۲: حدثني أنس بن محمد أبو مالك. عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن علي بن أبي طالب (عليهم السلام) عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) أنه قال في وصيته له: ...، يا علي! ثلاثه من الوسواس أكل الطين، وتقليم الأظفار بالأسنان، وأكل اللحية، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: یا علی! سه چیز از وسواس به شمار آید: گِل خوردن، ناخن به دندان جویدن، و ریش را بدنندان گرفتن.

۸۴۷- الخصال ۱۴۱ ح ۱۶۰: عن سليمان بن حفص البصري، عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما عجت الأرض إلى ربها (عزوجل) كعجيجها من ثلاثه، من دم حرام يسفك عليها، أو اغتسال من زنا، أو النوم عليها قبل طلوع الشمس.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: زمین به پیشگاه پروردگار خود ننالیده به مانند ناله اش از سه چیز: از خونی که به ناحق بر روی آن ریخته شود، یا غسلی که از زنا بر روی آن انجام گیرد، و یا خوابی که پیش از طلوع آفتاب بر روی آن واقع شود.

۸۴۸- الخصال ۱۳۲ ح ۱۴۰: عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: لَمَّا دَعَا نُوْحٌ (عليه السلام) رَبَّهُ (عزوجل) على قومه أتاه إبليس لعنه الله فقال:....، اذكرني في ثلاثه مواطن فيأتي أقرب ما أكون إلى العبد إذا كان في إحدىهن: اذكرني إذا غضبت، واذكرني إذا حكمت بين اثنين. واذكرني إذا كنت مع امرأه خالياً ليس معكما أحد.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: زمانی که نوح بر قومش نفرین کرد شیطان نزد وی آمده و گفت: در سه جا به یاد من باش که نزدیک ترین حالات من به بندهی خدا در یکی از این سه مورد است: به هنگام خشمت به یاد من باش، و هنگامی که میان دو نفر قضاوت کنی به یاد من باش، و هنگامی که با زنی به خلوت نشسته ای و هیچ کس دیگر با شما نیست به یاد من باش.

۸۴۹- الخصال ۱۲۸ ح ۱۳۱: عن الحسين بن مصعب قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إِنَّ لَهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلِيْلَهُ مَلَكًا ينادي: مهلاً مهلاً عباد الله من معاصي الله فلولا بهائم رتع، وصبيّه رضع، وشيوخ ركع لصبّ عليكم العذاب صبّاً وترضون به رضاً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خدای را فرشته ای است که هر شبانه روزی فریاد می زند: بندگان خدا! در راه معصیت و نافرمانی خدا قدری آهسته تر قدم بردارید که اگر حیوانات چرند و بچه های شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند آن چنان عذاب سختی بر شما فرود می آمد که در زیر شکنجهی آن نرم می شدید.

۸۵۰- کمال الدین ۳۷۷ ح ۱: عن الباقر (عليه السلام) قال: أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: برترین و با فضیلت ترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

۸۵۱- الخصال ۲۲۱ ح ۴۷: عن عبد الله بن ميمون القداح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أربعة لا يشبعن من أربعة: الأرض من المطر، والعين من النظر، والأنثى من الذكر، والعالم من العلم.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چهار چیز از چهار چیز سیر نگردند: زمین از باران، چشم از نگاه، ماده از نر، دانشمند از دانش.

۸۵۲- بصائر الدرجات ۲۹۴ ح ۵: عن داود بن كثير الرقي قال: حجّ رجل من أصحابنا فدخل على أبي عبد الله (عليه السلام): فقال: فداك أبي وأمي، إن أهلي قد توفيت وبقيت وحيداً، فقال أبو عبد الله (عليه السلام): أفكنت تحبها؟ قال: نعم جعلت فداك، قال: ارجع إلى منزلك فإنك سترجع إلى المنزل وهي تأكل، قال: فلما رجعت من حجّتي ودخلت منزلي رأيتها قاعدةً وهي تأكل.

داود بن كثير رقی گفت: یکی از دوستان ما برای انجام حج به مکه رفت و خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسید. پس گفت: آقا! پدر و مادرم فدایت شوند، همسرم فوت شده و من تنها مانده ام، حضرت فرمودند: دوستش داشتی؟ عرض کردم: بله فدایت شوم. فرمودند: وقتی برگردی به منزل خود، او مشغول غذا خوردن است. گفت: از مکه برگشتم و وارد منزل شدم دیدم همسرم نشسته و غذا می خورد.

۸۵۳- الخصال ۲۲۳ ح ۵۱: عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن جعفر بإسناده قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ليس للبحر جار، ولا للملك صديق، ولا للعافية ثمن، وكم من منعم عليه وهو لا يعلم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دریا همسایه نپذیرد و پادشاه دوست نگه ندارد و تندرستی را بهائی نیست و چه بسا بهره مند از نعمتی که از نعمت بی خبر است.

۸۵۴- الخصال ۲۳۸ ح ۸۲: عن رجل من بني نوفل بن المطلب، عن أبيه، عن أبي جعفر (عليه السلام) أنه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أحبّ الصحابه إلى الله (عزوجل) أربعة، وما زاد قوم على سبعة إلا زاد لغظهم.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا فرمودند: محبوب ترین هم سفران چهار نفرند، و اگر هم سفر بیش از هفت نفر شد جنجال و غوغایشان بیشتر خواهد گردید.

۸۵۵- الخصال ۶۲۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):...، ليس في البدن شيء أقلّ شكرياً من العين فلا تعطوها سؤالها فتشغلکم عن ذكر الله (عزوجل)، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: در بدن چیزی که از چشم کمتر شکر خدا کند نیست. پس هر چه او می خواهد ندهیدش که شما را از یاد خدای (عزوجل) غافل می سازد.

۸۵۶- الخصال ۲۶۸ ح ۳: عن عبد الرحمن بن حجاج، عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قول الله (عز وجل): {خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ} (۱) قال: المشط يجلب الرزق، ويحسن الشعر، وينجز الحاجه، ويزيد في ماء الصلب، ويقطع البلغم، وكان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يسرح تحت لحيته أربعين مره، ومن فوقها سبع مرّات، ويقول: إنّه يزيد في الذهن، ويقطع البلغم.

امام صادق (عليه السلام) در بیان آیهی شریفهی: {خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ} (هرگاه به مسجد روید خود را بیارید) فرمودند: مقصود از آرایش شانه زدن است، شانه زدن جلب روزی کند و موی را زیبا گرداند و حاجت روا سازد و منی را بیفزاید و بلغم را ببرد، رسول خدا را شیوه آن بود که زیر ریش خود را چهل بار شانه می زد و از بالای ریش هفت بار و می فرمودند: که این چنین شانه زدن هوش را زیاد می کند و بلغم را می برد.

۸۵۷- الخصال ۲۷۷ ح ۱۹: عن يزيد بن خالد النيسابوري، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الصداقه محدوده، فمن لم تكن فيه تلك الحدود فلا تنسبه إلى كمال الصداقه، ومن لم يكن فيه شيء من تلك الحدود فلا تنسبه إلى شيء من الصداقه، أولها: أن يكون سريره وعلانيته لك واحده، والثانيه: أن يرى زينك زينه، وشينك شينه، والثالثه: أن لا يغيره مال ولا ولايه، والرابعه: أن لا يمنعك شيئاً مما تصل إليه مقدرته، والخامسه: أن لا يسلمك عند النكبات.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: دوستی را شرایطی است؛ کسی که همه‌ی این شرایط در او نیست او را دوست کامل مشمار و کسی که هیچ یک از این شرایط در او نیست او را به هیچ مرتبه از دوستی نسبت مده، شرط اول: آن که پنهان و آشکارش برای تو یکی باشد.

دوم: آن که آراستگی تو را آراستگی خود بداند و سرافکندگی تو را سرافکندگی خودش.

سوم: آن که ثروت و مقام روحیهی او را تغییر ندهد.

چهارم: آن که از آن چه در دسترس توانائی او است از تو دریغ ندارد.

و پنجم: آن که در سختی های روزگار تو را رها نکند.

۸۵۸- الخصال ۲۸۴ ح ۳۴: قال الصادق (عليه السلام): خمس خصال من فقد واحده منهن لم يزل ناقص العيش، زائل العقل، مشغول القلب: فأولها: صحه البدن، والثانيه: الأمن، والثالثه: السعه في الرزق، والرابعه: الأئیس الموافق. قلت: وما الأئیس الموافق؟ قال: الزوجه الصالحه، والولد الصالح، والخليط الصالح. والخامسه: وهى تجمع هذه الخصال: الدعاه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پنج خصلت است که هر کس یکی از آن ها را نداشته باشد، زندگی او ناقص و عقل او زایل و دل او مشغول است:

اول: صحت بدن، و دوام: امتیت، و سووم: وسعت روزی، و چهارمی: دوست موافق. گفتم: دوست موافق کیست؟ فرمودند: همسر شایسته و فرزند صالح و رفیق صالح و پنجمی که جامع همه ی این خصلت ها است: آسودگی است.

۸۵۹- الخصال ۲۳۷ ح ۸۰: عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري بإسناده رفعه إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: نهى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أن يسلم على أربعة: على السكران في سكره، وعلى من يعمل التماثيل، وعلى من يلعب بالنرد، وعلى من يلعب بالأربعة عشر، وأنا أزيدكم الخامسة؛ أنهاكم أن تسلموا على أصحاب الشطرنج.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا قدغن فرمودند که بر چهار کس سلام شود: بر شراب خوار در حال مستی، و بر مجسمه ساز، و بر آن که نژد می بازد، و بر آن که به بازی (چهارده) مشغول است، و من برای شما پنجمین کس را می افزایم شما را نهی می کنم از سلام کردن بر شطرنج بازان.

۸۶۰- الخصال ۲۹۰ ح ۵۰: عن أبي ولاء الحنّاط، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان علي بن الحسين (عليهما السلام) يقول: إن المعرفة بكمال دين المسلم تركه الكلام فيما لا يعنيه، وقلة المراء وحلمه وصبره وحسن خلقه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: امام زین العابدین (علیه السلام) همواره می فرمودند: راه شناسائی کمال دین مسلمان، سخن بیهوده نگفتن و در گفتار کمتر خود نمائی کردن و بردباری و شکیبائی و خوش خلقی او است.

۸۶۱- الخصال ۳۳ ح ۱: عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعت أبي يحدث عن أبيه (عليه السلام) أن رجلاً قام إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا أمير المؤمنين! بما عرفت ربيك؟ قال: بفسخ العزم ونقض الهمم لما أن هممت فحال بيني وبين همي، وعزمت فخالف القضاء عزمي فعلمت أن المدبر غيري، قال: فماذا شكرت نعماءه؟ قال: نظرت إلى بلاء قد صرفه عني وأبلى به غيري، فعلمت أنه قد أنعم عليّ فشكرته، قال: فماذا أحببت لقاءه؟ قال: لما رأيته قد اختار لي دين ملائكته ورسله وأنبيائه علمت أن الذي أكرمني بهذا ليس ينساني فأحببت لقاءه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از پدرم شنیدم که از پدرش بازگو می کرد: که در محضر امیرالمؤمنین (عليه السلام) مردی برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین پروردگارت را به چه وسیله شناختی؟ فرمودند:

به وسیله‌ی به هم خوردن تصمیم و شکستن همت که چون به کاری همت گماشتم میان من و کار مورد علاقه ام فاصله ایجاد شد، و چون تصمیم گرفتم، قضای الهی بر خلاف تصمیم من جاری گردید، دانستم که تدبیر دیگری در کار است.

عرض کرد: به چه جهت نعمت های خداوند را شکرگزاری؟ فرمودند: در بلاهائی که از من باز داشته و دیگری را به آن مبتلا ساخته، خوب دقت کردم دانستم که خداوند بر من انعام فرموده سپاس گزارش گشتم، عرض کرد: از چه رو خدا را دوست داری؟ فرمودند: از این رو که آئین فرشتگان و فرستادگان و پیغمبران خود را برای من برگزید دانستم کسی که مرا این چنین گرامی می دارد فراموشم نخواهد کرد و به همین جهت دوست دار دیدارش گشتم.

۸۶۲- الخصال ۶۳۲: قال امیرالمؤمنین (عليه السلام): خسر من ذهب حیاة وعمره فیما یباعده من الله (عزوجل).

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: ضرر و زیان کرده است کسی که زندگانی و عمر خویش را در مسیری که او را از خدا دور می کند صرف نماید.

۸۶۳- الخصال ۳۸۶ ح ۶۹: عن حفص بن غياث النخعی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من كان مسافراً فليسافر يوم السبت، فلو أنّ حجراً زال عن حجر يوم السبت لرده الله إلى مكانه، ومن تعذرت عليه الحوائج فليتمس طلبها يوم الثلاثاء فإنه اليوم الذي ألان الله فيه الحديد لداود (عليه السلام).

حفص بن غياث نخعی از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که فرمودند: هر کس سفر می کند روز شنبه سفر کند، هر گاه روز شنبه سنگی از سنگی جدا شود، خداوند آن را به محل خود برمی گرداند، و هر کس که حاجت هایش روا نمی شود، آن را در روز سه شنبه طلب کند که آن روز، روزی است که خداوند در آن آهن را برای داود نرم کرد.

۸۶۴- الخصال ۳۹۳ ح ۹۵: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إذا كانت عشية الخميس وليله الجمعة نزلت ملائكة من السماء معها أقلام الذهب وصحف الفضة لا يكتبون عشية الخميس وليله الجمعة ويوم الجمعة إلى أن تغيب الشمس إلا الصلاة على النبي (صلى الله عليه وآله وسلم).

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چون شام گاه پنج شنبه و شب جمعه فرا می رسد، فرشتگان از آسمان نازل می شوند در حالی که با خود قلم هایی از طلا و صحیفه هایی از نقره دارند و آن ها شام گاه پنج شنبه و شب جمعه تا وقتی که خورشید پنهان شود چیزی را نمی نویسند مگر صلوات بر پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم).

۸۶۵- الخصال ۵۳۸ ح ۴: عن عبد الله بن مسكان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا مات المؤمن فحضر جنازته أربعون رجلاً من المؤمنين فقالوا: اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيراً وأنت أعلم به منا، قال الله (تبارك و تعالی): إني قد أجزت شهداءكم وغفرت له ما علمت مما لا تعلمون.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چون مؤمن بمیرد و چهل تن از مؤمنین بر جنازه او حاضر شوند و بگویند بار الها ما از او جز نیکی نمی دانیم و تو به او از ما داناتری خدای (تبارك و تعالی) می فرماید من گواهی شما را گذراندم و آن چه را که من از او می دانم و شما نمی دانید آمرزیدم.

۸۶۶- نزهه الناظر وتنبيه خاطر ۱۳۷ ح ۲۱: قال الجواد (عليه السلام): الأيام تهتك لك الأسرار الكامنه.

امام جواد (عليه السلام) فرمودند: روزگار پرده از اسرار پنهان بر می دارد.

۸۶۷- الخرائج والجرائح ۱/۲۹۴ ح ۱: عن المفضل بن عمر، قال: كنت أمشي مع أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام) بمكة أو به منى، إذ مررنا بامرأه بين يديها بقره ميتة وهي مع صبيته لها تبيان، فقال (عليه السلام): ما شأنك؟ قالت كنت وصباياي نعيش من هذه البقره وقد ماتت لقد تحيرت في أمري، قال: أفتحيين أن يحييها الله لك، قالت: أو تسخر مني مع مصيبتى، قال: كلاً ما أردت ذلك، ثم دعا بدعاء ثم ركضها برجله وصاح بها فقامت البقره مسرعهً سوياً، فقالت: عيسى ابن مريم ورب الكعبه، فدخل الصادق (عليه السلام) بين الناس فلم تعرفه المرأه.

مفضل بن عمر می گوید: در خدمت حضرت صادق (عليه السلام) بودم، گذرمان در مکه یا منی به زنی افتاد که با دخترکی بالای سر گاو مرده ای ایستاده و گریه می کردند.

امام فرمودند: چه شده؟ گفت: من و دخترانم از شیر این گاو زندگی می کردیم، این گاو هم مرده است، متحیرم که از کجا زندگی کنیم. حضرت فرمودند: مایلی خداوند این گاو را برایت زنده کند. زن گفت: با این گرفتاری که دارم مرا مسخره می کنی؟! حضرت فرمودند: نه، مسخره نمی کنم. آن گاه امام (عليه السلام) دعائی خواندند و با پای خود به بدن بی جان گاو زدند و فریادی به سر او کشیدند، پس گاو به سرعت صحیح و سالم از جای خود حرکت نمود. آن زن که گاو خود را زنده دید فریاد زد: به خدا این عیسی بن مريم است! امام (عليه السلام) نیز بین مردم رفتند و دیگر زن او را شناخت.

۸۶۸- الخصال ۴۳۷ ح ۲۴: عن علي بن مهزيار بإسناده يرفعه قال: يأتي على الناس زمان تكون العافيه فيه عشره أجزاء تسعه منها في اعتزال الناس وواحد في الصمت.

علی بن مهزیار بسند خود نقل می کند که فرمودند: روزگاری برای مردم پیش آید که سلامتی در آن روز ده جزء باشد؛ نه جزء آن در کناره گیری از مردم و یک جزء در خاموشی می باشد.

۸۶۹- الأمالی الطوسی ۳۰۰ ح ۴۰: حدّثني إبراهيم بن عبد الصمد، عن أبيه، عن جدّه، قال: قال سيدنا الصادق (عليه السلام): من اهتمّ لرزقه كتب عليه خطيئه، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس برای روزیش اندوهگین شود برای او گناه نوشته می شود.

۸۷۰- الأمالی الطوسی ۴۶ ح ۲۶: عن أبي العباس الفضل بن عبد الملك، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال:....، يا فضل! إنّه لا يرجع صاحب المسجد بأقلّ من إحدى ثلاث: إمّا دعاء يدعو به يدخله الله به الجنّة، وإمّا دعاء يدعو به ليصرف الله به عنه بلاء الدنيا، وإمّا أخ يستفيده في الله (عزوجل). قال: ثمّ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما استفاد امرؤ مسلم فائده بعد فائده الإسلام مثل أخ يستفيده في الله (عزوجل)، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) به فضل بن عبد الملك فرمودند: ای فضل! اهل نماز در مسجد از مسجد باز نمی گردند مگر به یکی از این سه چیز: دعایی که در آنجا کند و به واسطه‌ی آن خداوند او را به بهشت داخل کند، و یا دعایی که در آنجا کند و به واسطه‌ی آن خداوند بلائی را از او رفع نماید و یا برادری که از او در راه خدا بهره مند گردد.

سپس از رسول خدا (عليه السلام) نقل نمودند که فرمودند: هیچ مرد مسلمانی بعد از اسلام به فائده ای بهتر از برادری که از او در راه خدا بهره مند گردد دست نیافته است.

۸۷۱- الأمالی الطوسی ۲۸۴ ح ۹۱: قال: قال الصادق (عليه السلام): من نالته علّه فليقرأ في جيبه الحمد سبع مرات، فإن ذهب العلّه وإلا فليقرأ سبعين مرّه، وأنا الضامن له العافيه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس به بیماری دچار شد هفت مرتبه سوره‌ی حمد را قرائت نماید، پس اگر بیماری از او دور نشد هفتاد بار بخواند و من ضامن عافیت و سلامتی برای او هستم.

۸۷۲- الأمالی الطوسی ۴۴ ح ۲۰: عن أبي ولاد الحنّاط، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام)، قال: أربع من كنّ فيه كمل إيمانه، وإن كان من قرنه إلى قدمه ذنوب لم ينقصه ذلك، وهي: الصدق، وأداء الأمانه، والحياء، وحسن الخلق.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس چهار چیز در وی باشد ایمانش کامل است، اگرچه گناهان سراپای وی را فرا گرفته باشند؛ صداقت، ادای امانت، حیا، و اخلاق نیکو.

۸۷۳- الأما لی الطوسی ۳۰۳ ح ۵۰: أبو قتاده، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، عن أبيه (عليه السلام) أنه قال: ثلاث لم يسأل الله (عزوجل) بمثلهنّ، أن تقول: اللهمّ فقّهني في الدين، وحبّني إلى المسلمين، واجعل لي لسان صدق في الآخرين.

امام صادق (عليه السلام) از پدرشان نقل نمودند که فرمودند: سه دعا است که خدا به مانند آن خوانده نشده است: این که بگویی خدایا مرا در دین فقیه کن و نزد مسلمین محبوب نما و ذکر خیرم را بر زبان آیندگان قرار بده.

۸۷۴- الأما لی الطوسی ۳۰۷ ح ۶۵: عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ما ولد بارّ نظر في كلّ يوم إلى أبيه برحمه إلاّ- كان له بكلّ نظر فيّ حجّه مبروره. قالوا: يا رسول الله! وإن نظر في كلّ يوم مائه نظره؟ قال: نعم الله أكثر وأطيب.

رسول خدا (عليه السلام) فرمودند: هیچ فرزند نیکوکاری نیست که در هر روز به پدر و مادرش با نظر رحمت بنگرد مگر این که خداوند در هر نظری ثواب یک حجّ مقبول به وی عطا می نماید، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! و اگر چه صد مرتبه بنگرد؟ حضرت فرمودند: بله و خداوند ثواب بیشتر و نیکوتر نیز عطا می کند.

۸۷۵- الأما لی الطوسی ۳۶۴ ح ۱۸: وبالإسناد، عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، أنه قال: أحبّ حبيبيك هوناً ما، فعسى أن يكون بغيضك يوماً ما، وابعض بغيضك هوناً ما فعسى أن يكون حبيبيك يوماً ما.

امیر مؤمنان (عليه السلام) فرمودند: به آرامی دوستی کن با دوستت چه بسا روزی دشمنت شود، و به آرامی دشمنی کن با دشمن چه بسا روزی دوستت شود.

۸۷۶- الأما لی الطوسی ۳۷۲ ح ۵۲: بهذا الإسناد، عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، أنه قال: تعطّروا بالاستغفار لا تفضحكم روائح الذنوب.

از علی بن موسی الرضا (عليه السلام) از پدرانشان از امیر المؤمنین (عليه السلام) نقل شده که فرمودند: خود را به وسیلهی استغفار خوشبو کنید، مبادا بوی گناهان، شما را رسوا کند.

۸۷۷- الأمالی الطوسی ۳۹۲ ح ۱۲: عن أبي هريره: أنّ النبيّ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: إنّ أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً، وخياركم خياركم لنسائهم.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: کامل ترین مردم از لحاظ ایمان، نیک اخلاق ترین آن ها هستند، بهترین شما، بهترینتان نسبت به زنانان هستید.

۸۷۸- الأمالی الطوسی ۴۵۰ ح ۱۱: أبو الحسن عليّ بن موسى الرضا (عليه السلام)، قال: حدّثني أبي، عن جدّي جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن جدّه أمير المؤمنين []، قال: قال النبيّ (صلى الله عليه و آله و سلم): أسرع الذنوب عقوبه كفران النعمه.

از امام رضا (عليه السلام) از پدرانش نقل شده که پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: ناسپاسی نعمت از همه ی گناهان، کیفرش سریع تر است.

۸۷۹- الأمالی الطوسی ۳۹۳ ح ۱۵: عن مصعب بن شيبه، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إذا أخذ القوم مجالسهم، فإن دعا رجل أخاه وأوسع له فى مجلسه فليأته، فإنما هي كرامه أكرمه بها أخوه، وإن لم يوسع له أحد فلينظر أوسع مكان يجده فليجلس فيه.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: وقتی همگی در مجلس در جای خود نشستند اگر کسی از برادر خود دعوت کرد و برای او جا باز کرد نزدش آید این احترامی است که به او نهاده و اگر کسی برایش جا باز نکرد هر جا گشاده تر است بنشیند.

۸۸۰- بصائر الدرجات ۲۹۲ ح ۸: عن أبي عوف، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: دخلت عليه فألطفني وقال إنّ رجلاً مكفوف البصر أتى النبيّ (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال: يا رسول الله! ادع الله أن يردّ عليّ بصرى، قال: فدعا الله فردّ عليه بصره، ثمّ أتاه آخر فقال: يا رسول الله! ادع الله لي أن يردّ عليّ بصرى، قال: فقال: الجنّه أحبّ إليك أو يردّ عليك بصرك؟ قال: يا رسول الله! وإنّ ثوابها الجنّه، فقال: الله أكرم من أن يبتلى عبده المؤمن بذهاب بصره ثمّ لا يثيبه الجنّه.

أبو عوف می گوید: بر امام جعفر صادق (عليه السلام) داخل شدم پس حضرت به من ملاطفت نموده و فرمودند: شخصی نابینا پیش پیامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) آمده و گفت: ای رسول خدا! از خداوند بخواه که بینائی مرا به من بازگرداند، پس آن حضرت دعا نموده و آن شخص بینا شد، چندی بعد شخص دیگری که او نیز نابینا

بود خدمت آن حضرت آمده و همین درخواست را نمود حضرت به او فرمودند: آیا بهشت نزد تو محبوب تر است یا بینا شدن؟ گفت: آیا اگر نابینا بمانم جزا و پاداش من بهشت است؟ حضرت فرمودند: خداوند بزرگوارتر از آن است که بنده‌ی مؤمنی را مبتلا به نابینائی نماید سپس به او جزای بهشت ندهد.

۸۸۱- الأمالی الطوسی ۴۰۵ ح ۵۷: عن یعقوب بن میثم التّمیّار مولى علی بن الحسین (علیه السلام) قال: دخلت علی أبی جعفر (علیه السلام) فقلت له: جعلت فداک یا بن رسول الله! إني وجدت فی کتب أبی أن علیاً (علیه السلام) قال لأبی میثم: أحب حبيب آل محمد وإن کان فاسقاً زانياً، وابعض مبعض آل محمد وإن کان صوّماً قوّاماً، فإني سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) وهو یقول: {الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ} (۱) ثم التفت إلیّ وقال: هم والله أنت وشيعتك یا علی! وميعادک وميعادهم الحوض غداً، غزاً محجّلین، مکتحلین متّوجّین. فقال أبو جعفر: هكذا هو عیاناً فی کتاب علی (علیه السلام).

یعقوب فرزند میثم تمّار غلام حضرت زین العابدین نقل می کند که گفت بر حضرت باقر (علیه السلام) وارد شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! فدایت شوم من در نوشته های پدرم دیدم که حضرت علی (علیه السلام) به پدرم میثم فرمودند: دوست بدار دوستدار خاندان پیامبر را اگر چه فاسق زناکار باشد، و دشمن بدار دشمن آل محمد را اگر چه تمام روزها روزه دارد و شب ها بیدار و مشغول نماز باشد، من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم این آیه را: (آن هائی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته دارند بهترین مردمان هستند).

سپس به من توجّه نموده و فرمودند: به خدا قسم منظور از این آیه شریفه تو و شیعیان توست. ای علی! وعده گاه تو با آن ها فردای قیامت، حوض باشد با صورت های درخشان و دست و پای شسته (سر مه کشیده) و تاجدار. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: آری در کتاب علی (علیه السلام) چنین است.

۸۸۲- الأمالی الطوسی ۴۳۷ ح ۳۲: عن إسماعیل بن أبی زیاد السکونی، عن جعفر بن محمد، عن أبیه (علیهما السلام): أن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) صلی علی سعد بن معاذ، وقال: لقد وافی من الملائکة للصلاة علیه تسعون ألف ملک و فیهم جبرئیل یصلون علیه، فقلت: یا جبرئیل! بما استحقّ صلاتکم علیه؟ فقال: بقراءة قل هو الله أحد قائماً وقاعداً وراكباً و ماشياً و ذاهباً و جائياً.

امام صادق (علیه السلام) از پدرشان نقل نمودند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سعد بن معاذ نماز خواندند و فرمودند: نود هزار فرشته به همراه جبرئیل برایش نماز خواندند، به جبرئیل گفتیم: ای جبرئیل! به چه سبب مستحق نماز شما بر او شده؟ گفت: به خاطر خواندن: سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در رفتن و آمدن.

۸۸۳- الأمالی للطوسی ۴۶۲ ح ۳۶: عن جعفر بن محمد، عن أبیه، عن جدّه، عن علی بن أبی طالب أمير المؤمنين (علیهم السلام)، قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: المؤمن غرّ کریم، والفاجر خبّ لئیم، وخیر المؤمنین من کان مألّفه للمؤمنین، ولا خیر فیمن لا یألف ولا یؤلف.

حسین بن زید از امام صادق (علیه السلام) و ایشان از پدرانشان از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت کردند که فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمودند: مؤمن، شریف و بزرگوار؛ و کافر، فاسد و پست است، بهترین مؤمن کسی است که به مؤمنین محبت کند و خیری نیست در آن کس که محبت ندارد.

۸۸۴- الأمالی الطوسی ۵۱۷ ح ۳۹: القاسم بن بهرام، عن جعفر بن محمد (علیهما السلام)، قال: إذا اشتکی العبد ثم عوفی فلم یحدث خیراً ولم یکف عن سوء، لقیّت الملائکة بعضها بعضاً - یعنی حفظته - فقالت: إن فلاناً داویناه فلم ینفعه الدواء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که بنده ای به گرفتاری و مرضی دچار می شود و سپس خداوند به وی عافیت و سلامتی می دهد و او پس از سلامتی کار خیری انجام نداده و از اعمال بد دست نمی کشد ملائکه یکدیگر را ملاقات کرده و می گویند همانا فلانی را به گرفتاری و مرض دچار کردیم ولی فائده ای نداشت!

۸۸۵- الأمالی الطوسی ۴۸۴ ح ۲۹: عن أنس بن مالک، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يأتي على الناس زمان الصابر منهم على دينه كالقابض على الجمر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: روزگاری بر مردم بیاید که هر کس خواهد دین خود نگه دارد چنان باشد که آتش به دست گرفته باشد.

۸۸۶- الأمالی الطوسی ۵۱۲ ح ۲۶: أخبرني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه علي بن أبي طالب (عليهم السلام) قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: من كثر همّه سقم بدنه، ومن ساء خلقه عذب نفسه، ومن لاحى الرجال سقطت مروءته وذهبت كرامته. ثم قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لم يزل جبرئيل (عليه السلام) ينهاني عن ملاحاه الرجال (۱) كما ينهاني عن شرب الخمر وعباده الأوثان.

عبد الله بن محمد از امام باقر (عليه السلام) روایت کرده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس اندوهش زیاد گردد، بدنش بیمار می گردد، هر کس اخلاقش بد شود خود را گرفتار عذاب می کند و هر کس با مردم درافتد مردانگی و کرامت خود را از دست می دهد، فرمودند: جبرئیل مرا از درافتادن با مردم نهی می کرد، همان گونه که از شرب خمر و پرستیدن بت ها نهی می فرمود.

۸۸۷- الأمالی الطوسی ۵۲۲ ح ۶۳: عن علي بن أبي طالب (عليه السلام)، قال: كان ضحك النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) التبسّم، فاجتاز ذات يوم بفته من الأنصار وإذا هم يتحدثون ويضحكون بملء أفواههم، فقال: يا هؤلاء! من غرّه منكم أمله وقصر به في الخير عمله، فليطلع في القبور وليعتبر بالنشور، واذكروا الموت فإنّه هادم اللذات.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: خندیدن پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم) همان تبسم بود و روزی به جوانان انصار گذر کرد که گفتگو می کردند و با دهان باز می خندیدند پس فرمودند: ای شما حاضران! هر کس از شماها آرزویش او را فریب داده و در کار خیر کوتاهی کرده سری به گورها کشد و از زنده شدن در قیامت عبرت گیرد، و مرگ را یاد کنید که شکنندهی هر لذت و خوشی است.

۸۸۸- الأمالی الطوسی ۵۱۸ ح ۴۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): المرء على دين خليله، فلينظر أحدكم من يخالل.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: شخص بر دین دوست خود است، پس باید هریک از شما بدانند که با چه کسی همنشینی می کند.

۸۸۹- الأمالی الطوسی ۵۱۸ ح ۴۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يأتي على الناس زمان يذوب فيه قلب المؤمن في جوفه كما يذوب الآنك في النار يعنى الرصاص وما ذاك إلا لما يرى من البلاء والأحداث في دينهم لا يستطيع له غيراً.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: زمانی بر مردم می آید که قلب مؤمن در دلش آب می شود همان طور که شرب در آتش آب می شود، و نیست سبب آن مگر این که فتنه ها و بدعت هائی را که در دین آن ها ظاهر گشته مشاهده می کند و توانائی تغییر و بر طرف ساختن آن ها را ندارد.

۸۹۰- الأمالی الطوسی ۵۱۸ ح ۴۴: ویاسناده، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من تزوج فقد أحرز نصف دينه، فليتق الله في النصف الباقي.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس ازدواج کند نصف دین خود را به دست آورده است در نصف باقی از خدای تعالی تقوی پیشه کند.

۸۹۱- الأمالی الطوسی ۵۱۹ ح ۴۸: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أيكم مال وارثه أحب إليه من ماله؟ قالوا: ما فينا أحد يحب ذلك يا نبي الله! قال: بحسبكم، بل كلكم يحب ذلك. ثم قال: يقول ابن آدم: مالي مالي، وهل لك من مالك إلا ما أكلت فأفנית، أو لبست فأبليت، أو تصدقت فأمضيت، وما عدا ذلك فهو مال الوارث.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) خطاب به اصحاب فرمودند: کدام یک از شما مال وارثش از مال خودش دوست داشتنی تر است؟ گفتند: هیچ کس! حضرت فرمودند: چنین نیست بلکه همه ی شما اینگونه اید؛ چرا که فرزند آدم پیوسته می گوید: مال من! مال من! در حالی که مال و ثروت وی نیست مگر آن چه می خورد و از بین می رود و آن چه می پوشد و کهنه می شود و یا صدقه می دهد و بقیه ی آن مال وارث است.

۸۹۲- الأمالی الطوسی ۴۵۸ ح ۲۹: عن الحارث، عن علی (علیه السلام)، عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: کلّ معروف صدقه إلى غنیّ أو فقیر، فتصدّقوا ولو بشقّ تمره، و اتّقوا النار ولو بشقّ تمره، فإنّ الله (عزوجل) یربّیها لصاحبها كما یربّی أحدکم فلوه أو فضیله حتی یوفیه إیّاهما یوم القیامه، و حتی تكون أعظم من الجبل العظیم.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر احسانی صدقه باشد به توانگر باشد یا نیازمند، پس صدقه دهید، گر چه به نیمی از یک دانهی خرما باشد، از دوزخ پرهیزید، و گر چه با نیمی دانهی خرما؛ زیرا خدا (عزوجل) آن را برای صاحبش که صدقه داده فزون سازد و پرورد چنانی که یکی از شماها کوزه خر و اسب یا کوزه شتر خود را پرورش دهید تا روز قیامت آن را به وی پردازد، و تا این که بزرگ تر از کوه بزرگی باشد.

۸۹۳- الأمالی الطوسی ۵۶۹ ح ۴: حدّثنا الرضا علی بن موسی، قال: حدّثنا أبی موسی بن جعفر، قال. حدّثنا أبی جعفر بن محمّد، قال: حدّثنی أبی محمّد بن علی، عن أبیه علی بن الحسین، عن أبیه الحسین، عن أبیه علی بن أبی طالب (علیهم السلام)، قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: التوحید ثمن الجنّه، والحمد لله و فاء شکر کلّ نعمه، و خشیه الله مفتاح کلّ حکمه، و الإخلاص ملاک کلّ طاعه.

از حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمودند: اقرار به وحدانیت خداوند قیمت و بهای بهشت است، و حمد و سپاس خداوند وفای شکر هر نعمت است، و ترس از خدا کلید هر حکمت است، و خالص نمودن نیت، شرط قبولی هر طاعت است.

۸۹۴- الأمالی الطوسی ۵۷۶ ح ۴: عن أبیه إبراهیم بن الحسن بن الحسن، عن أمه فاطمه بنت الحسین، عن أبیها الحسین بن علی، عن أبیه علی بن أبی طالب (علیهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من أعطی أربع خصال فی الدنیا، فقد أعطی خیر الدنیا و الآخره، و فاز بحظه منهما: ورع یعصمه عن محارم الله، و حسن خلق یعیش به فی الناس، و حلم یدفع به جهل الجاهل، و زوجه صالحه تعینه علی أمر الدنیا و الآخره.

فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) از پدرش از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس چهار خصلت داشته باشد به خیر دنیا و آخرت رسیده و بهره‌ی خود را به دست آورده است.

ورعی که او را از ارتکاب به حرام باز دارد، حسن خلقی که بوسیله‌ی آن در میان مردم زندگی کند، حلمی که به وسیله‌ی آن نادان‌ها را از خود دور سازد، و زن شایسته‌ای که در کارهای دنیا و آخرت او را یاری دهد.

۸۹۵- الأمالی الطوسی ۵۷۰ ح ۶: حَدَّثَنَا عَمِّي عَلِيُّ بْنُ حَمْزَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَا اخْتَلَجَ عِرْقٌ وَلَا عَثْرَتٌ قَدَمٍ إِلَّا بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيكُمْ، وَمَا يَعْفُو اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) عَنْهُ أَكْثَرَ.

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر و او از پدرانیش (علیهم السلام) روایت می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر رگی که از شما از بریده و خون جاری گردد و یا قدم شما بلغزد به خاطر گناهی است که انجام داده‌اید و آن چه را که خداوند عفو می‌کند بیشتر می‌باشد.

۸۹۶- الأمالی الطوسی ۵۷۹ ح ۲: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِ نِعْمَةٍ فَشَكَرَهَا بَقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجِبَ الْمَزِيدَ فِيهَا قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ شُكْرُهَا عَلَى لِسَانِهِ.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال نعمتی به بنده اش نداده که از آن قلباً سپاسگزار بشود مگر این که پیش از تمام شدن شکر زبانی مستحق از دیاد نعمت خواهد شد.

۸۹۷- الاحتجاج ۱/۳۳۲: ...، وَلَقَدْ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ جَهَنَّمَ أَجْذَمٌ يَتَقَطَّعُ مِنَ الْجَذَامِ فَشَكَا إِلَيْهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَأَخَذَ قَدْحًا مِنْ مَاءٍ فَتَفَلَّ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: امْسَحْ بِهٖ جَسَدَكَ فَفَعَلَ فَبِرَأٍ حَتَّى لَمْ يَوْجَدْ فِيهِ شَيْءٌ.

شخصی از قبیله‌ی جُهَينَه که مبتلا به جذام شده بود حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و از آن حضرت شفا خواست آن حضرت ظرف آبی را طلبیده و از آب دهانشان در آن ریختند و به آن شخص فرمودند: «این آب را به بدنت بمال» پس آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و از آن مرض خلاصی یافت.

۸۹۸- الأمالی الطوسی ۶۱۰ ح ۸: عن جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لو أنّ الدنيا كلّها لقمه واحده فأكلها العبد المسلم ثمّ قال: الحمد لله، لكان قوله ذلك خيراً له من الدنيا وما فيها.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اگر همه‌ی دنیا، یک لقمه باشد و آن را بنده‌ی مسلمان بخورد و سپس الحمد لله بگوید: این گفته‌اش برای او بهتر از دنیا و بهتر از هر چه در آن است خواهد بود.

۸۹۹- الأمالی الطوسی ۶۳۰ ح ۱۰: حدّثنا علی بن حمزه العلوی، قال: حدّثنی أبی، قال: حدّثنا علی بن موسی الرضا، قال: حدّثنی أبی، عن أبیه، عن آبائه، عن علی (عليهم السلام)، عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قال: مثل المؤمن إذا عوفى من مرضه مثل البرده البيضاء تنزل من السماء فى حسنها وصفائها.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مثل مؤمن زمانی که از درد و مرض رها می‌شود مثل لباس سفیدی است که از آسمان نازل شده و صفای مؤمن همچون حُسن و صفای آن لباس است.

۹۰۰- الأمالی الطوسی ۶۳۰ ح ۱۱: عن یونس بن یعقوب، قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: المؤمن أكرم على الله أن يمرّ به أربعون يوماً لا- يمحصه الله تعالى فيها من ذنوبه، وإنّ الخدش والعثره وانقطاع الشسع واختلاج العين وأشباه ذلك ليمحص به ولئینا من ذنوبه، وأن یغتمّ لا- یدرى ما وجهه، وأما الحمى فإنّ أبی حدّثنی، عن آبائه، عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قال: حمى ليله كفّاره سنه.

یونس بن یعقوب می‌گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمن گرامی‌تر از آن است که بر او چهل روز بگذرد و خدا او را از گناه پاک نکند هر چند بخراشی که به زمین افتد یا پاره شدن بند کفش یا به وارد شدن چیزی در چشم باشد و مانند این‌ها که گفته شد، و به این‌ها دوست‌ما از گناهش پاک می‌شود یا این که غمگین می‌شود و سبب اندوهش را نمی‌داند.

و اما تب همانا پدرم مرا حدیث کرد از پدرانش از رسول خدا که فرمودند: تب یک شب، کفّاره ی یک سال گناه است.

۹۰۱- الأمالی الطوسی ۶۳۱ ح ۱: عن أبي حمزه، عن أبي الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام)، قال: مثل المؤمن مثل كفتي الميزان، كلما زيد في إيمانه زيد في بلائه، ليلقى الله (عز وجل) ولا خطيئه له.

از ابی حمزه از امام هفتم (علیه السلام) که فرمودند: مثل مؤمن همانند دو کفه‌ی ترازو است، که هر مقدار بر ایمانش افزوده گردد، بر بلایش افزوده می‌گردد، تا وقتی به محضر خدا می‌رود، گناهی برایش باقی نماند.

۹۰۲- الأمالی الطوسی ۶۳۸ ح ۳: عن شقيق، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم). أجيئوا الداعي، وعودوا المريض، واقبلوا الهدية، ولا تظلموا المسلمين.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دعوت کننده را پاسخ دهید، و بیمار را عیادت کنید، و هدیه را بپذیرید، و به مسلمانان ستم نکنید.

۹۰۳- الأمالی الطوسی ۶۴۱ ح ۱۶: قيل لعلي بن الحسين (عليهما السلام): كيف أصبحت، يا بن رسول الله؟ قال: أصبحت مطلوباً بثمان: الله تعالى يطلبني بالفرائض، والنبى (عليه السلام) بالسنة، والعيال بالقوت، والنفس بالشهوه، والشيطان باتباعه، والحافظان بصدق العمل، وملك الموت بالروح، والقبر بالجسد، فأنا بين هذه الخصال مطلوب.

شقیق بلخی گفت: از علی بن الحسین (علیهما السلام) پرسیدند چگونه صبح کردید؟ فرمودند: در حالی صبح کردم که از هشت طرف مرا جستجو می‌کنند، خداوند مرا به انجام واجبات دعوت می‌کند، و پیامبر به انجام سنت، خانواده مرا برای تهیه‌ی زاد و توشه، و نفس به شهوت رانی، و شیطان به پیروی از خود، و دو ملک موکل دعوت به کار درست، و ملک الموت روح مرا، و قبر پیکر مرا، من در بین هشت امر گرفتارم.

۹۰۴- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۰۰ ح ۱۸: قال الجاحظ: جمع الباقر (عليه السلام): صلاح شأن الدنيا بحذافيرها في كلمتين، فقال (عليه السلام): صلاح شأن التعايش والتعاشر مثل مكيا، ثلثاه فطنه وثلث تغافل.

جاحظ می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) صلاح دنیا را در دو کلمه جمع نمودند؛ چرا که آن حضرت فرمودند: صلاح زندگانی و معاشرت همچون پیمان‌ه ای است، که دو سوّم آن زیرکی و یک سوّم آن خود را به غفلت زدن است.

۹۰۵- الأمالی الطوسی ۶۴۱ ح ۱۷: وقیل لأبیه محمّد بن علی (علیهما السلام): کیف أصبحت؟ قال: أصبحنا غرقى فی النعمه، موفورین بالذنوب، یتحبب إلینا إلهنا بالنعم، وتممّت إلیه بالمعاصی، ونحن نفتقر إلیه وهو غنیّ عنّا.

به حضرت باقر (علیه السلام) عرض شد: چگونه صبح کردید؟ فرمودند: صبح کردیم در حالی که غرق در نعمتیم، سراپا گناه، خداوند اظهار لطف می فرماید به ما با نعمت هایش ولی ما فاصله می گیریم از او با معصیت ها، ما به او محتاجیم ولی او از ما بی نیاز.

۹۰۶- الأمالی الطوسی ۶۶۶ ح ۲: حدّثنا الحسین بن أبی غنّدر، عن أبیه، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، قال: قال أمير المؤمنین (علیه السلام): من أراد البقاء ولا بقاء، فلیباکر الغداء، ولیخفف الرداء، ولیقلّ غشیان النساء.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس بقاء خواهد با این که بقائی نباشد باید بامداد چاشت خورد و ردای دوش سبک دارد و کمتر با زنان در آمیزد.

۹۰۷- الأمالی الطوسی ۶۷۰ ح ۱۷: بهذا الإسناد، عن الحسین، قال: سمعت رجلاً یقول لأبى عبد الله (علیه السلام): بلغنی أنّ الاقتصاد والتدبیر فی المعیشه نصف الکسب. فقال أبو عبد الله (علیه السلام): لا، بل هو الکسب کلّه، ومن الدین التدبیر فی المعیشه.

از ایوب بن حرّ نقل شده که گفت: شنیدم شخصی به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد: حدیثی به من رسیده که اعتدال و تدبیر در زندگی نصف تجارت است؟ حضرت فرمودند: نه چنین نیست بلکه کلّ کسب و کار همین است، و تدبیر در زندگی از دین داری است.

۹۰۸- الأمالی الطوسی ۶۹۴ ح ۲۰: عن معاذ بن ثابت الفراء، عن أبی جعفر (علیه السلام)، قال: إنّ المؤمن لیذنب فیذکره بعد عشرین سنه فیستغفر منه، فیغفر له، وإنّما ذکره لیغفر له، وإنّ الکافر لیذنب الذنب فینساه من ساعته.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: چه بسا مؤمن گناهی را مرتکب شده و بعد از بیست سال به یاد آن می افتد و استغفار می کند؛ پس خداوند او را می بخشد و فقط

بدین جهت خداوند آن گناه را به یاد وی می آورد که طلب بخشش نماید و او را ببخشد ولی چه بسا کافر به محض این که گناهی را انجام می دهد آن را فراموش می کند.

۹۰۹- الأمالی الطوسی ۶۹۹ ح ۳۵: عن رزیق، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام)، يقول: ما رأيت شيئاً أسرع إلى شيء من الشيب إلى المؤمن، وإنه وقار للمؤمن في الدنيا، ونور ساطع يوم القيامة، به وقر الله تعالى خليله إبراهيم (عليه السلام)، فقال: ما هذا يا رب؟ قال له: هذا وقار، فقال: يا رب! زدني وقاراً. قال أبو عبد الله (عليه السلام): فمن إجلال الله إجلال شبيه المؤمن.

رزیق می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: نمی دانم چیزی را شتابنده تر به چیزی از سپیدی مو به مؤمن، راستی که آن وقار مؤمن است در دنیا و نوری تابان است در روز قیامت و بدانست که با وقار کرد خدا خلیلش ابراهیم را که گفت: پروردگارا! این چیست و خدا به او فرمودند: این وقار است، و گفت: پروردگارا فزون کن وقار مرا، و آن حضرت فرمودند: از والا شمردن خدا والا شمردن سپیدی موی مؤمن است.

۹۱۰- الأمالی الطوسی ۷۰۲ ح ۳: عن موسى بن بكر، عن العبد الصالح (عليه السلام)، قال: بكى أبو ذرٍّ من خشية الله تعالى حتى اشتكى بصره، فقيل له: لو دعوت الله يشفي بصرك. فقال: إني عن ذلك مشغول، وما هو بأكبر همي. قالوا: وما يشغلك عنه؟ قال: العظيمنتان الجنّة والنار.

موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: ابا ذر آن قدر از خوف خدا گریست تا چشمش آزرده شد، گفتند: خوب است دعا کنی چشمت را شفا دهد، گفت: من گرفتار کار بزرگ تری هستم، گفتند: چه کار تو را از بیماری چشم واداشته؟ گفت: دو چیز بزرگ: بهشت و جهنم.

۹۱۱- الأمالی الطوسی ۶۲۲ ح ۱۹: عن سليم بن قيس، عن علي بن أبي طالب (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): من فقه الرجل قلّه كلامه فيما لا يعنيه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: (علامت و نشانه) از فقه و دانائی مرد، کم سخن گفتن او است در آن چه نفع و سودی در آن نمی بیند.

۹۱۲- الأماالی الطوسی ۲۰۳ ح ۴۹: عن داود الأبخاری، قال: سمعت موسی بن جعفر (علیه السلام) یقول: کفی بالتجارب تأدیباً، وبمّرّ الأیام عظه، وبأخلاق من عاشرت معرفه، وبذکر الموت حاجزاً من الذنوب والمعاصی، والعجب کلّ العجب للمحتمین من الطعام والشراب مخافه الداء أن ینزل بهم، کیف لا یحتمون من الذنوب مخافه النار إذا اشتعلت فی أبدانهم!

داود ابزاری می گوید: از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: تجربه ها برای ادب نمودن تو، و گذشت ایام برای پند دادن، و اخلاق کسانی که با آن ها معاشرت می کنی برای کسب فهم و معرفت؛ و یاد مرگ برای بازداشت از گناهان و معاصی کافی هستند، و تعجب می کنم تعجب زیادی از کسانی که از خوراک و غذای خود به خاطر ترس از ابتلا به مرض مراقبت می کنند ولی چگونه از گناهان به خاطر ترس از آتش جهنم زمانی که در بدن هایشان شعله ور می شود دوری نمی کنند!

۹۱۳- الخرائج والجرائح ۱/۲۳۱ ح ۷۶: عن أبي عبد الله، عن أبيه (عليهما السلام) أنّ علياً (عليه السلام) لما قدم من صفين وقف على شاطئ الفرات، ثم انتزع سهماً من كنانته ثم أخرج منها قضيباً أصفر فضرب به الفرات وقال: انفجرت اثنتا عشرة عيناً كل عين كالطود والناس ينظرون إليه، ثم تكلم بكلام لم يفهموه، فأقبلت الحيتان رافعة رؤوسها بالتهليل والتكبير وقالت: السلام عليك يا حجة الله على خلقه في أرضه! ويا عين الله في عباده! خذلك قومك بصفين كما خذل هارون بن عمران قومه، فقال لهم: أسمعتم؟ قالوا: نعم، قال: فهذه آية لي عليكم وقد أشهدتكم عليه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی که علی (علیه السلام) از صفین برمی گشتند بر ساحل رود فرات ایستاده و با چوب دستی خود بر آب زدند و فرمودند: جاری شو. پس دوازده چشمه جاری شد و مردم نگاه می کردند. سپس با زبانی سخن گفتند که مردم نفهمیدند. آن گاه ماهی ها سرشان را از رودخانه بیرون آوردند و «لا إله إلا الله» و تکبیر گفتند و بعد از آن گفتند: «سلام بر تو ای حجت خدا در زمین، و ای چشم خدا در میان بندگان»، قوم تو در صفین تو را خوار کردند چنان چه قوم هارون بن عمران او را چنین نمودند.

پس آن حضرت به مردم فرمودند: «آیا شنیدید؟» گفتند: بلی. پس فرمودند:

«این معجزه‌ی من برای شماست و شما را بر آن شاهد می‌گیرم».

۹۱۴- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۰۰ ح ۲۲: قال (عليه السلام):...، وكفى بالمرء عبياً أن ينظر من الناس ما يعمى عنه من نفسه، ويعير الناس بما لا يستطيع تركه، أو يؤذى جليسه بما لا يعنيه.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: عیب و ایراد همین بس که انسان به آن چه که از نگرستن مردم برای خود زشت می‌شمارد بنگرد، و مردم را سرزنش کند به آن چه که خود توان ترک آن را ندارد یا همنشین خود را برای امور ناچیز و بی‌فایده اذیت کند.

۹۱۵- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۰۱ ح ۲۶: وقال (عليه السلام): ما عرف الخیر من لم يتبعه، وما عرف الشرّ من لم يتجنبه.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: کسی که از خیر تبعیت نکند آن را نمی‌شناسد و کسی که از شرّ اجتناب نکند بدان آگاهی ندارد.

۹۱۶- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۰۳ ح ۳۲: قال له بعض شيعته: أوصني - وهو يريد سفرأ - فقال له (عليه السلام): لا تسيرن شبرأ وأنت حاقن، ولا تنزلن عن دابتك ليلاً لفضاء حاجه إلا ورجلك في حُفّ. ولا تبولن في نفق، ولا تذوقن بقله، ولا تشمها حتى تعلم ما هي، ولا تشرب من سقاء حتى تعلم ما فيه، واحذر من تعرف، ولا تصحب من لا تعرف.

یکی از شیعیان امام باقر (علیه السلام) که قصد سفر داشت نزد آن حضرت آمده و گفت که مرا سفارشی نمایید، حضرت فرمودند: اگر بول داشتی به اندازه‌ی وجبی حرکت مکن، در شب بدون کفش قضای حاجت مکن، در لانه‌ی حشرات بول مکن، گیاهی را نچش و بو مکن مگر این که بدانی چه گیاهی است، از ظرفی نوش مگر آن که بدانی چه چیز در آن است، از کسانی که می‌شناسی بر حذر باش و با کسانی که نمی‌شناسی همنشین و همراه مشو.

۹۱۷- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۸۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كونوا درّائين، ولا تكونوا رؤائين.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: اهل فهم و درایت باشید نه صرفاً راوی حدیث.

۹۱۸- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۰۸ ح ۱۶: قال (علیه السلام): رأس الحزم التواضع، فقال له بعضهم: وما التواضع؟ قال (علیه السلام): أن ترضی من المجلس بدون شرفک، وأن تسلّم علی من لقیته، وأن تترك المراء وإن كنت محققاً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رأس زیرکی تواضع است؛ کسی گفت: تواضع چیست؟ حضرت فرمودند: این که در مجلس به جایی پایین تر از شأن خود راضی شوی، و به کسانی که با آن ها برخورد می کنی سلام نمایی، و جدال را ترک نمایی گرچه حق با تو باشد.

۹۱۹- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۱۲ ح ۳۸: قال الصادق (علیه السلام): من أخلاق الجاهل الإجابة قبل أن یسمع، والمعارضه قبل أن یفهم والحکم بما لا یعلم.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: برخی از اخلاق و خواهی جاهل و نادان، پاسخ دادن است پیش از آن که (سخن را) بشنود، و معارضه و گفتگو کردن است پیش از آن که بفهمد و دریابد، و حکم و فرمان دادن است به آن چه نمی داند.

۹۲۰- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۱۲ ح ۴۰: قال الصادق (علیه السلام): سرک من دمک، فلا یجرین فی غیر أوداجک.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: راز تو از خون تو است و مبدا جز در رگ هایت روان شود.

۹۲۱- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۱۳ ح ۵۱: قال الصادق (علیه السلام): إن القلب یحیی ویموت، فإذا حی فأذبه بالتطوع، وإذا مات فاقصره علی الفرائض.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دل زنده می شود و می میرد، پس هرگاه زنده است آن را با مستحبات تأدیش کن و هرگاه می میرد، به واجبات اکتفا کن.

۹۲۲- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۳۴ ح ۳: قال الجواد (علیه السلام): من أطاع هواه، أعطی عدوه مناه.

حضرت جواد (علیه السلام) فرمودند: آن کس که مطیع هوای نفس خود باشد دشمن خود را به هدف می رساند.

۹۲۳- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۲۹ ح ۱۵: قال علي بن موسى (عليه السلام): إن للقلوب إقبالاً وإدباراً، نشاطاً وفتوراً، فإذا أقبلت أبصرت وفهمت، إذا أدبرت كَلَّتْ وملت، فخذوها عند إقبالها ونشاطها، واتركوها عند إدبارها وفتورها.

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: همانا برای قلب ها اقبال (روی آوردن به امور از روی میل و رغبت) و ادبار (پشت کردن به امور و عدم میل به آن ها)، شادی و سستی است، پس زمانی که قلب اقبال دارد آگاه است و می فهمد و زمانی که ادبار دارد سرپیچی کرده و بی رغبت است، پس زمانی که قلب اقبال و نشاط دارد سراغ آن رفته (و اعمال مستحب عبادی و امور آخرتی را انجام دهید) و زمانی که قلب ادبار و سستی دارد از آن دوری کنید.

۹۲۴- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۳۴ ح ۲: قال الجواد (عليه السلام): القصد إلى الله تعالى بالقلوب أبلغ من إتيان الجوارح بالأعمال.

امام جواد (عليه السلام) فرمودند: با دل ها آهنگ خدا کردن، رساتر از زحمت دادن اعضا با اعمال است.

۹۲۵- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۱۹ ح ۶۴: قال الصادق (عليه السلام): ما كل من أراد شيئاً قدر عليه، ولا كل من قدر على شيء وفق له، ولا كل من وفق أصاب له موضعاً فإذا اجتمعت التّيه والقدرة والتوفيق والإصابة فهناك تجب السعادة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: نه هر کس چیزی را خواست قادر بر آن می شود و نه هر کس قادر شد توفیق می یابد و نه هر کس توفیق یافت جای مناسب آن امر را پیدا می کند، وقتی تبت و قدرت و توفیق و پیدا کردن در جای مناسب جمع شد اینجا است که سعادت پیش آمده.

۹۲۶- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۱۳۷ ح ۱۸: قال الجواد (عليه السلام): نعمه لا تشكر كسيئته لا تغفر.

حضرت جواد (عليه السلام) فرمودند: نعمتی که شکر و سپاس آن نعمت نشود مانند گناهی است که بخشوده نشود.

۹۲۷- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۳۵ ح ۵: قال الجواد (عليه السلام): من هجر المداراه قاربه المكروه، ومن لم يعرف المصادر أعيته الموارد، وإِنما تكون الشهوات من ضعف القلب، ومن انقاد إلى الطمأنينه قبل الخبره فقد عرض نفسه للهلكه والعاقبه المتعبه.

امام جواد (عليه السلام) فرمودند: هر کس از مدارا نمودن با مردم کناره گیری کند گرفتاری ها سراغ او می آیند، و هر کس اموری را که قرار است انجام دهد نشناسد، به مخاطره می افتد، و آلوده شدن به شهوات ناشی از ضعف قلب و روح آدمی است، و از کسی که قبل از تجربه مطمئن باشد، خود را در معرض هلاکت و عاقبت تأسف انگیز قرار داده است.

۹۲۸- الخصال ۴۳۳ ح ۱۷: عن سليمان بن خالد، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لم يعبد الله (عزوجل) بشيء أفضل من العقل، ولا يكون المؤمن عاقلاً حتى يجتمع فيه عشر خصال: الخير منه مأمول، والشر منه مأمون، يستكثر قليل الخير ممن غيره، ويستقل كثير الخير من نفسه، ولا يسأم من طلب العلم طول عمره، ولا يتبرم بطلائب الحوائج قبله، الذل أحب إليه من العز، والفقر أحب إليه من الغنى، نصيبه من الدنيا القوت، والعاشره وما العاشره لا يرى أحداً إلا قال هو خير مني وأتقى، إنما الناس رجالان؛ فرجل هو خير منه وأتقى، وآخر هو شر منه وأدنى، فإذا رأى من هو خير منه وأتقى تواضع له ليلحق به، وإذا لقي الذي هو شر منه وأدنى قال: عسى خير هذا باطن وشره ظاهر، وعسى أن يختم له بخير، فإذا فعل ذلك فقد علا مجده، وساد أهل زمانه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: خدای (عزوجل) به چیزی که نیکوتر از عقل باشد پرستش نشده است و مؤمن خردمند نگردد تا آن گاه که ده خصلت در او گرد آید: به نیکی او امیدواری باشد و از شر او ایمنی، کمترین خوبی دیگران را بسیار شمارد و خوبی فراوان خود را اندک ببیند، در همه عمر خود از دانش جوئی خسته نگردد و از مراجعه نیازمندان به نزد او سنگین دل نشود، خواری را از سربلندی و تنگ دستی را از ثروت مندی دوست تر دارد، و بهره اش از دنیا همان خوراک روزانه باشد و دهم چه دهمی؟:

کسی را نبیند مگر آن که با خود گوید: از من بهتر و پرهیزکارتر است که مردم دو قسم بیشتر نیستند مردمی که واقعاً از او بهتر و پرهیزکارترند و قسم دیگری

که از او بدتر و پست تر هستند؛ پس چون کسی را ببند که از او بهتر است و پرهیزکارتر برای او فروتنی کند تا مگر به مقام او برسد و چون کسی را که بدتر و پست تر از او است ملاقات کند گوید: نیکی این شخص در نهان است و بدی اش در عیان و شاید فرجام کارش خیر باشد پس چون چنین کرد بزرگواری اش والاتر شود و بر اهل زمان خود سرور گردد.

۹۲۹- الخرائج والجرائح ۱/۱۷۴ ح ۷: عن رميله، أنّ عليّاً (عليه السلام) مرّ برجل يخبط هو هو، فقال: يا شاب! لو قرأت القرآن لكان خيراً لك، فقال: إنّني لا أحسنه ولوددت أن أحسن منه شيئاً، فقال: ادن منّي فدنا منه، فتكلّم في أذنه بشي ء خفيّ، فصوّر الله القرآن كلّه في قلبه، فحفظ كلّه.

رُمَيْلَه می گوید: علی (علیه السلام) شخصی را در حال خِیاطی و آوازخوانی دید و فرمودند: «ای جوان! اگر قرآن بخوانی برای تو بهتر است». آن جوان گفت: بلد نیستم بخوانم، ولی دوست داشتم مقداری از آن را حفظ بوده و می خواندم.

حضرت فرمودند: نزدیک بیا، آن جوان نزدیک آمد و علی (علیه السلام) آهسته چیزی در گوش او گفتند که تمام قرآن در قلب او نقش بست و حافظ تمام قرآن شد.

۹۳۰- نزهه الناظر وتنبيه خاطر ۱۳۹ ح ۹: قال الهادي (عليه السلام): راكب الحرون أسير نفسه، والجاهل لسانه.

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: اسب سوار بر اسب چموش، اسیر نفس خویش است، و همچنین است کسی که زبان گویا و برخاسته از علم و دانش ندارد.

۹۳۱- نزهه الناظر وتنبيه خاطر ۱۴۵ ح ۶: قال العسكري (عليه السلام): لو عقل أهل الدنيا خربت.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: اگر مردم دنیا می فهمیدند و تدبّر نموده و می اندیشیدند (که دنیا جای ماندن نیست و فانی و نیست می شود) دنیا خراب و ویران می گشت (اگر مردم دانسته و راستی باور داشتند که در این سرای رهگذرند و نمی مانند عمر عزیز خود را برای چیزهای نابودشدنی به پایان نمی رسانیدند، و دنیا بدین گونه که هست نمی بود).

۹۳۲- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۴۰ ح ۱۶: قال الهادی (علیه السلام): الحسد ماحق الحسنات، والزهو جالب المقمت، والعجب صارف عن طلب العلم، داع إلى التخبط فی الجهل، والبخل أذم الأخلاق والطمع سجيّه سیئه.

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: حسد از بین برنده‌ی حسنات است؛ و تکبر جلب کننده‌ی کینه، و عجب و بزرگ پنداشتن خویش از طلب علم و دانش باز می‌دارد، و در جهل و نادانی غوطه ور می‌سازد و بخل بدترین اخلاق هاست و طمع خوی بدی است.

۹۳۳- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۴۲ ح ۲۸: قال الهادی (علیه السلام): إذا کان زمان العدل فیہ أغلب من الجور فحرام أن تظنّ بأحد سوءاً حتى تعلم ذلك منه، وإذا کان زمان الجور فیہ أغلب من العدل، فلیس لأحد أن یظنّ بأحد خیراً حتى یبه او ذلك منه.

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: آن زمان که عدالت بر ظلم و جور غلبه نماید، پس حرام است که به کسی سوء ظنّ برده شود، مگر آن که معلوم شود، و آن زمان که ظلم و جور بر عدالت غلبه کرد پس سزاوار نیست که به کسی گمان خیر برده شود مگر آن که معلوم شود.

۹۳۴- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۴۲ ح ۲۹: قال الهادی (علیه السلام): للمتوکل فی جواب کلام بینهما: لا تطلب الصفا مّمن کدرت علیه، ولا الوفاء مّمن غدرت به ولا النصح مّمن صرفت سوء ظنّک إلیه، فإنّما قلب غیرک لک کقلبک له.

امام هادی (علیه السلام) به متوکل عباسی در جواب مطلبی که بین آن‌ها بود فرمودند: صدق و صفا را از کسی که کدورت از تو به دل دارد طلب مکن، و وفا را از کسی که در حقّ تو مکر و حيله به کار برده است مخواه؛ و پند و نصیحت را از کسی که به تو سوء ظن دارد طلب مکن؛ چرا که قلب دیگری نسبت به تو مانند قلب تو نسبت به دیگری است.

۹۳۵- مکارم الأخلاق ۲۸۷: عن الصادق (علیه السلام) قال: إنّ الله (تبارک و تعالی) یبغض کثره النوم وکثره الفراغ.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند خواب زیاد و بیکاری بسیار را دوست ندارد.

۹۳۶- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۳۸ ح ۵: قال الغلابی: وسألته عن الحلم؟ فقال (عليه السلام): هو أن تملك نفسك وتكظم غيظك، ولا يكون ذلك إلا مع القدره.

غلابی می گوید: از امام هادی (علیه السلام) در مورد حلم و بردباری سؤال کردم، پس آن حضرت فرمودند: حلم این است که مالک نفس خویش باشی و خشم را فرو نشانی و این امر بدون قدرت روحی امکان پذیر نیست.

۹۳۷- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۴۵ ح ۹: قال العسکری (علیه السلام): حسن الصورة جمال ظاهر، وحسن العقل جمال باطن.

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: نیکویی صورت و پیکر، خوشگلی ظاهر و آشکار است، و نیکویی عقل و خرد، زیبایی باطن و نهان است.

۹۳۸- من لا- يحضره الفقيه ۴/۴۱۰ ح ۵۸۹۳: عبد الله بن أبي يعفور قال: قال الصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): جاهد هواك كما تجاهد عدوك.

عبد الله بن ابی یعفور روایت کرده است، که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: با هوای نفست جهاد کن همچنان که با دشمنت جهاد می کنی.

۹۳۹- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۶ ح ۳۴: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم، فإنه من أقبل على الله (عزوجل) بقلبه جعل الله لولب العباد منقاداً إليه بالود والرحمة، وكان إليه بكل خير أسرع.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از غم و غصه های دنیا تا می توانید خود را خالی کنید؛ چرا کسی که با همه ی قلبش به سوی خدا روی کند خداوند قلب های مردم را از روی دوستی و رحمت مطیع وی می گرداند و خیرات زودتر سراغ وی می آیند.

۹۴۰- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۲۲ ح ۵۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من فتح له باب من الخير فلينتهزه فإنه لا يدري متى يغلق عليه.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس دری از خیر به سوی او باز شد، پس آن را غنیمت بشمارد چون معلوم نیست که همچنان باز بماند.

۹۴۱- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۸۵ ح ۱۸: قال الحسين (عليه السلام): اصبر على ما تكره فيما يلزمك الحق، واصبر عما تحب فيما يدعوك إليه الهوى.

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: بر سختی‌ها صبر کن مادامی که تو را به حق می‌رساند و صبر کن بر ترک آن چه که دوست داری مادامی که تو را به هوا پرستی می‌کشاند.

۹۴۲- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۳ ح ۲۴: قال (عليه السلام): كل عين ساهره يوم القيامة إلا ثلاث عيون: عين سهرت في سبيل الله، وعين غضت عن محارم الله، وعين فاضت من خشية الله.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هر چشمی روز قیامت بیدار و هراسان است مگر سه چشم: چشمی که در راه خدا بیدار بوده است و چشمی که از حرام‌ها پوشیده بوده است، و چشمی که از خوف خدا گریسته است.

۹۴۳- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۱ ح ۱۲: قال سجّاد (عليه السلام): لكل شيء فاكهه، وفاكهه السمع الكلام الحسن.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: برای هر چیز میوه‌ای است و میوه‌ی گوش کلام نیکو است.

۹۴۴- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۱ ح ۱۵: قال علي بن الحسين (عليه السلام) لابنه محمّد (عليه السلام): كف الأذى، وفضّ الندى واستعن على السلامه بالسكوت، فإنّ للقول حالات تضرّه، واحذر لأحمق وإن كان صديقاً، كما تحتذر العاقل إذ كان عدوّاً، إياك ومعاده الرجال، فإنّك لن تعدم مكر حكيم أو مفاجأه لئيم.

امام سجّاد (علیه السلام) به فرزندشان محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: از اذیت و آزار خودداری کن، و بخشش نما، و از سکوت بر سالم بودن کمک بگیر، چرا که برای سخن گفتن حالاتی است که باعث ضرر جسم می‌شود، و از احمق حذر کن و اگر چه دوست تو باشد، همچنان که از عاقل دوری می‌کنی زمانی که دشمن تو باشد، پرهیز از دشمنی مردم چرا که تو نمی‌توانی مکر آدم حکیم و خطر آفرینی آدم پست را از بین ببری.

۹۴۵- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۲ ح ۱۹: قال سجّاد (علیه السلام): ما استغنی أحد بالله إلا افتقر الناس إليه.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هیچ کس خدای تعالی او را بی نیاز نمی کند مگر این که مردم به او محتاج گردند.

۹۴۶- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۰ ح ۵: قال سجّاد (علیه السلام): من عتب علی الزمان طال معتبه.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هر کس به سرزنش زمانه مشغول شود سرزنشش طولانی گردد.

۹۴۷- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۹۶ ح ۳: قال (علیه السلام): الأدب یكون بالید واکتساباً، فمن تکلفه قدر علیه. والعقل حباء من

الله تعالی یهبه لمن یشاء، فمن تکلفه لا یزیده إلا جهلاً.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: ادب به دست خود انسان و اکتسابی است، پس کسی که خود را برای به دست آوردن آن

به زحمت بیندازد به آن می رسد. و عقل هدیه ای است از جانب خدا که به هر کس بخواهد عطا می کند و کسی که برای به

دست آوردن آن خود به زحمت بیندازد جز جهل و نادانی چیزی عایدش نمی شود.

۹۴۸- بشاره المصطفی ۳۴۲ ح ۳۶: قال سلمان الفارسی: أوصانی خلیلی أبو القاسم (صلی الله علیه و آله و سلم) بسبع لا أدعهنّ

علی کلّ حال إلی أن أموت: أن أنظر إلی من هو دونی ولا- أنظر إلی من هو فوقی، وأن أحبّ الفقراء وأدنو منهم، وأقول الحقّ

وإن کان ضراً، وأن أصل رحمی وإن کانت مدبره، وأن لا أسأل الناس شیئاً، وأكثر من قول لا حول ولا قوه إلا بالله □ فإنّها کثر

من کنوز الجنّه.

سلمان فارسی می گوید: دوستم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا به هفت چیز سفارش نمود که آن را در هر حالی

تا زمان مرگ رها نکنم: این که به پایین دست خود بنگرم نه به بالا- دست خود، و این که فقرا را دوست بدارم و به ایشان

نزدیک شوم، و حق را بگویم اگر چه بر ضرر من باشد؛ و صله‌ی رحم نمایم اگر چه آن ها از من دوری گزینند، و از مردم

چیزی نخواهم و این که ذکر □ لا حول ولا قوه إلا بالله □ را زیاد بگویم؛ چرا که آن گنجی از گنج های بهشت است.

۹۴۹- کمال الدین ۶۷۵ ح ۳۰: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت بها أحلامهم.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست، عقل و خرد آن ها کمال یابد.

۹۵۰- أعلام الدين في صفات المؤمنين (عليه السلام): العاقل يعمل بالدرایات، والجاهل يعمل بالروایات.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: عاقل به درایات (مطالب حکیمانه) عمل می کند و جاهل به روایات (گفته ها و حرف های مردم).

۹۵۱- أعلام الدين في صفات المؤمنين (عليه السلام): همّ العاقل الدرايه، وهمّ الجاهل الروايه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همّت عاقل در فهم مطالب است، و همّت جاهل در نقل مطالب است.

۹۵۲- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۰۵ ح ۳۶: قيل للباقر (عليه السلام): من أعظم الناس قدراً؟ قال (عليه السلام): من لا يبالي في يد من كانت الدنيا.

به امام باقر (علیه السلام) عرض کردند: چه کس از همه ی مردم ارزش بیشتری دارد؟ آن حضرت فرمودند: کسی که باکی ندارد دنیا در دست چه کسی باشد.

۹۵۳- أعلام الدين في صفات المؤمنين (عليه السلام): ۱۲۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إنَّ أحبَّ الخلائقِ إلى الله تعالى شابٌّ حدث السنِّ، في صورته حسنه، جعل شبابه وجماله في طاعه الله تعالى، ذاك الذي يباهي الله تعالى به ملائكته فيقول: هذا عبدى حقاً.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا محبوب ترین خلایق نزد خداوند جوان کم سنّ و سال و زیبایی است که جوانی و جمال خود را در اطاعت خداوند قرار داده است، او کسی است که خدای تعالی بر ملائکه اش به او افتخار می کند و می گوید: این بنده ی حقیقی من است.

۹۵۴- إثبات الهداه ۷/۳۵۷ ح ۱۳۷: عن كتاب إثبات الرجعه، للفضل بن شاذان (رحمه الله) أنه روى بإسناد صحيح، عن الصادق (عليه السلام)، أنه قال: ما من معجزة من معجزات الأنبياء والأوصياء إلا ويظهر الله (عز وجل) مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجّه على الأعداء.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر این که خداوند شبیه آن را برای اتمام حجّت بر دشمنان به دست قائم ما ظاهر می کند.

۹۵۵- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۱۰۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):...، والله ما أرى أحداً يتقى تقوى تنفعه حتى يخترن لسانه، فإنّ لسان المؤمن من وراء قلبه، وإنّ قلب المنافق من وراء لسانه، لأنّ المؤمن إذا أراد أن يتكلّم بكلام تدبّره في نفسه، فإن كان خيراً أبداً، وإن كان شراً واره، وإنّ المنافق يتكلّم بما أتى على لسانه، لا يدرى ما ذا عليه ممّا له، الخبر.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ندیدم احدی را که تقوای با منفعت و مفیدی داشته باشد مگر این که زبانش را حفظ کند؛ چرا که زبان مؤمن پشت قلبش و قلب منافق پشت زبانش است؛ چرا که مؤمن زمانی که قصد حرف زدن می کند ابتدائاً در نفس خویش تدبّر می کند پس اگر آن سخن خیر او باشد بدان تکلم می کند و اگر شرّ او باشد آن را پنهان می نماید ولی منافق به آن چه که بر زبانش جاری می شود تکلم می کند و نمی داند که از آن سخنان چه بر سر او می آید.

۹۵۶- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۱۲۲: قال (عليه السلام): إنّ لأهل التقوى علامات يعرفون بها: صدق الحديث، وأداء الأمانة، والوفاء بالعهد، وقلة الفخر والبخل، وصله الأرحام، ورحمة الضعفاء، وقلة المواتاة للنساء، وبذل المعروف، وحسن الخلق، وسعه الحلم، واتباع العلم فيما يقرب إلى الله (عز وجل)، فطوبى لهم وحسن مآب، الخبر.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرمودند: که پرهیزکاران را نشانه هائی است که با آن ها شناخته می شوند: راستگوئی، و امانت را پس دادن، و پیمان را به پایان رساندن، و کمتر فخر کردن، و کمتر بخل ورزیدن، و با خویشان پیوند نگستن، و بر ناتوان دل سوزی نمودن، و از زنان کمتر

فرمان بردن، و در کار نیک دست باز بودن، و خوش خلقی، و بسیار حلم ورزیدن، و از دانستن آن چه به خدای (عزوجل) نزدیک می کند پیروی کردن، پس خوشا به حال آن ها و نیکوئی سرانجام کارشان.

۹۵۷- أعلام الدین فی صفات المؤمنین ۲۴۶: قد فصله مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام) فی قوله: إن استطعتم أن يحسن ظنكم بالله، ویشتد خوفکم منه، فاجمعوا بينهما، فإنما يكون حسن ظن العبد بربه علی قدر خوفه منه، وإن أحسن الناس بالله ظناً أشدهم منه خوفاً.

علی (علیه السلام) فرمودند: اگر توانائی دارید حسن ظن و خوف از خدا را در یک جا جمع کنید، هم به رحمت او امیدوار باشید و هم از عذاب او بترسید، و بهترین مردم کسانی می باشند که هم به خدا حسن ظن دارند و هم از او می ترسند.

۹۵۸- أعلام الدین فی صفات المؤمنین ۲۵۵: روی عن العالم أنه قال: واللّه، ما أعطى مؤمن قطّ خير الدنيا والآخرة، إلا بحسن ظنه بالله (عزوجل) ورجائه له، وحسن خلقه، والكفّ عن اغتياّب المؤمنین، واللّه (تبارك و تعالی) لا يعذب عبداً بعد التوبه والاستغفار إلاّ بسوء ظنه، وتفصيره فی رجائه لله (عزوجل)، وسوء خلقه، واغتيابه للمؤمنین، وليس يحسن ظنّ عبد مؤمن بالله (عزوجل) إلاّ كان عند ظنه به، لأنّ الله تعالى كريم يستحي أن يخلف ظنّ عبده ورجاءه، فأحسنوا الظنّ بالله، وارغبوا إليه، فإنّ الله تعالى يقول: {الظّائنين بالله ظنّ السوء علیهم دائره السوء وغضب الله علیهم ولعنهم وأعدّ لهم جهنم وساءت مصيراً} (۱).

از موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: به خدا سوگند که مؤمن به خیر و سعادت دنیا و آخرت نمی رسد مگر از راه حسن ظنّ به خدای متعال و امیدش به او، و خوش خلقی و خودداری از غیبت مؤمنین.

و نیز خداوند متعال هیچ بنده ای را پس از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر از جهت سوء ظنّ به خدا و کم امیدى و کوتاهی او در امیدوار بودنش به خدا و بدی اخلاق او و غیبت مؤمنین، و هر کس که به خدا حسن ظنّ داشته باشد قطعاً لطف الهی را در کنار حسن ظنّ خود می بیند. چون خداوند

بزرگ و ار است و شرم می دارد که بر خلاف حسن ظنّ بندهی خود و بر خلاف امید او عمل کند. بنابراین بینش و گمان خود را نسبت به خدا نیکو کنید و به لطفش رغبت نمائید که خداوند می فرماید: < کسانی که به خداوند سوء ظنّ می برند بدی ها را جمع کرده و غضب و لعنت خداوند شامل حالشان گردیده و جهنّم برایشان مهیّا می گردد و بد جایگاهی است >.

۹۵۹- أعلام الدین فی صفات المؤمنین ۲۷۳: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، فعليكَ بالصمت فبه تغلب الشيطان، وتستوجب المغفرة والرضوان، وإياك أن تضحك من غير عجب، أو تمشي وتتكلم في غير أدب.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: بر تو باد به سکوت که در آن بر شیطان غالب گردی، و مغفرت و رضوان شامل حالت گردد و پرهیز از خندهی بی دلیل و راه رفتن و سخن گفتن بدون رعایت ادب.

۹۶۰- أعلام الدین فی صفات المؤمنین ۲۷۳: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، ومن ألزم نفسه الفكر ملاً لله قلبه أمناً وإيماناً وحكمه، وإنّ الفكر مفاتيح أقفال الحكمة والاعتبار، وإنّهما ليخرجان من قلب المؤمن عجائب المنطق في الحكمة، فتسمع له أقوال ترضاها الحكماء، ويخضع لها العلماء، وتعجب منها الفقهاء، الخبر.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: هر کس نفس خویش را به فکر کردن عادت دهد خدای تعالی قلب او را از امتیّت ایمان و حکمت پر می کند و به درستی که فکر کردن کلید قفل های حکمت و عبرت است و این دور عجائب گفتار حکمت آمیز را از قلب مؤمن خارج می کنند، و از این شخص سخنانی شنیده می شود که حکما بدان راضی می شوند و علما برای آن خضوع نموده و فقها از آن تعجب می کنند.

۹۶۱- أعلام الدین فی صفات المؤمنین ۲۹۶: قال النبي (صلى الله عليه و آله و سلم): الشهوة داء، وعصيانها دواء.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: پیروی از شهوت درد است و دواى آن نافرمانی و پیروی نمودن از آن است.

۹۶۲- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۲۷۹: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): على كل قلب خاتم من الشيطان فإذا ذكر اسم الله خنس وذاب، وإذا ترك الذكر التقمه الشيطان فجذبته وأغواه، فاستزله وأطغاه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بر هر قلبی مَهْری از شیطان است، پس زمانی که اسم خدا را ببرد آن مَهْر از بین می رود، و زمانی که نام خدا را ترک کند شیطان او را در بر گرفته و به سوی خود جذب می کند، و او را لغزاننده و سرکش می نماید.

۹۶۳- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۲۸۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) لابنه الحسن (عليهما السلام):...، ولا تضيعن حق أخيك اتكالا على ما بينك وبينه، فإنه ليس لك بأخ من أضعت حقه، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: حق برادرت را به خاطر تکیه بر آن چه که میان تو و اوست ضایع مکن؛ چرا که برادر تو نیست آن که حقش را ضایع می نمایی.

۹۶۴- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۲۸۸: قال علي (عليه السلام):...، إِيَّاكَ أَنْ تَذَكَرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا كَانَ مَضْحَكًا، وَإِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ، الخبر.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: از ذکر کلام خنده دار پرهیز اگر چه آن را از غیر خودت حکایت نمایی.

۹۶۵- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۲۹۴: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): جاملوا الأشرار بأخلاقكم تسلموا من غوائلهم، وبأينوهم بأعمالكم كيلا تكونوا منهم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: با اخلاق خوش با بدان مدارا کنید تا از شرشان در امان باشید، و با اعمال خویش از ایشان کناره گیرید تا از ایشان مباحثید.

۹۶۶- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۳۱۱: قال الإمام الهادي (عليه السلام): المرء يفسد الصداقه القديمه، ويحلل العقده الوثيقه، وأقل ما فيه أن تكون فيه المغالبه، والمغالبه أس أسباب القطيعه.

امام هادی (علیه السلام) فرمودند: خودنمائی در بحث و مناظره دوستی قدیم را از بین می برد و موجب نگرانی شدید می شود. کمترین عیبی که در آن هست برتری جوئی است که برتری جوئی پایه‌ی هر جدائی است.

۹۶۷- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۲۷۸: قال الصادق (عليه السلام) لأصحابه: لا- تتمنوا المستحيل، قالوا: ومن يتمنى المستحيل؟ فقال: أنتم، أستمتمون الراحة في الدنيا؟ قالوا: بلى فقال: الراحة للمؤمن في الدنيا مستحيلة.

امام صادق (عليه السلام) به یاران‌شان فرمودند: تمنای امر محال نکنید، گفتند: چه کسی امر محال تمنّا می کند؟ فرمودند: آیا شما راحتی را در دنیا تمنّا نمی کنید؟ گفتند: بلی، فرمودند: راحتی برای مؤمن در دنیا، محال است.

۹۶۸- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۳۱۳: قال الإمام العسكري (عليه السلام): ادفع المسأله ما وجدت التحمل يمكنك، فإن لكل يوم رزقاً جديداً، واعلم أنّ الإلحاح في المطالب، يسلب البهاء، ويورث التعب والعناء، فاصبر حتى يفتح الله لك باباً يسهل الدخول فيه، فما أقرب الصنيع من الملهوف، والأمن من الهارب المخوف، فربما كانت الغير نوع من أدب الله، والحظوظ مراتب، فلا تعجل على ثمره لم تدرك، فإنما تنالها في أوانها. واعلم أنّ المدبر لك أعلم بالوقت الذي يصلح حالك فيه، فثق بخيرته في جميع أمورك يصلح حالك، فلا تعجل بحوائجك قبل وقتها، فضيق قلبك وصدرك ويغشاك القنوط، الخبر.

از امام عسکری (علیه السلام) آمده است که فرمودند: مادامی که تحمل داری از کسی چیزی نخواه؛ زیرا هر روز، روزی تازه ای دارد و بدان که اصرار در خواسته ها ارزش آدمی را سلب می کند و باعث سختی و رنج می گردد، صبر کن تا خدای تعالی برای تو دری را بگشاید که ورود در آن راحت باشد، چه نزدیک است کارگشایی از دردمند! و امتیّت برای ترسان فراری! چه بسا که دگرگونی نوعی از، تادیب خدا باشد و بهره وری دارای مراتبی است.

به میوه ای که هنوز نرسیده عجله مکن! چیدن میوه به هنگام رسیدن ممکن است. بدان که مدبر تو از زمان شایسته به حال تو، از تو داناتر است پس در همه‌ی امورت به او اطمینان کن که حال و کارت خوب می شود، و قبل از وقت برای نیازهایت عجله مکن که در این صورت دل و جانت تنگ می شود و ناامیدی تو را در برمی گیرد.

۹۶۹- أعلام الدين في صفات المؤمنين ۳۱۴: قال الإمام العسكري (عليه السلام): من كان الورع سجيته، والكرم طبيعته، والحلم خلته، كثر صديقه والثناء إليه، وانتصر من أعدائه بحسن الثناء عليه.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: هر کس ورع، مرام او؛ و جود و کرم، خوی او؛ و حلم و بردباری، دوست او باشد رفقاییش زیاد و ذکر خیر او بر زبان ها جاری می شود و دشمنانش نیز با ثناء از وی، او را یاری می کنند.

۹۷۰- الکافی ۸/۴۹: قال الصادق (عليه السلام):...، يا موسى! إن الحسنه عشره أضعاف ومن السيئه الواحده الهلاك، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدای تعالی به موسی فرمود: همانا یک حسنه برابر با ده حسنه است ولی یک گناه می تواند منجر به هلاکت و عاقبت به شری شود.

۹۷۱- الکافی ۸/۹۳ ح ۶۵: عن السكوني، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من ظهرت عليه النعمه فليكثر ذكر «الحمد لله» ومن كثرت همومه فعليه: بالاستغفار ومن ألح عليه الفقر فليكثر من قول: «لا حول ولا قوه إلا بالله العلي العظيم» ينفي عنه الفقر، الخبر.

سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس نعمت بر او آشکار گشت (و متعم به نعم الهی گشت) باید زیاد ذکر «الحمد لله» را بگوید، و هر کس اندوه و غمش بسیار شد استغفار (و آمرزش خواهی) کند، و هر کس فقر و پریشانی بر او فشار آورد زیاد بگوید: «لا حول ولا قوه إلا بالله العلی العظیم» که فقر را از او دور سازد.

۹۷۲- الکافی ۸/۱۰۹ ح ۸۹: عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من قال: «بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوه إلا بالله العلي العظيم» ثلاث مرّات كفاه الله (عزوجل) تسعه وتسعين نوعاً من أنواع البلاء، أيسرهنّ الخنق.

جابر به نقل از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس سه بار بگوید <بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوه إلا بالله العلی العظیم> خداوند نود و نه بلا را از او دور کند که آسان ترین آن ها خفگی است.

۹۷۳- الکافی ۸/۱۰۲ ح ۷۳: أبی هارون عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: قال لنفر عنده وأنا حاضر: ما لكم تستخفون بنا؟ قال: فقام إليه رجل من خراسان فقال: معاذ لوجه الله أن نستخف بك أو بشيء من أمرک فقال: بلی إنک أحد من استخف بی، فقال: معاذ لوجه الله أن أستخف بك، فقال له: ويحك أو لم تسمع فلاناً ونحن بقرب الجحفة وهو يقول لك: احملني قدر ميل فقد والله أعيت، والله ما رفعت به رأساً ولقد استخففت به ومن استخف بمؤمن فينا استخف وضيع حرمه الله (عزوجل).

ابو هارون می گوید: من در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که به چند تن فرمودند: چرا شما ما را سبک می شمارید؟ پس مردی خراسانی برخاست و گفت: به خدا پناه می بریم از این که به تو یا چیزی از اوامر تو بی توجه باشیم و آن را سبک انگاریم.

امام (علیه السلام) فرمودند: آری تو خود یکی از کسانی هستی که مرا سبک می شماری او گفت: به خدا پناه می برم از این که شما را سبک بشمارم. امام (علیه السلام) فرمودند: وای بر تو! آیا نشیدی فلانی وقتی که ما نزدیک جحفه بودیم به تو می گفت: مرا به مسافت یک میل سوار کن که به خدا وامانده ام؟

و به خدا سوگند تو به او نگاه هم نکردی و هیچ پاسخی به او ندادی و او را سبک شمردی و هر کس مؤمنی را سبک شمرد ما را سبک شمرده است و احترام خداوند را تباه ساخته است.

۹۷۴- الکافی ۸/۱۳۵: عنهم (عليهم السلام) فيما وعظ الله (عزوجل) به عيسى (عليه السلام):...، يا عيسى! اغسل بالماء منك ما ظهر وداو بالحسنات منك ما بطن فإنك إلی راجع، الخبر.

از ائمه (عليهم السلام) نقل شده است که فرمودند: در مواظب خداوند تعالی به عیسی (علیه السلام) آمده است که: ای عیسی! با آب، ظاهر خود را شستشو نما، و با حسنات، باطن خود را درمان نما؛ چرا که تو به سوی من برمی گردی.

۹۷۵- مکارم الأخلاق ۱۳۲: قال أبی عبد الله (علیه السلام): إن الشيطان أشد ما يهّم بالإنسان إذا كان وحده.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شیطان آن موقع بر (گمراهی) انسان بیشتر همت می گمارد که تنها باشد.

۹۷۶- الکافی ۸/۲۴۲ ح ۳۳۶: عن ابن مسکان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: نحن أصل كل خير ومن فروعنا كل برّ، فمن البرّ: التوحيد والصلاه والصيام وكظم الغيظ والعفو عن المسيء ورحمة الفقير وتعهد الجار والإقرار بالفضل لأهله. وعدونا أصل كل شرّ ومن فروعهم كل قبيح وفاحشه فمنهم: الكذب والبخل والنميمة والقطيعه وأكل الربا وأكل مال اليتيم بغير حقّه وتعدي الحدود التي أمر الله وركوب الفواحش ما ظهر منها وما بطن والزنى والسرقه وكل ما وافق ذلك من القبيح فكذب من زعم أنّه معنا وهو متعلق بفروع غيرنا.

ابن مسکان از امام صادق (عليه السلام) روایت کرده که فرمودند: ما ریشه‌ی هرگونه خیر و خوبی هستیم و همه‌ی نیکی‌ها از شاخه‌های ماست، و از جمله‌ی نیکی‌ها یکتاپرستی و نماز و روزه، و فرو خوردن خشم، و چشم پوشی از تبه کار و مهربانی به کم توشه، و دل جویی از همسایه، و اعتراف به فضیلت اهل فضل است.

و دشمنان مانند ریشه‌ی هر شر و تباهی و از شاخه‌ی آن‌ها زشتی و هرزگی، و دروغ و بخل، و سخن چینی، و بریدن از خویشاوندان، و رباخواری، و بناحق خوردن مال یتیم، و تجاوز به حقوقی که خداوند تعیین کرده، و ارتکاب کارهای پنهان و پیدای پلید، و زنا، و دزدی، و کارهای زشتی مانند این‌ها است، و لذا دروغ می‌گوید هر کس گمان می‌کند که با ماست لیکن به شاخه‌های دیگری جز ما چنگ می‌افکند.

۹۷۷- الخرائج والجرائح ۲/۵۹۵ ح ۷: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: لئن ترون أنّه ليس لنا معكم أعين ناظره أو أسمع سامعه، لبئس ما رأيتم، واللّه لا يخفى علينا شيء من أعمالكم.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: آیا گمان می‌کنید برای ما بر شما چشمان بینا و گوش‌های شنوا نیست؟ چه گمان بدی! به خدا سوگند! هیچ یک از اعمال شما بر ما پوشیده نیست.

۹۷۸- تفسیر فرات الکوفی ۳۴۸ ح ۲: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: نحن سفینتکم کسفینه نوح.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: ما کشتی نجات شمائیم همچنان که کشتی برای قوم نوح بود.

۹۷۹- الکافی ۸/۲۱۹ ح ۲۶۹: محمّد بن مسلم قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): من صدق لسانه زكاه عمله، ومن حسنت نيته زاد الله (عزوجل) في رزقه ومن حسن برّه بأهله زاد الله في عمره.

مثنی حنّاط و محمّد بن مسلم می گویند: امام صادق (عليه السلام) فرموده است: هر کس زبانش راست گوید کردارش پاک گردد، و هر کس نیتش به نیکی گراید خداوند بر روزیش بیفزاید، و هر کس با خانواده‌ی خویش رفتار خوش گرداند خداوند بر عمرش بیفزاید.

۹۸۰- مکارم الأخلاق ۱۵۰: قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): لا تشبعوا فیطفاً نور المعرفة من قلوبکم. ومن بات یصلی فی خفّه من الطعام باتت الحور العین حوله.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: سیر و پر غذا مخورید که نور معرفت را در دل شما خاموش می سازد، و هر کس شب با شکم سبک نماز بخواند و بخوابد در آن شب حور العین اطراف او خواهند بود.

۹۸۱- مکارم الأخلاق ۲۰۱: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): إنّ النساء غیّ و عوره، فاستروا العوره بالبیوت و استروا الغیّ بالسکوت.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: زنان عورت (ناموس) و گمراهی اند، عورت را با خانه و گمراهی را با سکوت بپوشانید.

۹۸۲- مکارم الأخلاق ۲۰۷: عن الصادق (عليه السلام): من تزوّج امرأه ولم ینو أن یوفیها صداقها فهو عند الله (عزوجل) زان.

از امام صادق (عليه السلام): هر کس دختری را بگیرد و قصد دادن مهرش را نداشته باشد، در نزد خداوند زناکار است.

۹۸۳- مکارم الأخلاق ۲۷۵: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): أظیب کسبک تستجب دعوتک، فإنّ الرجل یرفع اللقمه إلی فیہ فما تستجاب له دعوه أربعین یوماً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسب خود را پاک و حلال بدار که دعایت مستجاب گردد، که مرد گاهی لقمه‌ی (حرام یا مشتبه‌ی) را به دهن می نهد و تا چهل روز بعد دعایش مستجاب نمی گردد.

۹۸۴- نزهه الناظر وتنبیه الخاطر ۱۴۵ ح ۷: قال الغلابی: سمعت الإمام أبا محمّد الحسن بن علی (عليهما السلام) يقول: خير إخوانك من نسی ذنبك إليه.

غلابی می گوید: از امام هادی (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: بهترین برادرانت کسی است که بدی تو را نسبت به خودش از یاد ببرد.

۹۸۵- بصائر الدرجات ۴۶۳ ح ۸: عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: إنّما منزله الإمام في الأرض به منزله القمر في السماء وفي موضعه هو مَطَّلَع على جميع الأشياء كلّها.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آن چه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است.

۹۸۶- مکارم الأخلاق ۳۰۵: قال الصادق (عليه السلام): نوم الغداه مشومه تطرد الرزق وتصفّر اللون وتقبّحه وتغيّره وهو نوم كلّ مشؤوم، إن الله تعالى يقسّم الأرزاق ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس فإياكم وتلك النومه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خواب بامداد شوم است، روزی را کم می کند و چهره را زرد و پژمرده می سازد، و خواب این ساعت خواب انسان های بیچاره است که خداوند متعال روزی را از طلوع فجر تا طلوع خورشید پخش می کند پس از خواب این ساعت پرهیزید.

۹۸۷- مکارم الأخلاق ۱۰: ولقد كان (صلى الله عليه و آله و سلم):...، ويكون الستر على باب بيته تكون فيه التصاوير فيقول: يا فلانه لإحدى أزواجه غيبه عنى فإنى إذا نظرت إليه ذكرت الدنيا وزخارفها، الخبر.

حضرت رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) به عایشه که بر درب منزل خویش تصاویری را آویخته بود فرمودند: آن ها را از من دور نما؛ چرا که نمی خواهم به یاد دنیا و تجملات آن بیافتم.

۹۸۸- من لا يحضره الفقيه ۴/۴۱۸: عن أبي الحسن الرضا (صلوات الله عليه): الإمام، يكون أولى بالناس منهم به أنفسهم.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام از مردم به ایشان سزاوارتر است.

۹۸۹- مکارم الأخلاق ۳۸۹: قال موسى بن جعفر (عليه السلام): أفضل الدعاء الصلاه على محمد وآل محمد صلى الله عليهم ثم الدعاء للأخوان ثم الدعاء لنفسك فيما أحببت، وأقرب ما يكون العبد من الله سبحانه إذا سجد. وقال الدعاء أفضل من قراءة القرآن، لأن الله (عز وجل) يقول: {قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ} (۱) وَإِنَّ اللَّهَ (عز وجل) لِيُؤَخِّرَ إجابته المؤمن شوقاً إلى دعائه، ويقول: □ صوت أحب أن أسمعه □، ويعجل إجابته المنافق ويقول: □ صوت أكره سماعه □.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بهترین دعا صلوات بر محمد و آل محمد است؛ بعد، دعا برای برادران دینی؛ بعد، دعا برای خود؛ و نزدیک ترین حالات بنده به خدا حال سجده است، و فرمودند: دعا از قرائت قرآن برتر است؛ زیرا خداوند (عز وجل) می گوید: (بگو اگر دعای شما نباشد خداوند من به شما اعتنا نخواهد کرد) و خداوند (عز وجل) از آنجا که به شنیدن دعای مؤمن راغب است در استجاب آن تأخیر می کند و می گوید: این صدا را دوست دارم که بشنوم، و در استجاب دعای منافق تعجیل می نماید و می فرماید: این صدائی است که از شنیدن آن اکراه دارم.

۹۹۰- الفضائل لابن شاذان ۸۳: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أنا حبل الله المتين الذي أمر الله تعالى خلقه أن يعصموا به في قوله تعالى: {وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا} (۲).

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: من آن ريسمان محكمی هستم که خداوند مخلوقات را به چنگ زدن به آن امر نموده است همچنان که فرموده است: «همگی به ريسمان خدا چنگ بزنید».

۹۹۱- تفسير فرات الكوفي ۲۵۸ ح ۱۰: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): نحن حبل الله المتين الذي من اعتصم به هدى إلى صراط مستقيم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: ما ريسمان محكم الهی هستیم که هر کس به ما چنگ بزند به راه راست هدايت می شود.

۱- الفرقان، الآية ۷۷.

۲- آل عمران، الآية ۱۰۳.

۹۹۲- المزار للمشهدی ۴۰۰: عن علی بن الحسین (علیه السلام) قال: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَمَلْجَا الْهَارِبِينَ، وَعَصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: خدایا! درود و رحمت خود را بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) که پناه گاهی مستحکم و فریاد رس مضطربین و بیچارگان و پناه فراریان و پشتوانه‌ی چنگ زندگان به ایشان هستند بفرست.

۹۹۳- مکارم الأخلاق ۱۲۴: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من لبس نعلًا صفراء لم يلبها حتى يستفيد مالا، ثم تلى هذه الآية: {صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ} (۱).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس نعلین زرد بپوشد آن را کهنه نکند مگر آن که مالی بدست آورد، و بعد این آیه را خواندند: «زردی که چشم بینندگان را روشن و مسرور می نماید».

۹۹۴- تفسیر العیاشی ۱/۴۷ ح ۵۹: عن الفضل بن شاذان، عن بعض أصحابنا رفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: من لبس نعلًا صفراء لم يزل مسروراً حتى يلبها، كما قال الله: {صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ} (۲).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس نعلین زرد بپوشد تا زمانی که آن را کهنه نماید در سرور و شادمانی خواهد بود همان طور که خدای متعال فرموده است: <زردی که چشم بینندگان را روشن و مسرور می نماید>.

۹۹۵- تفسیر العیاشی ۱/۲۴۶ ح ۱۵۰: عن أبي العباس قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن أدنى ما يكون به الإنسان مشركاً؟ قال: من ابتدع رأياً فأحبَّ عليه أو أبغض.

ابو العباس گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) از کمترین چیزی که انسان بدان مشرک شود پرسیدم؟ فرمودند: هر کس رأیی را بدعت گذارد چه به واسطه‌ی آن محبوب گردد و چه بدان واسطه مبغوض شود.

۱- البقره، الآیه ۶۹.

۲- البقره، الآیه ۶۹.

۹۹۶- تهذيب الأحكام ۱/۳۵۴ ح ۱۹: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الاستنجاء بالماء البارد يقطع البواسير.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: شستن مَقْعَد (نشیمن گاه) با آب سرد بواسیر را از بین می برد.

۹۹۷- تهذيب الأحكام ۱/۳۵۹ ح ۷: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال سمعته يقول: من طلب حَاجَه وهو على غير وضوء فلم تقض فلا يلو من إلا نفسه.

عبد الله بن سنان می گوید از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: اگر کسی حاجتی داشته و بدون وضو سراغ آن برود و حاجتش برآورده نشود جز خودش را سرزنش نکند.

۹۹۸- التوحيد ۹۶ ح ۳: حَدَّثَنَا أَبُو سَفِيَانَ مَوْلَى مَزِينَةَ، عَمَّنْ حَدَّثَ، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! إِنِّي لَا أَقْوَى عَلَى الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ، فَقَالَ: لَا- تَعَصِ اللَّهَ بِالنَّهَارِ، وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي قَدْ حَرَمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيْدَتْكَ ذُنُوبُكَ.

مردی به نزد سلمان فارسی رحمه الله آمد و گفت که یا ابا عبد الله! من در شب قوت بر نماز ندارم، گفت: که در روز خدا را نافرمانی مکن.

و مردی به خدمت امیر المؤمنین (عليه السلام) آمد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین (عليه السلام) من در شب از نماز محروم شده ام امیر المؤمنین (عليه السلام) به او فرمودند: تو مردی هستی که گناهانت تو را در بند ساخته.

۹۹۹- التوحيد ۳۷۲ ح ۱۴: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): قال الله (تبارك و تعالی) لموسى (عليه السلام): يا موسى! احفظ وصيتي لك بأربعة أشياء: أولهنّ: ما دمت لا تری ذنوبك تغفر فلا تشغل بعيوب غيرك؛ والثانية: ما دمت لا تری كنوزي قد نفدت فلا تغتم بسبب رزقك؛ والثالثة: ما دمت لا تری زوال ملكي فلا ترجأ أحداً غيري؛ والرابعة: ما دمت لا تری الشيطان ميتاً فلا تأمن مكره.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: خدای (تبارك و تعالی) به موسی فرمود: ای موسی! وصیت من را نسبت به چهار چیز حفظ کن: اول: مادامی که گناهانت را نبینی که

آمرزیده می شود به عیب های غیر خود مشغول مشو، دوّم: مادامی که گنج های مرا نبینی که تمام و نابود شده به خاطر روزیت اندوهگین باش، سوّم: مادامی که زوال ملک و برطرف شدن پادشاهی مرا نبینی کسی را غیر از من امید مدار، چهارم: مادامی که شیطان را مرده نبینی از مکرش ایمن باش.

۱۰۰۰- الکافی ۸/۲۴۳ ح ۳۳۷: عن خالد بن نجیح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال لرجل: اقنع بما قسم الله لك ولا تنظر إلى ما عند غيرك ولا تتمنّ ما لست نائله فإنه من قنع شبع ومن لم يقنع لم يشبع وخذ حظك من آخرتك، الخبر.

خالد بن نجیح می گوید: امام صادق (علیه السلام) به مردی فرمودند: بدان چه خدا روزیت کرده خشنود باش و به آن چه نزد دیگران است چشم مدوز و آرزوی آن چه را از دسترس تو بیرون است مکن؛ زیرا هر کس قناعت ورزید سیر گشت و هر کس قناعت نورزید روی سیری ندید، پس بهره ی خویش را از آخرت طلب کن.

۱۰۰۱- التوحید ۲۸۳ ح ۲: عن عاصم بن حمید رفعه، قال: سئل علی بن الحسین (عليهما السلام) عن التوحید فقال: إنّ الله (عزوجل) علم أنه يكون في آخر الزمان أقوام متعمقون فأنزل الله (عزوجل): {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ} والآيات من سورة الحديد إلى قوله: {وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ} (۱) فمن رام ما وراء هنالك هلك.

از حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) درباره ی توحید سؤال شد فرمودند: به درستی که خدای (عزوجل) دانست که در آخر الزمان گروهی چند بهم خواهند رسید که متعمق باشند و در باب توحید بسیار دقت خواهند کرد پس سوره ی <قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ> و چند آیه از سوره ی حدید را تا فرموده ی خویش <وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ> فرو فرستاد که خدا را به این نحو بشناسند پس هر کس آن چه را که بالاتر آن چه در آنجا یا غیر از آن باشد قصد کند هلاک شود.

۱۰۰۲- الکافی ۵/۷۱ ح ۲: عن جميل بن صالح، عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قول الله (عز وجل): {رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً} (۱) رضوان الله والجنه في الآخرة والمعاش وحسن الخلق في الدنيا.

امام صادق (عليه السلام) در مورد این آیه: {رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً} فرمودند: حسنه، رضوان خدا و بهشت در آخرت، و رزق و روزی و حسن خلق در دنیا است.

۱۰۰۳- معانی الأخبار ۳۴۴ ح ۱: عن أبي حمزه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): جمع الخير كله في ثلاث خصال: النظر والسكوت والكلام. وكلّ نظر ليس فيه اعتبار فهو سهو، وكلّ سكوت ليس فيه فكره فهو غفله، وكلّ كلام ليس فيه ذكر فهو لغو، فطوبى لمن كان نظره عبره وسكوته فكره وكلامه ذكراً وبكى على خطيئته، وأمن الناس شرّه.

ابو حمزه از امام باقر (عليه السلام) روایت نموده که امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: تمام نیکی ها در سه کلمه گرد آمده است: دقت کردن، و خاموشی، و سخن گفتن، پس هر نگاهی که شخص در آن پندی نگیرد خطا است، و هر خاموشی که در آن اندیشه ای نباشد بی خبری است، و هر سخنی که در آن یاد آوری نباشد لغو است، پس خوشا به حال آن کس که نگاهش عبرت انگیز و خاموشیش اندیشمندی، و سخنش ذکر باشد و بر اشتباه خود بگرید، و مردم از زیان کاری او آسوده باشند.

۱۰۰۴- تفسیر العیاشی ۲/۲۱۱ ح ۴۴: عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) في قوله تعالى: {أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} (۲) قال: بمحمد (صلى الله عليه وآله وسلم) تطمئن القلوب وهو ذكر الله وحجابه.

امام جعفر صادق (عليه السلام) در مورد گفتار خدای تعالی: «آگاه باشید که با یاد خدا قلب ها آرام می شود» فرمودند: یعنی به محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قلب ها آرامش می یابد، چرا که او ذکر خدا و واسطه‌ی بین پروردگار و خلق می باشد.

۱- البقره، الآیه ۲۰۱.

۲- الرعد، الآیه ۲۸.

۱۰۰۵- الکافی ۲/۲۳۹ ح ۲۹: عن عبد الله بن الحسن، عن أمه فاطمه بنت الحسين بن عليّ (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ثلاث خصال من كنّ فيه استكمل خصال الإيمان: إذا رضى لم يدخله رضاه فى باطل وإذا غضب لم يخرج الغضب من الحقّ وإذا قدر لم يتعاط ما ليس له.

از عبد الله بن الحسن، از مادرش فاطمه بنت الحسين (عليه السلام) نقل شده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: سه خصلت در هر کس باشد خصال ایمان در او کامل اند: چون پسندد، پسندش او را در باطل نکشاند، و هرگاه خشم کند خشمش او را از حق بدر نبرد، و هرگاه توانست، بدان چه از آن او نیست، دست نیازد.

۱۰۰۶- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن يونس بن عبد الرحمن يرفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان فيما أوصى به رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عليّاً (عليه السلام): يا عليّ! أنهاك عن ثلاث خصال عظام: الحسد والحرص والكذب، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از جمله وصیّت‌هایی که پیامبر خدا به علی (عليه السلام) کرد این بود: یا علی! تو را از سه خصلت بزرگ نهی می‌کنم: حسد و حرص و دروغ.

۱۰۰۷- مکارم الأخلاق ۱۴۱: عن أمير المؤمنين (عليه السلام):...، أحسنوا صحبه النعم قبل فراقها، فإنها تزول وتشهد على صاحبها بما عمل فيها.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: قدر نعمت‌ها را قبل از آن که آن‌ها را از دست بدهید بدانید؛ چرا که آن‌ها بالآخره از دست رفته و به نفع و یا ضرر صاحبانشان شهادت می‌دهند.

۱۰۰۸- الخصال ۱۲۵ ح ۱۲۲: عن عليّ (عليه السلام) عن النبيّ (صلى الله عليه وآله وسلم) أنّه قال فى وصيّته له:...، وذكر الله على كلّ حال، وليس هو «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» ولكن إذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله (عزوجل) عنده وتركه، الخبر.

رسول خدا (عليه السلام) در وصیّتی به علی (عليه السلام) فرمودند: خدا را در هر حال یاد کن و ذکر گفتن «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» نیست، بلکه زمانی که بر حرام وارد شدی از خدا بترس و آن را ترک کن.

۱۰۰۹- الکافی ۸/۳۰۷ ح ۴۷۷: عن السکونی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كانت الفقهاء والعلماء إذا كتب بعضهم إلى بعض كتبوا بثلاثة ليس معهن رابعه: من كانت همته آخرته كفاه الله همه من الدنيا ومن أصلح سريره أصلح الله علانيته ومن أصلح فيما بينه وبين الله (عزوجل) أصلح الله (تبارك و تعالی) فيما بينه وبين الناس.

سکونی از امام صادق (عليه السلام) روایت می کند که امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: شیوهی فقها و دانشمندان این بود که چون به یکدیگر نامه ای می نگاشتند سه جمله در آن دیده می شد که چهارمی نداشت: هر کس هم و غمش آخرتش باشد، خداوند اندوه دنیای او را کفایت می کند، و هر کس باطن خویش را سامان بخشد، خداوند آشکار او را اصلاح گرداند، و هر کس میان خود و خدای خود را سامان بخشد، خداوند میان او و مردم را اصلاح گرداند.

۱۰۱۰- الخصال ۱۵۶ ح ۱۹۶: عن الحارث بن دلهان، عن أبيه، عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: إنَّ الله (عزوجل) أمر بثلاثة مقرون بها ثلاثة أخرى: أمر بالصلاة والزكاة فمن صلَّى ولم يرك لم تقبل منه صلاته، وأمر بالشكر له وللوالدين، فمن لم يشكر والديه لم يشكر الله، وأمر باتقاء الله وصله الرحم، فمن لم يصل رحمه لم يتق الله (عزوجل).

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: خداوند دستور سه چیز را به همراه دستور سه چیز دیگر صادر فرموده است: دستور نماز را با زکات پس هر کس نماز بخواند و زکات نپردازد نماز او پذیرفته نیست، و به سپاس گذاری از خود دستور فرموده با سپاس از پدر و مادر پس هر کس از پدر و مادر خود سپاس گزار نباشد خدای را سپاس گزار نیست، و دستور فرموده است به تقوی از خدا و صلهی رحم پس هر کس که صلهی رحم نکند از خدا پرهیز نکرده است.

۱۰۱۱- بصائر الدرجات ۸۲ ح ۱۰: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: نحن أصول الدين.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: ما اهل بيت ریشه های دین هستیم.

۱۰۱۲- نهج البلاغه ۱/۳۰: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: هم أساس الدين.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) اساس دین هستند.

۱۰۱۳- معانی الأخبار ۱۱۲ ح ۱: عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام)، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه علي بن أبي طالب (عليهما السلام) أنه قال: إن الله (تبارك و تعالی) أخفى أربعة في أربعة: أخفى رضاه في طاعته فلا تستصغرن شيئاً من طاعته فربما وافق رضاه وأنت لا تعلم، وأخفى سخطه في معصيته فلا تستصغرن شيئاً من معصيته فربما وافق سخطه وأنت لا تعلم، وأخفى إجابته في دعوته فلا تستصغرن شيئاً من دعائه فربما وافق إجابته وأنت لا تعلم، وأخفى وليه في عباده فلا تستصغرن عبداً من عباد الله فربما يكون وليه وأنت لا تعلم.

محمد بن مسلم از امام باقر از پدرش از پدرانشان از امیر المؤمنین (علیهم السلام) روایت نموده که خدای (تبارک و تعالی) چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است: خرسندی خویش را در فرمان برداری (بندگان) از او، پس هیچ اطاعت و بندگی خدا را کوچک مشمار، که شاید خشنودی پروردگار در آن باشد و تو آگاه نباشی، و خشم خود را در میان همه‌ی گناهان پوشیده داشته، بنابراین هرگز معصیتی را اندک مپندار، شاید غضب خدا در همان باشد و تو ندانی. و بر آوردن حاجت را در دعاها پنهان ساخته، پس هیچ دعائی را دست کم نگیر چون ممکن است همان به اجابت رسیده باشد و تو اطلاع نداشته باشی، و ولی خود را در میان بندگان خویش پنهان کرده، پس هیچ یک از بندگان خدا را زبون و خوار مپندار، چون شاید او دوست خالص خدا باشد و تو ندانی.

۱۰۱۴- الخصال ۲۲۲ ح ۵۰: عن أبي حمزة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال علي بن الحسين (عليهما السلام): أربع من كنّ فيه كمل إسلامه ومحضت عنه ذنوبه ولقى ربّه (عزوجل) وهو عنه راض: من وفى لله (عزوجل) بما يجعل على نفسه للناس، وصدق لسانه مع الناس، واستحى من كلّ قبيح عند الله وعند الناس، وحسن خلقه مع أهله.

امام چهارم (علیه السلام) فرمودند: چهار چیز است که در هر کس باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک گردد و پروردگار (عزوجل) خود را ملاقات می کند در حالی که خدا از او خشنود است؛ هر کس به وظایف خود در قبال مردم برای خدا عمل نماید، و زبانش با مردم راست باشد، و از هر چه نزد خدا و نزد مردم زشت است شرم کند، و با خانواده‌ی خود خوشرفتار باشد.

۱۰۱۵- الخصال ۲۲۸ ح ۶۵: عن مسعده بن صدقه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه (عليهما السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أربع يمتن القلب: الذنب على الذنب، وكثره مناقشه النساء يعنى محادثتهن ومماراه الأحمق تقول ويقول ولا يرجع إلى خير أبداً، ومجالسه الموتى، فقيل له: يا رسول الله! وما الموتى؟ قال: كل غنى مترف.

مسعده بن صدقه از امام صادق (عليه السلام) و او از پدرانش نقل می کند که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: چهار چیز دل را می میراند: گناه روی گناه، و کثرت صحبت کردن با زنان، و جدال با احمق که تو می گویی و او می گوید و هرگز به سوی خیر بر نمی گردد، و همنشینی با مردگان. گفته شد: یا رسول الله مردگان کیانند؟ فرمودند: هر ثروتمند خوش گذران و کام جو.

۱۰۱۶- تأویل الآيات ۱/۱۹ ح ۲: عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه) قال: نحن الصلاه في كتاب الله (عزوجل)، ونحن الزكاه، ونحن الصيام، ونحن الحج، ونحن الشهر الحرام، ونحن البلد الحرام، ونحن كعبه الله، ونحن قبله الله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: مائیم نماز در کتاب خدا، و مائیم زکات، و مائیم روزه، و مائیم حج، و مائیم ماه حرام، و مائیم سرزمین حرام، و مائیم کعبه الهی، و قبله ی پروردگار.

۱۰۱۷- الکافی ۸/۱۸ ح ۴: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:.... عند تصحيح الضمائر تبه او الكبائر.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: هنگام بازرسی باطن ها گناهان کبیره آشکار می گردند.

۱۰۱۸- الخصال ۲۳۶ ح ۷۸: عن میسر بن عبد العزیز قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) وهو يقول: سئل أمير المؤمنين (عليه السلام): كم بين الحقّ والباطل؟ فقال: أربع أصابع، ووضع أمير المؤمنين (عليه السلام) يده على أذنه وعينه فقال: ما رآته عيناك فهو الحقّ وما سمعته أذناك فأكثره باطل.

میسر بن عبد العزیز گوید: شنیدم امام باقر (عليه السلام) می فرمودند: از امیر المؤمنین پرسش شد فاصله ی میان حق و باطل چه اندازه است فرمودند: چهار انگشت و دست خود را میان گوش و دو چشم خود گذاشته و گفتند: آن چه چشمانت بیند حق است و آن چه گوشت بشنود بیشترش باطل است.

۱۰۱۹- الخصال ۲۶۷ ح ۲: أبو الصلت عبد السلام بن صالح الهروي قال: سمعت علي بن موسى الرضا (عليهما السلام) يقول: أوحى الله (عزوجل) إلى نبي من أنبيائه: إذا أصبحت فأول شيء يستقبلك فكله، والثاني فاكتمه، والثالث فاقبله، والرابع فلا تؤيسه، والخامس فاهرب منه، قال: فلما أصبح مضى فاستقبله جبل أسود عظيم فوقف فقال: أمرني ربي (عزوجل): أن آكل هذا وبقى متحيراً، ثم رجع إلى نفسه فقال: إن ربي جل جلاله لا يأمرني إلا بما أطيق، فمشى إليه ليأكله فلما دنى منه صغر حتى انتهى إليه فوجده لقمه فأكلها فوجدها أطيب شيء أكله، ثم مضى فوجد طستاً من ذهب فقال: أمرني ربي (عزوجل) أن أأكتم هذا، فحفر له وجعله فيه وألقى عليه التراب، ثم مضى فالتفت فإذا الطست قد ظهر، فقال: قد فعلت ما أمرني ربي (عزوجل)، فمضى فإذا هو بطير وخلفه بازي فطاف الطير حوله، فقال: أمرني ربي (عزوجل) أن أقبل هذا، ففتح كفه فدخل الطير فيه، فقال له البازي: أخذت مني صيدي، وأنا خلفه منذ أيام، فقال: أمرني ربي (عزوجل) أن لا أؤيس هذا فقطع من فخذه قطعه فألقاها إليه، ثم مضى فلما مضى فإذا هو بلحم ميتة منتن مدود فقال: أمرني ربي (عزوجل) أن أهرب من هذا، فهرب منه ورجع، فرأى في المنام كأنه قد قيل له: إنك فعلت ما أمرت به فهل تدري ماذا كان؟ قال: لا، قيل له: أما الجبل فهو الغضب إن العبد إذا غضب لم ير نفسه وجهل قدره من عظم الغضب فإذا حفظ نفسه وعرف قدره وسكن غضبه كانت عاقبته كاللحم الطيبه التي أكلتها، وأما الطست فهو العمل الصالح إذا كتمه العبد وأخفاه أبي الله (عزوجل) إلا أن يظهره ليزينه به مع ما يدخر له من ثواب الآخرة، وأما الطير فهو الرجل الذي يأتيك بنصيحه فاقبله وابقبل نصيحته، وأما البازي فهو الرجل الذي يأتيك في حاجه فلا تؤيسه، وأما اللحم المنتن فهي الغيبه فاهرب منها.

ابو الصلت هروي گوید: شنیدم از امام رضا (علیه السلام) که می فرمودند: خداوند به یکی از پیغمبرانش وحی کرد که چون بامداد شود اول چیزی را که پشت آمد بخور و دومی را پنهان کن و سومی را بپذیر و چهارمی را ناامید مکن و از پنجمی بگریز!

چون صبح شد پیغمبر به دنبال کار خود رفت به کوه سیاه بزرگی بر خورد کرد با خود گفت پروردگار من به من فرموده که این کوه را بخورم و به حیرت فرو رفت سپس به خود آمده و گفت پروردگار من جل جلاله جز بر چیزی که توانائیش را داشته باشم فرمانم ندهد پس به سوی آن کوه روان شد تا آن را بخورد هر چه نزدیک تر می شد کوچک تر می نمود تا به پای کوه رسید آن را لقمه‌ی غذائی یافت و خورد، لذیذترین غذائی بود که در عمرش خورده

بود. سپس از آنجا گذشت و طشتی از طلا یافت با خود گفت پروردگار من (عزوجل) دستورم داده است که این را پنهان کنم پس گودالی برای طشت کند و طشت را در آن نهاد و خاک بر آن ریخت و روانه شد و چون باز پس نگریست دید که طشت پیدا است با خود گفت: من مأموریت خود را که از جانب پروردگار داشتم انجام دادم و روانه شد، بناگاه پرنده ای را دید که باز شکاری بدنبال آنست، پرنده به دور پیغمبر چرخیدن گرفت با خود گفت پروردگارم به من دستور داد که این را بپذیرم پس آستین خود را گشود و پرنده به درون آستین رفت، باز به پیغمبر عرض کرد شکار مرا که چند روز است به دنبال آنم از من گرفتی؟

پیغمبر با خود گفت: پروردگار من مرا فرمان داد که این را نومید نکنم. پس از ران خود پاره گوشتی برید و پیش باز انداخت و روان شد که ناگاه گوشت مردار گندیده‌ی کرم افتاده ای دید و با خود گفت: که پروردگارم به من فرمان داده از این بگریزم پس از آن گریخت و باز گشت.

پس به خواب دید گوئی به او گفته شد که مأموریت خود را انجام دادی آیا می دانی چه بود؟ گفت: نه، به او گفته شد اما کوه صورت خشم بود که بنده چون خشمناک گردد از عظمت خشم، خود را نبیند و قدر خود نشناسد و چون خویشتن داری کند و قدر خود بشناسد و آتش خشمش فرو نشیند سرانجامش مانند همان لقمه گوارا است که خوردی.

و اما طشت آن عمل شایسته است که چون بنده ای آن را ببوشاند و پنهانش کند خداوند نگذارد جز آن که آشکارش سازد تا بنده را با آن بیاراید، علاوه بر پاداش آخرت که برای او ذخیره فرموده است.

و اما پرنده مردی است که پندی برایت آورد او را و پندش را بپذیر، و اما باز آن مردی است که از پی حاجتی به نزد تو آید نومیدش مکن، و اما گوشت گندیده آن غیبت است از آن بگریز.

۱۰۲۰- الاختصاص ۲۳۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) لابنه محمد بن الحنفية: لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل كلما تعلم.

امیر المؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان محمد حنفیه فرمودند: آن چه را که نمی دانی نگو، بلکه تمام آن چه را می دانی نیز نگو.

۱۰۲۱- الخصال ۳۴۵ ح ۱۳: محمد أبو مالك عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه، عن عليّ بن أبي طالب (عليهم السلام) أنّ النبيّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قال في وصيته له: يا عليّ! سبعة من كنّ فيه فقد استكمل حقيقه الإيمان، وأبواب الجنّة مفتحة له: من أسبغ وضوءه، وأحسن صلاته، وأدى زكاه ماله، وكفّ غضبه، وسجن لسانه، واستغفر لذنبه، وأدى النصيحة لأهل بيت نبّيه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در ضمن وصیّتی به علی (علیه السلام) فرمودند: یا علی! هفت صفت است که در هر کس باشد ایمان حقیقی را به سر حد کمال رسانده است و درها برویش باز است: کسی که وضویش را به طور کامل بسازد، و نمازش را نیکو بخواند، و زکات مال خود را بدهد، و خشمش را نگه دارد، و زبانش را در بند کند، و برای گناهان خود طلب آمرزش نماید، و برای خاندان پیغمبرش خیر خواه باشد.

۱۰۲۲- الخصال ۴۰۹ ح ۹: عن أبي يحيى الواسطي، عمّن ذكره أنّه قال لأبي عبد الله (عليه السلام): أترى هذا الخلق كلّ من الناس؟ فقال: الق منهم التارك للسواك، والمترّبّع في موضع الضيق، والداخل فيما لا يعنيه، والمماري فيما لا علم له، والمتمرّض من غير علّه، والمتشعث من غير مصيبه، والمخالف على أصحابه في الحقّ وقد اتفقوا عليه، والمفتخر يفخر بأبائه وهو خلق من صالح أعمالهم فهو به منزله الخلنج يقشر لحاء عن لحاء حتى يوصل إلى جوهريته وهو كما قال الله (عز وجل): {إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا} (۱).

راوی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: شما همه‌ی این خلق را از مردم می پندارید؟ فرمودند: (هشت طایفه) از اینان را دور بینداز: از آن که مسواک نکند، و آن که در مجلس تنگ چهار زانو بشیند، و آن که در کار بیهوده

دخالت کند، و آن که درباره‌ی چیزی که نمی‌داند اظهار فضل و دانش نماید، و آن که بدون بیماری خود را بیمار نشان دهد، و آن که مصیبت ندیده عزا دار گردد، و آن که با یاران خود در مطلب حقّی که مورد اتفاق آنان است مخالفت ورزد، و آن که به پدران خود ببالد با این که از کارهای شایسته آنان بی بهره باشد، چنین کسی همچون گیاه خنجر است که پوست های روئین اش کنده شود و عاقبت جوهر ذاتش آشکار گردد و او همان است که خدای (عزوجل) فرموده است: <آنان چهار پایانی بیش نیستند بلکه گمراه تراند.>

۱۰۲۳- نهج البلاغه ۱/۱۸۹: من خطبه له (علیه السلام): انظروا أهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم، واتبعوا أثرهم، فلن یخرجوکم من هدّی ولن یعیدوکم فی ردّی، فإن لبه اوا فالبه اوا، وإن نهضوا فانهضوا، ولا تسبقوهم فتضلّوا، ولا تتأخروا عنهم فتهلکوا.

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به خاندان پیامبرتان بنگرید، و بدان سو که می روند بروید، و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت تان نخواهند کشانید.

اگر ایستادند بایستید، و اگر برخاستند، برخیزید. بر آن ها پیشی مگیرید که گمراه می شوید، و از آنان عقب نمانید که تباه می گردید.

۱۰۲۴- من لا یحضره الفقیه ۲/۶۰۹: فی الزیارة الجامعه: من أراد الله بدأ بکم، ومن وحّده قبل عنکم ومن قصدہ توجّه بکم، موالئ لا أخصی ثناء کم ولا أبلغ من المدح کنهکم ومن الوصف قدرکم.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: هر کس اراده‌ی شناخت و نزدیک شدن به خداوند متعال را دارد باید از شما اهل بیت آغاز نماید، و هر کس یگانگی او را می جوید باید از شما بپذیرد، و هر کس خدا را قصد نموده باید به شما روی نماید، ای والیان و سرپرستان من! من توانائی حمد و ثنای شما را ندارم و مدح من به منتهای حقیقت شما نرسیده و تمجید و توصیف من به قلّه‌ی رفیع شما نمی رسد.

۱۰۲۵- الخصال ۴۰۹ ح ۱۰: عن الأصْبَغ بن نُبَاتَه، عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: كان يقول: من اختلف إلى المساجد أصاب إحدى الثمان أخطاً مستفاد في الله أو علماً مستظرفاً أو آية محكمه أو رحمه منتظره أو كلمة تردّه عن ردی أو يسمع كلمة تدلّه على هدی أو یترک ذنباً خشیه أو حياء.

عمیر بن مأمون می گوید: از امام حسن مجتبی (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمودند: هر کس به رفت و آمد به مساجد مداومت داشته باشد به یکی از هشت چیز می رسد: برادری از جانب خداوند یا دانشی جدید و یا سخنی که او را به سوی هدایت دلالت کند و یا سخن دیگری که او را از بدی باز دارد و یا رحمتی که انتظار آن را دارد و یا ترک گناه به خاطر حیا یا ترس از خدا. (۱)

۱۰۲۶- الکافی ۲/۲۴۰ ح ۳۱: عن سلیمان، عمّن ذکره، عن أبی جعفر (علیه السلام) قال: سئل النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) عن خيار العباد فقال: الذين إذا أحسنوا استبشروا، وإذا أسأؤوا استغفروا، وإذا أعطوا شكروا، وإذا ابتلوا صبروا وإذا غضبوا غفروا.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: بهترین بندگان کیانند؟ فرمودند: کسانی که چون نیکی کنند شاد گردند، و چون بدی کنند آمرزش خواهند، و چون به آن ها عطا شود شکر کنند، و چون گرفتار شوند صبر کنند، و چون خشم گیرند چشم پوشی نمایند.

۱۰۲۷- الأمالی للصدوق ۹۳ ح ۱۰: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): لا تزول قدماً عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع: عن عمره فيما أفناه، وشبابه فيما أبلاه، وعن ماله من أين كسبه وفيما أنفقه، وعن حَبْنِ أهل البيت.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در روز قیامت بنده ای گام بر ندارد تا از چهار چیز پرسش شود: از عمرش که در چه گذرانده، و از جوانی اش که در چه به سر رسانده، و از مالش که از کجا آورده و در کجا خرج کرده، و از دوستی ما خانواده.

۱- توجه کنیم که در این روایت فقط شش آمده و شاید دو چیز دیگر از یاد راوی رفته باشد.

۱۰۲۸- کمال الدین ۳۲۴ ح ۹: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): إنّ دین الله لا یصاب بالعقول التناقصه والآراء الباطله والمقاییس الفاسده، ولا یصاب إلا بالتسلیم، فمن سلّم لنا سلم ومن اهتدی بنا هدی، ومن دان بالقیاس والرأی هلک، ومن وجد فی نفسه شیئاً ممّا نقوله أو نقضی به حرجاً کفر بالذی أنزل السبع المثانی والقرآن العظیم وهو لا یعلم.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که دین خدا با عقول ناقص و آراء باطل و قیاس های فاسد به دست نیامده و آن جز با تسلیم شدن به دست نمی آید، و هر که تسلیم ما شد سالم می ماند، و هر که به ما اقتدا کرد هدایت می یابد، و هر که به قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود، و هر که در آن چه می گوئیم شکّی داشته باشد یا در آن چه حکم می کنیم حرج و سختی از پذیرش داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی (سوره ی حمد) و قرآن عظیم را فرو فرستاده، کافر شده است در حالی که خودش هم نمی داند.

۱۰۲۹- الأمالی للصدوق ۷۲ ح ۳: عن غیاث بن إبراهیم، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن جدّه (علیهم السلام)، قال: مرّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بقوم یربعون حجراً، قال: ما هذا؟ قالوا: نعرف بذلك أشدنا وأقوانا، فقال (صلی الله علیه و آله و سلم): ألا أخبرکم بأشدکم وأقواکم؟ قالوا: بلی، یا رسول الله! قال: أشدکم وأقواکم الذی إذا رضی لم یدخله رضاه فی إثم ولا باطل، وإذا سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق، وإذا قدر لم یتعاط ما لیس له بحق.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردانی گذر کرد که سنگی را به نوبت بلند می کردند به آن ها فرمودند: این کار چیست؟ گفتند نیروی خود را آزمایش کنیم فرمودند: من شما را به نیرومندترین شما آگاه نسازم؟

عرض کردند: چرا یا رسول الله، فرمودند: سخت تر و نیرومندتر شما آن کس است که چون خشنود گردد خشنودیش او را به گناه و باطل نکشانند و چون خشم کند خشمش او را از گفتار حق خارج نسازد و چون توانا شد بناحق به سوی آنچه که مال او نیست دست دراز نکند.

۱۰۳۰- بحار الأنوار ۲۶/۵: عن أمير المؤمنين (علیه السلام) قال: الإمام علم ما فی الضمائر والقلوب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام از آن چه در ضمیرها و قلب هاست آگاه است.

۱۰۳۱- الأملی للصدوق ۱۷۱ ح ۸ و ۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): كم من غافل ينسج ثوباً ليلبسه، وإنما هو كفته، ويبنى بيتاً ليسكنه، وإنما هو موضع قبره. وقيل لأمر المؤمنين (عليه السلام): ما الاستعداد للموت؟ قال: أداء الفرائض، واجتناب المحارم، والاشتغال على المكارم، ثم لا- يبالي أوقع على الموت أم وقع الموت عليه، واللّه ما يبالي ابن أبي طالب أوقع على الموت، أم وقع الموت عليه.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: بسا غافلی که جامه می بافت تا بپوشد و آن جامه کفن اوست خانه سازد تا مسکن گیرد و آنجا گور اوست، به علی (عليه السلام) عرض شد آمادگی برای مرگ چیست؟ فرمودند: ادای واجبات و کناره کردن از حرام ها و به دست آوردن مکارم، سپس باکی نباشد که مرگ بر او آید یا او به مرگ درآید، به خدا باک ندارد پسر ابی طالب که بر مرگ افتد یا مرگش در بر گیردش.

۱۰۳۲- الکافی ۲/۵۶ ح ۲: عن عبد الله بن مسكان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنَّ الله (عزوجل) خصَّ رسله بمكارم الأخلاق، فامتحنوا أنفسكم، فإن كانت فيكم فاحمدوا الله واعلموا أن ذلك من خير وإن لا تكن فيكم فاسألوا الله وارغبوا إليه فيها، قال فذكرها عشرة: اليقين والقناعة والصبر والشكر والحلم وحسن الخلق والسخاء والغيره والشجاعة والمروءة. قال: وروى بعضهم بعد هذه الخصال العشره وزاد فيها الصدق وأداء الأمانة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خدای (عزوجل) پیغمبرانش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، شما خود را بیازمائید، اگر آن ها در وجود شما هم بود، خدا را سپاس گوئید و بدانید که بودن آن ها در شما خیر شماسست و اگر در شما نبود، از خدا بخواهید و نسبت به آن ها رغبت جوئید.

سپس آن ها را ده چیز شمردند: یقین و قناعت و صبر و شکر و خویشتن داری و خلق نیکو و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروءت.

بعضی از راویان دیگر این ده خصلت را ذکر نموده و راستگوئی و امانت داری را هم بدان ها افزوده است.

۱۰۳۳- بصائر الدرجات ۸۳ ح ۱۱: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: نحن شهداء الله على خلقه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: ما شاهدان خدا بر خلقش می باشیم.

۱۰۳۴- الأُمالی للصدوق ۳۶۹ ح ۲: عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا (عليه السلام) قال: النظر إلى ذرّيتنا عباده. فقيل له: يا بن رسول الله! النظر إلى الأئمة منكم عباده، أم النظر إلى جميع ذرّيه النبي (صلى الله عليه وآله وسلم)؟ فقال: بل النظر إلى جميع ذرّيه النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) عباده.

امام هشتم (عليه السلام) فرمودند: نگاه به ذرّیه‌ی ما عبادت است، عرض شد یا بن رسول الله! نگاه ما به امامان از شما عبادت است یا نگاه به همه‌ی اولاد پیغمبر؟ فرمودند: نگاه به همه‌ی اولاد پیغمبر عبادت است.

۱۰۳۵- الأُمالی للصدوق ۳۷۱ ح ۸: عن الحسين بن أبي العلاء، عن الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام)، قال: سمعته يقول: أحبّ العباد إلى الله (عزوجل) رجل صدوق في حديثه، محافظ على صلواته وما افترض الله عليه، مع أداء الأمانة. ثم قال (عليه السلام): من أوّتمن على أمانه فأدّاها فقد حلّ ألف عقده من عنقه من عقد النار، فبادروا بأداء الأمانة، فإنّ من أوّتمن على أمانه وكلّ به إبليس مائه شيطان من مرده أعوانه ليضلّوه ويوسوسوا إليه حتى يهلكوه إلا من عصم الله (عزوجل).

حسین بن ابی اعلا- می گوید: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم که می فرمودند: محبوب ترین بنده نزد خدای (عزوجل) مردی است راستگو و حافظ بر نماز و آن چه خدا بر او واجب کرده و مواظب اداء امانت.

سپس فرمودند: هر کس بر امانتی امین شود و آن را ادا کند هزار گره آتش از گردن خود گشوده، به ادای امانت پیشی گیرید زیرا هر کس امین بر چیزی شود ابلیس صد شیطان سرکش از یارانش بر او گمارد تا او را گمراه کنند و وسوسه نمایند تا هلاکش کنند مگر کسی که خدای (عزوجل) او را حفظ کند.

۱۰۳۶- مشارق أنوار اليقين ۲۰۵: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: الإمام يرى ما بين الشرق والغرب، فلا يخفى عليه شيء من عالم الملك والملكوت.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: امام آن چه را که بین شرق و غرب عالم است می بیند، پس هیچ چیزی از عالم مُلک و ملکوت بر او پوشیده نیست.

۱۰۳۷- المناقب (کتاب عتیق) ۷۵: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: أنا عالم بضمائر قلوبكم.

امیر المؤمنین علی (عليه السلام) فرمودند: من از درون قلب های شما آگاهم.

۱۰۳۸- الکافی ۲/۲۶۸ ح ۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان أبي (عليه السلام) يقول: ما من شيء أفسد للقلب من خطيئه، إنَّ القلب ليوافق الخطيئه فما تزال به حتى تغلب عليه فيصير أعلاه أسفله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پدرم همواره می فرمودند: چیزی بیشتر از گناه قلب را فاسد نکند، قلب مرتکب گناهی می شود و بر آن اصرار می ورزد تا بالاایش به پائین می گراید (سرنگون و وارونه می شود و سخن حق و موعظه در آن نمی گنجد و تأثیر نمی کند).

۱۰۳۹- الأملی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من وقف نفسه موقف التهمه فلا يلومن من أساء به الظنّ، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس خود را در معرض تهمت در آورد سرزنش نکند کسی را که به او بدگمان است.

۱۰۴۰- الکافی ۲/۱۳۷ ح ۲۵: عن الوشاء قال: سمعت الرضا (عليه السلام) يقول: قال عيسى بن مريم (صلوات الله عليه) للحواريين: يا بني إسرائيل! لا تأسوا على ما فاتكم من الدنيا كما لا يأسي أهل الدنيا على ما فاتهم من دينهم إذا أصابوا دنياهم.

و شاء گوید: شنیدم امام رضا (علیه السلام) که می فرمودند: عیسی بن مریم صلوات الله علیه به حواریین گفت: ای بنی اسرائیل! بر آن چه از دنیا از دست شما رفت افسوس مخورید، چنان که اهل دنیا چون به دنیای خود رسند، بر دین از دست داده خود افسوس نخورند.

۱۰۴۱- الأملی للصدوق ۳۲۹ ح ۱۲: قال أبو عبد الله الصادق (عليه السلام): إذا صلّيت صلاة فريضه فصلها لوقتها صلاة مودع يخاف أن لا يعود إليها أبداً، ثم اصرف ببصرك إلى موضع سجودك، فلو تعلم من عن يمينك وشمالك لأحسنت صلاتك، واعلم أنك بين يدي من يراك ولا تراه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون نماز واجبی می خوانی در وقت بخوان و با آن وداع کن، گویا که می ترسی بدان برنگردی، و دیده به جای سجده ات بینداز، اگر بدانی کسی طرف راست یا چپ تو است خوب نماز می خوانی بدان که تو برابر کسی هستی که تو را می بیند و او را نمی بینی.

۱۰۴۲- الأمالی للصدوق ۷۰۷ ح ۳: عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: سئل الحسين بن عليّ (عليهما السلام) فقيل له: كيف أصبحت، يا بن رسول الله؟ قال: أصبحت ولي ربّ فوقی، والنار أمامی، والموت يطلبنی، والحساب محدد بی، وأنا مرتهن بعملی، لا- أجد ما أحب، ولا- أدفع ما أكره، والأ-مور بيد غیری، فإن شاء عذّبتنی، وإن شاء عفا عنيّ، فأی فقير أفقر منی!

از حسین بن علی (علیه السلام) سؤال شد چگونه صبح کردید؟ فرمودند: پروردگار بر سر من است، و دوزخ برابرم، و مرگ دنبال سرم، و حساب در گردهم، و خود گرو کردارم. آن چه دوست دارم به دست نیارم و آن چه بد دارم نتوانم جلو آن را بگیرم و کارها بدست دیگری است اگر خواهد مرا شکنجه کند و اگر خواهد از من بگذرد، کدام کس از من نیازمندتر است!

۱۰۴۳- الأمالی للصدوق ۷۱۴ ح ۲: عن عبد الله بن ميمون المكي، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم):...، ومن أراد الآخرة فليدع زينه الحياه الدنيا.

رسول خدا (علیه السلام) فرمودند: هر کس آخرت را می خواهد باید زینت و تجمل زندگانی دنیا را رها کند.

۱۰۴۴- بصائر الدرجات ۳۹۵ ح ۵: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إن الله أقدرنا على ما نريد.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که خداوند ما اهل بیت را بر آن چه بخواهیم توانا نموده است.

۱۰۴۵- بحار الأنوار ۹۷/۳۴۹: زیاره آخری له (علیه السلام): أنت (أمير المؤمنين (عليه السلام)) المحيط بكلّ شيء.

در یکی از زیارات امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: تو بر هر چیزی احاطه و تسلط داری.

۱۰۴۶- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۰۹: فی الزیاره الجامعه: عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و أذهب عنکم الرجس أهل البيت و طهرکم تطهیراً.

در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند شما اهل بیت را از لغزش ها مصون داشته و از فتنه ها حفظ نموده و از ناپاکی ها پاک نموده است و رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاکیزه و مطهر نموده است.

۱۰۴۷- الأملی للصدوق ۷۲۴ ح ۳: عن جابر بن یزید الجعفی، قال: قال أبو جعفر محمّد بن علی الباقر (علیه السلام): یا جابر! یکتفی من انتحل الشیع أن یقول بحبنا أهل البيت؟ فوالله ما شیعتنا إلاّ من اتقى الله وأطاعه، وما كانوا یعرفون یا جابر إلاّ بالتواضع، والتخشع، وکثره ذکر الله، والصوم، والصلاه، والتعهد للجیران من الفقراء وأهل المسکنه والغارمین والأیتام، وصدق الحدیث، وتلاوه القرآن، وکفّ الألسن عن الناس إلاّ من خیر، وکانوا أمناء عشائهم فی الأشياء. فقال جابر: یا بن رسول الله! لست أعرف أحداً بهذه الصفة. فقال (علیه السلام): یا جابر! لا تذهبنّ بک المذاهب، أحسب الرجل أن یقول أحبّ علیاً وأتولاه! فلو قال: إننی أحبّ رسول الله، ورسول الله خیر من علی، ثمّ لا- یعمل بعمله ولا- یتبع سنته، ما نفعه حبّه إیّاه شیئاً، فاتقوا الله واعملوا لما عند الله، لیس بین الله و بین أحد قرابه، أحبّ العباد إلى الله وأکرمهم علیه أتقاهم له وأعملهم بطاعته، والله ما یتقرب إلى الله جلّ ثناؤه إلاّ بالطاعه، ما معنا براءه من النار، ولا علی الله لأحد من حجّه، من کان لله مطیعاً فهو لنا ولی، ومن کان لله عاصياً فهو لنا عدوّ، ولا تنال ولا یتنا إلاّ بالورع والعمل.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ای جابر! کسی که خود را به تشیع می بندد به همین اکتفاء می کند که خود را دوست ما داند؟! به خدا نیست شیعه‌ی ما مگر کسی که تقوای از خدا دارد و فرمان او برد و شناخته نشوند جز به تواضع و خشوع و کثرت ذکر خدا و روزه و نماز و احوال پرسی همسایگان فقیر و مستمند و قرض داران و یتیمان و راستگوئی و خواندن قرآن و نگه داری زبان از مردم جز بخیر، و آن ها امینان عشیره‌ی خود باشند در هر چیز.

جابر عرض کرد: ای پسر رسول خدا! من کسی را به این اوصاف نمی شناسم، فرمودند: ای جابر! به خود راه مده که برای مردی همین بس است که بگوید من رسول خدا را دوست دارم با این که رسول خدا بهتر از علی است و کردار او را نداشته باشد و پیرو روشش نگردد که محبت او برایش سودی ندارد، از خدا بترسید و برای آن چه نزد خداست عمل کنید.

میان خداوند و اجدی خویشاوندی نیست، دوست ترین مردم نزد خداوند و گرامی ترین آن ها به درگاهش با تقواترین و فرمان برترین آن ها است به خدا.

تقرب به خدای جلّ ثناؤه میسر نشود مگر به طاعت، ما (از پیش خود) برات آزادی از دوزخ همراه نداریم و اجدی بر خدا حجتی ندارد، هر کس مطیع

خدا است دوست ما است و هر کس نافرمان خدا است دشمن ما است، به دوستی ما نتوان رسید جز به وَرَع و کردار شایسته.

۱۰۴۸- مشارق أنوار الیقین ۱۷۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الإمام ملكي الذات، إلهي الصفات، وأنهم صفات الله وصفوته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند.

۱۰۴۹- تفسیر فرات الکوفی ۵۵۲ ح ۷۰۷: عن قبيصة بن يزيد الجعفی عن أبي عبد الله (عليه السلام) في قوله: {إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ} (۱)؟ قال: فينا التنزيل. قال: قلت: إنما أسألك عن التفسير. قال: نعم يا قبيصة! إذا كان يوم القيامة جعل الله حساب شيعتنا علينا فما كان بينهم وبين الله استوهبه محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) من الله، وما كان فيما بينهم وبين الناس من المظالم أذاه محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) عنهم، وما كان فيما بيننا وبينهم وهبناه لهم حتى يدخلون الجنة بغير حساب.

قبيصة‌ی جعفی گفت: از حضرت صادق (عليه السلام) آیه‌ی: < إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ > را پرسیدم؟ فرمودند: درباره‌ی ما نازل شده است، عرض کردم من از تفسیر آن می پرسم فرمودند: بسیار خوب قبيصة! روز قیامت که می شود خدا حساب شیعیان را به ما می سپارد آن چه بین آن ها و خدا است رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) تقاضای بخشش می کنند از خدا و آن چه بین آن ها و بین مردم است از مظالم پیامبر اکرم از طرف آن ها پرداخت می کنند و آن چه بین ما و آن ها است می بخشیم تا بدون حساب وارد بهشت شوند.

۱۰۵۰- الاحتجاج ۱/۸۰: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: ألا إته (إمام العصر (عليه السلام)) وارث كل علم والمحيط به.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: آگاه باشید بدرستی که او (امام زمان (عليه السلام)) وارث هر علم، و محیط بر آن است.

۱۰۵۱- بصائر الدرجات ۲۸۰ ح ۲: عن أبي الربيع الشامي قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): بلغني عن عمر بن إسحاق حديث فقال اعرضه قال: دخل أمير المؤمنين (عليه السلام) فرأى صفره في وجهه قال: ما هذه الصفره فذكر وجعاً به فقال له علي (عليه السلام): إنا لنفرح لفرحكم ونحزن لحزنكم ونمرض لمرضكم وندعو لكم فتدعون فتؤمن قال عمرو: قد عرفت ما قلت: ولكن كيف ندعو فتؤمن فقال: إنا سواء علينا البادي والحاضر فقال أبو عبد الله (عليه السلام): صدق عمرو.

ابو ربيع شامی می گوید: به امام صادق (عليه السلام) گفتم: عمرو بن اسحاق حدیثی را برای من نقل کرده است که نمی دانم راست می گوید یا دروغ، حضرت فرمودند: حدیث را باز گو کن؛ گفت: عمرو بن اسحاق می گوید: روزی امیر المؤمنین (عليه السلام) بر او داخل شد، و دید در چهره‌ی او زردی نمایان است؛ پس به او گفت این زردی چیست؟ گفت: از دردی است که به جانم افتاده، پس حضرت به او فرمودند: ما اهل بیت به شادی شما شاد و به حزن شما محزون و به مرض شما مریض می شویم، و دعا می کنیم، و بر دعای شما آمین می گوییم؛ عمرو گفت: آن چه را گفتمی فهمیدم ولی چگونه ما دعا می کنیم و شما آمین می گویید؟ حضرت فرمودند: همانا شهر و بیابان بر ما یکسان است، پس امام صادق (عليه السلام) فرمودند: عمرو راست می گوید.

۱۰۵۲- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... اتقوا شرار النساء، وكونوا من خيارهنّ علی حذر، إن أمرنكم بالمعروف فخالقوهنّ، كيلا يطمعنّ منكم في المنكر، الخبر.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: از زنان بد بگریز و از زنان خوب هم در حذر باش اگر دستور خوبی هم به شما دادند با آن ها مخالفت کنی تا طمع نکنند شما را به زشت کاری کشند.

۱۰۵۳- بحار الأنوار ۹۷/۳۴۹: زیاره آخری له (عليه السلام): أنت (أمیر المؤمنین (عليه السلام)) عينه (الله) الحفیظه التي لا تخفی علیها خافیه.

در یکی از زیارات امیر المؤمنین (عليه السلام) می خوانیم: تو چشم مراقب خداوند هستی که چیزی بر او مخفی نیست.

۱۰۵۴- بصائر الدرجات ۴۱۰ ح ۱: عن الأصبع بن نباته أنّ أمير المؤمنين (عليه السلام) صعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم قال:....، فالذي نفسى بيده لقد سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: إنّ الفقر إلى محبتنا أسرع من السيل من أعلى الوادى إلى أسفله.

امیر المؤمنین (علیه السلام) بر منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی فرمودند: به آن کسی که جانم در دست اوست از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمودند: به درستی که فقر به سوی دوستان ما سریع تر است از آمدن سیل از جایگاه بلند به پایین.

۱۰۵۵- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۷ ح ۱۳: أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: رحيم بعباده المؤمنين، ومن رحمته أنه خلق مائه رحمه، وجعل منها رحمه واحده في الخلق كلهم، فبها يتراحم الناس، وترحم الوالده ولدها، وتحنو الأمهات من الحيوانات على أولادها. فإذا كان يوم القيامة أضاف هذه الرحمه الواحده إلى تسعه وتسعين رحمه فيرحم بها أمه محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) ثم، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: و امیرا؛ [الرحیم]، معنایش این است که او به بندگان مؤمنش رحیم است. و از رحمت او است که صد رحمت آفرید! از آن، رحمت واحدی در خلاق و همه آفریدگان، قرار داد. و به آن، مردم به یکدیگر رحیم و دلسوزند! و مادر، به فرزندش مهربان! و نیز مادران در عالم حیوانات بر اولادشان گرایش و عطوفت دارند! پس آن گاه که روز رستاخیز فرا رسد رحمت واحد را به نود و نه بخش دیگر، بیفزاید! و با آن به امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رحمت آورد!

۱۰۵۶- الکافی ۲/۲۵۵ ح ۱۵: عن عبد الله بن أبي يعفور قال: شكوت إلى أبي عبد الله (عليه السلام) ما ألقى من الأوجاع وكان مسقماً فقال لي: يا عبد الله! لو يعلم المؤمن ما له من الأجر في المصائب لتمنى أنه قرص بالمقاريض.

عبد الله بن أبي يعفور - که همیشه بیمار بود - گوید: از دردهائی که به من می رسید به امام صادق (علیه السلام) شکایت کردم، حضرت به من فرمودند: ای عبد الله! اگر مؤمن پاداشی را که برای مصیبت ها دارد بداند، آرزو می کند که او را با قیچی ها تکه تکه کنند.

۱۰۵۷- الخصال ۴۵۰ ح ۵۵: عن أبان بن عثمان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: جاء إليه رجل فقال له: بأبي أنت وأمي عظني موعظه فقال (عليه السلام): إن كان الله (تبارك و تعالی) قد تكفّل بالرزق فاهتمامك لماذا؟ وإن كان الرزق مقسوماً فالحرص لماذا؟ وإن كان الحساب حقاً فالجمع لماذا؟ وإن كان الخلف من الله حقاً فالبخل لماذا، وإن كانت العقوبه من النار فالمعصيه لماذا؟ وإن كان الموت حقاً فالفرح لماذا؟ وإن كان العرض على الله حقاً فالمكر لماذا؟ وإن كان الممرّ على الصراط حقاً فالعجب لماذا؟ وإن كان كلّ شيء بقضاء وقدر فالحزن لماذا؟ وإن كانت الدنيا فانيه فالطمأنينه إليها لماذا؟

أبان بن عثمان گوید: مردی به خدمت امام صادق (عليه السلام) آمد و عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت مرا پندی ده، حضرت فرمودند: اگر خدای (تبارک و تعالی) عهده دار روزی است پس برای چه غم روزی می خوری! و اگر روزی قسمت شده است چرا باید حرص ورزی! و اگر حساب حق است جمع مال چرا! و اگر عوض آن چه در راه خدا داده شود حق است بخل ورزیدن برای چه! و اگر کیفی از آتش هست گناه چرا! و اگر مرگ حق است شادی برای چه! و اگر نمایان بودن کارها بر خداوند حق است حيله و مکر برای چیست! و اگر گذشتن بر صراط حق است به خود بالیدن برای چه! و اگر همه چیز به قضا و قدر الهی است اندوه برای چیست! و اگر دنیا فانی است دل بستگی به آن برای چیست!

۱۰۵۸- الأمالی للصدوق ۵۷۵ ح ۱۸: عن ابن عباس، قال: إن رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) كان جالساً ذات يوم وعنده عليّ وفاطمه والحسن والحسين (عليهم السلام)، فقال:....، كأنني أنظر إلى ابنتي فاطمه قد أقبلت يوم القيامة على نجيب من نور، عن يمينها سبعون ألف ملك، وعن يسارها سبعون ألف ملك، وبين يديها سبعون ألف ملك، وخلفها سبعون ألف ملك، تقود مؤنات أتيتي إلى الجنة، فأیما امرأه صلّت فی اليوم والليله خمس صلوات، وصامت شهر رمضان، وحجّت بیت الله الحرام، وزكّت مالها، وأطاعت زوجها، ووالت عليّاً بعدی، دخلت الجنة بشفاعه ابنتي فاطمه، وإنها لسیده نساء العالمين، الخبير.

ابن عباس گفت: يك روز رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) نشسته بودند و علی و فاطمه و حسين نزد ایشان بودند پس فرمودند: گویا من می نگرم دخترم فاطمه را که

روز قیامت بر اسبی از نور سوار است و از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از چپش هفتاد هزار و جلور و دنبالش هر کدام هفتاد هزار فرشته باشد و زنان اتمم را به بهشت رهبری کند، هر زنی در شبانه روز پنج نماز بخواند و ماه رمضان را روزه دارد و حج خانه خدا کند و زکات مالش را پردازد و شوهرش را اطاعت کند و پس از من پیرو علی باشد به شفاعت دخترم فاطمه به بهشت رود و او سیده‌ی زنان عالمیان است.

۱۰۵۹- الأمالی للصدوق ۲۶۸ ح ۱۴: عن یحیی بن أبی القاسم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبیه، عن جدّه (علیهم السلام)، قال: کتب رجل إلى الحسین بن علی (علیه السلام): یا سیدی! أخبرنی بخیر دنیا والآخرة، فکتب إليه: بسم الله الرحمن الرحیم، أمّا بعد فإِنَّه من طلب رضا الله بسخط الناس كفاه الله أمور الناس، ومن طلب رضا الناس بسخط الله وكله الله إلى الناس، والسلام.

مردی به حسین بن علی (علیهما السلام) نوشت؛ مرا از خیر دنیا و آخرت آگاه کن، به او نوشت: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَمَّا بعد هر کس رضای خدا جوید در برابر خشم مردم، خدا امورش را کفایت کند و هر کس رضای مردم جوید در برابر خشم خدا، خدا او را به مردم واگذارد و السلام.

۱۰۶۰- جمال الأسبوع ۳۰۷: عن أبی الحسن الرضا (علیه السلام) قال: عینک الناظره علی بریتک وشاهدک علی عبادک.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: او (امام زمان (علیه السلام)) چشمِ بینای تو (خدا) بر خلق و شاهد تو بر بندگانت می باشد.

۱۰۶۱- الأمالی للطوسی ۲۸۰ ح ۷۷: حدّثنی المنصوری، قال: حدّثنی عمّ أبی، قال: حدّثنی الإمام علی بن محمد، عن آبائه أب أب، عن الصادق (علیهم السلام)، قال: ما كان ولا یكون إلى یوم القیامه رجل مؤمن إلا وله جار یؤذیه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از گذشته تا آینده تا روز قیامت هیچ مرد مؤمنی نیست مگر این که همسایه ای برای او است که او را می آزارد.

۱۰۶۲- الکافی ۲/۳۱۸ ح ۱۱: عن مهاجر الأسدي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: مرّ عيسى بن مريم (عليه السلام) على قرية قد مات أهلها وطيرها ودوابها فقال: أما إنهم لم يموتوا إلاّ بسخطه ولو ماتوا متفرّقين لتدافنوا، فقال الحواريون: يا روح الله وكلمته! ادع الله أن يحييهم لنا فيخبرونا ما كانت أعمالهم فنجتّبها، فدعا عيسى (عليه السلام) ربّه فنودي من الجوّ: أن نادهم، فقام عيسى (عليه السلام) بالليل على شرف من الأرض فقال: يا أهل هذه القرية! فأجابه منهم مجيب: لئيك يا روح الله وكلمته! فقال: ويحكم ما كانت أعمالكم؟ قال: عباده الطاغوت وحبّ الدنيا مع خوف قليل وأمل بعيد وغفله في لهو ولعب فقال: كيف كان حبّكم للدنيا؟ قال: كحبّ الصبي لأُمّه، إذا أقبلت علينا فرحنا وسررنا وإذا أدبرت عنّا بكينا وحزنا، قال: كيف كانت عبادتكم للطاغوت قال: الطاعة لأهل المعاصي قال: كيف كان عاقبه أمركم؟ قال: بتنا ليله في عافيه وأصبحنا في الهاويه، فقال: وما الهاويه؟ فقال: سجّين قال: وما سجّين؟ قال: جبال من جمر توقد علينا إلى يوم القيامة، قال: فما قلتم وما قيل لكم؟ قال: قلنا ردّنا إلى الدنيا فنزهد فيها، قيل لنا: كذبتم، قال: ويحك كيف لم يكلمني غيرك من بينهم؟ قال: يا روح الله! إنهم ملجمون بلجام من نار بأيدي ملائكة غلاظ شداد وإني كنت فيهم ولم أكن منهم، فلما نزل العذاب عمّني معهم فأنا معلق بشعره على شفير جهنّم لا أدري أكبكب فيها أم أنجو منها، فالتفت عيسى (عليه السلام) إلى الحواريين فقال: يا أولياء الله! أكل الخبز اليابس بالملح الجريش والنوم على المزابل خير كثير مع عافيه الدنيا والآخرة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: عيسى بن مريم به يك آبادی گذر کرد كه اهل آن با هر چه پرنده و جاندار داشته يك جا مرده بودند، پس گفت: آگاه باشید! به راستی این ها نمرده اند جز به خشم و عذاب، و اگر به تدریج مرده بودند، یکدیگر را به خاک سپرده بودند، حواریون گفتند: ای روح الله و کلمه الله! به درگاه خدا دعا کن آن ها را برای ما زنده کند و به ما گزارش دهند که کردار آنان چه بوده است (که بدین کیفر رسیده اند) تا ما از آن دوری کنیم، عیسی آن را از پروردگار خود درخواست کرد و از بالا- به او ندا شد که: آنان را فریاد کن، عیسی در شب بر یک تپه ای از زمین برآمد و گفت: ای مردم آبادی! یک تن از میان آن ها به او پاسخ گفت:

پرستش طاغوت و دوستی دنیا به همراه ترس اندک (از خدا) و آرزوی دور و دراز و غفلت در سرگرمی و بازی ما را به این روز انداخته است.

پس عیسی (عليه السلام) فرمود: دوستی شما با دنیا چگونه بود و چه اندازه دنیا طلب

بودید؟ در پاسخ گفت: به اندازه‌ی دوستی کودک به مادرش، هرگاه به ما رو می آورد شاد و خرسند می شدیم و چون به ما پشت می کرد می گریستیم و غم ناک می شدیم. عیسی (علیه السلام) فرمود: پرستش شما از طاغوت چگونه بود؟ در پاسخ گفت: از گنه کاران فرمانبری داشتیم.

فرمود: سرانجام کار شما چه شد و به کجا کشید؟ در پاسخ گفت: شب را در عافیت و خوشی به سر بردیم و بامدادان در هاویه افتادیم.

فرمود: هاویه چیست؟ در پاسخ گفت: سَجین است، فرمودند: سَجین چیست؟ در پاسخ گفت: کوه هائی از آتش تافته و شعله ور که تا روز رستاخیز بر ما فروزان است، فرمود: چه گفتید و چه با شما گفتند؟ در پاسخ گفت: گفتیم ما را برگردانید به دنیا تا در آن زهد در پیش گیریم، به ما گفته شد: دروغ می گوئید.

فرمود: وای بر تو، چگونه جز تو دیگری از میان آن ها با من سخن نگفت؟ در پاسخ گفت: یا روح الله! همه را مهار و لگام آتشین بر دهان است و به دست فرشته های سخت و تند گرفتارند و راستش من در میان آن ها به سر می بردم و از آن ها نبودم و چون عذاب فرود آمد، مرا هم در بر گرفت، من هم با یک مو بر لبه دوزخ آویزانم و نمی دانم که در آن واژگون می شوم یا از آن رهائی می یابم. عیسی رو به حواریون کرد و گفت: ای دوستان خدا! خوردن نان خشک با نمک زبر و خوابیدن بر زباله دان ها با تأمین عافیت دنیا و آخرت خیر بسیاری است.

۱۰۶۳- الکافی ۱/۳۹۷ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا تذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة آل داود ولا يسأل بينه يعطى كل نفس حقها.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرگز دنیا به پایان نمی رسد تا این که مردی از نسل من خروج نموده و به حکم آل داود که از مردم برای قضاوت، بینه (دو شاهد عادل) طلب نمی نمود عمل نماید و به هر کس حق واقعی او را عطا کند.

۱۰۶۴- علل الشرائع ۲/۴۶۵ ح ۱۶: عن محمد بن قيس قال، سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: ملكان هبط من السماء فالتقيا في الهواء، فقال أحدهما لصاحبه: فيما هبطت، قال: بعثني الله (عزوجل) إلى بحر آيل أحشر سمكه إلى جبار من الجبابره اشتهى عليه سمكه في ذلك البحر، فأمرني أن أحشر إلى الصياد سمكه البحر حتى يأخذها له ليلبغ الله (عزوجل) الكافر غايه مناه في كفره. قال الآخر لصاحبه: ففيما بعثت أنت: قال: بعثني الله (عزوجل) في أعجب من الذي بعثك فيه بعثني إلى عبده المؤمن الصائم القائم المعروف دعائه وصومه في السماء لأ-كفى قدره التي طبخها لإفطاره ليلبغ الله في المؤمن من الغايه في اختبار إيمانه.

از محمد بن قيس نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا جعفر (عليه السلام) شنیدم که فرمودند: دو فرشته از آسمان به زمین فرود آمدند در بین هوا با هم برخوردند، یکی از آن ها به دیگری گفت: برای چه فرود می آیی؟

گفت: حق (عزوجل) مرا به طرف دریای اهل ایل فرستاده تا ماهی را صید نموده و به یکی از جابرین و ستم کاران برسانم چه آن که وی از خداوند متعال ماهی این دریا را تقاضا و درخواست نموده از این رو حق جل و علا مرا مأمور ساخت نزد صیادی که ماهی های آن دریا را صید می کند رفته و او را به صید ماهی دریای مزبور ترغیب کرده تا بدین ترتیب حق (عزوجل) آن جابر و کافر را به منتهای آرزویش برساند.

سپس او به رفیقش گفت: تو برای چه فرستاده شدی؟ گفت: خداوند (عزوجل) مرا برای امری عجیب تر از آن چه تو را به آن مبعوث نموده فرستاده، مرا فرستاده به سراغ بندهی مؤمنش که روزه دار و قائم اللیل است و دعا و روزه اش در آسمان معروف و مشهور می باشد و امر فرموده که دیزی طعامی را که وی پخته و برای افطارش آماده کرده واژگون نمایم تا بدین وسیله آزمایش نهایی ایمان از او صورت گرفته باشد.

۱۰۶۵- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... أحب الأخوان على قدر التقوى، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دوست دار برادران را، به اندازه ای که تقوی دارند.

۱۰۶۶- بصائر الدرجات ۲۱۷ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قد ولدني رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأنا أعلم كتاب الله وفيه بدء الخلق وما هو كائن إلى يوم القيامة وفيه خبر السماء وخبر الأرض وخبر الجنة وخبر النار وخبر ما كان وخبر ما هو كائن أعلم ذلك كما أنظر إلى كفى إن الله يقول: { فِيهِ تَبْيَانٌ لِّكُلِّ شَيْءٍ } (۱).

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: من فرزند رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آن چه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و در آن اخبار آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده نیز آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه ای آگاه و مطلع هستم که گویا بر کف دست خویش می نگرم، آری! بدرستی که خداوند متعال می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است».

۱۰۶۷- بحار الأنوار ۹۹/۲۴۷: عن الأئمة (عليهم السلام): يا سيدنا ومولانا! إنا توجَّهنا واستشفعنا وتوسَّلنا بك إلى الله وقدَّمناك بين يدي حاجتنا، يا وجيهاً عند الله! اشفع لنا عند الله.

در دعای توسل به ائمه اطهار (عليهم السلام) می خوانیم: ای سید و مولای ما! همانا ما به سوی تو توجّه کرده و به تو توسل می نمائیم و از تو طلب شفاعت نزد خداوند می کنیم، و حوائج خویش را پیش روی خود قرار داده و از تو که نزد خداوند آبرومند هستی می خواهیم که ما را شفاعت نمائی.

۱۰۶۸- الکافی ۲/۳۶۱ ح ۱: عن إبراهيم بن عمر اليماني، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا اتهم المؤمن أخاه انماث الإيمان من قلبه كما ينماث الملح في الماء.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: همین که مؤمن برادر (دینی) خود را تهمت زند ایمان چون نمک در آب در دلش محو شود.

۱۰۶۹- کمال الدین ۲۸۷ ح ۶: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أفضل العباده انتظار الفرج.

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: انتظار فرج، برترین عبادت است.

۱- فی القرآن الموجود هكذا: النحل، الآیه ۸۹: { وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ } الآیه.

۱۰۷۰- الکافی ۲/۴۹۴ ح ۱۶: قال أبو عبد الله (عليه السلام): من كانت له إلى الله (عز وجل) حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد وآله، ثم يسأل حاجته، ثم يختم بالصلاة على محمد وآل محمد، فإن الله (عز وجل) أكرم من أن يقبل الطرفين ويدع الوسط إذا كانت الصلاة على محمد وآل محمد لا تحجب عنه.

از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است که فرمودند: هر کس به خدا حاجتی دارد، با درود بر محمد و آلش شروع کند پس از خدا حاجتش را بخواهد سپس با درود بر محمد و آلش ختم کند؛ زیرا خدای (عز وجل) کریم تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند ولی وسط آن را قبول نکند؛ زیرا صلوات بر محمد و آل محمد رد نمی شود.

۱۰۷۱- الکافی ۲/۴۵۲ ح ۱: عن سفیان بن السمط قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): إن الله إذا أراد بعبد خيراً فأذنب ذنباً أتبعه بنقمة ويذكره الاستغفار، وإذا أراد بعبد شراً فأذنب ذنباً أتبعه بنعمة لينسيه الاستغفار، ويتمادي بها، وهو قول الله (عز وجل): {سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ} (۱) بالنعمة عند المعاصي.

ابو عبد الله صادق (عليه السلام) فرمودند: اگر خداوند، خیر خواه بنده‌ی خود باشد، موقعی که مرتکب گناه شود، گناه او را با رنج و محنت دنبال می کند تا متنبه شود و طلب مغفرت نماید. و اگر بدخواه بنده‌ی خود باشد، موقعی که مرتکب گناه شود، گناه او را با نعمت و شادمانی دنبال می کند تا سرگرم شود و استغفار و معذرت خواهی را از یاد ببرد. این است که خدا می گوید: «دشمنان عناد پیشه را، تدریجاً به سقوط می کشانیم از آن راهی که ندانند» یعنی با جایزه‌ی نعمت به دنبال معصیت.

۱۰۷۲- المحاسن ۲/۴۱۰ ح ۱۴۱: عن معلى بن خنيس، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من الحقوق الواجبات للمؤمن على المؤمن أن يجيب دعوته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن است که چون او را دعوت کند بپذیرد.

۱۰۷۳- الکافی ۲/۴۹۶ ح ۲: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما اجتمع في مجلس قوم لم يذكروا الله (عزوجل) ولم يذكرونا إلا كان ذلك المجلس حسرهم عليهم يوم القيامة، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: در هر مجلسی که مردم دور هم جمع شوند و یادی از خدای (عزوجل) نکنند و نامی از ما خاندان رسول نبرند، به روز قیامت مایه‌ی حسرت و تأسف آنان خواهد گشت که چرا از آن مجلس بهره مند نشدند.

۱۰۷۴- الکافی ۲/۳۶۲ ح ۳: عن الحسين بن المختار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) في كلام له: ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يغلبك منه ولا تظن بكلمه خرجت من أخيك سوءاً وأنت تجد لها في الخير محملاً.

از حضرت صادق (عليه السلام) روایت شده که امیر المؤمنین (عليه السلام) در ضمن سخنی از سخنان خود فرمودند: هر کاری که از برادر دینی تو سرزند آن را به بهترین وجه آن حمل کن، مگر آنکه کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد و نتوانی آنرا بر وجه صحیح حمل نمایی، و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن، محمل خوبی می یابی.

۱۰۷۵- الکافی ۲/۳۶۸ ح ۱: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من نظر إلى مؤمن نظره ليخيفه بها أخافه الله (عزوجل) يوم لا ظل إلا ظله.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده اند: هر کس به مؤمنی نگاه کند نگاهی که او را به آن بترساند، خدای (عزوجل) در روزی که سایه‌ی رحمتی جز سایه‌ی رحمت او نیست او را بترساند.

۱۰۷۶- الکافی ۲/۳۶۸ ح ۳: عن ابن أبي عمير، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أعان على مؤمن بشطر كلمة لقي الله (عزوجل) يوم القيامة مكتوب بين عينيه: آيس من رحمتي □.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس با نیم کلمه بر ضرر مؤمنی کمک کند، روز قیامت خدا (عزوجل) را در حالی ملاقات کند که میان دو چشمش نوشته است: <نامید است از رحمت من >.

۱۰۷۷- النوادر ۱۷۱: قال (عليه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من أشار على أخيه المسلم بسلاحه لعنته الملائكة حتى ينحيه عنه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس با اسلحه به برادر مسلمان خود اشاره کند، خداوند (عزوجل) او را مورد خشم و لعنت خود قرار می دهد، تا این که ترس و ناراحتی ای را که برای برادر مسلمان به وجود آورده، برطرف نماید.

۱۰۷۸- المحاسن ۱/۲۶۶ ح ۳۴۸: عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إذا أحببت رجلاً فأخبره.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: چون یکی از شماها یارش یا برادرش را دوست دارد به او اعلام کند.

۱۰۷۹- النوادر ۱۱۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): إذا أحب أحدكم أخاه فليعلمه، فإنه أصلح لذات البين.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: اگر کسی برادر مؤمن خود را دوست می دارد، این موضوع را به او اعلام کند؛ زیرا این جهت رابطه برادری را استوارتر می سازد.

۱۰۸۰- المحاسن ۱/۲۶۶ ح ۳۴۷: قال رجل لأبي جعفر (عليه السلام): والله إنني لأحب هذا الرجل، قال له أبو جعفر: ألا فأعلمه، فإنه أبقى للمودّة وخير في الألفه.

یکی از همنشینان امام باقر (عليه السلام) به آن حضرت گفت: به خدا من این مرد را دوست دارم، امام باقر به او فرمودند: پس به او اعلام کن که آن دوستی را پایدارتر کند و برای اُلفت و اُنس بهتر است.

۱۰۸۱- کتاب المؤمن ۳۴ ح ۶۸: عن أبي عبد الله (عليه السلام): إن الكافر ليدعو في حاجته، فيقول الله (عزوجل): عجلوا حاجته بغضاً لصوته. وإن المؤمن ليدعو في حاجته، فيقول الله (عزوجل): أخرّوا حاجته شوقاً إلى صوته، فإذا كان يوم القيامة قال الله (عزوجل): دعوتني في كذا وكذا فأخّرت إجابتك وثوابك كذا وكذا، قال: فيتمنى المؤمن أنه لم يستجب له دعوه في الدنيا فيما يرى من حسن الثواب.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا کافر برای حاجتش دعا می کند پس خداوند می فرماید: حاجتش را سریع برآورده کنید و این به خاطر ناخوشایند بودن

صدای او نزد خداوند است، و همانا مؤمن برای حاجتش دعا می کند پس خداوند می فرماید: حاجتش را به تأخیر بیاندازید و این به خاطر خوشایند بودن و شوق به صدای مؤمن است.

پس زمانی که روز قیامت شود خدای متعال می فرماید: مرا در مورد فلان قضیه و فلان قضیه خواندی و من اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و در ازای آن ثواب فلان و فلان به تو داده می شود، در اینجا است که مؤمن آرزو می کند که ای کاش هیچ دعایی از دعاهاى وی در دنیا مستجاب نمی گردید به خاطر نیکویی ثوابی که مشاهده می کند.

۱۰۸۲- الکافی ۲/۱۶۶ ح ۴: عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده، وأرواحهما من روح واحدة، وإن روح المؤمن لأشدّ اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها.

شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمودند: مؤمن، برادر مؤمن است. مؤمنان همانند یک پیکرند که اگر عضوی از اعضای او به درد آید، رنج آن را در سایر اعضا احساس خواهد کرد. روح آنان با هم متحد است؛ زیرا روح مؤمن با روح خدا در اتصال است، شدیدتر از اتصالی که شعاع خورشید با خورشید دارد.

۱۰۸۳- الکافی ۲/۱۶۶ ح ۵: عن الحارث بن المغيرة قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): المسلم أخو المسلم هو عینه ومرتته ودليله، لا يخونه ولا يخدعه ولا يظلمه ولا يكذبه ولا يغتابه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مسلمان برادر مسلمان است، چشم و آینه و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت و نیرنگ و ستم نکند و او را تکذیب ننماید و از او غیبت نکند.

۱۰۸۴- بحار الأنوار ۲۶/۵: في خطبه التورائيه: وعلم بما كان وما يكون وعلم ما في الضمائر والقلوب وعلم ما في السماوات والأرض.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی نوراتیت فرمودند: امام از گذشته و آینده و آن چه که در باطن ها، قلب ها و آن چه که در آسمان ها و زمین می باشد مطلع است.

۱۰۸۵- مشارق أنوار اليقين ۲۶۴: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لقد علمت ما فوق الفردوس الأعلى وما تحت السابعة السفلى وما في السماوات العلى وما بينهما وما تحت الثرى، كل ذلك علم إحاطه لا علم إخبار.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به تحقیق از آن چه که بالای بهشت برین و زیر زمین هفتم و آن چه که در آسمان های سر به فلک کشیده، و آن چه که بین آسمان ها و زمین، و آن چه که زیر زمین است مطلع و آگاهم، و این علم و آگاهی فقط از طریق شنیدن نیست، بلکه آن چه را می دانم بر آن احاطه داشته و آن را مشاهده می نمایم.

۱۰۸۶- إلزام الناصب ۲/۲۱۸: فی خطبه التطنجیه: علمنا ما كان وما يكون وما فی السماوات والأرضین بعلم ربنا، نحن المدبرون فنحن بذلك اختصاصاً، نحن مخصوصون ونحن عالمون.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی تطنجیه فرمودند: ما از گذشته و آینده و آن چه که در آسمان ها و زمین است آگاهیم و این آگاهی از جانب پروردگار ماست، ما تدبیر کنندگان این عالمیم، و خداوند ما را مخصوص به این امر نموده است، پس ما از جانب او انتخاب شده و بر همه چیز آگاهیم.

۱۰۸۷- الکافی ۲/۱۶۶ ح ۳: عن علی بن عقبه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: المؤمن أخو المؤمن، عینه ودليله، لا يخونه ولا يظلمه ولا يغشه ولا يعده عده فيخلفه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمن برادر مؤمن است، چشم بینای او است، راهنمای او است، به او خیانت نمی کند، ستم روا نمی دارد، غش نمی کند، وعده‌ی پوچ و تو خالی نمی دهد.

۱۰۸۸- الکافی ۲/۱۹۲ ح ۱۴: عن ابن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أدخل السرور علی مؤمن فقد أدخله علی رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ومن أدخله علی رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقد وصل ذلك إلى الله وكذلك من أدخل عليه كرباً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس مؤمنی را شاد کند، آن شادی را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسانیده و هر کس به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شادی رساند، آن شادی را به خدا رسانیده و همچنین است کسی که به مؤمنی اندوهی رساند.

۱۰۸۹- الکافی ۸/۱۴۷ ح ۱۲۵: عن محمد بن الفضیل، عن أبي الحسن الأول (عليه السلام) قال: قلت له: جعلت فداك الرجل من إخواني يبلغني عنه الشيء الذي أكرهه فأساله عن ذلك فينكر ذلك وقد أخبرني عنه قوم ثقات، فقال لي: يا محمد! كذب سمعك وبصرك عن أخيك فإن شهد عندك خمسون قسامه وقال لك قولاً فصدقه وكذبهم لا تدين عليه شيئاً تشينه به وتهدم به مروءته فتكون من الذين قال الله في كتابه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (۱).

محمد بن فضل می گوید: به امام کاظم (علیه السلام) عرض کردم: قربانت کردم، از یکی از برادرانم خبری می رسد که آن را نمی پسندم و وقتی از خود او می پرسم وی منکر آن می شود با آن که گروه مورد اعتمادی آن را از او نقل می کنند.

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: ای محمد! گوش و چشمت را پیرامون برادرت تکذیب کن و اگر پنجاه سوگند خورنده نزد تو گواهی دهند و او سخن دیگری گوید سخن برادر خود را تصدیق و سخن آنان را تکذیب کن، و از او خبری را منتشر نکن که موجب زشتی او گردد و آبرویش را بریزد که اگر چنین کنی از کسانی خواهی بود که خداوند درباره‌ی آن‌ها فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ یعنی: همانا آنان کسانی هستند که دوست دارند بدی و زشتی را در مورد ایمان آورندگان رواج دهند، برای ایشان عذابی دردناک است.

۱۰۹۰- مختصر بصائر الدرجات ۱۱۷: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبئها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبئها سبعة وعشرين حرفاً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا به امروز غیر از دو حرف را نشناخته اند، وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف را بیرون می آورد و در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را به آن‌ها پیوند می دهد تا هر بیست و هفت حرف را انتشار دهد.

۱۰۹۱- مشکاه الأنوار ۳۳۰: عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): ما أحدث عبد أخاً في الله إلا أحدث له درجة في الجنة.

رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس برای خدا برادری بگیرد، خداوند برای او در بهشت درجه ای می دهد.

۱۰۹۲- الاختصاص ۲۲۹: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من أذاع فاحشه كان كمتدثها، ومن عير مؤمناً بشيء لم يمت حتى يرتكبه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس فاش کند عمل زشت دیگری را همچون کسی است که آن را آغاز کرده و هر کس مؤمنی را به چیزی سرزنش کند نمیرد تا دچار آن گردد.

۱۰۹۳- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن يونس بن عبد الرحمن يرفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان فيما أوصى به رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) علياً (عليه السلام):... يا علي! ثلاث من حقائق الإيمان: الإنفاق في الأقتار، وإنصاف الناس من نفسك، وبذل العلم للمتعلّم، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از جمله وصیت هایی که پیامبر خدا به علی (عليه السلام) کرد این بود: یا علی! سه چیز از حقایق ایمان است: انفاق در تنگدستی، و انصاف دادن به مردم، و بخشش علم به طالب آن.

۱۰۹۴- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) ۱/۱۵۶ ح ۱۳: حدّثنا جعفر بن محمّد الصادق (عليهما السلام) قال: كان عليّ بن الحسين (عليه السلام) لا يسافر إلاّ مع رفقه لا يعرفونه ويشترط عليهم أن يكون من خدم الرفقه فيما يحتاجون إليه فسافر مرّه مع قوم فرآه رجل فعرفه، فقال لهم: أتدرون من هذا؟ قالوا: لا، قال: هذا عليّ بن الحسين (عليه السلام) فوثبوا فقبلوا يده ورجله وقالوا: يا بن رسول الله! أردت أن تصلينا نار جهنّم لو بدرت منّا إليك يد أو لسان أما كنّا قد هلكنّا آخر الدهر فما الذي يحملك على هذا فقال: إنّي كنت قد سافرت مرّه مع قوم يعرفونني فأعطوني برسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ما لا أستحقّ، فإنّي أخاف أن تعطوني مثل ذلك، فصار كتمان أمرى أحبّ إليّ.

از جعفر بن محمّد صادق (عليهما السلام) مروی است که فرمودند: علی بن الحسین را طریقه این بود که سفر نمی کرد مگر با رفقائی که آن جناب را نمی شناختند و با ایشان شرط می کرد که خدمات آن ها را متحمّل شود و آن چه به آن محتاج شوند از زحمات خود به نفس نفیس مبارک مرتکب شود پس آن

جناب یک مرتبه را با قومی سفر کرد مردی او را دید و آن جناب را شناخت و به مردم گفت: آیا می دانید این کیست؟ گفتند: نمی دانیم.

گفت: این علی بن الحسین است پس به یک مرتبه برخاستند و دست و پای مبارکش را بوسیدند و عرض کردند: ای پسر رسول خدا! می خواهی ما را به آتش جهنم بریان کنی اگر دست ما به بی ادبی به تو دراز شود یا زبان ما به تو گشوده شود نزدیک است که ما در این آخر عمر هلاک شویم پس چه چیز تو را بر این مطلب واداشته است؟!

حضرت فرمودند: من یک زمانی با قومی سفر کردم که مرا می شناختند و به نوعی نسبت به رسول خدا با من رفتار کردند که من مستحق و سزاوار نبودم، می ترسم که با من به این نوع رفتار کنید پس از این جهت کتمان امر من دوست تر است به سوی من.

۱۰۹۵- الکافی ۳/۲۵۸ ح ۲۷: عن ابن أبي شيبه الزهري، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:....، وسئل رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) أي المؤمنين أكيس؟ فقال: أكثرهم ذكراً للموت وأشدّهم له استعداداً.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد کدام مؤمنین زیرک ترند؟ حضرت فرمودند: مؤمنینی که از همه بیشتر یاد مرگ می کنند و آمادگیشان از دیگران برای مرگ بیشتر است.

۱۰۹۶- الکافی ۵/۶۴ ح ۵: عن مفضل بن عمر قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): لا ينبغي للمؤمن أن يذل نفسه، قلت: بما يذل نفسه؟ قال: يدخل فيما يتعذر منه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: شایسته نیست مؤمن، خویش را ذلیل و خوار نماید. راوی سؤال می کند چگونه خود را ذلیل می کند؟

حضرت در جواب فرمودند: در امری مداخله می نماید که شایسته آن نیست و سرانجام باید از آن عذر بخواهد.

۱۰۹۷- المحاسن ۱/۱۷۷ ح ۱۶۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال لسدير: والذي بعث محمداً بالنبوة وعجل روحه إلى الجنة ما بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى سروراً أو تبين له الندامة والحسرة إلا أن يعاين ما قال الله (عز وجل) في كتابه: {عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ} (۱) وأتاه ملك الموت بقبض روحه فينادى روحه فتخرج من جسده فأما المؤمن فما يحس بخروجها وذلك قول الله (تبارك و تعالی): {يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي} (۲) ثم قال: ذلك لمن كان ورعاً مواسياً لإخوانه وصولاً لهم وإن كان غير ورع ولا وصول لإخوانه قيل له ما منعك من الورع والمواساة لإخوانك أنت ممن انتحل المحبة بلسانه ولم يصدق ذلك بفعل وإذا لقي رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأمير المؤمنين (عليه السلام) لقياهما معرضين مقطبين في وجهه غير شافعين له قال سدير: من جدع الله أنفه قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): فهو ذاك.

امام صادق (عليه السلام) به سدير فرمودند: قسم به آن که محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) را به پیغمبری فرستاده و شتابانه روحش را به بهشت برده، میان هر یک از شما با شادمانی یا پشیمانی و افسوس فاصله ای نباشد جز که به چشم خود ببیند آن چه را خدا در قرآنش فرموده: «از راست و از چپ نشسته ای باشد» و ملک الموت آید تا جانش را بگیرد، و روحش را فریاد دهد تا از تنش بدر آید، اما آن که مؤمن باشد خارج شدن روح را احساس نکند (یعنی برایش هیچ تلخی و ناگواری ندارد) برای این که خداوند می فرماید: (ای نفس اطمینان داده شده! به سوی پروردگارت برگرد در حالی که او از تو راضی است پس میان بندگانم برو و داخل بهشت شو)، و آن گاه فرمودند: این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی کند و به آنان خیر رساند.

و اگر ناپارسا است و خیر رسان به برادران خود نیست به او گفته شود چه چیز تو را بازداشت از پارسائی و همراهی کردن با برادرانت؟ تو از آن کسانی می باشی که به زبان اظهار دوستی کنند و با کردار، آن را پیاده نکنند، و چون برخورد کند با رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و امیر مؤمنان، از او رو گردانند و در

۱- ق، الآیه ۱۷.

۲- الفجر، الآیه ۲۷ - ۳۰.

روی او تُرش رو باشند و شفاعت او نکنند، سَدیر گفت: یعنی از کسانی است که خدا بینی آن ها را بریده (و به آن ها توجّهی ندارد)؟ آن حضرت فرمودند: آری همان است.

۱۰۹۸- بشاره المصطفی ۷۱ ح ۲: عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): ألا ومن أحبّ عليّاً هوّن الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضةً من رياض الجنّة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بدانید کسی که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خداوند سكرات و سختی های مرگ را بر او آسان می کند و قبر وی را باغی از باغ های بهشت می گرداند.

۱۰۹۹- الكافی ۲/۳۲۰ ح ۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تدلّه.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: چه زشت است برای مؤمن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار کند.

۱۱۰۰- الكافی ۳/۱۷۳ ح ۳: عن إسحاق بن عمّار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أول ما يتحف به المؤمن يغفر لمن تبع جنازته.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اوّل تحفه ای که به مؤمن در قبرش داده می شود (و باعث خشنودی خاطر او می شود) این است که به او خبر می دهند که گناهان کسانی که او را مشایعت کرده بودند بخشیده شد.

۱۱۰۱- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن يونس بن عبد الرحمن يرفعه إلى أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان فيما أوصى به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) عليّاً (عليه السلام):... يا عليّ! ثلاث من لم تكن فيه لم يقم له عمل: ورع يحجزه عن معاصي الله (عزوجل)، وخلق يدارى به الناس، وحلم يردّ به جهل الجاهل، والخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله وصیّت هایی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) کرد این بود: یا علی! سه چیز است که اگر در کسی نباشد عمل او استوار نمی گردد: ترس از خدا که او را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد، و اخلاقی که با آن با مردم مدارا کند، و بردباری که با آن جهل جاهل را تحمل کند.

۱۱۰۲- مشکاه الأنوار ۳۱۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: تبسم المؤمن في وجه المؤمن حسنه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: تبسم مؤمن در صورت مؤمن از حسنات است.

۱۱۰۳- الاختصاص ۲۴۲: إسماعيل بن جابر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: ما من مؤمن ضيِّع حقاً إلا أعطى في باطل مثليه، وما من مؤمن يمتنع من معونه أخيه المسلم والسعي له في حوائجه قضيت أو لم تقض إلا ابتلاه الله بالسعي في حاجه من يأثم عليه ولا يؤجر به، وما من عبد يخل بنفقه ينفقها فيما رضى الله إلا ابتلى أن ينفق أضعافاً فيما يسخط الله.

اسماعیل بن جابر از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که فرمودند: مؤمن حقی را ضایع نکند جز که دو برابرش به باطل افتد، و مؤمنی از کمک به برادر مسلمانش و کوشش در حوائج او سرباز نزند جز که خدایش گرفتار کند به کوشش در حاجت کسی که به گناه افتد و ثوابی نبرد، و مؤمنی نباشد که دریغ کند از نفقه ای در راه رضای خدا جز که گرفتار شود به نفقه، چند برابر در آن چه به خشم آرد خدا را.

۱۱۰۴- الکافی ۲/۳۵۶ ح ۳: عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من عيّر مؤمناً بذنوب لم يمت حتى يركبه.

ابو عبد الله صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس بندهی مؤمنی را به خاطر گناهی سرزنش کند، نمی میرد تا خود نیز به همان گناه دست بزند.

۱۱۰۵- الکافی ۲/۳۵۹ ح ۱: عن أبان بن عبد الملك، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: لا تبدى الشماته لأخيك فيرحمه الله ويصيرها بك، وقال: من شمت بمصيبة نزلت بأخيه لم يخرج من الدنيا حتى يفتتن.

آبان بن عبد الملك از امام صادق (عليه السلام) حدیث کند که آن حضرت فرمودند: در گرفتاری برادر دینی خود اظهار شادی و شماتت بر او مکن که خداوند به او ترحم کند و آن گرفتاری را به سوی تو بگرداند. و فرمودند: هر کس به مصیبتی که به برادرش رسیده شادکام شود از دنیا نرود تا خودش گرفتار آن شود.

۱۱۰۶- کتاب التمهیص ۳۸ ح ۳۴: عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: ما من شيعة أحد يقارف أمراً نهيناه عنه فيموت حتى يتلى بليته تمحص بها ذنوبه، إمّا في مال أو ولد وإمّا في نفسه حتى يلقي الله محبتاً وماله من ذنب، وإنه ليبقى عليه شيء من ذنوبه فيشدد عليه عند موته فيمحص ذنوبه.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: هيچ کدام از شيعيان ما مرتكب حرامی که از آن نهی نموده ایم نمی شوند مگر اين که به بلایي دچار می گردند که گناهانشان در آن پاک شود، و این بلا یا در مال است یا فرزند و یا در بدن تا این که خداوند را در حالی ملاقات کند که گناهی بر وی نباشد و چه بسا مقداری از گناهان باقی بمانند که در هنگام مرگ با سختی جان دادن پاک می شوند.

۱۱۰۷- کتاب التمهیص ۴۴ ح ۵۳: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا تزال الغموم والهموم بالمؤمن حتى لا تدع له ذنباً.

احمسی گوید: امام صادق (عليه السلام) فرمودند: غم و اندوه همواره بر مؤمن مستولی هستند تا گناهان او را بر طرف کنند.

۱۱۰۸- کتاب التمهیص ۴۴ ح ۵۴: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا يمضي على المؤمن أربعون ليلة إلا عرض له أمر يحزنه يذكره ربّه.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: بر مؤمن چهل شب نگذرد جز که پیشامدی اندوه بار بر او رخ دهد که پروردگارش را به یادش آورد.

۱۱۰۹- کتاب التمهیص ۴۵ ح ۵۸: عن المفصل قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): كلما ازداد العبد إيماناً ازداد ضيقاً في معيشته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر اندازه ایمان بنده زیاد شود، تنگی معیشتش افزایش می یابد.

۱۱۱۰- بحار الأنوار ۹۷/۱۲۱ ح ۲۶: عن الكاظم (عليه السلام):...، ومن قضى حاجه لأحد من أوليائنا فكأنما قضاها لجميعنا، الخبر.

امام کاظم (عليه السلام) فرمودند: هر کس حاجتی از دوستان ما را برآورده کند گویا حاجت ما اهل بیت را برآورده نموده است.

۱۱۱۱- تفسیر العیاشی ۲/۲۲۵ ح ۱۸: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إنَّ المؤمن إذا أخرج من بیته شیئته الملائکه إلى قبره یزدحمون علیه حتّی إذا انتهى به إلى قبره قالت له الأرض مرحباً بک وأهلاً أما واللّٰه لقد كنت أحبّ أن یمشی علیّ مثلک لتربّی ما أصنع بک فتوسّع له مدّ بصره ویدخل علیه فی قبره ملکاً القبر وهما قعیدا القبر منکر ونکیر فیلقیان فیہ الروح إلى حقویه فیقعدانه ویسألانه فیقولان له: من ربّیک؟ فیقول: اللّٰه، فیقولان: ما دینک؟ فیقول: الإسلام، فیقولان: ومن نبّیک؟ فیقول: محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم)، فیقولان: ومن إمامک؟ فیقول: علیّ قال: فینادی مناد من السماء: صدق عبدی افرشوا له فی قبره من الجنّه وافتحوا له فی قبره باباً إلى الجنّه وألبسوه من ثیاب الجنّه حتّی یأتینا وما عندنا خیر له ثمّ یقال له: نم نومہ عروس نم نومہ لا حلم فیها، قال: وإن کان کافراً خرجت الملائکه تشیعہ إلى قبره تلعنونه حتّی إذا انتهى به إلى قبره قالت له الأرض لا مرحباً بک ولا أهلاً أما واللّٰه لقد كنت أبغض أن یمشی علیّ مثلک لا جرم لتربّی ما أصنع بک الیوم فتضیق علیه حتّی تلتقی جوانحه قال: ثمّ یدخل علیه ملکاً القبر وهما قعیدا القبر منکر ونکیر.

قال أبو بصیر: جعلت فداک یدخلان علی المؤمن والکافر فی صورہ واحده؟ فقال: لا، قال: فیقعدانه ویلقیان فیہ الرّوح إلى حقویه فیقولان له: من ربّیک؟ فیتلجلج ویقول قد سمعت الناس یقولون فیقولان له لا- دریت ویقولان له: ما دینک؟ فیتلجلج فیقولان له لا- دریت ویقولان له: من نبّیک؟ فیقول: قد سمعت الناس یقولون فیقولان له: لا دریت ویسأل عن إمام زمانه قال: فینادی مناد من السماء کذب عبدی افرشوا له فی قبره من النار وألبسوه من ثیاب النار وافتحوا له باباً إلى النار حتّی یأتینا وما عندنا شرّ له فیضربه آنه بمرزبه ثلاث ضربات لیس منها ضربه إلاّ یتطایر قبره ناراً لو ضرب بتلک المرزبه جبال تهامه لکانت رمیماً.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی زمانی که مؤمن از خانه‌ی خویش جهت تشییع جنازه به سمت قبر برده می شود ملائکه با تعداد زیاد و شور فراوان او را مشایعت می کنند و زمین خطاب به او می گوید: مرحبا به تو که چنین اهلیت پیدا نمودی، آگاه باش به خدا قسم من در زمان حیات تو بسیار دوست می داشتم که همچون توئی بر من قدم نهد.

و چون در قبر داخل شود به اندازه‌ی وسعت دید گانش قبر او گسترانیده می شود و دو ملک به نام های نکیر و منکر نزد او آمده و او را می نشانند و از او سؤال می کنند که خدای تو چه کسی است؟ در جواب می گوید: اللّٰه، می گویند دین تو چیست؟ می گوید: اسلام، پس از او می پرسند پیامبر تو کیست؟ می گوید: محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) و می پرسند امام تو چه کسی است؟ می گوید:

علی (علیه السلام)، پس در این هنگام منادی از آسمان ندا می کند: بنده ام راست گفت، از فرش های بهشتی قبرش را فرش نمائید و دری از قبر به سوی بهشت برایش باز کنید و او را از لباس های بهشتی بپوشانید تا این که نزد ما آید، و آن چه که نزد ماست برای او بهتر است، سپس به او گفته می شود اکنون همچون عروسی که در حجله ی خویش می خوابد و خواب های پریشان نمی بیند، بیارام.

سپس حضرت فرمودند: و اَمَّا اِذَا رَأَىٰ اِنْ شَخْصًا كَافِرًا فَاصْبِرْ لَهُ حَتَّىٰ يَخْرُجَ مِنْ دَارِهِمْ وَنَزِمِ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا. و اما اگر این شخص کافر باشد ملائکه در حالی که او را لعن می کنند، تا قبر او را مشایعت می نمایند، و زمین نیز خطاب به او می گوید: مرحبائی بر تو نیست و اهلیت آن را نداری، بدان که زمانی که در دنیا همچون تویی بر روی من قدم می نهاد او را دشمن می داشتم، پس در این هنگام، قبر او را فشرده و بر او تنگ می گردد سپس نکیر و منکر نزد وی آمده و از وی سؤال می کنند.

ابا بصیر گفت: آیا نکیر و منکر به یک شکل بر مؤمن و کافر داخل می شوند؟ حضرت فرمودند: خیر.

پس آن دو او را می نشانند و از او می پرسند: خدای تو چه کسی است؟ زبانش به لُکنت اُفتاده و می گوید: از مردم چیزهائی می شنیدم، به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، و می پرسند: دینت چیست؟ باز زبانش به لُکنت اُفتاده و جوابی نمی دهد، پس به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، و نیز می پرسند: پیامبر تو کیست؟ می گوید: از مردم چیزهائی می شنیدم، پس به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، و نیز می پرسند: امام زمانت کیست؟ و او جوابی ندارد، پس منادی از آسمان ندا می کند: بنده ام دروغ می گوید، قبر او را از فرش های جهنم فرش کنید و از لباس های آن بر او بپوشانید و دربی به سوی آتش برایش بگشائید تا این که نزد ما آید و چیزی جز شرّ و بدبختی نزد ما برای او نیست، پس آن دو مَلَك با گُزری سه ضربه بر او می زنند که با هر ضربه ای

قبرش پر از آتش می گردد و شدت این ضربات به گونه ای است که اگر به کوه های مکه اصابت کند آن ها را همچون خاکستری نرم می نماید.

۱۱۱۲- کتاب التمهیص ۴۹ ح ۸۱: عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يقول الله (عزوجل): يا دنيا تمرّرى على عبدى المؤمن بأنواع البلاء وضيّقى عليه فى معيشته، ولا تحلولى فى ركن إيك.

جابر از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند می فرماید: ای دنیا! به بنده ی مؤمن من انواع گرفتاری ها را برسان و زندگی را بر او تنگ بگیر، و زندگی را برای او شیرین نکن تا به تو دل بستگی پیدا کند.

۱۱۱۳- الأمالی للصدوق ۵۹۰ ح ۱۴: قال عبد الله بينا نحن عند رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أنه تبسّم، فقلت: ما لك يا رسول الله! تبسّمت؟ قال: عجب من المؤمن وجزعه من السقم، ولو يعلم ما له فى السقم من الثواب لأحبّ أن لا يزال سقيماً حتى يلقى ربّه (عزوجل).

عبد الله بن مسعود می گوید: در این میان که نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم آن حضرت لبخندی زدند. عرض کردم: یا رسول الله! برای چه تبسم کردید؟ فرمودند: در عجب شدم از مؤمن و بی تابیش از بیماری، اگر می دانست در بیماری نزد خدا چه اجری دارد دوست داشت همیشه بیمار باشد تا خدا را ملاقات کند.

۱۱۱۴- الکافی ۲/۴۳۵ ح ۸: عن أبي عبيدة الحذاء قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: إنّ الله تعالى أشدّ فرحاً بتوبه عبده من رجل أضلّ راحلته وزاده فى ليله ظلماء فوجدها فالله أشدّ فرحاً بتوبه عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها.

ابو عبیده ی حدّاء گوید: شنیدم از حضرت باقر (علیه السلام) که می فرمودند: همانا خدای تعالی به توبه ی بنده ی خود فرحناک تر است از مردی که در شب تاری شتر و توشه ی خود را گم کند و آن ها را بیابد، پس خدا به توبه ی بنده اش از چنین مردی در آن حال که راحله ی گم شده را پیدا کند شادتر است.

۱۱۱۵- الکافی ۲/۴۳۰ ح ۱: عن معاویه بن وهب قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إذا تاب العبد توبه نصوحاً أحببه الله فستر عليه في الدنيا والآخرة، فقلت: وكيف يستر عليه؟ قال: ينسى ملكيه ما كتبنا عليه من الذنوب ويوحى إلى جوارحه: اکتمی علیه ذنوبه ویوحی إلی بقاع الأرض: اکتمی ما کان یعمل علیک من الذنوب، فیلقی الله حین یلقاه ولیس شیء یشهد علیه بشیء من الذنوب.

معاویه بن وهب می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: هرگاه بنده ای توبه کند و خالصاً توبه نماید خداوند متعال دوست دارد گناهان او را در دنیا و آخرت مخفی نگه دارد، راوی گوید: عرض کردم: چگونه مخفی نگه می دارد؟ فرمودند: فرشتگان او را فراموش می کنند که گناهانش را ثبت نمایند.

خداوند به اعضاء و جوارحش امر می کند که گناهان او را فاش نسازند و به مکان هائی که در آن مرتکب گناه شده است وحی می کند که شهادت ندهند، پس او در هنگام مرگ گناهی نخواهد داشت.

۱۱۱۶- کتاب المؤمن ۶۸ ح ۱۷۹: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أيما مؤمن سأل أخاه المؤمن حاجه، وهو يقدر على قضائها، فردّه بها، سلط الله عليه شجاعاً في قبره ينهش أصابعه.

ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد: هر مؤمنی که از برادر مؤمنش حاجتی بخواهد و او قدرت بر قضای آن را داشته باشد ولی آن را رد کند، خدای تعالی ماری را بر او بگمارد که انگشتانش را بگزد.

۱۱۱۷- المحاسن ۲/۴۱۲ ح ۱۵۵: عن هشام بن سالم، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) وهو يقول لرجل كان يأكل: أما علمت أنه يعرف حبّ الرجل أخاه بكثره أكله عنده.

امام صادق (علیه السلام) به مردی که داشت می خورد فرمودند: ندانی که دوستی هر کس به برادرش به این شناخته شود که نزد او بیشتر بخورد.

۱۱۱۸- مناقب آل أبي طالب ۳/۲۱۰: قال الحسين (عليه السلام): واللّه ما خلق الله شيئاً إلاّ وقد أمره بالطاعه لنا.

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم که خداوند هیچ چیزی را خلق نکرد مگر این که او را به اطاعت از ما امر نمود.

۱۱۱۹- الکافی ۴/۴۱ ح ۱۰: عن یاسر الخادم، عن أبی الحسن الرضا (علیه السلام) قال: السخی يأکل طعام الناس لیأکلوا من طعامه والبخیل لا يأکل من طعام الناس لئلا يأکلوا من طعامه.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سخی از غذای مردم می خورد تا از غذای او بخورند، بخیل آن است که از غذای کسی نمی خورد تا از غذای او نخورند.

۱۱۲۰- الکافی ۳/۲۴۱ ح ۱۵: قال أبو عبد الله (علیه السلام): یسأل المیت فی قبره عن خمس: عن صلاته و زکاته و حجّه و صیامه و ولایته إیانا أهل البیت، فتقول الولایه من جانب القبر للأربع: ما دخل فیکرّ من نقص فعلیّ تمامه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از روح میت در قبر از پنج چیز سؤال می شود: از نماز، زکات، حج، و روزه، و ولایت ما اهل بیت، پس ولایت از کنار قبر خطاب به نماز، زکات، حج و روزه می گوید: اگر کاستی در شما هست من آن را جبران می نمایم.

۱۱۲۱- الکافی ۲/۵۲۵ ح ۱۳: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: کان أبی (علیه السلام) یقول إذا أصبح: اللّهمّ إنی أعوذ بک من عذاب القبر و من ضغطه القبر و من ضیق القبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم امام باقر (علیه السلام) پیوسته در صبح گاهان چنین

می گفت: خدایا! من از عذاب قبر و فشار و تنگی آن به تو پناه می برم.

۱۱۲۲- الکافی ۳/۲۴۲ ح ۲: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إنّ للقبر کلاماً فی کلّ یوم یقول: أنا بیت الغربه، أنا بیت الوحشه، أنا بیت الدود، أنا القبر، أنا روضه من ریاض الجنّه أو حفرة من حفر النار.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بدرستی که برای قبر در هر روز گفتاری است که می گوید: من خانه‌ی غربت هستم، من خانه‌ی وحشت هستم، من خانه‌ی کرم‌ها هستم، من قبر هستم، من باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم هستم.

۱۱۲۳- الخصال ۲۷ ح ۹۵: عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: المؤمن أعظم حرمة من الکعبه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: احترام مؤمن بیشتر از کعبه است.

۱۱۲۴- بشاره المصطفی ۷۱ ح ۲: عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): ألا ومن أحبّ علياً هوّن الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضةً من رياض الجنّة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آگاه باشید هر کس علی را دوست بدارد خداوند سكرات و سختی های جان دادن را بر او آسان می نماید، و خانه‌ی قبر او را باغی از باغ های بهشت قرار می دهد.

۱۱۲۵- الکافی ۳/۲۴۳ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أما إنّه لا يبقى مؤمن في شرق الأرض وغربها إلا حشر الله روحه إلى وادي السلام، قلت له: وأين وادي السلام؟ قال: ظهر الكوفة، أما إنّي كأني بهم حلق قعود يتحدثون.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: آگاه باش! مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی نمی ماند مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می برد، پس به حضرت عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ حضرت فرمودند: پشت کوفه (متصل به نجف اشرف) است آگاه باش! گویا من با ایشانم (آنان را می بینم که) هر دسته حلقه وار، گرد یکدیگر نشسته اند و با هم سخن می گویند.

۱۱۲۶- بصائر الدرجات ۴۲۳ ح ۳: عن أبي عبد الله (عليه السلام): إنّ عدوّنا إذا توفّي صارت روحه إلى وادي برهوت، فأخذت في عذابه وأطعمت من زقومه وأسقيت من حميمه، فاستعيذوا بالله من ذلك الوادي.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چون دشمن ما بمیرد جانش به وادی «برهوت» منتقل می شود و در عذاب آن بماند، و از زقومش به او بخوراند و از آب جوشانش به کام او ریزند، پس از این وادی به خدا پناه برید.

۱۱۲۷- المحاسن ۲/۴۱۳ ح ۱۵۷: عن يونس بن يعقوب، قال: أكلت مع أبي عبد الله (عليه السلام) شواء، فجعل يلقي بين يدي ثم قال: إنّه يقال: اعتبر حبّ الرجل بأكله من طعام أخيه.

از یونس بن یعقوب نقل شده که گفت: با امام صادق (عليه السلام) کباب خوردم و آن حضرت نزد من کباب می گذاردند، سپس فرمودند: گفته اند: دوستی هر کس به خوردن او از طعام برادرش سنجیده شود.

۱۱۲۸- المحاسن ۱/۱۱۶ ح ۱۱۹: فی روایه بکر بن محمّد الأزدی، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، قال: إنَّ المؤمنَ لینیوی الذنبَ فیحرم رزقه.

بکر بن محمّد ازدی، از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: همین که مؤمن قصد گناه می کند، از روزی خود محروم می گردد.

۱۱۲۹- الکافی ۲/۱۲۴ ح ۱: عن أبی عبيده الحذاء، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: من أحبَّ لله وأبغض لله وأعطى لله فهو ممّن کمل إيمانه.

ابو عبيدهی حذاء گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس برای خدا دوستی کند، و برای او دشمنی نماید، از کسانی است که ایمانش کامل است.

۱۱۳۰- الکافی ۲/۱۲۷ ح ۱۵: عن صفوان الجمال، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: ما التقى مؤمنان قطّ إلا كان أفضلهما أشدهما حبّاً لأخيه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دو برادر مؤمن با هم برخورد می کنند بهترین آن ها کسی است که برادر دیگرش را بیشتر دوست داشته باشد.

۱۱۳۱- المحاسن ۱/۲۶۳ ح ۳۳۱: عن جابر الجعفی، عن أبی جعفر (علیه السلام) قال: إذا أردت أن تعلم أن فيك خيراً فانظر إلى قلبك فإن كان يحبّ أهل طاعة الله ويبغض أهل معصية الله، ففیک خیر والله يحبّک، وإن كان يبغض أهل طاعة الله ويحبّ أهل معصية الله، ففیک شرّ والله يبغضک، والمرء مع من أحبّ.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اگر خواستی که بدانی در تو خیری هست یا نه پس به قلبت نگاه کن اگر اهل طاعت خدا را دوست می داری و اهل معصیتش را دشمن، پس در تو خیر است و خدا تو را دوست می دارد؛ و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت او را دوست می داری پس در تو شرّ است و خدا تو را دشمن می دارد، و انسان با هر کس که او را دوست می دارد محشور می شود.

۱۱۳۲- مشارق أنوار الیقین ۲۶۹: فی خطبه لأمیر المؤمنین (علیه السلام): أنا صاحب الصراط.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای فرمودند: من صاحب پُل صراط هستم.

۱۱۳۳- عدّه الداعی ۱۷۳: عنهم (عليهم السلام) لا يكمل عبد حقيقه الايمان حتى يحبّ أخاه.

از ائمه اطهار (عليهم السلام) وارد شده است که فرمودند: بنده به حقیقت ایمان نمی رسد تا آن که برادرش را دوست بدارد.

۱۱۳۴- الکافی ۸/۳۶۵ ح ۵۵۶: عن أبي عبد الله (صلوات الله عليه) قال لشيئته: دياركم لكم جنة وقبوركم لكم جنة للجنة خلقتم وإلى الجنة تصيرون.

امام جعفر صادق (عليه السلام) به شیعیان خود فرمودند: سرزمین ها و قبرهایتان برای شما همچون بهشت است. شما برای بهشت آفریده شده اید و به سوی آن می روید.

۱۱۳۵- الاختصاص ۲۵۲: قال الرضا (صلوات الله عليه): إذا نزلت بكم شديده، فاستعينوا بنا على الله (عزوجل)، وهو قوله تعالى: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا} (۱).

امام رضا (عليه السلام) فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمودند: «برای خدای اسمهای نیکویی است پس او را به آن اسمها بخوانید».

۱۱۳۶- کامل الزیارات ۵۱۳: عن العسکری (عليه السلام) قال: اصرف عنّي بهم شرّ الدنيا والآخرة وأهوال يوم القيامة.

امام حسن عسکری (عليه السلام) فرمودند: خدایا! به خاطر ایشان (اهل بیت (عليهم السلام)) شرّ دنیا و آخرت و هول های روز قیامت را از من دفع نما.

۱۱۳۷- الأمالی للطوسی ۱۵۸ ح ۱۸: قال أبو عبد الله (عليه السلام): اعملوا قليلاً تنعموا كثيراً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: با اندکی اعمال نیکو در دنیا از نعمت های فراوان در آخرت استفاده کنید.

۱۱۳۸- الخصال ۳۲۳ ح ۹: عن الهيثم أبي كهمس، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ستّ خصال ينتفع بها المؤمن بعد موته: ولد صالح يستغفر له، ومصحف يقرء فيه، وقلب يحفره، وغرس يغرسه، وصدقه ماء يجريه، وسنه حسنه يؤخذ بها بعده.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: شش چیز است که مؤمن پس از مرگ هم از آن ها بهره مند می شود: فرزند شایسته ای که برای پدر آموزش بطلبد، و قرآنی که از آن او باشد و مورد استفاده قرار گیرد، و چاه آبی که می کند، و درختی که می نشاند، و چشمه ای آبی که در راه خدا جاری می کند، و رویه ای نیکی که از او به یادگار مانده و دیگران از او اتخاذ می کنند.

۱۱۳۹- الأمالی للطوسی ۵۲۷: عن أبي ذرّ في حديث وصيّه رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، يا أبا ذرّ! إنّ المؤمن ليري ذنبه كأنه تحت صخره يخاف أن تقع عليه، والكافر يري ذنبه كأنه ذباب مرّ على أنفه. يا أبا ذرّ! إنّ الله إذا أراد بعبد خيراً جعل الذنوب بين عينيه ممثله. يا أبا ذرّ! لا تنظر إلى صغر الخطيئه ولكن انظر إلى من عصيت.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در وصیّتی به اباذر فرمودند: ای ابا ذر! همانا مؤمن کیفر گناهش را می بیند گویا او زیر سنگی است که می ترسد بر سرش فرود آید و همانا کافر گناهش را می بیند گویا مگسی است بر بینی او می گذرد.

ای ابا ذر! هرگاه خدای تعالی به بنده ای اراده ای نیکی دارد گناه او را پیش دیدگانش مجسم می کند و گناه کردن برای او سنگین و مشکل است و هرگاه به بنده ای اراده ای بدی دارد گناهش را از خاطرش می برد.

ای ابا ذر! به کوچکی گناه نگاه مکن و لکن نگاه کن بین نافرمانی چه کسی را میکنی.

۱۱۴۰- الاختصاص ۳۲: قال الصادق (عليه السلام):...، من أطلع من مؤمن على ذنب أو سيئه فأفشى ذلك عليه ولم يكتمها ولم يستغفر الله له كان عند الله كعاملها وعليه وزر ذلك الذي أفشاه عليه وكان مغفوراً لعاملها، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر کس بر گناه و بدی مؤمنی مطلع گردد و آن را افشا نماید و از خدا طلب استغفار نکند، همانند کسی است که گناه را انجام

داده است و گناه افشاء گناه نیز بر آن افزوده می شود و خداوند انجام دهنده‌ی آن گناه را می آمرزد.

۱۱۴۱- من لا يحضره الفقيه ۴/۳۶۳: في وصية النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) لعليّ (عليه السلام):...، يا عليّ! الدنيا سجن المؤمن وجنّ الكافر. يا عليّ! موت الفجاء راحة للمؤمن، وحسره للكافر. يا عليّ! أوحى الله (تبارك و تعالی) إلى الدنيا اخدمی من خدمنی، وأتعبی من خدمك. يا عليّ! إنّ الدنيا لو عدلت عند الله (تبارك و تعالی) جناح بعوضه لما سقى الكافر منها شربه من ماء. يا عليّ! ما أحد من الأولين والآخرين إلا وهو يتمنى يوم القيامة أنه لم يعط من الدنيا إلا قوتاً، الخبر.

رسول خدا در وصیّتی به علیّ (علیه السلام) فرمودند: یا علی: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

یا علی: مرگ ناگهانی برای مؤمن راحت و برای کافر حسرت است.

یا علی: خدای (تبارک و تعالی) به دنیا وحی کرد که هر کس مرا خدمت کند او را خدمت کن، و هر کس تو را خدمت کند خسته و رنجورش ساز.

یا علی: دنیا اگر نزد خدای (تبارک و تعالی) برابر با بال پشه ای ارزش می داشت، هر آینه شربت آبی از آن را به کافر نمی نوشاند.

یا علی: هیچ فردی از اقوام نخستین و مردم عصر واپسین وجود ندارد یعنی از گذشتگان و آیندگان نباشد مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش جز قوتی از این دنیا به او داده نشده بود.

۱۱۴۲- الکافی ۲/۳۶۰ ح ۵: عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: ما شهد رجل علي رجل بكفر قطّ إلا بآء به أحدهما، إن كان شهد به علي كافر صدق وإن كان مؤمناً رجع الكفر عليه، فإياكم والطعن على المؤمنين.

حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ گاه مردی به کفر مرد دیگر گواهی ندهد (مثل این که بگوید: تو کافری، یا بگوید: ای کافر) جز این که به یکی از آن دو برگردد، اگر به کفر کافری گواهی داده (یعنی طرفش واقعاً کافر بوده) که راست گفته، و اگر مؤمن است کفر به خودش برگردد، پس مبادا به مؤمنی طعن زنید.

۱۱۴۳- تهذيب الأحكام ۶/۵۲ ح ۳۷: روى عن أبى محمّد الحسن العسكرى (عليه السلام) أنّه قال: علامات المؤمن خمس: صلاه الخمسين، وزياره الأربعين، والتختم فى اليمين، وتعفير الجبين، والجهر بسم الله الرحمن الرحيم.

امام حسن عسکری (عليه السلام) فرمودند: پنج چیز از نشانه های مؤمن است. گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله، و زیارت اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و پیشانی بر خاک ساییدن، و بلند گفتن: <بسم الله الرحمن الرحيم>.

۱۱۴۴- المحاسن ۲/۳۲۸ ح ۸۵: عن أبى عبد الله (عليه السلام): قلت له: بأى شىء علم المؤمن أنّه مؤمن؟ قال: بالتسليم لله والرضى بما ورد عليه من سرور وسخط.

به امام صادق (عليه السلام) گفتم: به چه چیز مؤمن می فهمد که مؤمن است؟ فرمودند: به تسلیم خدا بودن و رضایت به آن چه که باعث سرور و خشم است.

۱۱۴۵- الأمالی للطوسی ۶۲۹ ح ۸: عن عليّ (عليهم السلام)، عن النبيّ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: يعير الله (عزوجل) عبداً من عباده يوم القيامة، فيقول: عبدي! ما منعك إذ مرضت أن تعودني؟ فيقول: سبحانك، أنت ربّ العباد لا تألم ولا تمرض! فيقول: مرض أخوك المؤمن فلم تعده، وعزّتي وجلالى لو عدته لوجدتني عنده، ثم لتكلّف بحوائجك فقضيتها لك، وذلك من كرامه عبدي المؤمن، وأنا الرحمن الرحيم.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: پیغمبر (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: روز رستاخیز خدا یک بندهی خود را سرزنش کند که چه تو را باز داشت که من بیمار شدم و مرا عیادت نکردی؟ گوید: منزهی، تو پروردگار بنده هائی نه درد گیری و نه بیماری، فرماید: برادر مؤمن بیمار شد و او را عیادت نکردی، به عزّت و جلالم سوگند اگر عیادت کرده بودی مرا در بر او می یافتی و من نیازهایت را کفایت می کردم و همه را بر می آوردم برای احترام بندهی مؤمنم، و من بخشنده و مهربانم.

۱۱۴۶- الخصال ۱۶۱ ح ۲۱۰: عن زراره بن أعين، عن أبى جعفر (عليه السلام) قال: لهو المؤمن فى ثلاثه أشياء: التمتع بالنساء ومفاكهه الأخوان والصلاه بالليل.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: سرگرمی مؤمن در سه چیز است بهره برداری از زنان و مزاح کردن با برادران و نماز شب.

۱۱۴۷- الکافی ۲/۱۳۷ ح ۲: عن أبي حمزه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال الله (عزوجل): وعزّتي وجلالي وعظمتي وبهائي وعلوّ ارتفاعي لا- يؤثر عبد مؤمن هواي على هواه في شيء من أمر الدنيا إلا- جعلت غناه في نفسه وهمته في آخرته وضمنت السماوات والأرض رزقه وكنت له من وراء تجاره كلّ تاجر.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: خدای (عزوجل) فرماید: به عزّت و جلال و شرف و بلندی مقامم سوگند که: هیچ بنده‌ی مؤمنی خواست مرا بر خواست خود در یکی از امور دنیا برنگزیند، جز آن که بی نیازیش را در وجود خودش قرار دهم و همّتش را متوجّه آخرت سازم و آسمان‌ها و زمین را عهده دار روزیش گردانم، و خودم برایش پشت سر، تجارت هر تاجری باشم.

۱۱۴۸- کتاب التمیص ۵۷ ح ۱۱۴: عن سعيد به الحسن قال: قال أبو جعفر (عليه السلام): ما أبالي أصبحت فقيراً أو مريضاً أو غنياً، لأنّ الله يقول: لا أفعل بالمؤمن إلا ما هو خير له.

حضرت باقر (عليه السلام) فرمودند: برای من هیچ فرقی نمی‌کند و هیچ گونه تفاوتی ندارد که فقیر و تهی دست باشم و یا غنی و ثروت مند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: من آن چه که درباره‌ی مؤمن انجام دهم همانا خیر او در آن است.

۱۱۴۹- الکافی ۳/۱۲۰ ح ۴: عن رجل من أصحابه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: أيما مؤمن عاد مؤمناً في الله (عزوجل) في مرضه وكلّ الله به ملكاً من العوادم يعود في قبره ويستغفر له إلى يوم القيامة.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: هر مؤمنی که برای خدا به عیادت مؤمنی برود خداوند مَلَکی را از ملائکه‌ی عیادت کننده مَوکل می‌کند که در قبر به عیادت او بیاید و تا روز قیامت برای او استغفار کند.

۱۱۵۰- الکافی ۲/۷۱ ح ۱۱: عن الحسن بن أبي ساره قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: لا يكون المؤمن مؤمناً حتى يكون خائفاً راجياً، ولا يكون خائفاً راجياً حتى يكون عاملاً لما يخاف ويرجو.

امام صادق (عليه السلام) می‌فرمودند: مؤمن، مؤمن نباشد تا آن که ترسان و امیدوار باشد، و ترسان و امیدوار نباشد تا برای آن چه می‌ترسد و امیدوار است عمل کند.

۱۱۵۱- علل الشرائع ۲/۵۵۸: عن الصادق، عن أبيه (عليهما السلام) قال:.... المؤمن أشدّ في دينه من الجبال الراسية، وذلك أنّ الجبل قد ينحّت منه، والمؤمن لا يقدر أحد على أن ينحّت من دينه شيئاً وذلك لضنّه بدينه وشحّه عليه.

امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارشان نقل فرمودند: مؤمن در دینش از کوه های سر به فلک کشیده و استوار، محکم تر است؛ و کوه گاهی تراشیده می شود ولی کسی را توان تراشیدن دین مؤمن نیست و این به خاطر توجه و بخل مؤمن به دینش می باشد.

۱۱۵۲- الکافی ۳/۱۳۶ ح ۳: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: حضر رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) رجلاً من الأنصار وكانت له حاله حسنه عند رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، فحضره عند موته فنظر إلى ملك الموت عند رأسه، فقال له رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ارفق بصاحبي فإنه مؤمن، فقال له ملك الموت: يا محمد! طب نفساً وقرّ عيناً فإنّي بكلّ مؤمن رقيق شفيق.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر بالین مردی از انصار که حالت نیکو و خوبی هم داشت حاضر گردیدند و نگاه می کردند به عزرائیل که بالای سر او ایستاده بود، پس آن حضرت فرمودند: ای ملک الموت! به یار من آسان گیر؛ چرا که او مردی با ایمان است. عزرائیل گفت: ای محمد! خوش دل و چشم روشن باش که چنین کنم و من با هر مؤمنی مدارا کرده و دل سوز او هستم.

۱۱۵۳- الخرائج والجرائع ۱/۲۹۵ ح ۲: قال الصادق (عليه السلام): يا ملك الموت! قال: لبيك أيها الإمام! قال: ألت أمرت بالسمع والطاعة لنا؟ قال: بلى.

امام صادق (علیه السلام) به عزرائیل فرمودند: ای ملک الموت! جواب داد: لیبیک، فرمودند: آیا تو مأمور به اطاعت از ما نیستی؟ گفت: چرا هستم.

۱۱۵۴- مناقب آل أبي طالب ۳/۴۱۱: عن موسى بن جعفر (عليهما السلام) قال: إني ومن يجري مجرای من الأئمة لا بدّ لنا من حضور جنازكم في أيّ بلد كنتم فاتقوا الله في أنفسكم.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بر من و سایر امامان در هر زمان لازم است که بر جنازه ی شما در هر کجا که باشید حاضر شویم، پس تقوای الهی را پیشه ی سازید.

۱۱۵۵- ینابیع المعاجز ۱۱۸: قال علی بن الحسین (علیه السلام): بنا نفعکم الله فی حیاتکم و فی قبورکم.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر ما به زندگانی شما در دنیا و عالم قبر منفعت می بخشد.

۱۱۵۶- من لا یحضره الفقیه ۱/۵۶۸ ح ۱۵۷۲: قال الصادق (علیه السلام): المؤمن معقب ما دام علی وضوء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمن مادامی که وضو دارد، در حال انجام تعقیبات نماز محسوب می شود و اجر دارد.

۱۱۵۷- الکافی ۲/۲۴۱ ح ۳۸: عن إسحاق بن عمّار، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: المؤمن حسن المعونه، خفیف المؤمنه، جید التدبیر لمعیشته، لا یلسع من جحر مرّتين.

ابو عبد الله صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمن، یآوری خوب و کم خرج است. با تدبیر و مطالعه معیشت خود را تنظیم می کند. دو بار، از یک سوراخ گزیده نمی شود.

۱۱۵۸- الأمالی للصدوق ۹۲ ح ۶: عن عبد الله بن وهب، عن الصادق جعفر بن محمّد (علیه السلام)، قال: حسب المؤمن من الله نصره أن یری عدوّه یعمل بمعاصی الله (عزوجل).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: برای یاری مؤمن از طرف خدا همین بس که ببیند دشمنش خدا را نافرمانی می کند.

۱۱۵۹- الأمالی للطوسی ۴۵۴ ح ۲۱: عن محمّد بن مسلم، عن جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن جدّه، عن الحسین بن علیؑ، عن علی (علیه السلام)، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): النظر إلى العالم عباده، والنظر إلى الإمام المقسط عباده، والنظر إلى الوالدین برأفه ورحمه عباده، والنظر إلى أخ توّده فی الله (عزوجل) عباده.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نگاه به عالم عبادت است، نگاه به امام عادل عبادت است، نگاه به مهرورزی به والدین عبادت است، نگاه به برادر دینی به خاطر دوستی در راه خدا عبادت است.

۱۱۶۰- الکافی ۲/۳۶۴ ح ۲: عن شعيب العرقوفی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليوف إذا وعد.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد وفا کند.

۱۱۶۱- الکافی ۲/۱۰۵ ح ۷: عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إنما سمى إسماعيل صادق الوعد؛ لأنه وعد رجلاً في مكان فانتظره في ذلك المكان سنة فسماه الله (عزوجل) صادق الوعد، ثم قال: إن الرجل أتاه بعد ذلك فقال له إسماعيل: ما زلت منتظراً لك.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: همانا اسماعیل، صادق الوعد نامیده شد بدین جهت که با مردی در جائی وعده گذاشت و او یک سال در آنجا انتظار او را می کشید، از این رو خدای (عزوجل) او را صادق الوعد نامید، سپس آن مرد آمد و اسماعیل به او گفت: من همواره در انتظار تو بودم.

۱۱۶۲- الخصال ۱۸۳ ح ۲۵۱: عن محمد بن حرمان، عن أبيه، عن أبي جعفر الباقر (عليهما السلام) أنه قال: ما من مؤمنين اهتجرا فوق ثلاث إلا- وبرئت منهما في الثالثة، فليل له: يا بن رسول الله! هذا حال الظالم فما بال المظلوم؟ فقال (عليه السلام): ما بال المظلوم لا يصير إلى الظالم فيقول: أنا الظالم حتى يصطالحا.

محمد بن حرمان از پدرش و او از امام باقر (عليه السلام) نقل می کند که فرمودند: نیست دو نفر مؤمن که بیش از سه روز از هم قهر باشند مگر این که من در روز سوم، از هر دو نفر آن ها بیزارم، گفته شد: یا بن رسول الله این حال ستمگر است، ستمدیده چه گناهی دارد؟ فرمودند: چرا ستمدیده به سوی ستمگر نمی رود که بگوید من ستمگر بودم تا آشتی کنند.

۱۱۶۳- المحاضر ۲۷۶ ح ۳۶۵: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم)...، قال الله: إني آليت على نفسي قسمًا حقًا أن لا أخيب لهم آملاً ولا أرد بهم سائلاً، الخبير.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: خدای تعالی می فرماید: من بر خودم قسم حقی خورده ام که هیچ امید دارنده‌ی به ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) را نا امید نکنم و هیچ درخواست کننده‌ی به ایشان را رد ننمایم.

۱۱۶۴- مائه منقبه ۱۲۶ ح ۶۱: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): يا سلمان! من أحب فاطمه ابنتي فهو في الجنة معي ومن أبغضها فهو في النار، يا سلمان! حب فاطمه ينفع في مائه موطن أيسر تلک المواطن: الموت والقبر والميزان والمحشر والصراط والمحاسبه.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به سلمان فرمودند: ای سلمان! هر کس فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من است، و هر کس او را دشمن بدارد در آتش است.

ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جا فایده دارد که آسان ترین آن مکان ها هنگام مُردن، قبر، میزان، بیرون آمدن از قبر، عبور از پُل صراط و محاسبه‌ی اعمال است.

۱۱۶۵- تفسیر فرات الکوفی ۵۸: عن ابن عباس قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، وما من عبد مكروب يخلص اليه يدعو بهن إلا استجاب الله له.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: هیچ بنده‌ی محزون و گرفتاری نیست که با نیت خالص خدا را به ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) بخواند مگر این که خداوند دعای او را استجابت کند.

۱۱۶۶- من لا- يحضره الفقيه ۱/۳۲۸ ح ۹۶۳: قال زراره: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: الدعاء بعد الفريضة أفضل من الصلاة تنفلاً وبذلك جرت السنّه.

از زراره مروی است که گفت: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: دعا خواندن در تعقیب نماز واجب بهتر و با فضیلت تر از نماز نافله است، و سنت بر این منوال جاری است.

۱۱۶۷- تفسیر فرات الکوفی ۳۴۸ ح ۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعليّ (عليه السلام): يا عليّ! أبشر وبشر فليس عليّ شيعتك حسره عند الموت ولا وحشه في القبور ولا حزن يوم النّشور.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای علی! بر تو بشارت باد و بشارت ده که بر شیعه‌ی تو هنگام مرگ، حسرت و ندامتی نیست، و وحشت و هراسی در قبرهایشان نیست، و حزن و اندوهی در روز رستاخیز ندارند.

۱۱۶۸- من لا- يحضره الفقيه ۱/۳۳۲ ح ۹۷۳: سأل سعد بن سعد الرضا (عليه السلام) عن سجده الشكر فقال: أرى أصحابنا يسجدون بعد الفريضة سجده واحده ويقولون هي سجده الشكر، فقال: إنما الشكر إذا أنعم الله على عبده أن يقول: {سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ} (۱) والحمد لله رب العالمين.

سعد بن سعد اشعری از حضرت رضا (علیه السلام) در مورد سجده‌ی شکر پرسید و گفت: می بینم هم کیشان ما پس از نماز واجب یک سجده بجا می آورند و می گویند آن سجده‌ی شکر است، فرمودند: جز این نیست که شکر آن است که هرگاه خداوند به بنده اش نعمتی عطا فرمود بگوید: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (منزه است آن کس که این را برای ما مسخر و مطیع ساخت و ما توان آن نداشتیم که با او مقاومت کنیم و ما به سوی پروردگارمان بازگشت کننده ایم و ستایش مخصوص معبودی است که پروردگار عالمیان است).

۱۱۶۹- كفايه الأثر ۱۹۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): من أحسن فيما بقى من عمره غفر الله لما مضى وما بقى، ومن أساء فيما بقى من عمره أخذ فيما مضى وفيما بقى، الخبر.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس در باقیمانده‌ی عمرش نیکی کند خداوند گذشته و آینده‌ی او را می آمرزد، و هر کس در باقیمانده‌ی عمرش بدی کند خداوند گذشته و آینده‌ی او را مورد مؤاخذه و سؤال و جواب قرار می دهد.

۱۱۷۰- معانی الأخبار ۳۳۵: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):...، انظر إلى من هو تحتك ولا تنظر إلى من هو فوقك فإنه أجدر أن لا تزدرى نعمه الله عليك، الخبر.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به پایین دست خویش بنگر و به بالاتر از خود نگاه مکن؛ چرا که این موضوع باعث می شود که نعمت های خدا را بر خود کوچک شماری.

۱۱۷۱- نواب الدهور ۱/۳۵: قال الباقر (عليه السلام): الناس كلهم بهائم إلا المؤمن والمؤمن قليل والمؤمن قليل.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: مردم همگی چهارپایانند مگر مؤمن، و مؤمن کم است و مؤمن کم است.

۱۱۷۲- بصائر الدرجات ۲۸۵ ح ۱۵: عن زيد الشحام قال: دخلت على أبي عبد الله (عليه السلام) فقال:....، والله لأننا أرحم بكم منكم به أنفسكم، الخير.

زيد شحام می گوید: روزی بر امام صادق (عليه السلام) داخل شدم؛ پس آن حضرت فرمودند: به خدا قسم همانا ما اهل بیت از شما به خودتان مهربان تریم.

۱۱۷۳- الأملی للصدوق ۴۱۴ ح ۹: عن عبد الرحمن بن أبي ليلى، عن أبيه، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا يؤمن عبد حتى أكون أحب إليه من نفسه، وأهلي أحب إليه من أهله، وعترتي أحب إليه من عترته، وذاتي أحب إليه من ذاته.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بنده ای مؤمن نیست جز آن که مرا بیش از خود دوست دارد و خاندان مرا بیش از خاندان خودش دوست دارد و جان مرا بیش از جانش دوست دارد.

۱۱۷۴- مكارم الأخلاق ۲۷۰: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): سلوا لله (عزوجل) ما بدا لكم من حوائجكم حتى شسع النعل، فإنه إن لم ييسره لم ييسر.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: نیازمندی های خود حتی بند کفش را از خدا بخواهید که اگر خداوند آن ها را برآورده نکند، هرگز بر آورده نخواهد شد.

۱۱۷۵- الاختصاص ۲۲۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) في وصيته لمحمد بن الحنفية: واعلم أن اللسان كلب عقور؛ إن خليتة عقور، ورب كلمة سلبت نعمه، فاحزن لسانك كما تحزن ذهبك وورقك.

امیر المؤمنین (عليه السلام) در وصیتی به محمد بن حنفیه فرمودند: بدان که زبان همچون سگ هار است اگر او را رها کنی تو را می گیرد، و چه بسیار سخنی که نعمتی را به باد می دهد، پس زبان خویش را مخفی نما هم چنان که طلا و نقره ات را مخفی می نمایی.

۱۱۷۶- الکافی ۱/۱۷ ح ۱۳: عن هشام بن الحكم قال: قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام):...، يا هشام! من سلط ثلاثاً على ثلاث فكأئماً أعان على هدم عقله: من أظلم نور تفكره بطول أمله، ومحا طرائف حكمته بفضول كلامه، وأطفأ نور عبرته بشهوات نفسه، فكأئماً أعان هواه على هدم عقله، ومن هدم عقله، أفسد عليه دينه وديناه، الخبر.

امام کاظم (علیه السلام) به هشام بن حکم فرمودند: ای هشام! هر کس سه چیز را بر سه چیز مسلط کند گویا هوای نفسش را بر از بین بردن عقلش کمک کرده است: کسی که نور تفکرش را با طول آرزو تاریک کند؛ و کسی که تازه های حکمتش را با سخنان بیهوده محو کند، و کسی که نور عبرتش را با شهوات نفسش خاموش کند، پس گویا هوای نفسش را بر انهدام عقلش یاری نموده است.

۱۱۷۷- مصباح الشریعه ۸۰: قال الصادق (علیه السلام):...، وأما المهمل لأوقاته فهو صيد الشيطان لا محاله، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آن کسی که اوقاتش را به بطالت می گذراند لاجرم در دام شیطان گرفتار می شود.

۱۱۷۸- الأمالی للصدوق ۶۵۶ ح ۲: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلي (عليه السلام): يا علي! إنَّ محبيك يفرحون في ثلاثه مواطن: عند خروج أنفسهم وأنت هناك تشهدهم، وعند المساء له في القبور وأنت هناك تلقنهم، وعند العرض على الله وأنت هناك تعرفهم.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! محبین تو در سه جا شادمانند، هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنانیم، موقع سؤال و جواب در قبر و عرضه ای اعمال، و وقت گذشتن از پیل صراط، همان زمانی که از ایمان مردم پرسش می کنند و آنان پاسخی نمی دهند.

۱۱۷۹- الأمالی للصدوق ص ۱۲۱ ح ۱۰: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام): من كُنَّا شفاعؤه نجا ولو كان عليه مثل وزر الثقلين الجنّ والإنس.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس که ما شفیعان او باشیم نجات پیدا خواهد کرد اگرچه گناهان او به اندازه ی گناهان جنّ و انس باشد.

۱۱۸۰- كفايه الأثر ۲۵۲: قال الباقر (عليه السلام):...، يا عبد الله! إنني لست آمرک بترك الدنيا بل آمرک بترك الذنوب، فترك الدنيا فضيله و ترك الذنوب فريضه، وأنت إلى إقامه الفريضه أحوج منك إلى اكتساب الفضيله.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: ای بندهی خدا! به درستی که من تو را به ترک دنیا امر نمی کنم بلکه تو را به ترک گناهان امر می نمایم؛ چرا که ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فريضه و تو به احیاء و اقامه‌ی فريضه محتاج تری تا کسب فضیلت.

۱۱۸۱- معانی الأخبار ۳۹۹ ح ۵۶: عند مسعده بن زیاد، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه (عليهما السلام) أن النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: من أطاع الله فقد ذكر الله وإن قلت صلاته وصيامه وتلاوته ومن عصى الله فقد نسى الله وإن كثرت صلاته وصيامه وتلاوته للقرآن.

مسعده بن زیاد از امام صادق از پدرش (عليهما السلام) روایت نموده: که پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: کسی که خدا را اطاعت کند خدا را بیاد داشته، اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد، و آن کس که خدا را نافرمانی کند، خدا را فراموش نموده، اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد.

۱۱۸۲- الأمالی للطوسی ۲۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام):...، عليكم بتقوى الله، فإنها تجمع الخير ولا خير غيرها، ويدرك بها من الخير ما لا يدرك غيرها من خير الدنيا وخير الآخرة، الخير.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: بر شما باد به تقوای الهی؛ چرا که در تقوای همه‌ی خیرها جمع است و هیچ خیری غیر از تقوا نیست، و به وسیله‌ی تقوا خیری درک می شود که هیچ خیر دنیا و آخرتی بدون آن درک نمی شود.

۱۱۸۳- الأمالی للصدوق ۳۴۴ ح ۴: عن طلحة بن زيد، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): كثره المزاح تذهب بماء الوجه، وكثره الضحك تمحو الإيمان، وكثره الكذب تذهب بالبهاء.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: شوخی بسیار آبرو را می برد و خنده‌ی بسیار ایمان را نابود می کند و دروغ خرمی را بر می اندازد.

۱۱۸۴- الکافی ۳/۲۴۲ ح ۳: عن عمرو بن یزید قال: قلت لأبی عبد الله (علیه السلام): إني سمعتك وأنت تقول: كل شيعتنا في الجنة على ما كان فيهم، قال: صدقتك كلهم والله في الجنة، قال: قلت: جعلت فداك إن الذنوب كثيرة كبار فقال: أما في القيامة فكلكم في الجنة بشفاعه النبي المطاع أو وصي النبي ولكني والله أتخوف عليكم في البرزخ، قلت: وما البرزخ؟ قال: القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة.

عمرو بن یزید می گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: همانا من از شما شنیدم که می فرمودید: تمامی شیعیان ما با همه ی گناهانی که دارند به بهشت می روند! حضرت فرمودند: آری چنین است به خدا قسم همه ی آن ها به بهشت می روند عرض کردم: جانم فدایت باد، همانا گناهان کبیره ی شیعیان شما بسیار زیاد است، پس آن حضرت فرمودند: بدان که در قیامت همه ی شما به شفاعت پیامبر و وصی او به بهشت می روید ولی به خدا قسم من از برزخ شما بر شما هراسان و بیمناکم. گفتم: برزخ چیست؟ حضرت فرمودند: از زمانی که مُرده می میرد و او را در قبر می گذارند تا روز قیامت، دوران برزخ او می باشد.

۱۱۸۵- معانی الأخبار ۴۰۸ ح ۸۷: حدّثني زيد الشحام، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: النعيم في الدنيا الأمان، وصحة الجسم، وتمام النعمة في الآخرة دخول الجنة. وما تمت النعمة على عبد قطّ لم يدخل الجنة.

زید شحام از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمودند: نعمت در دنیا امتیّت و سلامت جسم است، و تمام نعمت در آخرت، ورود به بهشت است، و هرگز هیچ نعمتی بر بنده ای کامل نگردد تا داخل بهشت شود.

۱۱۸۶- الأمالی للصدوق ۳۹۸ ح ۷ و ۸: عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهما السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قال الله جل جلاله: يا بن آدم! أظعني فيما أمرتك، ولا تعلمني ما يصلحك، يا بن آدم! اذكرني بعد الغداه ساعه وبعد العصر ساعه أكفك ما أهّمك.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای جلّ جلاله فرماید: ای پسر آدم! در آن چه به تو فرمودم فرمانم ببر و صلاح خود را به من نیاموز، ای پسر آدم! یک ساعت در صبح مرا یاد کن و یک ساعت پس از عصر تا آن چه برایت مهم است را کفایت کنم.

۱۱۸۷- الاختصاص ۲۳۱: قال الصادق (عليه السلام): استمعوا مني كلاماً هو خير من الدراهم المدقوقة: لا تكلمن بما لا يعنيك، ودع كثيراً من الكلام فيما يعنيك حتى تجد له موضعاً، فربّ متكلّم بحقّ في غير موضعه فغنت، الخبر.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: از من سخنی بشنوید که آن از درهم های خوب بهتر است: از سخنی که به حالت فایده ندارد بهره‌یز و بسیاری از سخنان مفید را هم رها کن تا موقعی که مورد مناسب و بجائی بدست آوری، چه بسا گوینده‌ی حق که در غیر مورد سخن گفته و در نتیجه به زحمت و مشقت افتاده.

۱۱۸۸- مصباح الشریعه ۱۷۱: قال الصادق (عليه السلام) ذكر الموت يميت الشهوات في النفس ويقطع منابت الغفلة ويقوى القلب بمواعيد الله ويرقّ الطبع ويكسر أعلام الهوى ويطفىئ نار الحرص ويحقّر الدنيا وهو معنى ما قال النبيّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فكر ساعه خير من عباده سنه، الخبر.

حضرت صادق (عليه السلام) فرموده است: یاد کردن مرگ شهوات و تمایلات نفسانی را از قلب آدمی نابود کرده، و ریشه های غفلت را از دل کنده، و قلب را به وعده های الهی تقویت نموده، و طبیعت و فطرت انسانی را لطیف و نرم کرده، و نشانه های هوی و هوس را می شکند، و آتش حرص و طمع را خاموش کرده، و دنیا و زندگی دنیوی را در نظر انسان کوچک و خوار می کند. و این معنی است که رسول اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) در نظر گرفته است، و می فرماید: تفکر یک ساعت بهتر است از عبادت کردن یک سال.

۱۱۸۹- خصائص الأئمّه ۱۱۰: قال (عليه السلام): من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطأ.

امیر المؤمنین (عليه السلام) فرمودند: هر کس آراء و انظار مختلف را شناخت جاهای خطا را باز می شناسد.

۱۱۹۰- نهج البلاغه ۴/۴۲: إذا هبت أمراً فقع فيه فإنّ شدّه توقّیه أعظم ممّا تخاف منه.

امام علی (عليه السلام): اگر از کاری بیمناکی، خود را به آن درافکن؛ زیرا که ترس از هر کار بزرگ تر از خود کار است.

۱۱۹۱- تحف العقول ۱۷۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): يا كميل! لا توقرن معدتك طعاماً، ودع فيها للماء موضعاً وللريح مجالاً؛ ولا ترفع يدك من الطعام إلا وأنت تشتهي، فإن فعلت ذلك فأنت تستمرئه؛ فإن صحه الجسم من قله الطعام وقله الماء.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای کمیل! شکمت را از غذا پُر نکن و برای آب و هوا نیز جا و مجالی قرار ده، و سوی غذا مرو مگر این که بدان اشتها داشته باشی؛ پس اگر چنین کنی غذا بر تو گوارا است؛ چرا که سلامتی بدن از کمی غذا و کمی آب است.

۱۱۹۲- الکافی ۸/۱۸ ح ۴: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:.... بنست القلاده قلاده المؤمن، ولكل ذي رَمَق قوت...، ولكل حبه آكل وأنت قوت الموت.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: چه بد قلاده ای است قلاده ی گناه بر گردن مؤمن، برای هر صاحب نفسی قوتی است، و برای هر دانه ای خورنده ای است و تو قوت مرگ هستی.

۱۱۹۳- قال الصادق (عليه السلام): ما فتح الله على عبد أباً من الدنيا إلا فتح عليه من الحرص مثليه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدا هیچ دری از دنیا به روی بنده نگشاید، جز این که دو در از حرص به رویش باز کند.

۱۱۹۴- أعلام الدين ۲۷۸: قال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): قال الله تعالى: لولا حيائي من عبدى المؤمن ما تركت له خرقه يوارى بها جسده وإنى إذا أكملت إيمان عبدى المؤمن ابتليته بفقر الدنيا فى ماله أو مرض فى بدنه فإن هو جزع أضعفت ذلك عليه وإن هو صبر باهيت به ملائكتى.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: سوگند به جلال و شکوه خود، اگر از بنده ی مؤمنم شرم نمی کردم، پاره رختی که بدنش را با آن بپوشاند، برایش باقی نمی گذاشتم و من هر گاه بخوادم ایمان بنده ی خود را کامل کنم، او را به تنگدستی و بیماری مبتلا می سازم، پس اگر داد و فریاد کرد، مشکل او را بیشتر می نمایم و اگر صبر کرد، به وسیله ی او بر فرشتگانم فخر می کنم.

- ۱۱۹۵- نهج البلاغه ۲/۱۳۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لا تستعجلوا بما لم يعجله الله لكم...، وإنّ لكلّ شيء مدّة وأجلاً.
- امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به آن چه که خدا برای شما عجله نموده است عجله و شتاب نکنید، به درستی که برای هر چیزی زمان و مدّتی است.
- ۱۱۹۶- نهج البلاغه ۲/۱۸۱ ح ۲۰۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): أيها الناس لا تستوحشوا في طريق الهدى لقله أهله.
- امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: از راه حق و هدایت به خاطر کمی طرفدارانش نترسید.
- ۱۱۹۷- مصادقه الإخوان ۷۴ ح ۱: عن فضيل بن يسار، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: من حبّ الرجل دينه حبّه لإخوانه.
- ابو عبد الله (علیه السلام) فرمودند: از جمله دینداری مرد دوستی او است با برادران خود.
- ۱۱۹۸- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۳۹۶: ثمّ قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ألا فاذكروا يا أمّه محمّيد، محمّداً وآله عند نوائبكم وشدائدكم لينصر الله بهم ملائكتكم على الشياطين الذين يقصدونكم.
- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای امت محمّد! محمّد و آلش را در هنگام سختی ها و مصیبت ها یاد کنید تا خداوند ملائکه ای را برای یاری شما بر شیاطینی که قصد شما را نموده اند بگمارد.
- ۱۱۹۹- تحف العقول ۳۰۹: قال الصادق (عليه السلام) لابن النعمان:....، إنّما أوليائي الذين سلّموا لأمرنا واتبعوا آثارنا واقتدوا بنا في كلّ أمورنا...، الخبر.
- امام صادق (علیه السلام) به پسر نعمان فرمودند: همانا دوستان من آن کسانی هستند که تسلیم امر ما اهل بیت بوده و از آثارمان تبعیت می کنند و در همه ی امور به ما اقتدا می نمایند.

۱۲۰۰- بحار الأنوار ۹۳/۱۳۷: عن كتاب الإمامه والتبصره: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): الصدقه على مسكين صدقه وهى على ذى رحم صدقه وصله.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: صدقه بر مسكين، تنها صدقه است، ولى صدقه بر خویشاوند هم صدقه است و هم صله‌ی رحم است.

۱۲۰۱- تفسير القمى ۲/۳۲۴: عن أبى عبد الله (عليه السلام) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول:....، فيقبل علىّ ومعه مفاتيح الجنة ومقاليد النار حتى يقعد على عجزه جهنم يأخذ زمامها بيده وقد علا زفيرها واشتد حرّها وكثر تطاير شررها فينادى جهنم يا علىّ جزنى قد أطفأ نورك لهبى فيقول علىّ لها ذرى هذا ولىّى وخذى هذا عدوى فلجهنم يومئذ أشدّ مطاوعه لعلّى من غلام أحدكم لصاحبه فإن شاء يذهب بها يمينه وإن شاء يذهب بها يسره ولجهنم يومئذ أشدّ مطاوعه لعلّى من جميع الخلائق وذلك أنّ عليّاً (عليه السلام) يومئذ قسيم الجنة والنار.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: خداوند در روز قیامت به من می گوید: ای احمد! کلیدهای بهشت و دوزخ را بگیر، و من می گویم: قبول کردم از پروردگارم، حمد او را بر آن چه مرا بدان فضیلت داد، و سپس به رضوان و مالک - که کلید داران بهشت و جهنم هستند - می گویم: آن ها را تحویل برادرم علی بن ابی طالب بدهید، پس مالک (کلیدهای رضوان را نیز گرفته و) برگردد تا بر دهانه‌ی جهنم بایستد که شراره می پراند و سوت می کشد و حرارتش تند است و علی (عليه السلام) مهار آن را دارد.

دوزخ به علی (عليه السلام) گوید: ای علی! مرا واگذار و بگذر، نور تو شرار مرا خاموش کرد! علی (عليه السلام) فرماید: آرام باش ای دوزخ! این شخص را بگیر و این را رها کن، این دشمن مرا بگیر و این دوست مرا واگذار، و دوزخ در آن روز فرمان بردارتر است برای علی (عليه السلام) از غلام شما برای آقای خود، اگر بخواهد آن را به راست و چپ می کشاند، و بهشت آن روز برای علی مطیع تر است در آن چه دستور دهد از همه‌ی مردم، و علی (عليه السلام) در آن روز تقسیم کننده‌ی بهشت و جهنم می باشد.

۱۲۰۲- تحف العقول ۳۰۹: قال الصادق (عليه السلام) لابن النعمان:....، يا ابن النعمان! لا يكون العبد مؤمناً حتى يكون فيه ثلاث سنن: سنّه من الله وسنّه من رسوله وسنّه من الإمام، فأما السنّه من الله جلّ وعزّ فهو أن يكون كتوماً للأسرار يقول الله جلّ ذكره: {عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا} (۱) وأما التي من رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فهو أن يدارى الناس ويعاملهم بالأخلاق الحنيفيّة، وأما التي من الإمام فالصبر في البأساء والضراء حتى يأتيه الله بالفرج، الخبر.

امام صادق (عليه السلام) به پسر نعمان فرمودند: بنده ای مؤمن نمی باشد تا این که سه سنّت در او باشد: سنّتی از خدا و سنّتی از رسول خدا و سنّتی از امام؛ اما سنّتی که از خداست پس این است که اسرار را کتمان کند، و اما آنکه از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) است این است که با مردم مدارا کند و با اخلاق اسلامی با ایشان معامله نماید، و اما آنکه از امام است آن است که در سختی و در آسایش صبر کند تا آنکه از جانب خداوند گشایش در امور حاصل شود.

۱۲۰۳- تحف العقول ۱۶۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام) وصف المتّقين:....، إن صمت لم يغمّه الصمت وإن ضحك لم يعل به الصوت، قانع بالذی له. لا- يجمع به الغیظ، ولا- يغلبه الهوى، ولا- يقهره الشخّ، ولا يطمع فيما ليس له، و يخالط الناس ليعلم، و يصمت لیسلم و یسأل لیفهم....، نفسه منه فی عناء والناس منه فی رخاء، الخبر.

امیر المؤمنین (عليه السلام) در وصف متّقین فرمودند: اگر سکوت کند از سکوتش اندوهگین نمی شود و اگر بخندد صدایش بلند نمی شود، به آن چه که دارد قانع است، خشم او را از مسیر حق خارج نمی کند، هوای نفس بر او غالب نمی شود، بخل بر او غلبه نمی کند، در آن چه که مال او نیست طمع نمی کند، با مردم همنشین می شود تا علم بیاموزد، و سکوت می کند تا سالم بماند، و سؤال می کند تا بفهمد، نفس خود را به زحمت می اندازد تا مردم در راحتی و آسایش باشند.

۱۲۰۴- تحف العقول ۱۷۴: وصیّه علی (علیه السلام) لکمیل:.... یا کمیل! قل عند کلّ شدّه: «لا حول ولا قوه الا بالله» تکفّها وقل عند کلّ نعمه: «الحمد لله» تزدد منها. وإذا أبطأت الأرزاق عليك فاستغفر الله يوسع عليك فيها...، یا کمیل! إنّ ذنوبك أكثر من حسناتك وغفلتك أكثر من ذكرك ونعم الله عليك أكثر من عملك. یا کمیل! إنّك لا تخلو من نعم الله عندك وعافيته إياك، فلا تخل من تحميده وتمجيدته وتسيبته وتقديسه وذكره على كلّ حال، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در وصیّتی به کمیل فرمودند: ای کمیل! هنگام هر سختی بگو: «لا حول ولا قوه الا بالله» تا از آن سختی بگذری؛ و هنگام رسیدن به هر نعمتی بگو: «الحمد لله»؛ و زمانی که ارزاق و نعمت ها به تو دیر رسید پس استغفار کن تا خداوند به تو وسعت دهد.

ای کمیل! گناهان تو از حسنات بیشتر است و غفلت تو از ذکرت بیشتر است، و نعمت های خدا از عمل تو بیشتر؛ ای کمیل! تو از نعمت های خدا و عافیت و سلامتی جدا نیستی پس از تحمید و تمجید و تسبیح و تقدیس و یاد خدا در هر حال غافل مشو.

۱۲۰۵- قرب الإسناد ۷۹ ح ۲۵۸: عن مسعده بن زیاد، عن جعفر، عن آبائه (عليهم السلام): أنّ رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: أصناف لا يستجاب لهم: منهم من أدان رجلاً ديناً إلى أجل فلم يكتب عليه كتاباً ولم يشهد عليه شهوداً. ورجل يدعو على ذی رحم. ورجل تؤذیه امرأته بكلّ ما تقدّر علیه، وهو فی ذلك يدعو الله علیها ویقول: اللهم أرحني منها. فهذا یقول الله له: عبدی، أو ما قلّدتك أمرها، فإن شئت خلّيتها، وإن شئت أمسكتها. ورجل رزقه الله (تبارك و تعالی) مالاً ثم أنفقه فی البرّ والتقوی، فلم یبق له منه شیء، وهو فی ذلك يدعو الله أن یرزقه، فهذا یقول له الربّ (تبارك و تعالی): أولم أرزقك وأغنیك، أفلا اقتصدت ولم تسرف؟! إني لا أحبّ المسرفین.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: گروه هایی از مردم دعایشان مستجاب نمی شود؛ یکی آن که به شخصی برای مدّتی پولی قرض بدهد و نوشته ای ننویسد و شاهدانی نگیرد؛ دیگر آن که رحم خود را نفرین کند؛ سوم مردی که زنش او را با هر چه می تواند اذیت می کند و او دعا می کند که خدایا مرا از دست او راحت کن، پس خداوند به او می گوید: ای بنده من! مگر امر او را به

تو واگذار نکرده ام؟! اگر می خواهی رهاش کن و اگر می خواهی نگهش دار، و دیگر این که کسی را خداوند به او مالی عطا می نماید و او همه ی آن را در راه کار های خوب و تقوای الهی انفاق می کند و بعد از خدا می خواهد که به او رزق دهد، پس خدا به او می گوید: مگر به تو ندادم؟ چرا اسراف کردی و برای خود چیزی نگاه نداشتی؟ به درستی که من اسراف کنندگان را دوست نمی دارم.

۱۲۰۶- تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام) ۵۸۲: قال علی بن الحسین (علیه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): بمحبته (علی علیه السلام) تثقل موازين المؤمنين وبمخالفته تخف موازين الناصبين.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: به سبب محبت او (علی علیه السلام) میزان اعمال مؤمنین سنگین شده، و به سبب مخالفت او میزان اعمال دشمنان سبک می گردد.

۱۲۰۷- تحف العقول ۲۸۲: قال علی بن الحسین (عليهما السلام): نظر المؤمن في وجه أخيه المؤمن للمودّة والمحبة له عبادة.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: نگاه مؤمن به چهره ی برادر مؤمن خود از روی دوستی و محبت به او، عبادت است.

۱۲۰۸- الأمالی للصدوق ۳۸۰ ح ۸: عن أبي الجارود، عن أبي جعفر الباقر، عن أبيه، عن جدّه (عليهم السلام)، قال: قال أمير المؤمنين (علیه السلام): ... شاور في حديثك الذين يخافون الله، الخبر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ... مشورت کن در حدیث خود با کسانی که از خدا می ترسند.

۱۲۰۹- تحف العقول ۲۵۸: قال علی بن الحسین (عليهما السلام): أما حقّ بطنك فأن لا تجعله وعاء لقليل من الحرام ولا لكثير وأن تقتصد له في الحلال، الخبر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: حقی که شکم بر تو دارد این است که آن را ظرف چیزهای حرام - چه کم و چه زیاد - قرار ندهی، بلکه در چیزهای حلال هم صرفه جوئی کنی و به مقدار نیاز استفاده نمائی.

۱۲۱۰- تحف العقول ۲۷۸: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): الخیر کله صیانه الإنسان نفسه.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: سعادت و خوش بختی انسان در حفظ و کنترل اعضا و جوارح خود از هر گونه کار زشت و خلاف است.

۱۲۱۱- الکافی ۸/۱۵۳: قال علی بن الحسین (علیهما السلام):...، وإن شتمک رجل عن یمینک ثم تحوّل إلى یسارک فاعتذر إليك فاقبل عذره.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: چنان چه شخصی تو را بدگویی کند، و سپس برگردد و پوزش طلبد، عذرخواهی و پوزش او را پذیرا باش.

۱۲۱۲- الیقین ۳۱۹: عن أبي جعفر (علیه السلام): جعلهم أدلاء للأئمة علی الصراط.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) را راهنمایان اُمت بر پُل صراط قرار داده است.

۱۲۱۳- من لا- یحضره الفقیه ۳/۱۶۴ ح ۳۵۹۸: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): إنّ من سعاده المرء أن یكون متجره فی بلاده، ویكون خلطاؤه صالحین، ویكون له أولاد یستعین بهم.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: از سعادت مرد آن است که در شهر خود کسب و تجارت نماید و شریکان و همراهانش افرادی صالح و نیکوکار باشند، و نیز دارای فرزندان باشد که کمک حال او باشند.

۱۲۱۴- کمال الدین و تمام النعمه ۳۲۴ ح ۹: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): إنّ دین الله (عزوجل) لا- یصاب بالعقول الناقصه والآراء الباطله والمقائیس الفاسده، ولا یصاب إلا بالتسلیم، فمن سلّم لنا سلم، ومن اقتدی بنا هدی، ومن کان یعمل بالقیاس والرأی هلک، الخبر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: به وسیله عقل ناقص و نظریه های باطل، و مقایسات فاسد و بی اساس نمی توان احکام و مسائل دین را به دست آورد؛ بنابراین تنها وسیله رسیدن به احکام واقعی دین، تسلیم محض بودن می باشد؛ پس هر کس در مقابل ما اهل بیت تسلیم باشد از هر انحرافی در امان است و هر که به وسیله ما هدایت یابد خوش بخت خواهد بود. و شخصی که با قیاس و

نظریات شخصی خود بخواهد دین اسلام را دریابد، هلاک می گردد.

۱۲۱۵- من لا يحضره الفقيه ۲/۲۲۸ ح ۲۲۶۴: قال علي بن الحسين (عليهما السلام): يا معشر من لم يحج استبشروا بالحاج إذا قدموا فصافحوهم وعظموهم، فإن ذلك يجب عليكم تشاركوهم في الأجر.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: شماهایی که به مکه نرفته اید و در مراسم حج شرکت نکرده اید، بشارت باد شماها را به آن حاجیانی که بر می گردند، با آن ها - دیدار و - مصافحه کنید تا در پاداش و ثواب حج آن ها شریک باشید.

۱۲۱۶- کتاب التمهيص ۶۰ ح ۱۳۱: قال علي بن الحسين (عليهما السلام): الرضا بمكروه القضاء من أعلى درجات اليقين.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: شادمانی و راضی بودن به مقدرات سخت الهی از عالی ترین مراتب ایمان و یقین خواهد بود.

۱۲۱۷- نهج البلاغه ۳/۱۳۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إياك ومصاحبه الفساق فإن الشرّ بالشرّ ملحق. ووقّر الله وأحب أجبّاءه. واحذر الغضب فإنه جند عظيم من جنود إبليس.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: از همنشینی با فاسقان پرهیز که شر به شر می پیوندد، خدا را گرامی دار و دوستان خدا را دوست شمار، و از خشم پرهیز که لشکر بزرگ شیطان است.

۱۲۱۸- الکافی ۱/۳۵ ح ۵: قال علي بن الحسين (عليهما السلام): لو يعلم الناس ما في طلب العلم لطلبوه ولو بسفك المهبج وخوض اللجج، الخبر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: چنان چه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می دانستند هر آینه آن را تحصیل می کردند گرچه با ریخته شدن و یا فرو رفتن زیر آب ها در گرداب های خطرناک باشد.

۱۲۱۹- تحف العقول ۲۸۲: قال علي بن الحسين (عليهما السلام): إن الله ليغض البخيل السائل المحلف.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: به راستی که خداوند، گدای بخیلی را که سوگند می خورد دشمن دارد.

۱۲۲۰- بصائر الدرجات ۵۱۷ ح ۸: جاء ابن الكوّاء إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال: يا أمير المؤمنين! «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ» (۱) فقال: نحن على الأعراف نعرف أنصارنا بسيماهم ونحن الأعراف الذي لا يعرف الله (عز وجل) إلا بسبيل معرفتنا ونحن الأعراف يعرفنا الله (عز وجل) يوم القيامة على الصراط، فلا يدخل الجنة إلا من عرفنا وعرفناه ولا يدخل النار إلا من أنكرنا وأنكرناه، إن الله (تبارك و تعالی) لو شاء لعرف العباد نفسه ولكن جعلنا أبوابه وصراطه وسبيله والوجه الذي يؤتى منه، فمن عدل عن ولايتنا أو فضل علينا غيرنا، فإنهم عن الصراط لناكبون.

أصبغ بن نباته گفت: خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) نشستہ بودم کہ ابن کوّاء وارد شد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین! معنای این آیه چیست: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ»؟ حضرت فرمودند: ما أعراف هستیم و یاران خود را از چهره‌ی آن‌ها می‌شناسیم. ما اعراف هستیم که عرفان و شناخت به خدا حاصل نمی‌شود مگر از راه معرفت ما، و ما اعراف هستیم بین بهشت و جهنم که داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و داخل جهنم نمی‌شود مگر کسی که او منکر ما و ما منکر او باشیم.

و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد می‌تواند خود را به مردم معرفی کند تا او را بشناسند و به در خانه اش بیایند ولی چنین اراده نموده و ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه‌ی خود قرار داده است که مردم باید از آن درب و گذرگاه بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد از مسیر خود دور افتاده است.

۱۲۲۱- الکافی ۱/۱۰۲ ح ۴: قال علی بن الحسین (عليهما السلام): لو اجتمع أهل السماء والأرض أن يصفوا الله بعظمته لم يقدرُوا.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: چنان چه تمامی اهل آسمان و زمین گرد هم آیند و بخواهند خداوند متعال را در جهت عظمت و جلال توصیف و تعریف کنند، قادر نخواهند بود.

۱۲۲۲- الخصال ۱۱۹ ح ۱۰۸: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): أشدّ ساعات ابن آدم ثلاث ساعات: الساعه الّتی یعیّن فیها ملک الموت، والساعه الّتی یقوم فیها من قبره، والساعه الّتی یقف فیها بین یدی اللّٰه (تبارک و تعالی) فإمّا الجنّه وإمّا إلی النار، الخبر.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: مشکل ترین و سخت ترین لحظات و ساعات برای انسان، سه ساعت است:

۱- آن موقعی که عزرائیل بر بالین انسان وارد می شود و می خواهد جان او را برگیرد.

۲- آن هنگامی که از درون قبر زنده می شود و در صحرای محشر به پا می خیزد.

۳- آن زمانی که در پیش گاه خداوند متعال - جهت حساب و کتاب و بررسی اعمال - قرار می گیرد و نمی داند راهی بهشت و نعمت های جاوید می شود و یا راهی دوزخ و عذاب دردناک خواهد شد.

۱۲۲۳- الخصال ۵۴۱ ح ۱۴: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): إذا قام قائمنا أذهب اللّٰه تعالی عن شیعتنا العاهه، وجعل قلوبهم کزبر الحدید، وجعل قوّه الرجل منهم قوّه أربعین رجلاً ویكونون حکّام الأرض وسانمها.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که قائم ما قیام و خروج نماید خداوند بلا و آفت را از شیعیان و پیروان ما بر می دارد و دل های ایشان را همانند قطعه‌ی آهن محکم می نماید، و نیرو و قوت هر یک از ایشان به مقدار نیروی چهل نفر خواهد شد و حاکمان زمین و فرمان روایان بر آن می باشند.

۱۲۲۴- کتاب الزهد ۵۲ ح ۱۴۰: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): عجباً کلّ العجب لمن عمل لدار الفناء وترک دار الآخره.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: بسیار عجیب است از کسانی که برای این دنیای زودگذر و فانی کار می کنند و خون دل می خورند ولی آخرت را که باقی و ابدی است رها و فراموش کرده اند.

۱۲۲۵- الخصال ۱۱۳ ح ۹۰: عن أبي مالك قال: قلت لعليّ بن الحسين (عليهما السلام): أخبرني بجميع شرايع الدين: قال: قول الحقّ، والحكم بالعدل، والوفاء بالعهد.

ابی مالک گوید: به امام زین العابدین (علیه السلام) عرض کردم: همه‌ی دستورات دین را به من بفرمائید فرمودند: سخن حق گفتن، و به عدالت حکم و داوری نمودن، و به عهد و پیمان وفا کردن.

۱۲۲۶- الکافی ۲/۳۷۶ ح ۷: قال علیّ بن الحسین (عليهما السلام):... إِيَّاكَ وَمصاحبه الكذّاب، فَإِنَّه به منزله السراب يقرب لك البعيد ويبعد لك القريب. وإِيَّاكَ وَمصاحبه الفاسق فَإِنَّه بايعك بأكله أو أقلّ من ذلك. وإِيَّاكَ وَمصاحبه البخيل فَإِنَّه يخذلك في ماله أحوج ما تكون إليه. وإِيَّاكَ وَمصاحبه الأحمق، فَإِنَّه يريد أن ينفعك فيضرك. وإِيَّاكَ وَمصاحبه القاطع لرحمه، فَإِنِّي وجدته ملعوناً في كتاب الله، الخبر.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

۱- مبادا با دروغگو همنشین شوی که او چون سراب است، دور را به تو نزدیک کند و نزدیک را به تو دور نماید.

۲- مبادا با فاسق و بدکار همنشین شوی که تو را به یک لقمه و یا کمتر بفروشد.

۳- مبادا همنشین بخیل شوی که او در نهایت نیازت به او، تو را واگذارد.

۴- مبادا با احمق رفیق شوی که چون خواهد سودت رساند، زیانت می زند.

۵- مبادا با آن که از خویشان خود می برد، مصاحبت کنی که من او را در قرآن ملعون یافتم.

۱۲۲۷- الأمالی للطوسی ۶۶۸ ح ۶: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمهر فاطمه (عليها السلام) ربع الدنيا فربعها لها وأمهرها الجنّة والنار تدخل أعداءها النار وتدخل أولياءها الجنّة وهي الصّدّيقه الكبرى وعلی معرفتها دارت القرون الأولى.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند (تبارک و تعالی) مهریه‌ی فاطمه (علیها السلام) را رُبُع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد، و مهریه‌ی او را بهشت و جهنّم قرار داد، بنابراین دشمنان او داخل آتش جهنّم می شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدّیقه‌ی کبری است و بر محور معرفت او

سنگ روزگار امت های گذشته می چرخید.

۱۲۲۸- تحف العقول ۲۶۳: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): وأما حقّ أبيك فتعلم أنه أصلك وأنتك فرعك وأنتك لولاه لم تكن، فمهما رأيت في نفسك ممّا تعجبك فاعلم أنّ أباك أصل النعمه عليك فيه واحمد الله واشكره على قدر ذلك.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: و اما حقّ پدرت را باید بدانی که او اصل و ریشه‌ی توست و تو شاخه‌ی او هستی، و بدانی که اگر او نبود تو نبود، پس هر زمانی در خود چیزی دیدی که خورش آمد بدان که [از پدرت داری] زیرا اساس نعمت و خوشی تو، پدرت می باشد، و خدا را سپاس بگزار و به همان اندازه شکر کن.

۱۲۲۹- الغیبه للطوسی ۳۸۷ ح ۳۵۱: قال أبو عبد الله (علیه السلام): إذا أراد الله أمراً عرضة على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثمّ أمير المؤمنين (علیه السلام) وسائر الأئمّه واحداً بعد واحد إلى أن ينتهي إلى صاحب الزمان (علیه السلام) ثمّ يخرج إلى الدنيا، وإذا أراد الملائكة أن يرفعوا إلى الله (عزوجل) عملاً عرض على صاحب الزمان (علیه السلام)، ثمّ يخرج على واحد بعد واحد إلى أن يعرض على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثمّ يعرض على الله (عزوجل)، فما نزل من الله فعلى أيديهم، وما عرج إلى الله فعلى أيديهم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند اراده‌ی تحقّق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) و آله و سلم) سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه (علیهم السلام)، یکی پس از دیگری تا امام زمان (علیه السلام) عرضه می نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می شود.

و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان (علیه السلام) عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همین طور تا رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) - عرضه می دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار می باشند، در نتیجه آن چه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می آید و از سوی خلق به سمت او بالا می رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در نقل و انتقال آنند.

۱۲۳۰- تحف العقول ۲۶۳: قال علی بن الحسین (علیهما السلام): فحقّ أمّیک فأن تعلم أنّها حملتک حيث لا- يحمل أحد وأطعمتک من ثمره قلبها ما لا يطعم أحد أحدًا. وأنها وقتک بسمعها وبصرها ویدها ورجلها وشعرها وبشرها وجميع جوارحها مستبشرةً بذلك، فرحاً، موبلاً محتملاً لما فيه مکروهها وألمها وثقلها وغمها حتّى دفعتها عنک یدالقدره وأخرجتک إلى الأرض فرضیت أن تشبع وتجوّع هی وتکسوک وتعری وترویک وتظلماً وتظلمک وتضحی وتنعمک بیوسها وتلذذک بالنوم بأرقها وکان بطنها لک وعاءٌ وحجرها لک حواءٌ وثديها لک سقاءً، ونفسها لک وقاءٌ، تابشر حرّ الدّنيا وبردها لک ودونک، فتشکرها علی قدر ذلك ولا تقدر علیہ إلاّ بعون الله وتوفيقه.

امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: و اما حقّ مادرت این است که بدانی او تو را در شکم خود حمل کرده که احدی کسی را آن گونه حمل نکند، و از میوهی دلش به تو خورانیده که کسی از آن به دیگری نخوراند، و اوست که تو را با گوش و چشم و دست و پا و مو و همهی اعضایش نگهداری کرده و بدین فداکاری شاداب و شادمان و مواظب بوده و هر ناگواری و درد و سنگینی و غمی را تحمیل کرده تا [توانسته] دست قدرت [مکروهات] را از تو دفع نموده و تو را از آن ها رهانده و به روی زمین کشانده، و باز هم خوش بوده که تو سیر باشی و او گرسنه، و تو جامه پوشی و او برهنه باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، تو را در سایه بدارد و خود زیر آفتاب باشد و با سختی کشیدن تو را به نعمت رساند، و با بی خوابی خود، تو را به خواب کند، شکمش ظرف وجود تو بوده و دامنش آسایش گاه تو و پستانش مشک آب تو و جانش فدای تو و به خاطر تو، و به حساب تو، گرم و سرد روزگار را چشیده است. به این اندازه قدرش را بدانی و این را نتوانی مگر به یاری و توفیق خدا.

۱۲۳۱- نزهه الناظر وتنبيه الخاطر ۹: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): خذوا من كلّ علم أرواحه، ودعوا ظروفه؛ فإنّ العلم كثير والعمر قصير.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: از هر علم و دانشی مغز و روح آن را بگیرید، و پوسته و ظرفش را رها کنید؛ چرا که عمر کوتاه بوده و علوم جهت یادگیری فراوانند.

۱۲۳۲- الأصول الستة عشر ۱۲۴ ح ۱۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: اطلبوا العلم من معدن العلم، وإياكم والولائج؛ فهم الصّادون عن الله.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: علم و دانش را از معدن آن بجوئید و از کسانی که در حاشیه هستند پرهیز نمائید؛ چرا که آنان شما را از خدا باز می دارند.

۱۲۳۳- مشارق أنوار اليقين ۳۴۳: قال عليّ (عليه السلام): أنا حجّج الله على خلقه من أهل سماواته وأرضه، وما في السماء من ملك يخطو قدماً عن قدمي إلا ياذني.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد.

۱۲۳۴- نهج البلاغه ۳/۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): سل عن الرفيق قبل الطريق، وعن الجار قبل الدار.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: پیش از آن که به راه افتی بپرس که همراهت کیست، و پیش از گرفتن خانه ببین که با کدام همسایه خواهی زیست.

۱۲۳۵- نهج البلاغه ۳/۵۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): بادر الفرصه قبل أن تكون غصّه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: فرصت را غنیمت دان پیش از آن که از دست رود و اندوهی گلوگیر شود.

۱۲۳۶- نهج البلاغه ۳/۵۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): حفظ ما في يدك أحبّ إليّ من طلب ما في يد غيرك.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نگاه داشتن آن چه به دستهایت داری دوست تر دارم تا به گرفتن آن چه در دست دیگری است پیش آری.

۱۲۳۷- نهج البلاغه ۳/۵۱: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): مراره اليأس خير من الطلب إلى الناس.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: تلخی نومیدی (از مردم) بهتر، تا از این و آن طلبیدن است.

۱۲۳۸- الکافی ۶/۱۳ ح ۴: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إنَّ اللهَ (عزوجل) إذا أراد أن يخلق النطفة التي ممَّا أخذ عليها الميثاق في صلب آدم أو ما يبه أو له فيه ويجعلها في الرحم حرَّك الرجل للجماع وأوحى إلى الرحم أن افتحي بابك حتَّى يلج فيك خلقى وقضائي النافذ وقدرى، ففتتح الرَّحم بابها فتصل النطفة إلى الرَّحم فتردُّ فيه أربعين يوماً، ثمَّ تصير علقه أربعين يوماً، ثمَّ تصير مضغاً أربعين يوماً ثمَّ تصير لحماً تجرى فيه عروق مشتبكه. ثمَّ يبعث الله ملكين خلاقين يخلقان في الأرحام ما يشاء الله فيقتحمان في بطن المرأة من فم المرأة فيصلان إلى الرحم وفيها الروح القديمه المنقوله في أصلاب الرجال وأرحام النساء فينفخان فيها روح الحياه والبقاء ويشقان له السمع والبصر وجميع الجوارح وجميع ما في البطن بإذن الله، ثمَّ يوحى الله إلى الملكين اكتبنا عليه قضائي وقدرى ونافذ أمرى واشترطنا لى البداء فيما تكتبه آن، فيقولان: يا رب! ما نكتب؟ فيوحى الله إليهما أن ارفعا رءوسكما إلى رأس أمه فيرفعان رءوسهما فإذا اللوح يقرع جبهه أمه فينظران فيه فيجدان في اللوح صورته وزينته وأجله وميثاقه شقياً أو سعيداً وجميع شأنه.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند متعال اراده نماید نطفه ای را - که از او در پشت آدم پیمان گرفته است - بیافریند و او را در رحم قرار دهد، مرد را به نزدیکی وای می دارد و به رحم الهام می کند که گشوده شو تا آفریده و فرمان و تقدیرم را در تو بنهم، پس رحم باز شده و نطفه در آن جای می گیرد، و چهل روز در آنجا باقی می ماند، و چهل روز نیز به صورت علقه بوده، و چهل روز هم به صورت مُضَغَه ای (گوشت جویده شده) می باشد، و آن گاه تبدیل به گوشتی با رنگ های پیچیده می شود، و سپس خداوند دو فرشته ای آفریننده را می فرستد که هرچه اراده نموده است را در رحم بسازند، پس آن دو از دهان زن به سمت شکم او پائین آمده و خود را به رحمی - که در آن روح دیرین است و از پشت مردان و رحم زنان نقل شده - رسانیده، و در آن به فرمان خدای تعالی روح زندگی و ماندن را می دمند، و گوش و چشم و همه ای اندام او و هرچه در شکم است را می سازند، سپس خداوند به آن دو فرشته وحی می کند که بنویسید بر او قضا و قدر و امر نافذ مرا، و شرط کنید برایم بداء و تغییر در آن چه را که می نویسید.

پس آن دو فرشته می گویند: پروردگارا! چه بنویسیم؟ خداوند (عزوجل) به آن ها

وحی می کند: به پیشانی مادرش بنگرید، پس ناگاه لوحی بر پیشانی مادر مشاهده می نمایند که در آن صورت و عمر و پیمان، و این که شقی است یا سعید و همه‌ی صفات آن مولود دیده می شود.

۱۲۳۹- روضه الواعظین ۸۳: ولقد هبط حبیسی جبرئیل فی وقت ولاده علیّ فقال لی: یا حبیب الله! الله یقرأ علیک السلام ویهنیک بولاده أخیك علیّ ویقول: هذا أوان ظهور نبوتک وإعلان وحیک وکشف رسالتک، إذ أُیّد تک بأخیک ووزیرک وصنوک وخلیفتک ومن شدّدت به أزرک وأعلیت به ذکرک، فقمتم مبادراً وجدت فاطمه بنت أسد أمّ علیّ وقد جاء لها المخاض وهی بین النساء والقوایل حولها فقال حبیسی جبرئیل یا محمّد! نسجف بینها وبینک سجفاً فإذا وضعت بعلیّ تتلقاه ففعلت ما أمرت به. ثمّ قال لی: امدد یدک یا محمّد! فمددت یدی الیمنی نحو أمّه فإذا أنا بعلیّ علی یدی واضعاً یده الیمنی فی أذنه الیمنی وهو یؤدّن ویقیم بالحنیفیّه ویشهد بوحدانیّه الله (عزوجل) وبرسالاتی ثمّ انثنی الیّ وقال: السلام علیک یا رسول الله! ثمّ قال لی: یا رسول الله! أقرأ قلت: اقرأ. فوالذی نفس محمّد بیده لقد ابتداءً بالصحف الّتی أنزلها الله (عزوجل) علی آدم فقام بها ابنه شیث فتلاها من أوّل حرف فیها إلی آخر حرف فیها حتّی لو حضر شیث لأقرّ له أنّه أحفظ له منه، ثمّ تلا صحف نوح، ثمّ صحف إبراهیم ثمّ قرأ توراہ موسی حتّی لو حضر موسی لأقرّ له به أنّه أحفظ لها منه، ثمّ قرأ زبور داود حتّی لو حضر داود لأقرّ به أنّه أحفظ لها منه، ثمّ قرأ إنجیل عیسی حتّی لو حضر عیسی لأقرّ به أنّه أحفظ لها منه، ثمّ قرأ القرآن الذی أنزل الله علیّ من أوّله إلی آخره فوجدته یحفظ کحفظی له الساعه من غیر أن أسمع منه آیه ثمّ خاطبنی وخاطبته بما یخاطب الأنبیاء الأوصیاء ثمّ عاد إلی حال طفولیته.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به هنگام تولّد علی (علیه السلام) جبرئیل فرود آمد و به من گفت: ای حبیب خدا! پروردگارت سلام می رساند و به تو مژده و شاد باش تولّد برادرت علی را می دهد و می فرماید: هنگام ظهور پیامبری تو و آشکار شدن وحی بر تو نزدیک شده است و اینک تو را با برادر و وزیر و خلیفه و همانند خودت تأیید کردم و به وسیله‌ی او نام تو را بلند آوازه و بازویت را استوار ساختم. من شتابان برخاستم و دیدم فاطمه دختر اسد و مادر علی در حال درد زایمان است و او میان زنان بهشتی و قابله‌ها - در کعبه - است. پس حبیب من جبریل به من گفت: میان خودت و فاطمه دختر آسید پرده‌ای بیاویز و پس از این که

علی را زایید او را ببین. من چنان کردم که فرمان داده شده بودم سپس جبرئیل به من گفت دست راست خود را دراز کن که علی (علیه السلام) همان سر سلسله‌ی اصحابِ یمین تو است. من دست راست خود را به سوی فاطمه دختر اَسَدِ دراز کردم، ناگاه علی را در دست خود دیدم در حالی که دست راست خود را بر گوش راست خود نهاده و بر آیین حقیقت اذان و اقامه می گفت و گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری من می داد و سپس به من گفت:

ای رسول خدا! اجازه می فرمایی که بخوانم؟ گفتم: آری بخوان و سوگند به آن کسی که جان محمّد در دست اوست، شروع به خواندن صحیفه هایی که بر آدم (علیه السلام) نازل شده است کرد، همان صحیفه ها که پسر آدم، شیث (علیه السلام) برای برپا داشتن احکام آن قیام کرده بود و از نخستین حرف تا آخرین حرف آن را خواند و اگر شیث حاضر می بود همانا اقرار می کرد که علی از او بهتر آن را حفظ دارد.

سپس تورات موسی (علیه السلام) را چنان خواند که اگر موسی حضور می داشت، اقرار می فرمود که علی بهتر از او آن را حفظ دارد. سپس زبور داود (علیه السلام) را خواند همان گونه که اگر داود حضور می داشت چنان اقرار می کرد و پس از آن انجیل عیسی (علیه السلام) را همان گونه خواند که اگر عیسی به حضورش می آمد هم چنان اقرار می کرد و سپس قرآنی را که خداوند بر من نازل فرمود را از آغاز تا پایان چنان خواند که او را چنان دیدم و همچون خودم که اینک آن را از حفظ می دانم حافظ آن بود، بدون این که در آن هنگام من آیه ای از آیات قرآن را شنیده باشم! آن گاه علی با من و من با او چنان با یکدیگر سخن گفتیم که پیامبران و اوصیای ایشان با یکدیگر سخن می گویند، و سپس علی (علیه السلام) به حالت کودکانه خود برگشت.

۱۲۴۰- شرح إحقاق الحقّ ۷/۵۹۵: فی المناقب: ولَمَّا أَرَادَ أَهْلَ الشَّامِ أَنْ يَجْعَلُوا الْقُرْآنَ حَكْمًا بِصَفَيْنِ، قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا الْقُرْآنُ النَّاطِقُ.

در روایتی آمده است: زمانی که اهل شام، قرآن را بر سر نیزه ها نموده و آن را به عنوان قاضی و حاکم بین خود و امیر المؤمنین (علیه السلام) معرفی نمودند، حضرت فرمودند: من قرآن ناطق و سخن گو هستم.

۱۲۴۱- تفسیر القمّی ۲/۴۲۵: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: القرآن ضرب فيه الأمثال للناس وخاطب نبيّه (صلى الله عليه وآله وسلم) به ونحن نعلمه فليس يعلمه غيرنا.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند در قرآن مثل هائی برای مردم زده است و در این مثل ها پیامبر خویش را مورد خطاب قرار داده است، و تنها ما از آن آگاهیم و غیر ما از آن بی خبراند.

۱۲۴۲- نهج البلاغه ۲/۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): هذا القرآن إنّما هو خطّ مسطور بين الدفتين لا ينطق بلسان ولا بدّ له من ترجمان وإنّما ينطق عنه الرجال ولَمَّا دَعَانَا الْقَوْمَ إِلَى أَنْ نَحْكُمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمَتَوَلَّى عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولَ فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نَحْكُمَ بِكِتَابِهِ وَرُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ فَإِذَا حُكِمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ وَإِنْ حُكِمَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: این قرآنی که با این خط بین دو جلد می باشد هرگز به هیچ زبانی سخن نمی گوید، و چاره ای جز مراجعه به مترجم آن نیست، و برای ترجمه باید به اهل آن مراجعه شود، و آن زمانی که در جنگ صفین گفته شد قرآن حاکم و قاضی باشد ما از آن گریزان نبودیم چرا که خداوند می فرماید: «اگر با یکدیگر منازعه و دعوا نمودید به کتاب خدا و رسول او مراجعه نمائید» پس ما نیز آمادگی مراجعه به کتاب خدا و سنت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) را داریم به شرط آن که تفسیر به رأی نشود و اهلش آن طور که هست آن را تفسیر نمایند.

۱۲۴۳- بصائر الدرجات ۲۱۷ ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قد ولدني رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأنا أعلم كتاب الله وفيه بدء الخلق وما هو كائن إلى يوم القيامة وفيه خبر السماء وخبر الأرض وخبر الجنة وخبر النار وخبر ما كان وخبر ما هو كائن أعلم ذلك كما أنظر إلى كفى إن الله يقول: {فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ} (۱).

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: من فرزند رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آن چه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و در آن اخبار آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه ای آگاه و مطلع هستم که گویا به کف دست خویش می نگرم، آری! بدرستی که خداوند متعال می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است».

۱۲۴۴- الأملی للمفید ۳۱۵ ح ۶: عن أبي المجبر قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أربع مفسده للقلوب: الخلوه بالنساء، والاستماع منهن، والأخذ برأيهن، ومجالسه الموتى، فقيل له: يا رسول الله! وما مجالسه الموتى؟ قال: مجالسه كل ضال عن الإيمان وجائر في الأحكام.

ابو المجبر گوید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: چهار چیز دل ها را به تباهی می کشاند: با زنان به خلوت نشستن، و گوش دادن به آنان، و به رأی آنان عمل نمودن، و همنشینی با مردگان، عرض شد: ای رسول خدا! همنشینی با مردگان چیست؟ فرمودند: همنشینی با هر کسی که از راه ایمان گمراه، و با هر کس که در صدور احکام و داوری ها ستمکار است.

۱۲۴۵- الکافی ۲/۴۵۵ ح ۹: قال أبو عبد الله (عليه السلام): المسجون من سجنته دنياه عن آخرته.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: زندانی آن کس است که دنیا او را از طلب آخرت به بند گرفتار کرده و به زندان خود افکنده است.

۱- والآیه هكذا فی سورة النحل ۸۹: {وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ}.

۱۲۴۶- بصائر الدرجات ۲۳۲ح ۲: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: علم الكتاب كله والله عندنا.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: به خدا قسم، تمام علم قرآن در نزد ماست.

۱۲۴۷- بصائر الدرجات ۴۳۳ح ۳: قال أبو جعفر (عليه السلام): دعا رسول الله أصحابه به مني، فقال: يا أيها الناس! إني تارك فيكم الثقلين، أما إن تمسكتم بهما لن تضلوا؛ كتاب الله وعترتي أهل بيتي.

امام محمد باقر (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اصحاب خویش را در منی فرا خوانده و فرمودند: ای مردم! همانا من از میان شما می روم و دو چیز گران بها باقی می گذارم، آگاه باشید تا زمانی که به این دو چیز تمسک ننمائید هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آن دو کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من می باشند.

۱۲۴۸- الأملی للمفید ۳۶ح ۳: عن عبد الله بن العباس، قال: لما حضرت النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) الوفاة وفي البيت رجال فيهم عمر بن الخطاب، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): هلموا أكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعده أبداً، فقال: لا تأتوه بشيء فإنه قد غلبه الوجد وعندكم القرآن حسبنا كتاب الله، فاختلف أهل البيت واختموا، فمنهم من يقول: قربوا يكتب لكم رسول الله، ومنهم من يقول: ما قال عمر، فلم يكثر اللغط والاختلاف قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): قوموا عني.

عبد الله بن عباس می گوید: چون زمان رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرا رسید، گروهی که عمر بن خطاب نیز در میان آنان بود در خانه حضور داشتند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بیائید نامه ای برای شما بنویسم تا هرگز پس از آن گمراه نشوید.

عمر گفت: چیزی نیاورید که درد بر او غلبه کرده و هذیان می گوید!!! و قرآن نزد شما هست، و کتاب خدا ما را کافی است.

میان اهل خانه اختلاف افتاد و به مخاصمه پرداختند عده ای می گفتند برخیزید (کاغذ بیاورید) تا پیامبر برایتان بنویسد و عده ای دیگر سخن عمر را می گفتند. چون سر و صدا بلند شد و اختلاف بالا گرفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از نزد من برخیزید و مرا تنها بگذارید.

۱۲۴۹- روضه الواعظین ۴۷۳: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): احذروا نفار النعم فما كل شارذ بمردود.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: از رسیدن نعمت‌ها بترسید که چنین نیست که هر گریخته، باز گردد.

۱۲۵۰- روضه الواعظین ۴۵۵: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): من سبح الله كل يوم ثلاثين مرة دفع الله عنه سبعين نوعاً من البلاء أيسرها الفقر.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس در روز سی بار سبحان الله بگوید، خداوند هفتاد نوع گرفتاری را از او برطرف می‌فرماید که آسان‌ترین آن فقر است.

۱۲۵۱- بحار الأنوار ۶۴/۲۴۴ ح ۸۳: عن السكوني، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ساعات الهموم ساعات الكفارات، ولا يزال الهمم بالمؤمن حتى يدعه وماله من ذنب.

سکونی از حضرت صادق و او از پدرانش (علیهم السلام) روایت می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هنگامی که برای انسان غم و اندوهی بیاید کفاره‌ی گناهان می‌شود، حزن و غم به اندازه‌ای بر مؤمن مسلط می‌شود که گناهی برای او باقی نمی‌گذارد.

۱۲۵۲- علل الشرائع ۱/۴۴ ح ۱: عن سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: البلاء أسرع إلى المؤمن المتقى من المطر إلى قرار الأرض.

سماعه بن مهران، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: بلا و گرفتاری نسبت به مؤمن از ریزش باران به سطح زمین سریع‌تر می‌باشد.

۱۲۵۳- نهج البلاغه ۴/۱۲: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إنما الأجر في القول باللسان والعمل بالأيدي والأقدام. وإن الله سبحانه يدخل بصدق التيه والسريه الصالحه من يشاء من عباده الجنه.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: مزد در گفتار است به زبان، و کردار با گام‌ها و دستان، و خدای سبحان به خاطر نیت راست و نهاد پاک - بنده - هر بنده را که خواهد به بهشت در آورد.

۱۲۵۴- نهج البلاغه ۳/۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إذا تغير السلطان تغير الزمان.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: چون سلطان عوض شود زمانه دگرگون شود.

۱۲۵۵- الغیبه للنعمانی ۲۹۶ ح ۱: عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن قائمنا إذا قام استقبل من جهله الناس أشد مما استقبله رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) من جهال الجاهليّة فقلت: وكيف ذلك؟ قال: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أتى الناس وهم يعبدون الحجارة والصّخور والعيّدان والخشب المنحوتة وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلّهم يتأول عليه كتاب الله ويحتجّ عليه به ثمّ قال أما والله ليدخلنّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرّ والقمر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آن چه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمودند: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را بر علیه او تأویل کرده و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمودند: بدانید به خدا سوگند که موج عدالت و دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما به خانه نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.

۱۲۵۶- نهج البلاغه ۳/۱۳۰: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): إياك أن ينزل بك الموت وأنت آبق من ربك في طلب الدنيا.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: پرهیز از آن که مرگ تو فرا رسد در حالی که از پروردگارت گریزانی، و در دنیاپرستی غرق باشی.

۱۲۵۷- نهج البلاغه ۴/۳۰ ح ۱۲۷: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لا حاجة لله فيمن ليس لله في ماله ونفسه نصيب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: آن را که از مال و جانش نصیبی برای خدا نیست خدا را به او نیازی نیست.

۱۲۵۸- نهج البلاغه ۳/۵۶: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ليس كل من رمى أصاب.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: نه هر که تیر اندازد به نشانه رساند (یعنی چنین نیست که هر کس به خاسته اش برسد).

۱۲۵۹- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن یونس بن عبد الرحمن یرفعه إلی أبی عبد الله (علیه السلام) قال: کان فیما أوصی به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) علیاً (علیه السلام):... یا علی! سید الأعمال ثلاث خصال: انصافک الناس من نفسک، ومواساه الأخ فی الله (عزوجل): و ذکر الله (تبارک و تعالی) علی کل حال، الخبر.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله وصیت هایی که پیامبر خدا به علی (علیه السلام) کرد این بود: یا علی! سرآمد عمل ها سه تا است: به مردم از جانب خود انصاف بدهی، و همراهی کردن با برادران دینی، و یاد خدا در هر حالتی.

۱۲۶۰- الکافی ۱/۱۷ ح ۱۳: عن هشام بن الحكم قال: قال لی أبو الحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام):...، یا هشام! إن العاقل نظر إلی الدنيا وإلی أهلها فعلم أنها لا تنال إلا بالمشقة ونظر إلی الآخرة فعلم أنها لا تنال إلا بالمشقة، فطلب بالمشقة أبقاهما، الخبر.

امام کاظم (علیه السلام) به هشام بن حکم فرمودند: ای هشام! به درستی که عاقل به دنیا و اهل آن می نگرد و می بیند که جز با مشقت بدان نمی رسد، و نیز به آخرت می نگرد و می بیند جز با مشقت بدان نمی رسد؛ پس با وجود مشقت در هر دو، یکی از آن دو را انتخاب می کند که باقی تر است.

۱۲۶۱- الخصال ۱۲۴ ح ۱۲۱: عن یونس بن عبد الرحمن یرفعه إلی أبی عبد الله (علیه السلام) قال: کان فیما أوصی به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) علیاً (علیه السلام):... یا علی! ثلاث خصال من مکارم الأخلاق: تعطی من حرمک، وتصل من قطعک وتعفو عمن ظلمک.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از جمله وصیت هایی که پیامبر خدا به علی (علیه السلام) نمودند این بود: یا علی! سه خصلت از اخلاق نیکو است: به کسی که تو را محروم کرده عطا کنی، و با کسی که تو را قطع کرده پیوند برقرار کنی، و کسی را که به تو ستم کرده ببخشی.

۱۲۶۲- بحار الأنوار ۶۴/۲۴۴ ح ۸۳: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) السقم يمحو الذنوب وقال (صلى الله عليه وآله وسلم): ساعات الوجع يذهبن ساعات الخطايا.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: بیماری گناهان را پاک می کند، لحظه هائی که آدمی درد می کشد گناه و معصیت ها را محو می سازد.

۱۲۶۳- الأمل للمفيد ۲۹۲ ح ۱: مسعده بن زياد قال: سمعت جعفر بن محمد (عليهما السلام) وقد سئل عن قوله تعالى: {فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ} (۱) فقال: إذا كان يوم القيامة قال الله تعالى للعبد: أكنت عالماً؟ فإن قال: نعم، قال له: أفلا عملت بما علمت؟ وإن قال: كنت جاهلاً، قال له: أفلا تعلمت؟ فيخصمه، فتلك الحجّة البالغة لله (عز وجل) على خلقه.

مسعده بن زياد گوید: از امام صادق (علیه السلام) از تفسیر این آیه «برای خداوند حجت رسا است» پرسش شده بود، و شنیدم که فرمودند: چون روز قیامت شود خدای متعال به بنده گوید: تو می دانستی یا نه؟ پس اگر گوید: آری، می فرماید: پس چرا به دانسته ات عمل نکردی؟ و اگر گوید: جاهل بودم: می فرماید: پس چرا نرفتی بیاموزی؟ بنابراین او را محکوم می نماید، و حجت رسای خدای تعالی بر بندگان خود همین است.

۱۲۶۴- الأمل للمفيد ۳۰۹ ح ۸: داود بن سليمان الغازی قال: حدّثنا الرضا علی بن موسى (عليهما السلام) قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد قال: حدّثني أبي محمد بن عليّ قال: حدّثني أبي الحسين قال: حدّثني أبي الحسين بن عليّ (عليهم السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): لو رأى العبد أجله وسرعه إليه لأبغض الأمل وترك طلب الدنيا.

داود بن سليمان غازی از حضرت رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارشانان (علیهم السلام) روایت کرده که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: اگر بنده ای مرگ و شتاب آمدن آن را به سوی خود ببیند هر آینه همه ی آرزوها را دشمن بدارد و دست از طلب دنیا بردارد.

سید جلیل علی بن طاوس (رحمه الله)

بعد از ترغیب نمودن دعا برای برادران دینی خطاب به فرزندش می گوید:

هرگاه این همه فضل دعاست برای برادران تو! پس چگونه خواهد بود فضل دعا کردن برای سلطان تو که سبب وجود توست و تو اعتقاد داری که اگر نبود آن جناب، نمی آفرید خداوند تو را و نه احدی از مکلفین را در زمان او و زمان تو، و اینکه لطف وجود او صلوات الله علیه سبب است از برای هر چه که تو و غیر تو در آنند، و سبب است از برای هر خیر که می رسد به آن.

پس حذر کن آنگاه حذر کن از اینکه مقدم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در ولا و دعای از برای آن جناب (علیه السلام) به غایت آنچه ممکن شود، و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعای از برای این سلطان عظیم الشأن.

و حذر کن از اینکه اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم برای اینکه آن جناب محتاج است به دعای تو، هیئات! که اگر این را معتقد شوی پس مرضی در اعتقاد و دوستی خود؛ بلکه این را گفتم برای آن چیزی که تو را شناساندم از حق عظیم آن جناب برای تو و احسان بزرگ او به سوی تو، و به جهت اینکه هرگاه دعا کردی برای او پیش از دعا کردن برای نفس خود، نزدیکتر خواهد بود آنکه باز نماید خداوند جل جلاله ابواب اجابت را در پیش روی تو؛ زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستی به سبب گناهان.

پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاص در نزد مالک احیا و اموات، امید است به جهت آن وجود مقدس، خداوند ابواب اجابت را باز نماید، پس داخل شو تو در دعا کردن برای نفس خود، زیرا که چنگ زدی در دعا کردن به حبل او.

و نگوئی که من ندیدم فلاں و فلاں را از کسانی که پیروی می کنی ایشان را از مشایخ خود که عمل بکنند به آنچه من می گویم و نیافتم ایشان را مگر غافل از مولای ما که اشاره کردم به سوی جنابش صلوات الله علیه. پس می گویم به تو که عمل کن به آنچه که می گویم به تو، که اوست حق واضح، و کسی که واگذارد مولای ما را و غافل شود چنان که ذکر نمودی پس آن غلطی است زشت و واضح.

(فلاح السائل: ص: ۴۴)

- التوبة، الآية ١١٩: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ } ١٥
- الأنعام، الآية ١٦٠: { مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا } ١٨
- يس، الآية ٨٣: { فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ } ٢٢
- يوسف، الآية ٢٤: { لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ } ٢٢
- النمل، الآية ١٩: { فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا } ٢٦
- النمل، الآية ١٨: { يَا أَيُّهَا النَّملُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ } ٢٦
- الحج، الآية ٢١: { وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ } ٣٢
- الأنعام، الآية ١٤٩: { فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ } ٣٤
- المعارج، الآية ٤: { فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ } ٣٦
- فاطر، الآية ٣٧: { أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ } ٤٨
- النمل، الآية ٨٩: { وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمِنِذٍ آمِنُونَ } ٤٨
- آل عمران، الآية ٣١: { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ } ٤٩
- الكهف، الآية ١١٠: { قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ } ٤٩
- القصص، الآية ٧٧: { وَلَا تَنْسَ نَصِيحَتَكَ مِنَ الدُّنْيَا } ٥١
- آل عمران، الآية ١٣٥: { وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ } ٦٤
- آل عمران، الآية ٨٣: { وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ } ٨٧
- البقرة، الآية ٢٢٢: { إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ } ٩٦
- يس، الآية ١٢: { وَنَكَتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ } ١٠١

لقمان، الآية ١٦: {إِنَّهَا إِنْ تَكَّ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ} ١٠١

البقرة، الآية ٤٣: {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ} ١٠٢

البقرة، الآية ٢٦٨: {الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} ١١٨

الأعراف، الآية ١٧٢: {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى} ١٣٠

النساء، الآية ٣٢: {وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ} ١٣٤

يوسف، الآية ٢: {إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ} ١٥٥

القدر، الآية ٤: {تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْذُنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ} ١٥٥

المائدة، الآية ٥٥: {إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا} ١٦٠

الرعد، الآية ٢٨: {الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ} ١٦٦

الزخرف، الآية ٤٤: {وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ} ١٨٣

الأعراف، الآية ١٨٠: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا} ١٨٦

الزخرف، الآية ١٣ و ١٤: {سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ} ١٩٨

- غافر، الآية ٦٠: { اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ } ٢٠٤
- الحجر، الآية ٣٦ - ٣٨: { رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُنْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ } ٢١١
- النمل، الآية ٤٠: { قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ } ٢١٩
- البقرة، الآية ١٥٦: { إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ } ٢٣٦
- الزمر، الآية ١٨: { الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ } ٢٥٢
- الأعراف، الآية ٣١: { خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ } ٢٦٦
- البينة، الآية ٧: { الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ } ٢٧٤
- الفتح، الآية ٦: { الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُنَّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا } .. ٢٩٦
- الفرقان، الآية ٧٧: { قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ } ٣٠٥
- آل عمران، الآية ١٠٣: { وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا } ٣٠٥
- البقرة، الآية ٦٩: { صَفَرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ } ٣٠٦
- الإخلاص، الآية ١ و ٢: { قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ } ٣٠٨
- الحديد، الآية ٦: { وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ } ٣٠٨
- البقرة، الآية ٢٠١: { رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً } ٣٠٩
- الرعد، الآية ٢٨: { أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ } ٣٠٩
- الفرقان، الآية ٤٤: { إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا } ٣١٦
- الغاشية، الآية ٢٥ و ٢٦: { إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ } ٣٢٥
- القلم، الآية ٤٤: { سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ } ٣٣٤
- النور، الآية ١٩: { إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } ٣٣٩

ق، الآيه ١٧: {عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ} ٣٤٢

الفجر، الآيه ٢٧ - ٣٠: {رَبِّمَا أَيْتَاهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي}

..... ٣٤٢

الأعراف، الآيه ١٨٠: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا} ٣٥٣

الزخرف، الآيه ١٣ و ١٤: {سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ} ٣٦٢

الجن، الآيه ٢٦: {عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا} ٣٧١

الأعراف، الآيه ٤٦: {وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ} ٣٧٦

١. إثبات الهداه، الحرّ العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق)، قم المطبعة العلميه.
٢. إثبات الوصيه، أبو الحسن عليّ بن الحسين المسعودي، المتوفى: ٣٤٦ (ه.ق)، قم مؤسسه أنصاريان، ١٤١٧ (ه.ق).
٣. الاحتجاج، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق)، تحقيق، تعليق وملاحظات: السيّد محمّد باقر الخرسان، نشر: دار النعمان للطباعه والنشر، النجف الأشرف، ١٣٨٦ (ه.ق).
٤. الاختصاص، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، السيّد محمود الزرندی، نشر: دار المفيد للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.
٥. اختيار معرفه الرجال، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠، تحقيق: السيّد مهدي الرجائي، نشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤٠٤ (ه.ق).
٦. الأربعون حديثاً، الشهيد الأول، المتوفى: ٧٨٦ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٧ (ه.ق).
٧. إرشاد القلوب، الحسن بن أبي الحسن الديلمي، المتوفى: ٨ (ه.ق)، نشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٣٩٨ (ه.ق)، الطبعة الرابعه.
٨. الإرشاد، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لتحقيق التراث، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.
٩. الأصول الستّه عشر من الأصول الأوّليه، عدّه من الأصحاب، تحقيق ضياء الدين المحمودي، نشر: دار الحديث للطباعه والنشر، ١٤٢٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٠. أعلام الدين في صفات المؤمنين، الحسن بن أبي الحسن الديلمي، المتوفى: ٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم.
١١. إقبال الأعمال، السيّد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٥ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٢. إلزام الناصب في إثبات الحجّه الغائب، الشيخ عليّ اليزدي الحائري، المتوفى: ١٣٣٣ (ه.ق)، تحقيق: السيّد عليّ عاشور.
١٣. الأمالي، السيد المرتضى، المتوفى: ٤٣٦ (ه.ق)، تحقيق: السيّد محمّد بدر الدين النعساني الحلبي، نشر: مكتبه آيه الله العظمى

المرعشى النجفى، الطبعة الأولى، ١٣٢٥ (ه.ق).

١٤. الأمالى، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه، مؤسسسه البعثه، قم، نشر: مركز الطباعه والنشر فى مؤسسسه البعثه، ١٤١٧، الطبعة الأولى.

١٥. الأمالى، الشيخ الطوسى، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه - مؤسسسه البعثه -، نشر: دار الثقافه للطباعه والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

١٦. الأمالى، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: حسين الأستاذ ولى، على أكبر الغفارى، نشر: دار المفيد للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.

١٧. الإمامه والتبصره، ابن بابويه القمى، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

١٨. بحار الأنوار، العلامة المجلسي، المتوفى: ١١١١ (ه.ق)، الطبعة الثانية المصححة، نشر: مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ (ه.ق).
١٩. بشاره المصطفى، محمّد بن علي الطبري، المتوفى: ٥٢٥ (ه.ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤٢٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٢٠. بصائر الدرجات، محمّد بن الحسن الصفّار، المتوفى: ٢٩٠ (ه.ق)، تحقيق: الحاج ميرزا حسن كوجه باغي، نشر: منشورات الأعلمي، طهران، ١٤٠٤ (ه.ق).
٢١. تأويل الآيات، شرف الدين الحسيني، المتوفى: ٩٦٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٢٢. تحف العقول، ابن شعبه الحرّاني، المتوفى: ٤ (ه.ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٢٣. تحفه الأبرار، عماد الدين حسن بن عليّ الطبري، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق)، أوائل سنه ٨ (ه.ق)، تعريب: عبد الرحيم مبارك، النشر: مؤسسه الطبع والنشر التابعه للآستانه الرضويّه المقدّسه، الطبعة الأولى، ١٤٢٤ (ه.ق).
٢٤. تفسير الإمام العسكري (عليه السلام)، المنسوب إلى الإمام العسكري (عليه السلام)، المتوفى: ٢٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى محقّقه.
٢٥. تفسير العيّاشي، محمّد بن مسعود العيّاشي، المتوفى: ٣٢٠ (ه.ق)، تحقيق: الحاج السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، نشر: المكتبه العلميه الإسلاميه، طهران.
٢٦. تفسير القمّي، علي بن إبراهيم القمّي، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح، تعليق وتقديم: السيّد طيب الموسوي الجزائري، نشر: مؤسسه دار الكتاب للطباعه والنشر، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الثالثه.
٢٧. تفسير فرات الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي، المتوفى: ٣٥٢ (ه.ق)، تحقيق: محمّد الكاظم، نشر: مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامي، طهران، ١٤١٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٢٨. التمهيد، محمّد بن همام الإسكافي، المتوفى: ٣٣٦ (ه.ق)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم.
٢٩. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق وتعليق: السيّد حسن الموسوي الخراساني، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٦٤ (ه.ش)، الطبعة الثالثه.
٣٠. التوحيد، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: السيّد هاشم الحسيني الطهراني، نشر: منشورات

جماعه المدرّسين فى الحوزه العلميه فى قم المقدسه.

٣١. الثاقب فى المناقب، ابن حمزه الطوسى، المتوفى: ٥٦٠ (ه.ق)، تحقيق: نبيل رضا علوان، نشر: مؤسسه أنصاريان للطباعه والنشر، قم، ١٤١٢ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.

٣٢. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق وتقديم: السيد محمد مهدي الخراسان، نشر: منشورات الشريف الرضى، قم، ١٣٦٨ (ه.ش)، الطبعة الثانيه.

٣٣. جامع الأخبار، الشيخ محمّد السبزواري، المتوفى: ٧ (ه.ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، نشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤١٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٣٤. الجواهر الستية، الحرّ العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق)، الطبعة ١٣٨٤ (ه.ق).

٣٥. الخرائج والجرائح، قطب الدين الراوندي، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى، كامله محققه.

٣٦. خصائص الأئمة، الشريف الرضي، المتوفى: ٤٠٦ (ه.ق)، تحقيق: محمّد هادي الأميني، نشر: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ١٤٠٦ (ه.ق).

٣٧. الخصال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: منشورات جماعه المدرّسين في الحوزه العلميه في قم المقدّسه، ١٤٠٣.

٣٨. الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملي، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه.

٣٩. الدرّه الباهره من الأصداف الطاهره، الشهيد الأوّل، المتوفى: ٧٨٦ (ه.ق)، تحقيق: جلال الدين علي الصغير.

٤٠. دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، نشر: دار المعارف، القاهره، ١٣٨٣.

٤١. الدعوات، قطب الدين الراوندي، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، الطبعة الأولى ١٤٠٧ (ه.ق).

٤٢. دلائل الإمامه، محمّد بن جرير الطبري (الشيخي)، المتوفى: ٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسه البعثه - قم، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٤٣. رسائل، الشهيد الثاني، المتوفى: ٩٦٦ (ه.ق)، الطبعة الحجرية، نشر: منشورات مكتبه بصيرتي، قم.

٤٤. روضه الواعظين، الفتّال النيسابوري، المتوفى: ٥٠٨ (ه.ق)، تحقيق وتقديم: السيّد محمّد مهدي الخرسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم.

٤٥. الروضه في فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق)، تحقيق: علي الشكرجي، ١٤٢٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٤٦. شرح إحقاق الحق، السيّد المرعشى، المتوفّى: ١٤١١ (ه.ق)، تعليق: السيّد شهاب الدين المرعشى النجفى، تصحيح: السيّد إبراهيم الميانجى، كتابه: محمود الحسينى المرعشى وميرزا على أكبر الإيرانى.

٤٧. شهاب الأخبار، قاضى قضائى، المتوفّى: ٤٥٤ (ه.ق)، نشر: مؤسسه دار الحديث، ١٣٨٣ (ه.ش)، الطبعة الأولى.

٤٨. صحيفه الرضا (عليه السلام)، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٨ (ه.ق).

٤٩. الصحيفه السجّاديه الكامله، الإمام زين العابدين (عليه السلام)، المستشهد: ٩٤ (ه.ق)، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، الطبعة الحجريه ١٤٠٤ (ه.ق).

٥٠. صفات الشيعه، الشيخ الصدوق، المتوفّى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق ونشر: كانون إنتشارات عابدى، تهران.

٥١. علل الشرائع، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: السيد محمد صادق بحر العلوم، نشر: منشورات المكتبة الحيدريّة ومطبعتها، النجف الأشرف، ١٣٨٥ (ه.ق).

٥٢. عوالي اللثالي، ابن أبي جمهور الأحسائي، المتوفى: ٨٨٠ (ه.ق)، تحقيق: الحاج آقا مجتبي العراقي، ١٤٠٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥٣. عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تصحيح وتذييل: السيد مهدي الحسيني اللاجوردي، نشر: رضا المشهدي، قم، ١٣٦٣ (ه.ش) الطبعة الثانية.

٥٤. عيون الحكم والمواعظ، علي بن محمّد الليثي الواسطي، المتوفى: ٦ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ حسين الحسيني البيرجندي، نشر: دار الحديث، الطبعة الأولى.

٥٥. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، المتوفى: ٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: محمد كاظم الشيخ صادق الكتبي، ١٣٦٩ (ه.ق).

٥٦. الغيبة، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ عباد الله الطهراني، الشيخ علي أحمد ناصح، نشر: مؤسسه المعارف الإسلاميه، قم، ١٤١١ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥٧. الغيبة، محمد بن إبراهيم النعماني، المتوفى: ٣٨٠ (ه.ق)، تحقيق: فارس حسون كريم، نشر: أنوار الهدى، ١٤٢٢ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥٨. فضائل الشيعة، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق ونشر: كانون إنتشارات عابدي، تهران.

٥٩. الفضائل، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدريّة ومكتبتها، النجف الأشرف، ١٣٨١ (ه.ق).

٦٠. قرب الإسناد، الحميري القمي، المتوفى: ٣٠٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٦١. قصص الأنبياء، الراوندي، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق)، تحقيق: الميرزا غلام رضا عرفانيان اليزدي الخراساني، نشر: الهادي، ١٤١٨ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٦٢. الكافي، الشيخ الكليني، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٦٣ (ه.ش)، الطبعة الخامسة.

٦٣. كامل الزيارات، جعفر بن محمّد بن قولويه، المتوفى: ٣٦٧ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ جواد القيومي لجنه التحقيق، نشر: مؤسسه

نشر الفقاهه، ١٤١٧ (ه.ق)، الطبعه الأولى.

٦٤. كتاب الزهد، الحسين بن سعيد الكوفي، المتوفى: ٣ (ه.ق)، تحقيق: ميرزا غلام رضا عرفانيان، ١٣٩٩ (ه.ق).

٦٥. كتاب المؤمن، الحسين بن سعيد، المتوفى: ٣ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعه الأولى.

٦٦. كفايه الأثر، الخزاز القمي، المتوفى: ٤٠٠ (ه.ق)، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوهكمري الخوئي، نشر: إنتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ (ه.ق).

٦٧. كمال الدين وتمام النعمه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٥ (ه.ق).

٦٨. مائه منقبه، محمّد بن أحمد القمّي، المتوفّي: ٤١٢ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٧ (ه.ق.)، الطبعة الأولى المحقّقه المسنده.
٦٩. محاسبه النفس، الشيخ إبراهيم الكفعمي، المتوفّي: ٩٠٥ (ه.ق.)، تحقيق: الشيخ فارس الحسون، نشر: مؤسسه قائم آل محمّد (عج.)، قم، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٠. المحاسن، أحمد بن محمّد بن خالد البرقي، المتوفّي: ٢٧٤ (ه.ق.)، تحقيق: السيّد جلال الدين الحسيني (المحدّث)، نشر: دار الكتب الإسلاميّه، طهران، ١٣٧٠ (ه.ق.).
٧١. المحتضر، الشيخ حسن بن سليمان الحلّي، المتوفّي: ٨ (ه.ق.)، تحقيق: سيّد عليّ أشرف، نشر: إنتشارات المكتبه الحيدريّه، ١٤٢٤ (ه.ق.).
٧٢. مختصر بصائر الدرجات، الشيخ حسن بن سليمان الحلّي، المتوفّي: ٨ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعه الحيدريّه، النجف الأشرف، ١٣٧٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٣. مدينه المعاجز، السيّد هاشم البحراني، المتوفّي: ١١٠٧ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه المعارف الإسلاميّه، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٤. المزار، الشيخ المفيد، المتوفّي: ٤١٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيّد محمّد باقر الأبطحي، نشر: دار المفيد للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.
٧٥. المزار، محمّد بن المشهدي، المتوفّي: ٦١٠ (ه.ق.)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: نشر القيوم، قم، ١٤١٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٦. مستدرك الوسائل، الميرزا النوري، المتوفّي: ١٣٢٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بيروت، ١٤٠٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى المحقّقه.
٧٧. مستطرفات السرائر، ابن إدريس الحلّي، المتوفّي: ٥٩٨ (ه.ق.)، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤١١ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.
٧٨. مشارق أنوار اليقين، الحافظ رجب البرسي، المتوفّي: ٨١٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيّد عليّ عاشور، نشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤١٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٩. مشكاه الأنوار، علي الطبرسي، المتوفّي: ٧ (ه.ق.)، تحقيق: مهدي هوشمند، نشر: دار الحديث، قم، ١٤١٨ (ه.ق.)، الطبعة

٨٠. مصادقه الإخوان (فارسي)، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: السيد علي الخراساني الكاظمي، نشر: مكتبة الإمام صاحب الزمان العامه - الكاظميه - العراق.

٨١. مصباح الزائر، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤١٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٨٢. مصباح الشريعة، المنسوب للإمام الصادق (عليه السلام)، المتوفى: ١٤٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٨٣. مصباح المتهجد، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، ١٤١١ (ه.ق) الطبعة الأولى.

٨٤. معاني الأخبار، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٣٧٩ (ه.ق).

٨٥. معدن الجواهر، أبو الفتح الكراجكي، المتوفى: ٤٤٩ (ه.ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، ١٣٩٤ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٨٦. مقتضب الأثر، أحمد بن عياش الجوهرى، المتوفى: ٤٠١ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مكتبة الطباطبائي، قم.
٨٧. مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات الشريف الرضى، ١٣٩٢ (ه.ق)، الطبعة السادسة.
٨٨. مكيال المكارم، ميرزا محمّد تقي الأصفهاني، المتوفى: ١٣٤٨ (ه.ق)، تحقيق: السيد علي عاشور، نشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٢١ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٨٩. من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفّاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، الطبعة الثانية.
٩٠. المناقب (كتاب العتيق)، السيد محمّد بن علي بن الحسين العلوي، المتوفى: ٥ (ه.ق)، تحقيق: السيد الحسين الموسوي، نشر: دليل ما، قم، ١٤٢٨ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٩١. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، المتوفى: ٥٨٨ (ه.ق)، تحقيق: لجنة من أساتذته النجف الأشرف، نشر: المكتبة الحيدريّه، النجف الأشرف، ١٣٧٦ (ه.ق).
٩٢. المواعظ، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، نشر: المكتبة المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريّه.
٩٣. نزهه الناظر وتبنيه خاطر، الحلواني، المتوفى: ٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٨ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٩٤. نهج البلاغه، السيد الشريف الرضى، المتوفى: ٤٠٦ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ محمّد عبده، نشر: دار الذخائر، قم، ١٤١٢ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٩٥. نهج الفصاحه، أبو القاسم پاينده، المعاصر، نشر: جاويدان.
٩٦. نوائب الدهور، العلامه السيد حسن الميرجهاني، المتوفى: ١٤١٣ (ه.ق)، نشر: المكتبة الصدر.
٩٧. النوادر، فضل الله الراوندي، المتوفى: ٥٧١ (ه.ق)، تحقيق: سعيد رضا علي عسكري، نشر: مؤسسه دار الحديث الثقافيه، قم، الطبعة الأولى.
٩٨. الهدايه الكبرى، الحسين بن حمدان الخصيبي، المتوفى: ٣٣٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه البلاغ للطباعه والنشر والتوزيع،

بيروت، ١٤١١ (ه.ق)، الطبعة الرابعة.

٩٩. اليقين، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق: الأنصاري، نشر: مؤسسه دار الكتاب (الجزائري)، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

١٠٠. ينابيع المعاجز، السيد هاشم البحراني، المتوفى: ١١٠٧ (ه.ق).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

